

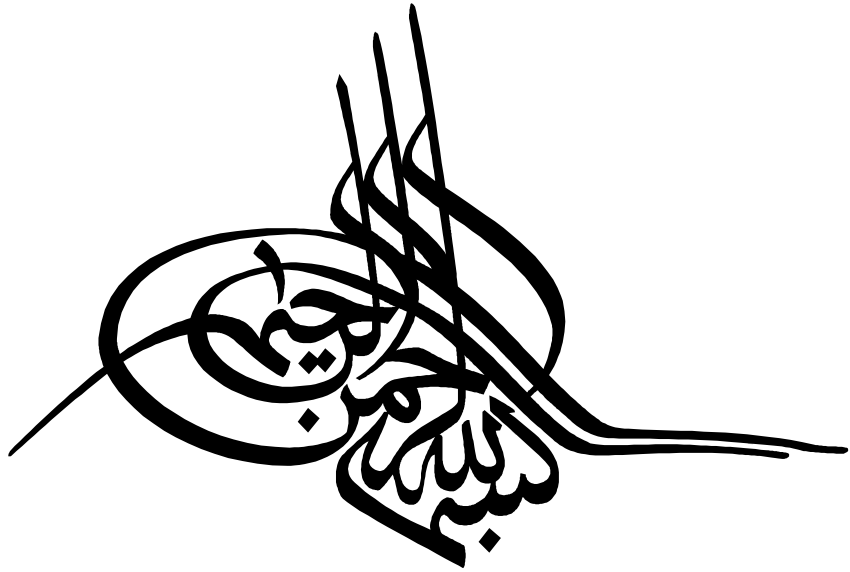
۱۷	طراحی مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی ایران فرناز سادات میرحسینی، نجف آقایی، مرجان صفاری
۳۵	نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه درسی علوم ورزشی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های استان مرکزی) زینب مندعلی‌زاده، اسفندیار خسروی‌زاده
۶۳	تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر خودسودمندی کاربایی دانش‌آموختگان علوم ورزشی سجاد غلامی ترکسلویه، بهرام یوسفی، شیرین زردشتیان
۸۳	سیاست‌گذاری فرهنگی ورزش دانشجویی در ایران: ارائه الگو عباس قشمی‌میمند، محمد پورکیانی، محمد مهدی رحمتی
۱۰۱	تأثیر رویکرد معلم‌محور و جو تبحرگرا بر سطح فعالیت بدنی دانش‌آموزان دختر زیر ۸ سال شهرکرد معصومه قهرمان، فرهاد قدیری، عباس بهرام
۱۲۱	شناسایی کارکردهای باشگاه‌های ورزشی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران پروانه سواری نیکو، احمد علی آصفی
۱۳۹	تحلیل گرایش‌های اخلاقی دانشجویان ورزشکار: نقش دین‌داری، جنسیت و نوع رشته ورزشی علی بنسبدری، احمد نظری توشیزی، ندا مؤید
۱۵۹	شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی احسان محمدی ترکمانی، حمید نریمان، حسین خنیفر
۱۸۷	تأثیر آموزش هوش هیجانی بر مهارت‌های دقت پرتاب، هماهنگی دو دستی، تعادل و بازیافت تمرکز در دانش‌آموزان ورزشکار امیر شمس، لیلا ریاحی فارسانی، ماندانا سنگاری
۲۰۷	تحلیل خوشه‌ای اثرات فعالیت بدنی بر اضطراب مرگ و معنای زندگی سالمندان شهر تهران سید ولی الله موسوی، المیرا حومنی، سجاد رضائی، امیر قربان پور لقمجانی
۲۲۹	آسیب شناسی اجرای برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت دوره اول متوسطه بر اساس الگوی اکر پروین ذوالقدری، مرجان کیان، مجید علی عسگری، علیرضا الهی
۲۵۳	طراحی برنامه راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مهدی احمدیان جلوداری، شهرام علم، ولی نوذری
۲۷۷	شناسایی و تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی در ورزش ایران محمدحسین قربانی، مرجان امیر مقدم، حسین زارعیان
۳۰۵	الویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیسم در مدارس با استفاده از روش دلفی فازی و تاپسیس مازیار مقدادی، محمدرضا اسماعیلی، فرزاد غفوری
۳۲۹	اثر محیط حامی-نیاز بر عملکرد ورزشی دانش‌آموزان دوره ابتدایی حسین محمدی ثانوی، حسن محمدزاد، بهزاد بهزادنیا

شماره هفده

پاییز و زمستان ۱۳۹۸



The Modeling of Professional Competence of Iranian Physical Education Teachers F. Sadat Mirhosseini, N. Aghaei, M. Saffari	7
Entrepreneurial Educational Needs Assessment in the Curriculum of Sport Sciences (Case Study: Universities of Markazi Province) Z. Mondalizadeh, E. Khosravizadeh	8
Effect of Personality Characteristics on the Job-Search Self-Efficacy of Graduates of Sports Science S. Gholami Torkesaluye, B. yousefy, Sh. Zardoshtian	9
Cultural Policy of Students' Sports in Iran, Presentation of Model A. Ghesmi Meimand, M. Pourkiani, M M. Rahmati	10
Effects of Teacher Centered and Mastery Motivational Climate Approach On the physical activity level of girls under 8 years old in Shahrekord M. Ghahraman, F. Ghadiri, A. Bahram	11
Identification of Sports Clubs Functions to Institutionalize Ethics in Athletes P. Savari Nikou, A. Asefi	12
Evaluating the Ethical Attitudes of Athlete Students: The Role of Religiosity, Gender and Type of Sport A. Benesbordi, A. Nazari Torshizi, N. Moayed	13
Identification and Comparison of Values and Sport Experiences between Iranian Generations) E. Mohamadi Turkmani, H. Nariman, H. Khanifar	14
Effect of Emotional Intelligence Training on Throwing Accuracy, Bimanual Coordination, Balance and Refocusing among Athlete's Students A. Shams, L. Riahi Farsani, M. Sangari	15
Cluster Analysis of the Physical Activity Effects on Death Anxiety and Meaning in Life in the Elderly of Tehran V. Mousavi, E. Houmani, S. Rezaei, A. Qorbanpoor lafmejani	16
Pathology of the Implementation of Physical Education and Health Curriculum in First level Secondary School, based on Aker Model P. Zolghadri, M. Kian, M. Aliasgari, A. R. Elahi	17
Designing Strategic Plan of Administration of Physical Education of the Farhangian University Based on the 1404 Landscape Document M. Ahmadian Jelodari, Sh. Aalam, V. Nozari	18
Identification and Formulation of a Model of Ethical Values in Iranian Sport M. H. Ghorbani, M. Amiri-Moghaddam, H. Zareian	19
Prioritize the Approaches and Methods of Teaching Olympism in Schools Using the Fuzzy Delphi and TOPSIS Method M. Meghdadi, M. R. Esmacili, F. Ghafouri	20
Effect of Need-Supportive Environment on Sport Performance of Primary School Students H. Mohammadi Sanavi, H. Mohammadzadeh, B. Behzadnia	21



دو فصلنامه علمی – پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

سال هفتم، شماره هفدهم

پاییز و زمستان ۱۳۹۸

شماره استاندارد بین المللی: ۲۷۲۱-۲۵۳۸

این نشریه بر اساس گواهی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی
در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه‌سازی گردیده است.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

دو فصلنامه علمی- پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

- مدیرمسئول: علی شریف‌نژاد
- سردبیر: رضا اندام
- دبیر تخصصی: محمدحسین قربانی
- مدیر داخلی: سمیرا غلامیان
- هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)
 - ✓ رضا اندام (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود)
 - ✓ محمد جوادی‌پور (دانشیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تهران)
 - ✓ مهرزاد حمیدی (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران)
 - ✓ محمدحسین رضوی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه مازندران)
 - ✓ محمد مهدی رحمتی (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان)
 - ✓ حسین زارعیان (استادیار مدیریت ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
 - ✓ مهدی طالب‌پور (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد)
 - ✓ ابوالفضل فراهانی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه پیام نور)
 - ✓ محمد حسین قربانی (استادیار مدیریت ورزشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
 - ✓ حبیب هنری (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی)
- صاحب امتیاز: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- چاپخانه: کیامرئی
- شماره استاندارد بین‌المللی : 2538-2721
- شماره پیاپی: ۱۷- پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱
- تلفن: ۸۸۷۵۰۸۸۴ دورنگار: ۸۸۷۵۰۸۸۴
- نشانی پست الکترونیک: journal@ssrc.ac.ir
- نشانی سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی: Journals.ssrc.ac.ir

اسامی مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفباء)

- دکتر محمدرضا اسماعیلی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر علی اکبر آقایی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر فرشاد امامی (استادیار دانشگاه آزاد واحد آیت الله آملی)
دکتر رضا اندام (دانشیار دانشگاه صنعتی شاهرود)
دکتر علیرضا بهرامی (دانشیار دانشگاه اراک)
دکتر محمد پورکیانی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر زهرا تسلیمی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر محسن حلاجی (استادیار دانشگاه فرهنگیان)
دکتر اسفندیار خسروی زاده (دانشیار دانشگاه اراک)
دکتر زهره رضایی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر حسام رمضان زاده (استادیار دانشگاه دامغان)
دکتر رحیم رضانی نژاد (استاد دانشگاه گیلان)
دکتر حسین زارعیان (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
دکتر علی صابری (استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران)
دکتر حمیدرضا صفری جعفرلو (استادیار دانشگاه جهرم)
دکتر رسول فرجی (استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)
دکتر حمید قاسمی (دانشیار دانشگاه پیام نور)
دکتر محمدحسین قربانی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
دکتر محمد کشتی دار (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ولی اله کاشانی (استادیار دانشگاه سمنان)
دکتر ژاله معماری (دانشیار دانشگاه الزهرا)
دکتر مجید نامور (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر محسن وحدانی (دکترای مدیریت ورزشی)

اصول نگارش و ارسال مقاله برای نشریه علمی و پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

مجله علمی- پژوهشی پژوهش در ورزش تربیتی اولویت ارزیابی، دآوری و انتشار را به مقالاتی اختصاص خواهد داد که از قرابت موضوعی و مفهومی بیشتری با حوزه تخصصی مزبور برخوردار باشند.

حیطه های پذیرش مقاله:

- نظام های تعلیم و تربیت در ورزش
- آموزش و یادگیری تربیت بدنی و علوم ورزشی
- مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، تکنولوژی و کیفیت خدمات آموزشی در تربیت بدنی و علوم ورزشی
- آینده پژوهی و مطالعات راهبردی در ورزش تربیتی
- مطالعات مبانی اسلامی در ورزش تربیتی
- فلسفه و تاریخ تربیت بدنی و علوم ورزشی
- جامعه شناسی و روانشناسی تعلیم و تربیت در حوزه ورزش
- مدیریت دانش و سرمایه های اجتماعی در ورزش
- مطالعات فرهنگی در محیط های ورزشی
- سواد حرکتی و ورزشی
- مطالعات حقوق و اخلاق در ورزش
- سبک زندگی و غنی سازی اوقات فراغت جامعه از طریق ورزش
- ورزش همگانی و ترویج آن در جامعه

اصول کلی

- مقاله ارسالی باید اصیل باشد.
- مقاله های ترجمه شده، تحلیلی، موردی و تک بررسی، برای چاپ در این مجله اولویت ندارند.
- مقاله مروری از اشخاص مجرب، که حداقل ۲۰ مقاله در موضوعات مرتبط در نشریات داخلی یا خارجی چاپ کرده باشند، پذیرفته می شود و باید شامل عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی، کلیات و تاریخچه ای در مورد موضوع، هدف از انجام پژوهش، مطالب علمی و مطالعات انجام شده درباره موضوع، تجزیه و تحلیل و بحث در رابطه با پژوهش های ارائه شده و نتیجه گیری باشد. نتیجه گیری باید شامل جمع بندی و نتیجه کلی باشد. همچنین پیشنهادهای سازنده برای آینده بیان شود. علاوه بر آن، پژوهش باید دربردارنده گزارش موارد نادر و جالب، شرح حال مربوط به مراجع، بحث درباره گزارش تهیه شده، بدون نیاز به مروری بر مقالات و کارهای انجام شده قبلی، نکات مهم و مورد توجه و بیان آموخته های قبلی پژوهشگر به تناسب موضوع باشد.
- نویسندگان مقالات موظف به رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در نگارش مقالات خود می باشند.

شیوه نامه ارسال مقالات

مقالات باید از طریق سامانه نشریه پژوهش در ورزش تربیتی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی www.journals.ssrc.ac.ir به صورتی که شرح داده شده است، ارسال شود.

تمامی مقالاتی که به صورت الکترونیکی در سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی ثبت گردند در ابتدا توسط سردبیر نشریه بررسی و در صورت دارا بودن ملاک های لازم برای انجام بررسی های تخصصی بیشتر وارد فرایند داوری می شوند. این مقالات، بدون نام نویسندگان توسط حداقل ۲ داور که از سوی سردبیر و هیات تحریریه انتخاب می شوند ارزیابی خواهند شد و نویسنده مسئول از پذیرش، رد یا نیاز به اعمال اصلاحات درخواستی از سوی داوران در اسرع وقت مطلع خواهد شد. چنانچه مقاله کاملاً مطابق موارد ذکر شده در این راهنما بوده و پذیرش کامل داوران را نیز اخذ نماید، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت. استفاده از مندرجات مجله با ذکر کامل مأخذ آزاد است.

نحوه تنظیم مقالات

- مطالب مقاله به صورت یک ستونی با رعایت حاشیه لازم (حداقل ۲ سانتی متر از هر طرف) با قلم B-Nazanin 12 برای متون فارسی و قلم Times New Roman 13 برای متون انگلیسی تایپ شوند.

- تعداد صفحات مقاله نباید از ۱۵ صفحه (تمامی بخش ها شامل صفحه اول، چکیده، متن اصلی، فهرست منابع و جداول) تجاوز کند.

- مقاله باید ضمن رعایت قواعد دستوری، به فارسی سلیس و روان نوشته شده باشد و تا حد امکان از کاربرد اصطلاحات بیگانه که معادل مناسب فارسی دارند، پرهیز گردد. در صورتی که واژه جایگزین فارسی مصطلح یا مناسب نباشد، می توان با حروف فارسی از آوانویسی استفاده و اصل واژه انگلیسی در زیرنویس نگاشته شود. همچنین مولف باید معادل انگلیسی نام های خارجی و اصطلاحات مورد استفاده را در پایین صفحه زیر نویس نماید. شماره زیرنویس ها در هر صفحه از شماره یک شروع شود.

واژه ها و یا عباراتی که بصورت علائم اختصاری بکار برده می شوند نیز در اولین استفاده، نام کامل آنها ذکر گردد. البته در خصوص واژه های اختصاری و مخفف و نمادها لازم به ذکر است که فقط موارد استاندارد آنها قابل استفاده می باشد و به هیچ وجه در عنوان و چکیده ها نباید مورد استفاده قرار گیرند. تمامی متن اصلی مقاله می بایست دارای شماره صفحه (در پایین و مرکز صفحه) باشد.

- **فایل مشخصات نویسندگان:** شامل عنوان مقاله (عنوان مقاله، با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات، نباید از ۶۰ حرف تجاوز کند)، نام و نام خانوادگی نویسندگان همراه با درجه علمی و محل اشتغال آنها به دو زبان فارسی و انگلیسی، و در صورت وجود مؤسسه ناظر، حامیان مالی و محل انجام پژوهش باشد. هنگامی که مولف محل کار یا وابستگی ندارد، باید رتبه تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل خود را در زیر نام و نام خانوادگی خود بنویسد. نشانی، تلفن و پست الکترونیک نویسنده مسئول (همراه با ذکر نام نویسنده مسئول) به صورت مشخص باید ذکر گردد. تمامی مکاتبات نشریه تنها با نویسنده مسئول انجام خواهد شد.

- **صفحه اول فایل اصلی:** عنوان فارسی مقاله، چکیده فارسی و کلید واژگان به ترتیب ذکر می‌گردند. چکیده مقاله در یک پاراگراف، حداکثر ۲۵۰ کلمه و در متن آن هدف، روش‌ها، یافته‌ها و نتیجه‌گیری ذکر شده باشد (نیازی نیست تا در متن چکیده این چهار بخش تفکیک شده و عنوان هر بخش ذکر گردد). در متن چکیده از فعل‌های معلوم استفاده شود. برای توصیف آنچه انجام شده از فعل گذشته و برای نتیجه‌گیری از فعل زمان حال استفاده گردد. از ذکر مقدار سطح معنی‌داری، آر و منابع استفاده شده برای آزمون یا پرسش‌نامه و استفاده از کلمات، حروف و علائم اختصاری انگلیسی در چکیده کوتاه اجتناب شود. کلید واژگان نیز بین ۳-۵ کلمه بوده و با کاما از یکدیگر جدا شوند.

- **صفحه دوم:** شامل عنوان انگلیسی مقاله، چکیده انگلیسی و کلید واژگان مرتبط می‌باشد. شایسته است چکیده انگلیسی و کلید واژگان دقیقاً با چکیده و کلید واژگان فارسی مطابقت نماید.

اصل مقاله باید شامل موارد زیر باشد:

- متن اصلی مقاله به ترتیب شامل ۶ بخش مقدمه، روش‌شناسی، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری، تشکر و قدردانی و منابع می‌باشد. کلیه بخش‌های فوق به صورت مجزا و با همین عناوین باید بیان شوند. در مقابل این عناوین از قرار دادن علامت " : " پرهیز گردد.

- **مقدمه:** مقدمه باید توضیح دهد که مساله چیست؟ چگونه با کارهای قبلی مرتبط است و چه تفاوتی با آنها دارد؟ این بخش در دو تا سه صفحه به گزارش بیان مسئله با مروری بر مطالعات گذشته، چالش‌های موجود در این مسئله، ضرورت، کاربرد نتایج و اهداف تحقیق می‌پردازد. در نوشتن مقدمه از نوشتن مطالب عمومی، غیر ضروری و غیر مفید خودداری کنید. همچنین مقدمه نباید به گونه‌ای نوشته شود که فقط برای افراد حرفه‌ای قابل استفاده باشد.

- **روش‌شناسی:** روش‌شناسی به نحوی باید نوشته شود که هر خواننده‌ای بتواند با آن، تجربه نویسنده مقاله را تکرار کند. در این بخش جزئیات روش تحقیق و علت انتخاب آن، مدت زمان اجرای طرح و پی‌گیری، زمان و مکان اجرای تحقیق، نمونه‌های مورد آزمون و ملاک انتخاب آنها، روش نمونه‌گیری و منطق تعداد نمونه، نحوه جمع‌آوری اطلاعات، رعایت موازین اخلاق در پژوهش، ابزارهای اندازه‌گیری (روایی و پایایی وسایل و ابزارها در خارج و داخل کشور) آزمون‌های آماری مورد استفاده می‌بایست گزارش شود.

- **نتایج:** نتایج شامل شرح کامل یافته‌های پژوهش می‌باشد. نتایج تحقیق با توجه به اصول علمی به صورت کاملاً شفاف و روشن می‌بایست ارائه گردند. ارائه نتایج دقیق شامل گزارش عدد با درصد، گزارش میانگین با حدود اطمینان، ذکر دقیق مقادیر آماره آزمون‌ها بالاخص مقدار دقیق سطح معناداری به عنوان مثال ($P=12/0$) در آزمون‌های آمار استنباطی ضروری می‌باشد. مولفین لازم است، تنها به گزارش مهم‌ترین یافته‌های به دست آمده اکتفا کنند. همچنین استفاده مناسب از جدول و نمودارهای فارسی با حداقل تعداد ممکن به صورت سیاه و سفید و دو بعدی موجب سهولت مطالعه مقاله خواهد شد. کلیه شکل‌ها، نمودارها و تصاویر با واژه "شکل" نام‌گذاری شده و عنوان شکل در زیر آن درج شود. عناوین جداول نیز در بالای آنها قرار داده می‌شود. برای درج عنوان هر شکل یا جدول پس از کلمه شکل یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس‌ها باید به وضوح و کیفیت بالا تهیه شوند و نویسندگان محترم می‌بایست از قرار دادن تصویر شکل‌ها

خودداری نموده و تنها از فایل های اصلی برگرفته از نرم افزارهای مربوطه استفاده کنند. بهتر است برای متمایز کردن ستون نمودارها به جای استفاده از رنگ های مختلف از هاشور به شیوه های مختلف استفاده کرد. با توجه به محدودیت صفحات مجله، بدیهی است از تکرار مطالبی که در متن آورده شده اند در جداول و بالعکس اجتناب نمود. نکته مهم دیگر این که جداول و نمودارهای مورد نیاز می بایست مطابق ضوابط و الگوهای ای. پی. ای ارائه گردند. استفاده از جدول وقتی مجاز است که نتوان اطلاعات به دست آمده (نتیجه) را به راحتی در متن آورد. عنوان جدول باید گویا باشد به نحوی که نیاز نباشد به متن مراجعه شود. اعداد جدول حتی الامکان بدون اعشار و در صورت لزوم تا دو رقم اعشار داشته باشد. اختصارات و علائم متن جدول را می توان با زیر نویس روشن کرد. در جدول فقط از خطوط افقی (ترجیحا" سه خط) آن هم برای مشخص کردن تیترو انتهای جدول استفاده شود. اعداد و ارقام و مطالب جدول نباید در متن مقاله تکرار شده باشد. ابعاد جداول باید طوری تنظیم شوند که در یک صفحه مجله (طولی یا عرضی) جا بگیرد.

-بحث و نتیجه گیری: شرح نکات مهم یافته ها، آثار و اهمیت و محدودیت آن ها، مقایسه نتایج تحقیق با یافته های حاصل از مطالعات دیگر، توجیه و تفسیر موارد مشترک و مورد اختلاف، بیان کاربرد احتمالی یافته ها، و در نهایت نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات حاصل از یافته های پژوهش از موارد مورد بحث در این بخش مقاله است. در این بخش از تکرار بخش یافته ها خودداری گردد و نباید نتایج جدید که در قسمت یافته ها به آن اشاره نشده است، عرضه شود. از اظهار نظر در مواردی که یافته های مطالعه آن را مطرح نمی کنند نیز باید خودداری شود.

نکته: در انتهای مقاله دو پاراگراف کوچک ارائه داده شود؛ یکی درباره آنچه تاکنون در مورد موضوع پژوهش می دانستیم و دیگری درباره اینکه مقاله حاضر چه اطلاعات جدیدی به حیطه و موضوع مورد مطالعه اضافه کرده است.

نحوه نگارش منابع مورد استفاده:

منابعی که در متن استفاده می شوند باید مطابق با دستورالعمل «ای. پی. ای» به صورت زیر معرفی شوند:

- تعداد منابع بیش از ۴۰ شماره نباشد.

- در انتهای مقاله، منابع به ترتیب حروف الفبا، آورده شوند.

به منظور نگارش منابع فایل موجود در راهنمای نویسندگان روی صفحه اصلی سامانه را مطالعه کنید و بر مبنای چارچوب ذکر شده اقدام گردد.

شیوه نگارش منابع بر اساس فرمت APA

منابع فارسی نیز باید به زبان انگلیسی نوشته و در داخل پرانتز واژه (Persian) آورده شود.

مثال:

Koozechian, H., Khatibzadeh, M., & Honarvar, A. (1390). The role of sport tourism service quality dimensions in sport tourists' satisfaction. Sport management studies and Movement Science, 2, 19-32. (Persian).

شیوه نامه نوشتن متن مقاله و ارجاع منابع داخل متن

مقاله نباید اشکالات نگارشی و ادبی داشته باشد. نکات زیر برخی از مهم ترین موارد نگارشی است که باید رعایت شود:

- پس از نقطه یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید.
- داخل متن فارسی نباید کلمه‌های انگلیسی بیایند. به‌جای آنها، معادل فارسی آنها را در متن بنویسید، حتی علائم اختصاری‌ای مانند «اس.پی.اس.اس.» و سپس در اولین ارجاع زیرنویس کنید.
- فونت زیرنویس‌ها باید Times New Roman 8 باشد و پس از شماره، نقطه و یک فاصله گذاشته شود و سپس نام خاص انگلیسی یا توضیحات مربوط نوشته شود. نوشته‌ها و اعداد باید در یک امتداد باشند. برای این کار، اگر دو بار ساب اسکرپیت را کلیک کنید، هر دو در یک امتداد قرار خواهند گرفت.
- نباید نام کوچک نویسنده در داخل متن یا زیر نویس نوشته شود و تنها نام خانوادگی باید ذکر شود.
- در داخل متن، هر جا که نیاز به استفاده از کمانک (پرانتز) باشد، باید بین حرف آخر کلمه قبل از کمانک و کمانک اول و پس از کمانک دوم و کلمه بعد یک فاصله باشد. مثلاً: بررسی اشمیت (۲۰۰۴) نشان داد...
- در منبع‌نویسی داخل متن نیازی نیست به ازای نام هر نویسنده شماره پانویس بدهید. تمام آنها را پشت سر هم بنویسید و بین آنها علامت "؛" بیاورید و پیش از کلمه آخر «و» بگذارید. پس از آخرین نام، شماره پانویس بگذارید. در پانویس نیز تمام اسامی را پشت سر هم بنویسید. مانند: وینبرگ و گولد

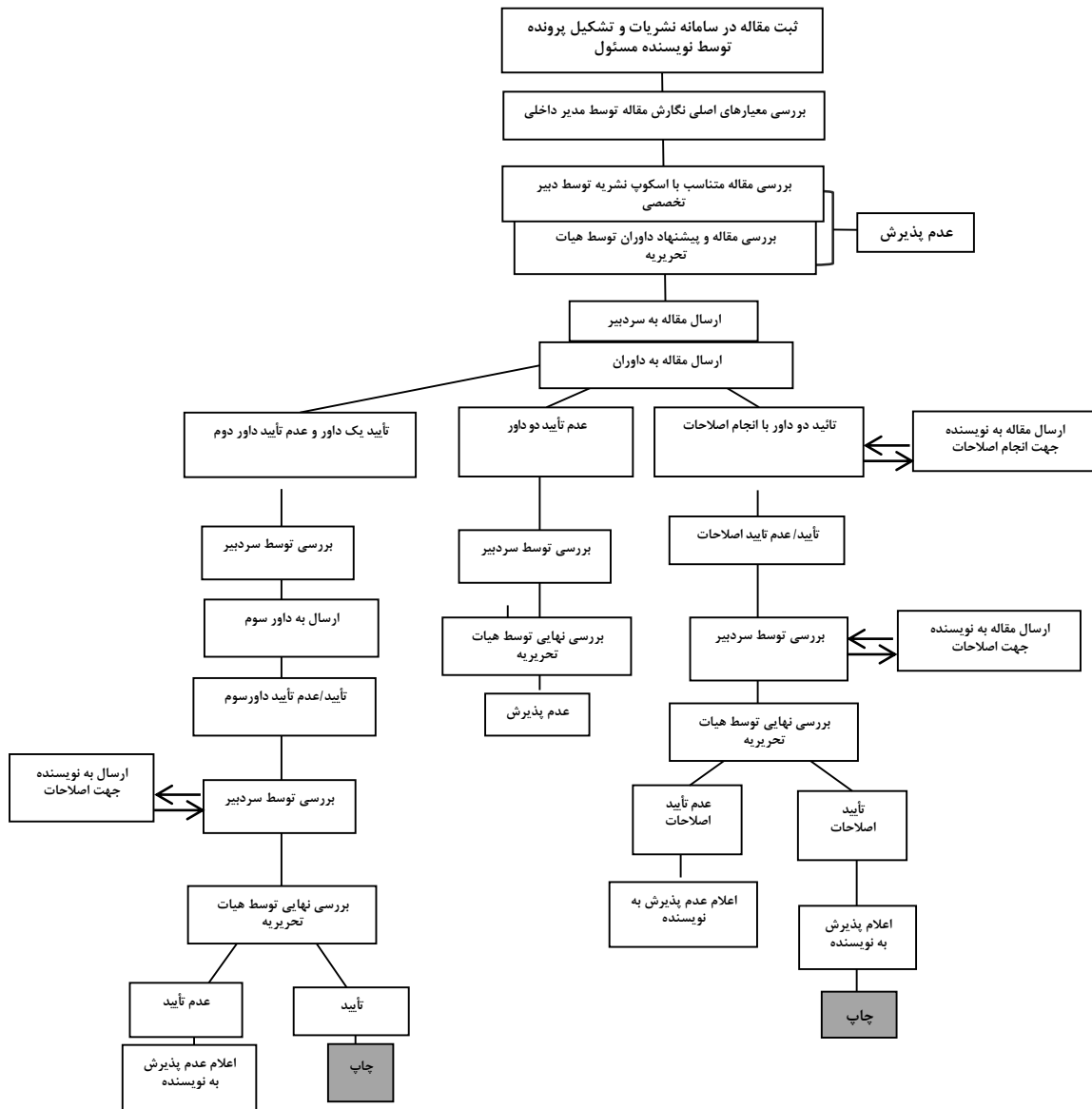
نکات اداری و تعهدی

- هیئت تحریریه نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش مقاله آزاد است.
- مقالات منتشر شده نباید پیش از این در هیچ نشریه داخلی و خارجی‌ای چاپ شده باشند. در صورت مشاهده این موضوع، مقاله از فرآیند داوری این نشریه حذف خواهد شد و ضمن انعکاس عدم تعهد نویسنده به سایر نشریات علمی کشور، مدیریت نشریه مقالات دیگر آن نویسنده را بررسی نخواهد کرد.
- ارائه‌دهنده مقاله متعهد است تا زمانی که جواب نهایی (پذیرش یا رد) مقاله خود را دریافت نکرده باشد، مقاله خود را به نشریه‌های داخلی و خارجی دیگری ارسال نکند.
- در صورتی که نویسنده مسئول، تغییرات درخواست شده از سوی داوران و کارشناسان مجله را ظرف مدت ۳۰ روز انجام و از طریق سامانه ارسال نکند، مقاله از فرآیند بررسی و داوری حذف می‌شود.
- لازم به ذکر است در صورت پذیرش مقاله به شرط انجام اصلاحات محقق می‌بایست توضیحات لازم در خصوص کلیه سوالات را در قالب یک نامه در ابتدای مقاله ارائه نموده و اصلاحات انجام گرفته را نیز با رنگی متمایز (برای هر داور با یک رنگ مشخص) مشخص نماید. بهتر است این اعمال در نسخه‌ای از مقاله انجام شود که داور توضیحات را در آن ارائه نموده و این توضیحات حذف نشوند تا داور با یک نظر بتواند تغییرات لازم را بررسی نماید.
- مسوولیت محتوای علمی مقاله، با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- استفاده از مندرجات نشریه با ذکر کامل مأخذ آزاد است.
- از به کار بردن نام و نام خانوادگی کامل یا مخفف در فایل‌های ارسالی خودداری شود. ذکر کلمه با نام و بی نام برای عنوان فایل مقاله کافی خواهد بود.
- پس از صدور نامه پذیرش، امکان هیچگونه تغییری در نام و ترتیب نویسندگان مقالات وجود ندارد.
- در پایان، از نویسنده محترم درخواست می‌شود که ضمن مطالعه مندرجات این راهنما و مشاهده نمونه مقالات چاپ شده در جدیدترین شماره نشریه، مقاله خود را تنظیم و از طریق سامانه به نشریه ارسال کند.

نشانی سامانه نشریه: <http://journals.ssrc.ac.ir>

پست الکترونیک نشریه: journal@ssrc.ac.ir

فرایند چاپ مقاله در دو فصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	• طراحی مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی ایران فرناز سادات میرحسینی، نجف آقایی، مرجان صفاری
۳۵	• نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه‌درسی علوم ورزشی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های استان مرکزی) زینب مندعلی‌زاده، اسفندیار خسروی‌زاده
۶۳	• تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر خودسودمندی کارایی دانش‌آموختگان علوم ورزشی سجاد غلامی ترکسلویه، بهرام یوسفی، شیرین زردشتیان
۸۳	• سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی در ایران: ارائه الگو عباس قشمی‌میمند، محمد پورکیانی، محمد مهدی رحمتی
۱۰۱	• تأثیر رویکرد معلم‌محور و جو تبحرگرا بر سطح فعالیت بدنی دانش‌آموزان دختر زیر ۸ سال شهر کرد معصومه قهرمان، فرهاد قدیری، عباس بهرام
۱۲۱	• شناسایی کارکردهای باشگاه‌های ورزشی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران پروانه سواری نیکو، احمد علی آصفی
۱۳۹	• تحلیل گرایش‌های اخلاقی دانشجویان ورزشکار: نقش دین‌داری، جنسیت و نوع رشته ورزشی علی بنسپردی، احمد نظری ترشیزی، ندا مؤید
۱۵۹	• شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی احسان محمدی ترکمانی، حمید نریمان، حسین خنیفر
۱۸۷	• تأثیر آموزش هوش هیجانی بر مهارت‌های دقت پرتاب، هماهنگی دو دستی، تعادل و بازیافت تمرکز در دانش‌آموزان ورزشکار امیر شمس، لیلا ریاحی فارسانی، ماندانا سنگاری
۲۰۷	• تحلیل خوسه‌ای اثرات فعالیت بدنی بر اضطراب مرگ و معنای زندگی سالمندان شهر تهران سید ولی الله موسوی، المیرا حومنی، سجاد رضائی، امیر قربان پور لقمجانی
۲۲۹	• آسیب شناسی اجرای برنامه‌درسی تربیت‌بدنی و سلامت دوره اول متوسطه بر اساس الگوی اکر پروین ذوالقدری، مرجان کیان، مجید علی عسگری، علیرضا الهی
۲۵۳	• طراحی برنامه راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴...۱۴۰۳ مهدی احمدیان جلوذاری، شهرام علم، ولی نودری
۲۷۷	• شناسایی و تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی در ورزش ایران محمدحسین قربانی، مرجان امیرمقدم، حسین زارعیان
۳۰۵	• الویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیوم در مدارس با استفاده از روش دلفی فازی و ناپسیس مازیار مقدادی، محمدرضا اسماعیلی، فرزاد غفوری
۳۲۹	• اثر محیط حامی-نیاز بر عملکرد ورزشی دانش‌آموزان دوره ابتدایی حسین محمدی ثانوی، حسن محمدزاد، بهزاد بهزادنیا

طراحی مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی ایران

فرناز سادات میرحسینی^۱، نجف آقایی^۲، مرجان صفاری^۳

۱. دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشیار دانشکده تربیت بدنی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۱

چکیده

شایستگی‌ها و مهارت‌های معلمان در کارآمد بودن آنان و تحقق اهداف نظام آموزش و پرورش نقش اساسی دارند. فقدان مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای ضروری معلمان تربیت‌بدنی در ایران، محقق را بر آن داشت تا به طراحی مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی در ایران اقدام نماید. این تحقیق به روش تحقیق آمیخته انجام پذیرفت. در مرحله کیفی با ۲۱ نفر از خبرگان تربیت‌بدنی در مدارس مصاحبه نیمه‌ساختار انجام گرفت. داده‌های حاصل به روش نظریه‌ی زمینه‌ای تجزیه و تحلیل گردید، ۵۳ گویه در یازده مؤلفه (آموزش‌های تخصصی، ویژگی‌های شخصی، علاقمندی، توجه به تفاوت‌ها، دانش و مهارت تخصصی، نقش انگیزه‌دهنده خلاقیت، الگو بودن، ارتباطی، راهنمایی‌دهنده و ایمن‌ساز) و چهار بعد (صلاحیت رفتاری، عاطفی، شناختی و مهارتی) نتیجه حاصل از آن بود. براساس یافته‌های حاصل از بخش اول تحقیق پرسشنامه صلاحیت حرفه‌ای معلمان طراحی و مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری بخش کمی تحقیق معلمان و کارشناسان تربیت‌بدنی شاغل در وزارت آموزش و پرورش بودند و حجم نمونه آماری تحقیق، ده نمونه برای هر گویه و در مجموع ۴۳۰ نمونه تعیین گشت. روش‌های آماری، تحلیل عاملی اکتشافی و معادلات ساختاری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد، نتایج حاصل تحلیل عاملی اکتشافی چهار بعد را تأیید نمود و با اضافه کردن بعد آموزشی نتایج گسترش داده شد. همچنین شاخص‌های نیکویی برازش به وسیله معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان داد مدل ارائه شده از برازش خوبی برخوردار است.

واژگان کلیدی: صلاحیت حرفه، معلمان تربیت‌بدنی، تربیت‌بدنی در مدارس، روش تحقیق آمیخته، معادلات ساختاری.

1. Email: mirhoseini2006@gmail.com

2. Email: aghaei.hamid@gmail.com

3. Email: saffari.marjan@gmail.com

مقدمه

در بنیان گذاری نظام‌های تربیتی، معلم بنیان اصلی است، بر همین پایه، سیستم‌های آموزشی پیشرو در دهه‌های اخیر به استانداردهای نیروهای آموزشی پرداخته‌اند. معیارهای تربیت حرفه‌ای معلمان، مطابق با رشد و توسعه فرهنگ و سایر عناصر کلان اجتماعی فراهم می‌آید. تعلیم و تربیت به عنوان جریانی پویا با نقش‌های متفاوتی که معلم و شاگرد ایفاء می‌کنند، شکل می‌گیرد. در این فرایند، معلمان با صلاحیت حرفه‌ای خود، از جمله صلاحیت علمی، اخلاقی و عاطفی روی شاگردان اثر می‌گذارند (تلخابی، ۲۰۰۴). شایستگی‌ها و مهارت‌های معلمان در کارآمد بودن معلمان و در نتیجه تحقق اهداف مدرسه و نظام آموزش و پرورش نقش اساسی دارند (دانش پژوه، ولی الله، ۲۰۰۶). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به برخورداری و نیز سنجش و ارتقای صلاحیت و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان توجه فراوان شده است (عبداللهی، رستگارپور، ۲۰۰۷).

تربیت‌بدنی و ورزش، بخش مهمی از برنامه آموزشی مدرسه و فرایند تربیت و پرورش کودکان، نوجوان و جوانان را تشکیل می‌دهد. فعالیت‌های ورزشی در مدارس و دانشگاه، از حرکات ساده تا بازی و ورزش قهرمانی را شامل می‌شوند. معلمان و مربیان ورزش، مربیان حرکت و بازی هستند و می‌کوشند تا سلامت کلی فرد (جسمانی و روانی) و مهارت‌های حرکتی-ورزشی را در فراگیران توسعه دهند؛ در مسیر تربیت جسمانی و حرکتی فرد نیز هیچ‌وقت پرورش کلی یادگیرنده و تربیت همه جانبه او فراموش نشود. شاید اصطلاح تربیت‌بدنی موجب چنین برداشت یا تفسیر محدود و ناقصی شده است که مربیان تربیت‌بدنی، صرفاً به پرورش بدن و جسم توجه دارند و فقط به آن می‌پردازند؛ در صورتی که تربیت حرکتی یا رفتارها و واکنش‌های حرکتی مجموعه‌ای از حرکات مکانیکی ساده و ماشینی نیستند؛ بلکه رفتارهای حرکتی با تلاش‌های درونی و تعامل جنبه‌ها یا عناصر شناختی، عاطفی، روانی و اجتماعی همراه هستند و با هم پیوند می‌خورند. آنچه که فراگیران احساس می‌کنند ترکیبی از احساسات حرکتی، شناختی، هیجانی و اجتماعی است. ورزش تربیتی بیشترین سطح پوششی را در مقایسه با سایر ورزش‌ها دارد و پایه، اساس و مسیر رسیدن به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای است. برخورداری از ویژگی‌های فردی و شخصی متناسب (شایستگی‌های شغلی) از ضروریات اصلی حرفه معلمی و مربیگری است. می‌توان ادعا کرد که وظایف شغلی معلمان ورزش به دلایل مختلف دشوارتر از کار سایر معلمان و پرسنل آموزشی است. شرایط و ماهیت کلاس‌ها یا برنامه‌های ورزشی، وجود فضای آزاد بیشتر برای جنب و جوش، بازی و حرکت، تعامل و تماس نزدیک دانش‌آموزان با هم و مربی، شرایط هیجانی و تنوع رفتارهای مختلف در کلاس، وجود ویژگی‌های آموزشی و رفتارهای خاصی را در مربیان ضروری می‌سازد (آقازاده و سنه، ۲۰۱۳).

بر همین اساس، احدی، سید عامری و محرم زاده (۲۰۱۳) در مطالعه موردی به شناسایی استانداردهای ضروری معلمان تربیت‌بدنی در شهر ارومیه پرداختند و هشت مؤلفه مدیریت، رهبری محیط یادگیری و جو کلاس، نظارت، ارزشیابی و بازخورد، برنامه‌ریزی، مسئولیت‌های قانونی، اخلاق حرفه‌ای معلم، تدریس (آموزش) و توسعه حرفه‌ای معلم را با روش دلفی برای استانداردهای حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی شناسایی کردند. آه، ریز، سو، چونگ، پارک، لی^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه ویژگی‌های ضروری برای معلمان تربیت‌بدنی در مدارس با بررسی ۲۳۰ آزمودنی عمدتاً از کشورهای چین، کره و ایالات متحده دریافتند که مجهز بودن به دانش روز در مورد رشته‌های ورزشی از عوامل رجحان و رضایت معلمان تربیت‌بدنی در مدارس است. در بررسی برداشت مربیان ورزشی از صلاحیت‌ها حرفه‌ای خود و نیازمندی به آموزش‌های مرتبط ضروری با صلاحیت‌های حرفه‌ای، سانتوس، مسکوتا، گراکا و رساد^۲ (۲۰۱۰) نشان دادند که درک مربیان ورزشی از صلاحیت خود را تحت تأثیر تجربه آنها قرار دارد و مربیانی با تجربه پایین‌تر صلاحیت خویش را نیز پایین‌تر درک می‌کردند. همچنین مربیانی که تحصیلات آکادمیک بالاتری در رشته تربیت‌بدنی یا سایر رشته‌ها داشتند خود را شایسته‌تر از مربیانی که فاقد این امتیاز بودند ارزیابی می‌نمودند. به طور کلی اکثریت مربیان خود شایسته و دارای صلاحیت می‌دانستند؛ اما با این وجود آنها به این نکته که نیازهای آموزشی بازخورد مهمی برای آموزش مربیان فراهم می‌آورد اعتراف داشتند. نتایج این مطالعه علاقمندی مربیان به افزایش دانش و صلاحیت در دامنه گسترده‌ای از حیطه‌های مربوط به حرفه از جمله صلاحیت برنامه‌ریزی سالانه و چند ساله، صلاحیت مربوط به تمرین و جهت‌دهی رقابت و صلاحیت آموزشی مربیگری را نشان داد. در تحقیق بلر و کاپل^۳ (۲۰۱۱) بر روی معلمان تربیت‌بدنی دارنده جوایز ملی (در این مطالعه فوتبال) که در رشته تربیت‌بدنی تحصیل نکرده‌اند، مشخص نمود که برنامه‌های توسعه حرفه‌ای اجرا شده برای این مربیان روی چهار حیطه شناسایی شده برای تدریس این درس شامل برنامه‌ریزی کوتاه و میان‌مدت، دانش آموزش و پرورش، دانش برنامه‌ریزی درسی و ارزیابی، مفید بوده و آنان را نسبت به اهمیت این زمینه‌ها آگاه می‌سازد. ییلماز و کانگالگیل^۴ (۲۰۱۴) به مطالعه توصیفی برای شناسایی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی پرداختند. یافته‌های تحقیق آنان نشان داد داشتن دانش کافی برای حضور در جلسه تمرین، اشتیاق حرفه‌ای برای پیشرفت دانش‌آموزان در حین درس، طراحی طرح درس تربیت‌بدنی، اجرای پی در پی مراحل تدریس موضوعات، کمک به دانش‌آموزان برای رفع کمبودهایشان، گذراندن دروس تخصصی آموزشی برای فارغ‌التحصیلی، داشتن دانش تخصصی کافی

-
1. Oh, Rizzo, So, Chung, Park, Lei
 2. Santos, Mesquita, Graca, Rosado
 3. Blair, Capel
 4. Yıldız, Kangalgil

برای اجرای روش تدریس ویژه، آموزش مواد درسی در زمان اختصاص یافته از جمله صلاحیت‌های ضروری برای معلمان تربیت‌بدنی محسوب می‌شوند. یافته‌های مطالعه لاروا، سبان و گلیس (۲۰۱۵) در زمینه نیازهای صلاحیت حرفه‌ای از دیدگاه معلمان تربیت‌بدنی نشان داد که گروه معلمان به وضوح نمی‌توانند صلاحیت ویژه و صلاحیت عمومی را برای این حرفه تعریف کنند. به هر حال اکثریت آنان موافق این مسأله بودند که معلمان و مربیان نقشی بسیار مهم در ایجاد صلاحیت حرفه‌ای شاگردان دارند. به علاوه نتایج این تحقیق نشان داد که معلمان از آموزشی که دریافت کرده‌اند رضایت ندارند و قادر به بازآموزی و تقویت دوباره نقش حرفه‌ای خود نیستند. عقیده این معلمان این بود که آموزش ارائه شده به آنها حرفه‌ای‌گرایی را تشویق نمی‌کند. همچنین بلاک، ون و هیلی (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای دریافتند که دانش‌آموزان معلول در سراسر جهان مدارس ویژه خود را ترک و به مدارس عادی باز می‌گردند ولی متأسفانه معلمان تربیت‌بدنی برای تدریس به دانش‌آموزان معلول احساس آمادگی نمی‌کنند. این نتایج باعث تعجب نشد؛ زیرا برنامه آموزشی معلمان تربیت‌بدنی در ایالات متحده فقط شامل یک واحد تربیت‌بدنی تطبیقی است و در بسیاری از کشورها حتی همان یک واحد نیز گذرانده نمی‌شود. نگاهی به مجموعه پژوهش‌های انجام شده در زمینه صلاحیت حرفه‌ای معلمان در ایران و سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد این مطالعات مجموعه‌ای از صلاحیت‌های حرفه‌ای شامل برنامه‌ریزی، کلاس‌داری، نظارت، ارزشیابی و دانش حرفه‌ای را برای معلمان تربیت‌بدنی ضروری دانسته و این در شرایطی است که در ایران تحقیق جامعی درباره این موضوع انجام نگرفته است. به همین دلیل با توجه به زیاد بودن جمعیت جوان در حال تحصیل در مدارس کشور و ضرورت پرورش همه جانبه آنها نیاز به کارگیری و تربیت معلمان و مربیان با صلاحیت حرفه‌ای استاندارد احساس می‌شود، برای مشخص کردن این صلاحیت‌ها تحقیق و مطالعه از طریق متخصصان تربیت‌بدنی در مدارس ضروری به نظر می‌رسد. همچنین اهمیت این مسأله به حدی است که پژوهشگاه آموزش و پرورش آن را به عنوان اولویت پژوهشی اعلام نموده است. نتایج این تحقیق می‌تواند در مدیریت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش در بخش‌های استخدام و گزینش معلمان و مربیان تربیت‌بدنی، آموزش قبل از ورود به خدمت، آموزش‌های ضمن خدمت و ارزشیابی نتایج کار معلمان تربیت‌بدنی مفید و راه‌گشا باشد. همچنین در دانشکده‌های تربیت‌بدنی وابسته به آموزش و پرورش و دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم با آگاهی یافتن از صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی می‌توان نسبت به بهبود در سیستم آموزشی دانشجویان تربیت‌بدنی به منظور تطابق بیشتر با شرایط و ویژگی‌های شغلی آینده آنها اقداماتی انجام داد. به همین دلیل محقق بر آن است که به بررسی و شناسایی صلاحیت‌های

-
1. Laroua, Sebbane, Gleyse
 2. Block, Kwon, Healy

حرفه‌ای مورد نیاز معلمان تربیت‌بدنی از دیدگاه متخصصین تربیت‌بدنی در مدارس بپردازد و به این سوالات پاسخ دهد: صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی آموزش و پرورش چگونه است؟

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی بوده و به روش آمیخته اکتشافی انجام گرفت و به شناسایی صلاحیت‌های حرفه‌ای ضروری معلمان تربیت‌بدنی ایران پرداخت. جامعه آماری بخش کیفی تحقیق خبرگان تربیت‌بدنی در مدارس شامل معلمان تربیت‌بدنی شاغل در مدارس و کارشناسان تربیت‌بدنی و برنامه‌ریزی درسی ادارات آموزش و پرورش، مدیران مدارس، مدیران تربیت‌بدنی وزارتخانه و ادارات آموزش و پرورش و اساتید دانشکده‌های تربیت‌بدنی با سابقه تدریس در مدارس و یا پژوهش در حوزه تربیت‌بدنی در مدارس بودند و روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با آزمودنی‌ها بود. آزمودنی‌ها به روش نظری و گلوله برفی انتخاب شدند و مصاحبه‌ها تا به اشباع رسیدن داده‌ها ادامه یافت و در مجموع با بیست و یک نفر از خبرگان این زمینه مصاحبه شد. داده‌های حاصل از بخش کیفی به روش تحلیل داده‌های کیفی بر مبنای رویکرد نظریه زمینه‌ای^۱ و بر رهیافت طرح‌های پژوهشی شیوه‌نویخته‌آمورد تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری بخش کمی تحقیق شامل معلمان و کارشناسان تربیت‌بدنی ادارت و وزارت آموزش و پرورش بود، حجم نمونه نسبت ده آزمودنی به ازای هر متغیر و شیوه انتخاب آزمودنی‌ها به صورت در دسترس از بیست استان کشور بود. از مجموع ۴۳۰ پرسشنامه ارائه شده به آزمودنی‌های این مطالعه، ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل شده به دست محققان رسید و داده‌های حاصل به شیوه تحلیل عاملی اکتشافی و مدل‌یابی معادلات ساختاری^۲ با استفاده از نرم‌افزار LISREL 8.80 و SPSS 23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

از بیست و یک نفر مصاحبه‌شونده، یازده نفر زن بودند. همچنین ۵۷٪ آنها بین ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه کار را در وزارت آموزش و پرورش داشتند. ۴۸٪ آنان دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و ۱۴٪ دارای مدرک دکتری بودند. در بین مصاحبه‌شوندگان سه مدیر تربیت‌بدنی در وزارت آموزش و پرورش،

-
1. Grounded theory
 2. Emerging
 3. Structural Equation Modeling (SEM)

شش معلم تربیت‌بدنی، چهار کارشناس تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش و سه کارشناس برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش حضور داشتند.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مشخصات	حالت‌ها	تعداد	درصد
۱	جنسیت	زن	۱۱	۵۵
		مرد	۱۰	۴۵
۲	پست	مدیر تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش	۳	۱۵
		کارشناس تربیت‌بدنی ادارات آموزش و پرورش	۴	۲۰
		دبیر تربیت‌بدنی	۶	۳۰
		کارشناس برنامه‌ریزی درسی ادارات آموزش و پرورش	۳	۱۵
۳	تحصیلات	عضو هیأت‌علمی دانشکده‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی	۵	۲۰
		لیسانس	۳	۱۵
۳	تحصیلات	فوق لیسانس	۱۰	۵۰
		دانشجوی دکتری	۵	۲۵
		دکتری	۳	۱۰
۴	سابقه کاری	تا ۱۰ سال	۴	۲۰
		۱۱ تا ۲۰	۵	۲۰
		۲۱ تا ۳۰	۱۲	۶۰

مصاحبه‌های انجام شده در بخش کیفی به صورت نوشتاری پیاده و در سه مرحله کدگذاری شد در مرحله اول ۸۶ کد باز از تجزیه و تحلیل بیست و یک مصاحبه به دست آمد. در مرحله کدگذاری دوم گروه‌ها و مقوله‌ها ایجاد شد و تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار گرفتند. در انتهای این مرحله ۸۶ کد باز استخراجی به ۵۳ کد محوری تبدیل شدند. در مرحله سوم، کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها گروه‌بندی شده و سپس گروه‌های ایجاد شده با یکدیگر مقایسه شدند تا گروه‌های اصلی و ابعاد هریک شناسایی و استخراج گردد. در انتهای این مرحله ۵۳ گویه در یازده مؤلفه (آموزش‌های تخصصی، ویژگی‌های شخصی، علاقمندی، توجه به تفاوت‌ها، دانش و مهارت تخصصی، نقش انگیزه‌دهنده خلاقیت، الگو بودن، ایمن‌ساز، ارتباطی و راهنمایی‌دهنده) و چهار بعد (صلاحیت رفتاری، عاطفی، شناختی و مهارتی) گروه‌بندی شدند. در جدول شماره دو کدهای حاصل از مرحله کیفی نمایش داده شده است.

جدول ۲- خلاصه مفاهیم و مقولات عمده تولید شده

مقولات عمده	مفاهیم ثانویه	مفاهیم اولیه
صلاحیت شناختی	آموزش‌های تخصصی ویژگی‌های شخصی	تحصیلات مرتبط با رشته تربیت‌بدنی، مدرک مربیگری در رشته‌های ورزشی، واحد تمرین دبیری در مدارس، اصول تدریس تربیت‌بدنی، به روز بودن دانش در تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دوره‌های بدو استخدام و ضمن خدمت، دانستن شرح شغل و آشنایی با روانشناسی تربیتی. تناسب اندام، اعتماد به نفس، قدرت بیان.
صلاحیت عاطفی	علاقه‌مندی نقش راهنمایی‌دهنده	علاقه به ورزش و فعالیت‌های جسمانی، کار و مطالعه در رشته تربیت‌بدنی و تدریس تربیت‌بدنی در مدرسه. راهنمایی تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان در حد متعارف، توانمندی آموزش رفتار مناسب و اخلاق مدار به دانش‌آموزان، پرورش همه‌جانبه‌ی شاگردان.
صلاحیت مهارتی	مهارت‌های تخصصی نقش انگیزه‌دهنده	آگاهی از چگونگی اجرا کلاس تربیت‌بدنی، اجرای تکنیک‌ها و تاکتیک‌های ورزشی، طراحی طرح درس جلسه‌ای، ترمی، سالیانه. مهارت و علاقه برای جستجوی یافته‌ها و روش‌های جدید در تدریس، الگوهای کاربردی روش تدریس، برنامه‌ریزی منظم برای سنجش، ارزیابی و ثبت پیشرفت دانش‌آموزان به صورت ماهیانه، در طول و انتهای ترم، شناخت استعدادهای ورزشی، روش‌ها و اصول پیشگیری از آسیب‌دیدگی دانش‌آموزان، اجرا و تطبیق کلاس تربیت‌بدنی برای دانش‌آموزان معلول، تغذیه ورزشی، اجرای اصول کمک‌های اولیه، توانایی جذب دانش‌آموزان به تفریحات و بازی‌های فعال، استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش تربیت‌بدنی. ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای پیشرفت در مهارت‌های ورزشی، روانشناسی ورزشی، ایجاد انگیزه و نشاط در کلاس درس.
صلاحیت رفتاری	نقش الگویی نقش ارتباطی	الگو بودن در شیوه استفاده و نگهداری صحیح از تسهیلات و تجهیزات تربیت‌بدنی، استفاده از لباس و کفش ورزشی در ساعات تدریس تربیت‌بدنی، رفتاری در شأن و اعتبار حرفه معلمی تربیت‌بدنی. توانایی ارتباط مناسب و تعامل با اولیاء دانش‌آموزان، مدیر، کادراجرایی و سایر معلمان، توانایی دفاع از حقوق درس تربیت‌بدنی، توانایی جلب اعتماد دانش‌آموزان، رفتار محترمانه با دانش‌آموزان.

ادامه جدول ۲- خلاصه مفاهیم و مقولات عمده تولید شده

مقولات عمده	مفاهیم ثانویه	مفاهیم اولیه
صلاحیت آموزشی	ایمنی	گزارش موارد غیر ایمن‌سازی حیاط و سالن ورزشی به مسئولان مدرسه، آموزش نکات بهداشتی، آشنایی با نحوه نگهداری از تجهیزات ورزشی و به کار بستن آن.
	توجه به تفاوت‌ها	شناخت از شرایط روانی، جسمانی و رفتاری دانش‌آموزان در سنین و مقاطع تحصیلی مختلف. توجه و درک تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از لحاظ جسمی، ذهنی و عاطفی، دانستن رشته‌های مورد علاقه دانش‌آموزان و شناخت علایق و نیازهای دانش‌آموزان.
	تفکر خلاق	خلاقیت و نوآوری در تدریس، ایجاد محیطی برای پذیرش مسئولیت و انجام کار گروهی و مستقل دانش‌آموزان، حل مسأله در زمان بروز معضلات.

محققان در پژوهش کیفی به جای واژه اعتبار و روایی از واژه‌های دیگری مانند قابلیت انتقال، تأییدپذیری و مقبولیت استفاده می‌کنند. جهت افزایش مقبولیت تحقیق به رعایت سه نکته می‌توان اشاره کرد: استفاده از منابع متعدد (پژوهشگر سعی کرد افراد نمونه را از طیف معلمان و دبیران تربیت‌بدنی، کارشناسان ادارات تربیت‌بدنی آموزش و پرورش، متخصصان برنامه‌ریزی درسی، مدیران تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش و اساتید دانشکده‌های تربیت‌بدنی انتخاب نماید)، تحلیل‌گران متعدد (برای رسیدن به این هدف از سه نفر از مصاحبه‌شوندگان و دو نفر دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی آشنا به روش کیفی و نظریه زمینه‌ای برای تحلیل کیفی داده‌ها کمک گرفته شد) و روش‌های متعدد (از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه جهت انجام این تحقیق استفاده شده است). انتقال‌پذیری نتایج پژوهش نشان دهنده تعمیم‌پذیری نتایج به‌دست آمده به سایر گروه‌ها و محیط‌های مشابه است. هر چند این امر بیرون از توانایی پژوهشگر است اما می‌توان با استخراج و ارائه حداکثری داده‌ها تا حدودی این بخش از روایی تحقیق را تأمین نمود. به همین جهت در مطالعه حاضر با مرور متعدد مصاحبه‌ها و استخراج حداکثری و غیرتکراری مطالب سعی بر اجرای این توصیه شد. تأییدپذیری نتایج بخش کیفی پژوهش هنگامی تحقق می‌یابد که سایر محققان بتوانند مسیر تحقیق و اقدامات انجام شده توسط محقق را دنبال کنند. جهت تأییدپذیری بهتر است که همه مراحل کار و به منظور ایجاد اطمینان بخشی، جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت شود. برای تحقق این امر محقق تمام روند پژوهش را مکتوب نمود. همچنین پایایی این پخش به روش‌های پایایی بازآزمون و توافق درون موضوعی بررسی گردید. مدل مفهومی صلاحیت‌های حرفه‌ای ضروری معلمان تربیت‌بدنی، با استفاده از داده‌های این مرحله طراحی شد.

در مرحله کمی، نه گویه از مجموع گویه‌های حاصل از بخش کیفی با توجه به نزدیکی موضوع با یکدیگر ترکیب شدند و در نهایت پرسشنامهٔ چهل و سه سؤالی صلاحیت حرفه‌ای ضروری معلمان تربیت‌بدنی در مقیاس امتیازدهی پنج ارزشی لیکرت (پنج کاملاً موافقم تا یک کاملاً مخالفم) طراحی گردید. برای تعیین روایی صوری پرسشنامه از دو روش کیفی و کمی استفاده شد. در روش کیفی روایی صوری، پنج نفر از خبرگان تربیت‌بدنی در مدارس ابزار را از نظر تناسب و ارتباط گویه‌ها با ابعاد ابزار و وجود واژه‌های منعکس‌کننده مفهوم مورد نظر بررسی کردند. جهت تعیین اهمیت هر یک از گویه‌ها و حذف گویه‌های کم اهمیت، از روش کمی تأثیر آیت‌م استفاده شد. نتایج نمره تأثیر نشان داد تمام سؤالات نمره مساوی یا بالاتر از یک و نیم داشته‌اند بنابراین در پرسشنامه گنجانده شدند. در این تحقیق برای تعیین روایی محتوا از تعدادی از خبرگان حیطه تربیت‌بدنی در مدارس خواسته شد تا ابزار را از نظر این که گویه‌ها تا چه اندازه ای مفهوم و حیطه‌های آن را پوشش می‌دهند بررسی نمایند (آبیدوود و هابر، ۲۰۰۶). سپس اصلاحات لازم براساس نظرات ارائه انجام گشت. همچنین از دو شیوه نسبت اعتبار محتوا (CVR) و شاخص اعتبار محتوا (CVI) به منظور بررسی روایی محتوا استفاده گردید. CVR برای سؤالات پرسشنامه محاسبه شد، تعداد داوران ۱۵ نفر بود. نسبت اعتبار محتوا بر مبنای جدول لاوشه و تعداد داوران حداقل ۰/۴۹ بود. کلیه گویه‌های ابزار دارای این نسبت و بالاتر بودند. به منظور محاسبه شاخص اعتبار محتوا در ابتدا شاخص مرتبط بودن محاسبه گردید. نتایج نشان داد تمام گویه‌ها حداقل نمره ۰/۷۹ را داشتند. در مرحله بعد دو شاخص واضح و ساده بودن محاسبه گردید و تمامی گویه‌ها حداقل نمره و بالاتر را کسب کردند. همچنین برای سنجش پایایی ابزار در پژوهش حاضر از روش همسانی درونی استفاده شد. به این منظور از ۳۰ نفر از معلمان تربیت‌بدنی برای تکمیل پرسشنامه درخواست شد. سپس آلفای کرونباخ برای ابزار محاسبه گردید. ضریب آلفای کرونباخ کلی ابزار ۰/۹۶، بعد شناختی ۰/۷۸، بعد عاطفی ۰/۸۶، بعد مهارتی ۰/۸۶، بعد رفتاری ۰/۷۷ و بعد آموزشی ۰/۹۱ بود، که از پایایی خوب ابزار خبر می‌دهد. روایی سازه پرسشنامه نیز به وسیله تحلیل عاملی اکتشافی با نرم‌افزار SPSS 23 محاسبه گردید که نتایج آن در ادامه ارائه می‌شود. در این تحقیق مقدار KMO برابر ۰/۹۰۹ است که نشان می‌دهد که تعداد نمونه‌های برای این تحقیق کافی است. آزمون کرویت بارتلت، مناسب بودن ماتریس همبستگی را برای تحلیل عاملی ارزیابی می‌کند. در این تحقیق احتمال گزارش شده $P > ۰/۰۰۱$ می‌باشد، که مشخص می‌کند که استفاده از روش تحلیل عاملی بر روی این پرسشنامه قابل توجیه است.

-
1. Item Impact
 2. LoBiondo-Wood, Hober.
 3. Kaiser- Meyer-Olkin
 4. Bartlett's Test of Sphericity

پس از اطمینان از پیش فرض‌های مذکور، کار انجام تحلیل عاملی بر روی پاسخ‌های آزمودنی‌ها و بر روی ۴۳ سؤال پرسشنامه انجام شد. عوامل نهفته با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استخراج شد. علاوه بر معیارهای KMO، درصد واریانس بیان شده و مقادیر ویژه بزرگتر از یک، این روش نیز انتخاب پنج عامل استخراج شده را تأیید می‌کند. همچنین با بررسی مقدار اشتراکات از سؤالات مشخص گشت که همه سؤالات دارای مقدار اشتراکات بالا (بیش از ۰/۵۰) هستند. به همین دلیل در این مرحله هیچ کدام از سؤالات حذف نشدند. با بررسی متغیرهای چرخش‌یافته مشخص گردید:

۱. تمامی عوامل دارای سه متغیر و بیشتر هستند.

۲. تمامی عوامل دارای مقدار بارعاملی بالاتر از ۰/۳ هستند.

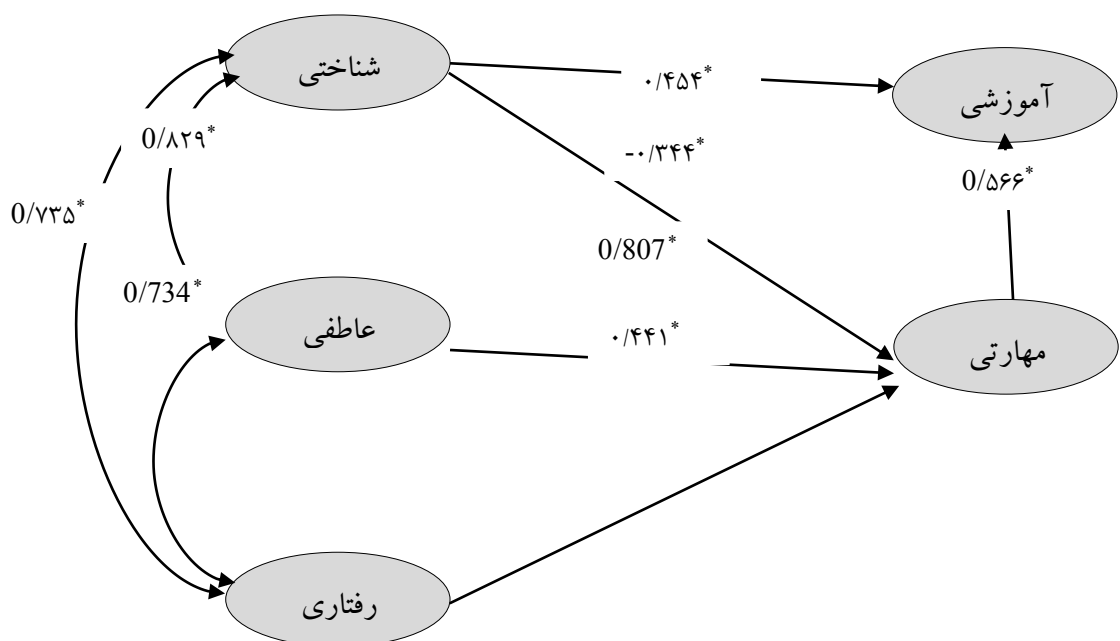
پس در این مرحله نیز هیچکدام از سؤالات حذف نشدند.

جدول سه عوامل استخراج شده به همراه مقدار ویژه، درصد واریانس و واریانس تراکمی تبیین شده به وسیله هر کدام از این عوامل را نشان می‌دهد. طبق نتایج تحلیل عاملی اکتشافی چهار بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و مهارتی تأیید گردید و با افزودن یک عامل دیگر که محقق با توجه به گویه‌های مربوط آن را آموزشی نامید، تحلیل داده‌ها به پنج عامل گسترش یافت که با توجه به داده‌های جدول سه این پنج عامل در مجموع ۵۳ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می‌کنند.

جدول ۳- مؤلفه‌های استخراج شده بعد از تحلیل عاملی

مؤلفه	استخراج بعد از چرخش واریماکس		استخراج اولیه	
	درصد تراکمی	درصد واریانس	درصد تراکمی	درصد واریانس
مهارتی	۱۴/۷۶۲	۱۴/۷۶۲	۳۵/۴۲۳	۳۵/۴۲۳
آموزشی	۲۵/۲۱۳	۱۰/۴۵۰	۴۱/۵۴۰	۴۱/۵۴۰
رفتاری	۳۴/۶۶۲	۹/۴۴۹	۵۴/۵۱۷	۵۴/۵۱۷
شناختی	۴۴/۰۲۰	۹/۳۵۸	۴۹/۴۳۶	۴۹/۴۳۶
عاطفی	۵۲/۵۷۳	۸/۵۵۳	۵۲/۵۷۳	۵۲/۵۷۳

بعد از محاسبه روایی (اعتبار) و پایایی (اعتماد) پرسشنامه و برازش مدل اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش به وسیله تحلیل عاملی اکتشافی و مشخص شدن پنج بعد صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی، از روش معادلات ساختاری SEM، مدلی مناسب برای صلاحیت معلمان ارائه گردید.



شکل ۱- نمودار مقادیر ضرایب همبستگی بر اساس سئوال‌ات پرسشنامه

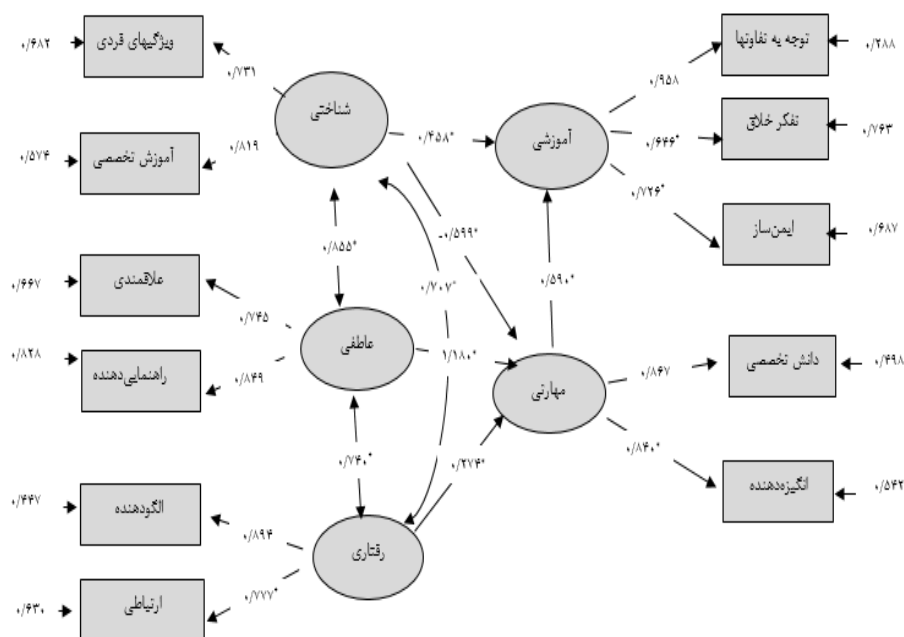
در شکل یک نمودار صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی شامل پنج عامل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی به همراه ضرایب همبستگی و روابط بین این عوامل نمایش داده شده است. رابطه‌ی بین سه عامل شناختی، عاطفی، رفتاری دوطرفه است و صلاحیت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری با صلاحیت مهارتی رابطه یک‌طرفه دارند.

شاخص‌های ارزیابی تناسب برازش مدل شاخص برازندگی فزاینده IFI، شاخص برازندگی تطبیقی CFI، شاخص برازندگی نرمال NORMED و شاخص برازندگی غیر نرمال NON-NORMED همراه با مقادیر آنها در جدول چهار ارائه گردیده است و نشان دهنده برازش مناسب مدل است.

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی ایران

شاخص‌های برازش	مقدار مشاهده شده	دامنه مناسب	ارزیابی شاخص‌های برازش
NORMED	۰/۹۱۲	۰/۹۰ <	مناسب
NON-NORMED	۰/۹۳۰	۰/۹۰ <	مناسب
IFI	۰/۹۳۴	۰/۹۰ <	مناسب
CFI	۰/۹۳۴	۰/۹۰ <	مناسب

در مرحله بعد شاخص‌های برازش پرسشنامه براساس عوامل هر بعد دوباره بررسی شدند.



شکل ۲- مقادیر ضرایب همبستگی بر اساس عوامل پنج بعد

شکل دو مقادیر استاندارد و ضرایب همبستگی در تحلیل عاملی را بر اساس عوامل پنج بعد را نشان می‌دهد. به جز رابطه بین ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری که مسیر فلش‌های دو طرفه است، بقیه فلش‌های رابطه یک طرفه را نشان می‌دهند. شاخص‌های ارزیابی تناسب برازش مدل شاخص برازندگی GFI، شاخص برازندگی فزاینده IFI، شاخص برازندگی تطبیقی CFI، شاخص برازندگی نرمال NORMED و شاخص برازندگی غیر نرمال NON-NORMED همراه با مقادیر آنها در جدول پنج ارائه گردیده است و نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد.

جدول ۵- شاخص‌های برآزش مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی ایران

شاخص‌های برآزش	مقدار مشاهده شده	دامنه مناسب	ارزیابی شاخص‌های برآزش
NORMED	۰/۹۷۳	۰/۹۰ <	مناسب
NON-NORMED	۰/۹۷۰	۰/۹۰ <	مناسب
CFI	۰/۹۸۰	۰/۹۰ <	مناسب
GFI	۰/۹۲۷	۰/۹۰ <	مناسب
IFI	۰/۹۸۰	۰/۹۰ <	مناسب

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی ایران بود که به روش آمیخته اکتشافی انجام گرفت. نتایج حاصل از بخش کیفی تحقیق براساس مدل سازی معادلات ساختاری آزمون گشت که نتایج حاکی از برآزش مناسب مدل است. یافته‌های حاصل از این تجزیه و تحلیل به پنج بعد اصلی شامل شناختی، عاطفی، مهارتی، آموزشی و رفتاری منتهی شد که این ابعاد نشان‌دهنده مهم‌ترین صلاحیت‌های حرفه‌ای ضروری معلمان تربیت‌بدنی از نگاه خبرگان، متخصصان این حوزه و معلمان تربیت‌بدنی هستند.

در بعد مهارتی نتایج این تحقیق نشان داد توجه به هر دو بخش تئوری و عملی در تربیت‌بدنی و ورزش برای اجرای مؤثر این درس ضروری است. در بخش عملی که به آموزش تکنیک‌ها و تاکتیک‌های ورزشی مربوط می‌شود در بسیاری موارد نیازمند اجرای این موارد به وسیله شخص معلم تربیت‌بدنی است. هر چند که تعدادی از مصاحبه شونده‌گان اعلام داشتند که روش‌های دیگری نیز برای نمایش عملی تکنیک‌ها و تاکتیک‌های ورزشی برای دانش‌آموزان کلاس به جز اجرا به وسیله معلم تربیت‌بدنی وجود دارد ولی با این وجود توانمندی در اجرای تکنیک‌ها و تاکتیک‌های ورزشی در هنگام تدریس مزیت‌گرانهایی برای معلمان تربیت‌بدنی محسوب می‌شود. نتایج این صلاحیت با نتایج مطالعات سانتوس و همکاران (۲۰۱۰) و آه و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد. همچنین داشتن مهارت شروع و ایجاد نشاط در کلاس از دیگر صلاحیت‌های ضروری معلمان تربیت‌بدنی بود. با اینکه بسیاری از دانش‌آموزان ایرانی دچار معلولیت، در مدارس ویژه تحصیل می‌کنند ولی تعدادی از این دانش‌آموزان با میزان متفاوتی از معلولیت در مدارس عادی به تحصیل اشتغال دارند که مانند دانش‌آموزان عادی، آموزش درس تربیت‌بدنی برای آنان نیز ضروری است. آموزش معلمان تربیت‌بدنی به منظور تطبیق آموزش درس تربیت‌بدنی برای دانش‌آموزان معلول از مواردی است که می‌تواند در اجرای تربیت‌بدنی برای تمام دانش‌آموزان ایرانی و استفاده آنان از مزیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش یاری‌دهنده باشد که

این مؤلفه با نتایج مطالعه بلاک و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. علاوه بر این طرح درس، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مجموعه فعالیت‌هایی است که معلم در ارتباط با هدف‌های آموزشی، محتوای درس و توانایی دانش‌آموزان برای یک زمان مشخص تدوین می‌کند. معلمان تربیت‌بدنی به جز آنکه باید برای هر جلسه درس تربیت‌بدنی طرح درس آماده نمایند، ضرورت دارد که برای تدریس در طول یک ترم تحصیلی، کل سال تحصیلی و حتی برای تعداد سال‌های تحصیل دانش‌آموزان در یک مقطع تحصیلی طرح درسی تهیه نمایند. با تهیه طرح درس معلم تربیت‌بدنی می‌تواند مشکلات احتمالی را پیش‌بینی نماید، فنون مناسب تدریس را فراهم کرده و با اعتماد به نفس بیشتری کلاس را اداره نماید، همچنین تهیه طرح درس از فراموش شدن عوامل اصلی جریان آموزش جلوگیری می‌کند و به اجرای مراحل فعالیت‌های آموزشی به ترتیب و به شیوه‌ای منطقی کمک کرده و از بی‌نظمی در کلاس جلوگیری می‌نماید. این صلاحیت با نتایج مطالعات احدی و همکاران (۲۰۱۳)، ییلماز و همکاران (۲۰۱۴) و بلر و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد.

در بعد شناختی، طی مصاحبه با خبرگان تربیت‌بدنی در مدارس به پذیرش داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی با رشته‌های غیرمرتبط با رشته تربیت‌بدنی اشاره شد و آنان مشکلات حضور این افراد را در حرفه معلمی تربیت‌بدنی را به وضوح بیان کردند، طبق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان فارغ‌التحصیلان رشته تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها در طی زمان تحصیل به طور عملی و تئوری با روند اجرای تدریس تربیت‌بدنی، کلاسداری و نحوه برخورد با شاگرد آشنا می‌شوند بسیاری از اساتید دانشکده‌های تربیت‌بدنی سابقه کار در آموزش و پرورش را داشته و سمت‌هایی به عنوان معلم، کارشناس و مدیر تربیت‌بدنی در این وزارتخانه را به عهده داشته‌اند و در زمان تربیت شاگرد در دانشگاه تجربیات خود را به آنان انتقال می‌دهند. همچنین گذراندن درس تربیت‌بدنی در مدارس و کارورزی در مدرسه به این یادگیری و آشنایی با حرفه معلمی تربیت‌بدنی کمک می‌کنند. دروس تئوری تربیت‌بدنی مانند رشد و تکامل حرکتی، یادگیری حرکتی، فیزیولوژی انسان، فیزیولوژی ورزش، حرکات اصلاحی، آسیب‌شناسی حرکتی، طرز اجرای مسابقات، روانشناسی کودک و نوجوان، روانشناسی ورزش، مشاوره و ... در آماده سازی داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی برای ورود به این حرفه ضروری است و افرادی که با پیش زمینه‌ای غیر از تربیت‌بدنی وارد این حرفه می‌شوند باعث بروز مشکلات در اجرای این درس در مدارس شده‌اند. نتایج مطالعه سانتوس و همکاران (۲۰۱۰)، ییلماز و همکاران (۲۰۱۴) نیز بر این صلاحیت تأکید دارند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق، داشتن مدرک مربیگری در رشته‌های ورزشی که در مدارس کشور تدریس می‌شوند برای معلمان تربیت‌بدنی ضروری می‌دانستند در عین حال بعضی از متخصصان این حیطه داشتن مدارک مربیگری را برای داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی لازم نمی‌دانستند. در مورد درجه مدرک مربیگری اجماع نظرات خبرگان این زمینه بر این

بود که داشتن مدرک ۲ و ۳ برای معلمان تربیت‌بدنی کافی بوده و ضرورتی در داشتن مدرک درجه یک نمی‌دیدند. مطالعات سانتوس و همکاران (۲۰۱۰) نیز بر این مؤلفه تأکید دارد. تدریس هر علمی نیازمند تخصص ویژه‌ای است. تربیت‌بدنی با توجه به ویژگی‌های خاص خود نیازمند تدریس به دو صورت عملی و تئوری است. علاوه بر این معلمان تربیت‌بدنی برای تدریس هر رشته ورزشی به توانایی خاصی احتیاج دارند. ایجاد این توانمندی برای معلمان تربیت‌بدنی می‌تواند در دوره ورزش قهرمانی یا حرفه‌ای، در طی دوره تحصیلات دانشگاهی تربیت‌بدنی و یا در کلاس‌های پیش از شروع خدمت و یا ضمن خدمت اتفاق بیفتد. در مورد گذراندن دوره‌های آموزش بدو استخدام و ضمن خدمت داوطلبان و معلمان تربیت‌بدنی، نظرات متفاوتی در بین خبرگان این حوزه وجود داشت. تعدادی از آنها کیفیت اجرای این کلاس‌ها را پایین و اجرای این کلاس‌ها را غیر مفید ارزیابی نموده‌اند و تعدادی نیز عقیده داشتند که با بالا بردن کیفیت کلاس‌های قبیل از خدمت و ضمن خدمت می‌توان مهارت‌های معلمان تربیت‌بدنی را بالا برد. این صلاحیت با نتایج تحقیقات بلر و همکاران (۲۰۱۱) تطابق دارد. تربیت‌بدنی نیز مانند تمام علوم دائماً در حال به‌روز شدن و پیشرفت است هر ساله در تمام دنیا و همچنین ایران تحقیقات مرتبط با تمام ابعاد ورزش و تربیت‌بدنی در حال انجام است. معلمان تربیت‌بدنی باید با علم روز دنیا پیش بروند و به معلومات خود که در طی دوره ورزشی و ضمن تحصیلات دانشگاهی کسب کرده‌اند، اکتفا نکنند زیرا با توجه به سرعت پیشرفت علم تربیت‌بدنی امکان دارد به معلمانی غیرمفید تبدیل شوند. این صلاحیت با نتایج حاصل از آه و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

در بعد عاطفی علاقه به شغل معلمی تربیت‌بدنی از دیگر صلاحیت‌های مورد نظر کارشناسان این حوزه بود. از نظر این کارشناسان کسانی که بدون علاقه به این حرفه، شروع به کار در این شغل می‌کنند انگیزه کافی برای انجام وظیفه ندارند و تلاشی نیز برای پیشرفت حرفه‌ای خود نمی‌کنند. مصاحبه با داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی و مشخص نمودن میزان تمایل آنان به کار در مدرسه از جمله پیشنهادات کارشناسان تربیت‌بدنی در مدارس بود. این صلاحیت با نتایج مطالعات سانتوس و همکاران (۲۰۱۰) تطابق داشت. محیط، بازی‌ها و مسابقات تفریحی و ورزشی می‌تواند مکانی برای یادگیری رفتار اجتماعی مناسب و اخلاق‌مدار باشد. معلمان تربیت‌بدنی می‌توانند با طراحی بازی‌هایی که این مضامین را به شیوه غیرمستقیم و در عین حال به صورت فعال آموزش دهند و در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا نمایند. همچنین آموزش نحوه رفتار صحیح در حین مسابقه مانند احترام به تصمیمات داور، احترام به حریف، داشتن رفتار مناسب در زمان برد و باخت و آموزش این مطلب که شکست آخر کار نبوده و محلی برای یادگیری است، از جمله مواردی هستند که معلمان باید توانایی آموزش آن را به دانش‌آموزان داشته باشند. این صلاحیت با نتایج مطالعه سانتوس و همکاران (۲۰۱۰)، تطابق دارد.

در بعد آموزشی، تأکید بر ایمنی دانش‌آموزان در محیط ورزشی که به وسیله آشنایی معلمان تربیت‌بدنی با شرایط استاندارد محیط و تجهیزات ورزشی و گزارش نقص آنها به مسئولان مدرسه تأمین می‌گردد. همچنین آشنایی معلم تربیت‌بدنی با نحوه نگهداری وسایل و تجهیزات ورزشی، رعایت این نکات و آموزش آنها به دانش‌آموزان به بالا بردن سطح ایمنی زنگ تربیت‌بدنی می‌افزاید. علاوه بر این شناخت از شرایط روانی، جسمانی و رفتاری دانش‌آموزان در سنین و مقاطع تحصیلی مختلف، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از لحاظ جسمی، ذهنی و عاطفی و شناخت علایق و نیازهای دانش‌آموزان از جمله مؤلفه‌های این بعد است. از دیگر مؤلفه‌های این بعد توانایی معلمان تربیت‌بدنی در آموزش مسئولیت به دانش‌آموزان کلاس و تقویت حس مسئولیت‌پذیری آنها است. کلاس درس و یادگیری به وسیله بازی می‌تواند محل خوبی برای آموزش مسئولیت‌پذیری و کارگروهی باشد. حتی دادن مسئولیت و انجام گروهی نظافت محیط ورزشی و نگهداری از تسهیلات و تجهیزات ورزشی نیز می‌تواند جزئی از فرایند آموزش در کلاس تربیت‌بدنی باشد.

در نهایت، نتایج این تحقیق مدل بومی صلاحیت حرفه‌ای ضروری معلمان تربیت‌بدنی ایران را ارائه نمود و ابعاد این صلاحیت‌ها و گویه‌های ویژه هر یک را به صورت تفصیلی شرح می‌دهد و می‌تواند در بالا بردن کیفی آموزش درس تربیت‌بدنی در مدارس ایران موثر گردد. پیشنهادهای کاربردی برخاسته از مطالعه عبارتند از: آموزش کمک‌های اولیه به صورت تئوری و عملی به داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی و بازآموزی این مهارت برای معلمان تربیت‌بدنی شاغل در مدارس؛ ارائه دوره‌های ارتباطات و روابط عمومی برای داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی و شاغلین این حرفه به منظور درک و آموزش اهمیت ارتباطات و روابط برای دستیابی به اهداف تربیت‌بدنی در مدارس به آنان؛ آموزش مهارت شروع و ایجاد نشاط در کلاس به معلمان و داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی؛ آموزش روش‌های حل مسأله و تفکر خلاق برای رفع معضلات تدریس این رشته و آموزش خلاقانه آن؛ ارائه دوره‌های آموزشی برای تدریس نحوه رفتار با دانش‌آموزان و چگونگی الگو بودن برای آنها برای معلمان و داوطلبان معلمی تربیت‌بدنی؛ استخدام انحصاری دانش‌آموختگان تربیت‌بدنی و افراد نخبه ورزشی در حرفه معلمی تربیت‌بدنی در مدارس؛ ارائه آموزش‌های قبل از شروع خدمت و ضمن خدمت با توجه به صلاحیت‌های حرفه‌ای ضروری این حرفه؛ تهیه دستورالعمل‌های آموزشی نحوه نگهداری و استفاده از وسایل و تسهیلات ورزشی و آموزش و ارائه آن به معلمان تربیت‌بدنی؛ استفاده از نتایج حاصل از این مطالعه به عنوان چک لیستی در مصاحبه با متقاضیان معلمی تربیت‌بدنی در مدارس؛ توجه و اصلاح و بهبود برنامه درسی مراکز تربیت معلم و دانشکده‌های تربیت‌بدنی به منظور دستیابی دانش‌آموختگان این مراکز به صلاحیت‌های حرفه‌ای ضروری می‌گردد.

منابع

1. Abdolahi, N, Rastegarpur, H. (2007). Comparative Study of ICT Teachers' Professional Development Strategies in Three Countries in the United Kingdom, Malaysia, and the United States, and provides an Applied Model for Education. *Educational Research*, 13, 115-140. (Persian)
2. Ahadi, B., Seyed Amiri, M., & Moharramzadeh, M. (2013). Criteria of professional physical education teachers. *Sports Management Studies*, 33, 129-146. (Persian)
3. Aghazade, M, Sene, A. (2013). Physical education in national curriculum. *Teaching physical education*, 13 (24), 14-19.
4. Blair, R, Capel, S. (2011). "Primary physical education, coaches and continuing professional development". *Sport, Education and Society*, 4(16), 485-505.
5. Block, M, E, Kwon, E, H, Healy, S. (2016). "Preparing future physical education for inclusion: changing the physical education teacher training program". *Revista da Associação Brasileira de Atividade Motora Adaptada*, 17(1), 9-12. <http://www.bjis.unesp.br/ojs-2.4.5/index.php> (access in January 2017).
6. Daneshpajuh, Z, Valiolah, F. (2006). Assessing the skills of elementary school teachers. *Quarterly Journal of Educational Innovation*, 18, 135-180. (Persian)
7. Laroua, A, Sebbane, M, Gleyse, J. (2015). Professional Competence Requirement: the View of Several Physical and Sports Education Teachers. *International Journal of Sport Studies*, 5 (12), 1275-1281.
8. LoBiondo-Wood, G, Hober, J. (2006). *Nursing research methods and critical appraisal for evidence-based practice*. St. Louis: Mosby-Elsevier.
9. Oh, H, Rizzo, T, R, So, H, Chung, D, Park, S, Lei, Q. (2010). "Preservice physical education teachers' attributes related to teaching a student labeled ADHD". *Teaching and Teacher Education*, 26(4), 885-890.
10. Santos, S, Mesquita, I, Graca, A, Rosado, A. (2010). "Coaches' Perceptions of Competence and Acknowledgement of Training Needs Related to Professional Competences". *Journal of Sports science & Medicine*, 9(1), 62-70.
11. Talkhabi, M. (2004). Professional Teacher: Thinking is the basis for the professional practice of teachers. *Teacher growth*, 181, 10-13. (Persian)
12. Yıldız, E, Kangalgil, M (2014). "The examination of physical education teacher's professional competence and Ideas regarding their teaching method". *Journal of sport sciences*, 5(1), 61-76.

ارجاع‌دهی

میرحسینی فرناز سادات، آقای نجف، صفاری مرجان. طراحی مدل صلاحیت حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی ایران. پژوهش در ورزش تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۹۸؛ ۷(۱۷): ۱۷-۳۴. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.5964.1480

Mirhoseini F. S, Aghaei N, Saffari M. The Modeling of Professional Competence of Iranian Physical Education Teachers. Research on Educational Sport. Fall 2019; 7(17): 17-34. (In Persian). DOI: 10.22089/res.2019.5964.1480

نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه درسی علوم ورزشی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های استان مرکزی)

زینب مندعلی زاده^۱، اسفندیار خسروی زاده^۲

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اراک

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه درسی علوم ورزشی در دانشگاه‌های استان مرکزی بود. فرایند نیازسنجی مبتنی بر مدل ویتکین و آلتسچود (۲۰۱۰) بود. روش تحقیق در دو بخش کمی و کیفی انجام شد. جامعه آماری تحقیق، دانشجویان کارشناسی و استادان علوم ورزشی بود. نمونه آماری در بخش کمی شامل ۱۴۸ نفر و در بخش کیفی (پانل دلفی) ۸ نفر بود. روش نمونه‌گیری در بخش کمی، تصادفی طبقه‌ای و در بخش کیفی، موارد حاد بود. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های وضعیت آموزشی کارآفرینانه، پرسشنامه اهداف برنامه درسی و نیازهای آموزشی (محقق ساخته) استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها توسط ۱۰ نفر از متخصصان و ضریب پایایی هر یک بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب (۰/۹۰۲، ۰/۹۰ و ۰/۸۴۰) مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد وضعیت آموزشی کارآفرینانه در برنامه درسی علوم ورزشی در استان مرکزی از دید دانشجویان نامطلوب بوده است. اولویت نیازهای آموزشی کارآفرینانه به ترتیب مربوط به نیازهای ساختاری، کارورزی و مهارت‌های کار گروهی بود. بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه و برنامه درسی فعلی ارتباط معناداری وجود نداشت. با توجه به نیازهای آموزشی به دست آمده و بر اساس رویکرد دلفی، پیشنهادات آموزشی در سه سطح دانشجویان، ساختاری و اساتید به دست آمد. در نتیجه به نظر می‌رسد نیاز به بازنگری برنامه درسی و ساختارها به منظور توسعه کارآفرینی ضروری است.

واژگان کلیدی: نیازسنجی، برنامه درسی، کارآفرینی، استان مرکزی، علوم ورزشی

1. Email: z-mondalizade@araku.ac.ir

2. Email: es70kh@yahoo.co.uk

مقدمه

امروزه کارآفرینی به عنوان راهبردی اثربخش در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته شده است. توسعه اقتصاد ملی به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر فعالیتهای کارآفرینانه قرار دارد (احمدپور داریانی، شیخان و رضازاده، ۱۳۸۳). کارآفرینی ایجاد ارزش به واسطه به‌کارگیری منابع منحصربه‌فرد و اکتشاف فرصت‌ها در راستای توسعه و ایجاد کسب و کارها و مخاطرات نوآورانه است (کوراتکو و هاجتس، ۲۰۰۱). توسعه جوامع، فرصت‌های زیادی را برای کارآفرینی فراهم کرده است. ایجاد شغل‌های جدید، نوآوری در محصولات و خدمات و تبدیل کمبودها به فرصت‌هایی برای اشتغال یا ایجاد بازار کار جدید، مسائلی است که در کارآفرینی می‌توان به آنها پرداخت.

ورزش نیز به عنوان یک صنعت از کارآفرینی بهره می‌برد، در حقیقت ورزش یک صنعت پویا و منحصربه‌فرد است که ذاتاً و از جنبه‌های مختلف کارآفرین است. کارآفرینی، نقش برجسته‌ای در ورزش جهت ایجاد مزیت رقابتی دارد (سیلیتی و چادویک، ۲۰۱۳). افزایش کارآفرینی ورزشی در جامعه نمایانگر پیدایش فرصت‌های جدید در افزایش تبادل بین ورزش و حوزه‌های تحصیلی است. در حقیقت، رشته‌های تحصیلی در شناخت افراد از نوآوری، رقابتی بودن و خطرپذیری در ورزش نقش دارند (رتن و فراری، ۲۰۱۷). در نتیجه، شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه در ورزش در گرو شناخت، یادگیری و آموزش‌های لازم به همراه رویکردهای شناخت محیطی است.

لازمه کارآفرینی، داشتن دانش، مهارت، انگیزه و نگرش به کارآفرینی است. مهارت و دانش کارآفرینانه به‌گونه‌ای به هم مرتبط و درهم تنیده هستند (راکسس، کایوکا-پایزلز، دجساس، ۲۰۰۸) و به عنوان مفاهیم، مهارت و اندیشه‌ای که کارآفرینان استفاده و یا باید استفاده کنند توصیف شده است (جک و اندرسون، ۱۹۹۹). علاوه بر این آموزش‌های کارآفرینی به ایجاد انگیزش در افراد برای موفقیت، ایجاد و اشاعه فرهنگ کارآفرینی کمک می‌کند. در حقیقت آموزش رکن توسعه است. توسعه یافتگی کشورها به کارآمدی نظام آموزشی وابسته است و کارآمدی نظام آموزشی به میزان زیادی بستگی به برنامه درسی و سیستم آموزشی آن دارد. در این راستا طی دهه‌های اخیر توجه بسیاری از کشورها به کارآفرینی و آموزش آن در تمامی مقاطع تحصیلی بوده است. زیرا منشأ برخی از کارآفرینی‌ها در جامعه امروز، به فارغ‌التحصیلان توانمند برمی‌گردد. اما آنچه امروزه، توجه سیاستمداران را به خود جلب کرده است و به عنوان مهمترین معضل برای اقتصاد و جامعه

-
1. Kuratko & Hodgetts
 2. Cilietti & Chadwick
 3. Ratten & Ferreira
 4. Roxas, Cayoca-Paizales, de Jesus
 5. Jack & Anderson

شناخته شده است بحث بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی است. به گونه‌ای که کشور ما به دلیل عدم توانایی جذب دانش‌آموختگان و عدم توانمندی فارغ‌التحصیلان در اقتصاد با مشکل مواجه شده است (دباغ، ۱۳۸۴) و در دهه حاضر از بزرگترین و مهمترین مشکلات و چالش‌ها برای نیروی انسانی تحصیل کرده ورزش کشور، کارآفرینی و کاهش بیکاری است. این موضوع که دانشجویان در رشته‌های علوم ورزشی نتوانند از توانمندی‌های خود برای راه‌اندازی کسب‌وکاری استفاده کنند معضلی است که در این راستا لزوم توجه به وضعیت آموزش کارآفرینی و دانستن نیازهای دانشجویان را دوچندان می‌سازد.

آموزش کارآفرینی و یا بحث کارآفرینی در دانشگاه به معنای اندیشیدن به فضای کسب‌وکار، ایده و رسیدن به بازار ایده است. آموزش کارآفرینی از انواع تجاربی تشکیل شده است که به دانشجویان توانایی، چشم‌انداز، چگونگی دستیابی و تغییر دادن فرصت‌های متفاوت را می‌دهد. آموزش کارآفرینی فراتر از ایجاد شغل است (رفات، ۲۰۰۹). در این راستا، باید توجه داشت آموزش‌های کارآفرینی همیشه نمی‌تواند برای همه دانشجویان در تحصیل و بعد از فارغ‌التحصیلی نتایج مشابهی داشته باشد. اما با این حال لزوم توجه به آموزش کارآفرینی و ایجاد انگیزه برای جهت دادن به رفتار کارآفرینانه با ارزش است و امروزه در بسیاری از کشورها به آموزش کارآفرینی و ایجاد جو کارآفرینی در دانشگاه‌ها اهمیت داده می‌شود. در حقیقت آموزش کارآفرینی در حال تحول است (ولش، تولار، نمتی، ۲۰۱۶) و آموزش کارآفرینی در فرایند ارائه استراتژی‌های شناختی به دانشجویان نقش مهمی ایفا می‌کند، به گونه‌ای که دانشجویان را قادر می‌سازد تا رویکردی که منجر به موفقیت کسب‌وکار را می‌شود درک کنند. مادامی که جوانان اهداف فردی بدون استراتژی شناختی لازم را داشته باشند، اهداف آنها تنها یک رؤیا است. آموزش کارآفرینی می‌تواند مسیری را برای رسیدن به اهداف آنها نشان دهد. علاوه بر این آموزش کارآفرینی می‌تواند تکنیک‌های حل مسئله را برای کمک به دانشجویان فراهم آورد. به عنوان مثال، بخشی از آموزش موفق کارآفرینی به تشویق جوانان به گفتن داستانی در مورد راهی برای ایجاد هویت بالغ خود است. این روش مهمی برای ایجاد یکپارچگی، خود پنداره مثبت و افزایش اعتماد به نفس است. حمایت از دانشجویان برای ترسیم و سپس بیان روایت بسیار با اهمیت است (ولش، تولار و نمتی، ۲۰۱۶).

با توجه به اهمیت آموزش کارآفرینی و ایجاد جو کارآفرینانه در دانشگاه‌ها، فهمیدن نیازهای آموزشی دانشجویان از ابعاد مختلف می‌تواند خلأهای موجود در فرایندهای و شیوه‌های آموزشی را در راستای رسیدن به اهداف کارآفرینی شناسایی کند و برای برطرف کردن آن راهبردهایی تدوین

-
1. Refaat
 2. Welsh, Tullar, Nemati

نماید. در این میان، توجه به نیازهای آموزشی یکی از مؤلفه‌های مهم در بسیاری از حوزه‌ها است که با برنامه‌ریزی و تدارک پشتیبانی به اهداف و مقاصد معینی می‌رسد. در حقیقت، شناسایی نیازها، اولویت‌بندی و به‌کارگیری راهبردهای آموزشی متناسب با آن تحت عنوان نیازسنجی در علوم اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. درک و اهمیت نقش نیازسنجی در این حوزه‌ها سبب شده است که حتی برخی از صاحب‌نظران، توسعه علوم اجتماعی را انعکاسی از شناسایی و تحقق نیازها تلقی نمایند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲). از دیدگاه آلتسچود و ویتکن^۱ (۲۰۰۰)، نیازسنجی فرایند شناسایی نیازها، اولویت‌بندی آنها، تصمیم‌گیری بر اساس نیازها، اختصاص منابع و اجرای عملکردهای سازمانی برای حل مشکلات است. زمانی که نیازها شناسایی می‌شوند، آنگاه تصمیماتی درباره چگونگی اختصاص منابع گرفته می‌شود (آلتسچود و کومار^۲، ۲۰۱۰). تعیین نظام‌مند نیازهای آموزشی به منظور توسعه کارآفرینی و توانمندی دانشجویان به عنوان مبنایی جهت برنامه‌ریزی و تدوین محتوای آموزشی و یادگیری برای مسئولان و برنامه‌ریزان از اهمیت زیادی برخوردار است. در حقیقت، نیازسنجی شناسایی این نیازها، تحلیل نیازها و نیازسازی بر اساس الگوی جامع است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲).

تحقیقات پراکنده‌ای در مورد رویکردهای نیازسنجی آموزش کارآفرینی صورت گرفته است. در این راستا، کواری و حسینی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای به نیازسنجی دوره‌های آموزشی مورد نیاز و پیشنهادی به‌منظور ایجاد کارآفرینی و کاریابی در دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های علوم پزشکی جنوب کشور پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد نیازهای آموزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان متناسب با بازار کار تغییرات چشمگیری داشته و کمبود توجه دانشجویان به مقوله خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و اصرار دانشجویان به کسب مشاغل دولتی نشان از ضعف سیستم آموزشی در ایجاد روحیه خلاق و کارآفرین دارد. شائمی، اعتباریان و خیرمند (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای، نیازسنجی آموزشی زنان کارآفرین شهر اصفهان را مورد بررسی قرار داد. این مطالعه نیازهای آموزشی زنان را در پنج بُعد در نظر گرفت که عبارت بودند از: بازاریابی، مدیریت مالی و حسابداری، حقوقی و قانونی، مدیریت تولید و عملیات و مدیریت منابع انسانی. صفری و سمیع‌زاده (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تقریباً در همه رشته‌های علوم انسانی، وضعیت آموزش کارآفرینی چه از دید دانشجویان و چه از دید استادان دارای وضعیت نامناسبی است. از نظر ایشان، مواد، محتوا و برنامه‌های فرعی علمی آموزشی و حتی شیوه‌های تدریس در رشته‌های علوم انسانی

1. Withkin & Altschuld
2. Altschuld & Kumar

در انتقال مفاهیم کارآفرینی و کسب‌وکار به دانشجویان وضعیت مناسبی ندارد. بدری آذین (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی نیازهای آموزشی فناوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) اعضای هیئت‌علمی گروه‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌ها پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد اعضای هیئت‌علمی به منظور بهره‌گیری مؤثر از ICT در فرایند آموزش و تحقیق به آموزش مقدماتی در حد متوسط و آموزش تخصصی در حد بالا نیاز دارند. گودرزی، جلالی فراهانی، رجبی و حمیدی (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به طراحی و تدوین الگوی توسعه مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان مدیریت ورزشی کشور پرداختند. ایشان مهارت‌های مورد نیاز را به چهار دسته مهارت‌های محیطی، تجاری، مدیریتی و فنی تقسیم‌بندی کرد. بر اساس یافته‌های تحقیق بیشترین تبیین‌کننده، مهارت‌های محیطی بود.

ازجمله مطالعات خارجی تحقیق پولیتز^۱ (۲۰۰۵) است که در مطالعه‌ای بر اساس بازنگری تحقیقات انجام شده، مدل مفهومی یادگیری کارآفرینانه را تدوین کرد. ازجمله عناصر این مدل عبارت بود از تجارب شغلی کارآفرینانه، فرآیند تغییر و دانش کارآفرینانه به معنی اثربخشی در شناخت و به‌کارگیری فرصت‌های کارآفرینانه و مدیریت مسائل تازه مرتبط با کسب‌وکار. وی نتیجه می‌گیرد تجارب به‌دست‌آمده کارآفرینان به‌طور مثبتی بر توسعه دانش کارآفرینی مرتبط است و هر چه تجارب حاصل از یادگیری بیشتر باشد در شناخت و عملکرد کارآفرینانه اثر مثبت‌تری دارد. تاتیل^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها پرداخته و چند مطالعه موردی از محیط یادگیری کارآفرینانه را مورد تحلیل قرار داد. وی به این نتیجه رسید یکی از چالش‌های آموزشی این است که شایستگی کارآفرینانه، جامع‌تر و روان‌شناختی‌تر از مهارت‌های موضوع-محور سنتی است. مهارت‌های کارآفرینی از طریق پروژه‌های توسعه‌ای جهان واقعی یاد گرفته می‌شوند. وی نتیجه می‌گیرد آموزش کارآفرینانه باید به‌طور کامل بازنگری و تغییر پیدا کند. علاوه بر این فرایند کارآفرینانه نیاز به بازنگری دارد تا توسعه مهارت برای کارآفرینی را بهبود بخشد. ازجمله پیشنهادی حاصل از این تحقیق این بود که مؤسسات آموزش عالی باید برای دانشجویان فرصت-های یادگیری را در کسب‌وکارها فراهم کنند و اثر آموزش کارآفرینی را افزایش دهند. علاوه بر این آموزش کارآفرینی باید دانشجو محور باشد و به دانشجویان برای مطالعه دنیای واقعی اجازه دهد. در واقع از نظر وی، مؤسسات آموزش عالی باید فلسفه آموزش را فراهم کنند و رویکرد کاربردی‌تری را مورد حمایت قرار دهند. یوسف^۳ (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای به بررسی نیازهای حمایتی کارآفرینان

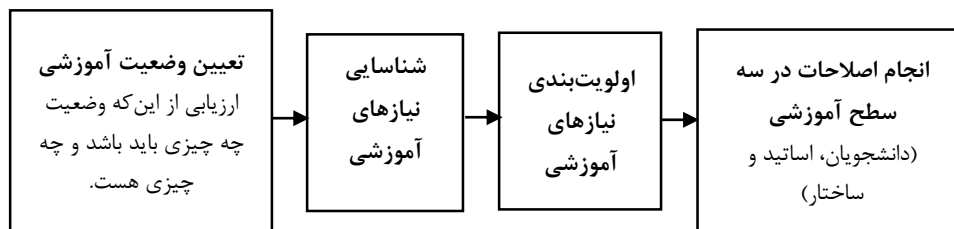
-
1. Politis
 2. aatila
 3. Yusuf

پرداخت و این موضوع را مورد بررسی قرار داده است که آیا برنامه‌های حمایتی کارآفرینی آمریکا اثربخش بوده است یا خیر. این تحقیق با استفاده از مطالعات طولی به این سؤالات پاسخ می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان دارد چنین برنامه‌هایی، ۲۰ درصد نیازهای کارآفرینان را برآورده می‌کند. از جمله نیازهای حمایتی برای کارآفرینان عبارت بود از چگونه راه‌اندازی کسب‌وکار جدید، یادگیری محصول، تولید یا بازار، شبکه‌سازی، اطلاعات عمومی، موضوعات قانونی، سیاسی یا اجرایی و اهداف کلی. در نهایت این تحقیق پیشنهاد می‌کند باید تلاش‌های بیشتری برای کمک به کارآفرینان در شناسایی نیازهای پنهان آنها صورت گیرد در نتیجه سیاستمداران و مدیران اجرایی چنین برنامه‌هایی باید بر اطمینان از نیازهای درست کارآفرینان تمرکز کنند. نیپیتی، ساکولناکورن، کروکساکول^۱ (۲۰۱۴)، نیازسنجی توسعه دوره کارآفرینی در برنامه کارشناسی ارشد را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند مهارت‌های کارآفرینی که بیشتر مورد نیاز است عبارتند از مهارت‌های ارتباطی و همکاری و نیز مهارت‌های کار تیمی. دانشجویان کارشناسی مهم‌ترین نیازهای خود را افزایش دانش، مهارت و تجربه دانشی و تسهیم دانش در کلاس و روش‌های تفکر خلاق بیان کردند. علاوه بر این، از دید دانشجویان کارشناسی ارشد، یادگیری مبتنی بر حل مسئله و یادگیری فعال برای برنامه‌های کارشناسی ارشد مهم تلقی شده بود. از دیدگاه لاکس^۲ (۲۰۱۵) شایستگی‌های کلیدی آموزش کارآفرینانه به مهارت‌های شناختی و غیر شناختی مرتبط هستند. عناصر اصلی این شایستگی‌ها عبارت بود از دانش، مهارت و نگرش که در پیوستاری از مهارت‌های شناختی تا غیر شناختی قرار دارند. شیه و هانگ^۳ (۲۰۱۷) آموزش کارآفرینی در دانشگاه تایوان را با استفاده از رویکرد کیفی مورد مطالعه قرار دادند و نتایج آنها نشان داد مشکل در تعیین اهداف متناسب با دروس کارآفرینی است. اهدافی از قبیل یادگیری بین‌رشته‌ای، فهمیدن فرایندهای کارآفرینی و پرورش ذهنیت کارآفرینانه باید در دروس کارآفرینی مورد تأکید قرار گیرد. یادگیری و تعامل بین-رشته‌ای به عنوان فاکتور مهم در کارآفرینی فناورانه مطرح شد.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد تاکنون نیازسنجی آموزشی با هدف توسعه کارآفرینی مربوط به برنامه درسی دانشکده‌های علوم ورزشی انجام نشده است و علاوه بر این، تحقیقات موجود به بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی در ورزش از نگاه فرآیندی نپرداخته و اصولاً از دید کاربردی در تدوین برنامه‌های درسی به رویکرد نیازسنجی توجهی نشده است و همچنین بر اساس الگوی جامع به صورت همه جانبه به تعیین وضعیت موجود، تعیین نیازهای آموزشی و اولویت

-
1. Naipinit et al
 2. Lackeus
 3. Shih & Huang

این نیازها، تعیین ارتباط بین این نیازها با وضعیت آموزشی فعلی، انجام اصلاحات در سه سطح آموزشی (دانشجویان، اساتید و ساختارها) پرداخته نشده است. در حقیقت، اکثر پژوهش‌ها تنها به تعیین نیازها و درنهایت اولویت‌بندی این نیازها اکتفا کرده‌اند. از طرف دیگر این که کمترین میزان کارآفرینی ورزشی و راه‌اندازی کسب و کارهای ورزشی مربوط به فارغ‌التحصیلان علوم ورزشی است (مندعلی‌زاده، ۱۳۹۳)، این نگرانی را ایجاد می‌کند که آیا برنامه آموزشی به درستی توانسته است نگرش، دانش و مهارت کارآفرینانه را در بین دانشجویان ایجاد کند یا خیر. در واقع، مسئله مورد نظر، بیکاری فارغ‌التحصیلان علوم ورزشی به عنوان یک نگرانی است. علاوه بر این تدوین صرف ساختار برنامه‌های درسی و بازنگری‌های پیاپی آن بدون توجه به دیگر ابعاد موثر بر توسعه کارآفرینی در دانشکده‌ها مانند ساختارها و استادان، ضرورت دیگری از بحث نیازسنجی و آشناسازی آن برای مدیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی است که بتوانند به کمک آن اثربخشی آموزش‌ها را با تمامی ابعاد آن برای توسعه کارآفرینی در نظر بگیرند. لذا هدف این تحقیق بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی در دانشکده و یا گروه‌های علوم ورزشی استان مرکزی، تعیین نیازهای آموزشی و اصلاحات در سه سطح (دانشجویان، اساتید و ساختار) برای رسیدن به توسعه آموزشی کارآفرینی است. فرایند این تحقیق بر اساس الگوی ویتکین و آلتسچود (۲۰۱۰) در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱- فرایند نیازسنجی (ویتکین و آلتسچود، ۲۰۱۰).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در بخش کمی، توصیفی پیمایشی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. در ساخت این پرسش‌نامه از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. در این نوع مطالعه، حوزه کار پژوهشگر منابع کتابخانه، اسناد و مدارک (منابع چاپ شده) و نیز وبگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی است (دلور، ۱۳۸۹).

جامعه آماری تحقیق در بخش کمی شامل اساتید مدیریت ورزشی و دانشجویان دو سال آخر کارشناسی دانشگاه‌های استان اراک بودند. در این میان ۱۸۰ پرسش‌نامه توزیع شد که از این میان،

۱۴۸ پرسش‌نامه دریافت شد و مورد تحلیل قرار گرفت. پرسش‌نامه شامل سه بخش بود. بخش اول مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی (۱۲ سؤال) و بخش دوم مربوط به تعیین وضعیت آموزش کارآفرینانه در بین دانشجویان (۱۵ سؤال)، بخش سوم مربوط به اهداف برنامه درسی (۱۵ سؤال) بود و بخش نهایی مربوط به نیازهای آموزشی کارآفرینانه (۱۹ سؤال) بود. در طراحی سؤالات پرسش‌نامه وضعیت آموزشی کارآفرینانه، از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. شاخص‌های پذیرفته‌شده‌ای برای آموزش کارآفرینی وجود ندارد. اما شاخص‌هایی از قبیل توسعه نگرش کارآفرینانه، مهارت کارآفرینانه و توسعه دانش کارآفرینانه از عمده‌ترین شاخص‌های ذکر شده است (چادریچزیستو و هنری، ۲۰۱۴). بر این اساس سؤالات پرسش‌نامه طراحی شد. پرسش‌نامه نیازهای آموزشی نیز پس از مطالعه اسناد، مدارک و تحقیقات انجام شده، طراحی شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید ده نفر از متخصصان رسید و پایایی پرسش‌نامه توسط ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ها، ۳۰ پرسش‌نامه به صورت مقدماتی آبر روی جامعه آماری اجرا شد. پایایی کلی سؤالات مربوط به وضعیت آموزش کارآفرینانه محور، ۰/۹۰۲، پایای پرسش‌نامه اهداف، ۰/۹۰ و پایایی کلی سؤالات مربوط به نیازها، ۰/۸۴۰ بود. پایایی هر بخش هم به صورت جداگانه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ نیز مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۱- جامعه و نمونه آماری

نمونه آماری	جامعه آماری		
۴۹	۷۷	دانشگاه اراک	دانشجویان
۱۳	۲۰	دانشگاه فرهنگیان	
۲۶	۴۸	دانشگاه پیام نور اراک	
۲۴	۵۰	دانشگاه آزاد اراک	
۱۱	۳۰	دانشگاه آزاد خمین	
۱۵	۴۴	دانشگاه آزاد ساوه	
۱۰	۱۵	دانشگاه‌های استان مرکزی	استادان مدیریت ورزشی
۱۴۸	۲۸۴	مجموع	

از آمار توصیفی (جدول، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف، آزمون t تک متغیره و آزمون همبستگی پیرسون) استفاده شد. تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد.

1. Chatzichristou & Henry
2. Pilot Study

روش تحقیق در بخش کیفی، استفاده از استراتژی فن دلفی بود. در میان مهارت‌های تصمیم‌گیری و بررسی دقت همگرایی تصمیمات، دلفی یکی از روش‌هایی است که معمولاً به کار گرفته می‌شود. ویژگی مهم دلفی ناشناختگی آن، فرایند تکرار شدنی، فرایندهای بازخوردی و همگرایی اعضای گروه از طریق مشارکت یکسان در نتایج است. رویکرد دلفی عبارت است از بررسی و جمع‌آوری نظرات کارشناسان در زمینه‌های خاص از طریق پرسش‌نامه. همگرایی یکی از مفاهیم اساسی دلفی است. همگرایی درجه‌ای از توافق در تصمیم مورد نظر است (رو و وایت، ۱۹۹۶).

در مرحله کیفی از نمونه‌گیری موارد حاد استفاده شد. نمونه‌گیری موارد حاد آنهایی در نظر گرفته می‌شوند که روابط مورد مطالعه در آنها از وضوح خاصی برخوردار است مانند نظرات متخصصان یا آنهایی که برای عملکرد برنامه مورد ارزیابی اهمیت ویژه‌ای دارند (فلیک، ۱۳۸۷) که در این تحقیق از استادان مدیریت ورزشی که آشنا به مباحث آموزش کارآفرینی ورزشی (با توجه به زمینه تحقیقاتی آنها) و یا تجربه کاری در زمینه کارآفرینی داشتند در دلفی دعوت به عمل آمد. اعضای پنل دلفی در دور اول شامل ۱۳ نفر و در دور دوم تعداد مشارکت‌کنندگان، ۸ نفر بودند.

در دور دوم دلفی جمع‌بندی نظرات گروه حاصل از دور اول، دسته‌بندی و به شکل فرمی نیمه ساختاردار تنظیم گردید و در انتهای آن یک سؤال باز پاسخ اضافه شد با این عنوان که چنانچه موارد دیگری به نظرتان می‌رسد اضافه فرمایید که اکثر عناوین بیشتر از ۹۰٪ ضریب توافق را به خود اختصاص دادند.

روایی و پایایی در تحقیقات کیفی اصطلاحات پیچیده‌ای است که از پژوهش کمی (یک انگاره واقع-گرا یا اثبات‌گرا) ناشی شده است و همگان با کاربرد مقادیر آن در روش‌شناسی کیفی موافق نیستند. چرا که پژوهش یک فعالیت کاملاً عینی نیست، بلکه یک فعالیت اجتماعی است که قویاً تحت تأثیر ارزش‌ها و انگیزه خود پژوهشگران قرار دارد. علاوه بر این در زمینه اجتماعی وسیع‌تری انجام می‌گیرد. مطالعه کیفی پیش از آن که روایی درونی داشته باشد باید اعتمادپذیر باشد. یک مطالعه وقتی اعتمادپذیر است که افراد معقول بودن و درستی یافته‌ها را در زمینه اجتماعی خود تشخیص دهند. یکی از روش‌های اعتمادپذیری به کار بردن راهبردهای گوناگون مانند اجماع روش‌شناسی، بررسی به وسیله اعضاء و یا کسب اطلاع از همگنان است (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق تلاش شد افراد درگیر در رویکرد دلفی، متخصصان حوزه ورزش و کارآفرینی ورزشی باشند و به صورت علمی و یا عملی با آموزش و مبحث کارآفرینی در ارتباط بودند.

اصطلاح انتقال‌پذیری جانشینی برای اصطلاح روایی بیرونی و نزدیک به تعمیم‌پذیری است که بر گسترش یافته‌ها و نتایج مطالعه به سایر محیط‌ها، موقعیت‌ها، جامعه‌ها و شرایط دیگر اشاره دارد.

بنابراین برای انتقال‌پذیری محقق باید مطمئن شود که موضوع مورد تحقیق می‌تواند با زمینه گسترده‌تر و یک پیشینه علمی مربوط باشد. انتقال‌پذیری یکی دیگر از مفاهیم در روش تحقیق کیفی است که بر اساس آن، روش‌ها و مسیرهای مختلف نسبت به هم مقایسه می‌شوند. به این منظور که ببینیم آیا آنها بر روی یافته‌ها و نتایج واحد از لحاظ مقاوم بودن نتایج نسبت به زمانی که تنها یک روش واحد به کار برده شود، همگرایی بیشتری دارد (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق به منظور اطمینان از انتقال‌پذیری، کاربرد روش‌های مختلف از جمله روش دلفی و پیشینه تحقیقات گذشته نشان از همگرایی بیشتر و همخوانی پاسخ‌ها داشت.

وابستگی و اتکاپذیری جانشینی برای پایایی است. مقصود آن است که خوانندگان گزارش پژوهشی می‌توانند مناسب و کفایت تحلیل را از طریق پیگیری فرایندهای تصمیم‌گیری ارزیابی کنند. در واقع اتکاپذیری تغییر تفکر درباره طرح سنتی‌تر و آزمایشی شدیداً کنترل‌شده‌تر است. طرح‌های آزمایشی بر کنترل یعنی تثبیت چیزها تأکید دارد، اما در دنیای واقعی که یک محیط طبیعی برای پژوهش کیفی است، انتظار تغییر وجود دارد و بنابراین تکرار پژوهش مسئله‌ساز خواهد بود (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق به منظور حصول از اتکاپذیری، از رویکردهای منظم و سیستماتیک استفاده شد. به‌عنوان مثال رویکرد دلفی کلاسیک، شامل تکرار، بازخورد کنترل‌شده، گمنامی، آنالیز نتایج، اجماع و زمان مورد نیاز است.

تأیید‌پذیری جانشین اصطلاح عینیت است. اما در پژوهش کیفی بسیار مناسب‌تر از ملاک‌های موسوم و متداول طبیعی بودن، بی‌طرفی و عینیت است. پژوهش با بررسی این مطلب که یافته‌ها و نتایج آن به هدف مطالعه دست می‌یابد و این نتایج مفروضه‌ها و ادراکات پیشین پژوهشگر نیست داوری می‌گردد (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق به منظور تأیید‌پذیری و عدم تورش یافته‌های پژوهشگران، نتیجه به‌دست‌آمده طی یک ماه بعد از جمع‌آوری داده‌ها مجدداً مورد بازبینی قرار گرفت. با بررسی مجدد عدم وجود تورش مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

نتایج بخش توصیفی برای نیازسنجی آموزش کارآفرینانه در دانشکده علوم ورزشی نشان داد ۶۸/۷٪ از پاسخگویان را زنان و ۳۱/۳٪ را مردان تشکیل می‌داد. اکثریت پاسخگویان ۳۰/۸٪ را دانشجویان دانشگاه اراک و به ترتیب دانشجویان دانشگاه آزاد اراک (۱۷/۹٪)، دانشجویان دانشگاه پیام نور (۱۸/۷٪)، دانشگاه آزاد ساوه (۱۰/۴٪)، دانشگاه فرهنگیان (۹٪) و دانشجویان دانشگاه خمین (۳/۷٪) بودند. میزان آگاهی از فرصت‌های شغلی در بین دانشجویان حدود ۲۷/۶٪ گزارش شد که ۶۴/۹٪ حدودی از فرصت‌های شغلی آگاهی داشتند و ۶/۷٪ اصلاً آگاهی ندارند.

میزان خوش‌بینی نسبت به ایجاد کارآفرینی و کسب و کار در رشته علوم ورزشی ۲۹/۹٪ گزارش شد. ۵۳/۷٪ تا حدودی خوش‌بین و ۱۵/۷ درصد اصلاً نسبت به ایجاد کسب و کارهای ورزشی خوش‌بین نبودند. میزان سابقه کاری مرتبط با رشته در بین پاسخگویان، ۳۶/۳٪ بود. ۲۸ درصد تا حدودی سابقه کاری دارند و ۳۹/۵٪ اصلاً سابقه کاری در رشته علوم ورزشی ندارند. ۲۳/۱٪ دروس مقطع کارشناسی را مؤثر بر ایجاد انگیزه، ۴۵/۵٪ تا حدودی و ۲۱/۶٪ نیز دروس را فاقد انگیزه اعلام کردند. اکثریت پاسخگویان (۶۸/۱۷٪) اعلام کردند که گزینه شغلی بعد از فارغ‌التحصیلی، استخدام در ادارات و سازمان‌های دولتی در اولویت آن‌ها خواهد بود و تنها ۲/۱٪ کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای ورزشی را در اولویت خود قرار دادند. ۶٪ بخش خصوصی و ۳٪ ایجاد کسب‌وکارهای غیرورزشی را اولویت خود معرفی کردند.

در بخش آمار استنباطی برای تعیین نرمال بودن داده‌ها، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، قضیه حد مرکزی، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی استفاده شد. در این راستا، با توجه به سطح معناداری آزمون، قدر مطلق ضریب چولگی کمتر از ۳+ و همچنین مقدار خطای استاندارد ضریب چولگی و ضریب کشیدگی بزرگتر از ۲- و کوچکتر از ۲+، نرمال بودن تمام گویه‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در نتیجه از آزمون تی تک متغیره برای بررسی وضعیت آموزش کارآفرینانه استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون، در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین حد بالا حد پایین
۱	تا چه اندازه برنامه درسی دوره کارشناسی توانسته است دانش لازم را جهت ایجاد کارآفرینی یا در جهت راه‌اندازی کسب‌وکار برای شما فراهم کند؟	۲/۶۷۵	۱/۰۱	-۳/۹۶۸	۰/۰۰۱	-۰/۳۲۴	-۰/۴۸۶ -۰/۱۶۳

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی
از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره Z	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۲	تا چه اندازه در دوره کارشناسی مهارت‌های کاربردی مانند مهارت‌های بازاریابی (فروش، مذاکره، برندسازی) را کسب کرده‌اید؟	۲/۱۱۶	۰/۹۷۶	-۱۱/۲۲۳	۰/۰۰۱	-۰/۸۸۳	-۱/۰۳	-۰/۷۲۷
۳	تا چه اندازه در دوره کارشناسی مهارت‌های کاربردی مانند مهارت‌های ارتباطی (ارتباط، مذاکره و ...) را کسب کرده‌اید؟							
۴	تا چه اندازه در دوره کارشناسی مهارت‌های مدیریتی (انجام محاسبات مالی، ترازنامه، مدیریت راهبردی، حسابرسی و ...) را کسب کرده‌اید؟	۲/۲۰۱	۱/۱۴	-۸/۶۵۳	۰/۰۰۱	-۰/۷۹۸	-۰/۹۸۱	-۰/۶۱۶

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۵	تا چه اندازه می‌توانید از دانش کسب‌شده حاصل از دروس ارائه‌شده در دوره کارشناسی برای راه‌اندازی کسب‌وکاری بهره ببرید؟	۲/۷۲۵	۱/۰۲	-۳/۳۰۵	۰/۰۰۱	-۰/۲۷۴	-۰/۴۳۸	-۰/۱۱۰
۶	تا چه اندازه در دوره کارشناسی برنامه‌هایی برای تشویق دانشجویان جهت تأسیس شرکت‌های نوپا در دانشکده یا گروه علوم ورزشی ارائه‌شده است؟	۲/۰۵۹	۱/۰۲	-۱۱/۲۴۳	۰/۰۰۱	-۰/۹۴۰	-۱/۱۰	-۰/۷۷۵
۷	تا چه اندازه در دوره کارشناسی در تحلیل فرصت‌های اقتصادی و کارآفرینی توانمند شده‌اید؟	۲/۱۸۰	۰/۹۹	-۱۰/۱۴۱	۰/۰۰۱	-۰/۸۲۰	-۰/۹۷۹	-۰/۶۶۰

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی
از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۸	تا چه اندازه در دوره کارشناسی ذهنیت شما به سمت کارآفرینی سوق داده شده است؟	۲/۵۳۹	۱/۱۷	۴/۸۴۰-	۰/۰۰۱	۰/۴۶۰-	۰/۶۴۸-	۰/۲۷۲-
۹	تا چه اندازه در دوره کارشناسی اساتید در انتقال مطالب درسی به صورت کاربردی به دانشجویان موفق بوده‌اند؟	۲/۹۰۷	۰/۹۸۵	۱/۱۵۲-	۰/۰۰۱	۰/۰۹۲-	۰/۲۵۰-	۰/۰۶۵-
۱۰	تا چه اندازه در دوره کارشناسی شیوه‌های آموزش اساتید، متنوع بوده و خلاقیت، نوآوری و ابتکار لازم را جهت یادگیری طولانی مدت شما داشته است؟	۲/۷۱۵	۰/۹۷۵	۳/۵۸۷-	۰/۰۰۱	۰/۲۸۴-	۰/۴۴۱-	۰/۱۲۷-

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سؤالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۱۱	تا چه اندازه خود اساتید از دانش لازم برای کارآفرینی آگاهی دارند؟	۲/۸۲۱	۱/۱۳	-۱/۹۴۱	۰/۰۰۱	-۰/۱۷۸	-۰/۳۶۰	۰/۰۰۳۲
۱۲	حمایت دانشگاه از فعالیتهای کارآفرینی (مشاوره، برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط و ...) در دوره کارشناسی به چه میزانی بوده است؟	۲/۱۹۶	۱/۰۱	-۹/۸۱۲	۰/۰۰۱	-۰/۸۰۳	-۰/۹۶۵	-۰/۶۴۲
۱۳	امکانات و تجهیزات دانشکده یا گروه علوم ورزشی تا چه اندازه به دانش و مهارت مورد نیاز به شما کمک کرده است؟	۲/۵۵۳	۱/۰۳	-۵/۲۹۴	۰/۰۰۱	-۰/۴۴۶	-۰/۶۱۳	-۰/۲۸۰

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سؤالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره Z	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۱۴	تا چه اندازه در دوره کارشناسی از شیوه‌های متنوع آموزش مانند ارتباط با کارآفرینان و توسعه‌دهندگان کسب و کار، سخنرانی افراد کارآفرین، بازدید از مراکز نمونه ورزشی و یا کارآفرینی و ... در سطح کلاس استفاده شده است؟	۲/۰۴۵	۱/۰۱	-۱۱/۶۲۶	۰/۰۰۱	-۰/۹۵۴	-۱/۱۱	-۰/۷۹۲
۱۵	تا چه میزان فرهنگ کارآفرینانه (جایی که ایده-های جدید مورد انتظار است، ریسک‌پذیری ترغیب می‌شود، یادگیری تقویت می‌شود و تغییر مستمر یک فرصت محسوب می‌شود) در دوره کارشناسی وجود دارد؟	۲/۲۸۰	۰/۹۷۷	-۹/۰۲۵	۰/۰۰۱	-۰/۷۲۰	-۰/۸۷۷	-۰/۵۶۲

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و میانگین نمرات کمتر از ۳ (حد وسط طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای) گزارش شده است و نیز حد بالا و پایین اختلاف میانگین مورد انتظار مقدار منفی به دست آمده است، در نتیجه وضعیت آموزش کارآفرینانه از دید دانشجویان در دانشکده‌های علوم ورزشی مطلوب نبود.

بر اساس آزمون فریدمن ($\chi^2=189/621$ ، $p=0/001$)، اولویت نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور محاسبه شد که این اولویت‌ها یکسان نبوده و بین گزینه‌ها در سطح ۰/۰۰۱ اختلاف معناداری وجود دارد. اولویت گزینه‌های بر اساس میانگین به دست آمده در جدول ۳ داده شده است.

جدول ۳- اولویت‌بندی نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور از دید دانشجویان علوم ورزشی و اساتید

مدیریت ورزشی

میانگین	رتبه	گویه
۴/۱۶۸	۱	تجهیزات ورزشی (به‌عنوان یک ساختار)
۴/۱۶۷	۲	اماکن ورزشی (به‌عنوان یک ساختار)
۴/۰۶۷	۳	کارورزی دروس عملی
۴/۰۲۰	۴	مهارت کار گروهی و تیمی
۴/۰۰۶	۵	مهارت‌های ارتباطی
۳/۷۷۱	۶	مهارت‌های رهبری
۳/۷۵۶	۷	مهارت‌های مدیریتی
۳/۷۴۴	۸	مهارت‌های کارآفرینانه (ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و...)
۳/۷۰۷	۹	آموزش کار با کودکان
۳/۶۹۵	۱۰	آزمایشگاه علوم ورزشی
۳/۶۱۰	۱۱	طراحی و تعریف پروژه عملی برای هر درس (چه دروس نظری و چه دروس عملی)
۳/۵۵۱	۱۲	آشنایی با قوانین و مقررات حقوقی و تجاری
۳/۵۲۷	۱۳	مهارت‌های حل مسئله
۳/۴۸۲	۱۴	مهارت‌های بازاریابی
۳/۴۶۸	۱۵	مهارت‌های فناوری اطلاعات
۳/۴۳۲	۱۶	کارورزی دروس نظری
۳/۴۲۱	۱۷	آشنایی با دانش الکترونیک
۳/۳۳۶	۱۸	مهارت‌های مربوط به محاسبات مالی و حسابداری (ترازنامه، نقطه سر به سر، سود، هزینه و ...)
۳/۱۷۱	۱۹	مهارت در طراحی وبسایت

از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه با اهداف فعلی برنامه درسی استفاده شد. نتایج در جدول ۳ ارائه شده است. عدم ارتباط بین نیازهای آموزشی با

اهداف برنامه درسی نشان‌دهنده وجود تفاوت بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه و اهداف برنامه درسی جاری است.

جدول ۴- ارتباط بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه و اهداف برنامه درسی

نتیجه	همبستگی پیرسون	
	مقدار معنی‌داری	مقدار همبستگی
عدم ارتباط	۰/۱۵۲	۰/۱۱۷

برنامه درسی * نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین برنامه درسی فعلی با نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور رابطه‌ای وجود ندارد و بین برنامه درسی فعلی و نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور تفاوت وجود دارد. اصلاحات مورد نیاز در سطوح آموزشی بر اساس تغییراتی در اضافه شدن دروس مبتنی بر رویکرد دلفی در جدول ۵ آورده شده است و جدول ۶ نیز اصلاحات آموزشی در بخش اساتید را نشان می‌دهد. هم‌چنین جدول ۷ اصلاحات آموزشی در سطح ساختاری را نشان می‌دهد که درصد میزان توافق بین متخصصان بسیار بالا بود که نشان از میزان توافق بالای بین خبرگان بود.

جدول ۵- میانگین و انحراف استاندارد دروس پیشنهادی در سطح دانشجویان

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۸۳۶	۴/۲۰	آشنایی با مسائل حقوقی کسب‌وکارهای ورزشی
۱/۰۰	۴/۰۰	آموزش بازی برای کودکان
۰/۸۳۶	۴/۲۰	روش‌های آموزش در تربیت‌بدنی و ورزش
۰/۴۴۷	۴/۸۰	مدیریت اماکن و رویدادهای ورزشی
۱/۴۱	۴/۰۰	مدیریت مالی و حسابداری (آشنایی با ترازنامه، مسائل مالی و ...)
۰/۸۹۴	۴/۴۰	میانی کارآفرینی و اشتغال‌زایی ورزشی
۰/۸۳۶	۴/۲۰	ورزش‌های متناسب با سبک زندگی (کوهنوردی، بدن‌سازی و ...)
۰/۷۰۷	۴/۲۰	ورزش‌ها و بازی‌های بومی سنتی
۰/۸۳۶	۴/۰۰	ورزش‌های جسمی ذهنی (پيلاتس، تای چی، یوگا و ...)
۰/۵۷۷	۴/۲۰	کارورزی ورزش‌های پایه
۰/۵۴۷	۴/۵۰	کارورزی ورزش‌های انفرادی

ادامهٔ جدول ۵- میانگین و انحراف استاندارد دروس پیشنهادی در سطح دانشجویان

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۵۴۷	۴/۴۰	کارورزی ورزش‌های گروهی
۰/۸۱۶	۴/۴۰	روانشناسی ورزشی
۰/۵۴۷	۴/۰۰	اصول بازاریابی در ورزش
۰/۸۱۶	۴/۶۰	اصول و روش مربیگری
۰/۵۴۷	۳/۶۰	تحلیل تدریس تربیت‌بدنی
۱/۱۴	۴/۰۰	اصول و فنون مشاوره و راهنمایی در ورزش
۱/۰۰	۴/۲۰	آنتروپومتری حرکتی
۰/۸۳۶	۴/۴۰	تکنیک‌های آزمایشگاهی در علوم ورزشی
۰/۸۹۴	۴/۸۰	فناوری اطلاعات در ورزش
۱/۳۰	۴/۶۰	اصول برنامه نویسی کامپیوتری در ورزش
۱/۳۰	۴/۲۰	تدوین و طراحی وبسایت
۰/۸۹۴	۴/۶۰	کار با دستگاه‌های ورزشی
۰/۹۵۷	۳/۷۵۰	آموزش ورزش برای افراد معلول و ناتوان
۱/۰۰	۴/۰۰	مدیریت راهبردی در ورزش
۰/۷۰۷	۴/۰۰	مدیریت ارتباطات در ورزش
۰/۹۵۷	۴/۲۵۰	آنالیز حرکتی
۰	۵/۰۰	مدیریت و برنامه‌ریزی کسب‌وکارهای ورزشی کوچک

جدول ۶- میانگین و انحراف استاندارد اصلاحات آموزشی در سطح اساتید علوم ورزشی

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۵۷۷	۴/۶۶	برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی برای اساتید در راستای ارتقاء دانش و انگیزه کارآفرینانه و انتقال آن به دانشجویان
۰/۵۷۷	۴/۶۶	برگزاری پروژه‌های علمی در کنار دروس تئوری و عملی
۰/۵۷۷	۴/۶۶	تدریس چالشی توأم با مشارکت دادن دانشجویان
۰/۵۷۷	۴/۳۳	بازدید از مراکز کسب‌وکار ورزشی به منزله راهبرد آموزشی
۰/۰۰	۵/۰۰	برگزاری کارگاه عملیاتی برای دانشجویان در تدریس

جدول ۷- میانگین و انحراف استاندارد اصلاحات آموزشی در بخش ساختاری

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۵۷۷	۴/۶۶	برگزاری رویدادهای استارت‌آپ در دانشکده‌ها/ گروه‌ها
۰/۵۷۷	۴/۶۶	ساخت اماکن و تجهیزات ورزشی (سخت‌افزار)
۰/۰۰	۵/۰۰	تجهیز سالن‌ها و وسایل ورزشی (سخت‌افزار)
۰/۰۰	۵/۰۰	تغییر زیرساخت‌های ارتقای اساتید (توجه به آموزش در برابر امتیازات پژوهشی، توجه به خلاقیت و نوآوری در تدریس و ارزش قائل شدن برای آن)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد وضعیت آموزش کارآفرینانه محور در دانشکده‌های علوم ورزشی نامطلوب است که با تحقیق صفری و سمیع‌زاده (۱۳۹۱) که وضعیت آموزش کارآفرینی را در رشته‌های علوم انسانی نامناسب دیدند همخوانی دارد. علاوه بر مؤلفه‌های دانش، نگرش و مهارت که در دوره کارشناسی برای توسعه آموزش کارآفرینی نامطلوب گزارش شد، نحوه آموزش اساتید و شیوه انتقال مفاهیم به دانشجویان نیز با میانگین کمتر از ۳ نامطلوب گزارش شد. حمایت دانشگاه و نیز رویکردهای سخت‌افزاری نسبت به توسعه کارآفرینی نیز نامطلوب بود. از دید دانشجویان دانش اساتید در رابطه با کارآفرینی کمتر از میانگین ۳ بوده است. در حقیقت می‌توان گفت وضعیت آموزش کارآفرینی در حیطه‌های دانش، نگرش، مهارت، شیوه آموزش اساتید، نحوه انتقال محتوا و نیز امکانات سخت‌افزاری و حمایتی کمتر از میانگین و نامطلوب بوده است. در نتیجه آموزش‌ها نتوانسته است انگیزه، نگرش و مهارت کاربردی را به دانشجویان انتقال دهد. به نظر می‌رسد آموزش‌ها پویایی و نیز قابلیت انعطاف‌پذیری لازم را نداشته است و صرفاً وجود واحدهای تئوری به تنهایی نمی‌تواند یادگیری مادام‌العمر را در دانشجویان ایجاد کند. حتی دروس عملی و سرفصل‌های مربوط به آن به تنهایی نمی‌تواند کاربرد لازم را داشته باشد.

اولویت نیازهای آموزشی بر اساس یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه، یکسان نبود و بین رتبه‌بندی یافته‌ها تفاوت معناداری وجود داشت. به طور کلی مهارت‌های مورد نیاز در دسته‌های مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی، ارتباطی، فناوری اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینانه بودند. در این راستا، گودرزی، جلالی فراهانی، رجبی و حمیدی (۱۳۹۶) نیز از جمله مهارت‌های مورد نیاز برای کارآفرینی در بخش مدیریت ورزشی را مهارت‌های محیطی، مهارت‌های تجاری، مهارت‌های

مدیریتی و مهارت‌های فنی نتیجه گرفت. جونز و بیل^۱ (۲۰۰۹) مهارت‌هایی مانند حل مسئله، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های ارتباطی و ارائه، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های گروهی را برای دانشجویان علوم ورزشی مهم برشمرده است. شائمی، اعتباریان و خیرمند (۱۳۹۰) نیز بازاریابی، مدیریت مالی و حسابداری، حقوقی و قانونی، مدیریت تولید و عملیات و مدیریت منابع انسانی را از جمله نیازهای مهم برای زنان کارآفرین شهر اصفهان در نظر گرفتند. خالدی، آقایی و اسکندری (۱۳۹۳) نیز دروسی مانند مدیریت کارآفرینی، مدیریت بازار، مدیریت راهبردی، مدیریت مالی و مدیریت منابع انسانی را متناسب با نیازهای آموزشی کارآفرینانه دانستند. علاوه بر این دین، آنوار و عثمان^۲ (۲۰۱۶) ارتباط قوی‌ای را بین آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه و به‌دست آوردن مهارت‌های کارآفرینی گزارش کردند.

تجهیزات ورزشی، اماکن در اولویت‌های اول قرار گرفتند. به عبارتی تجهیزات ورزشی و سخت‌افزار برای یادگیری کارآفرینانه بسیار مهم در نظر گرفته شده است. نظریان مادوانی، رضانی و شریفیان (۱۳۹۵) در تحقیقی امکانات و تجهیزات آموزشی را برای رسیدن به اهداف آموزشی مؤثر دانستند و در تحقیق خود بیان کردند تجهیزات و اماکن آموزشی موجود به میزان زیادی متناسب با نیازهای آموزشی برنامه‌درسی نیست.

کارورزی دروس عملی نیز در اولویت بعدی قرار گرفت. تحقیقات زیادی (هیكلک و باراکات^۳، ۲۰۱۰، اسچالیک، نرجس و فاوورچیلد^۴، ۲۰۰۶، تاتیلایا، ۲۰۱۰، کنی^۵، ۲۰۱۵، رمسگاد و کاسترگاد^۶، ۲۰۱۷) اثر یادگیری تجربی در عمل را در یادگیری مادام‌العمر مهم دانسته‌اند. در این راستا، هانتی، کاریستو-مرتانه، کالیو-گرلندر و رنترن^۷ (۲۰۰۸) نتیجه گرفتند انجام پروژه‌های واقعی ارزشمندترین محیط یادگیری را برای دانشجویان فراهم می‌کنند، چرا که امکان یادگیری برای ایجاد ارتباط با مشتریان و همچنین پرورش مهارت‌های مدیریتی را فراهم کرده بودند. بنابراین آن‌ها نتیجه گرفتند که محیط کسب‌وکار کلیدی برای موفقیت در آموزش کارآفرینی است.

با توجه به عدم ارتباط بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه با برنامه مصوب، در سه سطح دانشجویان، اساتید و زیرساختی لازم است اصلاحاتی انجام شود. بر اساس رویکرد دلفی، اصلاحات انجام شده در سطح دانشجویان دروس پیشنهادی مانند آشنایی با مسائل حقوقی و تجاری کسب‌وکارهای ورزشی

1. Jones & Bill
2. Din, Anuar & Usman
3. Hyclack & Barakat
4. Schalake, Narjes & Faorchild
5. Kenny
6. Ramsgaad & Qstergaad
7. Hanti, Kairisto-Mertanee, Kallio-Gelander, Rantanen

بود. در حقوق کسب و کار به تأسیس کسب و کارها و موضوعات جدیدی که مطرح می‌شوند پرداخته می‌شود. در این راستا، قوانین مالیاتی، مالکیت معنوی، ورشکستگی و موارد مشابه مطرح می‌شود (کیا، نساج، احمدزاده و نورا، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد آشنایی با مسائل حقوقی در اداره کسب و کارها، آشنایی با حقوق ورزشی، می‌تواند دانشجویان را در محیط کاری آگاه‌تر سازد. آموزش بازی برای کودکان، روش‌های آموزش در تربیت بدنی و ورزش، آموزش ورزش برای افراد معلول و ناتوان، اصول و روش مربیگری، تحلیل تدریس تربیت بدنی از جمله دروس در ارتباط با بحث آموزش بود. وجود این مهم در برنامه درسی می‌تواند زمینه دانشی را برای دانشجویان فراهم آورد. پولیتز (۲۰۰۵) بر اهمیت نقش آموزش و نقش دانش در توسعه کارآفرینی تأکید کرده است.

ورزش‌های متناسب با سبک زندگی، ورزش‌ها و بازی‌های بومی محلی، ورزش‌های نوین نیز از دیگر دروس پیشنهادی است. چنان که رتن و فریرا (۲۰۱۷) ورزش‌های سبک زندگی را از جمله ورزش‌های کارآفرینانه عنوان کردند. کارورزی در دروس تئوری و عملی نیز از جمله دروسی است که مورد نیاز دانشجویان بوده است. در حقیقت، کارورزی دروس عملی نیز می‌تواند نه تنها در یادگیری دانشجویان بلکه در نحوه و چگونگی آموزش دادن نیز به آنها کمک کند. تکنیک‌های آزمایشگاهی، کار با دستگاه‌های ورزشی و نیز آنتروپومتری حرکتی که تلفیقی از رویکرد نظری و عملی است می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد ایده، خلاقیت و نوآوری در ورزش برای دانشجویان ایجاد کند. از دیدگاه پولیتز (۲۰۰۵) تجارب حاصل از یادگیری در شناخت و عملکرد کارآفرینانه نقش مهمی دارد.

مدیریت و برنامه‌ریزی کسب و کارهای ورزشی، مدیریت اماکن و رویدادهای ورزشی، مدیریت ارتباطات در ورزش، مدیریت راهبردی در ورزش، مدیریت مالی و حسابداری در ورزش و آشنایی با نوشتن ترازنامه، مسائل و محاسبات مالیاتی و ... از جمله دروسی است که می‌تواند از جنبه‌های نظری و عملیاتی در ارتباط با کارآفرینی و مهارت‌های مرتبط با آن مانند مهارت‌های کارآفرینی، رهبری، مالی و ... کمک مؤثری به توسعه دانش و مهارت کارآفرینی نماید. به‌طور ویژه، اطلاع از ارقام مالی و به‌طور کلی حسابداری که شامل فعالیت‌هایی از قبیل فن ثبت، طبقه‌بندی و تلخیص فعالیت‌های مالی است یکی از فعالیت‌های مهم در کسب و کارها است (کیا، نساج، احمدزاده و نورا، ۱۳۸۶).

اصول و فنون مشاوره، روانشناسی نیز در کارهای مربیگری می‌تواند نقطه قوتی برای افراد در عمل باشد. افراد درگیر در ورزش به دلیل ارتباط تنگاتنگ با جامعه و ماهیت خدماتی و نیز تولیدی، تحلیل رفتارهای مشتریان برای آنها اهمیت دارد (رتن و فراری، ۲۰۱۷). طریقه برخورد با مشتریان، مصرف‌کننده و به‌طور جامعه انسانی نیازمند دانستن رویکردهای کاربردی به روانشناسی به‌ویژه روانشناسی ورزشی است.

به‌طور کلی دروس پیشنهادی، نشان‌دهنده لزوم توجه به کیفیت آموزشی است. چنان‌که واجاری، برزگر، مرادی و عراقیه (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که بازنگری در محتوای دروس برای رسیدن به توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها با اهمیت است.

اصلاحات آموزشی در سطح استادان نیز قابل توجه و مهم است. برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی برای اساتید می‌تواند در ایجاد دانش برای اساتید مؤثر است. چنانکه قناعتیان جبذری (۱۳۹۰) نقش اساتید را در یادگیری محتوای دروس از نظر مشارکت‌کنندگان با اهمیت عنوان کرد. علاوه بر این بدری آذین (۱۳۹۴) نیز نیازهای آموزشی اساتید در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات را مورد بررسی قرار داد و نیازهای آموزشی اساتید در این رابطه را به دو بخش نیازهای مقدماتی و پیشرفته تقسیم‌بندی کرد. بایکس، ریمر و ریوزا (۲۰۱۶) افزایش فهم واقعی از کارآفرینی توسط معلمان و اساتید و ضرورت حمایت قانونی، مالی و مدیریتی از آموزش کارآفرینی را در بهبود آموزش کارآفرینی مهم نتیجه‌گیری کرده است. توانمندسازی استادان، نقش اساسی در ارتقاء و تعالی آموزش در سطح دانشگاه ایفا می‌کند به عبارت دیگر توانمندی اعضای هیئت‌علمی می‌تواند مستقیماً بر عملکرد آموزش عالی تأثیرگذار باشد (صفوی و صادقی، ۱۳۹۶).

برگزاری کارگاه‌هایی که بیشتر جنبه عملیاتی دارد نیز از جمله اصلاحات دیگر در بخش آموزش است. در بخش ساختاری نیز اصلاحاتی مانند برگزاری رویدادهای استارت‌آپ، ساختن اماکن ورزشی و تجهیزات ورزشی به‌عنوان سخت‌افزار می‌تواند در ایجاد ساختار بهتری برای بهبود فرهنگ کارآفرینی در دانشکده‌های علوم ورزشی مورد نظر قرار گیرد. در این راستا، نظریان مادوانی، رضانی و شریفیان (۱۳۹۵) بر نقش زیرساخت‌ها متناسب با نیازهای آموزشی تأکید کردند. علاوه بر این تغییر زیرساخت‌های ارتقای اساتید و توجه به ارتباط جامعه و دانشگاه می‌تواند اصلاحات دیگری باشد که این نمونه، رویکرد ارزیابی را برای اساتید و ارتقای آن‌ها تغییر می‌دهد. اینکه، ارتقای اساتید تعداد مقالات علمی پژوهشی، آی اس آی و ... باشد نمی‌تواند انگیزه لازم را برای ایجاد نگرش کارآفرینی و انتقال آن به دانشجویان فراهم کند.

با توجه به نتایج تحقیق، از آنجایی که وضعیت موجود آموزش کارآفرینانه از باب دانش، نگرش و مهارت نامطلوب است و با توجه به اینکه نیازهای آموزشی مرتبط با کارآفرینی با برنامه فعلی رابطه‌ای ندارد، پیشنهاد می‌شود:

۱- زیرساخت‌های آموزش عالی از جمله مبنای ارتقای اساتید وزن بیشتری به سمت کارآفرینی، آموزش کاربردی، ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و ... پیدا کند. مسئله‌ای که در بسیاری از کشورهای

توسعه‌یافته به چشم می‌خورد و مبنای ارتقای اساتید، کار، خلاقیت و نوآوری است که آنها برای جامعه خود انجام می‌دهند.

۲- برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی در ارتباط با کارآفرینی، خلاقیت و مفاهیم آن، برای اساتید رشته علوم ورزشی از طرف مدیریت و معاونت آموزشی می‌تواند در ایجاد دانش و انتقال آن به دانشجویان کمک کند.

۳- دعوت از کارآفرینان ورزشی به‌عنوان مدرس در دانشگاه‌ها برای ایجاد انگیزه در دانشجویان از دیگر پیشنهادهاى تحقیق است.

۴- حمایت و ایجاد مراکز مشاوره کارآفرینی در دانشکده‌های علوم ورزشی و حمایت از برگزاری استارت‌آپ و یکند^۱ (کسب‌وکارهای نوپا در اواخر هفته‌ها) می‌تواند در ایجاد فرهنگ کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی مؤثر باشد. علاوه بر این ایجاد بانک اطلاعاتی برنامه‌های حمایتی توسط دانشگاه‌ها می‌تواند به افرادی که خواستار اطلاعاتی در مورد کسب‌وکارهای ورزشی، اختراعاتی ورزشی و نیز اطلاع از مراکز ارتباط‌دهنده صنعت و ورزش هستند خدمات ارائه نماید.

منابع

1. Ahmadpour Daryani, M., Sheikhan, N., Rezazadeh, H. (2004). *Entrepreneurship Experiences in Selected Countries*. Tehran: Sepehr publication. (Persian).
2. Altschuld, J., Kumar, D.D. (2010). *Needs assessment, an overview*. USA: SAGE publication.
3. Altschuld, J., Witkin, B. (2000). *From Need assessment to action: Transferring needs into solution strategies*, Thousand oaks, C,A: Sage.
4. Badri Azin, Y. (2014). Educational Needs Assessment of Information and Communication Technology (ICT) at Faculty Members of Physical Education and Sports Sciences Universities, *Sports Management*, 13 (1): 5-25. (Persian).
5. Bikse, V., Riemere, I., Rivza, B. (2014). Science direct the improvement of entrepreneurship education management in Latvia. *Procedia- social and behavioral sciences*, 140(1), 69-76.
6. Chatzichristou, S., Henry, N. (2014). Expert Group on Indicators on entrepreneurial learning and competence, A report, Brussels: Belgium.
7. Cilietti, D., Chadwick, S. (2013). *Sports Entrepreneurship, Theory and Practice*, Translated by Honari, H, Goodarzi, M. Tehran: Hatami Publications. (Persian).
8. Dabagh, R. (2003). Employment policies of different countries and Iran. institute for research and planning, higher education. *Quarterly journal of research and planning*, 11(3): 147-168. (Persian).
9. Delavar, A. (2011). *Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences*. 7th edition. Tehran: Roshd publication.

10. Din, B.H, Anuar, A.R., Usman, M. (2016). The effectiveness of the entrepreneurship Education program in upgrading entrepreneurial skills among public university students. *Procedia-social and behavioral sciences*, 224(224), 117-123.
11. Fathi Vajargah, K. (2001). *Educational Needs Assessment, Patterns and Techniques*. 2th Ed. Tehran: Ayizh publication (Persian).
12. Flick, U. (2008). An introduction to qualitative research, translated by Hadi Jalili, Tehran: Nay Publication.
13. Ganaatiyan Jabzari, M. (2011). Requirements of Educational Management in Master's Degree Rehabilitation Management based on the Experiences and Views of Students and Students in 2011, Master's thesis for Rehabilitation Management, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. Tehran: faculty of rehabilitation (Persian).
14. Goodarzi, M., Jalali Farahani, M., Rajabi, H., Hamidi, M. (2017). Designing and developing a model for entrepreneurial skills among Iranian sport management students. *A new approach to sports management*, 5 (18): 21-9. (Persian).
15. Hanti, S., Kairisto-Mertanen, L., Kallio-Gerlander, J. and Rantanen, H. (2008), "Identifying entrepreneurial competences in three different cross-disciplinary environments", in Ingle, S. and Neuvonen-Rauhala, M. (Eds), *Promoting Entrepreneurship by Universities. The Proceedings of the 2nd International FINPIN 2008 Conference*, Helsinki: Finland
16. Hooman, H. (2011). *Practical Guide to Qualitative Research*. 4th Edition. Tehran: Organization for the Study and Compilation of Human Sciences Books. (Persian).
17. Hyclack, T., Barakat, S. (2010). Entrepreneurship education in an entrepreneurial community. *Industry and higher education*, 24(6): 475-486.
18. Jack, S., Anderon, A. (1999). Entrepreneurship education within the enterprise culture: producing reflective practitioner. *International journal of entrepreneurial behavior & research*, 5(3), 110-125.
19. Jones, W. B, Bill, K. (2009). Enhancing Enterprise, Entrepreneurship and Employability through PDP. Retrived from: <https://www.heacademy.ac.uk/knowledge-hub/enhancing-enterprise-entrepreneurship-and-employability-through-pdp>
20. Kenny, B. (2015). Meeting the entrepreneurial learning needs of professional athletes in career transition. *International journal of entrepreneurial behavior and research*, 21(2), 175-196.
21. Khaledi, Kh., Agahi, H., Eskandari, F. (2013). Educational Needs of Entrepreneurship Management in Agricultural College Students of West Iran. *Quarterly Journal of Agricultural Management*, 6(30), 14-3. (Persian).
22. Kia, M., Nasak, S., Ahmadzadeh, N., Noora, A (2007). *Step-by-step Entrepreneurship*. Tehran: publication of Employment Co-operation Organization of Graduates of Universities. (Persian).
23. Kuratko, D. F. Hodgetts, R. M. (2001): *Entrepreneurship: A contemporary Approach*. 5th Edition. Fort Worth, TX: Harcourt College publication.
24. Lackeus, M. (2015). *Entrepreneurship in education, what, why, when, how. A report of European commission*, OECD, P: 1-45.

25. Mondalizadeh, Z. (2013). Designing and developing of indicators and model of sustainable entrepreneurship in sport of Iran, a dissertation, faculty of humanities science, departemen of sport management, Tarbiat Modares University: Tehran . (Persian).
26. Naipinit, A., Sakolnakorn, T., Kroeksakul, P. (2014). Sufficiency economy for social and environmental sustainability: a case study of four villages in rural Thailand. *Asian social science*, 10(2): 102-114.
27. Nazarian Madvani, A., Ramezani, A., Sharafiani, H.R. (2015). Graduate Curriculum Evaluation of Physical Education and Sports Science. *Sports Management Studies*, 31: 70-49. (Persian).
28. Politis, D. (2005). The process of entrepreneurial learning: a conceptual framework. *Entrepreneurship theory and practice*, 29(4): 399-424.
29. Quaray, SH., Hosseini, M A. (2010). Needed and suggested training needs for entrepreneurship and job placement among students and students of Southern Medical Sciences Universities. *Quarterly Journal of Jahrom University of Medical Sciences*, 9(1): 60-54. (Persian).
30. Ramsgaad, M.B., Qstergaad, S.J. (2017). *Education and training* retrieved from <https://doi.org/10.1108/et-11-2016-0164>. Access 21 Aug. 2017.
31. Ratten, V., Ferreira, J. (2017). *Entrepreneurship and Sport Innovation*. Translated by Mondalizadeh, Z, Khosrowizadeh, E. Arak: Arak University publication. (Persian).
32. Refaat, A.A. (2009). The Necessity of Engineering Entrepreneurship Education for Developing Economies, *International Journal of Education and Information Technologies* .2(3), 85-96.
33. Rowe, G., Wright, G. (1999). "The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis." *International journal of forecasting* 15(4): 353-375.
34. Roxas, B.G., Cayoca-Panizales., R., de Jesus, R. (2008). Entrepreneurial Knowledge and its effects on entrepreneurial intention: development of a conceptual framework. *Asia-pacific science*, 8(2): 61-77.
35. Safari, A., Samiyazadeh, M. (2011). Needs Assessment of Knowledge Training and Entrepreneurship Skills in Humanities. *Education Technology*, 7(7): 79-65. (Persian).
36. Safavi, A., Sadeghi, A. (2017). Reconstruct the faculty empowerment program through the intervention strategy of supervised experience and experience with the aim of enhancing their skills in curriculum design. *Journal of Educational Strategies in Medical Sciences*, 10 (5): 359-363. (Persian).
37. Schalake, M.R., Narjes, C., Faorchild, P. (2006). New Youth Entrepreneurship Curriculum on the Horizon. A report, United Kingdom: University of Nebraska Lincoln.
38. Shaemi, A., Etebarian, A., Khairmand, M. (2010). Educational needs of female entrepreneurs in Isfahan. *Women in development and politics*, 9(3): 180-151. (Persian).
39. Shih, T., Huang, YY. (2017). A case study on technology entrepreneurship education at a Taiwanese research university. *Asia pacific management review*, 22(4): 202-211.

40. Taatila, V. P. (2010). Learning entrepreneurship in higher education. *Education and training*, 52(1): 48-61.
41. Wajari, T., Barzegar, N., Moradi, S., Arakyya, A. (2013). Analysis of the quality of industrial engineering curriculum for labor market based on job-seeking (case study). *Quarterly Journal of Human Resource Education and Development*, 1(3):129-113. (Persian).
42. Welsh, D, H.B., Tullar, W.L., Nemati, H. (2016). Entrepreneurship education: process, method, or both?, *Journal of innovation and knowledge*. 1(3): 125-132.
43. Yusuf, J-E. (2010). Meeting entrepreneurs' support needs are assistance programs effective? *Journal of small business and enterprise development*, 17 (2): 294-307.

ارجاع‌دهی

مندعلی‌زاده زینب، خسروی‌زاده اسفندیار. (۱۳۹۸). نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه‌درسی علوم ورزشی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های استان مرکزی). پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۷): ۳۵-۶۲.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.6211.1506

Mondalizadeh Z., Khosravizadeh E. (2019). Entrepreneurial Educational Needs Assessment in the Curriculum of Sport Sciences (Case Study: Universities of Markazi Province). *Research on Educational Sport*, 7(17): 35-62. (Persian).
Doi: 10.22089/RES.2018.6211.1506

تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر خودسودمندی کاربایی دانش‌آموختگان علوم- ورزشی

سجاد غلامی ترکسلویه^۱، بهرام یوسفی^۲، شیرین زردشتیان^۳

۱. دانشجو دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

۳. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه رازی کرمانشاه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر برخی ویژگی‌های شخصیتی بر روی خودسودمندی کاربایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی بود. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نظر هدف کاربردی بود و به شکل میدانی انجام شد. دانش‌آموختگان علوم ورزشی جامعه آماری بود. نمونه ۳۶۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری، پنج پرسش‌نامه استاندارد عزت‌نفس چانگ و همکاران (۲۰۱۸)، تحمل-ابهام هازن و همکاران (۲۰۱۲)، منبع کنترل کساویف و همکاران (۲۰۱۸)، خودنمودگری هارت و همکاران (۲۰۱۷) و خودسودمندی کاربایی صالحی (۱۳۹۴) بود. جهت روایی ترجمه از روش روایی ترجمه پیشرو-پسرو استفاده شد. روایی صوری و محتوایی به تأیید شانزده تن از اساتید مدیریت ورزشی رسید. همچنین مقدار پایایی، روایی واگرا و همگرا پرسشنامه مطلوب برآورد شد. تحلیل نتایج به روش معادلات ساختاری با نرم افزار پی‌ال‌اس و اس‌پی‌اس انجام شد. نتایج نشان داد مقدار ضریب تعیین برای سازه خودسودمندی-کاربایی ۰/۸۳۰ است که مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌کند. همچنین ضرایب اثر پنج عامل عزت‌نفس (۰/۴۷۲)، تحمل ابهام (۰/۱۲۳)، منبع کنترل (۰/۱۲۵) و خودنمودگری (۰/۳۴۷) نشان از تأثیر آنها بر روی خودسودمندی کاربایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی دارد. به‌طور کلی دست‌آورد این پژوهش برای متولیان ورزش کشور، ضرورت تدوین سیاست‌های متناسب با ویژگی‌های شخصیتی، جهت اشتغال بیشتر دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی است. از طرفی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی می‌توانند با مدنظر قرار دادن توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی خود زمینه را برای اشتغال هر چه بیشتر خود فراهم آورند.

واژگان کلیدی: خودسودمندی، عزت‌نفس، تحمل ابهام، خودنمودگری، دانش‌آموختگان علوم ورزشی.

1. Email: s.gholami_2020@yahoo.com

2. Email: bahramyoosefy@yahoo.com

3. Email: zardoshtian2014@gmail.com

مقدمه

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود (احمدی، بختباری و حسین نژاد، ۱۳۹۵؛ ۵). به طوری که یکی از اهداف کلان توسعه در کشورهای مختلف کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. زیرا بیکاری یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که رفع آن همواره از دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است (صیدانی، بهاری و زارع، ۱۳۹۰، ۲۹). این موضوع در سال‌های اخیر ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. سال‌ها نظر بر این بود که نرخ بیکاری با ارتقا سطح آموزش کاهش می‌یابد، به طوری که نرخ آن در بین دانش‌آموختگان آموزش عالی به صفر می‌رسد، اما این نظر امروزه با افزایش تعداد بیکاران آموزش‌دیده در سطح عالی، متزلزل شده است (ملکپور و محمدی، ۱۳۹۳؛ ۲۱۹). زیرا آموزش عالی در کشور در چند دهه اخیر گسترش سریعی داشته است. این افزایش ظرفیت‌ها که از طریق ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز عالی در کلی استان‌ها به وجود آمده است، موجب افزایش دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها شده و عدم هماهنگی بین فرصت‌های شغلی موجود در بخش‌های مختلف و به عبارتی کمبود تقاضا، پدیده بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی را فراهم آورده است (مهرعلیزاده و آرمین، ۱۳۸۶؛ ۲۹). شواهد نیز نشان می‌دهد در حال حاضر بین نظام آموزشی و بازار کار کشور به لحاظ کمی و کیفی ارتباط منطقی وجود ندارد و دانش‌آموختگان دانشگاهی به درستی جذب بازار کار مربوط به رشته خود نمی‌شوند و بسیاری از آن‌ها یا بیکار می‌مانند یا انحراف شغلی پیدا می‌کنند (فلاح، بهشتی، بهشتی و رضوانی، ۱۳۹۶؛ ۱۸۲). یکی از رشته‌های دانشگاهی که با وجود قابلیت‌های فراوان در زمینه اشتغال برای دانش‌آموختگان و جذب نیروی متخصص با مشکل روبرو است، رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی است. جوادیان صراف و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود اشاره کردند ۷۰/۲ درصد از دانشجویان از آینده شغلی خود نگران هستند. این شرایط، واکنش‌های منفی زیادی را در دانش‌آموختگان به وجود می‌آورد، به گونه‌ای که آنها اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی خود را برای یافتن کار و اشتغال‌زایی بروز دهند (فراهانی و قریانی قهفرخی، ۱۳۹۲؛ ۱۳۱). در این رابطه نشان داده شده است بسیاری از پیامدهای منفی روانشناختی و سلامت فیزیکی با مشکلات فرآیند کارایی ارتباط دارد (شفیع آبادی، ۱۳۹۲؛ ۲۸).

در این راستا صاحب‌نظران علم مدیریت و تحلیل‌گران مسایل اقتصادی و اشتغال معتقدند ویژگی‌های شخصیتی و فردی برای موفقیت شغلی عاملی اثرگذار محسوب می‌شود (محمدی و عسکری، ۱۳۹۰؛ ۱۳۲). آنان بر این باورند که افراد باید واجد دو ویژگی مهم باشند. یکی ساخت تخصصی که به معنای داشتن دانش، تحصیلات، هوش و تخصص کافی است و دیگری ساخت شخصیتی که به معنای داشتن ویژگی‌های شخصیتی مانند ریسک‌پذیری، عزت و اعتماد به نفس، کانون کنترل، توانایی تحمل

موقعیت‌های ابهام‌آمیز، خودنمودگری یا خودبیانگری (توانایی معرفی خود به دیگران) می‌باشند (محمدی، احمدی و امیرشایان جهرمی، ۱۳۹۰، ۱۰۳). در این باره کانگ و لی (۲۰۱۵، ۵۹) ویژگی اول را مهارت‌های شناختی و ویژگی دوم را مهارت‌های غیر شناختی می‌نامند. سونها، هاگمن و اسکانیک (۲۰۱۰) بر این باورند که مهارت‌های شناختی یکی از جنبه‌های مهم و لازم برای موفقیت در زندگی است، اما برای عملکرد در زندگی کافی نیستند و به‌منظور موفقیت در بازار کار و پیدا کردن شغل، مهارت‌های غیر شناختی نیز اهمیت فراوانی دارد. اهمیت مهارت‌های شناختی در موفقیت‌های اجتماعی-اقتصادی در مطالعات متعددی تأیید شده است. اما تحقیقات نو ظهور اهمیتی موازی برای مهارت‌های غیر شناختی قایل شده‌اند، به‌گونه‌ای که بیان شده است مهارت‌های غیر شناختی، ایجاد مهارت‌های شناختی را تحریک می‌کند و نقش مهمی در عملکرد شغلی افراد دارد (هاگمن، ۲۰۱۱، ۱) و به اندازه مهارت‌های شناختی و حتی بیشتر از آن در تعیین پیامدها و موفقیت‌های شغلی اهمیت دارد (روسن، گلین، دالتون، لنون و بوزیک، ۲۰۱۰).

اصطلاح مهارت‌های غیرشناختی برای تقابل بین طیفی از رفتارها، ویژگی‌های شخصیتی و نگرش‌ها با مهارت‌ها، استعداد و پیشرفت تحصیلی به کار برده شده است (عزیزی، شینی ییلاق، حاجی یخجالی و علی پور، ۱۳۹۵، ۶۵۷). این مفهوم را بوولز و گینیت (۱۹۷۶) دو جامعه‌شناس، مطرح کردند تا بر عواملی غیر از عوامل قابل سنجش از طریق آزمون‌های شناختی تمرکز شود. آنها بر نقش نگرش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی و فردی به عنوان عوامل تعیین‌کننده موفقیت در بازار و کارایی تأکید کردند (گوتمان و اسکن، ۲۰۱۳، ۵۹). در این راستا عزیزی، شینی ییلاق، حاجی یخجالی و علی پور (۱۳۹۵) در پژوهشی گزارش کردند عواملی مانند جهت‌گیری اجتماعی، نیاز به موفقیت، خلاقیت، پشتکامی، پشتکار بر روی موفقیت و انتخاب شغل موثر است. لطفی عظیمی، عباسی، محمودیان، جمالی، رضوانی فر (۱۳۹۵) در پژوهش خود گزارش کردند جهت‌گیری کارآفرینی و ایجاد شغل با متغیرهای انگیزه پیشرفت، نوآوری، خودکارآمدی، خودشکوفایی، عزت‌نفس و تحمل ابهام رابطه مثبت و معناداری دارد. احمدپور، قاسمی و علیخانی دادوکیلی (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود گزارش کردند ویژگی‌های شخصیتی مانند توانایی خطرپذیری، منبع کنترل، علاقه مندی به نوآوری و توانایی تحمل موقعیت‌های ابهام‌آمیز باعث توسعه مهارت‌های شغلی و کارآفرینی می‌شود. نعمتی (۱۳۹۲) در پژوهشی که بر روی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه‌های تهران انجام داد گزارش کرد دانشجویان

-
1. Kang & Lee
 2. Cunha, Heckman & Schennach
 3. Heckman
 4. Rosen, Glennie, Dalton, Lennon & Bozick
 5. Bulles and Ginit
 6. Gutman & Schoon

کارآفرین در ابعاد منبع کنترل، توفیق طلبی و رویاپردازی وضعیت قوی و در بعد تحمل ابهام وضعیت بسیار قوی دارند. کاظمی، حسینی نیا و رمضان زاده (۱۳۹۲) نیز گزارش کردند سه عامل کنترل شخصی، عزت نفس و نوآوری بر روی عملکرد مدیران ورزشی تأثیر گذار است. صادقی، باغبان، احمدی و موسوی (۱۳۹۱) در پژوهش خود بر نقش عزت نفس در شکل گیری بلوغ مسیر شغلی کارجویان تأکید دارند. آروند و شفیع آبادی (۱۳۸۵) معتقدند افراد می کوشند تا دیگران را از ویژگی ها و توانایی - های خود آگاه کنند. این آگاهی و قضاوت از سوی دیگران در تعیین رفتار و مسیر شغلی آنها موثر است؛ به طوری که آن ها معتقدند این افراد زندگی کاری موفق تری دارند. نوردمن و سار و شارما^۱ (۲۰۱۵) نیز دریافتند طیف وسیعی از مهارت ها شامل انگیزش، پشتکار، مهارت های اجتماعی، عزت نفس، تحمل ابهام و ... از جنبه نظری تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر کارایی افراد دارد. شینر، هسو و پاول^۲ (۲۰۱۴) گزارش کردند اعتماد و عزت نفس با خودکارآمدی و نیت کارآفرینی افراد رابطه دارد، همچنین جنسیت در این رابطه نقش تعدیل کننده ای دارد. هابر، سلوف و وان پراگ^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی گزارش کردند ریسک پذیری و تحمل ابهام یکی از ویژگی های متمایز کارآفرینان است. پائولوس، وستالک، کالوز و هارمز^۴ (۲۰۱۳) و بارون، بورگارت، پوچران^۵ (۲۰۰۶) به نقش خودنمودگری (خودبیانگری) در فرآیند کاریابی و خودسودمندی در مصاحبه های شغلی اذعان داشتند. تاپ، کلاکوگل و دیلک^۶ (۲۰۱۲) نیز معتقدند دانش آموختگان دارای احساس خودکارآمدی بالا، اعتماد به نفس بیشتری دارند و درک روشن تری از فرصت ها و موقعیت های مبهم دارند. نتایج مطالعات تجربی برونلو و اسکلوتر^۷ (۲۰۱۱) که در اروپا و آمریکا انجام شد نشان داد، سطح مشخصی از ویژگی های فردی مانند عزت نفس، منبع کنترل درونی، قدرت تحمل ابهام، پیش نیاز ایجاد اشتغال و عدم شکست در بازار کار است. ناتا^۸ (۲۰۰۷) نیز گزارش کرد رفتارهای مرتبط با مسیر شغلی تحت تأثیر صفات و ویژگی های شخصیتی قرار می گیرد. این مهارت ها شامل طیف وسیعی از ویژگی ها مانند منبع کنترل، موفقیت طلبی، تحمل ابهام، عزت نفس و خودنمودگری و ... است. از نتایج تحقیقات گزارش شده می توان نتیجه گرفت طیف وسیعی از عوامل فردی بر روی اشتغال افراد و دانش آموختگان دانشگاهی تأثیر دارد، اما تا به حال تحقیقی در زمینه تأثیر ویژگی های شخصیتی بر روی خودسودمندی کاریابی

-
1. Nordman, Sarr, & Sharma
 2. Shinnar, Hsu & Powell
 3. Huber, Sloof & Van Praag
 4. Paulus, Westlake, Calvez & Harms
 5. Baron, Burgart, L.J., Pochron
 6. Top, Colakoglu & Dilek
 7. Brunnello & Schlotter
 8. Nauta

به‌خصوص در دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی انجام نشده است. اگر تحقیقی نیز انجام شده در زمینه ایجاد اشتغال و کارآفرینی است. به دلیل وجود این خلأ پژوهشی، نیاز است تحقیقی در این زمینه انجام شود.

با توجه به موارد گفته شده این نکته را باید در نظر داشت که امروزه اکثر مشاغل نوین در شرکت‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شود (زالی، مدهوشی و کردناجی، ۱۳۸۶، ۸۷). شرکت‌های امروزی کوچک‌تر شده‌اند و سازمان بزرگ‌تر نیز عموماً افراد کمتری را به کار می‌گیرند. این بدان معناست که دانشجویان و دانش‌آموختگان قرن بیست و یکم امنیت شغلی پایدار و بلندمدت نخواهند داشت. در حال حاضر، آموزش دانشگاهی به عنوان ابزار کارایی دانش‌آموختگان به چالش کشیده شده است (وانگ و وانگ، ۲۰۰۴؛ ۱۸۵). از این رو در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود که دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به‌طور جدی علاقه‌مند به ایجاد کسب و کار و یافتن کار برای خودشان هستند. این جریان، تغییرات عمده‌ای را در الگوهای اشتغال نشان می‌دهد. به‌طور مثال، در انگلستان میزان خوداشتغالی به ۱۴ درصد جمعیت فعال (سه میلیون و چهارصد و بیست و سه هزار نفر) رسید. همچنین در سال ۱۹۹۶، شاخص خوداشتغالی در خصوص دانش‌آموختگان دانشگاهی در آمریکا ۳۰ درصد بود، در حالی که این شاخص در سال ۲۰۰۴ به ۳۲ درصد ارتقا یافت. پژوهش دیگری نشان می‌دهد که یک دوازدهم دانش‌آموختگان دانشگاهی آمریکا برای خود شغلی را ایجاد کرده‌اند، درحالی که این نسبت در مورد دانش‌آموختگان انگلیسی برابر یک سی و سوم است (مک لارتی، ۲۰۰۵؛ ۲۲۹).

همه این موارد گواه این است که دیگر الگوهای اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی به‌خصوص دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی از استخدام در کارهای دولتی به سمت خوداشتغالی و کارایی برای خود تغییر کرده‌است. حال در این رابطه کسانی موفق هستند که بتوانند یا برای خود در سازمان با نهادی کارایی کنند و مشغول به کار شوند یا برای خود ایجاد شغل کنند؛ که هر دوی این موارد نیازمند این است که افراد مهارت‌های فردی یا درونی (عزت‌نفس، تحمل ابهام، منبع کنترل، خودنمودگری و ...) مناسبی داشته باشند. از آنجایی که بیشتر تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده بر روی تأثیر مهارت‌های فردی (درونی) بر کارآفرینی بوده است و تا به حال تحقیقی در زمینه بررسی این عوامل بر روی خودسودمندی کارایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی انجام نشده است. از طرفی بخش قابل توجه‌ای از دانش‌آموختگان دانشگاهی را دانش‌آموختگان این رشته تشکیل می‌دهند که در جامعه زمینه‌های شغلی زیادی برای آنها وجود دارد ولی یا از آن آگاه نیستند یا اعتمادبه‌نفس برای کارایی در این زمینه را ندارند، لذا محقق بر آن شد تحقیقی در این راستا انجام دهد. بنابراین

-
1. Wang & Wong
 2. McLarty

هدف این پژوهش پاسخگویی به این سوال است که آیا عوامل شخصیتی (عزت نفس، خودنمودگری، تحمل ابهام و منبع کنترل) بر روی خودسودمندی کاربایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی تأثیر دارد یا خیر؟

روش‌شناسی

هدف از انجام این تحقیق، ارائه لگوی عوامل پیش‌بینی‌کننده خودسودمندی کاربایی فارغ‌التحصیلان رشته علوم ورزشی است. روش تحقیق حاضر از نوع کاربردی بود و از نظر امکان کنترل متغیرها از نوع تحقیقات غیرآزمایشی و از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی است. انتخاب حجم نمونه بر حسب هدف پژوهش، با توجه به توان آزمون ۸۰ درصد و سطح آلفا ۰/۰۵ با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power به تعداد ۳۶۰ نفر تعیین شد. ذکر این نکته لازم است که محقق، پرسشنامه را به صورت آنلاین در سایت کافه پردازش طراحی و لینک آن را از طریق شبکه‌های مجازی در گروه‌های متعددی که دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی از دانشگاه‌های مختلف سراسر کشور حضور داشتند قرار داد. بنابراین از روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده استفاده شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۲۹ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن پاسخ‌ها کنار گذاشته شد. در نهایت ۳۳۱ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار مورد استفاده تحقیق پنج پرسشنامه استاندارد (۱) پرسشنامه پنج سوالی چانگ، یوان و چن (۲۰۱۸، ۱۳۲، ۲)، پرسشنامه چهار سوالی تحمل ابهام هازن، اوسترت، جونز فارمر و فیلد (۲۰۱۲، ۴۸۴)، پرسشنامه هفت سوالی منبع کنترل کساویف، کو و زیکوس (۲۰۱۸، ۲۰۱۲، ۱۲۳)، پرسشنامه دوازده سوالی خودنمودگری هارت، آدامز، بوررتن و تورتوریل (۲۰۱۷، ۴۹ و ۵) پرسشنامه ۱۰ سوالی خودسودمندی کاربایی صالحی (۱۳۸۴؛ ۷۹) بود. مقیاس تمامی آنها پنج ارزشی لیکرت بود. جهت روایی ترجمه از روش روایی ترجمه پیشرو - پسرو استفاده شد (دراسگو^۵، ۱۹۸۴). به این صورت که پرسشنامه‌ها به دو نفر که به زبان انگلیسی مسلط بودند داده شد تا به صورت جداگانه آنها را ترجمه کنند. سپس با مقایسه ترجمه‌های دو نفر، یک پرسشنامه فارسی تهیه شد. در این مرحله، هدف کسب اطمینان از این موضوع بود که سوالات پرسشنامه‌ها هیچ گونه ابهامی ندارند و وقتی افراد آن را می‌خوانند، می‌توانند از سوالات آن به درک مشترکی دست یابند. در مرحله بعد، ترجمه معکوس

-
1. Chang, Yuan, Chen
 2. Hazen, Overstreet, Jones-Farmer, Field
 3. Kesavayuth, Ko, Zikos
 4. Hart, Adams, Burton, Tortoriello
 5. Drasgow

صورت گرفت. به این صورت که پرسشنامه ترجمه شده به فارسی، توسط یک نفر مسلط به زبان انگلیسی که از محتوای پرسشنامه‌های اولیه اطلاعی نداشت، مجدداً به انگلیسی ترجمه شد. در نهایت با مقایسه دو نسخه تهیه شده فارسی و انگلیسی اصلاحات مورد نظر در ترجمه فارسی اعمال شد. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه‌ها توسط شانزده تن از اساتید مدیریت ورزشی دانشگاه‌های کشور مورد بررسی و تایید قرار گرفت. از طرفی برای بررسی اعتبار مناسب ابزار اندازه‌گیری در جامعه مورد مطالعه از روایی استفاده شد که نتایج آن و پایایی در جدول شماره یک ارائه شده است. تحلیل نتایج این مطالعه به روش معادلات ساختاری با نرم افزار پی ال اس^۱ نسخه دو و نرم افزار اس پی اس^۲ نسخه ۲۰ انجام شده است.

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول یک مشخص است همه متغیرها از پایایی بالای در مدل برخوردار بودند. پایایی ترکیبی بالای ۰/۷ نشان از قابل قبول بودن پایایی هر سازه تحقیق دارد. همچنین مقدار ملاک برای سطح قبولی روایی همگرایی ۰/۴ است که این مطلب موید این است که روایی همگرایی پرسشنامه حاضر در حد قابل قبول است (هایر و رینگل،^۳ ۲۰۱۱؛ ۱۴۴).

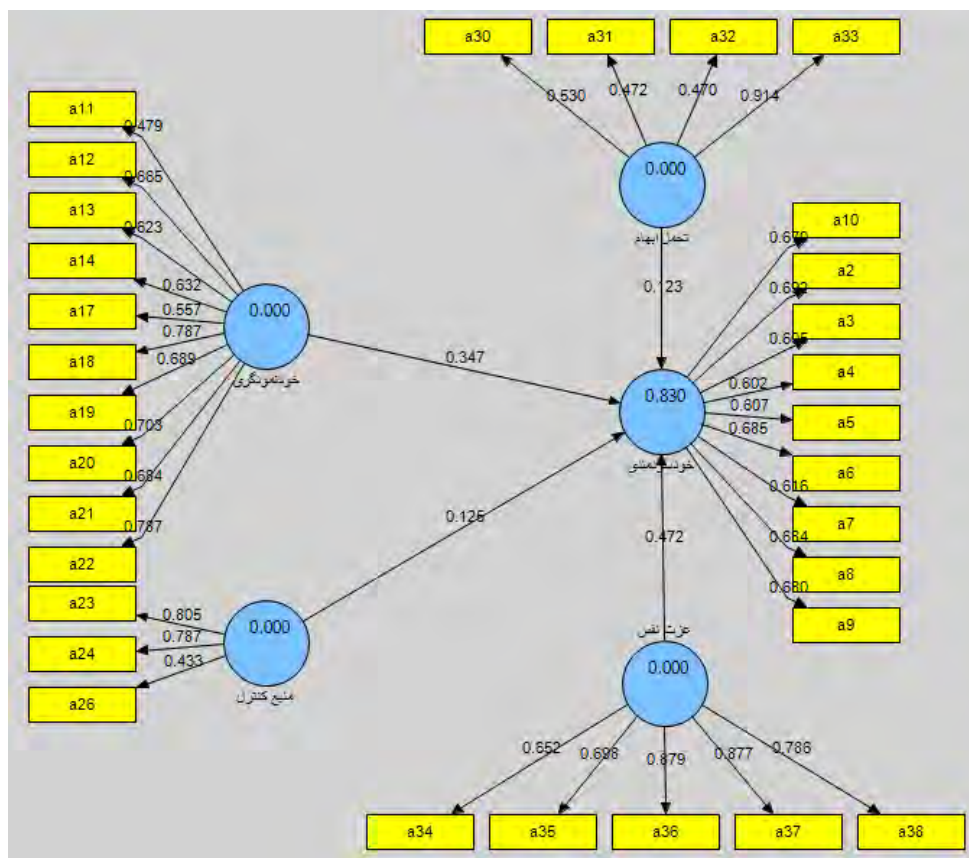
جدول ۱- بررسی روایی و پایایی پرسشنامه

متغیرها	متوسط اشتراک	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
خودنمودگری	۰/۴۵	۰/۸۹	۰/۴۵
منبع کنترل	۰/۴۸	۰/۷۲	۰/۴۸
تحمل ابهام	۰/۴۰	۰/۷۰	۰/۴۰
عزت نفس	۰/۶۱	۰/۸۸	۰/۶۱
خودسودمندی کاریابی	۰/۴۲	۰/۸۷	۰/۴۲

مهم‌ترین معیار برای بررسی برازش ساختاری در یک پژوهش ضرایب تعیین (R^2) مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود. مطابق با شکل یک، مقدار R^2 برای سازه درون‌زای خودسودمندی

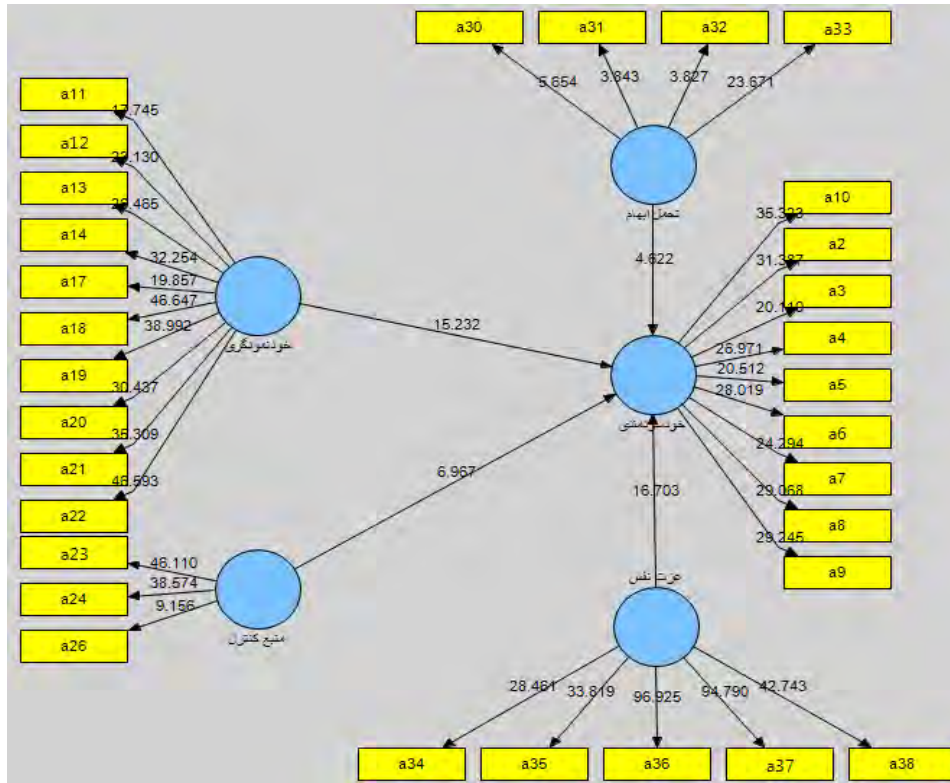
1. PLS
2. Spss
3. Hair & Ringle

کارایی ۰/۸۳۰ محاسبه شده است که با توجه به سه مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد.



شکل ۱- خروجی نرم افزار پی ال اس در حالت استاندارد

مطابق با الگوریتم بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از معیار ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t-values (حالت معناداری) استفاده شده است. در شکل دو مقادیر محاسبه شده با توجه به اینکه در بازه بیشتر از ۱/۹۶ قرار گرفته است لذا می‌توان بیان کرد تمامی مسیرهای مدل در سطح اطمینان ۰/۹۵ مثبت و معنادار هستند.



شکل ۲- خروجی نرم افزار پی ال اس در حالت معناداری

برای هر مسیری می‌توان اندازه اثر را با استفاده از F^2 کوهن ارزیابی کرد. طبق نظر کوهن مقادیر 0.2 ، 0.15 و 0.35 برای F^2 به ترتیب بیانگر اندازه اثر کوچک، متوسط و بزرگ است. مقدار F^2 کوهن از رابطه زیر محاسبه می‌گردد و مقادیر آن برای مدل تحقیق حاضر در جدول دو نشان داده شده است.

$$F^2 = (R^2_{Included} - R^2_{Excluded}) / (1 - R^2_{Included})$$

جدول ۲- اندازه اثر متغیرها

متغیرها	اندازه اثر	مقدار ضریب تعیین بدون متغیر مستقل	مقدار ضریب تعیین با متغیر مستقل	شاخص اثر
تحمل ابهام	۰/۵۸	۰/۸۲۰	۰/۸۳۰	کوچک
خودنمودگری	۰/۲۱۱	۰/۷۹۴	۰/۸۳۰	متوسط
منبع کنترل	۰/۰۴۱	۰/۸۲۳	۰/۸۳۰	کوچک
عزت نفس	۰/۴۰۵	۰/۷۶۱	۰/۸۳۰	بزرگ

برای بررسی کیفیت کلی مدل در حداقل مربعات جزئی، از شاخص GOF استفاده شد که تتنهاوس، وینزی، کاتلین و لارو^۱ (۲۰۰۵، ۱۶۷) آن را مطرح کردند. این شاخص دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مد نظر قرار می‌دهد و معیاری برای پیش‌بینی عملکرد کلی مدل است و از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times R^2}$$

برازش بالای مدل نشان می‌دهد این مدل توسط حداقل مربعات جزئی به خوبی تبیین شده است. شاخص نیکویی برازش بین صفر و یک بوده و وتزلس، اودکرکن و وان اوپن^۲ (۲۰۰۹؛ ۱۸۲) سه مقدار ۰/۰۱؛ ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی کردند. همان‌گونه که در جدول سه مشاهده می‌شود این مقدار برای مدل پژوهش ۰/۶۲ محاسبه شده است که از مطلوبیت مدل حکایت دارد.

جدول ۳- محاسبه کیفیت کل مدل

متغیرها	R2	میانگین اشتراک ها
خودنمودگری		۰/۴۵
منبع کنترل		۰/۴۸
تحمل ابهام	۰/۸۳۰	۰/۴۰
عزت‌نفس		۰/۶۱
خودسودمندی کاربایی		۰/۴۲
GOF		۰/۶۲

در نهایت آخرین معیاری که بررسی می‌گردد معیار قدرت پیش‌بینی مدل Q^2 است. در صورتی که مقدار Q^2 در مورد یک سازه درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن دارد. مقادیر بالای صفر نشان می‌دهند مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده‌اند و مدل توانایی پیش‌بینی دارد (هانسلا، رینگل و سینکوویچ^۳، ۲۰۰۹؛ ۱۸۲). همان‌طور که در جدول چهار مشاهده می‌شود مقادیر Q^2 بیشتر از صفر است و این نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل آنها دارای ارتباط پیش‌بین هستند.

1. Vinzi, Chatelin & Lauro
2. Wetzel, Odekerken & Van Oppen
3. Henseler, Ringle & Sinkovics

جدول ۴- قدرت پیش‌بینی مدل

متغیر	1- SSE/SSO
خودسودمندی کارایی	۰/۳۴۲

همان‌گونه که در جدول شماره پنج مشاهده می‌شود، با توجه در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت مسیر منبع کنترل با ضریب اثر ۰/۱۲۵ و مقدار معناداری ۶/۹۶۷، مسیر عزت‌نفس با ضریب اثر ۰/۴۷۲ و مقدار معناداری ۱۶/۷۰۳، مسیر خودنمودگری با ضریب اثر ۰/۳۴۷ و مقدار معناداری ۱۶/۲۳۲ و در نهایت مسیر تحمل ابهام با ضریب اثر ۰/۱۲۳ و مقدار معناداری ۴/۶۲۲ اثر مثبتی و معناداری بر خودسودمندی کارایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی دارد.

جدول ۵- نتایج فرضیات تحقیق

نتیجه	مقدار معناداری	تخمین استاندارد	
تایید	۶/۹۶۷	۰/۱۲۵	منبع کنترل بر خودسودمندی کارایی
تایید	۱۶/۷۰۳	۰/۴۷۲	عزت‌نفس بر خودسودمندی کارایی
تایید	۱۶/۲۳۲	۰/۳۴۷	خودنمودگری بر خودسودمندی کارایی
تایید	۴/۶۲۲	۰/۱۲۳	تحمل ابهام بر خودسودمندی کارایی

بحث و نتیجه‌گیری

بیکاری در رشته علوم ورزشی به دلیل حجم و گستردگی آن به یک معضل برای مسئولان و متولیان کشور تبدیل شده است. از طرفی تجارب گذشته نیز نشان داده است، امکان جذب در مشاغل دولتی نیز برای تعداد محدودی از افراد وجود دارد و طبعاً این روند پاسخگوی جمعیت زیاد کارجویان رشته علوم ورزشی نیست. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر برخی از ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی بر روی خودسودمندی کارایی بود که با توجه به شاخص‌های به‌دست آمده مانند مقدار R^2 برای سازه درون‌زای خودسودمندی کارایی که برابر با ۰/۸۳۰ محاسبه شده و با توجه به سه مقدار ملاک، مناسب بودن مدل درونی تأیید می‌شود. همچنین مقادیر F^2 محاسبه‌شده برای مسیرهای مربوطه، نشان‌دهنده اندازه تأثیر مثبت مسیرهای مورد نظر بر خودسودمندی کارایی بود. شاخص کیفیت کلی مدل یا شاخص GOF برابر با ۰/۶۲ محاسبه شد که نشان‌دهنده کیفیت مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری مدل بود و همچنین، مقدار Q^2 سازه درون‌زای خودسودمندی کارایی برابر با ۰/۳۴۲ محاسبه شد که حاکی از قدرت پیش‌بینی قوی مدل درخصوص این سازه‌ها است و بار دیگر، برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تأیید می‌کند.

نتایج نشان داد منبع کنترل بر خودسودمندی کاربایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی تأثیر دارد. این یافته با نتایج برخی تحقیقات همخوان است. به‌طوری که احمدپور، قاسمی و علیخانی دادوکیلی (۱۳۹۴) گزارش کردند منبع کنترل، باعث توسعه مهارت‌های شغلی و کارآفرینی می‌شود. نوردمن و سار و شارما (۲۰۱۵) نیز دریافتند طیف وسیعی از مهارت‌ها که منبع کنترل نیز جز آن‌ها بود، از جنبه نظری تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر کاربایی افراد دارد. برونلو و اسکلوتر (۲۰۱۱) سطح مشخصی از ویژگی‌های فردی مانند منبع کنترل درونی را پیش‌نیاز ایجاد اشتغال و عدم شکست در بازار کار می‌دانند. ناتا (۲۰۰۷) نیز گزارش کرد منبع کنترل رفتارهای مرتبط با مسیر شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تبیین این یافته این‌گونه می‌توان گفت: منبع کنترل باور فرد درباره تقویت‌هایی است که دریافت می‌کند که به دو دسته منبع کنترل درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. منبع کنترل درونی نشان‌دهنده این باور است که تقویت‌های او حاصل رفتار و نگرش‌های خود اوست. در حالی که منبع کنترل بیرونی مشخص‌کننده این باور است که تقویت‌ها در دست دیگران، شانس و سرنوشت است و شخص در برابر نیروهای بیرونی ناتوان است. افرادی که شغلی را برای خود ایجاد کرده‌اند در قبال موفقیت‌هایشان مسئولیت شخصی احساس می‌کنند. آنان موفقیت یا شکست را به سرنوشت، اقبال و یا نیروهای خارجی نسبت نمی‌دهند. به اعتقاد آن‌ها شکست‌ها و پیشرفت‌ها تحت کنترل و نفوذ آن‌ها بوده و خود را در نتایج عملکردشان موثر می‌دانند. در این راستا اگر دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی بتوانند در دوران تحصیل پشتوانه علمی خود را تقویت کنند و با علم روز رشته علوم ورزشی آشنایی کامل پیدا کنند، می‌توانند به واسطه آن فرصت‌های موجود در محیط را شناسایی کنند و فرصت‌ها و تهدیدها را مورد ارزیابی قرار دهند تا شغل مناسبی را ایجاد کنند. در این حالت دانش‌آموخته رشته علوم ورزشی موفقیت خود را حاصل شانس نمی‌داند زیرا به واسطه آن توانایی‌های که دارد منبع پیروزی را در خود جستجو می‌کند.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق نشان داد عزت‌نفس بر خودسودمندی کاربایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق لطفی عظیمی، عباسی، محمودیان، جمالی، رضوانی فر (۱۳۹۵) که گزارش کردند کارآفرینی و ایجاد شغل با خودشکوفایی و عزت‌نفس رابطه مثبت و معناداری دارد. با نتایج تحقیق صادقی، باغبان، احمدی و موسوی (۱۳۹۱) که بر نقش عزت‌نفس در شکل‌گیری بلوغ مسیر شغلی کارجویان تأکید دارند، شینر، هسو و پاول (۲۰۱۴) که معتقدند اعتماد و عزت‌نفس با خودکارآمدی و نیات کارآفرینی افراد رابطه دارد، همچنین با نتایج تحقیق تاپ، کلاکوگل و دیلک (۲۰۱۲)، برونلو و اسکلوتر (۲۰۱۱)، ناتا (۲۰۰۷) همخوان است. در این باره این چنین می‌توان گفت: عزت‌نفس یک ساختار چندبعدی دارد. با این حال محققان بیشتر دو جنبه عمومی از عزت‌نفس را تحت پوشش قرار دادند: عزت‌نفس مربوط به خود ارزشی و عزت‌نفس مربوط به خودسودمندی.

خود ارزشی (احترام به خود) منعکس کننده احساسات اخلاقی است؛ در حالی که خودسودمندی مربوط به احساسات شخص در مورد خودش با توجه توانایی‌های او در زمینه‌ای خاص مانند شغل است. محققان درباره اهمیت عزت‌نفس معتقدند داشتن احترام به خود لازمه طی کردن موفقیت‌آمیز دوره جوانی است؛ زیرا این دوره، دوره شکل‌گیری روابط شغلی، همکاری اجتماعی است. افراد دارای عزت‌نفس، هدف‌مدار هستند، هدف‌های عینی، چالشی و مخاطره‌آمیز ولی قابل حصول را انتخاب می‌کنند، معمولاً از سنت‌ها دوری جسته و هنجارها را نمی‌پذیرند، کمتر هم‌رنگ جماعت می‌شوند و همواره دنبال روش‌های نو برای ایجاد تغییر می‌باشند. این افراد در انجام کارها، همکاری با افراد متخصص و صاحب‌نظر را از همکاری با دوستان غیرمتخصص ترجیح می‌دهند. با توجه به موارد گفته شده یکی از مولفه‌هایی که دانش‌آموختگان علوم ورزشی به واسطه دانش خود می‌توانند برای ایجاد و پیدا کردن شغل از آن استفاده کنند، عزت‌نفس است. زیرا پشتوانه علمی مناسب در دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی موجب افزایش اعتماد به نفس در آنها می‌شود. مسئولیت‌پذیری، خطرپذیری، شکست‌ناپذیری و عبرت‌پذیری از ویژگی‌های دانش‌آموختگان دارای عزت‌نفس است. این افراد در زمان به چالش کشیده شدن توانایی‌هایشان به واسطه دانش و توانایی‌های که در رشته علوم ورزشی دارند به احتمال بیشتر کار را با موفقیت انجام می‌دهند. بنابراین می‌توان انتظار داشت این افراد در فرآیند اشتغال عملکرد بهتری را داشته باشند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد خودنمودگری بر خودسودمندی کارایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی تأثیر دارد. این یافته با نتایج عزیزی، شینی بیلاق، حاجی یخجالی و علی پور (۱۳۹۵)، آروند و شفیع‌آبادی، (۱۳۸۵)، پائولوس، وستالک، کالوز و هارمز (۲۰۱۳) و بارون، بورگارت، پوچران (۲۰۰۶) همخوان است. برای مثال آروند و شفیع‌آبادی (۱۳۸۵) در تحقیق خود گزارش کردند افراد می‌کوشند تا دیگران را از ویژگی‌ها و توانایی‌های خود آگاه کنند. این آگاهی و قضاوت از سوی دیگران در تعیین رفتار و مسیر شغلی آن‌ها موثر است. همچنین پائولوس، وستالک، کالوز و هارمز (۲۰۱۳) و بارون، بورگارت، پوچران (۲۰۰۶) به نقش خودنمودگری در فرآیند کارایی و خودسودمندی در مصاحبه‌های شغلی اذعان داشتند. در تبیین این یافته می‌توان به نظر رانجر (۱۹۸۷) استناد کرد. وی معتقد است افراد قضاوتی در زمینه‌های موفقیت، ارزش‌ها، توانایی‌ها، اهمیت و اعتبار فردی از خود دارد که همواره می‌کوشند تا دیگران را از این ویژگی‌ها و توانایی‌ها آگاه کنند (خودنمودگری). این اتفاق در خلأ و بدون توجه به شرایط حاکم و ویژگی‌های پدید آمده در پیرامون انجام نمی‌گیرد. بلکه زمانی به وقوع می‌پیوندد که فرد می‌خواهد دیگران را تحت تأثیر خود قرار دهد. یکی از این موقعیت‌ها زمانی است که فرد می‌خواهد برای خود سود یا منفعتی مانند ایجاد شغل یا قبولی در مصاحبه‌های شغلی ایجاد

کند. بنابراین به معرفی و بیان ویژگی‌ها و توانایی‌های خود می‌پردازد تا میزان توفیق و موفقیت خود را افزایش دهد. این یافته با توجه به نظر کوپر اسمیت (۱۹۷۶) که معتقد است این افراد زندگی کاری موفق‌تری را سپری می‌کنند منطقی به نظر می‌رسد. از طرفی اگر دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی در دوران تحصیل خود مهارت‌های موجود در رشته تحصیلی خود را به خوبی بیاموزند، به واسطه آن، در موقعیت‌های شغلی و کارایی بهتر می‌توانند خود را معرفی کنند. در نتیجه با اطمینان از توانایی‌ها و شایستگی‌های خود صحبت می‌کنند و فرد مصاحبه‌کننده را تحت تأثیر قرار خواهند داد، از این رو شانس موفقیت خود را افزایش می‌دهند.

آخرین یافته تحقیق نیز نشان داد تحمل ابهام بر خودسودمندی کارایی دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی تأثیر دارد. این یافته با نتایج پژوهش لطفی عظیمی، محمودیان، جمالی، رضوانی فر (۱۳۹۵)، احمدپور، قاسمی و علیخانی دادوکیلی (۱۳۹۴)، نعمتی (۱۳۹۲)، نوردمن، سار و شارما (۲۰۱۵)، هابر، سلوف و وان پراگ (۲۰۱۴) و ناتا (۲۰۰۷) همخوان است. در این رابطه نعمتی (۱۳۹۲) گزارش کرد دانشجویان کارآفرین در بعد تحمل ابهام وضعیت بسیار قوی دارند. احمدپور، قاسمی و علیخانی دادوکیلی (۱۳۹۴) نیز گزارش کردند توانایی تحمل موقعیت‌های ابهام‌آمیز باعث توسعه مهارت‌های شغلی و کارآفرینی می‌شود. هابر، سلوف و وان پراگ (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی گزارش کردند ریسک‌پذیری و تحمل ابهام یکی از ویژگی‌های متمایز کارآفرینان است. در تبیین این یافته این‌گونه می‌توان گفت که یکی دیگر از متغیر شخصیتی که در ادبیات کارایی خود را به اشکال مختلف نشان داده است و اثراتش می‌تواند در انواع مختلفی از جنبه‌های زندگی روزمره و شخصیت‌های فردی مشاهده شود، تحمل ابهام است. این مفهوم را به عنوان تمایل فرد برای مشاهده و درک موقعیت‌های مبهم به صورت تهدید یا فرصت تعریف می‌کند. سطح معینی از ابهام ممکن است که در موفقیت شغلی، به طور مثبتی مؤثر باشد. در واقع افراد و کسانی که توانای تحمل ابهام را داشته باشند، معمولاً درک پیچیده‌ای از محیط و شرایط خود دارند. آنها به اطلاعات موجود بیشتر توجه می‌کنند، اشارات را تعبیر و تفسیر می‌کنند. این افراد اطلاعات را بهتر منتقل می‌کنند و نسبت به ویژگی‌های درونی به‌خصوص در حین کار حساس هستند و در مواجهه با شرایط مبهم، رفتاری انعطافی و تطابقی دارند. بنابراین این افراد می‌توانند بهتر از افرادی که فاقد این توانایی هستند عمل کنند. در شرایطی که دانش‌آموختگان علوم ورزشی داری توانایی و دانش مناسب در رشته خود باشد، به واسطه آن می‌تواند شرایط و موقعیت‌های مبهم و پیچیده بازار کار را بهتر درک می‌کنند. برای مثال اگر شروع و موفقیت در کاری نیاز به دانش و تخصص بالای داشته باشد، دانش‌آموختگان دارای توانایی تحمل ابهام بهینه می‌تواند با بررسی تمام موارد و همچنین توانایی و تخصص خود، موقعیت‌های مبهم و پیچیده را تشخیص دهد. در این حالت دانش‌آموخته رشته علوم ورزشی، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در زمینه

کاری و شغلی خود را شناسایی می‌کند و توانایی پیش‌بینی میزان موفقیت یا شکست را به‌دست می‌آورد.

موارد گفته شده گواه این است که دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی در فرآیند کارایی و تصمیم‌گیری شغلی در ابتدا با مشکلاتی روبرو می‌شوند که بخشی از آنها نشأت گرفته از پایین بودن سطوح ادراکی و شناختی آنها در ارتباط با مسائل پیرامون خود است. مشکلاتی مانند نداشتن انگیزه، تردید، اعتمادبه‌نفس پایین، عدم شناخت توانایی‌های خود، عدم رویاروی با شرایط مبهم و غیره. حال که نتایج تحقیق حاضر نشان داد ویژگی‌های شخصیتی بر روی خودسودمندی کارایی تأثیر دارد، بنابراین لازم است دانش‌آموختگان دانشگاهی به‌خصوص دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی ویژگی‌های شخصیتی خود مانند عزت نفس، خطر پذیری، توانایی تحمل موقعیت‌های ابهام آمیز، توانایی معرفی استعدادها و ویژگی‌های خود به دیگران و تحت تأثیر قرار دادن آنها (خودنمودگری) را توسعه دهند، تا بتوانند در آینده شغل مناسبی را برای خود پیدا یا ایجاد کنند.

در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر نقش مثبت ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموختگان بر خودسودمندی کارایی آنها و اینکه این یافته می‌تواند مدیران و برنامه ریزان ذی‌ربط، به‌ویژه تصمیم‌گیرندگان آموزش عالی را در تدوین استراتژی‌های کاربردی و اثربخش برای دانش‌آموختگان رشته علوم ورزشی یاری کند، پیشنهاد می‌شود:

- ۱) دوره‌های آموزشی در زمینه اشتغال و کارآفرینی در سرفصل‌های درسی دانشجویان رشته علوم ورزشی تدوین شود؛
- ۲) دانشکده‌های علوم ورزشی همایش‌های درون دانشکده‌ای و در مقیاس بزرگتر همایش‌های استانی و ملی در زمینه اشتغال و ارایه راه کارهای موثر برگزار کنند، تا دانشجویان با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت، توانایی‌ها و استعدادهای خود را بشناسند تا در آینده بتوانند برای خود ایجاد شغل کنند؛
- ۳) دانشجویان مستعد که در زمینه‌های کارآفرینی و ایجاد اشتغال دارای ایده‌های مناسبی هستند، شناسایی و مورد تشویق قرار گیرند؛
- ۴) دانشکده‌های علوم ورزشی مسابقاتی در زمینه ارائه ایده‌های برتر در زمینه اشتغال و کارآفرینی برگزار کنند تا دانشجویان بتوانند توانایی‌های خود در این زمینه را محک بزنند؛
- ۵) دانشکده‌های علوم ورزشی و متولیان اصلی ورزش کشور جلسات و تریبون‌های آزادی در زمینه اشتغال‌زایی به تناوب برگزار کنند تا دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته علوم ورزشی بتوانند از نتایج آن سود برند و شغلی را در آینده برای خود ایجاد کنند؛
- ۶) تجربیات افراد موفق در زمینه اشتغال‌زایی مستندسازی شود و در اختیار دانش‌آموختگان و

- دانشجویان علوم ورزشی قرار گیرد؛
- ۷) برگزاری کارگاه‌ها آموزشی توجیهی برای مشاوره شغلی دانشجویان به طور منظم می‌تواند در زمینه اشتغال‌زایی کمک‌کننده باشد،
- ۸) ایجاد مراکز ارتباط با صنعت در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های تربیت بدنی، می‌تواند گام موثری در زمینه ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای دانش‌آموختگان دانشگاهی باشد؛
- ۹) از آنجایی که دانشجویان رشته علوم ورزشی عموماً واحد طرح درس، پروژه و کارورزی خود را در سازمان‌ها یا اداراتی می‌گذرانند که بازده زیادی برای آنها ندارد، از این رو اساتید این دروس می‌توانند دانشجویان را به سمت شرکت‌های دانش‌بنیان و کارآفرین سوق دهند تا با ایده گرفتن از آنها بتوانند در آینده مسیر شغلی مناسبی را برای خود انتخاب و ایجاد کنند.

منابع

1. Ahmad pour, A., Ghasemi, H., Alikhani Dadvokalai, M. (2015). Effective factors on the development of entrepreneurship skills of agricultural college students. *Quarterly Journal of Agricultural Management*, 32: 26-40. (Persian).
2. Ahmadi, S., Bakhtiyari, M., hossen nezhad, gh. (2015). Evaluation of the Employment Status of Graduates of the Humanities and Its Influential Factors (Case Study: Yasouj University). *Iranian higher education*, 2015;7 (4),1-20. (Persian).
3. Arvand, ZH., Shafi Abadi. (2006). Role of self-reflection in doctor's career success. *Islamic Azad University Medical Journal*, 16 (3), 141-145. (Persian).
4. Azizi, M., Shehni yeylagh, M., Haji Yakhchali, AR., Aliepour, S. (2016). Standardization of self-assessment test of non-cognitive skills associated with entrepreneurial intention and success among 11-12 year-old children in Ahvaz. *Entrepreneurship Development*, 9 (4), 653-669. (Persian).
5. Baron, TH., Burgart, LJ., Pochron, NL. (2006). An internally covered (lined) self-expanding metal esophageal stent: tissue response in a porcine model. *Gastrointestinal endoscopy*, 64 (2):263-7.
6. Brunello, G., Schlotter, M. (2011). Non-cognitive skills and personality traits: Labour market relevance and their development in education & training systems. IZA Discussion Paper No. 5743.
7. Chang, C-W., Yuan, R., Chen, J-K. (2018). Social support and depression among Chinese adolescents: The mediating roles of self-esteem and self-efficacy. *Children and Youth Services Review*, 88:128-34.
8. Cunha, F., Heckman, JJ., Schennach, SM. (2010). Estimating the technology of cognitive and noncognitive skill formation. *Econometrica*, 78 (3), 883-931.
9. Falah, Z., Beheshti, F., Beheshti, M., Rezvani, MA. (2017). Comparison of the Current and Desirable Job Opportunities for the Graduates of Sport Sciences (Case Study: Golestan Province). *Human Resources Management in Sport*, 4 (2): 179-188. (Persian).

10. Farahani, A., Ghorbani Ghahfarokhi, L. (2013). Determining the Factors Affecting the Employment of Graduates of the Master Degree in Physical Education at Governmental and Non-Governmental Universities. *Research in academic sport*, 3: 127-156. (Persian).
11. Gutman, L. M., & Schoon, I. (2013). The impact of non-cognitive skills on outcomes for young people. *Education Endowment Foundation*, 59(22.2), 2019.
12. Hair, JF, Ringle, CM. (2011). Sarstedt M. PLS-SEM: Indeed a silver bullet. *Journal of Marketing theory and Practice*, 19 (2):139-52.
13. Hart, W., Adams, J., Burton, K. A., & Tortoriello, G. K. (2017). Narcissism and self-presentation: Profiling grandiose and vulnerable Narcissists' self-presentation tactic use. *Personality and Individual Differences*, (104), 48-57.
14. Hazen, B T., Overstreet, R E., Jones-Farmer, L. A., & Field, H. S. (2012). The role of ambiguity tolerance in consumer perception of remanufactured products. *International Journal of Production Economics*, 135 (2), 781-790.
15. Heckman, J. J. (2011). Effective child development strategies. *The pre-K debates: Current controversies and issues*, 2-8.
16. Henseler, J., Ringle, CM, Sinkovics, RR. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing New challenges to international marketing: *Emerald Group Publishing Limited*, 20: 277-319.
17. Huber, LR., Sloof, R., Van Praag, M. (2014). The effect of early entrepreneurship education: Evidence from a field experiment. *European Economic Review*, 72, 76-97.
18. Javadian Saraf, N., Tabatabaiyan, F., Shaji, E., (2009). Study of Perceptual Levels and Success Factors in Selecting the Job of Physical Education Students in Mashhad Universities. *Research in Sport Sciences*, 24: 6-76. (Persian).
19. Kang, C., Lee, S-H. (2015). Being knowledgeable or sociable? Different patterns of human capital development and evaluation in cognitive and non-cognitive skills. *Korean Economic Review*, 31:57-87.
20. Kazemi, MR., Hosseni Nia, GH H., Ramezan Zandi, S. (2013). Impact of entrepreneurial attitude on the performance of sport managers (Case study: Federation Wrestling of the Islamic Republic of Iran). *Entrepreneurship Development*, 6 (1): 67-85. (Persian).
21. Kesavayuth, D., Ko, K. M., & Zikos, V. (2018). Locus of control and financial risk attitudes. *Economic Modeling*, (72), 122-131.
22. Lotfi Azimi, A., Abasi, M., mahmudian, H., Jamali, E., Rezvani Far, Sh. (2016). Study of the relationship between the motivation of progress, innovation, tolerance of ambiguity, self-efficacy, self-esteem and self-actualization with entrepreneurial orientation in university students. *Journal of Innovation and Value Creation*, 5 (9): 137-148. (Persian).
23. Malek Pour, A., Mohamadi, F. (2013). Study of the fields and barriers of employment of undergraduate graduates of Bijar Bachelor of Humanities. *Monthly Social, Economic, Scientific and Cultural Work and Society*, 157: 24-37. (Persian).
24. McLarty, R. (2005). Entrepreneurship among graduates: Towards a measured response. *Journal of Management Development*, 24 (3):223-38.
25. Mehr Alizadeh, Y., Armin, SA. (2007). Study of Labor Market Graduates' Labor Market at Iranian State Universities. *Scientific Journal of Knowledge and Behavior*, 5 (26):73-86. (Persian).

26. Mohammadi, HR., Ahmadi, E., Amin Shayan-Jahromi, Sh. (2011). Investigating the relationship between personality traits and entrepreneurship, *Journal of Sociology of Women*, 2 (1), 99-120. (Persian).
27. Mohammadi, M., Asgari, Gh R. (2011). Impact of Entrepreneurial Personality on Entrepreneurial Success in Small and Medium Businesses. *Entrepreneurship Development*, 4 (13): 129-148. (Persian).
28. Nauta, MM. (2007). Career interests, self-efficacy, and personality as antecedents of career exploratio. *Journal of career assessment*, 15 (2):162-80.
29. Nemati, MA. (2013). Studying the Entrepreneurial Personality Characteristics of Tehran University Students. *Innovation and Value Creation*, 3, 47-64. (Persian).
30. Nordman, CJ., Sarr, LR., Sharma, S. (2015). Cognitive, Non-Cognitive Skills and Gender Wage Gaps: Evidence from Linked Employer-Employee Data in Bangladesh. IZA Discussion Paper No. 9132.
31. Paulhus, DL., Westlake, BG., Calvez, SS., Harms, PD. (2013). Self-presentation style in job interviews: The role of personality and culture. *Journal of Applied Social Psychology*, 43 (10):2042-59.
32. Ranger, T. (1987). Pugilism and pathology: African boxing and the Black urban experience in Southern Rhodesia. *Sport in Africa: essays in social history*, 196-213.
33. Rosen, J. A., Glennie, E. J., Dalton, B. W., Lennon, J. M., & Bozick, R. N. (2010). Noncognitive Skills in the Classroom: New Perspectives on Educational Research. RTI International. PO Box 12194, Research Triangle Park, NC 27709-2194.
34. Sadeghi, A., Baghban, I., Bahrami, F., Ahmadi, SA., Mosavi, H. (2012). Investigating the Factors Affecting the Growth of the Job Path of Third to Secondary School Students in Isfahan. *Journal of Psychological Achievements. Shahid Chamran University of Ahvaz*, 4: (1), 1-18. (Persian).
35. Saidani, SE., Bahari, E., Zarei, A. (2011). Study of the status of employment and unemployment in Iran during the years 1341-1389. *Yas Strategy*, 25:216-47. (Persian).
36. Salehi, R. (2005). Investigating the effect of counseling, career path in the process of professional preparedness and entrepreneurship on the joblessness of unemployed women in Shahrekord. Master's thesis, job counseling. Esfahan, University of Isfahan Faculty of Education and Psychology. (Persian).
37. Shafi Abadi, A. (2013). *Career guidance and job counseling and career choice theories*. Tehran: Grow. (Persian).
38. Shinnar, RS., Hsu, DK., Powell, BC. (2014). Self-efficacy, entrepreneurial intentions, and gender: Assessing the impact of entrepreneurship education longitudinally. *The International Journal of Management Education*, 12 (3):561-70.
39. Tenenhaus, M., Vinzi, VE., Chatelin, Y-M., Lauro, C. (2009). PLS path modeling. *Computational statistics & data analysis*, 48 (1):159-205.
40. Top, S., Çolakoğlu, N., & Dilek, S. (2012). Evaluating entrepreneurship intentions of vocational high school pupils based on self-efficacy concept. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 58, 934-943.
41. Wang. CK., Wong, P-K. (2004). Entrepreneurial interest of university students in Singapore. *Technovation*, 24 (2):163-72.

42. Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS quarterly*, 177-95.
43. Zali, MR., Madhushi, M., Kordnaji, A. (2007). Evaluation of entrepreneurship characteristics of students (Case study: Mazandaran University). *Lecturer in Human Sciences*, 11 (55): 81-113. (Persian)

ارجاع دهی

غلامی ترکسلویه سجاد، یوسفی بهرام، زردشتیان شیرین. (۱۳۹۸). تاثیر ویژگی‌های شخصیتی بر خودسودمندی کارایی دانش‌آموختگان علوم ورزشی. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷ (۱۷): ۸۲-۶۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.6251.1513

Gholami Torkesaluye S, yousefy B, Zardoshtian Sh. (2019). Effect of Personality Characteristics on the Job-Search Self-Efficacy of Graduates of Sports Science. *Research on Educational Sport*. 7 (17): 63-82. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.6251.1513

سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی در ایران: ارائه الگو

عباس قشمی میمند^۱، محمد پورکیانی^۲، محمد مهدی رحمتی^۳

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

۲. استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

چکیده

این مقاله با توجه به اهمیت ورزش به عنوان بخش مهمی از تعلیم و تربیت و به عنوان یکی از ملزومات اولیه توسعه انسانی برای نیل به مدارج کمال، برخورداری از سلامت جسمانی، نشاط جسمی و روانی و فضایل اخلاقی، الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی را یکی از محورهای اساسی سیاستگذاری فرهنگی در ورزش فرض نموده است. به منظور ارائه الگوی مناسب سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی، ابتدا مدل‌ها و نظریات موجود در عرصه سیاستگذاری فرهنگی مورد نقد و بررسی قرار گرفت و سپس در چارچوب روش تحلیل تماتیک و بهره‌گیری از افراد صاحب‌نظر و متخصص شامل ۱۰ نفر از مدیران تربیت‌بدنی آموزش عالی، پژوهشگران و همچنین تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان دوره‌های کارشناسی، ارشد و دکتری، الگوی مورد نظر طراحی شد. بنابراین ارائه الگوی بومی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی با محوریت دو مضمون فراگیر ایجاد تغییرات ساختاری (حول دو مضمون واسط تغییرات مدیریتی و ساختاری) و تغییر در فرهنگ عمومی نسبت به ورزش (حول سه مضمون واسط تقویت فرهنگ مسئولیت اجتماعی، ایجاد فرهنگ علاقه‌مندی ورزش و نقش تربیتی ورزش) برای الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی از مهمترین نتایج این تحقیق است.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری فرهنگی، ورزش دانشجویی، تحلیل تماتیک

1 Email: ghesmi.1987@gmail.com

2. Email: m.pourkiani46@gmail.com

3. Email: mahdi.rahmati@gmail.com

مقدمه

امروزه در فرهنگی زندگی می‌کنیم که ورزش نقشی فزاینده و مهم در آن ایفا می‌کند. ورزش در دنیای کنونی به عنوان نقطه‌ای محوری و مرکز مطرح شده است. زیرا به عنوان یک شغل و یا آرزو، بسیاری از اوقات، پول و انرژی و حتی سلول‌های مغزی ما را در برمی‌گیرد. زمانی ورزش با عنوان اوقات فراغت معنا می‌یافت اما در حال حاضر ورزش بیشتر یک صنعت و در معنای یک حرفه برای کسب‌وکار است. در این قالب گسترش ورزش‌های سازمان‌یافته در اواخر قرن ۱۹ در نتیجه افزایش میل و انگیزه برای مقابله با تبدیل شدن سبک زندگی کم‌تحرک بوده است. بنابراین ورزش‌ها و آثار مکشوفه از ورزش ما را احاطه و در ما نفوذ کرده است. از طرف دیگر رقابت‌های ورزشی به تنهایی امور طبیعی نیستند. آنها محصول تلاش‌های فرهنگی هستند. محصولات آنی که در انواع شرایط تاریخی و اجتماعی خاصی تولید شده‌اند. ورزش‌هایی که با دستورالعمل‌ها و قوانینی که توسط سازمان‌ها تعیین شده‌اند، به عنوان نهادی اجتماعی تعیین‌یافته و ممکن است ریشه در ساختار ژنتیکی ما داشته باشند (کاشمر، ۲۰۰۰، ۹-۱۵). لذا ورزش به عنوان یک ابزار جهت استحکام پیوندهای اجتماعی مورد توجه است. فرهنگ و مقولات فرهنگی، از مشترکات میان جوامع محسوب می‌شوند. بنابراین از یک‌سو به عنوان پیونددهنده فرهنگ محسوب شود و از دیگر سو چنان که در ورزش‌های سنتی ایران نیز مرسوم بوده است آیین جوانمردی، مروت، خداپرستی و اخلاق‌گرایی را تعمیق و انتشار دهد و روحیه جمع‌گرایی، وحدت و انسجام فرهنگی را در کشور تقویت کند (مظاهری، ۱۳۸۵، ۶۶) از منظر جامعه‌شناسانه نیز، فرهنگ ورزش یک خرده فرهنگ است که به تسامح فرهنگ ورزش خوانده می‌شود. این فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادت‌ها و ساخت‌های انسان اجتماعی مربوط به ورزش است (سازمان تربیت‌بدنی، ۱۳۸۴).

در دنیای معاصر، به‌رغم ویژگی بارز فرهنگی ورزش و تربیت‌بدنی به این رویکرد کمتر توجه شده است و در فرایند فرهنگ‌سازی و یا به اصطلاحی دقیقتر الگوسازی فرهنگی، تعالی ادب و تربیت و ارتقای شخصیت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در میادین و مجامع ورزشی با دخالت دست‌های سوء تجاری، سیاسی و فرهنگی (زر، زور و تزویر) نقش تربیتی ورزش و ارتباط مستقیم آن با فرهنگ کم‌رنگ می‌شود و به جای آن برد و باخت‌ها، جوایز، پول و شهرت کاذب در درجه نخست اهمیت قرار می‌گیرد (خلجی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۱۷) بنابراین ورزش به عنوان بخش مهمی از تعلیم و تربیت، جایگاه اساسی و سرنوشت‌سازی در فرهنگ هر جامعه‌ای ایفا می‌کند و با تأکیدی که بر پرورش جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی دارد، به عنوان شاخصه‌ای برای توسعه دانشگاه‌ها محسوب می‌شود. در صورت کاربرد صحیح و اصولی، نقش شایان توجهی در فرآیند تعلیم و تربیت در آموزش عالی

و سالم‌سازی نیروی انسانی آتیه‌ساز ایفا خواهد کرد. در این راستا با توجه به اینکه دانشجوی محور اصلی تمام برنامه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، یکی از ملزومات اولیه توسعه انسانی برای نیل به مدارج کمال، برخورداری از سلامت جسمانی، نشاط جسمی و روانی و فضایل اخلاقی است. لذا توجه به تربیت بدنی و ورزش طی دوران تحصیل، می‌تواند بسیار سازنده و دارای نتایج مثبتی باشد. از این رو باید خاطر نشان کرد تربیت بدنی و ورزش جایگاه خاصی در زندگی و اوقات فراغت دانشجویان دارد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۶).

از دیدگاه نظری نیز حوزه‌های مورد علاقه سیاستگذاری فرهنگی در کشورهای مختلف آن چنان گسترده است که زمینه دخالت در طیف‌های مختلفی از ورزش، مذهب، جنسیت، میهن دوستی، زبان و... را به طور کلی گرفته تا جزئیاتی همچون کتاب‌خوانی افراد، شیوه‌های لباس پوشیدن، شخصیت، مد و... را در بر می‌گیرد. ورزش یکی از این حوزه‌هاست که علایق مختلف را برانگیخته است. بحث ورزش زنان، ورزش و محیط زیست، ورزش و مذهب، ورزش و اوقات فراغت، ورزش و قدرت، ورزش و سلامت جسمی و روحی از مهمترین مباحثی است که در ذیل نظریات سیاست فرهنگی و اندیشمندان این حوزه قابل طرح و بررسی است. از طرف دیگر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای توسعه و گسترش ورزش در میان اقشار مختلف به‌خصوص دانشجویان نیز به عنوان یکی از حوزه‌های مورد علاقه کارشناسان و مسئولان فرهنگی مطرح است. در بعد نظری مفاهیم سیاست فرهنگی و سیاستگذاری فرهنگی، از مفاهیمی است که در قرن اخیر مورد توجه کشورها قرار گرفته است. نگاه به فرهنگ به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی توسعه و امکان مدیریت فرهنگی برای تغییر در عناصر فرهنگی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و توجه به نقش دولت‌ها در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی، بستر مناسبی را برای شکل‌گیری این مفهوم ایجاد کرده است (صالحی امیری، ۱۳۹۲، ۶۴-۸۷). البته مطالعه آثار پژوهشی موجود در عرصه سیاستگذاری فرهنگی در ایران نشان می‌دهد این حوزه متأثر از دو نگاه مدیریتی و سیاستگذاری عمومی، شامل اغلب تحقیقات کمی و همچنین مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی اغلب با رویکرد کیفی است. مطالب گروه اول بیشتر در قالب مفهوم سیاستگذاری فرهنگی مطرح است و گروه دوم که متأثر از رویکرد مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی هستند بیشتر حول محور سیاست فرهنگی مطرح است. گروه اول بیشتر به جنبه‌های عملیاتی و برنامه‌ریزی در حوزه سیاستگذاری فرهنگی می‌پردازند و گروه دوم بیشتر به مقوله مفاهیم، نظریات و تدوین اهداف و سیاست‌ها می‌پردازند. منظر مدیریتی و اجرایی بررسی سیاست‌های فرهنگی معطوف به اثربخشی و میزان بهره‌وری و ارزیابی عملی برنامه‌ها است. در این رویکرد درصد استفاده از دانش فنی و علم مدیریت برای اعمال مدیریت عقلانی شده بر سازمان یا حوزه فعالیت مورد نظر هستیم. به عبارت دیگر به سازماندهی عقلانی‌تر فعالیت و برنامه‌های مورد نظر یاری رسانیم. در عرصه عملی، سیاستگذاری در

حوزه فرهنگ در ایران نیز از دو مسیر دنبال شده است. گروهی به مسیر سیاستگذاری عمومی (اشتریان، ۱۳۸۱، ۱۳۹۱؛ وحید، ۱۳۸۲) روی آورده و تلاش کرده‌اند از منظر مدل‌ها و نظریات و راه‌حل‌های این حوزه به سیاستگذاری فرهنگی در ایران بپردازند و گروهی دیگر مثل صالحی‌امیری (۱۳۸۷) نیز از منظر علم مدیریتی مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی را دنبال کرده‌اند. طبق این رویکرد، سیاستگذاری فرهنگی به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است (وحید، ۱۳۸۶، ۹-۱۸) و همچنین از دیدگاه علم سیاستگذاری، سیاستگذاری فرهنگی مقوله پیچیده‌ای است و دارای اهمیت راهبردی که بر توسعه پایدار تأثیر می‌گذارد و در واقع بخش اساسی آن است (اشتریان، ۱۳۸۱، ۱۰).

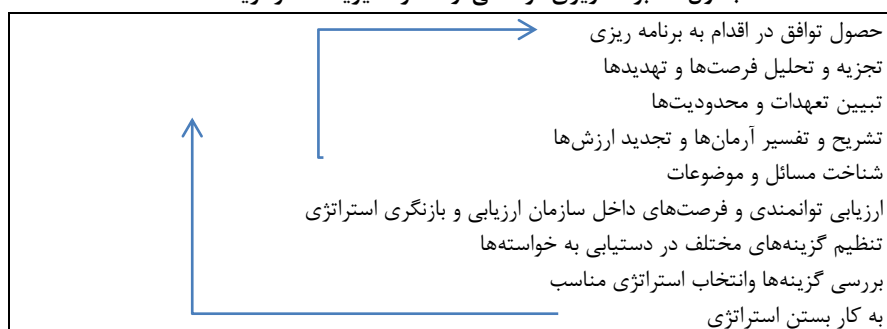
اشتریان تئوری‌های بستر ساز سیاستگذاری فرهنگی را در سه سطح کلان، میانی و خرد بیان می‌کند. وی با تأسی از چرخه سیاستگذاری مطرح شده در مباحث سیاستگذاری عمومی، مدل مطلوب خود را در سیاستگذاری فرهنگی شامل ۵ مرحله می‌داند (اشتریان، ۱۳۹۱، ۱۷) جدول شماره (۱)

جدول ۱- سیاستگذاری فرهنگی از منظر سیاستگذاری عمومی

۱	تشخیص و صورت‌بندی مسأله
۲	مبانی نظری و شناسایی راه حل‌ها
۳	تصمیم‌گیری
۴	اجرا، نظارت و انتخاب ابزار سیاستگذاری
۵	ارزیابی سیاست‌های اجرا شده

صالحی‌امیری مدل مطلوب خود برای برنامه‌ریزی فرهنگی را در چارچوب مراحل برنامه‌ریزی استراتژیک به شکل ذیل بیان می‌دارد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۷، ۶۷) جدول شماره (۲)

جدول ۲- برنامه‌ریزی فرهنگی از منظر مدیریت استراتژیک



اما گروهی دیگر از آثار پژوهشی در حیطه سیاستگذاری فرهنگی در ایران نگاشته شده‌اند که به مقوله سیاست فرهنگی می‌پردازند. این گروه دوم متأثر از رویکرد مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی هستند. رویکرد مطالعات فرهنگی، مجموعه رهیافت‌هایی است که به دنبال فهم و مداخله در رابطه میان قدرت و فرهنگ است. درست برعکس انسان‌شناسان که هر چیزی را «فرهنگ» می‌دانند؛ مطالعات فرهنگی، کردار فرهنگی را نقطه‌ای پیچیده و تضادآمیزی می‌داند. متن فرهنگی نقطه‌ای است که در آن چندگانگی نیروها (تعیین‌ها و تأثیرات) به هم متصل می‌شوند (مک گوینگان، ۱۳۸۷، ۹-۱۱). در این معنا سیاست فرهنگی به نوعی گرایشی انتقادی است که توسط متخصصین و یا کارشناسان نسبت به سیاست‌های فرهنگی جاری و در حال اجرا و یا تدوینی اعمال می‌شود. در میان اندیشمندان و نظریه پردازانی که مفاهیم و تعاریف آن‌ها کاربرد بیشتری در تعیین مصادیق و ارائه تجربیات سیاست فرهنگی در ایران کاربرد داشته است می‌توان به میشل فوکو، بوردیو، ریموند ویلیامز، نوربرت الیاس و ... اشاره کرد. با این نگاه سیاست فرهنگی به مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و اقدامات دولت‌ها در خصوص تولید، توزیع، مصرف و بازنمایی محصولات فرهنگی در جوامع مختلف اطلاق می‌شود. حوزه رسانه‌های جمعی (مطبوعات، تلویزیون، اینترنت)، حوزه دانش و تولید علم، و حوزه انگاره‌های معرفتی جامعه را می‌توان عرصه یا میدان سیاست‌های فرهنگی تلقی کرد (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲، ۳۴).

در رهیافت کنش متقابل نمادین در تحلیل مسائل فرهنگی این‌که چگونه افراد معانی و هویت‌های مرتبط با مشارکت ورزشی را توسعه می‌دهند و این‌که چگونه آن معانی و هویت بر روابط و رفتارهایشان با دیگران تأثیر می‌گذارد، از جمله موضوعات مورد علاقه است. ارزش‌های تیمی، هنجارها، تشریفات، تشویق‌ها، نشانه‌ها، علائم، بازی‌ها، آمارها و واکنش‌های مربوط به شکست و پیروزی در عرصه ورزش جملگی دلایل قانع‌کننده‌ای برای جلب توجه تحلیلگران کنش متقابل نمادین به این موضوع به شمار می‌آید. دیدگاه کنش متقابل به معانی خلق شده در عرصه ورزش‌های گروهی توجه دارد و این‌که چگونه این معانی در فعالیت‌های ورزشی اثر می‌گذارند. از آنجا که اشکال گوناگون فعالیت‌های ورزشی، دنیاهای نمادین هستند، لذا دنیای اجتماعی مناسبی جهت بررسی نظریه‌پردازان دیدگاه کنش متقابل نمادین به شمار می‌آیند (کواکلی، ۱۹۹۸، ۷۰ - ۴۳۹).

بوردیو با اشاره به طبقه اجتماعی و ورزش، معتقد است عادات هر طبقه اجتماعی از طریق ورزش و سایر فعالیت‌های فرهنگی مشخص و آشکار می‌گردد. طبقه اجتماعی در باشگاه‌های ورزشی و انتخاب آنها از سوی ورزشکاران ظهور می‌یابد. به طوری که باشگاه‌های ورزشی انحصاری در به عضویت گرفتن اعضاء خود محدودیت‌هایی را در نظر می‌گیرند و افراد سطح بالا را با سطح بالای سرمایه در باشگاه‌های

-
1. Mc Guigan
 2. Coakley

خاص می‌یابیم. ورزشکاران در هر طبقه اجتماعی هزینه بالایی برای ورزش می‌پردازند، از نظر اجتماعی با اعضاء خاصی در ارتباطند، از نظر فرهنگی به نوع لباس پوشیدن، زبان و رفتار خاصی اهمیت می‌دهند و از لحاظ سمبولیک نیز کسانی را که دارای عناوین قهرمانی هستند راحت‌تر به عضویت می‌پذیرند. بورديو معتقد است که علاوه بر سرمایه و طبقه اجتماعی، افراد با تفاوت‌های جسمی یا سمبولیک نیز از یکدیگر مجزا می‌شوند (ظهیری‌نیا، ۱۳۹۴، ۴۷).

مروری بر تحقیقات صورت گرفته پیرامون برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی در حوزه ورزش کشور، گویای آن است که اکثر مطالعات و تحقیقات مرتبط با فرهنگ ورزش و فرهنگ‌پذیری ورزش دانشجویی بر اساس دیدگاه برنامه‌ریزی راهبردی (دیدگاه مدل برنامه‌ریزی فرهنگی صالحی‌امیری) فرهنگ ورزش انجام می‌شود. جوادی‌پور (۱۳۹۱) در تبیین نظرگاه‌ها و رویکردهای مناسب برای تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک در ورزش دانشجویی، رویکردهای کلان ورزش دانشجویی را دستیابی به جامعه سالم، بهبود وضعیت فرهنگی و اخلاقی کشور و بهبود وضعیت نیروی کار جهت افزایش بهره‌وری و تولید اعلام کرد و اصلی‌ترین رویکردش را افزایش سطح سلامتی دانست. منظمی و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از این رویکرد در تحقیقی بر روی عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیدند که مجموعه عوامل فرهنگی اجتماعی که به سنت‌ها، باورها، عقاید و فرهنگ حاکم و همچنین نوع ارتباطات افراد جامعه و مسائل اجتماعی مرتبطاند، از نظر پاسخ‌دهندگان بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان در جمهوری اسلامی مؤثر هستند و در این میان استفاده مناسب رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما جهت تشویق و ایجاد انگیزه در بانوان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان مؤثرترین عامل در اولویت است. عاملی که در نتایج پژوهش‌های کینگ^۱ (۱۹۹۹)، هان^۲ (۲۰۰۶)، بارنت^۳ (۲۰۰۷) و گالسکوسکی^۴ (۲۰۰۸) بر آن تأکید شده بود. در خارج از کشور نیز پژوهش‌های استرید جولی و فورد^۵ (۲۰۰۲) نشان می‌دهد نقش ورزش و فعالیت بدنی در اوقات فراغت نوجوانان و دانشجویان کمرنگ شده است. چریل^۶ (۲۰۰۰) در تحقیقی در مورد میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت ورزشی دانشگاه استنفورد، نتیجه گرفت ۴۵ درصد دانشجویان دختر و ۵۵ درصد دانشجویان پسر، در فعالیت‌های ورزشی این دانشگاه مشارکت داشته‌اند. از طرفی، کرامبی^۷ و همکاران (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند مهمترین مانع در پرداختن به ورزش

-
1. King
 2. Han
 3. Barnett
 4. Glasgowski
 5. Astrid & Ford
 6. Cheryl
 7. Crombie

در اوقات فراغت بی‌علاقگی است. شری و همکاران^۱ (۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان مدیریت ورزش برای تغییرات اجتماعی^۲ بیان می‌دارند ورزش به‌عنوان یک ابزار برای کمک به نتایج مثبت در زمینه‌هایی از قبیل توسعه اقتصادی^۳، انسجام اجتماعی^۴، انسجام فرهنگی^۴، شیوه زندگی سالم^۵، آموزش^۶، عدالت جنسیتی^۷، مصالحه و ایجاد صلح^۸ می‌تواند استفاده گردد. زمینه ورزش برای تغییرات اجتماعی (SFSC) نشان‌دهنده یک زیرمجموعه ورزش برای توسعه (SFD) است که از ورزش به‌عنوان یک کاتالیزور برای ایجاد ظرفیت اجتماعی^۹ و توسعه سلامت اجتماعی و فیزیکی جوامع^{۱۰} استفاده می‌کند.

همچنین بخشی دیگر از تحقیقات مرتبط با حوزه فرهنگ ورزش و سیاستگذاری این حوزه، بحث سیاست فرهنگی ورزش را با استفاده از نظریات مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی، نظریات حوزه زبان (تحلیل گفتمان) دنبال می‌کنند.

زینالی اناری در «تحلیل گفتمان ورزش همگانی در میدان دور دریاچه شورابیل»، مسأله ورزیدگی بدن و اهمیت آن در گذر زمان برای دستیابی به مفهوم «عقل سالم در بدن سالم» را بر مبنای نوعی نگاه فوکویی مورد بررسی قرار داده است تا وجوه گردهم‌آمدن، رشد و توسعه ورزش همگانی در گذر زمان و دلایل پرداختن رسانه‌ها به ورزش و علاقه حکومت‌ها به ورزش کردن شهروندان را توضیح دهد (زینالی اناری، ۱۳۹۴، ۱-۱۷).

برای نمونه از تحقیقات صورت گرفته با این رویکرد؛ لوشن^{۱۱} و همکارانش در سال ۱۹۸۱ در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه طبقات اجتماعی با مشارکت افراد در ورزش»، هدف اصلی خود را در شناخت علایق ورزشی طبقات مختلف جامعه بیان می‌کند و میان ورزش‌هایی که طبقه‌های برتر جامعه و برخورداران از جایگاه بالای اجتماعی انجام داده‌اند، با دیگر ورزش‌ها و بازی‌هایی که در میان طبقات پائین اجتماعی جامعه رواج داشته، فرق گذاشته است. نتایج به‌دست‌آمده روشن ساخت فوتبال

-
1. Sherry, E. Schlenker, N. & Chalip, L
 2. Social Change
 3. Economic Development
 4. Social inclusion
 5. Cultural Cohesion
 6. Healthy Lifestyles
 7. Education
 8. Gender Equity
 9. Reconciliation and peacebuilding
 10. Area of Sport for Social Change (SFSC)
 11. Social Capacity
 12. Develop Socially and Physically Healthy Communities
 13. Luschen

آمریکایی، بسکتبال و هاکی ورزش‌هایی هستند که شهرنشینان، صرف نظر از طبقه به آنها علاقه و اهتمام نشان می‌دهند؛ ورزش‌های گلف، اسکی و تنیس مورد علاقه طبقات بالا هستند و ورزش‌هایی مانند بوکس، بیسبال، کشتی و بولینگ ورزش‌هایی هستند که طبقات پائین اقتصادی-اجتماعی به آنها رغبت نشان می‌دهند (لوشن و همکاران، ۱۹۸۱، ۱۱۲-۱۳۴). «نقش طبقه اجتماعی بر روی مشارکت ورزشی زنان» عنوان تحقیق دیگری در همین حوزه از گریندوفر است که به بررسی رابطه مابین متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و نوع مشارکت ورزشی زنان پرداخته است (گریندوفر^۱، ۱۹۷۸، ۶۲۵-۶۱۹).

بنابراین نتایج تحقیقات مرتبط با توسعه فرهنگ مشارکتی ورزش دانشجویی و ترویج علاقه‌مندی در بین دانشجویان در ارتباط با ورزش که نمونه‌هایی از آنها بیان شد نشان می‌دهد مسأله اصلی این است که سیاستگذاری فرهنگی در ورزش دانشجویی همچنان از یک الگوی بومی مناسب برخوردار نیست و آنچه در تحقیقات انجام شده با استفاده از مدل‌های مختلف به دست می‌آید تنها پیشنهادهاتی برای بهبود فرهنگ ورزش دانشجویی یا ترویج فرهنگ مشارکت ورزشی در بین دانشجویان است. چه بسا که بسیاری از تحقیقات در حوزه فرهنگ مسائل مرتبط با چیستی یک امر و پدیده را به عنوان مدل تصمیم‌گیری و راه حل عملیاتی قلمداد کرده و در عمل نیز با هزینه بسیار متأسفانه نه تنها به اهداف خود دست نمی‌یابند بلکه به شکست می‌انجامند. لذا یکی از خلاءهای موجود فقدان توجه پژوهشگران به مسأله سیاستگذاری فرهنگی در ورزش به صورت علمی است تا جایی که تحقیقات و جستجوی نگارنده در آثار علمی انجام گرفته در این حوزه نشانگر عدم وجود تحقیقی مرتبط با این عنوان به طور خاص است. لذا این پژوهش با توجه به ضرورت وجود یک الگوی بومی برای الگوسازی فرهنگ ورزشی در بین دانشجویان و با عنایت به روشن نمودن ابعاد مختلف مسأله ورزش دانشجویی؛ دو سوال ۱- چیستی مؤلفه‌های ورزش دانشجویی؟ ۲- چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی مناسب برای الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی در ایران؟ را با فرض اینکه مدل‌های موجود برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی از کارایی چندانی برای تحقق اهداف مرتبط با مسأله تحقیق برخوردار نبوده‌اند دنبال می‌نماید.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق از استراتژی تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده شده است. در واقع روش تحلیل تماتیک (موضوعی یا مضمون) روش مناسبی برای تحلیل داده‌های

متنی است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی، تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌ای است (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶، ۱۰۱-۷۷).

به دلیل این‌که این پژوهش بنیادی است، جامعه آماری برای آن همچون پژوهش‌های کمی متصور نیست و روش نمونه‌گیری نیز نظری و یا تئوریک خواهد بود. بدین معنا که منابعی انتخاب خواهند شد که بیشترین اطلاعات و داده برای پاسخ به سؤال تحقیق را فراهم می‌کنند. مصاحبه با این نمونه‌ها، یا در اصطلاح کیفی دروازه‌بانان مطلعین، تا آنجا ادامه یافت که محققان به مرحله اشباع نظری دست یافتند. اشباع نظری معیاری است برای تعیین تعداد نمونه‌ها که بر اساس آن محقق تا جایی مصاحبه‌ها را ادامه می‌دهد که پاسخ به سؤال‌های عمده تحقیق اشباع شده یا داده‌های جدیدی در فرآیند گردآوری داده‌ها تولید نشود. این فرآیند را نمونه‌گیری نظری می‌خوانند که به دنبال نمونه‌گیری هدفمند می‌آید (محمدپور، ۱۳۹۰، ۱۷۸). بر همین اساس مصاحبه با ۱۰ نفر از متخصصان و اساتید حوزه سیاستگذاری فرهنگی در ورزش (۲ نفر از اساتید حوزه سیاستگذاری فرهنگی، ۳ نفر از اساتید حوزه فرهنگی ورزش، ۲ نفر از اساتید حوزه ورزش بانوان، ۳ نفر از اساتید حوزه ورزش دانشجویی) به صورت حضوری انجام گرفت و همچنین مصاحبه با ۳۰ نفر از دانشجویان (۱۴ نفر کارشناسی، ۱۰ نفر ارشد و ۶ نفر دکتری) از دانشگاه‌های مختلف کشور نیز به صورت حضوری و پیام‌های الکترونیکی بود که سؤالات مصاحبه برای آنان فرستاده و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان دریافت شد.

نحوه طبقه‌بندی داده‌های مصاحبه‌ای نیز این گونه انجام شده است که ابتدا در هر مصاحبه عبارات، توضیحات، جملات و اشاراتی که به نوعی حکایت از ارتباط معنایی با موضوع مورد پژوهش را دارد استخراج و سپس بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی شده‌اند و در نهایت بر اساس وجوه مشترک عبارات گروه‌بندی شده در هر کدام از مقولات، تم‌های مرتبط و سپس تم‌های اصلی و در نهایت تم‌های مرکزی شناسایی شده‌اند. ترسیم شبکه مضامین مرتبط با چپستی ورزش دانشجویی و چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی بخش مهمی از فعالیت‌های این پژوهش بوده است. روش اعتبارسنجی این پژوهش نیز «روایی تفسیری» بوده است و با ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب‌نظران تأیید نهایی آن اعمال گردید. برای سنجش روایی تحقیق حاضر علاوه بر اینکه مضمون‌های فراگیر اصلی و فرعی از پیشینه و چارچوب مفهومی انتخاب گردید نظریات و رهنمون‌های گروهی از نخبگان نیز در این خصوص لحاظ شد.

یافته‌های تحقیق

الف) چیستی ورزش دانشجویی (ترسیم شبکه مضامین)

با توجه به ماهیت تعلیم و تربیتی ورزش دانشجویی مروری بر پیشینه تحقیقات انجام گرفته در ایران حول ورزش دانشجویی نشان می‌دهد ابعاد و زوایای فرهنگی و تربیتی این مسأله چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بدین منظور یکی از پرسش‌های اساسی ما در این رساله و در قالب تحلیل تماتیک نظرات متخصصان و دانشجویان، بررسی چیستی ورزش دانشجویی و مسائل مرتبط با آن با هدف تبیین ابعاد مختلف قضیه بوده است. در این قسمت ابتدا کدهای به‌دست آمده مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی از منظر اساتید و دانشجویان بر اساس گروه‌بندی صورت گرفته به صورت مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه در قالب جدول ذیل ارائه و سپس با شرح مضامین بیان شده شبکه مضامین چیستی ورزش دانشجویی طراحی می‌شود.

جدول ۳- مضمون‌های مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی از منظر اساتید و دانشجویان

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه یا اصلی
ماهیت تعلیم و تربیتی ورزش دانشجویی	پرورش قوای جسمانی	تناسب اندام و پرورش فیزیک بدن، حفظ تندرستی و سلامت جسمی، مانع چاقی مفرط
	ایجاد سبک زندگی سالم و هدفمند	پر کردن اوقات فراغت به شیوه مناسب، ایجاد روحیه امید به‌اینده در فرد، کمک به بهبود نظم و برنامه‌ریزی امور روزانه، مانعی برای استفاده بیش از حد فناوری و فضای مجازی، کمک به پیشرفت تحصیل
مشوق‌ها و موانع ورزش دانشجویی	کاهش آسیب‌های روحی و روانی	ایجاد شادابی و نشاط در فرد، جایگزینی برای احساس دلتنگی و دوری از خانواده، جلوگیری از بحران‌های اجتماعی مثل اعتیاد، ایجاد روحیه خودباوری و رضایت از خود،
	مشوق‌ها	فرهنگ خانوادگی ورزش کردن، دوستان و همراهان ورزشی، حفظ بدن و تناسب اندام، دستیابی به روحیه شاد و عزت‌نفس، احساس مفید بودن ورزش، دسترسی به امکانات ورزشی، علاقه‌مندی به ورزشی خاص، پاداش‌های ورزشی (امتیاز تحصیلی، پول، ...)، وجود مدیران مشوق ورزش
موانع		آموزش نادرست مدیران تربیت بدنی، عدم فرهنگ سازی ورزش دانشجویی از طریق رسانه‌ها و مسئولان، اجاره دادن امکانات به بخش خصوصی و کاهش، توزیع ناعادلانه امکانات به‌لحاظ جنسیتی و سرزمینی، نداشتن وقت و هزینه کافی، گسترش سبک زندگی مجازی شده، مشارکت دانشجویان در امر مدیریتی، حذف تشکلهای ورزشی دانشجویی، عملکرد سلیقه‌ای دانشگاه‌ها در تخصیص و هزینه کرد بودجه ورزشی دانشگاه‌ها

نخستین مضمون فراگیر که مرکز ثقل تمامی مصاحبه‌ها و مورد تأکید تمامی نمونه‌ها بوده است ماهیت تعلیمی و تربیتی ورزش دانشجویی در ایران است که حول سه مضمون پرورش قوای جسمانی، ایجاد سبک زندگی سالم و هدفمند و کاهش آسیب‌های روحی و روانی بیان شده است. مضمون فراگیر دیگری که در اکثر مصاحبه‌ها بر آن تأکید می‌شد توجه به موانع و ذکر مشوق‌هایی است که می‌تواند منجر به توسعه و گسترش و فرهنگ‌سازی ورزش دانشجویی در سطح کشور شود. بنابراین نتایج به‌دست آمده از مضامین فوق را می‌توان به صورت شبکه مضامین مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی به صورت ذیل ارائه کرد:



شکل شماره (۱) - شبکه مضامین مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی

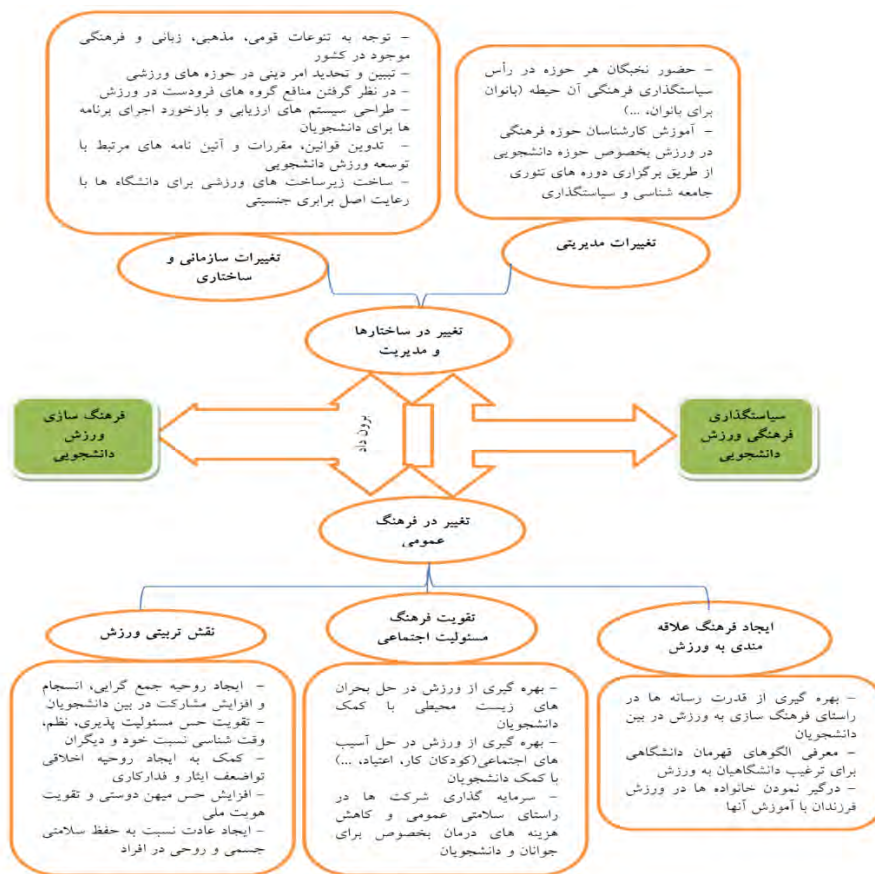
(ب) چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی (ترسیم شبکه مضامین و ارائه الگو)

بحث چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی مناسب برای فرهنگ سازی ورزش دانشجویی در ایران؟ به عنوان سؤال دوم پژوهش در مصاحبه با اساتید مطرح، که در این قسمت ابتدا کدهای به دست آمده مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی دانشجویی از منظر اساتید براساس گروه بندی صورت گرفته به صورت مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه در قالب جدول ذیل ارائه و سپس با شرح و تفسیر مضامین بیان شده، شبکه مضامین این چگونگی طراحی می شود.

جدول ۴- مضمون های مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی

مضمون مضامین فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه یا اصلی
تغییر در ساختارها	تغییرات مدیریتی	حضور نخبگان هر حوزه در رأس سیاستگذاری فرهنگی آن حیطه (بانوان برای بانوان، ...) - آموزش کارشناسان حوزه فرهنگی در ورزش به خصوص حوزه دانشجویی از طریق برگزاری دوره های تئوری جامعه شناسی و سیاستگذاری
تغییرات سازمانی و ساختاری	تغییرات	تبیین و تحدید امر دینی و مذهبی در حوزه های ورزشی - طراحی سیستم های ارزیابی و بازخورد اجرای برنامه های ورزشی برای دانشجویان - تدوین قوانین، مقررات و آئین نامه های مرتبط با توسعه ورزش دانشجویی - تشکیل و تقویت انجمن های ورزش دانشگاهی - ساخت زیرساخت های ورزشی برای دانشگاه ها - توجه به تنوعات قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی موجود در کشور و بین دانشجویان - در نظر گرفتن منافع گروه های فرودست در ورزش (زنان و دختران، آسیب دیدگان اجتماعی، ...)
ایجاد فرهنگ علاقه مندی به ورزش	ایجاد فرهنگ علاقه مندی به ورزش	بهره گیری از قدرت رسانه ها در راستای فرهنگ سازی به ورزش در بین دانشجویان - معرفی الگوهای قهرمان دانشگاهی برای ترغیب دانشجویان به ورزش - درگیر نمودن خانواده ها در ورزش فرزندان با آموزش - ایجاد همایش و جشنواره های ورزشی همگانی در سطح دانشگاه ها
تغییر در فرهنگ عمومی	تقویت فرهنگ مسئولیت اجتماعی	بهره گیری از ورزش در حل بحران های زیست محیطی با کمک دانشجویان - بهره گیری از ورزش در حل آسیب های اجتماعی (کودکان کار، اعتیاد، ...) با کمک دانشجویان - سرمایه گذاری شرکت ها در راستای سلامتی عمومی و کاهش هزینه های درمان بخصوص برای جوانان و دانشجویان
نقش تربیتی ورزش	نقش تربیتی ورزش	ایجاد روحیه جمع گرایی، انسجام و افزایش مشارکت در بین دانشجویان - کمک به ایجاد روحیه اخلاقی تواضع ایثار و فداکاری - افزایش حس میهن دوستی و تقویت هویت ملی - ایجاد عادت نسبت به حفظ سلامتی جسمی و روحی در افراد

با توجه به تأکیدی که نمونه‌ها در مصاحبه بر روی تغییرات ساختاری و تغییر در فرهنگ عمومی در ورزش داشتند؛ به نظر می‌رسد به توان این دو مضمون را به مثابه مضامین فراگیر مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی در ورزش معرفی نمود. مضمون فراگیر تغییر در ساختارها حول مضامین واسط و سازمان دهنده تغییرات مدیریتی و تغییرات ساختاری تبیین و معنا می‌یابند و مضمون فراگیر تغییر در فرهنگ عمومی حول سه مضمون واسط تقویت فرهنگ مسئولیت اجتماعی، ایجاد فرهنگ علاقه‌مندی به ورزش و نقش تربیتی ورزش بیان شده است. بنابراین نتایج به دست آمده از مضامین فوق را می‌توان به صورت شبکه مضامین مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی مناسب برای الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی در ایران به صورت ذیل و به عنوان یک الگو ارائه کرد:



شکل (۲) - شبکه مضامین چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی کلان جوامع، شفافیت در مفاهیم و معانی واژه‌ها می‌تواند بر میزان اثربخشی برنامه‌های تدوین شده بیفزاید، لازم است برای «فرهنگ ورزش» تعریف مناسبی ارائه شود. قاسمی و همکارانش در مقاله‌ای، با توجه به نقیصه‌های موجود، ضمن تعریف فرهنگ ورزش، مؤلفه‌های آن را با تأکید بر مدل فرهنگ سازمانی ادگار شاین (۱۹۸۹) چارچوب بندی کردند و در قالب ارکان این مدل مؤلفه‌های فرهنگ ورزش در ایران را به عنوان خرده فرهنگی، تحت چتر فرهنگ ایران تعریف کردند. از نظر قاسمی و همکاران، فرهنگ ورزش به معنای مجموعه باورها و مفروضات انسانی مورد انتظار جامعه در ورزش و رفتار بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب جامعه است. رفتار محترمانه با رعایت اخلاق، تکریم فرهنگ سایر ملل و اقوام، ایجاد عادت به ورزش از طریق مدیریت منابع برای خلق شرایط و امکانات ورزش کردن و نمایش نموده‌های ملموس زیبایی شناختی و هنرمندانه به عنوان مصنوعات ورزش در جامعه را شامل می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۰) بنابراین با توجه به مضامین به‌دست آمده از نتایج داده‌های تحقیق، سیاستگذاری فرهنگی ورزشی را می‌توان به صورت ذیل تعریف نمود:

"مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، سیاستگذاری‌ها و اقدامات دولت، نهادهای عمومی و غیردولتی در راستای ایجاد عادت به ورزش در بین شهروندان (الگوسازی فرهنگ ورزش کردن) و نیز تلاش برای تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جمع و یا گروهی از افراد در محیط ورزشی برای رفتار متناسب با هنجارهای فرهنگ عمومی و همچنین بهره‌گیری از ورزش در راستای تأثیر بر فرهنگ عمومی و حل مسائل فرهنگی و اجتماعی است."

بر همین اساس و طبق شبکه‌ی مضامین طراحی شده مرتبط با سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی، در این تحقیق، الگوی مناسب برای فرهنگ‌سازی ورزش دانشجویی به عنوان قلب سایر مضامین، بایستی هم به رویکردهای مدیریتی و سیاستگذارانه فرهنگی و هم به رویکردهای موجود در مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی توجه نماید. بنابراین سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی به دو طریق امکان‌پذیر است. بخشی از راه حل در این شبکه مضامین، به تغییر در ساختارها با محوریت تغییر در نخبگان سیاستگذار و تغییر در ساختارهای سازمانی و فرهنگی بر می‌گردد. طبق این رویکرد که اساتیدی چون خانم دکتر محمدیان، دکتر کاظمی و دکتر قاسمی در مصاحبه‌ها بدان تأکید داشتند سیاستگذاری بایستی به صورت ساختاری، اصلاح و مبتنی بر تحقیقات و نظریات مخاطبان هدف‌گیری نماید. نتایج تحقیقات صورت گرفته مرتبط با ورزش دانشجویی نیز نشان می‌دهد این حوزه در سال‌های اخیر با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است که می‌توان آن را در دو رده از هم تفکیک کرد. یکی مشکلات مدیریتی و عدم ثبات و اهمیت به ورزش دانشجویی و دیگری کمبود امکانات ورزشی و یا به

عبارت دیگر توزیع نامتوازن امکانات است. مسأله دیگر که می‌تواند مدخل در خور تأملی برای بحث و بررسی و برنامه‌ریزی باشد تفاوت در توزیع امکانات میان دانشجویان دختر و پسر است. به نظر می‌رسد پسران از امکانات بهتر و وسیع‌تری نسبت به دختران در دانشگاه‌ها و استفاده از منابع ورزشی برخوردار هستند. برای نمونه خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) فضای ورزش در میان دختران دانشجو دانشگاه علوم پزشکی کرمان را مورد مطالعه قرار دادند و چنین نتیجه گرفتند که ایجاد اماکن و تجهیزات ورزشی و تفریحی متنوع و مناسب و نیز فراهم کردن فضای نشاط‌آور و انگیزاننده می‌تواند عوامل موثری برای مشارکت ورزشی دانشجویان دختر باشد. همچنین ایجاد تناسب بین اوقات فراغت دانشجویان دختر و ساعات اماکن ورزشی، تهیه تجهیزات و وسایل ورزشی، در اختیار و در دسترس قرار دادن آنها، توزیع مناسب ساعات اماکن ورزشی برای رشته‌های متنوع زنان و افزایش کیفیت تجهیزات و اماکن ورزشی، می‌تواند باعث افزایش گرایش دانشجویان دختر به فعالیت‌های ورزشی شوند. در سویی دیگر مضاف بر این مشکلات، عدم توجه به کیفیت امکانات ورزشی دانشگاه‌ها و فرهنگ ورزش مزید بر علت شده است تا این مهم در بستر آکادمیک مغفول واقع شود. نتایج پژوهش آصفی و دستجردی (۱۳۹۵) گواهی بر گزاره مزبور است. عدم سیاستگذاری و هدایت راهبردی منسجم و صحیح، نبود چشم‌انداز صحیح و برنامه بلندمدت و در نهایت نبود برنامه‌های سالانه و عملیاتی مناسب مانع توسعه ورزش همگانی دانشگاهی شده است. همچنین یکی از دلایل رکود و عدم پیشرفت ورزش در دانشگاه و همچنین عدم تمایل دانشجویان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به هنگام فراغت بی‌شک ناشی از توجه ناکافی در برنامه‌ریزی ورزشی دانشگاه و کیفیت نامطلوب برنامه‌های ورزشی است.

راه حل دیگر نیز تغییر در فرهنگ عمومی دانشجویان با محوریت تقویت فرهنگ علاقه‌مندی به ورزش، تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توجه به نقش تربیتی ورزش در جامعه‌پذیرکردن دانشجویان و جوانانی سالم از لحاظ جسمی و روانی است. یکی از مهمترین راهکارهای ارائه شده توسط متخصصان بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ها در فرهنگ سازی و ایجاد فرهنگ علاقه‌مندی به ورزش در بین دانشجویان است. نتایج تحقیقات بسیار زیادی که در همین ارتباط در داخل کشور انجام شده است نشانگر ارتباط متقابل رسانه‌های جمعی و توسعه ورزش در بین تمامی اقشار جامعه است. قره و همکارانش (۱۳۹۲) در تحقیقی پیمایشی از میان ۳۶۴ نمونه دانشجویان دانشگاه الزهرا به این نتیجه رسیدند که نقش رسانه بر آگاه‌سازی درباره‌ی فواید ورزش همگانی مطلوب بود ولی اطلاع‌رسانی رسانه در مورد مکان‌های مناسب و همایش‌های ورزش همگانی نامطلوب بود. قاسمی و کشگر (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان نقش اعتماد به رسانه‌های ورزشی در میزان اثرگذاری آن بر دانشجویان ورزشکار با پژوهش بر روی ۱۶۹ نفر از دانشجویان ورزشکار دختر دانشگاه‌های سطح تهران به این نتیجه رسیدند علی‌رغم وجود اعتماد عمومی نسبت به رسانه‌های مختلف، تلویزیون به عنوان مورد اعتمادترین رسانه

بود و این نتیجه در مؤلفه‌های متغیر اعتماد نیز به‌طور یکسان وجود داشت. همچنین از نظر میزان تأثیرگذاری رسانه‌های مختلف و همچنین مؤلفه‌های آن، تلویزیون در اولویت اول قرار داشت و در هر دو متغیر موبایل در پایین‌ترین سطح اهمیت بود.

بنابراین از آنجایی که هدف این مقاله، ارائه الگوی سیاستگذاری فرهنگی مناسب برای فرهنگ‌سازی ورزش دانشجویی (الگوسازی فرهنگ ورزش کردن) در ایران بود، لذا مطابق با الگوی طراحی‌شده، پیشنهاد می‌گردد:

- ✓ کارگروهی رسانه‌ای با هدف مسأله‌سازی فرهنگ ورزش دانشجویی، در مرکز اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم ایجاد و به‌عنوان طرح و یا پویشی ملی تلاش شود در خصوص ایجاد عادت و فرهنگ علاقه‌مندی ورزش کردن در بین دانشجویان برنامه‌ریزی کنند؛
- ✓ مطابق با فرهنگ مذهبی جامعه، با ایجاد امکانات متناسب برای زنان و دختران دانشجو، تدوین قوانین و مقررات، بهره‌گیری از مربیان متخصص زنان برای آموزش رشته‌های ورزشی در دانشگاه‌ها، زمینه‌های لازم شکوفایی استعداد‌های نیمی از جامعه مخاطب فراهم شود و از این منظر ورزش دانشجویی به‌عنوان سکویی برای رشد ورزش قهرمانی زنان در ایران باشد؛
- ✓ اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم با ارائه تمهیداتی، زمینه جلب مشارکت مادی سازمان‌ها عمومی و شرکت‌های اقتصادی را در خصوص حمایت و سرمایه‌گذاری در ورزش دانشجویی فراهم نمایند. همچنین برای بهبود فرایند سیاستگذاری طراحی‌شده، پیشنهاد می‌گردد اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم از انجام طرح‌های پژوهشی با محوریت، ورزش و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی دانشجویان، ورزش دانشجویی، برنامه‌ریزی و نظم در زندگی فردی، نقش عقاید مذهبی در علاقه‌مندی یا بی‌علاقگی دانشجویان به ورزش، ورزش دانشجویی و حفظ محیط زیست، نقش ورزش دانشجویی در کاهش افسردگی و استرس زندگی آینده افراد، نقش ورزش دانشجویی در تقویت فرهنگ کار تیمی، بررسی شیوه‌های ایجاد علاقه‌مندی به ورزش دانشجویی در بین دانشگاه‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی حمایت نماید.

منابع

1. Asefi, A, Asadi D. H. (2009). The study of obstacles to the development of public sport in public universities in Tehran and the presentation of its developmental solutions. *Journal of Sport Management*. 8 (6): 823-844. (Persian).
2. Ashtarian, K. (2012). *An Introduction to the Cultural Policy Methodology*. Tehran: The Publishing of Sociologists. p: 10. (Persian).
3. Astrid, N, Sjolie and Ford Thuen. (2002). School journeys and leisure activities in rural and urban adolescents in Norway. *Health promotion int*. 17 (1): 21-30.
4. Azizi, B, Jalali Farahani, M & Khabiri, M. (2011 Spring). Attitude of students living in dormitories of Tehran University on sport. *Journal of sport management*. 8: 75-91. (Persian).

5. Braun, V, Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology: *Qualitative Research in Psychology*. 3 (2): 77-101.
6. Cashmore, E. (2000). *Sports Culture*. London and New York: Routledge Publications. 9-15.
7. Cheryl, L. Levick, M. (2000). *The Women's Sports Enhancement Program*.UK: stanford university
8. Coakley, J. J. (2009). *Sports in society: issues and controversies*. McGraw-Hill Higher Education. 12 ed. P: 70-439.
9. Crombie, I. K. Linda, I. B. Williams, A. Ginnis, MC. Peter, W. (2004). Why older people do not participate in leisure time physical activity: a survey of activity levels, beliefs and deterrents. *Age and Ageing*. 33(3): 287-292.
10. Fazeli, N. Golij, M. (2013). *New Approach to Cultural Policy: Cultural Policy from the Perspective of Cultural Studies*. Tehran: Tisa Publishing. (Persian).
11. Ghare, M. A. Gholipour, N & Anet, Z. (2013winter). Examine the role of mass media to attitudes to sport for all in students of Alzahra University. *Journal of Communication management in sports media*. 1 (2): 40- 48. (Persian).
12. Ghasemi, H. Keshkar, S. (2011). *Social and cultural foundations of sport*. Tehran: Sports Publishing. (Persian).
13. Ghasemi, H. Kashkar, S. (2011Winter). Role of trust in sports media in its impact on athlete students. *Quarterly Journal of Sport Sciences*. Islamic Azad University. Boroujerd: 2 (5): 75-89. (Persian).
14. Ghasemi, H. Keshkar, S. & Kargar, G. (2012winter) Defining the culture of sport and its components by relying on the opinions of experts, athletes and sports practitioners in Iran. *Organizational Behavioral Management in Sport Studies*. 3 (12): 11-22. (Persian).
15. Greendofer, S. L. (1987). Social Class influence on female sport involvement. university of Illinois. sex Roles. New York, N.Y. 4(4): 619-625.
16. Goodarzi, M. Farahani, A. & Goodarzi, M. (2013Winter). Designing and Developing a Student Sport Development Strategy for the Department of Physical Education of Payame Noor University. *Research in Academic Sport*. 5: 117-134. (Persian).
17. Hannan, C. (2006). *Challenging the gender order. Opening key note speech at the fourth world conference on women and sport*. Kumamoto. Japan. <http://www.org/womenwatch/daw/news/speech2006>.
18. Javadipour, M. samienia, M. (2012). Universal sport in Iran, vision, strategy and future plans. *Applied Research in Sport Management*. 4: 21-30. (Persian)
19. Kashef, S. M. (2011). Factors Affecting Cultural Exercise from the Viewpoints of Professors: Employees and Students of Urmia University. Uroumia University Research Project. P:17. (Persian).
20. Khalaji, H. Bahram, A. Aghapour, M. (2013). *Principles and principles of physical education and sports science*. Tehran Samt. p: 6. (Persian).
21. King, A, Blair, S, Bild, D, Dishman, R. (1999). Determinants of physical activity and interventions in adults. *Medicine and science in sport Exasice*. 24: 221-223.
22. Khodadadi, R. Pourranjbar, M. Ghorbanzade, B. Alamikoshki. (2016). The correlation facilitating and inhibiting factors on participation in sports activities of female students in Kerman University of Medical Sciences. *Journal of Health Promotion Management*. 5(3): 68-79. (Persian).
23. Kurdi, M. R. (2007). *Investigating the role of mass media and press in Iranian sport*. research project of Physical Education Research Institute and Sport Sciences. P: 26. (Persian).
24. Luschen, G. Sage, G. eds. (1981). *Handbook of Social Science of Sport*. stipes Pub. Co. Champaign.

25. Mazaheri, M. M. (2006). Culture and Sports. *The First International Congress of New Approaches to Physical Education and Sport Sciences*. Islamic Azad University of Tehran. P: 66. (Persian).
26. Mc Guigan, Jim. (2008) *Reflection on cultural policy*. Translation by Fazeli. N. & Morteza, Golij, Tehran: Imam Sadiq University Press. (Persian).
27. Mohammadpour, A. (2011). Women and Culture of Poverty; Qualitative Study of Poverty Culture among Female Headed Households under Coverage of Sari's Well-being. *Social Science Journal of the Faculty of Literature and Humanities*. Ferdowsi University of Mashhad. 165-197. (Persian).
28. Monazami, M. Alam, Sh. Nahid, Sh. B. (2011). Determining the Factors Affecting the Development of Physical Education and Sport in Women of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Sport Management*. 10: 151- 168. (Persian).
29. Physical Education Organization of the Islamic Republic of Iran. (2003). *Comprehensive Development Code physical Education and Sports of the Country*. (Persian).
30. Salehi Amiri, S. R. (2008 & 2013). *Cultural Policy and Cultural Foundations*. Tehran: Research Center of the Expediency Council. (Persian).
31. Sherry, E. Schulenkorf, N. & Chalip, L. (2015). Managing sport for social change: The state of play. *Journal Article. Sport Management Review*. 18 (1): 1-5.
32. Vahid, M. (2003). *The Culture of Transition Policy to Cultural Policy: Policy and Culture in Iran Today* (Proceedings of the Conference). Tehran: Baz press. 18-9. (Persian).
33. Zeinali Anari, M. (2014). Analysis of public sports discourse in Sharabil Roundabout. *The First National Conference on Sustainable Tourism with an Approach to Sport Tourism, Health and the Environment*. Ardabil. P: 9. (Persian).
34. Zahiri Nia, M Nikkhah, H.A & Shafie, N. (2014). Investigating the Impact of Family and Media on the Participation of Girl Students in Sport Activities (Case Study: Hormozgan Girl Students). *Two Journal of Social Partnership and Development*. 1 (1): 41-61. (Persian).

ارجاع دهی

قشمی میمند عباس، پورکیانی محمد، رحمتی محمد مهدی. سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی در ایران، ارائه الگو. پژوهش در ورزش تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۹۸؛ ۷ (۱۷): ۸۳-۱۰۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5720.1442

Gheshmi Meimand A, Pourkiani M, Rahmati M.M. (2019). Cultural Policy of Student Sports in Iran, Presentation of Model. *Research on Educational Sport*. Fall 2019; 7 (17): 83-100. (In Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5720.1442

تأثیر رویکرد معلم‌محور و جو تبحرگرا بر سطح فعالیت بدنی دانش‌آموزان دختر زیر ۸ سال شهرکرد

معصومه قهرمان^۱، فرهاد قدیری^۲، عباس بهرام^۳

۱. کارشناس ارشد رفتار حرکتی دانشگاه فرهنگیان

۲. استادیار رفتار حرکتی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

۳. استاد دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر جو تبحرگرا و معلم‌محور بر سطح فعالیت بدنی دانش‌آموزان دختر زیر ۸ سال شهرکرد بود. راهبرد این تحقیق نیمه‌تجربی و از لحاظ هدف کاربردی است و با استفاده از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل انجام شد. تعداد ۶۰ دانش‌آموز دختر به روش نمونه‌گیری در دسترس از مدارس ابتدایی شهرستان شهرکرد انتخاب شدند. به صورت تصادفی در سه گروه جو انگیزشی تبحرگرا، رویکرد معلم‌محور و گروه کنترل قرار گرفتند. در مرحله پیش‌آزمون میزان فعالیت بدنی کودکان با استفاده از گام شمار ثبت شد. برنامه مداخله در طی ۱۲ جلسه صورت گرفت. بعد از اتمام دوره مداخله، پس‌آزمون گرفته شد. از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و تحلیل واریانس مرکب جهت مقایسه اثرات درون‌گروهی و بین‌گروهی استفاده شد. نتایج نشان داد در مرحله پیش‌آزمون بین گروه‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد ($p < 0.05$). نتایج آزمون تحلیل واریانس مرکب نشان داد اثر اصلی عامل اندازه‌گیری (0.001)، اثر اصلی گروه (0.001) و تعامل مراحل اندازه‌گیری در گروه (0.011) معنادار است. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد بین گروه جو انگیزشی تبحرگرا با گروه معلم‌محور ($P = 0.032$) و گروه کنترل ($P = 0.001$) و همچنین بین گروه معلم‌محور با گروه کنترل ($P = 0.027$) تفاوت وجود دارد. به‌طورکلی نتایج تحقیق حاضر نشان داد هرچند استفاده از برنامه مداخله‌ای با رویکرد معلم‌محور و جو انگیزشی تبحرگرا بر میزان فعالیت بدنی کودکان تأثیر مثبتی دارد ولی استفاده از رویکرد جو تبحرگرا مؤثرتر است. بنابراین به مربیان و معلمان توصیه می‌شود جهت افزایش فعالیت بدنی کودکان از رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا استفاده کنند.

واژگان کلیدی: جو تبحرگرا، معلم‌محور، فعالیت بدنی، جو انگیزشی

1. Email: masomeh.gh1243@gmail.com

2. Email: ghadiri671@gmail.com

3. Email: bahram@khu.ac.ir

مقدمه

اصلی‌ترین مکانیسم برای سلامتی انسان، مشارکت در فعالیت‌های بدنی است. شرکت منظم در فعالیت‌های بدنی با فواید سلامتی کوتاه‌مدت و بلندمدت روانی و فیزیولوژیکی برای جوانان در ارتباط است (سالیس، ۲۰۰۰). تحقیقات قبلی نشان داده‌اند مشارکت و درگیر شدن در فعالیت‌های بدنی در طول دوران کودکی و نوجوانی ممکن است به پایبندی مداوم برای یک سبک زندگی فعال در بزرگسالی کمک کند (پاینه و ایساکس، ۲۰۱۲).

نقش تربیت‌بدنی برای کودکان در اوایل قرن ۲۱ بیش از گذشته است و نیاز به رویکردی دارد که منجر به ارتقاء علاقه طولانی مدت به فعالیت بدنی و رشد موازی مهارت‌های اجتماعی، شناختی، بدنی و عاطفی شود. این چنین برنامه‌هایی می‌بایست به خوبی تدریس شوند و به دقت به نیازهای کودکان و نوجوانان که این برنامه‌ها برای آن‌ها طراحی شده است توجه داشته باشند (زاکوپولو^۳ و همکاران، ۲۰۱۰).

بر اساس شواهد تحقیقی، رشد مهارت‌های بنیادی در کودکان می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از کم‌تحركی در بزرگسالی داشته باشد (گالاهو^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). فعالیت بدنی باید بخش جدایی‌ناپذیر رشد و تکامل کودکان و نوجوانان باشد. در اوایل زندگی، به ویژه دوران طفولیت و کودکی، فعالیت ورزشی نقش مهمی در توسعه فیزیکی، روانی و ذهنی کودک ایفا می‌کند. نکته مهم‌تر این است که تأکید و اصرار بر بازی‌های غیررسمی مقدماتی کودک، به عنوان فرصتی برای کسب تجربه در فعالیت‌های مختلف ورزشی، موجب توسعه مجموعه‌ای از مهارت‌های حرکتی لازم برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی آینده می‌شود.

جانسون، اروین، کپ و بیگله^۵ (۲۰۱۵) نشان داد در کشورهای برزیل و آمریکا انجام مداخلات اثر قوی‌تر در مقایسه با سایر کشورها داشته است. همچنین اطلاعات در مورد عوامل زمینه‌ای مثل برنامه تحصیلی و تحولات آموزشی باید درک بیشتری از جو انگیزشی تسلط محور در تربیت‌بدنی بر روی شرکت‌کننده‌ها ایجاد کند. روش‌هایی برای ارائه مداخلات حرکتی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به دو رویکرد کودک محور و معلم‌محور اشاره کرد (گالاهو و همکاران، ۲۰۱۲).

بر اساس مطالعات یکی از موضوعات مهم در زمینه مداخلات رشد حرکتی کودکان این است که بتواند همزمان با افزایش مهارت‌های بنیادی، شایستگی حرکتی و عوامل اجتماعی مربوط به فعالیت

-
1. Sallis
 2. Payne & Isaacs
 3. Zachopoulos
 4. Gallahue
 5. Johnson, Erwin, Kipp & Beighle

بدنی را ارتقاء داده و انگیزش ذاتی افراد را نسبت به فعالیت‌های بدنی بالاتر ببرد (زاکوپولو و همکاران، ۲۰۱۰). بر این اساس، ارائه مداخلات رشدی باید به شکلی باشد که بتواند همراه با ارتقاء سطح مهارت‌های بنیادی، بر فعالیت بدنی فرد نیز تأثیر مثبت داشته باشد. در این رابطه سه رویکرد آموزشی مطرح است که عبارتند از: ۱- رویکرد آموزش مستقیم (معلم محور) ۲- رویکرد جو تبحرگرا ۳- والدین به‌عنوان معلم (گالاهو و همکاران، ۲۰۱۲).

با توجه به تفاوت‌های اساسی و مهمی که دو رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا و معلم‌محور با یکدیگر دارند، انتظار می‌رود که اثرات رفتاری متفاوتی نیز بر کودک داشته باشند (پورتولی، برتولو، ویتالی، فیلهو و روبازا، ۲۰۱۵). در روش معلم محور، معلم به عنوان هسته آموزش مطرح بوده و کودک نقشی در جریان طراحی و نحوه اجرای آموزشی ندارد و فقط تابع دستورات معلم بوده و یک برنامه را که از قبل توسط معلم طراحی شده است اجرا می‌کند. در رویکرد جو تبحرگرا، اختیار به صورت تدریجی از معلم به کودک منتقل می‌شود و معلم فقط نقش یک ناظر را خواهد داشت. (گالاهو و همکاران، ۲۰۱۲). رویکرد جو تبحرگرا که توسط مارتین و رادیسلا (۲۰۰۹) ارائه شده است، دارای خودکاری بالای کودک در تکمیل تکالیف و فعالیت‌ها بر اساس ترجیح خود کودک است. جو انگیزه تبحر از طریق سازماندهی آموزش در شش ساختار در یک جلسه گسترش یافته است. این چنین رویکردهایی نیازهای رشدی و یادگیری کودکان را در قلب برنامه‌ریزی، تدریس فرایند ارزشیابی قرار می‌دهد (زاکوپولو و همکاران، ۲۰۱۰). رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا، به وسیله تنظیم و بالابردن انگیزش کودک جهت شرکت در تکالیف حرکتی و شناختی مختلف، موجب افزایش سزعت یادگیری کودک می‌شود (هارتر، ۱۹۹۸).

رویکرد جو تبحرگرا با افزایش انگیزه فراگیران منجر به افزایش فعالیت بدنی آنان می‌شود. در این رویکرد کودک به صورت مستقیم در امر یادگیری شرکت دارد، اظهار نظر می‌کند و تصمیم می‌گیرد. در این رویکرد فرد به شناخت توانایی‌ها و نقاط مثبت خود دست پیدا می‌کند. کودک در صدد رفع نقاط ضعف خود برمی‌آید، فرد در این رویکرد با سوابق قبلی خود مقایسه می‌شود و مقایسه او با فرد دیگری صورت نمی‌گیرد. گاهی مقایسه کودک با همسالان سبب ایجاد احساس ضعف در کودک و عدم پیشرفت یا حتی کاهش اعتماد به نفس و احساس حقارت او می‌شود (جانسون، ۲۰۱۵).

مزیت رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا مربوط به تمرکز آن بر تبحر در یادگیری و نه بر نتیجه اجرا است که مطابق نظریه انگیزش کفایت، نتیجه آن افزایش انگیزه و القاء این تفکر به کودک است که باید تلاش بیشتری کند تا به تبحر و شایستگی حرکتی برسد (هارتر، ۱۹۹۸). از طرفی دیگر،

1. Bortoli, Bertollo, Vitali, Filho & Robazza
2. Martin & Rudisill
3. Harter

رویکرد معلم-محور منجر به ایجاد تکالیف رقابتی، رهبری استبدادی و بی‌انگیزه شدن کودک می‌شود که در نهایت تلاش و پیشرفت کمتر را به دنبال دارد (نیکولز؛ ۱۹۸۴). تفاوت در محیط‌های اجتماعی-عاطفی ذهنی و مکان‌های تربیت‌بدنی که توسط معلمان ایجاد می‌شود منجر به تغییر در نتایج روانی فعالیت‌های بدنی برای کودکان می‌شود. تکلیف محوری با اراده و قصد به فعال بودن از لحاظ بدنی و خود گزارشی فعالیت بدنی مرتبط است. جو انگیزشی تبحرگر با پاسخ‌های عاطفی سازگارانه نظیر لذت‌بردن، علاقه ذاتی و تلاش و کوشش و تنش پایین در ارتباط است (مارتنز؛ ۱۹۸۷). از این‌رو تحقیقات مختلفی به بررسی اثر رویکرد مداخله محور در حوزه اکتساب مهارت‌های حرکتی پرداخته‌اند.

کالاجا^۳ (۲۰۰۹) در تحقیقی که بر روی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی انجام داد، از پرسشنامه چندبخشی شامل فعالیت‌بدنی خودگزارشی و پرسشنامه در رابطه با جو انگیزشی در مدارس تربیت‌بدنی استفاده کرد و بدین نتیجه رسید که همراه با ارتقاء و بهبود مهارت، میزان فعالیت‌بدنی که برای انجام تکلیف نیاز است کاهش می‌یابد و فرد حرکت را با کارایی بیشتری انجام می‌دهد. گریفین^۴ و همکاران (۲۰۱۳) تأثیر جو انگیزشی تبحرگر بر تعهد کودکان جهت لذت بردن از فعالیت بدنی را مورد ارزیابی قرار دادند. جهت بررسی میزان فعالیت بدنی کودکان از گام شمار استفاده شد. نتایج نشان داد تفاوت معناداری در میزان لذت بردن و تعهد به فعالیت بدنی در قبل و بعد از اعمال مداخله با رویکرد جو انگیزشی تبحرگر وجود دارد. درحالی‌که انتومانیس^۵ (۲۰۰۱) اعلام کرد دانش‌آموزان تربیت‌بدنی در جو تسلطی، لذت بالاتر و توانایی بالاتری دارند و معتقدند که تلاش منجر به موفقیت می‌شود. یاسمی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی نشان دادند برنامه‌های مداخله‌ای با رویکرد جو انگیزشی تبحر، عزت‌نفس کودکان را افزایش داده و با تسهیل مشارکت کودکان در فعالیت بدنی و ورزش، تبحر حرکتی آن‌ها را بالا می‌برد. وادوورث^۶ و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی را با عنوان مشارکت در فعالیت بدنی کودکان پیش دبستانی با رویکرد جو انگیزشی تبحرگر انجام دادند. نتایج نشان داد یک دوره مداخله با رویکرد جو انگیزشی تبحرگر به‌طور معناداری میزان فعالیت بدنی متوسط تا شدید کودکان را افزایش داده است. هاروود^۷ و همکاران (۲۰۱۵) با توجه ویژه به اهمیت مشارکت مستقیم فراگیر و دانش‌آموز در فرایند تمرین و آموزش و انجام

-
1. Nicholla
 2. Martner
 3. Kalaja
 4. Griffin
 5. Ntomanis
 6. Wadsworth
 7. Harwo

فعالیت بدنی، پیشنهاد کردند در طراحی مداخلات حرکتی و کلاس‌های تربیت‌بدنی از رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا استفاده شود تا انگیزش درونی و تلاش فراگیران بیشتر شود. استودن^۱ و همکاران (۲۰۰۸) یک مدل مفهومی ارائه دادند در قالب این الگو ارتباطی دو طرفه و پویا میان سطح تبحر و فعالیت بدنی وجود دارد. این مدل تحت عنوان رویکرد تارگت آشناخته شد. در این مدل کودکان ماهرتر درک بیشتری از خود پیدا کرده و از مشارکت در فعالیت بدنی و بازی راضی‌تر هستند. باولر^۳ (۲۰۰۹) نیز در تحقیقی اثر تدریس برنامه تربیت‌بدنی با رویکرد تارگت را بر سطوح فعالیت جسمانی دانش‌آموزان مورد بررسی قرارداد و بدین نتیجه رسید گروه مداخله بر اساس تارگت، زمان بیشتری را صرف فعالیت بدنی متوسط تا شدید، در هر جلسه آموزش کرد. آن‌ها دریافتند رویکرد جو انگیزه تبحر باعث افزایش انگیزه آزمودنی‌ها می‌شود و علاقه آن‌ها را برای ادامه تمرین و درگیر شدن در برنامه‌های فعالیت بدنی افزایش می‌دهد. از طرفی ظهرابی و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی نشان دادند در آموزش گرامر زبان انگلیسی گروه معلم‌محور عملکرد بهتری نسبت به گروه یادگیرنده‌محور داشتند. جانسون^۴ (۲۰۱۵) در تحقیقی بر روی دانش‌آموزان کلاس هفتم آمریکایی و بر روی هر دو جنس عنوان می‌کند که جو تبحرگرا هیچ نتایج مشخص و مثبتی را برای سطوح فعالیت بدنی در مدارس نداشت. جانسون و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی نشان دادند ارتباط مثبت و معناداری بین جو انگیزشی تبحرگرا با نمرات عملکرد و لذت‌بخشی در فعالیت بدنی وجود دارد ولی بین جو تبحرگرا با میزان فعالیت بدنی ارتباط معنادار وجود ندارد.

با توجه به اینکه رویکرد گام‌های اولیه در برنامه درسی تربیت‌بدنی^۵ برای کمک به کودکان جهت درک اهمیت سبک زندگی سالم و انجام فعالیت بدنی مناسب و رشد مهارت‌های اجتماعی آن‌ها طراحی شده است و از طرفی اینکه برخی نتایج تحقیقات اشاره شده در بالا به نتایج متناقضی رسیده‌اند و به نظر می‌رسد که استفاده از ابزارهای ذهنی و خود گزارشی فعالیت بدنی و انجام تحقیق بر روی هر دو جنس دختر و پسر و محدود نکردن بازه سنی آن‌ها این نتایج متناقض را ایجاد کرده است. مشخص شده است که انتقال مهم در توسعه حرکات مختلف در طی دوران کودکی اولیه صورت می‌گیرد و عدم توسعه حرکات در طی دوران کودکی اولیه منجر به کاهش توانایی انجام مهارت‌های حرکتی پیچیده‌تر از قبیل پریدن، دویدن و غیره می‌شود (مایکل، مونرو و استیل^۶؛

1. Stodden
2. TARGET
3. Bowler
4. Johnson
5. Early Steps Physical Education Curriculum
6. Mickle, Munro & Steele

۲۰۱۱؛ نوتارنیکولا و همکاران، ۲۰۱۴)؛ بنابراین انجام مداخلات در طی دوران کودکی اولیه (زیر ۸ سال) ضروری به نظر می‌رسد و اهمیت قابل توجهی دارد. ما در این تحقیق از مداخله با ابزار عینی (پدومتر) استفاده می‌کنیم و با محدود کردن محدوده سنی بین ۷ تا ۸ سال و در نظر گرفتن یک جنسیت دختر و در نظر گرفتن عوامل فرهنگی در بافت استان چهارمحال و بختیاری در پی بررسی این سؤال هستیم که آیا دو رویکرد آموزشی معلم‌محور و جوانگیزشی تبحرگرا که اثرات رفتاری متفاوت آنها در برخی حوزه‌ها تأیید شده است می‌تواند منجر به اثرات متفاوت در سطح فعالیت بدنی دختران زیر ۸ ساله شهرکرد شود؟

روش‌شناسی

راهبرد این تحقیق از نوع نیمه‌تجربی و روش آن بالینی است که از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش‌آموزان کلاس اول مقطع ابتدایی شهرستان شهرکرد تشکیل دادند. نمونه پژوهش شامل ۶۰ دانش‌آموز (۲۰ نفر در گروه جو تبحرگرا، ۲۰ نفر در گروه رویکرد معلم‌محور و ۲۰ نفر در گروه کنترل) بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برخورداری از سلامت جسمانی و نداشتن اختلالات رشدی و حرکتی، دختر بودن و محدوده سنی زیر ۸ سال از معیارهای ورود به تحقیق بودند. معیارهای خروج از تحقیق نیز شامل غیبت بیش از یک جلسه در فرایند تحقیق و نیز شرکت منظم در کلاس‌های ورزشی سازماندهی شده بود.

ابزار مورد استفاده

-پدومتر شیانومی: جهت اندازه‌گیری میزان فعالیت بدنی شرکت‌کنندگان از دستبند شیانومی استفاده شد. این ابزار با گوشی‌های دارای سیستم عامل اندروید کار کرده و ضد آب و گرد و غبار بود. در عمق ۱ متری آب تا ۳۰ دقیقه دوام می‌آورد. این دستبند همچنین ضربان قلب و کیفیت خواب کاربر را مورد نظارت خود قرار داد. همچنین تعداد گام‌های برداشته شده توسط کاربر و میزان کالری سوزانده شده بر اثر آنها را محاسبه می‌کند. این دستبند دارای ۵/۵ گرم وزن است.

در مرحله پیش‌آزمون جهت اندازه‌گیری میزان فعالیت بدنی شرکت‌کنندگان، یک گام شمار بر روی مچ دست هر فرد بسته شد و از فرد خواسته شد ۳ شبانه‌روز کامل از این دستبند استفاده نماید. آزمونگر جهت اطمینان از کارکرد پدومترها هر کدام را روی مچ دست خود بسته و از سلامتی و کارکرد آنها اطمینان کسب نمود. برای هر پدومتر که بر روی مچ شرکت‌کنندگان بسته شده بود

یک ایمیل جداگانه باز شد. با استفاده از برنامه مای بند^۱ که روی گوشی همراه آزمونگر نصب شد، گام هر فرد به صورت جداگانه ضبط می‌شد. در پایان هر روز تعداد گام‌های شرکت‌کنندگان ثبت شد و میانگین این ۳ روز به‌عنوان نمره پیش‌آزمون فرد ثبت شد.

یک هفته بعد از انجام پیش‌آزمون، شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی به ۳ گروه برنامه مداخله‌ای با رویکرد معلم محور، برنامه مداخله‌ای با رویکرد جو تبحرگرا و گروه کنترل تقسیم شدند؛ و مراحل اجرای برنامه مداخله در طی ۶ هفته و هر هفته ۲ جلسه (مجموعاً ۱۲ جلسه) صورت گرفت.

جلسه اول مرتبط به طرح درس تعادل، جلسه دوم طرح درس دست‌کاری با توپ، جلسه سوم طرح درس دویدن، جلسه چهارم طرح درس به اشتراک گذاشتن منابع و مکان با دیگران، جلسه پنجم طرح درس مشارکت در فعالیت‌های تعادلی، جلسه ششم طرح درس کار با توپ و ضربه زدن به توپ، جلسه هفتم طرح درس تشخیص تغییرات در دمای بدن، جلسه هشتم طرح درس تشخیص تغییرات در ضربان قلب، جلسه نهم طرح درس فهم نیاز به استراحت، جلسه دهم طرح درس تنفس، جلسه یازدهم طرح درس گردش آزاد و جلسه دوازدهم طرح درس کهکشان‌ها (انواع مختلف حرکات) بود.

هر دو گروه رویکرد معلم-محور و جو تبحرگرا یک برنامه مداخله با محتوا و زمان یکسان را دریافت کردند. تنها تفاوت این دو گروه در نحوه ارائه (تدریس) مداخله بود. گروه جو تبحرگرا، مداخله را با رویکرد جو انگیزه تبحر دریافت کرد و گروه معلم-محور، مداخله را با رویکرد آموزش سنتی (معلم-محور) دریافت کرد. هر جلسه شامل ۴۵ دقیقه آموزش مهارت‌های مختلف بود که ۱۰ دقیقه اول به برنامه گرم کردن عمومی اختصاص پیدا می‌کرد، ۳۰ دقیقه طرح درس مرتبط با هر جلسه ارائه می‌شود و در نهایت ۵ دقیقه نیز به سرد کردن اختصاص می‌یافت.

پس از اتمام جلسات تمرینی پس‌آزمون، همانند پیش‌آزمون یک گام شمار بر روی مچ هر فرد بسته شد و از فرد خواسته شد تا ۳ شبانه‌روز کامل از این دستبند استفاده نماید. در پایان هر روز تعداد گام‌های شرکت‌کنندگان ثبت شد و میانگین این ۳ روز به‌عنوان نمره پس‌آزمون فرد ثبت شد.

از میانگین و انحراف معیار جهت آمار توصیفی و در آمار استنباطی جهت مقایسه گروه‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا) استفاده شد. تحلیل‌های آماری با نرم‌افزار آماری پی‌اس‌اس نسخه ۲۱ و در سطح معناداری $P < 0/05$ انجام شد.

نتایج

جدول شماره یک نتایج مربوط به میانگین و انحراف معیار ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، قد و وزن) شرکت‌کنندگان آورده شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

گروه	سن	وزن	قد
رویکرد معلم محور	$۷/۶ \pm ۰/۵۰$	$۲۴/۳۰ \pm ۵/۱۱$	$۱۱۸/۴۰ \pm ۵/۶۷$
جو انگیزشی و تحول‌گرا	$۷/۱ \pm ۰/۵۱$	$۲۴/۴۵ \pm ۴/۸۷$	$۱۱۷/۵۰ \pm ۵/۲۰$
کنترل	$۷/۴ \pm ۰/۵۰$	$۲۳/۹۵ \pm ۴/۷۱$	$۱۱۶/۲۵ \pm ۵/۱۸$



شکل ۱- نتایج مربوط به میانگین و انحراف معیار نمرات فعالیت بدنی شرکت‌کنندگان در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

همان‌طور که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است، نتایج در رویکرد معلم‌محور بیانگر این موضوع هست که نمرات فعالیت‌بدنی این گروه تغییر افزایشی داشته است. نتایج در رویکرد جو انگیزشی و تحول‌گرا بیانگر این موضوع است که نمرات فعالیت بدنی این گروه به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داشته است و نتایج گروه کنترل نشان‌دهنده این موضوع هست که نمرات فعالیت‌بدنی این گروه نسبت به پیش‌آزمون تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

نتایج آزمون شاپیرو - ویلک نشان داد داده‌های مورد بررسی نرمال هستند ($P < 0/05$). جهت بررسی مقایسه اثر رویکرد معلم محور، جو انگیزشی تبحرگرا و کنترل بر میزان فعالیت بدنی از تحلیل واریانس مرکب استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ آورده شده است. پیش فرض اول این آزمون برابری ماتریس کواریانس است. با توجه به عدم سطح معناداری آزمون باکس ($P < 0/05$)، ماتریس کواریانس داده‌ها برابر است. پیش فرض دوم این آزمون اصل تقارن مرکب است. برای برقراری این اصل از آزمون کرویت موخلی استفاده گردید. با توجه به عدم معنادار بودن آزمون کرویت موخلی ($P < 0/05$)، شاخص‌های (F) مربوط به اثر فرض کرویت گزارش شد. علاوه بر این پیش از بررسی اثرات بین گروهی، برای برابری واریانس‌های خطا از آزمون لون استفاده گردید. نتایج این آزمون نشان داد آزمون F برای هیچ یک از عامل‌های درون گروهی معنادار نیست ($P < 0/05$) و این نشان می‌دهد مفروضه همگنی واریانس در بین گروه‌های متغیر مستقل برقرار است.

جدول ۲- یافته‌های مربوط به آزمون تحلیل واریانس مرکب برای تعیین تأثیر رویکردهای مختلف بر میزان فعالیت بدنی از پیش آزمون تا پس آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	مجذوراتا
عامل	۱۱۸۶	۱	۱۱۸۶	۳۵/۵۰	۰/۰۰۰۱*	۰/۴۴۲
گروه	۸۴۳۵	۲	۴۲۱۸	۱۴/۲۴	۰/۰۰۰۱*	۰/۶۵۶
عامل × گروه	۱۰۹/۵۱	۲	۵۴/۷۵	۴/۹۴	۰/۰۱۱*	۰/۱۴۸

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید یافته‌های مربوط به آزمون تحلیل واریانس مرکب نشان داد اثر اصلی عامل اندازه‌گیری ($F_{87,1} = 35/50, sig = 0/0001, \eta^2 = 0/442$) همچنین اثر اصلی گروه ($F_{87,2} = 14/24, sig = 0/0001, \eta^2 = 0/656$) و تعامل مراحل اندازه‌گیری در گروه ($F_{87,2} = 4/94, sig = 0/011, \eta^2 = 0/148$) معنادار است. چون اثر تعاملی معنادار است، از اثرات اصلی صرف‌نظر می‌گردد. در ادامه از یک طرح تحلیل واریانس درون گروهی با اندازه‌گیری تکراری روی عامل مراحل اندازه‌گیری برای مشخص نمودن تأثیر رویکردهای مختلف بر میزان فعالیت بدنی استفاده شد. با توجه به عدم معنادار بودن آزمون کرویت موخلی ($P < 0/05$)، شاخص‌های (F) مربوط به آزمون فرض کرویت گزارش شد.

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه میزان فعالیت بدنی

متغیر	شاخص آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
پیش-آزمون	بین گروهی	۱/۵۲	۲	۷۸۵۸۲۹۶/۹۵	۲/۳۵۰	۰/۱۰۹
	درون گروهی	۱/۹۰	۵۷	۳۳۴۴۵۰۹/۷۸		
	کل	۲/۰۶	۵۹			
پس‌آزمون	بین گروهی	۸۴۳۵	۲	۴۲۱۸	۱۴/۲۴	۰/۰۰۰۱*
	درون گروهی	۱۶۸۷	۵۷	۲۹		
	کل	۱۰۱۲۲	۵۹			

همانطور که در جدول ۳ قابل ملاحظه است بین میزان فعالیت بدنی گروه‌ها در مرحله پیش‌آزمون تفاوت معناداری وجود ندارد ($P < ۰/۰۵$) که نشان دهنده این است که توزیع گروه‌ها به صورت برابر صورت گرفته است. همچنین مشخص شد سطح معناداری در مرحله پس‌آزمون معنادار است ($P > ۰/۰۵$). در ادامه جهت نشان دادن محل تفاوت بین گروه‌ها از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی مربوط به مقایسه گروه‌ها در مرحله پس‌آزمون

مرحله	گروه	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
پس‌آزمون	جو انگیزشی تبحرگرا	۱۴۳۴/۷۰	۰/۰۳۲*
	کنترل	۲۹۰۴/۲۵	۰/۰۰۰۱*
	معلم‌محور	۱۴۶۹/۵۵	۰/۰۲۷*

نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی در مرحله پس‌آزمون نشان داد بین گروه جو انگیزشی تبحرگرا با گروه معلم‌محور با ($P = ۰/۰۳۲$) و نیز گروه کنترل ($P = ۰/۰۰۰۱$) و همچنین بین گروه معلم‌محور با گروه کنترل ($P = ۰/۰۲۷$) تفاوت وجود دارد. این نتایج نشان دهنده این است که هر دو گروه معلم‌محور و جو انگیزشی تبحرگرا بهتر از گروه کنترل هستند و نیز گروه جو انگیزشی تبحرگرا بهتر از گروه معلم‌محور است. در ادامه برای بررسی میزان پیشرفت هر گروه از پیش‌آزمون به پس‌آزمون از آزمون تی وابسته استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون تی همبسته برای مقایسه درون گروهی میزان فعالیت بدنی در گروه‌های مختلف

گروه	پیش آزمون MD±SD	پس آزمون MD±SD	t	Sig
معلم محور	± ۱۶۲۷/۰۹ ۱۴۶۸۶/۳۵	± ۱۶۹۹/۸۱ ۱۵۵۰۲/۲۵	-۶/۱۷۷	۰/۰۰۰۱*
جو انگیزشی	± ۲۰۰۳/۱۱ ۱۳۴۳۴/۷۰	± ۱۷۵۰/۷۳ ۱۶۹۳۶/۹۵	-۶/۹۱۹	۰/۰۰۰۱*
کنترل	± ۱۸۳۶/۷۴ ۱۴۰۵۵/۵۵	± ۱۷۷۰/۷۱ ۱۴۰۳۲/۷۰	۰/۳۳۱	۰/۷۴۴

همانطور که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است هر دو گروه معلم محور و جوانگیزشی تبحرگرا در پس آزمون نسبت به پیش آزمون پیشرفت کرده‌اند ($P > ۰/۰۵$) ولی در گروه کنترل پیشرفتی مشاهده نشد ($P < ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این تحقیق بررسی تأثیر جو تبحرگرا و معلم محور بر سطح فعالیت بدنی دانش آموزان دختر زیر ۸ سال بود. نتایج نشان داد هر چند هر دو رویکرد جو انگیزشی معلم محور و تبحرگرا بر میزان فعالیت بدنی کودکان تأثیر مثبت دارد و هر دو گروه بهتر از گروه کنترل عمل کردند ولی میزان تأثیر رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا بیشتر از رویکرد معلم محور بود.

این نتایج با یافته‌های گریفین و همکاران (۲۰۱۳)، وادورث و همکاران (۲۰۱۷) و باولر (۲۰۰۹) همخوان است. نتایج تحقیق حاضر همچنین در راستای یافته‌های سامپایو و والننتینی^۱ (۲۰۱۵) در زمینه مهارت‌های حرکتی بنیادی و مهارت ژیمناستیک ریتمیک، لویز^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در زمینه یادگیری یک تکلیف جدید، مارتین^۳ (۲۰۰۲) در زمینه مهارت‌های حرکتی بنیادی، جاسار^۴ و همکاران (۲۰۱۲) در زمینه عزت نفس، دنیل اوروکه^۵ و همکاران (۲۰۱۴) در زمینه عزت نفس و اضطراب رقابتی، مارتین و رادیس^۶ (۲۰۰۹) در زمینه عملکرد مهارت‌های حرکتی کودکان و قربانی و همکاران (۱۳۹۳) در زمینه رضایتمندی ورزشکاران است.

1. Sampaio & Valentini
2. López
3. Martin
4. Jõesaar
5. O'rouke
6. Martin & Rudisill,

وادورثو همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی که بر روی ۱۲ کودک چهار ساله و با استفاده از رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا به مدت ۲۰ هفته انجام دادند بدین نتیجه رسیدند یک دوره مداخله با رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا بطور معناداری میزان فعالیت بدنی متوسط تا شدید کودکان را افزایش داده است. سامپایو و والننتینی (۲۰۱۵) تحقیقی را بر روی ۳۹ دختر ۵ تا ۱۰ ساله انجام دادند. برنامه مداخله‌ای در طی ۳ ماه و ۲ بار در هفته برگزار شد. نتایج نشان داد تغییرات مثبت و قابل توجهی در مهارت‌های حرکتی بنیادی در پی رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا به وجود آمده است. هر چند این دو تحقیق ذکر شده از اعمال مداخله ۳ و ۴ ماهه استفاده کرده بودند، نتایج تحقیق حاضر گویای این مطلب است که اعمال مداخله با رویکرد جوانگیزشی تبحرگرا در مدت زمان کمتر نیز می‌تواند سبب بهبود فعالیت بدنی کودکان شود.

گریفین و همکاران (۲۰۱۳) تأثیر جو انگیزشی تبحرگرا بر تعهد کودکان جهت لذت بردن از فعالیت بدنی را مورد ارزیابی قرار دادند. آنها جهت بررسی میزان فعالیت بدنی کودکان از گام شمار استفاده شد. نتایج نشان داد تفاوت معناداری در میزان لذت بردن و تعهد به فعالیت بدنی در قبل و بعد از اعمال مداخله با رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا وجود دارد؛ در حالی که انتومانیس (۲۰۰۱) اعلام کرد دانش‌آموزان تربیت بدنی در جو تسلطی، لذت بالاتر و توانایی بالاتری دارند و معتقدند که تلاش منجر به موفقیت می‌شود. همچنین کالاجا (۲۰۰۹) در کشور فنلاند و تحقیق بر روی هر دو جنس از پرسشنامه چندبخشی در رابطه با جو انگیزشی در مدارس تربیت بدنی استفاده کرد و عنوان کرد که همراه با ارتقاء و بهبود مهارت، میزان فعالیت بدنی که برای انجام تکلیف نیاز است کاهش می‌یابد و فرد حرکت را با کارایی بیشتری انجام می‌دهد.

وقتی که ساختارهای کاری خاص مرتبط با جو تبحرگرا در یک محیط آموزشی گنجانده شود، به نظر می‌رسد این تغییرات تأثیر مستقیمی بر سطوح فعالیت بدنی کودکان داشته باشد. زمانی که کودکان یاد می‌گیرند چگونه خود را در محیط مدیریت کنند، میزان فعالیت بدنی متوسط تا شدید آنها نیز بهبود می‌یابد (پاریش و تریسور، ۲۰۰۳). بر همین اساس در تحقیق حاضر نیز ارائه مداخله با رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا به گونه‌ای صورت گرفت تا دانش‌آموز یاد بگیرد تا در محیط‌های مختلف خود را مدیریت کند و بتواند خود را با جو آن محیط تطبیق دهد و در آن محیط به دنبال راهکاری جهت افزایش فعالیت بدنی باشد. به عنوان مثال به آنها آموزش داده شد تا جای ممکن به جای استفاده از سرویس مدرسه از پیاده‌روی یا دوچرخه جهت رفت و آمد به مدرسه استفاده کنند، از پله به جای آسانسور استفاده کنند و در هنگام صحبت کردن با تلفن به جای اینکه یک جا بایستند یا بنشینند، در حال رفت و آمد باشند.

می‌توان مزایای منتسب به جو انگیزشی تبحرگرا در پژوهش حاضر را به انگیزش درونی مرتبط دانست، چرا که مهمترین برونداد این محیط افزایش قابل توجه انگیزش کودک برای مشارکت در فعالیت بدنی است (زاکوپولو و همکاران، ۲۰۱۰؛ هاروود و همکاران، ۲۰۱۵). در رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا، جو تسلسلی برداشت شده توسط دانش آموز با ایجاد انگیزه درونی بالاتر می‌تواند مشارکت دانش آموز در فعالیت بدنی را بالا ببرد و موجب ارتقاء و بهبود مهارت‌های مختلف شود. در این رویکرد، موفقیت بر مبنای ارتقای شخصی و تلاش فردی صورت می‌گیرد و فرایند یادگیری فرد ترغیب می‌شود که این امر فرصت برای بازخورد مناسب و مرتبط را فراهم می‌کند (بوانز^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). مطابق با نظریه خودمختاری، در رویکرد معلم محور، انگیزه کودک، به دلیل احساس خودتنظیمی پایین، کمتر بوده و فرد در امر یادگیری مشارکت کمتری دارد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر علت تأثیر کمتر رویکرد معلم محور نسبت به رویکرد کودک محور این است که در رویکرد معلم محور، کودک مشارکت فعالی در امر آموزش ندارد و روابط حاکم در این رویکرد بر مبنای رهبری مستبدانه و رقابت جویی است (جویسار و همکاران، ۲۰۱۲).

نتایج تحقیق حاضر به شکل غیرمستقیم با یافته‌های یاسمی و همکاران (۱۳۹۶) در یک راستا است. آنها در طی تحقیقی که بر روی ۶۰ دانش آموز دختر و پسر دبستانی انجام دادند بدین نتیجه رسیدند تمرینات مداخله‌ای ۱۲ هفته‌ای با رویکرد معلم محور و جو انگیزشی تبحرگرا منجر به بهبود مهارت‌های بنیادی و عزت نفس کودکان می‌شود. همچنین با نتایج واریورتن^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در زمینه دستیابی به اهداف دانش آموزان، یافته‌های ماسوله، چهرزاد و یعقوبی (۱۳۸۶) در زمینه یادگیری مهارت‌های دانشجویان پرستاری، یافته‌های جاییسار و همکاران (۲۰۱۲) در زمینه خودمختاری و عزت نفس همخوان است. نتایج تحقیق وادوورث و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد یک دوره مداخله با رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا بطور معناداری میزان فعالیت بدنی متوسط تا شدید کودکان را افزایش داده است. هاروود و همکاران (۲۰۱۵) پیشنهاد کردند در طراحی مداخلات حرکتی و کلاس‌های تربیت بدنی از رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا استفاده شود تا انگیزش درونی و تلاش فراگیران بیشتر شود.

نتایج تحقیق حاضر را می‌توان با نظریه خودمختاری دسی و رایان^۳ (۱۹۹۵) نیز توجیه کرد. یکی از مفاهیم اصلی خودمختاری که در رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا استفاده و کاربرد زیادی دارد، تجربه حق انتخاب بوسیله خود فرد است. ادراک خودمختاری منجر به افزایش انگیزش درونی در فرد می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند کودکانی که در رفتارهایشان خودکنترل هستند در فعالیت‌های

1. Bevans
2. Wadsworth
3. Deci E. & Ryan

بدنی ثبات بیشتری دارند. یافته‌های این تحقیقات بیان می‌کند زمانی که فرد اعمال خود را به دور از اجبار و از روی فعالیت‌های شادی‌بخش و بازی‌گونه و آنطور که خود مایل هست که آن را انجام دهد، می‌توان انتظار داشت که میزان فعالیت بدنی او نیز به مراتب بیشتر باشد (هاگرا و همکاران، ۲۰۰۳). از این رو حوادث یا رفتارهایی که ارتباط اجتماعی، اختیار و صلاحیت را افزایش می‌دهند منجر به ارتقاء انگیزش درونی می‌شود و نیز باعث مشارکت بیشتر فرد در فعالیت می‌شود (زاکوپولو و همکاران، ۲۰۱۰).

جهت اندازه‌گیری میزان فعالیت بدنی در این تحقیق مطابق با تحقیقات پاریش و همکاران (۲۰۰۹) و نیز سالیس و همکاران (۲۰۰۰) از گام شمار به عنوان ابزار تحقیقی استفاده شد. استفاده از گام شمار یک شیوه دقیق برای اندازه‌گیری سطوح فعالیت بدنی مرتبط در داخل و خارج کلاس برای دانش‌آموزان است. این مسئله از این جهت اهمیت دارد که موقعیت و فرصتی را برای آزمودن متغیرهای درون فردی متفاوت امکان‌پذیر می‌سازد که می‌تواند تغییر در رفتار دانش‌آموزان را توضیح دهد (پاریش و همکاران، ۲۰۰۹).

در تحقیق حاضر به شرکت‌کنندگان آموزش داده شد در گروه‌های ترکیبی با هم کار کنند و ارزیابی مثبت جهت پیشرفت شخصی برای فرد مورد تأکید قرار بگیرد و تنوع در سرعت یادگیری برای تمام شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شود. ارائه و استفاده از رویکرد تارگت در رابطه با فعالیت بدنی سبب می‌شود که دانش‌آموز از فعالیت‌های ارائه‌شده لذت ببرد و به مراتب فعالیت بدنی و حرکتی بیشتری نیز در حین ارائه این رویکرد انجام دهد (جانسون، ۲۰۱۵).

در رویکرد معلم‌محور، زمانی که افزایش سطح فعالیت بدنی دانش‌آموز به عنوان هدف در نظر گرفته‌شده باشد معلم یا مربی معمولاً روی اهمیت پیشی‌گرفتن از همکلاسی‌ها یا فرارفتن از استانداردها تکیه می‌کند. در این شرایط ممکن است که یک دانش‌آموز احساس کند که معلم در حال تشویق کل کلاس یا یک دانش‌آموز برجسته از لحاظ میزان فعالیت بدنی است تا بهتر از دیگر همکلاسی‌هایش عمل کند. این موضوع خود سبب می‌شود تا دانش‌آموزی که از بقیه ضعیف‌تر است سعی کند تا خود را به سطح دیگر همکلاسی‌ها یا دانش‌آموز برجسته برساند. این موضوع خود می‌تواند راهی بسیار مناسب جهت افزایش سطح فعالیت بدنی کودکان باشد (جانسون، ۲۰۱۵).

ارائه فعالیت‌های هدف‌محور در رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا موجب می‌شود تا فرد از طریق تجربه مسائل و موضوعات جدید و متنوع میزان لذت بالاتری از فعالیت انجام‌شده را تجربه کند و سعی در تکرار آن نماید. این موضوع خود سبب می‌شود تا میزان فعالیت بدنی فرد نیز افزایش پیدا کند. به‌طور کلی برداشت‌های بالاتر از رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا نسبت به رویکرد معلم‌محور می‌تواند سطح

بالتری از لذت، انگیزه درونی، ادراک و رقابت را در دانش آموز ایجاد کند و سبب شود تا کودک انگیزه بیشتری جهت شرکت در فعالیت بدنی داشته باشد (جانسون، ۲۰۱۵).

همچنین نتایج این قسمت از تحقیق با یافته‌های ناتانویس (۲۰۰۶) ناهمخوان است. در مطالعه آنها تفاوت معناداری در بین دو رویکرد کودک محور و معلم محور بر عزت نفس مشاهده نشد؛ هر دو گروه سبب بهبود عزت نفس در شرکت کنندگان شد. علت این ناهمخوانی را می توان در زمان اندازه گیری دو پژوهش بررسی کرد. ناتانویس عزت نفس را در دوره نوجوانی که یک دوره بحرانی از لحاظ شاخص های روانی است بررسی کرد. همچنین در این دوره مهارت های بنیادی تثبیت شده و فرد تقریباً به تبحر در مهارت های بنیادی رسیده است. لذا فعالیت بدنی و ورزش نمی تواند تأثیر چندانی بر رشد مهارت بنیادی، که سبب احساس شایستگی در فرد می شود و عزت نفس کودک را تحت تأثیر قرار می دهد، داشته باشد. نتایج این پژوهش با یافته های لوگان^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در آموزش نه هفته ای تکالیف اختصاصی دست کاری شی و سامپایو و ولنتینی^۲ (۲۰۱۵) در آموزش نه هفته ای حرکات ویژ ژیمناستیک ریتمیک ناهمخوان است. یکی از دلایل احتمالی در این پژوهش به نوع تکالیف بر می گردد. چرا که در آن پژوهش ها تکالیف حرکتی اختصاصی آموزش داده شده است. نتایج تحقیق حاضر همچنین با تحقیق کالاجا (۲۰۰۹) ناهمخوان است؛ آنها در تحقیق خود از پرسشنامه خود گزارشی در رابطه با فعالیت بدنی استفاده کردند ولی در تحقیق حاضر از گام شمار که یک وسیله مناسب، مؤثر و قابل اطمینان جهت اندازه گیری میزان فعالیت بدنی است استفاده شد. در تحقیق جانسون (۲۰۱۵) بر روی دانش آموزان عنوان شد که جو تبحرگرا هیچ نتایج مشخص و مثبتی را برای سطوح فعالیت بدنی در مدارس نداشت. تحقیق جانسون و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند ارتباط معناداری بین جو انگیزشی تبحرگرا با نمرات عملکرد و لذت بخشی در فعالیت بدنی وجود دارد ولی بین جو تبحرگرا با میزان فعالیت بدنی ارتباط معنادار وجود ندارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق ظهرابی و همکاران (۲۰۱۲) ناهمخوان است. آنها در تحقیق خود نشان دادند جهت یادگیری زبان خارجی استفاده از رویکرد معلم محور تأثیر بیشتری نسبت به رویکرد یادگیرنده محور دارد. احتمالاً دلیل ناهمخوانی را به توان در نوع تکلیف مورد آزمایش بررسی کرد. در تحقیق ظهرابی و همکاران از تکلیف یادگیری یک زبان خارجی استفاده شد. زمانی که فرد هیچ گونه آشنایی با تکلیف مورد نظر نداشته باشد استفاده از نظرات یک راهنما و معلم جهت پیشبرد اهداف و رسیدن به هدف بسیار سودمند است تا این که خود فرد بخواهد به جستجوی آنها برود و سعی داشته باشد که آنها را کشف کند.

1. Logan
2. Sampio & Valentini

نتایج تحقیق نشان داد استفاده از رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا باعث بهبود فعالیت بدنی در کودکان می‌شود؛ بنابراین مربیان و معلمان ورزش در برنامه‌های کلاسی و تمرینی خود بهتر است به نحوی رفتار کنند که علاوه بر اینکه فضای انگیزشی در کلاس حاکم باشد، کودک نیز جو و فضای کلاس-های تمرینی را، خودمحور تلقی نماید و با افزایش انگیزش سعی در افزایش فعالیت بدنی نماید. همچنین معلمان و مربیان تا حد ممکن باید مطابق با جو انگیزشی تبحرگرا، عملکرد کودکان را با تلاش‌های گذشته خودشان مقایسه نمایند و از این طریق و ایجاد انگیزه در کودکان سعی در بهبود و پیشرفت فعالیت بدنی در آنها داشته باشند.

به‌طور کلی نتایج تحقیق حاضر نشان داد هر چند استفاده از برنامه مداخله‌ای با رویکرد معلم‌محور و جو انگیزشی تبحرگرا بر میزان فعالیت بدنی کودکان تأثیر مثبتی دارد ولی استفاده از رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا مؤثرتر است؛ بنابراین به معلمان و مربیان ورزش پیشنهاد می‌شود که رویکرد جو انگیزشی تبحرگرا را در برنامه‌های کلاسی و تمرینی خود مدنظر داشته باشند و این رویکرد را به‌کار بگیرند. با توجه به این که تحقیق حاضر بر روی دانش‌آموزان دختر ۷ و ۸ سال و در یک منطقه محدود جغرافیایی انجام گرفت، در تعمیم نتایج باید با احتیاط رفتار کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی تأثیر این پروتکل تمرینی بر روی آزمودنی‌های پسر و نیز آزمودنی‌های با سنین متفاوت نسبت به این تحقیق (کودکان زیر ۷ سال و نیز بالای ۸ سال) و همچنین بر روی متغیرهای عاطفی-رفتاری و ذهنی نیز بررسی شود.

منابع

1. Barić, R., & Bucik, V. (2009). Motivational differences in athletes trained by coaches of different motivational and leadership profiles. *Kineziologija*, 41(2), 181-194.
2. Bevans, K., Fitzpatrick, L., Sanchez, B., & Forest, C. B. (2010) Individual and instructional determinant of student engagement in physical education. *Journal of Teaching in Physical Education*, 29, 399-416.
3. Bortoli, L., Bertollo, M., Vitali, F., Filho, E., & Robazza, C. (2015). The effects of motivational climate interventions on psychobiosocial states in high school physical education. *Research quarterly for exercise and sport*, 86(2), 196-204.
4. Bowler, M. (2009, September). The influence of the TARGET motivational climate structures on pupil physical activity levels during year 9 athletics lessons. In *British educational research association annual conference, university of Manchester, 2-5 September* (pp. 1-20).
5. Deci, E.L., & Ryan, R. M. (1995). Human autonomy: The basis for true self-esteem. In M. Kemis (Ed.) *Efficacy, agency, and self-esteem* (pp. 31-49). New York: Plenum
6. Dweck, C. S. & Leggett, E. L. (1988). A social-cognitive approach to motivation and personality. *Psychological Review*, 95, 256-273.

7. Gallahue, D. L., Ozmun. J. C., Goodway. J. D. (2012) *Understanding motor development: Infants, Children, Adolescents, Adults* (7 th ed). Boston, MA: McGraw-Hill. P: 91-2.
8. Gallao, David; Zmon, John C. (2006). *Understanding motor growth during different lifetimes*. Translation: Movahedi, Ahmad Reza; Farsi, Alireza; Fouladian, Javad. (2012). Tehran. Science Movement Publishing. (Persian).
9. Ghorbani, M. Ramezanejad, R. Amirnejad, S. Hosseini. (2015). The Relationship between Motivational Climate and Player's Satisfaction in Tehran Futsal Primer League. *Journal of Research in Sports Management and Motor Behavior*. 4 (8), 135-148. (Persian).
10. Griffin, K., Meaney, K., & Hart, M. (2013). The impact of a mastery motivational climate on obese and overweight children's commitment to and enjoyment of physical activity: a pilot study. *American Journal of Health Education*, 44(1), 1-8.
11. Hagger, M. S., Chatzisarantis, N. L., Culverhouse, T., & Biddle, S. J. (2003). The processes by which perceived autonomy support in physical education promotes leisure-time physical activity intentions and behavior: a trans-contextual model. *Journal of educational psychology*, 95(4), 784.
12. Harter, S. (1998). The development of self-representations. In W. Damon (Series.) & N. Eisenberg (Vol. Ed.). *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, emotional, and personality development* (5th ed., Vol. 3, pp. 553–618). New York: Wiley. P: 45-9.
13. Harwood, C. G., Keegan, R. J., Smith, J. M., & Raine, A. S. (2015). A systematic review of the intrapersonal correlates of motivational climate perceptions in sport and physical activity. *Psychology of Sport and Exercise*, 18, 9-25.
14. Hein, V. & Hagger, M S. (2007). Global Self Stem, Goal Achievement Orientation, and self-Determined Behavioral regulations in a Physical Education Setting. *Journal of Sport Sciences*. 25 (2): 149-159
15. Jõesaar. Hein, V., & Hagger, M. S. (2012). Youth athletes' perception of autonomy support from the coach, peer motivational climate and intrinsic motivation in sport setting: One-year effects. *Psychology of Sport and Exercise*, 13(3), 257-262.
16. Johnson, C. E., Erwin, H. E., Kipp, L., & Beighle, A. (2017). Student perceived motivational climate, enjoyment, and physical activity in middle school physical education. *Journal of Teaching in Physical Education*, 1-32.
17. Johnson, C. E., Erwin, H. E., Kipp, L., & Beighle, A. (2017). Student perceived motivational climate, enjoyment, and physical activity in middle school physical education. *Journal of Teaching in Physical Education*, 36(4), 398-408.
18. Kalaja, S., Jaakkola, T., Watt, A., Liukkonen, J., & Ommundsen, Y. (2009). The associations between seventh grade Finnish students' motivational climate, perceived competence, self-determined motivation, and fundamental movement skills. *European Physical education review*, 15(3), 315-335.
19. Logan, S., Robinson, L., Webster, E. K., Barber, L (2013). Exploring preschoolers 'engagement and perceived physical competence in an autonomy-based object control skill intervention: A preliminary study. *European Physical Education Review*. 19(3): 302-314.

20. López, M., Granero-Gallegos, A., Buena Extremer, A., & Abrales, J. A. (2014). Goal orientation effects on elite handball players' motivation and motivational climate. *Procardia-Social and Behavioral Sciences*, 132, 434-440.
21. Martin, E. H., Rudisill, M. E., & Hastie, P. A. (2009). Motivational climate and fundamental motor skill performance in a naturalistic physical education setting. *Physical education and sport pedagogy*, 14(3), 227-240.
22. Martin, V. E. H. (2002). The effects of a mastery motivational climate motor skill intervention on student achievement and behavior in a naturalistic physical education setting. 3331-3331.
23. Martner, J. G. (1987). *U.S. Patent* No. 4,682,187. Washington, DC: U.S. Patent and Trademark Office.
24. Masouleh, R. Chehrzad, M. Yaghoobi, Y. (2007). Comparing the Effects of Two Teaching Models, Teacher Centered and Student Centered, on Nursing Students' practical learning. *Journal of Guilan University of Medical Sciences*. 9, 1-6. (Persian).
25. Mickle, KJ., Munro, BJ., Steele, JR. (2011). "Gender and age affect balance performance in primary school-aged children". *Journal of science and medicine in sport*. 14 (3):243-8
26. Nicholls, A. R., Morley, D., & Perry, J. L. (2016). Mentally tough athletes are more aware of unsupportive coaching behaviours: Perceptions of coach behaviour, motivational climate, and mental toughness in sport. *International journal of Sports Science & Coaching*, 11(2), 172-181.
27. Notarnicola, A., Maccagnano, G., Pesce, V., Di Pierro, S., Tafuri, S., Moretti B. (2014). Effect of teaching with or without mirror on balance in young female ballet students. *BMC research notes*. 7(1):426.
28. O'rourke, D. J., Smith, R. E., Smoll, F. L., & Cumming, S. P. (2014). Relations of parent-and coach-initiated motivational climates to young athletes' self-esteem, performance anxiety, and autonomous motivation: who is more influential? *Journal of Applied Sport Psychology*, 26(4), 395-408.
29. Parish & Treasure. (2003). Physical activity and situational motivation in physical education: Influence of the motivational climate and perceived ability. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 74(2), 173-182.
30. Payne, V. G., & Isaacs, L. D (2012). *Human motor development: A lifespan approach*. Mountain View, Calif: Mayfield Pub. Co. P: 23-5.
31. Peine, Gregory Wy Isaac, Larry. Di (2002) *Man's motor development in a lifelong way*. Translated: Khalaji, Hasan and Dariush, Khajavi. (2006). Arak / Arak University Press. (Persian)
32. Sallis, J. F., Prochaska, J. J., & Taylor, W. C. (2000). A review of correlates of physical activity of children and adolescents. *Medicine & science in sports & exercise*, 32(5), 963-975.
33. Sampaio, D. F., Valentini, N. C. (2015). Gymnastic Rhythmic' Youth Sport: Traditional Approach and Mastery Motivational Climate Approach. *Rev. Educ.* 26 (1): 1-10.

34. Solman, S. A., Nunez, M. N., & Cabré, M. F. (2008). Regional climate change experiments over southern South America. I: present climate. *Climate Dynamics*, 30(5), 533-552.
35. Stodden, D. F., Goodway, J. D., Langendorfer, S. J., Robertson, M. A., Rudisill, M. E., Garcia, C., & Garcia, L. E. (2008). A developmental perspective on the role of motor skill competence in physical activity: An emergent relationship. *Quest*, 60(2), 290-306.
36. Valentini, N. C., & Rudisill, M. (2004). Motivational climate, motor skill development, and perceived competence: Two studies of developmentally delayed kindergarten children. *Journal of Teaching in Physical Education*. 23, 216–234
37. Wadsworth, D. D., Rudisill, M. E., Hastie, P. A., Irwin, J. M., & Rodriguez-Hernandez, M. G. (2017). Preschoolers' Physical Activity Participation across a Yearlong Mastery-Motivational Climate Intervention. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 1-7.
38. Yasemi, Mina, Shahrzad, Neda, Ghadiri, Farhad. (2018). the Effect of Teacher-Oriented Approach and Enhanced Motivational Motivation on Children's Somatic and Motor Stem Accomplishment. *Sports Psychology Studies*, 6 (19), 123-140. (Persian).
39. Zachopoulou, E., Liukkonen, J., Pickup, I., & Tsangaridou, N. (2009). *Early steps physical education curriculum: Theory and practice for children under 8*. Human Kinetics.
40. Zohrabi, M., Torabi, M. A., & Baybourdiani, P. (2012). Teacher-centered and/or student-centered learning: English language in Iran. *English Language and Literature Studies*, 2(3), 18. (Persian).

ارجاع دهی

قه‌رمان معصومه، قدیری فرهاد، بهرام بهرام. (۱۳۹۸). تأثیر رویکرد معلم محور و جو تبحرگرا بر سطح فعالیت بدنی دانش‌آموزان دختر زیر ۸ سال شهرکرد. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۲۰-۱۰۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.6157.1501

Ghahraman M, Ghadiri F, Bahram A. (2019). Effects of Teacher Centered and Mastery Motivational Climate Approach On the physical activity level of girls under 8 years old in Shahrekord. *Research on Educational Sport*. 7(17): 101-20. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.6157.1501

شناسایی کارکردهای باشگاه‌های ورزشی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران

پروانه سواری نیکو^۱، احمدعلی آصفی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه اصفهان

۲. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

چکیده

یکی از ابعاد و زوایای ورزش، اخلاق است که توجه به آن امری ضروری به نظر می‌رسد. باشگاه‌ها به عنوان یک نهاد ورزشی می‌توانند به سمت نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران گام بزرگی بردارند. بنابراین هدف از این تحقیق شناسایی کارکردهای تنظیمی، هنجاری و شناختی باشگاه‌های ورزشی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران بود. روش تحقیق کیفی از نوع اکتشافی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی بود و به شکل میدانی اجرا شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه افراد صاحب‌نظر و آگاه در زمینه اخلاق و اخلاق در ورزش تشکیل می‌دادند. نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس و به شیوه گلوله برفی تا رسیدن به نقطه اشباع نظری انتخاب شدند (۱۱ نفر). ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق بود که روایی آن از طریق دقت در انتخاب موضوع، طراحی، تهیه و تایپ مصاحبه‌ها و نسخه‌برداری دقیق از مصاحبه‌ها، گنجاندن سؤالات در مصاحبه با یک نظم منطقی و دقت در تدوین گزارش‌ها مدنظر قرار گرفت. پایایی از طریق روش باز آزمون محاسبه شد که ضریب پایایی مصاحبه‌ها ۰/۷۷ به دست آمد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کدگذاری بود که با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA10 انجام شد. نتایج تحقیق در مجموع ۲۶ کارکرد (۱۲ کارکرد تنظیمی، ۸ کارکرد هنجاری و ۶ کارکرد شناختی) باشگاه‌ها برای نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران را نشان می‌دهد که با شناخت، برنامه‌ریزی و ایجاد سازوکارهایی برای عملیاتی‌سازی این کارکردها در باشگاه‌های ورزشی می‌توان روند نهادینه شدن اخلاق در ورزشکاران را تسهیل کرد و شاهد اخلاقیات در باشگاه‌های ورزشی بود.

واژگان کلیدی: کارکردهای تنظیمی، کارکردهای هنجاری، کارکردهای شناختی، نهادینه کردن اخلاق، باشگاه ورزشی

1. Email: savarip1395@yahoo.com

2. Email: aa.asefi@spr.ui.ac.ir

مقدمه

امروزه ورزش به‌منزله پدیده‌ای مؤثر در همه جوامع جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است تا آنجا که در حوزه جامعه‌شناسی از آن به‌عنوان بارزترین نمودهای زندگی اجتماعی و فرهنگی یاد شده و آن را در عقلانی‌شدن زندگی اجتماعی و توسعه جوامع مدرن مؤثر می‌دانند (جوانمرد و نوابخش، ۱۳۹۳: ۳۹). ورزش به مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی، برای ماندگاری باید همواره در رشد و توسعه باشد و ابعاد و زوایای آن، گسترش یابد و تثبیت و تقویت شود (رضایی صوفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۰)، یکی از ابعاد ورزش، اخلاق است که توجه به آن امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. اخلاق^۱ سازه‌ای جدانشدنی از زندگی انسان است و فارغ از نژاد، فرهنگ، سیاست و طبقه اجتماعی، نقش مهمی در رفتار انسان ایفا می‌کند (آرنولد، ۱۹۹۴: ۷۶). ورزش باید با سجایای اخلاقی، اصول جوانمردی، گذشت و ایثار همراه باشد. رعایت اصول و معیارهای اخلاقی بر همه ورزشکاران، تماشاگران، مربیان و مدیران ورزشی و به‌ویژه بر ورزشکاران حرفه‌ای، واجب است؛ چراکه ورزشکاران حرفه‌ای در جامعه همچون نماد به تصویر کشیده شده‌اند (رزاقی و مهرابی، ۱۳۹۶: ۲۸۸). ورزش این قابلیت را دارد که در بیشتر مقوله‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی ایفای نقش کند و به‌راستی در جهان کنونی کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که از چنین ویژگی و قابلیت برخوردار باشد، اما این پدیده جهانی امروزه با آسیبی جدی روبه‌روست. آسیبی که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را هدف قرار داده و به‌راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. این آسیب همان از دست رفتن روح ورزش و اخلاق ورزشی در میان جامعه بزرگ ورزشی است (ندایی و علوی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). ورزشکار در جوامع، الگو و اسوه دیگران شمرده می‌شود. عده‌ای حتی در نوع لباس و حرکات خود از ورزشکاران تقلید می‌کنند. ورزشکار در میدان‌های جهانی، نماینده و سفیر فرهنگی یک ملت است و کارهای غیراخلاقی او به پای فرهنگ آن ملت و کشور نوشته می‌شود. در این صورت، لزوم رعایت آموزه‌های اخلاق ضروری است و تبیین بایدها و نبایدهای اخلاقی ورزشکاران امری لازم برای سازمان‌های ورزشی به شمار می‌رود (حامدنی، ۱۳۹۲: ۹۰). سازمان‌های ورزشی مختلف درصد تبیین و ترویج اصول اخلاقی هستند. باشگاه‌های ورزشی از جمله این سازمان‌های ورزشی هستند که در صنعت ورزش بسیار اهمیت دارند و ریشه و هسته اصلی توسعه ورزش حرفه‌ای در آن‌ها شکل می‌گیرد (خبیری و الهی، ۱۳۸۴: ۱۶). اگر باشگاه‌های ورزشی اقدامات اساسی و بنیادی را در دستور کار خود قرار دهند، می‌توانند نقش مهمی در رشد و توسعه فضائل اخلاقی در ورزشکاران و دیگر اعضای مرتبط با باشگاه داشته باشند. در بعضی از باشگاه‌های ورزشی اقداماتی اعم از تشکیل کمیته

1. Ethics
2. Arnold

اخلاق، نوشتن آیین‌نامه‌های اخلاقی و ... انجام می‌گیرد. با این حال، شواهد نشان می‌دهد این اقدامات به خوبی نتوانسته به پذیرش رفتار اخلاقی و عمل به آن کمک کند و بعضاً شاهد رفتارهای غیراخلاقی از ورزشکاران باشگاه‌های مختلف هستیم. ضرورت دارد اقداماتی در دستور کار قرار گیرد که باعث ثبات، پایداری و فراگیری رفتار اخلاقی در همه اعضای باشگاه‌ها، مخصوصاً ورزشکاران، گردد. ثبات و پایداری رفتارها و فضائل اخلاقی ورزشکارانی که اسوه و الگوی بسیاری از اعضای جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان هستند (حامدنی، ۱۳۹۲: ۹۷) ضروری است، به طوری که انجام رفتارهای اخلاقی مقطعی و موردی نمی‌تواند مطلوب و مناسب باشد. از این رو، باید به دنبال رویکردی بود که زمینه‌ساز پذیرش رفتارهای اخلاقی، ثبات، پایداری و فراگیر شدن آن‌ها در ورزشکاران باشگاه‌های ورزشی شود. یکی از راهبردهایی که برای توسعه اخلاق می‌توان به کار برد، نهادینه کردن اخلاق است (سیمز، ۲۰۰۳: ۲۴۲). اسکات^۱ (۲۰۰۱) معتقد است نهادینه‌سازی^۲ یکی از اصطلاحات علم جامعه‌شناسی است که از آن بیشتر، با تعبیر نهادینه‌شدن یاد می‌شود. نهادینه کردن، فراهم آوردن زمینه‌ها و موقعیت‌هایی است که موجب ثبات، پایداری و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب می‌شود (به نقل از آصفی، ۱۳۹۲: ۶۷). بدون نهادینه‌سازی، اخلاق سازمانی به یک مجموعه قوانین سازمانی تبدیل می‌شود که فقط در صورت نظارت می‌توان از کارکنان انتظار داشت به آن عمل کنند (مارتا^۳ و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۸۲). سازمان‌هایی که به نهادینه‌سازی اخلاق می‌پردازند، برای یکپارچگی و اعتماد در سازمان ارزش قائلند و در نتیجه، در بیشتر مواقع در مسائلی مانند پرداخت حقوق، ارزیابی عملکرد، ارتقاء و حل مناقشات با کارکنان خود محترمانه و منصفانه رفتار می‌کنند (سینگاپاکدی و ویتل^۴، ۲۰۰۷: ۲۸۷). از این رو، نهادینه‌کردن اخلاق یک ضرورت اساسی در بخش‌های مختلف جامعه و به‌ویژه در حوزه ورزش و باشگاه‌های ورزشی است که باید به آن توجه جدی داشت؛ زیرا رفتارهای ناشایست و غیراخلاقی، رفتارهای اخلاقی مقطعی و موردی و رفتارهای اخلاقی ناشی از کنترل و نظارت، چندان مطلوب و مناسب نیستند. اخلاق و رفتارهای اخلاقی باید در وجود همه افراد و مخصوصاً ورزشکاران نهادینه گردد و رسوب کند؛ به عبارتی، رفتار اخلاقی، برای ورزشکاران به نوعی نیاز تبدیل گردد به‌گونه‌ای که در صورت رعایت نکردن آن احساس کمبود و کاستی کنند. این حالت که به آن رسوب‌گذاری می‌گویند، مرحله نهایی نهادینه کردن است. طبق

-
1. Sims
 2. Scott
 3. Institutionalization
 4. Marta
 5. Singhapakdi & Vitell

گفته تولبرت و زوکر^۱ (۱۹۹۹) فقط بخش کوچکی از کل تجربه‌های انسانی در آگاهی او می‌ماند. تجربه‌هایی که باقی می‌مانند ته‌نشین می‌شوند، یعنی به صورت مواردی قابل تشخیص و یادآوری در حافظه منجمد می‌گردند (به نقل از آصفی، ۱۳۹۲: ۷۵). به عبارتی، عمل در الگویی قالب‌ریزی می‌شود تا انسان بعداً بتواند با کوشش دوباره آن را به اجرا درآورد و بنابراین ماهیت عمل به صورت همان الگو به ادراک اجراکننده درمی‌آید. وقتی عمل، کیفیت برونی بودن به خود می‌گیرد، رسوب‌گذاری رخ می‌دهد. در واقع، در حالت رسوب‌گذاری، موضوعی که در درازمدت نهادینه شده، طی زمان جاودانه می‌شود. به عبارتی، هم از گستردگی و هم از عمق برخوردار می‌شود (قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۸۷). بدان دلیل که رسوب‌گذاری در اشکال عینی نوعی نهادینه شدن است، هرچه درجه عینیت و بیرونی بودن یک عمل افزایش یابد، درجه نهادی شدن آن بالا می‌رود و وقتی نهادی شدن افزایش یابد، انتقال کنش، پایداری کنش طی زمان و انتقال آن به نسل‌های جدید راحت‌تر انجام می‌گیرد. رسوب‌گذاری پس از انتقال هم از نظر علمی و از نظر پیامد، به نهادی شدن مرتبط است و نهادی شدن، به نوبه خود، انتقال بعدی را آسان می‌کند (تولبرت و زوکر، ۱۹۹۹: ۱۸۱-۱۸۴).

مدل‌های مختلفی برای نهادینه کردن بیان شده است. برای مثال مدل‌های اسکات (۱۹۹۵)، برگر و لاکمن^۲ (۱۹۶۷)، تولبرت و زوکر (۱۹۹۹) و می‌یر و روان^۳ (۱۹۷۷). در این میان به نظر می‌رسد نظریه اسکات برای نهادینه کردن اخلاق در باشگاه‌های ورزشی مناسب است. نظریه اسکات بیانگر آن است که نهادها، متشکل از عوامل تنظیمی، هنجاری، شناختی و فعالیت‌هایی هستند که به زندگی اجتماعی ثبات و معنا می‌دهند. اسکات معتقد است که عوامل نهادی در وهله اول نمادین به نظر می‌رسند، اما باید توجه داشت که این عوامل باید رفتارهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند و در اعمال، روابط و تدابیر منعکس شوند. عوامل تنظیمی، هنجاری و شناختی، ارکان اصلی نهادها به شمار می‌روند و نهادها بر پایه این سه رکن استوار هستند: رکن تنظیمی شامل ویژگی‌های ساختاری رسمی است و به‌طور کلی، از نوع خاصی از نیروی اجبار برای پیروی کردن استفاده می‌کند که به نهادینه‌سازی کمک می‌کند. کارکردهای تنظیمی به نهادینه‌سازی قوانین، مقررات یا ساختارهایی مربوط است که در پی تنظیم رفتارها یا نظارت بر آنها هستند. بر اساس کارکردهای تنظیمی قابلیت وضع قوانین، نظارت بر پیروی افراد از این قوانین و در صورت لزوم به‌کارگیری ضمانت‌های اجرایی - پاداش و تنبیه - وجود دارد تا رفتارهای آینده آنها را تحت تأثیر قرار دهد (اسکات، ۱۹۹۵: ۳۶-۳۳). از جمله کارکردهای تنظیمی در نهادینه کردن اخلاق می‌توان به ایجاد مواضع اخلاقی مانند گماردن مأمور اخلاق و همچنین تشکیل کمیته‌های اخلاق اشاره کرد (ویتل و

1. Tolbert & Zucker
2. Berger & Luckman
3. Meyer & Rowan

سینگاپاکدی^۱، ۲۰۰۸: ۳۴۳)؛ بنابراین، با تبیین و تنظیم کارکردهای هنجاری می‌توان به شروع و تسهیل فرایند نهادینه کردن کمک کرد.

رکن هنجاری نهادینه‌سازی به معرفی ابعاد تجویزی، ارزشی و الزام‌آور در زندگی اجتماعی می‌پردازد و ارزش‌ها و هنجارها را در برمی‌گیرد. ارزش‌ها نمود مواردی است که مطلوب هستند و ارجحیت دارند. هنجارها معلوم می‌کنند که چگونه باید کاری انجام شود. همچنین، آن‌ها ابزارهای قانونی برای رسیدن به هدف را نیز مشخص می‌کنند (اسکات، ۱۹۹۵: ۳۷). اسکات (۲۰۰۱) بر این باور است که کارکردهای هنجاری شامل هنجارهای غیررسمی، ارزش‌ها، استانداردها، نقش‌ها، سنت‌ها، شیوه‌ها، عادت‌ها و اصول رفتاری است که رفتارها و تصمیمات را هدایت می‌کند (اور و اسکات، ۲۰۰۸: ۵۶۵). به گفته او (۱۹۹۵) از نظر تحلیلگرانی که نهاد را یک نظام هنجاری در نظر می‌گیرند، تأکید بر ابعاد هنجاری نهادها مبنایی است برای بیان مفاهیم و نظم اجتماعی، اولویت دادن به الزامات و ارزش‌های فردی پذیرفته شده و عقاید اخلاقی. بر اساس این معنا، رفتار افراد بر مبنای گرایش‌ها و مصالح فردی نیست، بلکه رفتار فرد متأثر از موقعیت و نقش اجتماعی و ناشی از نظام ارزشی موجود است. بنابراین، مکانیسم‌های اجباری نیستند، بلکه دارای روندهای هنجاری هستند. این دسته از صاحب‌نظران که بر ابعاد هنجاری نهادها تأکید دارند، عمدتاً جمع‌گرا شمرده می‌شوند تا فردگرا و به تأثیر الگوهای اجتماعی در شکل دادن به عقاید و رفتارهای فردی اهمیت زیادی می‌دهند. افراد بیشتر تحت تأثیر ارزش‌های جمعی و هنجارهایی هستند که تعهدات و الزامات اجتماعی را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند و انتخاب‌هایشان نیز از همین نیروها و روندهای اجتماعی تأثیر می‌پذیرد (ایروانی، ۱۳۸۰: ۱۱۸-۱۱۹). اقداماتی همچون رهبری اخلاقی و ایجاد فضای اخلاقی در سازمان (لی و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۸۵) را می‌توان از کارکردهای هنجاری دانست.

رکن شناختی نهادینه‌سازی نیز به باورها و مفاهیم مشترکی اشاره دارد که تشکیل‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی است و چارچوبی برای تعیین معناداری به شمار می‌رود. این کارکرد که بر محور دستگاه‌های نمادین تأکید دارد، شامل کاربرد طرح‌های مشترک، چارچوب و دیگر نمونه‌های نمادین مشترکی است که رفتار افراد را هدایت می‌کند (اسکات، ۲۰۰۸: ۴۲۸). نورث^۳ (۲۰۰۵) معتقد است عوامل شناختی، مکانیسم‌های عملی ذهن هستند که شامل باورهای مشترک، مقوله‌های منطقی، هویت‌ها، طرح‌ها، الگوها، بحث‌های اکتشافی، استدلال عمل و مدل‌های ذهنی

-
1. Vitell & Singhapakdi
 2. Lee
 3. North

می‌شوند (اورا و اسکات، ۲۰۰۸: ۵۶۵). به گفته اسکات (۱۹۹۵) تحلیل‌گرانی که نهاد را یک نظام شناختی در نظر می‌گیرند بر این باورند که نهادها ترکیبی از عناصر و عوامل ادراکی هستند. در این معنا از نهاد، کنشگران به‌طور طبیعی ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و علایق خود را نشان نمی‌دهند. مراد از این علایق، سازه‌های اجتماعی است که با توجه به زمان و مکان متفاوتند. ویژگی‌های کنشگران، اعم از فردی و جمعی از طریق قواعد فرهنگی تعریف می‌شود (ایروانی، ۱۳۸۰: ۱۱۹). از جمله کارکردهای شناختی می‌توان به آموزش اخلاق در سازمان (والنتین و فلیشمن، ۲۰۰۸: ۱۶۰) و برگزاری جلساتی برای گفتگو درباره مسائل و معضلات اخلاقی (کپتین، ۲۰۰۸: ۹) اشاره کرد.

وجود هر سه رکن یادشده در فرایند نهادینه‌کردن کامل یک رفتار لازم است و بدون نهادینه‌کردن نمی‌توان انتظار داشت موضوع بسیار مهم اخلاق در افراد و در نهایت، در کل جامعه ریشه‌دار شود. بنابراین در عرصه سازمانی و مخصوصاً در حوزه باشگاه‌های ورزشی، شناسایی کارکردهای تنظیمی، هنجاری و شناختی باشگاه‌ها در نهادینه‌کردن اخلاق در ورزشکاران ضرورت و اهمیت دارد و لازم است با توجه به این شناخت برای برنامه‌ریزی‌های آینده در رشد و توسعه اخلاق در باشگاه‌های ورزشی اقدامات مناسبی صورت گیرد. در صورت شناخت کارکردهای تنظیمی، هنجاری و شناختی باشگاه‌های ورزشی و تمایل مدیران این باشگاه‌ها برای عملی کردن این اقدامات در باشگاه‌های ورزشی، تغییراتی بنیادی در بروز و تثبیت رفتارهای اخلاقی در ورزشکاران و به‌طور کلی در ورزش رخ می‌دهد. نتایج پاره‌ای از تحقیقات و همچنین شواهد عینی نشان می‌دهد وضعیت اخلاق در ورزش چندان مناسب نیست؛ برای مثال: حلب‌چی (۱۳۸۶) در تحقیقی نشان داد در ایران نیز همراه با رشد ورزش (اعم از حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای) و بهبود چشمگیر جایگاه اجتماعی و اقتصادی ورزشکاران موفق، پدیده شوم دوپینگ به‌طور روزافزون افزایش یافته و مشکلات زیادی برای ورزش کشور به بار آورده است. همچنین احمدزاده و همکارانش (۱۳۹۳) در تحقیقی نشان دادند کم‌رنگ شدن معنویت در میان ورزشکاران، مشکلات اخلاقی و اعتیاد ورزشکاران، شعارهای نامناسب و رواج فحاشی در ورزش، رشوه و تبانی، بی‌توجهی به شایسته‌سالاری، دوپینگ، پوشش نامناسب و خالکوبی از مشکلات فرهنگی در ورزش شناخته شده‌اند. به علاوه، عرفانی و پارساجو (۱۳۹۶) در تحقیقی نشان دادند اخلاق جوانمردی در میان ورزشکاران بخش قهرمانی، جایگاه مناسبی ندارد و برای ارتقای جایگاه آن باید برنامه‌ای دقیق تدوین شود. بنابراین، با توجه به اینکه وضعیت فعلی اخلاق در ورزش و مخصوصاً در باشگاه‌های ورزشی نامطلوب است و همچنین با پی‌بردن به اهمیت شناخت کارکردهای تنظیمی، هنجاری و شناختی باشگاه‌ها برای نهادینه‌کردن اخلاق در ورزشکاران،

-
1. Orr
 2. Valentine & Fleischman
 3. Kaptein

بررسی این کارکردها ضروری به نظر می‌رسد. تاکنون تحقیقی در این باره صورت نگرفته و کارکردهای باشگاه‌های ورزشی در این زمینه شناسایی و تعیین نشده‌اند. از این رو، سؤال اصلی پژوهش این است که کارکردهای تنظیمی، هنجاری و شناختی باشگاه‌های ورزشی برای نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران کدامند؟

روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر، کیفی از نوع اکتشافی بود. از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش اجرا جزء تحقیقات میدانی بود. جامعه آماری تحقیق را افراد متخصص و خبره در حوزه اخلاق و اخلاق در ورزش که دارای سابقه آموزشی و پژوهشی بودند، تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند و کاملاً غیر احتمالی از بین جامعه تحقیق، نمونه‌ها به صورت گلوله برفی انتخاب شد. بر این اساس تا رسیدن به نقطه اشباع نظری با تعداد ۱۱ نفر از متخصصین مصاحبه شد. ابزار تحقیق مصاحبه عمیق بود که روایی مصاحبه از طریق دقت در انتخاب موضوع تا تدوین گزارش مدنظر قرار گرفت. در تحقیق حاضر برای محاسبه پایایی مصاحبه از پایایی باز آزمون استفاده شد. برای این کار از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه به طور تصادفی انتخاب شد و هر کدام در فاصله زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری شدند. در هر یک از مصاحبه‌ها کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه بودند، با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص شدند. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفته توسط محقق در دو فاصله زمانی بدین ترتیب است (خواستار، ۱۳۸۸: ۱۶۸):

۱. اگر تعداد اعضای فضای نمونه (در اینجا تعداد کل کدها) را با $n(S)$ ، تعداد عضوهای پیشامد A (در اینجا تعداد توافقات بین دو مرحله از کدگذاری) را با $n(A)$ و تعداد عضوهای پیشامد B (در اینجا تعداد عدم توافقات بین دو مرحله از کدگذاری) را با $n(B)$ نشان دهیم، آنگاه احتمال A (در اینجا پایایی بازآزمون) یعنی $P(A)$ به این صورت خواهد بود:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(A)+n(B)} = \frac{2n(A)}{2n(A)+n(B)} = \frac{2n(A)}{n(S)}$$

$n(A')$ نشان دهنده تعداد کدهای مربوط به توافقات است. با توجه به اینکه توافقات با استناد به دو کد و عدم توافقات با استناد به یک کد مشخص می‌شوند، برای در نظر گرفتن این اثر باید تعداد توافقات را در عدد ۲ ضرب کرد:

$$n(A') = 2n(A)$$

$$\text{پایایی باز آزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

برای محاسبه پایایی باز آزمون، از بین مصاحبه‌های انجام شده، سه مصاحبه انتخاب و هر کدام دو بار در فاصله زمانی ۳۰ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شدند. نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- محاسبه پایایی مصاحبه به روش باز آزمون

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل داده‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی باز آزمون
۱	اول	۳۹	۱۵	۶	۷۷
۲	دوم	۳۶	۱۴	۷	۷۸
۳	هفتم	۵۸	۲۲	۱۳	۷۶
	کل	۱۳۳	۵۱	۲۶	۷۷

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی برابر با ۱۳۳، تعداد کل توافقات بین کدها در این فاصله زمانی برابر با ۵۱ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر با ۲۶ بود. پایایی باز آزمون مصاحبه‌های انجام شده با استفاده از فرمول ذکر شده، ۰/۷۷ است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۰/۶۶ است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. در این تحقیق جهت جمع‌آوری داده‌ها ضمن مطالعه دقیق مبانی نظری اعم از کتب، مقالات و سایر منابع، به مصاحبه با افراد صاحب‌نظر و خبره در حوزه اخلاق، اخلاق در ورزش و نهادینه‌سازی پرداخته شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 10 استفاده شد. به این صورت که در حین انجام مصاحبه کلیه مصاحبه‌ها ضبط شد و بعد از پیاده‌سازی آن‌ها، متن مصاحبه‌ها وارد نرم‌افزار MAXQDA 10 گردید و سپس در این نرم‌افزار کدگذاری انجام شد.

یافته‌های تحقیق

در تحقیق حاضر با انجام ۱۱ مصاحبه با متخصصین اشباع نظری حاصل شد. ویژگی جمعیت شناختی این متخصصین در جدول ۲ آمده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در مجموع به ۲۶

کارکرد تنظیمی، هنجاری و شناختی دست یافته شده که شامل ۱۲ کارکرد تنظیمی، ۸ کارکرد هنجاری و ۶ کارکرد شناختی می‌شود (جدول ۳).

جدول ۲- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

تعداد	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	گرایش تحصیلی	سابقه پژوهش در زمینه اخلاق	سابقه آموزش در زمینه اخلاق
۱۱ نفر	دکتری (۹)	فلسفه (۵)	فلسفه و کلام اسلامی (۲)	۹ نفر	۶ نفر
	کارشناسی ارشد (۱)	مدیریت (۶)	فلسفه تعلیم و تربیت (۱)		
	کارشناسی (۱)		فلسفه اخلاق (۲)		
			مدیریت ورزشی (۵)		
			مدیریت منابع انسانی (۱)		

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد تعداد مصاحبه‌شوندگان ۱۱ نفر بودند که سطح تحصیلات ۹ نفر دکتری و یک نفر کارشناسی ارشد و یک نفر هم کارشناسی، رشته تحصیلی ۵ نفر فلسفه و ۶ نفر مدیریت بود. از این تعداد ۲ نفر فلسفه و کلام اسلامی، یک نفر فلسفه تعلیم و تربیت و ۲ نفر فلسفه اخلاق و ۵ نفر مدیریت ورزشی و یک نفر مدیریت منابع انسانی بودند. ۹ نفر سابقه پژوهش در زمینه اخلاق و ۶ نفر سابقه آموزش در زمینه اخلاق داشتند. جدول شماره ۳ نتایج حاصل از کدگذاری مصاحبه‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۳- کارکردهای باشگاه‌های ورزشی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران

کد گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز	کدهای مصاحبه
نهادینه کردن اخلاق	کارکردهای تنظیمی	انتصاب کارشناس یا بازرس اخلاق	P2, P7, p11
		جذب نیروی انسانی (مدیر، مربی، ورزشکار) اخلاق مدار	P1, p2, p3, p7, p9, p10, p11
	کارکردهای تنظیمی	اعمال سیاست‌های تنبیهی و تشویقی	P1, p4, p5, p7, p8, p9, p10, p11
		تدوین قراردادهای اخلاقی و حقوقی استاندارد	P3, p4, p10, p11
		تدوین و اجرای کدهای اخلاقی یا منشور اخلاقی	P1, p2, p3, p4, p5, p6, p7, p8, p9, p10, p11
		تنظیم سیستم‌های نظارت و ارزیابی اخلاقی	P1, p5, p9, p10
		گزینش اخلاقی دقیق و جامع از نیروی انسانی	P2, p4, p8
		ابلاغ صریح قوانین و مقررات رفتاری به ورزشکاران	P1, p5, p11
	تأمین نیازهای مالی ورزشکاران	p7, p8, p9, p10, p11	

ادامه جدول ۳- کارکردهای باشگاه‌های ورزشی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران

کد گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز	کدهای مصاحبه
	کارکردهای تنظیمی	تدوین و اجرای استانداردهای مسئولیت‌های اجتماعی در باشگاه	P2, p3, p9
		تدوین و اجرای استانداردهای مسئولیت‌های اجتماعی در باشگاه	P2, p3, p9
		اعمال سیاست‌های اخلاقی	P1, p9, p11
		تشکیل کمیته یا شورای مدیریت اخلاق	P1, p5, p8, p10
		متعهد بودن مدیران باشگاه به اخلاق مداری و اخلاق ورزشی	P2, p3, p4, p7, p8, p9, p11
		تقویت اراده و باور اخلاقی ورزشکاران	P1, P3, p4, p6, p7, p8
		حاکم کردن جوی اخلاقی در باشگاه	P1, p2, p7, p8, p9, p11
	کارکردهای هنجاری	الگو قرار دادن ورزشکاران اخلاق مدار در باشگاه	P1, P2, p4, p6, p7, p8, p11
نهاده‌کننده اخلاق		ترویج فرهنگ اخلاقی	P6, p7, p9
		آشکارسازی و تبلیغ اقدامات اخلاقی ورزشکاران	P1, p4, p7
		اولویت قرار دادن اخلاق بر مهارت و رقابت	P2, p5, p8, p10, p11
		حفظ شأن ورزشکاران و بها دادن به احساسات آنها	P1, p7, p9
		آموزش اخلاق توسط متخصصین اخلاق مدار به ورزشکاران	P1, P2, p3, p4, p5, p9, p10
		برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی در خصوص اخلاق	P1, p4, p6, p7, p8, p11
	کارکردهای شناختی	انتشار خبرنامه‌های اخلاقی در باشگاه	P8, p10, p11
		توسعه دانش اخلاقی ورزشکاران	P1, p3, p4, p7
		توسعه نگرش مثبت ورزشکاران به اخلاق و اخلاق مداری	P1, p3, p10
		ارتقاء مهارت خودارزیابی اخلاقی ورزشکاران	P1, p2, p3, p4

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، شناسایی کارکردهای باشگاه‌ها در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران بود. نتایج تحقیق نشان داد باشگاه‌های ورزشی، در مجموع می‌توانند ۲۶ کارکرد را در سه حوزه تنظیمی، هنجاری و شناختی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران در دستور کار خود قرار دهند (جدول ۳). اولین گروه از کارکردهای شناسایی شده کارکردهای تنظیمی هستند. کارکردهای تنظیمی نهادینه‌سازی شامل قوانین، مقررات یا ساختارهایی است که به دنبال تنظیم یا محدود کردن رفتارها

هستند. بر اساس کارکردهای تنظیمی قابلیت وضع قوانین، نظارت بر پیروی افراد از این قوانین و در صورت لزوم به کارگیری ضمانت‌های اجرایی- پاداش‌ها و تنبیه‌ها - وجود دارد تا رفتارهای آینده را تحت تأثیر قرار دهد (اسکات، ۱۹۹۵: ۳۵). تحقیقات مختلفی به اهمیت کارکردهای تنظیمی برآمده از این تحقیق در نهادینه کردن و توسعه اخلاق اشاره داشته‌اند؛ برای مثال انتصاب کارشناس یا بازرس اخلاق (ورولیجک و وندر ولیست؛ ۲۰۱۰: ۱۷۳)، به کارگیری نیروی انسانی اخلاق مدار (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲)، اعمال سیاست‌های تنبیهی و تشویقی (کپتین، ۲۰۰۸: ۱۰)، تدوین قراردادهای اخلاقی و حقوقی استاندارد (ندایی و علوی، ۱۳۸۷: ۲۰۱؛ رزاقی و مهرابی، ۱۳۹۶: ۳۴۱)، تدوین و اجرای کدهای اخلاقی یا منشور اخلاقی (پاپولا و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۰)، تنظیم دستگاه‌های نظارت و ارزیابی اخلاقی (لی و همکاران، ۲۰۱۵: ۸۵۹)، گزینش اخلاقی دقیق و جامع از نیروی انسانی (کپتین، ۲۰۰۹: ۲۶۵)، ابلاغ صریح قوانین و مقررات رفتاری به ورزشکاران (کپتین، ۲۰۰۹: ۲۶۳)، رفع نیازهای مالی ورزشکاران (بروم بک، ۱۹۹۱: ۳۵۷)، تدوین و اجرای استانداردهای مسئولیت‌های اجتماعی در باشگاه (قربانی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۱)، اعمال سیاست‌های اخلاقی (لی و همکاران، ۲۰۱۵: ۸۵۹)، تشکیل کمیته یا شورای مدیریت اخلاق (ال لوید و می، ۲۰۱۰: ۵). اسکات (۱۹۹۴) معتقد است کارکرد تنظیمی یک الگوی منطقی از رفتار را ارائه می‌دهد که به مطابقت و ضمانت‌های اجرایی وابسته است. رفتار از طریق برقراری قوانین، نظارت‌ها و ضمانت‌های اجرایی هدایت می‌شود. قدرت اجبار یک متغیر اصلی در این رکن است که از طریق فرآیندهای تنظیمی، ظرفیت‌ها، حقوق و تعهدات افراد تعیین می‌گردد. این فرآیندها اهمیت چارچوب نهادی را نشان می‌دهند. فرایندهای تنظیمی می‌توانند به‌طور رسمی تنظیم گردند و متمرکز باشند یا به‌طور غیررسمی اجرا شوند و نامتمرکز باشند (آصفی، ۱۳۹۲: ۷۳). اجبار، ضمانت‌های اجرایی و واکنش‌های مصلحت‌اندیشی از عوامل اصلی رکن تنظیمی محسوب می‌شوند. اما با این حال، به دلیل وجود قوانینی که اجبار را تصدیق می‌کنند، این عوامل تعدیل می‌شوند. استدلال نهادی بر مبنای رکن تنظیمی، استدلالی ابزاری است. زیرا افراد بر اساس آن، قوانین و مقرراتی را ایجاد می‌کنند تا مطمئن باشند آن قوانین موجب پیشبرد منافع آن‌ها می‌شود و همچنین، افراد در حالی از قوانین و مقررات پیروی می‌کنند که یا در پی دریافت پاداش هستند یا

-
1. Vrolijk & Van Der Vlist
 2. Popoola
 3. Brumback
 4. Lloyd & Mey

می‌خواهند از جریمه و تنبیه در امان باشند (اسکات، ۲۰۱۴: ۶۱-۶۲). از این رو، با ایجاد سازوکارهایی برای تنظیم و عملی کردن کارکردهای تنظیمی - برای نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران - در باشگاه‌های ورزشی می‌توان انتظار داشت روند نهادینه شدن اخلاق در ورزشکاران تسهیل گردد و از این طریق شاهد ترویج و توسعه اخلاقیات در حوزه ورزش و باشگاه‌داری ورزشی باشیم.

دومین گروه از کارکردهای شناسایی شده در این تحقیق برای نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران، کارکردهای هنجاری هستند. اسکات (۲۰۰۱) معتقد است کارکردهای هنجاری شامل هنجارهای غیررسمی، ارزش‌ها، استانداردها، نقش‌ها، سنت‌ها، شیوه‌ها، عادت‌ها و اصول رفتاری است که رفتارها و تصمیمات را هدایت می‌کند (اور و اسکات، ۲۰۰۸: ۵۶۵). هنجارها نظام سازمان‌یافته‌ای هستند که بین افراد جامعه مشترکند و به منزله مقررات روشن یا ضمنی، رفتار موردانتظار را مشخص می‌کنند و علائق اعضای یک گروه یکپارچه یا یک اجتماع را در قالبی می‌گنجانند. هنجارها نوعی سرمایه محسوب می‌شوند که اعتماد و اطمینان را در میان انسان‌ها تقویت می‌کنند؛ به گونه‌ای که افراد مجاز نیستند فقط برای دستیابی به سود کوتاه‌مدت خود به آنها عمل کنند. هنجارها به‌طور جمعی حفظ می‌شوند و منافع حاصل از رعایت آن‌ها عاید همه اعضای گروه می‌شود. هنجارها رفتار افراد را با یکدیگر تنظیم و تعیین می‌کنند چه روابطی باید بین افراد وجود داشته باشد (قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹۳-۲۹۴).

نتایج تحقیقات مختلف در حوزه نهادینه کردن و ترویج و توسعه اخلاق بر اهمیت کارکردهای مختلف هنجاری برآمده از این تحقیق در نهادینه کردن اخلاق اشاره داشته‌اند. برای مثال، تعهد مدیران باشگاه به اخلاق‌مداری و اخلاق‌ورزی (ویتل و سینگاپاکی، ۲۰۰۸: ۳۵۰)، تقویت اراده و باور اخلاقی ورزشکاران (شریفیان، ۱۳۹۴: ۸)، حاکم کردن جو اخلاقی در باشگاه (برنر، ۱۹۹۲: ۳۹۲)، الگو قراردادن ورزشکاران اخلاق‌مدار در باشگاه (فلاح و سوادکوهی، ۱۳۹۶: ۷۸)، ترویج فرهنگ اخلاقی (والنتین و فلیشمن، ۲۰۰۸: ۱۶۰)، آشکارسازی و تبلیغ اقدامات اخلاقی ورزشکاران (قراملکی، ۱۳۸۸: ۴۰۳)، اولویت‌دادن اخلاق بر مهارت و رقابت (ندایی و علوی، ۱۳۸۷: ۲۱۸) و حفظ شأن ورزشکاران و بهادادن به احساسات آن‌ها (حسینی و عباسی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). اسکات معتقد است فرایندهای هنجاری، بر اساس ابعاد الزامی تعاملات اجتماعی، یک الگوی رفتار فردی ارائه می‌دهند. رفتار، فرایند مناسبی است که انتظار می‌رود در وضعیت اجتماعی معینی به کارگرفته شود. سیستم‌های هنجاری نوعاً با ارزش‌ها (مواردی که شخصی در نظر گرفته می‌شوند) و نُرْم‌ها (چگونگی انجام این موارد) آمیخته‌اند و نه تنها مقاصد آنچه باید انجام شود، بلکه چگونگی انجام آن را نیز مشخص می‌کنند. این الگوهای رفتاری به تعریف نقش‌های اجتماعی و تعیین اینکه چه عملی برای

انجام مناسب است، ختم می‌شوند (آصفی، ۱۳۹۲: ۷۴)؛ بنابراین کارکردهای هنجاری به‌دست‌آمده می‌توانند به استقرار و حفظ استانداردها در باشگاه‌های ورزشی کمک کنند. استانداردهایی که بر هدایت ورزشکاران به‌سوی اخلاق‌مداری و نهادینه‌شدن اخلاق در وجود آن‌ها تأثیرگذار باشد. از این‌رو، مدیران و مسئولان باشگاه‌های ورزشی باید شرایطی برای اعمال کارکردهای هنجاری باشگاه‌های ورزشی فراهم کنند تا از این طریق، اخلاق در میان ورزشکاران ترویج و توسعه یابد و در وجود آنان نهادینه شود.

نهایتاً نتایج تحقیق نشان داد باشگاه‌های ورزشی در نهادینه‌کردن اخلاق در ورزشکاران دارای کارکردهای شناختی هستند. کارکرد شناختی نهادینه‌سازی نیز به باورها و مفاهیم مشترکی اشاره دارد که تشکیل‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی است و چارچوبی برای تعیین معناداری به شمار می‌رود. این کارکرد که بر محور سیستم‌های نمادین تأکید دارد، شامل کاربرد طرح‌های مشترک، چارچوب و دیگر نمونه‌های نمادین مشترکی می‌شود که رفتار افراد را هدایت می‌کند (اسکات، ۲۰۰۸: ۴۲۸). تحقیقات دیگر در حوزه توسعه اخلاق و نهادینه‌کردن آن، کارکردهای شناختی برآمده از این تحقیق را تأیید کرده‌اند. کارکردهایی چون آموزش اخلاق توسط متخصصان اخلاق‌مدار به ورزشکاران (حسینی و عباسی، ۱۳۹۱: ۱۴۵)، برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی درباره اخلاق (برنر، ۱۹۹۲: ۳۹۳)، انتشار خبرنامه‌های اخلاقی در باشگاه (جوز و تیپودکس، ۱۹۹۹: ۱۳۳)، توسعه دانش اخلاقی ورزشکاران (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳)، توسعه نگرش مثبت ورزشکاران به اخلاق و اخلاق‌مداری (همان‌جا) و ارتقا مهارت خودارزیابی اخلاقی ورزشکاران (بندورا، ۱۹۷۷، به نقل از کریم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶).

کارکردهای شناختی، مکانیسم‌های عملی ذهن هستند و شامل باورهای مشترک، مقوله‌های منطقی، هویت‌ها، طرح‌ها، الگوها، مباحث اکتشافی، استدلال عمل و مدل‌های ذهنی می‌شود (اور و اسکات، ۲۰۰۸: ۵۶۵). چنین دانشی نیروی محرک «رفتار نهادی‌شده» را تشکیل می‌دهد، حوزه‌های نهادی‌شده رفتار را تعیین و همه موقعیت‌هایی را که در این حوزه‌ها قرار می‌گیرند، معلوم می‌کنند و نقش‌ها را تعیین و تنظیم می‌کنند و به همین سبب این‌گونه رفتارها را کنترل و پیش‌بینی می‌کنند. از آن‌جا که این شناخت از نظر اجتماعی به منزله دانش - یعنی مجموعه‌ای از حقایق کلی معتبر درباره واقعیت - عینیت خارجی دارد، هرگونه انحراف اساسی از آن، انحراف از واقعیت به نظر می‌آید. آن‌چه در جامعه به‌مثابه امور شناختی تلقی می‌گردد، همراه با توسعه امور شناختی توسعه

1. Jose & Thibodeaux
2. Bandura

می‌یابد یا به هر حال، چارچوبی فراهم می‌آورد تا آن‌چه هنوز شناخته‌شده نیست در آینده شناخته شود. این دانشی است که در جریان اجتماعی‌شدن به دست می‌آید و موجب می‌شود ساختارهای عینیت‌یافته دنیای اجتماعی در آگاهی فردی، درونی شوند و به عبارتی، نهادینه گردند (آصفی، ۱۳۹۲: ۷۴)؛ بنابراین، با شناخت و برنامه‌ریزی برای اعمال کارکردهای شناختی در باشگاه‌های ورزشی می‌توان انتظار داشت که روند نهادینه‌شدن اخلاق در ورزشکاران تسهیل گردد. زیرا باشگاه‌ها با اعمال این کارکردها باعث می‌شوند ورزشکاران با تصدیق و پذیرش ذهنی گزاره‌های اخلاقی، فضایل و اخلاقیات را در خود تقویت کنند. همچنین، با شکل‌گیری شناخت، اعتقاد و باور قلبی، اخلاق و اخلاق‌مداری به ویژگی پایدار و همیشگی ورزشکاران تبدیل می‌شود.

منابع

1. Ahmadzadeh, A., Musavi, j., Dusti, M. (2014). Identification of the Opportunities and Challenges of Sports in Mazandaran Province. *Contemporary Research in the Sport Management*. 4(7):15-29. (Persian)
2. Arnold, P. J. (1994). Sport and Moral Education. *Journal of Moral Education*. 23(1): 75-89.
3. Asefi, A. A. (2013). Identification and Modeling Effective Factors in Institutionalization of Public Sport in Iran. Ph.D. dissertation. Department of Sport Management. Faculty of Physical Education and Sport Sciences. Tehran University. p: 67-75. (Persian)
4. Berger, P., & Luckmann, T. (1967). *The Social Construction of Reality*. Newyork: Doubleday.
5. Brenner, S. N. (1992). Ethics Programs and their Dimensions. *Journal of Business Ethics*. 11(5-6): 391-399.
6. Brumback, G. B. (1991). Institutionalizing Ethics in Government. *Public Personnel Management*. 20(3): 353-364.
7. Erfani, N., Parsajou, A. (2017). Humorous Ethics Development Strategies among Athletes in the Championship of Hamedan Province. *Contemporary Research in the Sport Management*. 7(14): 17-27. (Persian)
8. Fallah M. J., Nasiri Savadkouhi, M. (2017). The Ethical Pattern of the Qur'an in Confrontation with Moral Deviations with an Emphasis on Youth. *Quranic Knowledge Bulletin*. 7(27): 77-105. (Persian)
9. Gharameleki, A. F. (2009). *Organizational Ethics*. Tehran: Saramad Publications. p:403. (Persian)
10. Gholipour, A. (2011). *Sociology of Organizations: a Sociological Approach to Organization and Management*. Tehran: SAMT Publications. P: 293-294. (Persian)
11. Ghorbani, M., Zarandi, M. M., Hesari, R. (2005). Ethics and Social Responsibility of Managers. *Modiriate-Farda Journal*. 11(3): 79-92. (Persian)
12. Halabchi, F. (2007). Duping in the Athletes. *Hakim Research Journal*. 10(1): 1-12. (Persian)

13. Hamednia, R. (2013). Sports and Athletics from the Viewpoint of Islam. *Journal of Knowledge*. 22(186): 87-98. (Persian)
14. Hasanpour, A., Abasi, T., Hadipour, A. (2017). Identification and Prioritization of Institutionalization of Ethics in Organization. *Ethics in Sciences and Technology Quarterly*. 12(1): 97-114. (Persian)
15. Hosseini, N., Abbasi, E. (2012). The Ways of Institutionalization of Professional Ethics in Organizations from Perspective of Religion Doctrines. *Islam and Managerial Researches*. 2(1): 129-154. (Persian)
16. Irvani, M. J. (2001). *Institutional Theory*. Tehran: Siasat Publication.p:118-119 (Persian)
17. Javanmard, K., Navabakhsh, M. (2014). Sociological Study of Sport Function on Social Integrity in Iran in the 80s: Case Study of Kerman. *Iranian Journal of Social Sciences Studies*. 11(41): 37-54. (Persian)
18. Jose, A., & Thibodeaux, M. S. (1999). Institutionalization of ethics: *The perspective of managers*. *Journal of Business Ethics*. 22(2): 133-143.
19. Kaptein, M. (2008). 'Developing and Testing a Measure for the Ethical Culture of Organizations: The Corporate Ethical Virtues Model. *Journal of Organizational Behavior*. 29(7): 923-947.
20. Kaptein, M. (2009). Ethics Programs and Ethical Culture: A Next Step in Unraveling their Multi-Faceted Relationship. *Journal of Business Ethics*. 89(2): 261-281.
21. Karimzadeh, S. (2010). The Psychological Mechanisms of the Process of Internalization of Ethical Values. *Psychology and Religion quarterly*. 3(2): 5-28. (Persian)
22. Khabiri, M., Elahi, A. (2005). Comparing the Status of the Professional Soccer League Clubs of the Islamic Republic of Iran According to the Criteria of UEFA and Selected Clubs of Japan, South Korea, UAE and Turkey. *Research in Sport Sciences*. 3(8): 15-34. (Persian)
23. Khastar, H. (2009). Providing a Method for Calculating the Reliability of Coding Stage in Research Interviews. *Methodology of Social Sciences and Humanities Journal*. 15(58): 174-161. (Persian)
24. Lee, D. J., Grace, B. Y., Sirgy, M. J., Singhapakdi, A., & Lucianetti, L. (2018). The Effects of Explicit and Implicit Ethics Institutionalization on Employee Life Satisfaction and Happiness: The Mediating Effects of Employee Experiences in Work Life and Moderating Effects of Work-Family Life Conflict. *Journal of Business Ethics*. 147(4): 855-874.
25. Lloyd, H. R., & Mey, M. R. (2010). An Ethics Model to Develop an Ethical Organization. *Journal of Human Resource Management*. 8(1): 1-12.
26. Marta, J. K. M., Singhapakdi, A., Lee, D. J., Sirgy, M. J., Koonmee, K., & Virakul, B. (2013). Perceptions about Ethics Institutionalization and Quality of Work Life: Thai versus American Marketing Managers. *Journal of Business Research*. 66(3): 381-389.
27. Meyer, J. W., & Rowan, B. (1977). Institutionalized Organizations: Formal Structure as Myth and Ceremony. *American Journal of Sociology*. 83(2): 340-363.

28. Nedae, T., Alavi, Kh. (2008). Ethics in Sport with an Approach of Fair Play. *Scientific and Research Quarterly of the University of Qom*. 10(2): 187-220. (Persian)
29. Orr, R. J., & Scott, W. R. (2008). Institutional Exceptions on Global Projects: A Process Model. *Journal of International Business Studies*. 39(4): 562-588.
30. Popoola, I. T., Garner, B., Ammeter, A., Krey, N., Beu Ammeter, D., & Schafer, S. (2017). How does Ethics Institutionalization reduce academic cheating?. *Journal of Education for Business*. 92(1): 29-35.
31. Razaghi, M. E., Mehrabi, Gh. (2017). *Ethics in Sport (Concepts, Challenges, Solutions)*. Tehran: Nedaye-karafarin Publications. p:341. (Persian)
32. Rezaei Soufi, M., Farahani, A., Shabani A. (2017). The Environmental Analysis of Professional Sports in Iran. *Applied Research of Sport Management*. 6(1): 109-119. (Persian)
33. Scott, W. R. (1995). *Institutions and Organizations*. Foundations for Organizational Science. London: A Sage Publication Series. P: 33-37.
34. Scott, W. R. (2008). Approaching Adulthood: the Maturing of Institutional Theory. *Theory and Society*. 37(5): 427.
35. Scott, W. R. (2014). *Institutions and Organizations: Ideas, Interests, and Identities*. (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage. P: 61-62.
36. Sharifian, F. (2015). The Effect of Belief on Moral Motivation. Philosophy of Ethics. MA thesis. Faculty of Theology. University of Qom. p: 8. (Persian)
37. Sims, R. R. (2003). *Ethics and Corporate Social Responsibility: Why Giants Fall*. Greenwood Publishing Group. P: 242.
38. Singhapakdi, A., & Vitell, S. J. (2007). Institutionalization of Ethics and its Consequences: A Survey of Marketing Professionals. *Journal of the Academy of Marketing Science*. 35(2): 284-294.
39. Tolbert, P. S., & Zucker, L. G. (1999). *The Institutionalization of Institutional Theory*. *Studying Organization. Theory & Method*. London, Thousand Oaks, New Delhi. 169-184.
40. Valentine, S., & Fleischman, G. (2008). Ethics Programs, Perceived Corporate Social Responsibility and Job Satisfaction. *Journal of Business Ethics*. 77(2): 159-172.
41. Vitell, S. J., & Singhapakdi, A. (2008). The Role of Ethics Institutionalization in Influencing Organizational Commitment, Job Satisfaction, and Esprit de corps. *Journal of Business Ethics*. 81(2): 343-353.
42. Vrolijk, M. H., & Van Der Vlist, A. J. (2010). Institutionalization of Ethics: Perceptions of Workers in Construction Companies. In TG59 & W112-Special Track 18th CIB World Building Congress Salford, United Kingdom. 171-179.

ارجاع‌دهی

سواری‌نیکو پروانه، آصفی احمدعلی. (۱۳۹۸). شناسایی کارکردهای باشگاه‌های ورزشی در نهادینه کردن اخلاق در ورزشکاران. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۳۸-۱۲۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.6567.1566

Savari Nikou P, Asefi A. A. (2019). Identification of Sports Clubs Functions to Institutionalize Ethics in Athletes. Research on Educational Sport. 7(17): 121-38. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.6567.1566

تحلیل گرایشات اخلاقی دانشجویان ورزشکار: نقش دین‌داری، جنسیت و نوع رشته ورزشی

علی بنسردی^۱، احمد نظری ترشیزی^۲، ندا مؤید^۳

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده علوم ورزشی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. کارشناسی ارشد، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۶

چکیده

اخلاق‌گرایی ورزشکاران در میادین ورزشی یکی از موضوعات مهم در هر جامعه‌ای است. هدف این پژوهش، تحلیل گرایشات اخلاقی دانشجویان ورزشکار و تعیین نقش دین‌داری، جنسیت و نوع رشته ورزشی بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود که به صورت پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری ورزشکاران پسر و دختر چهاردهمین المپιάد ورزشی دانشجویان کشور در سال ۱۳۹۷ بود که در شیراز برگزار شد. حجم جامعه آماری حدود ۴۱۰۰ نفر بود. طبق فرمول تعیین حجم نمونه در تحقیقات تحلیلی، حجم نمونه ۱۹۴ نفر تخمین زده شد و پس از جمع‌آوری اطلاعات تعداد ۱۹۶ پرسش‌نامه کامل برگردانده شد و همین تعداد به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود. ابزار پژوهش پرسش‌نامه استاندارد لارنس (۲۰۱۳) بود روایی صوری و محتوایی آن به تأیید ده نفر از اساتید مدیریت ورزشی رسید. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه گرایش اخلاقی ۰/۷۳ و پرسش‌نامه دین‌داری ۰/۷۴ بود. از آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و در قسمت آمار استنباطی از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، آزمون تی مستقل و مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد گرایش اخلاقی ورزشکاران بر اساس جنسیت و نوع رشته ورزشی تفاوت ندارد، اما در مؤلفه صداقت تفاوت بر اساس جنسیت و نوع رشته ورزشی وجود داشت. همچنین در مؤلفه عدالت تفاوت بر اساس نوع رشته ورزشی وجود داشت. نتایج مدل تحقیق نشان داد دین‌داری بر تمام مؤلفه‌های گرایش اخلاقی دانشجویان ورزشکار تأثیر دارد. بر اساس نتایج مدل تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد دین‌داری یک عامل اثرگذار و تربیتی تکمیلی برای ایجاد گرایشات اخلاقی در ورزشکاران است.

واژگان کلیدی: جنسیت، دانشجویان، دین‌داری، گرایش اخلاقی، ورزش

1. Email: a.benesbordi@hsu.ac.ir

2. Email: ahmad.nazari.torshizi@gmail.com

3. Email: n.moayed71@gmail.com

مقدمه

از دوران باستان، این عقیده که ورزش موجب ساختن یک شخصیت اخلاق‌گرا می‌شود، وجود داشته و از همان زمان طرفداران بسیاری از جمله افلاطون را داشته است. به عبارت دیگر، این باور وجود داشت که ورزش موجب پیشبرد همکاری، شهامت، کار گروهی، انصاف، مسئولیت و قدرت کنار آمدن با شرایط بحرانی اخلاقی می‌شود (کاووسانو و رابرتز؛ ۲۰۰۱، ۴۱). اما محققانی همچون اگلیو و تاتکو^۲ (۱۹۷۱) در حدود چهار دهه پیش، مقاله‌ای با عنوان "اگر می‌خواهید اخلاق خود را درست کنید به دنبال چیز دیگری غیر از ورزش بروید" منتشر کردند. به زعم آنان، رشد اخلاقی نوجوانان و جوانان در محیط‌های ورزش حرفه‌ای، آن هم به لطف آموزه‌های تربیتی مربیان، تنها یک شوخی است (برند^۳، ۲۰۰۳، ۷). با مقایسه نتایج متناقض این دو پژوهش، دلیل تحقیقات بیشتر در حوزه اخلاقیات در زمینه ورزش آشکار می‌شود و به گسترده‌گی و پیچیدگی این حوزه اشاره دارد.

در زبان انگلیسی کلمه اخلاق از واژه یونانی اتیکوس^۴ به معنی عادت، خصلت، خلق و خوی، سرشت، روش و نظایر آن گرفته شده است. برخی زبان‌شناسان معتقدند واژه اتیس^۵ که مفهوم لغوی آن شخصیت است، به مجموعه‌ای از باورها و دیدگاه‌های مرتبط با منش آدمی اطلاق می‌شود که رفتار افراد، گروه‌ها، نهادها و ملت‌ها را هدایت می‌کند. اخلاق توانایی تشخیص درست از غلط و دربردارنده تلاش برای انجام عمل خوب و درست است (دفت، ۲۰۱۶، ۱۴۶). اخلاق، سازه جداناپذیری از زندگی انسان است. فارغ از هر نژاد، فرهنگ، سیاست و طبقه اجتماعی، مسائل اخلاقی نقش مهمی در رفتار انسان ایفا می‌کنند. اخلاق یعنی این که برای دیگران نیز همانند خود اهمیت قائل شده و بین خوب و بد و درست و غلط نیز تمایز قائل شویم. هر چند مفهوم اخلاق اغلب مفهومی شناخته شده است، اما یکی از زمینه‌های ویژه‌ای که اهمیت و ارزش اخلاق نمود خاصی پیدا می‌کند ورزش است. به‌طور سنتی ورزش منادی رشد و تکامل منش بوده و از همین رو ذاتاً با اخلاق عجین شده است. با وجود چنین اعتقادی، امروزه رفتارهای زنده‌ای در محیط‌های ورزشی به چشم می‌خورد (کشتی‌دار و همکاران، ۱۳۸۹، ۶). محققان بر این باورند که بسیاری از ارزش‌های موجود در عرصه ورزش می‌تواند مثبت یا منفی در نظر گرفته شود. مانند اولویت دادن به ورزش همگانی، بازی عادلانه در مسابقات

-
1. Kavussanu & Roberts
 2. Oglivie & Tutko
 3. Brand
 4. Etikos
 5. Ethics
 6. Character
 7. Daft

جوانان و یا تأکید بر جنبه‌های سودآور نه در ورزش‌های حرفه‌ای (سایمون، ۲۰۱۰، ۲۳۱). تحقیق در زمینه این دو بعد رفتاری مثبت و منفی به یکی از برجسته‌ترین رویکردهای تحقیقی در روانشناسی ورزشی تبدیل شده است (کشتی دار و همکاران، ۱۳۸۹، ۶). علاقه به تحقیق در اخلاق ورزشی در ۵۰ سال گذشته بیشتر به نگرانی در مورد مسائل مختلف اخلاقی در ورزش پرداخته است؛ مانند نوع ورزش (کیتینگ، ۱۹۶۴، ۲۹)، بازی عادلانه (بوچلر و اشنایدر، ۱۹۹۸، ۱۷)، برنده شدن (دیکسون، ۱۹۹۹، ۱۵)، نقض قوانین به طور عمدی (فرولی، ۲۰۰۳، ۱۶۸)، دوپینگ (هویرمن، ۱۹۹۵، ۴۰)، جنسیت و برابری جنسیتی (فرانسیس، ۱۹۹۵، ۳۶)، نژاد (ولنتاین، ۱۹۹۹، ۱۰۸)، خشونت (سایمون، ۲۰۱۰، ۲۴۰) و حقوق ورزشکاران معلول (سیلور و واسرمن، ۱۹۹۸، ۳). در هر یک از این دسته‌ها، محققان درباره مسائل اخلاقی مختلفی که در سطوح مشارکتی، رهبری و سازمانی وجود دارند، نوشته‌اند. محققان دیگر معتقدند که مسائل اخلاقی در ورزش‌های فیزیکی و درگیرانه به صورت گسترده‌تری لازم است، جایی که ضربات عمدی و قانونی به سر در بوکس منجر به آسیب مغزی در دراز مدت می‌شود و بنابراین باید بر اساس قوانین اخلاقی، فرد را از آسیب مصون نگه داشت. تقریباً تمام مسائل اخلاقی در ورزش که در ادبیات علمی نوشته شده، اخلاق را از یک موضع تثبیت کننده یا غیرمتعارف یعنی سطوح مبتنی بر نتیجه کار بررسی کرده‌اند. اساساً، اخلاقی بودن یک رفتار یا تصمیم را بر مبنای آنچه که در نزد عوام قابل قبول تر است، قضاوت می‌کنند. در حالی که تحقیقات دیگر، اخلاق را بر مبنای این که آیا یک فرد یا گروه از وظایف خود اطاعت می‌کند یا نه ارزیابی می‌کند و به تفکر عوام در مورد کار خود اهمیت نمی‌دهد. بنابراین، یک نمونه ساده از تفاوت بین این دو در زمینه ورزشی دیده می‌شود. جایی که یک مربی بر خلاف وظیفه اخلاقی شخصی عمل می‌کند تا بهترین نتایج را برای تیم ایجاد کند (لارنس، ۲۰۱۳، ۱۷). اینجاست که مفهوم تصمیم‌گیری اخلاقی یا گرایشات اخلاقی در ورزش مطرح می‌شود. تصمیم‌گیری اخلاقی به عنوان شکل سازمان یافته تأمل اخلاقی، به منظور حل تعارضات اخلاقی است و از عناصر ضروری در حوزه ورزش محسوب می‌شود

-
1. Simon
 2. Keating
 3. Butcher & Schneider
 4. Dixon
 5. Fraleigh
 6. Hoberman
 7. Francis
 8. Valentine
 9. Silvers & Wasserman
 10. Lawrence

(شجاع و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۱). به نظر بارتلس^۱ (۲۰۰۸) ارزیابی قابلیت تصمیم‌گیری و یا قضاوت اخلاقی در افراد، بدون قرار دادن آنها در وضعیت‌های دشوار اخلاقی که به صورت فرضی و یا واقعی طراحی شده‌اند، امکان پذیر نمی‌باشد. در واقع، دشواری در طراحی همین وضعیت‌ها از یک طرف و تلاش طبیعی افراد برای نشان دادن چهره‌ای مثبت اخلاقی از خویشتن از طرف دیگر، چالشی است که انجام پژوهش‌ها در حوزه اخلاق ورزشی را با مشکل روبه‌رو ساخته است (مور، ۲۰۰۳، ۶۰۳). به همین دلیل در این تحقیق سناریوهایی بر مبنای موقعیت‌های اخلاقی در مسابقات ورزشی نوشته شده است و انتخاب فرد را به چالش می‌کشد. شناسایی گرایش‌های اخلاقی ورزشکاران با ویژگی‌های مختلف می‌تواند به پیش‌بینی رفتار اخلاقی ورزشکاران در میدان عمل کمک کند و به علاوه در جهت‌دهی به رفتارهای اخلاقی آنان موثر باشد.

رفتار اخلاق‌گرایانه و ساختارهای مشابه از بسیاری از عوامل فردی و زمینه‌ای موجود در ورزش متأثر می‌شوند. تحقیقات گوناگون، عوامل مختلف دخیل در این زمینه، همانند جنسیت، ورزش کردن یا نکردن، نوع ورزش و انگیزش را بررسی و تبیین کرده‌اند. (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۷). دین و معنویت هم نقش مهمی در توسعه ارزش‌های شخصی دارند که بر استدلال‌های اخلاقی تأثیر می‌گذارد (باومستیگر^۲ و همکاران، ۲۰۱۳، ۲۶۸). برخی یافته‌ها نشان می‌دهد که مذهبی بودن به عوامل خاصی در استدلال‌های اخلاقی تأثیر می‌گذارد. در مقایسه با افراد غیر مذهبی، افراد مذهبی بیشتر به نظم، ساختار، پیش‌بینی‌پذیری، سنت و انطباق علاقه‌مند هستند، اعتقادات فرهنگی محافظه‌کارانه و اقتدارگرا را حفظ می‌کنند و تصمیمات مهم زندگی را بر پایه انتظارات افراد مهم و مذهبی می‌گذارند (دوریز،^۳ ۲۰۰۳، ۸۲). روانشناسان دیگر معتقدند که دین‌داری شامل فرآیندهای شناختی است که بر اخلاق تأثیر می‌گذارد (باومستیگر و همکاران، ۲۰۱۳، ۲۶۸). همان‌طور که اشاره شد جنسیت در استدلال اخلاقی تأثیر دارد. مضمون اصلی ادبیات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی (هویت جنسیتی) در دوران معاصر این است که زندگی درونی زنان در شکل کلی آن با حیات روحی مردان تفاوت دارد. زنان از نظر ارزش‌ها و منافع بنیادی و شیوه داورهای ارزشی بینش برداشتی متفاوت از مردان دارند (توسلی و همکاران، ۱۳۹۴، ۷۳). در ادامه برخی تحقیقات در این حوزه معرفی می‌شود:

رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود با هدف بررسی و مقایسه ابعاد منش ورزشی در ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی با توجه به تنوع سطوح تحصیلی و سنی این افراد به این نتیجه رسیدند ورزشکاران رشته‌های انفرادی سطح بالاتری از منش ورزشی را در مقایسه با ورزشکاران رشته‌های

-
1. Bartels
 2. Moore
 3. Baumsteiger
 4. Duriez

تیمی دارند. قاسمی، بادسار و فتحی (۱۳۹۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند دینداری بر مسئولیت‌پذیری در دانشجویان تأثیر دارد. بائومستیگر و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود با هدف نقش دینداری و معنویت در استدلال اخلاقی به این نتیجه رسیدند بین دینداری و معنویت با ایده آلیسم اخلاقی همبستگی مثبتی وجود دارد و همچنین زنان معنویت بالاتری را گزارش دادند. لارنس (۲۰۱۳) در رساله خود نشان داد ورزشکاران زن از نظر اخلاقی در سطح بالاتری نسبت به ورزشکاران مرد هستند و ورزشکاران رشته‌های فردی از لحاظ اخلاقی در سطح بالاتری از ورزشکاران رشته‌های تیمی هستند. همچنین، مشخص شد جنسیت و نوع ورزش، رابطه بین دینداری شخصی و استدلال‌های اخلاقی را تعدیل می‌کند. با این حال، مشخص شد بین دینداری شخصی و استدلال اخلاقی برای این نمونه از ورزشکاران همبستگی منفی وجود دارد. همچنین دینداری با تمام مولفه‌های استدلال اخلاقی شامل عدالت، مسئولیت‌پذیری و صداقت همبستگی منفی دارد. گراهام (۲۰۱۷) در تحقیق خود در مورد هویت ورزشی و توسعه اخلاقی: بیان کرد ورزشکاران زن بر آسیب دیدن، مراقبت و بازی عادلانه و عمل متقابل تأکید بیشتری از ورزشکاران مرد داشتند و در آن زمان که به ورزش دانشگاهی می‌پرداختند ممکن است به توسعه گرایش‌های اخلاقی ورزشکاران کمک کند. نتایج تحقیقشان نشان داد حفظ درجه‌های بالاتری از هویت ورزشی می‌تواند نقش مهمی در پایه‌های اخلاقی ایفا کند. راوندان (۲۰۱۴) در تحقیق خود که به صورت کیفی به بررسی نقش یک کد ورزشکستگی ورزشی در شکل دادن شجاعت اخلاقی ورزشکاران دانشجویی انجام داده بود به این نتیجه رسید که یکی از مهم‌ترین عواملی که آنها را قادر می‌سازد با شجاعت اخلاقی عمل کنند ارزش‌های شخصی آنهاست. هنگامی که ارزش‌های شخصی مطابق با قوانین رفتار ورزشی باشد، طبیعی است که منجر به انجام کارهای درست شود. همچنین دانشجویان در مقایسه با ورزشکاران جوان دارای دیدگاه پیچیده‌تری از استدلال اخلاقی بودند.

بر اساس مطالب بیان شده تحلیل استدلال اخلاقی ورزشکاران به عنوان وسیله‌ای برای پیش‌بینی رفتارهای غیر اخلاقی در آینده ضروری است، زیرا روند فکر و انگیزه ورزشکاران از طریق طراحی تحقیق دقیق روشن می‌شود. همچنین با توجه به انتظار بالاتر جامعه از ورزشکاران تحصیلکرده در رعایت اخلاق، بررسی گرایش‌های اخلاقی دانشجویان ورزشکار می‌تواند به جهت‌دهی رفتار اخلاقی آنان کمک شایانی نماید. همچنین در حال حاضر تحقیقات در مورد رابطه بین معنویت (دینداری) و اخلاق فاقد پیشینه قوی است. در حالی که تحقیقات پیشین نشان می‌دهد مذهبی بودن به عوامل موثر بر استدلال

-
1. Graham
 2. Raveendran

اخلاقی مربوط است. مهم است که بررسی شود آیا بین دینداری و گرایش‌های اخلاقی رابطه مستقیم وجود دارد یا خیر. بنابراین مسأله اصلی پژوهش بررسی نقش دینداری در گرایش اخلاقی و مولفه‌های آن در دانشجویان ورزشکار است تا مشخص گردد آیا میزان دینداری و توجه به مذهب در دانشجویان ورزشکار شرکت‌کننده در المپیااد ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور می‌تواند در تحلیل اخلاقی و اخلاق‌گرایی آنان در میدان ورزش تأثیر بگذارد؟ بررسی نقش دینداری و معنویت در استدلال اخلاقی و دانشجویان ورزشکار ممکن است شواهدی در مورد این‌که آیا یک ساختار اساسی از دینداری و معنویت وجود دارد که بر استدلال‌های اخلاقی تأثیر می‌گذارد، ارائه دهد. موضوع دوم مورد بررسی در این پژوهش تحلیل نقش جنسیت در گرایش‌های اخلاقی دانشجویان ورزشکار است و این‌که آیا مردان و زنان در گرایش‌های اخلاقی و اخلاق‌گرایی تفاوت دارند یا خیر؟ در نهایت نیز نقش نوع رشته ورزشی در گرایش‌های اخلاقی دانشجویان ورزشکار بررسی شد تا مشخص شود گرایش اخلاقی دانشجویان ورزشکار رشته‌های ورزشی انفرادی با رشته‌های ورزشی تیمی تفاوت دارند یا خیر؟ بدون شک رعایت اخلاق از سوی ورزشکاران برای جامعه بسیار با اهمیت است و تحلیل عوامل اثرگذار بر آن می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران ورزش کشور کمک کند تا برنامه‌ریزی بهتری در راستای ترویج بیشتر اخلاق در میادین ورزشی داشته باشند.

روش‌شناسی

روش تحقیق توصیفی - همبستگی بود که به صورت پیمایشی اجرا شد. با توجه به هدف این تحقیق جزء تحقیقات توسعه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش، ورزشکاران پسر و دختر چهاردمین المپیااد ورزشی دانشجویان کشور بود که در شیراز برگزار شد. بر اساس گزارش روابط عمومی اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم، تعداد ۴۱۰۰ نفر دانشجوی پسر و دختر در این المپیااد حضور داشتند (حدود ۱۷۰۰ دانشجوی دختر و ۲۴۰۰ دانشجوی پسر). برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول تعیین حجم نمونه در تحقیقات تحلیلی استفاده شد (حق دوست، ۱۳۸۸، ۶۲):

$$n = \frac{\left(Z_{1-\frac{\alpha}{2}} + Z_{1-\beta} \right)^2}{(\omega)^2} + 3$$

$$\omega = \frac{1}{2} \ln \frac{1+r}{1-r} \rightarrow \text{حدود اعتماد ضریب همبستگی}$$

در فرمول ذکر شده، میزان همبستگی مربوط است به ارتباط متغیرهای تحقیق که در این تحقیق میزان همبستگی بین دینداری با استدلال اخلاقی مدنظر بود. بر اساس مقادیر تحقیقات پیشین میزان همبستگی ۰/۲۳ در نظر گرفته شد و با ۹۵ درصد اطمینان و ۹۰ درصد توان آزمون، حجم نمونه‌ای لازم برابر ۱۹۴ نفر بود. برای رسیدن به این حجم از نمونه آماری تعداد ۲۲۰ پرسش‌نامه به صورت

حضور و الکترونیک در اختیار دانشجویان حاضر در المپیاد ورزشی قرار گرفت. در مجموع تعداد ۱۹۶ نفر به پرسش‌نامه تحقیق پاسخ کامل دادند. همین میزان به عنوان نمونه آماری تحقیق در نظر گرفته شد. با توجه به محدودیت‌های موجود در توزیع پرسش‌نامه‌ها و دسترسی به دانشجویان، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. ابزار مورد استفاده در تحقیق پرسش‌نامه بود. پرسش‌نامه از پژوهش لارنس (۲۰۱۳) استخراج شد. بعد از تغییرات لازم در برخی از سوالات و بومی‌سازی آنها مورد استفاده قرار گرفت. پرسش‌نامه شامل سه بخش بود: بخش اول شامل ۷ سؤال در مورد اطلاعات شخصی، بخش دوم شامل ۱۵ سناریو کوتاه بود. این سناریوها در مورد مسائل و اتفاق‌هایی که در مسابقات ورزشی مختلف ممکن است رخ دهد و اخلاق‌گرایی خواننده را به چالش می‌کشد. در واقع سناریوها دربرگیرنده حوادثی بود که میزان اخلاقی بودن آن از دیدگاه پاسخ‌دهنده در سیستم ۵ ارزشی لیکرت (۱ = کاملاً مخالفم، ۲ = مخالفم، ۳ = نظری ندارم، ۴ = موافقم، ۵ = کاملاً موافقم) باید تعیین می‌شد. این بخش یا همان پرسش‌نامه گرایش اخلاقی به سه مؤلفه صداقت، مسئولیت‌پذیری و عدالت که هر کدام ۵ سناریو داشتند، تقسیم می‌شد. بخش سوم در مورد میزان دین‌داری و مذهبی بودن افراد بود که از ۷ سؤال مختلف تشکیل می‌شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه قبل از پخش توسط ۱۰ نفر از متخصصین و اساتید مدیریت ورزشی مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد. به منظور اطمینان از پایایی پرسش‌نامه‌ها در جامعه آماری مورد نظر اقدام به تعیین پایایی بخش‌های پرسش‌نامه با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ شد. آلفای کرونباخ پرسش‌نامه گرایش اخلاقی ۰/۷۳ و پرسش‌نامه دین‌داری ۰/۷۴ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مورد قبول برای پرسش‌نامه بود. از آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و ارائه دیدگاه پاسخ‌دهندگان استفاده شد و در قسمت آمار استنباطی از آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی چگونگی توزیع داده‌ها، آزمون تی مستقل برای مقایسه گرایش اخلاقی ورزشکاران بر اساس جنسیت و نوع رشته ورزشی استفاده شد. همچنین از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری برای ارائه مدل تأثیر میزان دین‌داری بر مولفه‌های گرایش اخلاقی ورزشکاران استفاده شد. بخش اول تحلیل‌ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس و بخش دوم یا همان مدلسازی با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس انجام شد.

-
1. Structural Equation Modeling
 2. SPSS
 3. Smart PLS

نتایج

در این بخش سعی شده است ضمن مطالعه آماره‌های توصیفی، مدل تحقیق تشریح و تبیین گردد. از این رو در جدول شماره ۱، آماره‌های توصیفی براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی همچون جنسیت، تأهل، سن، مقطع تحصیلی، نوع رشته ورزشی، سابقه ورزشی و میزان حرفه‌ای بودن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فردی پاسخ‌دهندگان

ویژگی	طبقه‌بندی	تعداد افراد
جنسیت	مرد	۱۱۶
	زن	۸۰
تأهل	متاهل	۲۶
	مجرد	۱۷۰
سن	۱۸-۲۱	۱۶
	۲۲-۲۵	۱۰۰
	۲۶-۳۰	۶۲
	۳۱-۳۵	۱۴
	بالتر از ۳۵	۴
مقطع تحصیلی	کاردانی	۵
	کارشناسی	۱۴۴
	کارشناسی ارشد	۳۹
	دکتری	۸
نوع رشته ورزشی	تیمی	۹۶
	انفرادی	۱۰۰
سابقه ورزشی	۱-۳ سال	۱۸
	۳-۵ سال	۵۴
	۴-۶ سال	۵۲
	بالای ۶ سال	۷۲
حرفه‌ای بودن	بله	۱۱۶
	تاحدودی	۶۴
	خیر	۱۶

میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق در نمونه آماری پژوهش محاسبه شد و در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق

متغیر	مجموع افراد		مردان		زنان		رشته انفرادی		رشته تیمی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دین‌داری	۳/۴۶	۰/۷۵	۳/۴۰	۰/۸۱	۳/۵۶	۰/۶۵	۳/۴۶	۰/۷۹	۳/۴۷	۰/۷۱
گرایش اخلاقی	۳/۱۰	۰/۵۹	۳/۱۱	۰/۶۷	۳/۰۸	۰/۴۴	۳/۱۲	۰/۳۵	۳/۰۸	۰/۷۶
عدالت	۳/۱۲	۰/۶۶	۳/۱۸	۰/۷۲	۳/۰۸	۰/۵۶	۲/۹۵	۰/۴۵	۳/۲۹	۰/۷۹
مسئولیت‌پذیری	۳/۲۳	۰/۶۷	۳/۳	۰/۷۸	۳/۱۲	۰/۴۵	۳/۳۱	۰/۴۷	۳/۱۴	۰/۸۲
صداقت	۲/۹۵	۰/۸۴	۲/۸۴	۰/۹۱	۳/۱۰	۰/۷۰	۳/۰۸	۰/۶۰	۲/۸۰	۰/۹۹

بر اساس یافته‌های جدول ۲ بیشترین میانگین مربوط به دین‌داری و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه صداقت در بعد گرایش اخلاقی است. برای بررسی چگونگی توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف و برای بررسی تجانس واریانس در گروه‌ها از آزمون لون استفاده شد. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف که به دلیل رعایت اختصار گزارش نشده است، نشان داد توزیع داده‌ها در هر دو متغیر و مولفه‌های آن نرمال است و نتایج آزمون لون هم نشان داد تجانس واریانس وجود دارد. بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد ($P > 0/05$). برای مقایسه گرایش اخلاقی ورزشکاران بر اساس نوع رشته ورزشی و جنسیت پاسخ‌دهندگان آزمون تی مستقل گرفته شد. همچنین یافته‌های توصیفی مربوط به هر گروه به تفکیک در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه گرایش اخلاقی و مولفه‌های آن بر اساس جنسیت

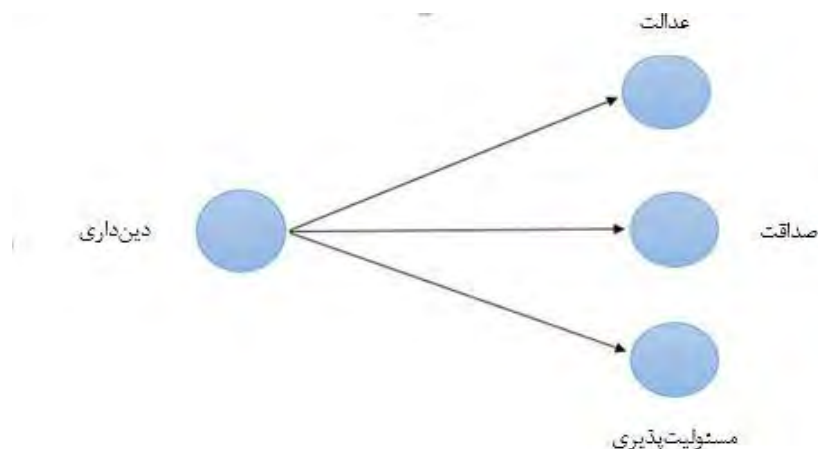
متغیر	آماره آزمون لون	مقدار معناداری آزمون لون	تی	درجه آزادی	مقدار معناداری
گرایش اخلاقی	۱/۹۸	۰/۱۶	۰/۳۲	۱۹۴	۰/۷۴
عدالت	۲/۳۳	۰/۱۱	۱/۵۷	۱۹۴	۰/۱۱
مسئولیت‌پذیری	۱/۸۹	۰/۱۷	۱/۸۴	۱۹۴	۰/۰۶
صداقت	۲/۵۴	۰/۱۰	۲/۱۶	۱۹۴	۰/۰۳

بر اساس نتایج جدول ۳، گرایش اخلاقی دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری نداشت. در بین مولفه‌های گرایش اخلاقی، عدالت و مسئولیت‌پذیری دانشجویان پسر و دختر از لحاظ آماری تفاوت معناداری نداشت اما در مؤلفه صداقت تفاوت معنادار بود. میانگین صداقت در دختران دانشجو (۳/۱۰) بالاتر از میانگین پسران دانشجو (۲/۸۴) بود.

جدول ۴- نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه گرایش اخلاقی و مولفه‌های آن بر اساس نوع ورزش

متغیر	آماره آزمون لون	مقدار معناداری آزمون لون	تی	درجه آزادی	مقدار معناداری
گرایش اخلاقی	۲/۲۱	۰/۱۳	-۰/۴۲	۱۹۴	۰/۶۷
عدالت	۲/۸۶	۰/۰۹	۳/۶۵	۱۹۴	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری	۲/۹۵	۰/۰۸	-۱/۷۶	۱۹۴	۰/۰۷
صداقت	۲/۹۲	۰/۰۸	-۲/۳۲	۱۹۴	۰/۰۲

بر اساس نتایج در جدول ۴، گرایش اخلاقی دانشجویان در رشته‌های انفرادی و تیمی تفاوت معناداری نداشت. اما در مؤلفه عدالت تفاوت معنادار بود. ورزشکاران رشته‌های تیمی با میانگین ۳/۲۹ عدالت بالاتری نسبت به ورزشکاران رشته‌های انفرادی با میانگین ۲/۹۵ داشتند. در مؤلفه مسئولیت‌پذیری تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود نداشت. نهایتاً در مؤلفه صداقت تفاوت بین ورزشکاران رشته‌های انفرادی و تیمی معنادار بود. در اینجا صداقت ورزشکاران رشته‌های انفرادی بالاتر بود. در ادامه مدل مفهومی پژوهش ارائه شد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

ارزیابی مدل مسیری - ساختاری

برای آزمون مدل تحقیق، از مدل سازی مسیری- ساختاری استفاده شده است. این روش، مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای تحقیق و سؤالات پرسش‌نامه است. به عبارت دیگر مدل سازی مسیری- ساختاری تکنیک آماری قدرتمندی است که مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری را با یک آزمون آماری همزمان ترکیب می‌کند. به منظور بررسی مطلوبیت مدل مسیری- ساختاری در روش حداقل مربعات جزئی (PLS) معیارهای متفاوتی برای ارزیابی مدل وجود دارد. ابتدا مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرد و بعد مدل ساختاری.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری

در این بخش پایایی مدل با سه شاخص ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی ارزیابی شد. سپس روایی همگرا با استفاده از متوسط واریانس استخراج شده تحلیل شد و روایی واگرا نیز به روش فورنل - لارکر بررسی شد.

جدول ۵- بررسی شاخص‌های روایی، پایایی و برازش سازه تحقیق

سازه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	متوسط واریانس استخراجی	شاخص اشتراکی	شاخص افزونگی
دین‌داری	۰/۸	۰/۷۸	۰/۶۸	۰/۶۸	—
عدالت	۰/۷۶	۰/۷۳	۰/۵۷	۰/۵۷	۰/۴۶
مسئولیت-پذیری	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۷۸
صداقت	۰/۷۹	۰/۷۳	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۲۱

بر اساس نتایج آزمون در جدول ۵ میزان آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ است که ثبات درونی بالای پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. ضریب دیلون- گلد اشتاین یا پایایی ترکیبی (شاخص سازگاری درونی مدل اندازه‌گیری) سازه‌ها است. این ملاک، معیار مدرن‌تری است که PLS برای ارزیابی پایایی مدل گزارش می‌دهد و طی آن پایایی سازه نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌ها با یکدیگر محاسبه می‌گردد که باید بیشتر از ۰/۷ باشد. مقادیر به‌دست آمده برای این شاخص‌ها نیز حاکی از پایایی قابل‌قبول مدل تحقیق حاضر است. همچنین برای بررسی روایی همگرا از شاخص متوسط

1. Average Variance Extract (AVE)

واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد. مقادیر بالای ۰/۵ در این بخش قابل قبول است. طبق نتایج آزمون مدل در جدول ۵، روایی همگرایی مدل اندازه‌گیری قابل قبول بود. جدول ۶ نیز نتایج روایی واگرا بر اساس روش فورنل - لارکر را نشان می‌دهد و با توجه به بزرگ‌تر بودن جذر متوسط واریانس استخراج شده متغیرها از همبستگی آن متغیر با متغیرهای دیگر، روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

جدول ۶- نتایج آزمون فورنل - لارکر

متغیر	صداقت	عدالت	دین‌داری	مسئولیت‌پذیری
صداقت	۰/۷۲			
عدالت	۰/۲۶	۰/۷۵		
دین‌داری	۰/۳۴	۰/۴۲	۰/۸۲	
مسئولیت‌پذیری	۰/۴۵	۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۷۵

ارزیابی مدل ساختاری

برای ارزیابی مدل درونی یا مدل ساختاری، شاخص‌های متعددی وجود دارد، از جمله می‌توان به ضریب تعیین (R^2) و ضرایب مسیر اشاره کرد. ضریب تعیین یک معیار اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درونزا است. مقادیر R^2 برابر ۰/۱۸ و ۰/۵۲ در مدل‌های مسیری PLS به ترتیب ضعیف و قابل توجه توصیف می‌شود. بر اساس نتایج در جدول ۷، ضریب تعیین برای تمام متغیرهای درونزا مقدار قابل قبول است و کیفیت مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

جدول ۷- ضریب تعیین متغیرهای درونزای تحقیق

متغیرهای درونزا	عدالت	مسئولیت‌پذیری	صداقت
ضریب تعیین	۰/۴۲	۰/۵۸	۰/۳۴

در مورد ضریب مسیر که معادل بتای استاندارد شده در رگرسیون است، مقادیر کمتر از ۰/۳ ضعیف، بین ۰/۳ تا ۰/۶ متوسط و از ۰/۶ به بالا خوب تفسیر می‌شود. معناداری ضریب مسیر به روش BT و بوسیله بررسی شاخص t مشخص می‌شود، به طوری که مقادیر t بالاتر از ۱/۹۶ معنادار در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۸- ضرایب مسیر مدل ساختاری و اثر کل متغیرها

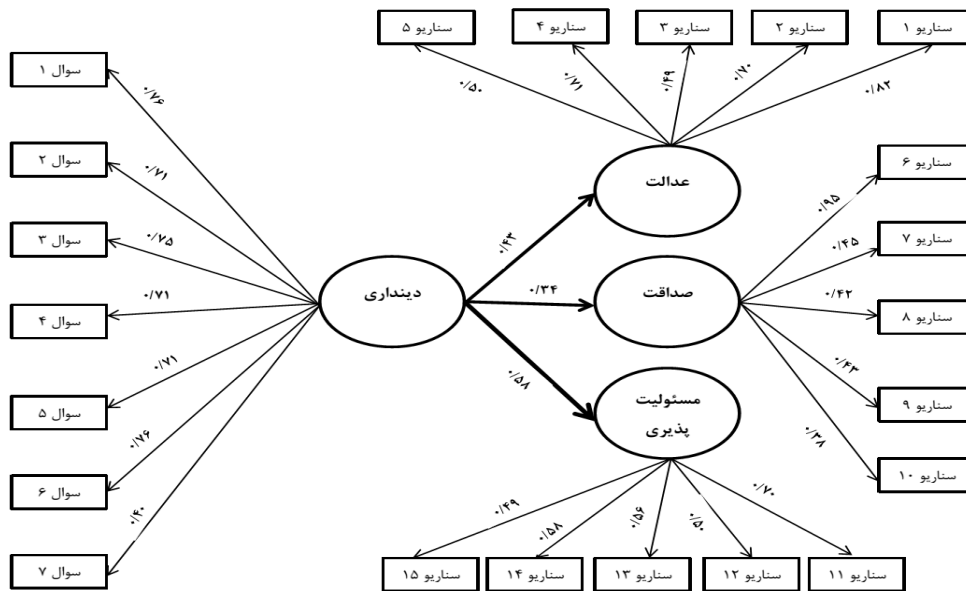
مسیر	ضریب اثر استاندارد	t-value
دین‌داری به عدالت	۰/۴۳	۶/۳۳
دین‌داری به مسئولیت‌پذیری	۰/۵۸	۱۳/۱۴
دین‌داری به صداقت	۰/۳۴	۲/۸۸

همان‌طور که از جدول ۸ استنباط می‌شود تمام مسیرها معنادار هستند و ضرایب همه متوسط به بالا هستند و دینداری بر مولفه‌های گرایش اخلاقی دانشجویان ورزشکار تأثیر دارد.

برازش کلی مدل

در این بخش برازش مدل اندازه‌گیری با شاخص اشتراکی، برازش مدل ساختاری با شاخص افزونگی و برازش کلی با نیکویی برازش (GOF) اندازه‌گیری می‌شود. شاخص افزونگی فقط برای متغیرها درونزا (متغیر ملاک) محاسبه می‌گردد و مانند شاخص اشتراکی باید مقدار آن مثبت باشد. همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است، تمام مقادیر شاخص اشتراکی و افزونگی مثبت هستند. در کتاب‌های آماری سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند که نتیجه تحقیق حاضر نشان‌دهنده برازش قوی مدل با داده‌هاست.

$$GOF = \sqrt{Communalities * R^2} = \sqrt{0.58 * 0.44} = 0.5$$



شکل ۲- مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر تحلیل گرایش‌های اخلاقی دانشجویان با در نظر گرفتن نقش نوع رشته ورزشی، جنسیت و دین‌داری بود تا یک تحلیل عمیق را در فرآیند استدلال اخلاقی برای ورزشکاران پیشنهاد کند. یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد مؤلفه دین‌داری از سایر مولفه‌ها دارای میانگین بالاتری بود. این نشان دهنده این است که پاسخ‌دهندگان گرایش مذهبی بالایی دارند و اعتقادات آن‌ها صرف نظر این‌که در ابعاد اخلاقی (در این تحقیق منظور مولفه‌های عدالت، مسئولیت‌پذیری و صداقت) جای می‌گیرد یا خیر، آن‌ها به مسائل مذهبی و دینی خود پایبند هستند.

اولین سؤال تحقیق برای این مطالعه در مورد استدلال اخلاقی ورزشکاران بر اساس جنسیت بود. نتایج آزمون نشان داد بین ورزشکاران مرد و زن تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتیجه با تحقیق لارنس (۲۰۱۳) از نظر اختلاف گرایش اخلاقی بین مردان و زنان مطابقت نداشت و در مطالعه لارنس زنان گرایش اخلاقی بیشتری نسبت به مردان داشتند. همچنین در تحقیق بائومستیگر و همکارانش در سال ۲۰۱۳ زنان معنویت بالاتری نسبت به مردان داشتند. می‌توان عقاید شخصی و فرهنگی متفاوت جامعه‌های آماری را در این نتیجه موثر دانست. رفتار اخلاق فردی، باید در زندگی افراد بررسی شود. ظهور اخلاق فردی و توسعه اخلاق حرفه‌ای، در فضای خالی قرار ندارد و همچنین از دو اعتقاد متفاوت

پدید نیامده است (دی سنسی و رزنبرگ، ۲۰۱۰، ۱۱۴). بنابراین چنین مطالعه‌ای باید بر اساس منطقی انجام شود و بر اساس درک شخصی و حرفه‌ای منطقی استوار شود. در ادامه سؤال اول تحقیق بین مولفه‌های گرایش اخلاقی (عدالت، مسئولیت‌پذیری و صداقت) با جنسیت، نتایج نشان داد بین مسئولیت‌پذیری با جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته نشان می‌دهد که حس مسئولیت‌پذیری در هر گروه از ورزشکاران با توجه به بالا بودن میانگین آن امری مهم است. مسئولیت‌پذیری به معنای تعهد و ضمانت است و از جمله مفاهیمی است که درباره انسان گفته می‌شود، به محض این‌که از انسان و رفتارش سخن گفته می‌شود این مفهوم نیز برجسته می‌گردد. به طور کلی اخلاق حرفه‌ای متضمن مسئولیت‌پذیری در رفتار و کردار شخص است. ورزشکار حرفه‌ای باید مسئولیت‌پذیری داشته باشد و در این تحقیق نزدیک ۶۰ درصد ورزشکاران خود را در زمره ورزشکاران حرفه‌ای قرار دادند. نتایج نشان داد بین عدالت با جنسیت ارتباط معناداری وجود نداشت اما در تحقیق گراهام (۲۰۱۷) ورزشکاران زن به بازی عادلانه تأکید بیشتری نسبت به مردان داشتند. فارغ از رنگ، نژاد، مذهب و جنسیت عدالت به هر شکلی خواسته هر انسانی با وجدان است. در این تحقیق همان‌طور که بیان شد مؤلفه دین‌داری دارای بالاترین میانگین از دیدگاه ورزشکاران داشت. پس بر این اساس اکثر نمونه تحقیق انسان‌هایی هستند که دین و مذهب نقش پررنگی در زندگی آنها دارد و در دین به مسئله عدالت تأکید زیادی شده است. به همین خاطر بین عدالت و جنسیت تفاوت معناداری وجود نداشت و این نتیجه از این لحاظ قابل توجیه است. در نهایت نتایج نشان داد بین صداقت با جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد و زنان در مؤلفه صداقت میانگین بالاتری داشتند. این یافته به این معناست که زنان در ورزش به مسئله صداقت تأکید زیادی دارند و موفقیت را در گروهی صداقت می‌دانند.

دومین سؤال پژوهش در مورد استدلال اخلاقی ورزشکاران بر اساس نوع رشته ورزشی بود که نتایج نشان داد بین گرایش اخلاقی ورزشکاران با نوع رشته ورزشی (تیمی و انفرادی) تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتایج با تحقیق رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) و ولراند، دشایی و کوریه (۱۹۹۶) مطابقت نداشت. یک دلیل برای توجیه این نتیجه می‌توان به تفاوت سنجش میزان اخلاقی بودن ورزشکاران با تحقیقات دیگر پرداخت. همان‌طور که در مقدمه و روش شناسی نیز بیان شد در این تحقیق میزان اخلاقی بودن ورزشکاران بر اساس سناریوهایی سنجیده شد که ورزشکار را دقیقاً در شرایط واقعی قرار می‌داد و ورزشکاران دو گروه (تیمی یا انفرادی) با در نظر گرفتن این‌که در آن شرایط هستند به پرسش‌نامه پاسخ دادند. میانگین بالاتر از متوسط هر دو گروه نشان‌دهنده تأکید آن‌ها بر مسائل اخلاقی

در جریان بازی است و به همین علت تفاوت معناداری بین دو گروه به وجود نیامد و با تحقیقات قبلی همسو نبود. در ادامه بین مؤلفه عدالت با نوع رشته ورزشی تفاوت معناداری وجود داشت و ورزشکاران رشته‌های تیمی میانگین بالاتری داشتند. در ورزش‌های تیمی به علت امکان اشتباهات بیشتر داور (مانند پنالتی گرفتن به اشتباه در دقایق پایانی) موقعیت‌هایی که به شانس تیم یا بازیکن ربط داده می‌شود (مانند خراب کردن موقعیت‌های گوناگون گل‌زنی و در نهایت واگذار کردن بازی)، مصدومیت‌های بازیکنان کلیدی در یک تیم و از این قبیل اتفاق‌ها مسئله عدالت به مراتب پررنگ‌تر و برجسته‌تر می‌شود. این قضیه به جایی می‌رسد که در رشته‌هایی مثل والیبال از ویدئوچک و در فوتبال از تکنولوژی خط دروازه و وی‌ای آر استفاده می‌کنند تا بتوانند مسئله عدالت را به درستی برقرار کنند. در مؤلفه صداقت با نوع رشته ورزشی تفاوت معناداری در میزان اخلاقی بودن ورزشکاران وجود داشت و ورزشکاران رشته‌های انفرادی میانگین بالاتری را نیز داشتند. بر اساس نظریه منطق بازی بردمیرا^۱ و همکاران، یک محیط ورزشی می‌تواند خواسته‌ها و انتظاراتی از ورزشکاران داشته باشد که در تضاد با پیامدهای اخلاقی و اجتماعی آن‌ها است (مانند صداقت). در نتیجه یک محیط ورزشی می‌تواند سبب شود تا افراد تعهدات خود را به سبب منافع سایرین کنار بگذارند و به این ترتیب در سطح منطق اخلاقی پایین‌تری قرار بگیرند. به طور ساده‌تر می‌توان بیان کرد ورزشکار تحت تأثیر گروه و هم‌تیمی‌های خود ممکن است دست به حرکت‌های غیر اخلاقی بزند و این کار را به خاطر منافع تیم توجیح کند. از این موضوع هم نیز نباید غافل شد که در رشته‌های تیمی افراد مختلف ممکن است به طور مستقیم در معرض دید نباشند اما در رشته‌های انفرادی نوک پیمان متوجه شخص است و این باعث خواهد شد ورزشکاران رشته‌های انفرادی راحت‌تر قضاوت شوند. همین امر موجب می‌گردد تا مسئله صداقت و مسائل اخلاقی در ورزشکاران رشته‌های انفرادی بیشتر به چشم آید. میلر و جرمن (۱۹۹۸) هم به این نکته تأکید می‌کنند که رشته‌های انفرادی و تیم‌های ورزشی، هویت‌های اخلاقی متفاوتی در جنبه‌های بازی و رقابتی دارا هستند. به عنوان مثال در رشته‌های مثل فوتبال گاهی بازیکنان از خطاهایی که روی هم‌تیمی‌هایشان انجام می‌شود، خشمگین و درصدد جبران برمی‌آیند؛ در صورتی که در رشته انفرادی مثل تنیس روی میز همچنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد.

نتایج مدل تحقیق نشان داد مسیر دین‌داری به تمام مولفه‌های گرایش اخلاقی معنادار و مثبت بود. علت‌های رفتارهای غیر اخلاقی در ورزش و دیگر امور به عوامل بسیاری نسبت داده می‌شود و متفکران اخلاق ورزشی درباره آن بحث کرده‌اند. به عنوان مثال زیگلر (۱۹۹۲) می‌گوید: «نظریه جدایی دین و دولت، از آنجا که موجب رویکردی سامان‌بند به علم اخلاق شده است، سزاوار نکوهش است». بر

-
1. VAR
 2. Bredemeier

اساس اصول مذهب، آدمی می‌کوشد تا به برترین عملکرد معنوی و اخلاقی دست یابد و در ورزش نیز ورزشکار می‌کوشد که به برترین عملکرد جسمانی و حرکتی برسد. هر دو در جهت به تحقق برترین صفات آدمی قرار گرفته است. احتیاج به تلاش و دریافت در باطن هر دو فعالیت وجود دارد، از این رو به نظر می‌رسد که در درون هر ورزشکاری یک گرایش مذهبی وجود دارد که ناخودآگاه او را هدایت می‌کند. مسیر دین‌داری به مسئولیت‌پذیری بیشترین اثر را در مقایسه با عدالت و صداقت داشت (۰/۵۸۵). مسئولیت‌پذیری در ورزش جزء مهمترین فاکتورهای یک ورزشکار حرفه‌ای است؛ زیرا اگر ورزشکاری در سطح بالایی از مهارت قرار داشته باشد اما به تیم و نتایج خود بی‌توجه باشد و مسئولیت‌پذیر نباشد، ارزش آن به مراتب پایین می‌آید. این اتفاق تا جایی پیش می‌رود که در دنیای حرفه‌ای ورزش مخصوصاً فوتبال مشاهده می‌شود که بازیکنانی به اسطوره باشگاه و هواداران تبدیل می‌شوند که علاوه بر مهارت فنی نسبت به تیم و وظایف خود مسئولیت‌پذیری داشته باشند. به همین دلیل از منظر اخلاقی هم از نظر ورزشکاران مسئولیت‌پذیری باید با دین‌داری رابطه داشته باشد که نتیجه مدل این بحث‌ها را تأیید می‌کند. بعد از مسیر دین‌داری به مسئولیت‌پذیری، مسیر دین‌داری به عدالت با ضریب اثر استاندارد ۰/۴۳ معنادار است. مفهوم عدالت به طور معمول در حیطه فلسفه اجتماعی است و بیشتر درباره موضوع‌هایی است که مربوط به دیون یا حق است. اما در ورزش گاهی مسئله عدالت به شکل‌های مختلفی نمایان می‌شود. فرض کنید در بازی والیبال بازیکن A اسپیک بزند و توپ کمی به انگشت بازیکن B می‌خورد اما داور تشخیص ندهد. از نظر اخلاقی بازیکن B باید به داور بگوید اما عملاً چنین اتفاقی نمی‌افتد. چون اشتباه را جزء مسائل بازی می‌دانند اما در شرایط برعکس تیم B شاید معترض داور و حتی تیم حریف شوند که چرا این اشتباه داور را گزارش نکردند. این مثال پیچیدگی عدالت در ورزش و اخلاقی بودن مسائل ورزشی را نشان می‌دهد. به تعبیر خیلی از مفسران دینی عدالت مفهومی غیردینی یا به تعبیر بهتر فرادینی است؛ یعنی این دین است که باید عادلانه باشد. به همین دلیل جای تعجب نیست که ارتباط معناداری خواه ناخواه بین دین و عدالت به وجود آید. در ادامه مسیر دینداری به صداقت با ضریب اثر استاندارد ۰/۳۴۴ معنادار بود. صداقت و راستگویی بدون شک از مهم‌ترین مسائل اخلاقی در هر جامعه‌ای است. در ورزش نیز این امر وجود دارد. یک مربی را در نظر بگیرید که در کنفرانس مطبوعاتی تعداد بازیکنان مصدوم خود را بیشتر اعلام کند و در روز مسابقه با تمام یاران خود وارد زمین شود. مطمئناً مورد نکوهش بسیاری از افراد قرار خواهد گرفت. در صورتی که این کار وی به منزله نتیجه بهتر تیم خود باشد اما مسائل اخلاقی را نیز زیر پا گذاشته است. مسئله صداقت در بیشتر متون دینی مشاهده می‌شود و افراد دروغگو را مورد سرزنش و نصیحت قرار می‌دهد و افراد راستگو مورد اعتماد و امین مردم قرار می‌گیرد و از آن‌جا که

دین به عنوان یک مسئله مهم در بطن زندگی مردم ایران جای افتاده است، این نتیجه با دلایل منطقی توجیح می‌شود که بین دینداری و صداقت باید رابطه معنادار و مستقیمی وجود داشته باشد. به‌عنوان نتیجه‌گیری کلی می‌توان بیان داشت که مذهب و دین بر سه محور خدا، انسان و عالم قرار گرفته است و ورزش نیز بر محور انسان قرار گرفته است. بنابراین مخاطب هر دو انسان است که باید از طریق این دو رشد یابد و حتی ورزشکار در اوج تلاش خود، خدا را در باطن خویش درک می‌کند. بدیهی است که ورزش به طور کامل نمی‌تواند جای اهداف و پیامدهای دین را بگیرد. بهتر است که مذهب و دین‌داری را یک عامل اثرگذار و تربیتی تکمیلی در کنار ورزش تربیتی قرار داد. بازیکنان ورزشی در لحظات حساس بازی‌ها، دست‌های خود را به بالا می‌برند و از خدای خود کمک می‌خواهند، نشان دهنده این است که مذهب و دین‌داری به‌عنوان کمک و ارتقای عملکرد ورزشی عمل می‌کند. در پایان بر اساس تأثیر دینداری بر مولفه‌های گرایش اخلاقی دانشجویان ورزشکار پیشنهاد می‌شود که مدیران تربیت بدنی دانشگاه‌ها برنامه‌های فرهنگی با محور ترویج مسائل دینی و مذهبی را برای تیم‌های ورزشی در نظر بگیرند. در انتخاب مربیان و سرپرستان تیم‌های ورزشی علاوه بر توانایی‌های فنی، اخلاق‌گرایی و مذهبی بودن هم مورد توجه قرار گیرد. چرا که مربی الگوی هر ورزشکار است و رفتار او در رفتار ورزشکاران تأثیرگذار است و می‌تواند اخلاق‌گرایی را در تیم افزایش دهد.

منابع

1. Bartels, D. M. (2008). Principled moral sentiment and flexibility of moral judgment and decision making. *Cognition* .108(2), 381-417.
2. Baumsteiger, R. Chenneville, T & McGuire, J. M. (2013). The Roles of Religiosity and Spirituality in Moral Reasoning. *Journal Ethics & Behavior* , 23(4), 266-277.
3. Brand, M. (2003). Advocacy involves entire membership. *NCAA News*, 40 (9), 4-23.
4. Bredemeier, B.J., Weiss, M., Shields, D.L., & Shewchuk, R.M. (1986). Promoting moral growth in a summer sport camp: The implementation of theoretically grounded instructional strategies. *Journal of Moral Education*, 15(3), 212-220.
5. Butcher, R., & Schneider, A. (1998). Fair play as respect for the game. *Journal of the Philosophy of Sport*, 25(1), 1-22.
6. Daft, R. L. (2016). *Organization Theory & Design*. (Translated by Ali Parsayan & Seyed Mohamad Aarabi). 10ed edition. Tehran, Iran: Office of Cultural Studies. (Persian)
7. DeSensi, J. T., Rosenberg, D. (2010). *Ethics and Morality in Sport Management* (Sport Management Library). 3rd Edition. USA: Morgantown, WV: Fitness Information Technology, Inc.
8. Dixon, N. (1999). On winning and athletic superiority. *Journal of the Philosophy of Sport*, 26(1), 10-26.
9. Duriez, B. (2003). Vivisectioning the religious mind: Religiosity and motivated social cognition. *Mental Health, Religion & Culture*, 6(2), 79-86.

10. Fraleigh, W. (2003). Intentional rules violations: One more time. *Journal of the Philosophy of Sport*, 30(2), 166-176.
11. Francis, L. (1995). Title IX: Equality for women's sports. *Journal of the Philosophy of Sport*, 20(1), 32-47.
12. Ghasemi, M., Badsar, M., Fathi, S. (2018). An Investigation into the Mediating Role of Religiously in Analysis of the Factors Influencing Social Responsibility of Student. *Journal of Applied Sociology*, 29(1), 189-206. (Persian)
13. Graham, D. N. (2017). Athletic Identity and Moral Development: An Examination of NCAA Division I Athletes and Their Moral Foundations. Master of Arts Thesis. USA: Wright State University, Department of Leadership Studies in Education & Organizations. p.84.
14. Haghdoost A. (2009). Do You Want to Gain a Profound Insight into Sample Size and Statistical Power? *Iranian Journal of Epidemiology*, 5 (1) :57-63. (Persian)
15. Hoberman, J. (1995). Listening to steroids. *Wilson Quarterly Winter '95*, 35-44.
16. Kavussanu, M., & Roberts, G.C. (2001). Moral functioning in sport: an achievement goal perspective. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 23(1), 37-54.
17. Keating, J. (1964). Sportsmanship as a moral category. *Ethics: An International Journal of Social, Political, and Legal Philosophy*, 75(1), 25-35.
18. Keshtidar, M., Jahangiri, M., Rahimi, M. (2010). The Role of Goal Orientation and Moral Identity on Predicting Prosocial and Antisocial Moral Functioning in Football. *Journal of sport management*, 2(7), 5-23. (Persian)
19. Lawrence, W. L. (2013). Moral Reasoning of Collegiate Athletes and Intramural Sport Athletes: An Investigation of the Influence of Religiosity, Gender, and Type of Sport Played. PHD thesis. USA: The Ohio State University, Education and Human Ecology. pp.1-136
20. Moore, Z. E. (2003). Ethical dilemmas in sport psychology: Discussion and recommendations for practice. *Journal of professional psychology: Research and practice*, 34(6), 601-610.
21. Molk Afzali, H., Majdzade, R., Fotouhi, A., Tavakoli, S. (2005). *Methodology of Applied Research in Medical Sciences*. First Edition. Tehran: Tehran Medical Sciences Press, PP 295-316.
22. Ogilvie, B. C. & Tutko, T. A. (1971). Problem Athletes and How to Handle Them. first, edition. USA: Pelham Books. p.195.
23. Rahimi, M. Khaksar, M. Azimzadeh E. Pashaei, M. (2017). The Investigation of the Sportsmanship among team sports and individual sports elite athletes regard to Varsity of age and academic level. *Journal of Sport Physiology & Management investigation*, 9(3), 65-74. (Persian)
24. Raveendran, R. P. (2014). Life of Purpose: Exploring the Role an Athletic Code of Conduct Plays in Shaping the Moral Courage of Student Athletes. Ph. D Thesis. USA: Bowling Green State University, Leadership Studies Department. p.11.
25. Seyed Ameri, M. H., Kashef, S. M., Fattah Pour Marandi, M. (2015). ethical decision-making based on position of coaching and coaching experience. *Sport management studies*, 7(29), 141-158. (Persian)

26. Silvers, A., & Wasserman, D. (1998). Convention and competence: Disability rights in sports and education. *Report from the Institute for Philosophy and Public Policy*, 18(4), 1-7.
27. Simon, R. (2010). *Fair play: The ethics of sport*. 3rd Ed. USA: Boulder, CO: Westview Press. p.125.
28. Shajie, R., Kouze Chiyani, H., Ehsani, M., Amiri, M. (2012). Influences of Personal, Political, Legal and Economical Climates on Ethical Decision-Making of Professional Soccer Players. *Journal Applied Research of sport management*, 1(3), 19-26. (Persian)
29. Tavasoli, A. Z, Honari, H. Koushafar, A. (2015). A Survey of Gender Identity Differences of Male and Female Professional Athletes in Iran. *New trends in sport management*, 3(8), 73-82. (Persian)
30. Valentine, J. (1999). Darwin's athletes: A review essay. *Journal of Philosophy of Sport*, 26, 105-112.

ارجاع دهی

بنسبوردی علی، نظری ترشیزی احمد، موید ندا. (۱۳۹۸). تحلیل گرایش‌ها
 اخلاقی دانشجویان ورزشکار: نقش دین‌داری، جنسیت و نوع رشته
 ورزشی. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۵۸-۱۳۹.
 شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.6592.1568

Benesbordi A, Nazari Torshizi A, Moayed N. (2019). Evaluating the
 Ethical Attitudes of Athlete Students: The Role of Religiosity, Gender and
 Type of Sport. *Research on Educational Sport*. 7(17): 139-58. (Persian).
 Doi: 10.22089/RES.2019.6592.1568

شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی

احسان محمدی ترکمانی^۱، حمید نریمان^۲، حسین خنیفر^۳

۱. دکتری مدیریت ورزشی پردیس فارابی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی سازمان‌های ورزشی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

۳. استاد مدیریت و برنامه‌ریزی پردیس فارابی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی بود. این مطالعه با رویکرد آمیخته و تلفیقی از روش‌های پدیدارشناسی، تحلیل مضمون در مرحله کیفی و روش کمی انجام شد. تحلیل مضمون ۳۵ منبع چارچوب ارزش‌های ورزشی را مورد شناسایی قرار داد که با مصاحبه نیمه ساختاریافته با ده نفر خبره مورد تأیید واقع شد. مصاحبه‌های پدیدارشناسانه با ۴۰ نفر از شهروندان از چهار نسل مختلف نیز برای تحلیل تفاوت‌های تجارب ورزشی انجام شد. نمونه‌گیری در این بخش به صورت هدفمند و در دسترس بود و با اشباع نظری به اتمام رسید. برای تحلیل تفاوت‌های ارزشی نیز کلیه شهروندان تهرانی جامعه آماری مدنظر بودند. ۳۸۴ نفر از آنان از چهار نسل مختلف به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه محقق‌ساخته مبتنی بر یافته‌های تحلیل مضمون را تکمیل کردند. نتایج نشان داد در بستر ورزش شش دسته از ارزش‌های منفعت‌طلبانه، اجتماعی، زیبایی‌شناختی، جنسیتی، سلامتی و جهانی به وجود می‌آید. در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی بین نسل‌های چهارگانه تفاوت آماری معنادار وجود داشت، اما در ارزش‌های اجتماعی و جهانی بین چهار نسل تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد. همچنین شهروندان ایرانی پنج دسته از تجارب ورزشی شامل فیزیک برتر، روان برتر، تمایز، جایگاه اجتماعی برتر و تجارب منفی را تجربه می‌کنند. این تجارب در دو گروه کلی تجارب فرد محور و اجتماع‌محور بودند. عموماً تجارب مثبت ورزش در نسل‌های سوم و چهارم و تجارب منفی آن در نسل‌های اول و دوم پررنگ‌تر بودند، لذا لازم است این تفاوت‌ها بین نسل‌های مختلف مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران ورزشی قرار گیرد تا زمینه مشارکت حداکثری همه نسل‌های ایرانی در ورزش فراهم گردد.

واژگان کلیدی: تجربه ورزش، نسل‌های ایرانی، ارزش‌های ورزشی، تمایز

1. Email: Ehsan.mohamadi@ut.ac.ir

2. Email: h.nariman90@gmail.com

3. Email: khanifar@ut.ac.ir

مقدمه

جامعه جدید همواره در حال تغییر است و تغییرات پرشتاب از ویژگی‌های این جامعه است. این تغییرات لزوم دگرگونی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و به هنگام سازی آن‌ها را خاطرنشان می‌کند. چراکه زمینه اجتماعی و فرهنگی در دوران جدید با سرعت بالایی تغییر می‌کند. از این رو لازم است تا سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی نیز نسبت به این تغییرات، انطباق‌پذیری لازم را داشته باشند. تغییرات زمینه اجتماعی و فرهنگی خود را در تفاوت‌های میان نسل‌ها بازنمون می‌کنند، نسل‌های مختلف موقعیت‌ها، رویدادها و وضعیت‌های مختلفی را تجربه می‌کند و از این رو است که ابژه‌های نسلی خویش را نیز دارند (شالچی و ضیاچی، ۱۳۹۳). بررسی مفهوم نسل نشان می‌دهد تعاریف بسیاری از آن شده است با این حال وفاق کاملی در مورد معنای نسل وجود ندارد شاید این مسئله به این دلیل است که مفهوم نسل، مفهومی بسیار انعطاف‌پذیر است. شاید به‌توان گفت یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندانشان. بدین ترتیب ما شاهد حضور سه نسل در هر دوره هستیم؛ پدربزرگان و مادربزرگان، پدران و مادران و فرزندان (بالس، ۲۰۱۳). واژه نسل در معنای عام یا از نقطه نظر زیستی و شجره‌شناختی به معنای یک رشته هم‌دوره که در یک‌زمان از یک دنیای مشترک بهره می‌گیرند، اطلاق می‌شود (جاجرمی، ۱۳۷۷). در جمعیت‌شناختی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک‌زمان فارغ‌التحصیل می‌شوند، گروهی که در یک‌زمان بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵). درجایی دیگر نسل این‌گونه تعریف شده است گروهی از افراد که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده‌اند و موقعیت‌های تاریخی خاص و علایق خاص در سطح فردی و سیستمی آن‌ها را از هم تفکیک می‌کند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶). اما از آن‌جا که همواره و به‌طور پیوسته فرزندان در هر جامعه متولد می‌شوند، نقطه مشخصی وجود ندارد که یک نسل را از نسل دیگر جدا کند. بنابراین تمایز قائل شدن بین معاصران (کسانی که در یک‌زمان به سر می‌برند) و همسالان (کسانی که در یک سن قرار دارند) دارای اهمیت است (تاجیک، ۱۳۸۱). اعتقاد بر این است که افراد هر نسل به دلیل قرار گرفتن در یک‌زمان مشترک، معمولاً از خواسته‌های نسبتاً مشترکی برخوردار هستند. زمانی که دو نفر که تقریباً هم‌نسل هستند، تشکیل خانواده داده و صاحب فرزند می‌شوند معمولاً فرزندشان در نسلی غیر از نسل خود آن‌ها متولد می‌شود و تابع ایده آل‌های نسل خویش می‌گردد و ممکن است در این زمان بین خواسته‌های والدین و فرزندشان شکافی ایجاد شود که علمای علوم انسانی از آن با عنوان «شکاف

-
1. Generation
 2. Bollas

نسلی» یاد می‌کنند (کفاشی، ۱۳۹۴). قابل ذکر است درباره اختلاف نسل‌ها با یکدیگر مفاهیم متعددی بکار رفته است. گاهی صحبت از «تفاوت نسلی» شده است، تفاوت اندک دو نسل در ارزش‌ها یا هنجارها یا در نگرش‌ها طبیعی بوده و تقریباً در همه جوامع و زمان‌ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه‌های روان‌شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر بازشناخته می‌شوند. اختلاف دو نسل بعضاً در مفهوم انقطاع یا «گسست نسلی» به کار برده می‌شود و آن عبارت از اختلافی در ارزش‌ها یا هنجارها و نگرش‌هاست که موجب جدایی نسل جدید از قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود. اما رایج‌ترین مفهوم بکار رفته درباره اختلاف نسلی همان مفهوم شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد شکاف نسلی به‌عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود (معیدفر، ۱۳۸۳). معیدفر (۱۳۸۳) بیان می‌کند گاهی مفاهیم شکاف، گسست و انقطاع نسلی به‌جای یکدیگر به کار رفته‌اند و در تمایز این مفاهیم تعاریف دقیقی ارائه نشده است اما شاید بتوان گفت مفهوم گسست یا انقطاع نسلی به بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین اختلاف میان نسل‌ها اشاره دارد درحالی‌که منظور از شکاف نسلی وجود وجوه نازل‌تر چنین اختلافی میان نسل‌ها است (معیدفر، ۱۳۸۳).

رابطه نسلی، پدیده‌ای قرن بیستمی است و بیشتر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی است که پدیده جوانی و رابطه نسل‌ها به‌عنوان معضل اجتماعی به‌طور جدی توجه تحلیل‌گران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی را به خود جلب می‌کند. کارل مانهایم^۱ را می‌توان نخستین نظریه‌پردازانی که مفهوم نسل را وضع کرد، نام برد. مانهایم (۱۹۵۲) از برخورد تازه در اثر شکل‌گیری نیروی جدید در گذر زمان که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. افرادی را که در درون نسل‌ها موجودند و دارای مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند، از افرادی که این وضعیت را ندارند متمایز کرده و از آن‌ها به‌عنوان «واحد نسلی» یاد می‌کند (احمدی و نمکی، ۱۳۹۲). واحد نسلی که به معنای گروه سنی - زیستی در نظر گرفته شده دارای چندین ویژگی به این شکل است: ۱- دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی است؛ این موقعیت تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه ممکن با توجه به شرایط است. ۲- سرنوشت و علقه مشترک بر اساس طبقه‌بندی اقتصادی اجتماعی دارند. ۳- دارای هویت واحد بر اساس تجربه مشترک هستند، مانهایم (۱۹۵۲) مدعی بود دگرگونی سریع در تشدید اختلاف میان نسل‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد (عیوضی، ۱۳۹۴). مارگارت مید^۲ یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که با

-
1. Generation Gap
 2. Generation Difference
 3. Generation Discontinuity
 4. Karl Mannheim
 5. Generation Units
 6. Margaret Mead

بررسی حرکت‌های دانشجویی در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای غربی ادعا کرد که علت رفتارهای غیرمتعارف و حتی ضد فرهنگی جوانان وجود شکاف‌های نسلی بین آن‌ها است که قبل و بعد از جنگ جهانی دوم متولد و بزرگ‌شده‌اند. کسانی که پس از جنگ جهانی دوم بزرگ‌شده‌اند، زندگی خود را در دنیایی شروع و تجربه کرده‌اند که کاملاً با دنیای قبل از آن تفاوت دارد. در نتیجه بین نسل قبل و بعد از جنگ جهانی دوم شکاف نسلی عمیقی به وجود آمده است. مید (۱۹۷۸) علت ایجاد شکاف نسلی را تغییرات اجتماعی وسیعی می‌داند که در دنیا اتفاق افتاده است و دنیا را وارد عرصه جدیدی از رشد و تحول کرده است (همان منبع). صاحب‌نظر دیگری که نظریات او می‌تواند به توضیح تفاوت‌های نسلی کمک کند، رونالد اینگلهارت^۱ است که بیان می‌دارد در دهه هشتاد در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم. گرایش نسبت به ارزش‌های فرا مادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش‌های فرا مادی اولویت بیشتری می‌دهد. اینگلهارت در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده به شکل زیر می‌پردازد: ۱- فرضیه کمیابی که بنابر آن اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی او است. فرضیه کمیابی به دگرگونی کوتاه‌مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد. دوره‌های پررونق به افزایش فرا مادی‌گرایی و دوره‌های کمیابی به مادی‌گرایی می‌انجامد. ۲- فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده بازتاب شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغش فراهم شده است. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (معیدفر، ۱۳۸۳). او نظریه دگرگونی ارزشی را که دلالت بر جابجایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های غیرمادی دارد، به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد تا جایی که برای تأثیر نهادهای فرهنگی در این دگرگونی چندان وزنی قائل نیست. جوانان به مراتب بیشتر از بزرگسالان بر خواسته‌های فرا مادی تأکید دارند و تحلیل دگرگونی سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتری بازتاب دگرگونی نسل‌ها تا انعکاس سالخوردگی است. اینگلهارت دگرگونی حاصل شده در جامعه بر مبنای تحولات اقتصادی و اجتماعی را در قالب دگرگونی فرهنگی در چارچوب سمت‌گیری‌های ارزشی که منجر به تفاوت‌های نسلی می‌شود، تعریف می‌نماید. در نتیجه دگرگونی‌های فرهنگی مهم به تفاوت میان نسل‌ها می‌انجامد (عیوضی، ۱۳۹۴).

مرور ادبیات مطالعات نسلی نشان می‌دهد در خارج از کشور پژوهش‌های زیادی دسته‌بندی‌های متعددی از نسل‌ها ارائه کرده‌اند. مثلاً پس از جنگ جهانی دوم از سه نسل مختلف (نسل ایکس، نسل وای و نسل زد) نام برده شده است. البته این نسل‌ها به نام‌های دیگری نیز دارند. دوره تاریخی این سه نسل به ترتیب برای نسل ایکس (۱۹۶۴-۱۹۸۱)، نسل وای یا هزاره‌ای‌ها (۱۹۹۷-۱۹۸۲) و نسل زد یا اینترنت (۱۹۹۸-۲۰۲۰) است. همچنین قابل ذکر است تقسیم‌بندی زمانی نسل‌ها در منابع

1. Ronald Inglehart

غربی یکسان نیست. بنابراین همواره اختلاف در زمان‌بندی این نسل‌ها به چشم می‌خورد. یک تقسیم‌بندی مشابه شامل نسل رونق (۱۹۴۳-۱۹۴۶) تا (۱۹۵۷-۱۹۶۳)؛ نسل ایکس (۱۹۶۴-۱۹۸۲) تا (۱۹۷۵-۱۹۸۲) و نسل وای (۱۹۸۳-۲۰۰۱) است (کوثری، ۱۳۸۷). در کشور ما نیز دسته‌بندی نسل‌های ایرانی توسط پژوهشگران مختلفی انجام شده است. در اغلب این دسته‌بندی‌ها، نسل‌های حاضر در عرصه اجتماع به سه گروه به تفکیک دوره زندگی و ایژه نسلی تقسیم‌بندی شده‌اند (جعفرزاده پور، ۱۳۹۶). یکی از این تقسیم‌بندی‌ها توسط چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) انجام شده است. ایشان ضمن تفکیک سه نسل از نسل چهارمی نیز نام برده و بیان می‌کند نسل چهارم در حال حاضر (سال پژوهش؛ ۱۳۸۶) یا متولد نشده‌اند یا این که دوران طفولیت و نوجوانی را می‌گذرانند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶). جدول شماره یک تفکیک چهار نسل مذکور و بازه تولد آن‌ها را نشان می‌دهد و در این پژوهش نیز ملاک خواهد بود.

جدول ۱- تفکیک نسل‌های ایرانی از یکدیگر (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶)

متولدین دهه	معادل سنی	نسل	نسل انقلاب
۱۳۲۹ و کمتر	افراد بالای ۶۸ سال	نسل اول	بنیان‌گذاران
۱۳۳۰-۱۳۴۹	افراد ۴۸ تا ۶۷ ساله	نسل دوم	نسل انقلاب و جنگ
۱۳۵۰-۱۳۶۹	افراد ۲۸ تا ۴۷ ساله	نسل سوم	نسل سوم انقلاب
۱۳۷۰-۱۳۸۹	افراد ۸ تا ۲۷ ساله	نسل چهارم	نسل چهارم انقلاب

ارزش در لغت به معنی بها، ارز، ارج، قدر، شایستگی، زیبایی، قابلیت و استحقاق است (معین، ۱۳۸۷). از دیدگاه جامعه‌شناسی ارزش‌ها عبارت‌اند از احکام و داوریهایی که فرد در ترجیح دادن یا ندادن موضوع‌ها و یا اشیاء صادر می‌کند. این داوریهی در ارزیابی او از این موضوع‌ها یا اشیاء است که در خلال تعامل میان فرد و معرفت‌ها و تجربه‌های او با الگوهای فرهنگی‌ای که در آن زیست می‌کند، کامل می‌شود و از خلال آن این تجربه‌ها و معرفت‌ها کسب می‌شود (سهراب‌زاده، ۱۳۸۸). ارزش‌ها محصولات و پدیده‌های اجتماعی هستند که تولید می‌شوند و به وسیله تعاملات اجتماعی انتقال می‌یابند. نظام ارزشی هر جامعه متفاوت است. به عبارتی ارزش‌ها با تغییر تمدن و فرهنگ جامعه تغییر می‌کند و از آن بالاتر این که حتی ارزش‌های یک جامعه در گروه‌های گوناگون متفاوت است مثلاً ارزشی را که نوجوانان پذیرفته‌اند، شاید بزرگسالان طرد کنند و یا کمتر قبول داشته باشند. بحث ارزش‌ها و تغییر در نظام ارزشی از مفاهیمی است که در وضعیت جدید که تغییرات پرشتاب بر جامعه حاکم است، خود را متجلی می‌سازد. تغییرات ارزشی که بر اثر وضعیت جدید جامعه به وجود آمده، سبب شده است روان‌شناسان اجتماعی قرن حاضر را دوران «تزلزل ارزش‌ها» بنامند (طولابی و کمریگی، ۱۳۹۲). همان‌گونه که مانه‌ایم نیز معتقد است در لحظه‌های خاص تاریخ گاهی نسل جوان

چنان آگاهی دقیقی برای خود تصور می‌کند که به نظر می‌رسد صاحب ایدئولوژی متمایزی است. بنابراین نسل جوان برای فاصله گرفتن از ایدئولوژی مسلط می‌تواند افکار و ارزش‌های تازه‌ای اتخاذ کند و بدین‌وسیله بین نسل‌ها شکاف به‌وجود آورد. تاکنون دسته‌بندی‌های مختلفی از ارزش‌ها از طرف صاحب‌نظران ارائه شده است، سلسله‌مراتب ارزشی آلپورت^۱ (۱۹۳۱)؛ سلسله‌مراتب ارزشی موریس^۲ (۱۹۵۵)؛ سلسله‌مراتب ارزشی اینگلهارت^۳ (۱۹۶۷)؛ سلسله‌مراتب ارزشی آلن پیرو (۱۹۷۵)؛ سلسله‌مراتب ارزشی روکیچ^۴ (۱۹۷۳)؛ سلسله‌مراتب ارزشی شوارتز^۵ (۲۰۰۱) و سلسله‌مراتب ارزشی راد و ون (۲۰۰۷) از معروف‌ترین دسته‌بندی‌ها هستند (افلاکی فرد و همکاران، ۱۳۹۲). در این‌که آیا ارزش‌ها و باورهای جامعه ما در دهه‌های اخیر دگرگون شده یا خیر عقاید مختلفی وجود دارد. عده‌ای معتقدند که تحولات اخیر موجب تغییر ارزش‌ها، باورها و سنت‌ها شده است و عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که اعتقاد به ارزش‌ها و سنت‌های جامعه با اندکی تغییر مثل گذشته پابرجاست (طولابی و کمریگی، ۱۳۹۲)، اما ربانی معتقد است در سال‌های پس از جنگ شکاف جدیدی را در جنبش‌های جوانان مشاهده می‌کنیم. یعنی ظهور «سفسطه‌گرایی»، «عمل‌گرایی» و «فردگرایی» که جایگزین موفقیت‌های نظامی و مدینه‌های فاضله اجتماعی و همبستگی می‌شوند (ربانی، ۱۳۸۹). در حوزه مطالعات نسلی نیز در تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران بیان می‌کنند بر اساس نتایج حاصل از پژوهش‌های به‌عمل‌آمده پیرامون شکاف نسلی در ایران طی دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ می‌توان گفت که هر چه به سال‌های آخر دهه ۱۳۸۰ نزدیک‌تر شده‌ایم، گسست‌های ارزشی فرهنگی بین نسل جوان و بزرگ‌سالان افزایش یافته است و شکاف نسلی از آن‌رو نگران‌کننده است که با بحران هویت پیوندی وثیق و عمیق یافته است (دانش و همکاران، ۱۳۹۳).

برخی از پژوهش‌هایی که می‌تواند به درک تجارب و ارزش‌های ورزشی کمک نماید؛ عبارت‌اند از: فرای و لوری^۶ (۲۰۱۰) در پژوهش با عنوان تأثیر جو حمایتی بر تجارب ورزشی جوانان نشان دادند ورزشکارانی که جو حمایتی در تیم ادراک می‌کنند به‌طور معناداری لذت بیشتر، نگرش مثبت‌تر، تعهد بیشتر به فوتبال و رفتارهای حمایتی از خود بروز می‌دهند. کلیمز، براش و کولینز^۷ (۲۰۱۱) در مطالعه تحلیل تجارب ورزش حرفه‌ای نشان دادند کیفیت تعاملات، کیفیت محیط فیزیکی، کیفیت نتیجه، حمایت هواداران، کیفیت خدمات، ارزش، رضایت و قصد رفتاری بر تجارب ورزش حرفه‌ای تأثیرگذار

-
1. Allport
 2. Morris
 3. Englehart
 4. Rokeach
 5. Schwartz
 6. Fry & Lori
 7. Clemes, Brush, & Collins

است. شالچی و ضیاچی (۱۳۹۳) در مطالعه تفاوت‌های نسلی در سبک زندگی در بین گروه‌های مختلف سنی شهروندان منطقه یک تهران نشان دادند تفاوت‌های فراوانی در نوع ورزش، چگونگی ورزش و میزان ورزش بین گروه‌های سنی مختلف وجود دارد و میزان رضایت از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز با تغییر نسل تفاوت می‌کند؛ مثلاً درصد کسانی که اصلاً ورزش نمی‌کنند در میان سالمندان بیش از سایرین بود، همچنین سالمندان بیش از سایرین به صورت انفرادی ورزش می‌کردند. بلازو و همکاران (۲۰۱۴) در یک مطالعه کیفی با عنوان بررسی تجربه موفقیت ورزشی برادران و خواهران نشان دادند هر دو تجارب مثبت و منفی نسبت به موفقیت ورزشی اعضای خانواده به وجود می‌آید که این تجارب شامل مواردی نظیر نفوذ خانواده، نفوذ اجتماعی، علاقه، هویت، رها کردن (بی‌خیالی) و حسادت بود. وارنر و دیکسون (۲۰۱۵) در پژوهش با عنوان رقابت، جنسیت و تجارب ورزشی در بین ورزشکاران دانشگاهی نشان دادند برنامه‌های ورزشی که همکاری و رقابت را به طور متعادل به همراه داشته باشد برای جذب و حفظ هر دو ورزشکاران زن و مرد ارزشمند هستند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان بیان کرد جامعه امروزی ایران با نسل‌های متفاوتی روبرو است که تجربه‌های جامعه‌پذیری متفاوتی را داشته‌اند. این نسل‌های متفاوت ارزش‌ها، باورها و سبک زندگی خاص خود را دارند. حتی اگر به وجود شکاف‌های عمیق نسلی در بین نسل‌های ایرانی اعتقاد نداشته باشیم تفاوت‌های گاهاً ظریف و اندک موجود بین نسل‌های مختلف مسئله‌ای است که باید در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات فرهنگی اجتماعی مدنظر قرار گیرد تا موفقیت این سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات تضمین گردد. از آنجایی که ورزش یکی از مظاهر زندگی امروزی محسوب شده و بخشی از برنامه‌های فرهنگی اجتماعی دولت‌ها و نظام‌های حاکم را در برمی‌گیرد، به نظر می‌رسد توجه به تفاوت‌های نسلی در این پدیده امری لازم باشد که در پژوهش‌ها اصلاً به آن توجه نشده است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تحلیل وضعیت تفاوت نسل‌های ایرانی در تجارب و ارزش‌های ورزشی است. به عبارت ساده‌تر این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است که نسل‌های مختلف ایرانی چه تجربه‌ای از ورزش دارند و چه تفاوت‌هایی در ارزش‌های ورزشی بین آن‌ها وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با رویکرد آمیخته و تلفیقی از روش‌های پدیدارشناسی و تحلیل مضمون‌آدر مرحله کیفی و روش کمی (توصیفی پیمایشی) با ابزار پرسش‌نامه انجام شد. علت استفاده از روش پدیدارشناسی

-
1. Warner & Dixon
 2. Phenomenology Method
 3. Thematic Analysis

کسب آگاهی از تجارب افراد در خصوص پدیده ورزش بود. درواقع پدیدارشناسی سعی دارد که به شناخت از پدیده از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده ارج نهد (خانینفر و مسلمی، ۱۳۹۶). هرسول^۱ (۱۹۳۱) پدیدارشناسی را مطالعه چگونگی تشریح اشیاء توسط انسان‌ها و تجربه آن‌ها از طریق حواس می‌داند. بنیادی‌ترین فرض فلسفی پدیدارشناسی آن است که ما تنها می‌توانیم آن چیزهایی را بدانیم که از طریق حضور در دریافت‌ها و معانی که آگاهی آگاه ما را بیدار می‌کنند، تجربه می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲). درواقع پدیدارشناسی به دنبال آن هست که معنا، ساختار و ماهیت تجربه زیستی پدیده برای شخص یا گروهی از مردم را تعیین کند (پاتون، ۲۰۱۴). همچنین با استفاده از روش تحلیل مضمون متون، تم‌ها و مفاهیم مرتبط با ارزش‌های ورزشی استخراج شد و به‌عنوان پروتکل مصاحبه کیفی با خبرگان استفاده شد، سپس چارچوب ایجادشده از ارزش‌های ورزشی (حاصل تحلیل مضمون و مصاحبه با خبرگان) برای طراحی پرسش‌نامه استفاده شد. در گام بعدی هم‌زمان با اجرای مصاحبه پدیدارشناسی از شهروندان پرسش‌نامه نیز توزیع و جمع‌آوری شد. جزئیات مراحل مختلف اجرای پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- مراحل مختلف اجرای پژوهش

مرحله	هدف	روش	جامعه آماری	تکنیک یا ابزار	نمونه‌گیری	حجم نمونه	روایی- پایایی
۱	شناسایی و احصاء ارزش‌های ورزشی	تحلیل مضمون	متون و ادبیات مرتبط با ارزش	تحلیل مضمون متون	تمام شمار	۱۵ مقاله و بیش از ۲۰ مورد منبع اینترنتی	-
۲	تأیید و تکمیل چارچوب ارزش‌های ورزشی	تحلیل مضمون	خبرگان و اساتید	مصاحبه‌نیمه ساختاریافته	هدفمند و در دسترس	۱۰ نفر خبره	نظرات متخصصین خبره

1. Husserl
2. Patton

جدول ۲- مراحل مختلف اجرای پژوهش

مرحله	هدف	روش	جامعه آماری	تکنیک یا ابزار	نمونه‌گیری	حجم نمونه	روایی- پایایی
۳	تحلیل تجارب ورزشی افراد	پدیدارشناسی	کلیده شهروندان تهرانی مشارکت‌کننده در ورزش	مصاحبه عمیق ساختار نیافته	هدم‌مند و در دسترس	۴۰=۱۰×۴	تأیید با کدگذاری مجدد ۲۰ درصد از مصاحبه‌ها
۴	تحلیل تفاوت‌های ارزشی افراد	روش کمی	کلیده شهروندان تهرانی مشارکت‌کننده در ورزش	پرسش‌نامه مبتنی بر نتایج مرحله دوم	تصادفی طبقه‌ای	۳۸۴ نفر	تأیید محتوایی توسط اساتید مرحله ۲ / پایایی آلفای کرونباخ (۰/۸۳)

با توجه به جدول بالا رویکرد پژوهش هم استقرایی و هم قیاسی و پارادایم‌های حاکم بر آن تفسیری و اثبات‌گرایی بود. همچنین این پژوهش از نظر هدف کاربردی بود. در خصوص حجم نمونه در مراحل سوم و چهارم قابل ذکر است که با توجه به مشارکت چهار نسل از شهروندان در این پژوهش از هر نسل ۱۰ نفر برای انجام مصاحبه‌های پدیدارشناسانه انتخاب شد؛ یعنی مجموعاً ۴۰ شهروند مورد مصاحبه قرار گرفتند. همچنین پرسش‌نامه ارزش‌های ورزشی برای تحلیل تفاوت‌های ارزشی بین نسل‌ها توسط ۳۸۴ نفر از شهروندان چهار نسل تکمیل شد که مطابق جدول شماره ۳ در نهایت ۳۵۹ پرسش‌نامه سالم و قابل تحلیل به دست آمد. در این مرحله برای حفظ برابری پرسشنامه‌های تکمیل شده در بین چهار نسل از شهروندان تعداد پرسشنامه‌ها به صورت مساوی بین چهار نسل توزیع گردید (هر نسل ۹۶ پرسشنامه) تا از هر طبقه تعداد لازم پرسشنامه جمع‌آوری گردد. همچنین توزیع پرسشنامه‌ها به شکلی بود که برای نسل‌های اول و دوم (افراد بالای ۴۸ سال) مراکز ورزش صبحگاهی شهرداری مدنظر قرار گرفت و در پنج مرکز ورزش صبحگاهی از شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران تعداد ۱۹۲ پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری شد. انتخاب این مراکز به صورت تصادفی و بر اساس لیست سازمان ورزش شهرداری تهران بود. برای افراد نسل سوم دو باشگاه ورزشی در مرکز تهران مدنظر قرار گرفت و تعداد ۹۶ پرسشنامه در دو شیفت بانوان و آقایان در دو باشگاه توزیع و جمع‌آوری شد. انتخاب این باشگاه‌ها نیز به شکل تصادفی و بر اساس لیست اداره ورزش و جوانان بوده است.

برای افراد نسل چهارم (زیر ۲۷ سال) نیز همان باشگاه‌های قبلی در سانس‌های سنین پایین انتخاب شد و پرسشنامه‌ها بین افراد در بازه سنی مذکور توزیع و جمع‌آوری گردید. همچنین قابل ذکر است از آنجایی که نسل چهارم افراد ۸ تا ۲۷ ساله را در برمی‌گیرد، سعی گردید افراد انتخاب شده در این نسل از سنین ۱۵ به بالا باشند چون به احتمال زیاد در سنین پایین‌تر دیدگاه‌های ارزشی افراد شکل نگرفته است و از ثبات چندانی برخوردار نیست.

جدول ۳- تعداد و ویژگی‌های نمونه آماری

گروه	پرسش‌نامه توزیع شده	پرسش‌نامه برگشتی	پرسش‌نامه سالم	میانگین سنی گروه
نسل اول	۹۶	۸۷	۸۶	۷۰/۳
نسل دوم	۹۶	۹۴	۹۲	۵۵/۶
نسل سوم	۹۶	۹۲	۸۹	۳۷/۲
نسل چهارم	۹۶	۹۵	۹۲	۲۲/۹
مجموع	۳۸۴	۳۶۸	۳۵۹	-

نتایج

در این بخش با توجه به مراحل ارائه شده در جدول شماره ۲ یافته‌ها ارائه می‌گردد. با انجام تحلیل مضمون متون فهرستی شامل بیش از ۴۰ عبارت ارزشی برای ورزش شناسایی گردید. لیست مذکور برای انجام مصاحبه به خبرگان و اساتید ارسال گردید و از آنان دعوت به مصاحبه شد. انتخاب این خبرگان و اساتید برای انجام مصاحبه به صورت هدفمند و بر پایه جستجوی تخصصی آنان بود و افرادی مدنظر قرار گرفتند که در این حوزه کارهای پژوهشی و یا کتاب‌هایی تألیف کرده بودند. ده نفر مورد مصاحبه در این مرحله شامل ۳ نفر جامعه‌شناس با تمرکز بر جامعه‌شناسی ورزشی، ۲ نفر روان‌شناس ورزشی و ۵ نفر با تخصص مدیریت ورزشی بودند. مجموع مراحل یک و دو چارچوب ارزش‌های ورزشی را به وجود آورد که در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون ادبیات و مصاحبه‌های کیفی با خبرگان

منبع	مصادیق	مضمون فرعی	مضمون اصلی
م	باید به ورزش به‌عنوان یک شغل نگاه کرد.	ورزش به‌عنوان شغل	ارزش‌های منفعت‌طلبانه
م	حضور در محیط‌های ورزشی در درازمدت باعث ایجاد روابط سودآور می‌گردد.	ورزش بستر ایجاد روابط سودآور	
م	با موفقیت در عرصه ورزش آدم می‌تواند بر دیگران کنترل و تسلط داشته باشد.	موفقیت ورزشی ابزار کنترل دیگران	
الف - م	با موفقیت در ورزش منابع زیادی (امکانات، مجوزها و ...) را می‌توان دریافت کرد.	موفقیت ورزشی زمینه‌ساز کسب منابع	
م	همگان باید از فرصت‌های برابر برای شرکت در ورزش بهره ببرند.	برابری اجتماعی	ارزش‌های اجتماعی
الف - م	ورزش باعث سازگاری افراد با سلاقی متفاوت با یکدیگر می‌گردد.	نوع دوستی اجتماعی	
م	با شرکت در ورزش تحمل‌پذیری آدم نسبت به تناقضات بیشتر می‌گردد.	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	
الف - م	مشارکت در ورزش باعث تقویت مسئولیت‌پذیری می‌گردد.	فرصت‌های اجتماعی	
م	شرکت در ورزش بهانه‌ای برای یافتن دوستان جدید است.	اعتبار اجتماعی	
الف - م	شناخته شدن به عنوان یک ورزشکار برای آدم اعتبار اجتماعی به ارمغان می‌آورد.		
الف - م	شرکت در ورزش راهی مناسب برای رسیدن به تناسب‌اندام دلخواه است.	ورزش یعنی زیبایی ظاهری	ارزش‌های زیبایی‌شناختی
الف	مشاهده هماهنگی و شکل موزون حرکات ورزشی لذت‌بخش است.	ورزش یعنی حرکات هماهنگ و متوازن	
م	بازی زیبا و تماشاگرپسند مهم‌تر از نتیجه گرفتن است.	ورزش یعنی لذت‌گرایی	
الف - م	زنان نیز مانند مردان باید فرصت‌های برابر برای شرکت در ورزش داشته باشند.	برابری جنسیتی	ارزش‌های جنسیتی
م	جذابیت‌های جنسی زنان ورزشکار مهم‌تر از مهارت‌های ورزشی آن‌ها است.	جذابیت جنسیتی	
م	موفقیت یک زن در ورزش جایگاه مرد را در خانواده متزلزل می‌کند.	قدرت جنسیتی	

ادامه جدول ۴- یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون ادبیات و مصاحبه‌های کیفی با خبرگان

منبع	مصادیق	مضمون فرعی	مضمون اصلی
الف - م	همین‌که ورزش باعث سلامتی انسانی می‌شود، کافی است.	سلامتی جسمی	ارزش‌های سلامتی
الف - م	ورزش باعث سلامتی روح و روان می‌شود.	سلامتی روحی	
الف - م	ورزش باعث هماهنگی روح و جسم انسان و ایجادکننده انسان متوازن است.	توازن انسانی	
الف - م	ورزش ابزاری برای گسترش صلح جهانی است.	صلح جهانی	ارزش‌های جهانی
م	ورزش به درک تفاوت‌های انسانی کمک می‌کند.	درک پذیری	
الف - م	ورزش باعث توسعه نظم جهانی می‌شود.	نظم جهانی	

* (الف: ادبیات، م: مصاحبه)

مطابق جدول شماره ۴ با جمع‌بندی دو مرحله تحلیل مضمون متون و ادبیات و مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان در نهایت ۲۲ عبارت ارزشی برای ورزش تأیید شد. این ۲۲ عبارت در شش محور ارزش‌های منفعت‌طلبانه، اجتماعی، زیبایی‌شناختی، جنسیتی، سلامتی و جهانی دسته‌بندی شدند. در مرحله سوم برای تحلیل تجارب ورزشی نسل‌های ایرانی مصاحبه‌های پدیدارشناسانه انجام گرفت. در این مرحله ۴۰ نفر از شهروندان تهرانی از چهار نسل مختلف بر اساس سال‌های تولد مورد مصاحبه عمیق و بدون ساختار قرار گرفتند. مصاحبه با یک سؤال کلی در خصوص تجربه روزانه آنان درباره ورزش شروع شد و سپس با سؤالات اکتشافی اطلاعات عمیق‌تری از افراد دریافت گردید. هدف مصاحبه‌های پدیدارشناسانه دستیابی به اعماق تجربه زیستی فرد از برخی حوزه‌های خاص و اصلی تجربیات او است. بخش گسترده‌ای از سمت‌وسوی گفتگو توسط فرد پاسخگو تعیین می‌شود. به جزء پرسش اول مصاحبه‌کننده هیچ پرسش از پیش تعیین شده و یا ارجحی با توجه به حوزه و عنوان پژوهش ندارد (تامپسون، ۱۹۹۶). همچنین مصاحبه‌کننده قصد ندارد تا قدرتمندتر و یا با دانش بیشتر در نظر گرفته شود. زیرا فرد پاسخگو اساساً در زمینه تجربه شخصی خود متخصص و خبره است. داده‌های حاصل از مصاحبه با رویکرد هفت مرحله‌ای کلایزی (۱۹۷۸) مورد تحلیل واقع شد. این هفت مرحله شامل "چندین بار به دقت خواندن متن و دریافت درکی کلی از آن، مشخص کردن صحبت‌های مهم، نوشتن معانی استخراج شده، دسته‌بندی خوشه مضامین، نوشتن شرح جامع، نوشتن ساختار پدیده و چک کردن نتایج با شرکت‌کنندگان" است (کلایزی، ۱۹۷۸). بر اساس این توضیحات

1. Thompson
2. Colaizzi

زمانی که داده‌ها مورد تحلیل واقع شد، مضمون‌هایی برای کل مصاحبه‌ها پدیدار گشت. همچنین برخی مضامین در گروه‌های نسلی خاصی پر رنگ‌تر بودند به عبارت ساده‌تر مضمون موردنظر در تجارب زیسته شهروندان نسلی خاص برجسته‌تر بود. نتایج در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۵- مفاهیم ظهور یافته پیرامون تجربه ورزش نسل‌های مختلف ایرانی

گروه نسلی غالب به ترتیب اهمیت ظهور	برخی از مصادیق	کدهای نهایی	طبقات مفهومی	درون‌مایه
چهارم، سوم، دوم، اول	همین‌که هنگام ورزش حرکتی را به شکل درست انجام می‌دهم، برایم لذت‌بخش است. حتی دردی که پس از تمرین اتفاق می‌افتد، سرخوشی و لذت خاص خود را دارد.	لذت جسمی لذت حسی درد تمرین	لذت	
دوم، سوم، چهارم، اول	ورزش باعث می‌شود که همیشه در وزن مناسب باشم و تناسب بین اندام‌های مختلفم را حفظ نمایم.	ثبات وزن خوش استایل بودن		فیزیک برتر
چهارم، دوم، سوم، اول	ورزش کردن باعث می‌شود خودم را زیباتر و جذاب‌تر حس نمایم و موردتوجه سایرین قرار بگیرم.	جذابیت جنسی احساس زیبایی	تناسب‌اندام	
سوم، چهارم، دوم، اول	عضلات قوی و خوش‌فرم باعث می‌شود که بدون هیچ مشکلی کارهای روزانه خود را انجام دهم.	عضلات سفت تندرستی فیزیکی		

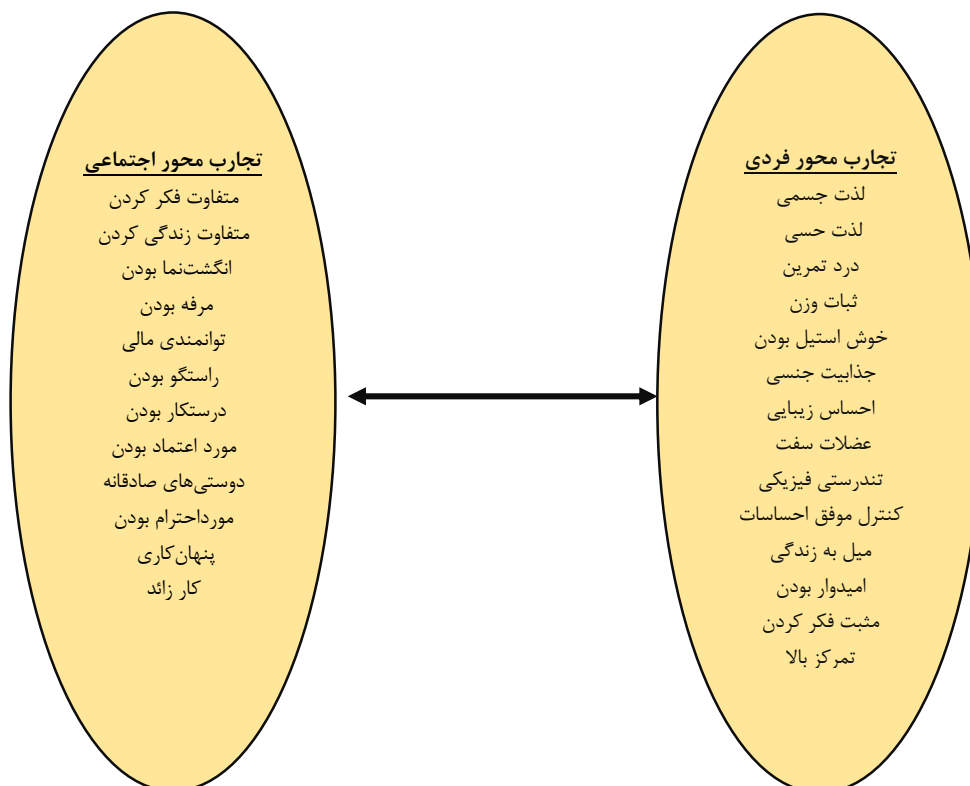
ادامه جدول ۵- مفاهیم ظهور یافته پیرامون تجربه ورزش نسل‌های مختلف ایرانی

گروه نسلی غالب به ترتیب اهمیت ظهور	برخی از مصادیق	کدهای نهایی	طبقات مفهومی	درون‌مایه
چهارم، سوم، دوم، اول	تعامل با افراد مختلف در ورزش و بالا و پایین شدن با آنان باعث شده که به راحتی در موقعیت‌های دشوار احساسات خود را کنترل کنم.	کنترل موفق احساسات		روان برتر
اول، دوم، سوم، چهارم اول، دوم، سوم، چهارم اول، دوم، سوم، چهارم	شاید بتوانم بگویم مهم‌ترین اثر ورزش در زندگی من سرزنده بودن و علاقه به ادامه زندگی است. همیشه به آینده امیدوارم و به امورات پیرامونم مثبت فکر می‌کنم.	میل به زندگی امیدوار بودن مثبت فکر کردن	سلامتی فکری	
چهارم، دوم، سوم، اول	ورزش باعث شده که حتی در سایر کارهایم تمرکز بالایی داشته باشم.	تمرکز بالا	تمرکز بالا	
بدون اولویت	خیلی از افراد زمانی که من در حال ورزش کردن می‌بینند، حس می‌کنم این تصور را دارند که متفاوت‌تر از آنان فکر کرده و زندگی می‌کنم.	متفاوت فکر کردن	تمایز فکری	تمایز
بدون اولویت	در زمان‌های قبل این‌طور نبود که همه به راحتی ورزش نمایند و کسی که ورزش می‌کرد مخصوصاً در شهرهای کوچک به نوعی انگشت‌نما بود.	متفاوت زندگی کردن	تمایز سبک زندگی	
اول، دوم، سوم، چهارم	ورزش کردن هزینه‌بر است و باید بتوانی هزینه‌های آن را تأمین کنی، البته مهم‌تر از پول داشتن اعتقاد به زندگی مرفه کردن است و الا خیلی از افراد ممکن است پول داشته باشند اما تمایلی به خرج کردن در ورزش نداشته باشند.	انگشت‌نما بودن مرفه بودن توانمندی مالی	انگشت‌نما بودن تمایز مالی	

ادامه جدول ۵- مفاهیم ظهور یافته پیرامون تجربه ورزش نسل های مختلف ایرانی

گروه نسلی غالب به ترتیب اهمیت ظهور	برخی از مصادیق	کدهای نهایی	طبقات مفهومی	درون مایه
بدون اولویت بدون اولویت بدون اولویت	مردم وقتی شما رو به عنوان یک ورزشکار می شناسند، حرف شما را قبول می کنند، چون حس می کنند راست گو هستید، درستکار هستید و بهتون اعتماد می کنند.	راستگو بودن درستکار بودن مورد اعتماد بودن	صادق بودن جوانمردی	
چهارم، دوم، سوم، اول	ورزش چیزی هست که آدم بر اساس علاقه اش در آن شرکت می کند و اگر از کسی خوشش نیاید می تواند تیم خود، باشگاه خود و یا محل تمرین خود را عوض کند بنابراین دوستی شکل گرفته در ورزش صادقانه و پایدارترند و آدم مورد احترام دوستانش هست چون اجباری به دوستی با آنها وجود ندارد.	دوستی های صادقانه مورد احترام بودن	جایگاه اجتماعی روابط اجتماعی پایدار	
اول، دوم، سوم، چهارم	زمان ما همه خانواده ها به راحتی با ورزش کنار نمی آمدند و بودند کسانی که ورزش کردن خود را از خانواده مخصوصاً پدر پنهان می کردند. ورزش تو جامعه ما هنوز هم که هست از نظر خیلی ها کار زائدی است، این وضعیت قبلاً بدتر بود.	پنهان کاری کار زائد	مخفی کاری کار بی ثمر	تجارب منفی

همچنین مفاهیم مرتبط با تجربه ورزش شهروندان ایرانی از نقطه نظر دیگری قابل تحلیل بود. با دقت در مفاهیم ظهور یافته و بازبینی دوباره داده های جمع آوری شده مشخص می گردد که برخی از تجارب ورزش شهروندان در تعامل با سایرین و به عبارتی در روابط اجتماعی احساس می شود در نقطه مقابل تعدادی از مفاهیم تجربه شده نیز مستقل از سایرین بوده و ماهیت فردی دارد. بر این اساس در شکل شماره یک مفاهیم ظهور یافته حول این دو محور طبقه بندی شدند.



شکل ۱- تجارب متجلی شده فردی و اجتماعی

مطابق شکل فوق و جدول شماره پنج مشخص می‌گردد از پنج درون‌مایه ظهور یافته در پژوهش، درون‌مایه‌های فیزیک برتر و روان برتر تجاربی فردی هستند و سه درون‌مایه تمایز، جایگاه اجتماعی برتر و تجارب منفی درون‌مایه‌هایی با مضمون اجتماعی هستند. البته قابل ذکر است که تجارب فردی و اجتماعی منتج از ورزش کاملاً جدای از هم نبود و با هم شکل گرفته‌اند و بر هم تأثیرگذار هستند. مثلاً می‌توان این‌طور استنباط نمود مجموع ویژگی‌های فیزیک برتر و روان برتر می‌تواند تقویت‌کننده تمایز بوده و حتی جایگاه اجتماعی برتر را به ارمغان بیاورد. همچنین از پنج درون‌مایه ایجاد شده تنها تجارب منفی جنبه سوء داشته و باقی موارد تجارب مثبت ورزش از دیدگاه شهروندان بودند.

۳۵۹ پرسشنامه جمع‌آوری شده در گام آخر با آزمون F مورد تحلیل واقع شد. البته قبل از اجرای این آزمون چگونگی توزیع داده‌ها توسط آزمون کلموگروف - اسمیرنوف مورد تأیید واقع شد. جدول شماره ۶ نتایج آزمون F را نشان می‌دهد.

جدول ۶- نتایج آزمون F برای تحلیل تفاوت‌های نسلی

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	معناداری
ارزش‌های منفعت‌طلبانه	نسل اول	۸۶	۳/۱۳	۰/۵۲	۷/۹۳۲	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۳/۲۳	۰/۵۳		
	نسل سوم	۸۹	۳/۹۶	۰/۵۵		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۱۹	۰/۶۳		
ارزش‌های اجتماعی	نسل اول	۸۶	۳/۶۷	۰/۶۹	۱/۲۴۵	۰/۶۰۵
	نسل دوم	۹۲	۳/۶۸	۰/۶۱		
	نسل سوم	۸۹	۳/۵۴	۰/۷۲		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۸۷	۰/۶۸		
ارزش‌های زیبایی‌شناختی	نسل اول	۸۶	۳/۰۳	۰/۷۵	۸/۷۱۲	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۳/۱۳	۰/۵۴		
	نسل سوم	۸۹	۳/۹۳	۰/۵۶		
	نسل چهارم	۹۲	۴/۰۷	۰/۶۷		
ارزش‌های جنسیتی	نسل اول	۸۶	۳/۰۹	۰/۷۵	۱۰/۱۲۳	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۳/۱۸	۰/۷۰		
	نسل سوم	۸۹	۳/۸۹	۰/۶۶		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۹۳	۰/۶۸		
ارزش‌های سلامتی	نسل اول	۸۶	۴/۲۳	۰/۵۷	۶/۶۴۵	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۴/۱۲	۰/۶۳		
	نسل سوم	۸۹	۳/۶۵	۰/۶۴		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۵۵	۰/۷۱		
ارزش‌های جهانی	نسل اول	۸۶	۳/۱۲	۰/۸۱	۱/۱۴۳	۰/۵۲۱
	نسل دوم	۹۲	۳/۱۰	۰/۸۷		
	نسل سوم	۸۹	۳/۲۸	۰/۷۴		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۰۹	۰/۷۱		

مطابق جدول شماره ۶ در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی بین نسل‌های چهارگانه ایرانی تفاوت آماری معنادار وجود دارد ($P < 0.05$). در حالی که در ارزش‌های اجتماعی و جهانی بین چهار نسل مورد نظر تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد ($P \geq 0.05$). در ادامه با توجه به معنادار بودن تفاوت در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی بین نسل‌های

چهارگانه ایرانی از آزمون تعقیبی توکی برای مشخص نمودن کیفیت تفاوت بین نسل‌ها استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول ۷- نتایج آزمون تعقیبی توکی

متغیرها	گروه‌ها	اختلاف میانگین	سطح معناداری
ارزش‌های منفعت‌طلبانه	نسل دوم	-۰/۱۰	۰/۶۳۷
	نسل اول	-۰/۸۳	۰/۰۰۰
	نسل چهارم	-۰/۰۶	۰/۸۹۶
	نسل سوم	-۰/۷۳	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۰/۰۴	۰/۹۶۱
	نسل سوم	۰/۷۷	۰/۰۰۰
ارزش‌های زیبایی‌شناختی	نسل دوم	-۰/۱۰	۰/۷۳۵
	نسل اول	-۰/۹۰	۰/۰۰۰
	نسل چهارم	-۱/۰۴	۰/۰۰۰
	نسل سوم	-۰/۸۰	۰/۰۰۰
	نسل چهارم	-۰/۹۴	۰/۰۰۰
	نسل سوم	-۰/۱۴	۰/۴۳۴
ارزش‌های جنسیتی	نسل دوم	-۰/۰۹	۰/۸۳۲
	نسل اول	-۰/۸۰	۰/۰۰۰
	نسل چهارم	-۰/۸۴	۰/۰۰۰
	نسل سوم	-۰/۷۱	۰/۰۰۰
	نسل چهارم	۰/۷۵	۰/۰۰۰
	نسل سوم	-۰/۰۴	۰/۹۸۲
ارزش‌های سلامتی	نسل دوم	۰/۱۱	۰/۶۶۳
	نسل اول	۰/۵۸	۰/۰۰۰
	نسل چهارم	۰/۶۸	۰/۰۰۰
	نسل سوم	۰/۴۷	۰/۰۰۰
	نسل چهارم	۰/۵۷	۰/۰۰۰
	نسل سوم	۰/۱۰	۰/۷۲۱

مطابق جدول شماره ۷ و با توجه به سطوح معناداری آزمون در ارزش‌های منفعت‌طلبانه مقایسه‌های چندگانه نشان داد بین نسل‌های اول و دوم، اول و چهارم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود

ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های سوم و اول، سوم و دوم و سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). مقایسه‌های چندگانه در ارزش‌های زیبایی‌شناختی نشان داد بین نسل‌های اول و دوم و نسل‌های سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های اول و سوم، اول و چهارم، دوم و سوم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). مقایسه‌های چندگانه در ارزش‌های جنسیتی نشان داد بین نسل‌های اول و دوم و نسل‌های سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های اول و سوم، اول و چهارم، دوم و سوم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). درنهایت مقایسه‌های چندگانه در ارزش‌های سلامتی نشان داد بین نسل‌های اول و دوم و نسل‌های سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های اول و سوم، اول و چهارم، دوم و سوم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). همچنین توجه به مقادیر میانگین مؤید این بود که میانگین ارزش‌های منفعت‌طلبانه در نسل سوم بالاتر از نسل‌های دیگر است. در ارزش‌های زیبایی‌شناختی میانگین نسل‌های سوم و چهارم بالاتر از نسل‌های اول و دوم است. در ارزش‌های جنسیتی نیز میانگین نسل‌های سوم و چهارم بالاتر از نسل‌های اول و دوم است. درنهایت در ارزش‌های سلامتی میانگین نسل‌های اول و دوم بالاتر از نسل‌های سوم و چهارم بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تحلیل وضعیت تفاوت نسل‌های ایرانی در تجارب و ارزش‌های ورزشی بود. منظور از تجارب ورزشی یعنی این‌که شهروندان نسل‌های مختلف ایرانی از مشارکت در ورزش چه تجربیاتی را حس می‌کنند. منظور از ارزش‌های ورزشی پدیده‌های ارزشمندی است که در بستر ورزش به وجود می‌آید. در این راستا تحلیل این تفاوت‌ها در بین نسل‌های ایرانی از این منظر مدنظر قرار گرفت که همواره تغییرات ارزشی در بین نسل‌های مختلف جوامع رخ می‌دهد. در این پژوهش با یک رویکرد آمیخته از مجموع روش‌ها و ابزارهای مختلفی برای تحلیل تفاوت‌ها بهره‌گرفته شد. بر اساس مهم‌ترین یافته‌ها در بستر ورزش شش دسته از ارزش‌های منفعت‌طلبانه، اجتماعی، زیبایی‌شناختی، جنسیتی، سلامتی و جهانی شکل گرفت. به عبارت ساده‌تر ورزش به عنوان یک پدیده این ارزش‌های یادشده را با خود حمل می‌کند. تحلیل وضعیت تفاوت ارزش‌های ورزشی نشان داد بین نسل‌های چهارگانه ایرانی در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی تفاوت آماری معنادار وجود دارد اما در ارزش‌های اجتماعی و جهانی بین چهار نسل مورد نظر تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد. همچنین کیفیت تفاوت در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی عمدتاً به نحوی بود که نسل‌های اول و دوم با هم و نسل‌های سوم و چهارم نیز با یکدیگر

مشابهت بیشتری داشتند. این تفاوت ارزشی بین نسل‌ها از آنجایی ناشی می‌شود که ارزش‌های هر نسل الگوهایی هستند که بر اساس تعامل افراد آن نسل با یکدیگر و بر اساس نیازهای هر نسل شکل می‌گیرد؛ یعنی افراد برای موارد و پدیده‌هایی که بدان احساس نیاز پیدا می‌کنند ارزش قائل‌اند و بر اساس تفاوت نیازها ممکن است پدیده‌ای در بین جوانان ارزش محسوب گردد در حالی که در بین سالمندان ارزش محسوب نگردد یا از اهمیت کمتری برخوردار باشد.

مطابق نتایج در ارزش‌های منفعت‌طلبانه شهروندان نسل سوم (افراد ۲۸ تا ۴۷ ساله) وضعیت بالاتری از نسل‌های اول (افراد بالای ۶۸ سال)، دوم (افراد ۴۸ تا ۶۷ ساله) و حتی چهارم (افراد ۸ تا ۲۷ ساله) داشتند. در تفسیر این تفاوت می‌توان به نیازمندی‌های افراد در سنین ۲۸ تا ۴۷ اشاره کرد افراد در این سن بیشتر از سایر سنین به منابع مالی جهت شروع زندگی و یا استقلال مالی نیاز دارند و در وضعیت فعلی جامعه ما از منظر مشکلات اقتصادی افراد به ورزش نیز از این دیدگاه می‌نگرند که این پدیده بتواند روابط سودآوری برای آنان به دنبال داشته باشد یا بتوانند از طریق ورزش منابعی را کسب کنند درحالی که در سه نسل دیگر یا شرایط اقتصادی افراد (نسل اول و دوم) نسبتاً باثبات است یا اینکه افراد از نظر اقتصادی به سایرین (والدین) وابسته‌اند (نسل چهارم).

در دسته ارزش‌های زیبایی‌شناختی وضعیت نسل‌های سوم (افراد ۲۸ تا ۴۷ ساله) و چهارم (افراد ۸ تا ۲۷ ساله) بالاتر از نسل‌های اول و دوم بود که این تفاوت به نفع نسل‌های سوم و چهارم را می‌توان به شرایط و نیازهای دوره نوجوانی و جوانی نسبت داد. در واقع افراد در سنین نوجوانی و جوانی بیش از سایر سنین به زیبایی و تناسب‌اندام اهمیت می‌دهند و بدیهی است که در فعالیت‌های ورزشی نیز به دنبال این ارزش باشند. در مقابل نسل‌های اول و دوم برای سایر جنبه‌های فعالیت بدنی و ورزش اهمیت قائل‌اند که این تفاوت نیز در دسته ارزش‌های سلامتی نشان داده شد. در ارزش‌های سلامتی وضعیت نسل‌های اول و دوم بالاتر از نسل‌های سوم و چهارم بود. همان‌گونه که می‌دانیم با افزایش سن و گسترش کم‌تحركی در افراد مشکلات سلامتی به‌ویژه در بعد جسمی بروز می‌کند که این مشکلات به ابعاد دیگر از جمله سلامتی روحی و روانی نیز تسری می‌یابد بنابراین نسل‌های با سن بالاتر در فعالیت‌های ورزشی به دنبال ایجاد ارزش‌هایی هستند که نیازهای سلامتی آنان را رفع نماید اما برای نسل‌های جوان‌تر تناسب‌اندام و زیبایی از جنبه ظاهری مهم‌تر جلوه می‌کند. البته این بدان معنی نیست که ارزش‌های سلامتی برای نسل‌های جوان‌تر اهمیت ندارد بلکه منظور این است که با توجه به مشکلات عدیده که با افزایش سن پیرامون سلامت افراد به وجود می‌آید، حفظ سلامتی برای سالمندان اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. در این زمینه مطالعات مختلف بر سلامت به‌عنوان یک پیامد مهم ورزش تأکید کرده‌اند. ورزش با ایجاد شور و نشاط و تشویق افراد به انجام فعالیت‌های سالم در محیط‌های سالم می‌تواند عاملی اثرگذار در ابعاد مختلف سلامت در نظر گرفته شود. در واقع ورزش

شرایطی را فراهم می‌کند که افراد با درگیر شدن در فعالیتی که به سود آن‌ها و جامعه است، احساس خوب بودن و سلامت عمومی (ابین و برادزینسکی، ۲۰۰۸) و کسب سلامتی و آمادگی جسمانی (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰) را تجربه می‌کنند.

در مقوله ارزش‌های جنسیتی نیز وضعیت تفاوت همانند ارزش‌های زیبایی‌شناختی به نفع نسل‌های سوم و چهارم بود. ارزش‌های جنسیتی مبین عقاید و نظراتی است که روزه‌روز اهمیت نقش و جایگاه زنان را در جامعه بالا برده و برای آنان جایگاه و شرایط مشابه مردان ایجاد می‌کند، بدیهی است که در جامعه ایرانی نیز همگام با دنیا روزه‌روز نظرات و عقاید افراد نسبت به فعالیت‌های زنان بازتر می‌گردد و شرایط برای فعالیت‌های زنان از جمله فعالیت‌های ورزشی مساعدتر می‌گردد. امروزه دیگر فعالیت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی امری پذیرفته‌شده است و نسل‌های جوان‌تر در این ارزش‌ها وضعیت بالاتری به خود اختصاص داده‌اند.

برای تحلیل تفاوت‌های نسل‌های مختلف ایرانی در تجارب ورزشی نیز یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های پدیدارشناسانه نشان داد، در حالت کلی نسل‌های مختلف ایرانی دو دسته از تجارب ورزشی را حس می‌کنند که عبارتند از تجارب فرد محور و تجارب اجتماع‌محور. به عبارت دیگر برخی از تجربه‌های حاصل از ورزش که عمدتاً تجارب محور فیزیکی و روانی بود به صورت فردی احساس می‌شود. در نقطه مقابل برخی از تجارب حس شده حاصل بازخوردهایی است که افراد از اجتماع می‌گیرند. ۲۶ تجربه شناخته‌شده در این پژوهش در پنج درون‌مایه شامل فیزیک برتر، روان برتر، تمایز، جایگاه اجتماعی برتر و تجارب منفی دسته بندی شدند که دو درون‌مایه فیزیک و روان برتر تجارب فردی و سه مورد باقیمانده درون‌مایه‌های اجتماعی بودند.

در درون‌مایه فیزیک برتر دو طبقه مفهومی لذت و تناسب‌اندام وجود داشتند. لذت شامل لذت جسمی، حسی و درد تمرین بود که در لذت جسمی و درد تمرین شهروندان نسل چهارم (افراد ۸ تا ۲۷ ساله) اول بودند و شهروندان نسل اول (افراد بالای ۶۸ سال) آخر بودند. این امر نشان می‌دهد افراد سالمند دنبال لذت جسمی که احتمالاً توأم با درد تمرین است، نیستند و افراد نوجوان و جوان به دنبال لذت‌های جسمی هستند که حتی با درد تمرینی نیز قابل‌دستیابی است. در نقطه مقابل در لذت حسی نسل‌های دوم و اول نسبت به نسل‌های سوم و چهارم در اولویت بودند. این تفاوت‌ها می‌تواند در هرگونه برنامه‌ریزی‌های تمرینی و تعیین نوع تمرینات ورزشی برای نسل‌های مختلف مدنظر قرار گیرد. در طبقه مفهومی تناسب‌اندام نیز تجارب ثبات وزن، خوش استایل بودن، جذابیت جنسی، احساس زیبایی، عضلات سفت و تندرستی فیزیکی را مشاهده می‌کنیم که اعضای نسل چهارم در خوش استایل بودن، جذابیت جنسی، احساس زیبایی و عضلات سفت اول بودند. در ثبات وزن نسل دومی‌ها (افراد ۴۸ تا

۶۷ ساله) در ابتدا بودند که این امر به احتمال زیاد به شیوه و سبک زندگی آنان برمی‌گردد چون در این سنین عمدتاً افراد دچار اضافه وزن می‌گردند که آن هم دلایل خاص خود را دارد. عضلات سفت نیز برای نسل سومی‌ها و چهارمی‌ها مهم‌تر بود. در تجربه تندرستی فیزیکی نیز افراد نسل اول یعنی سالمندان جایگاه اول را داشتند که مؤید انتظارات آن‌ها از ورزش است.

درون‌مایه روان برتر شامل دو طبقه مفهومی سلامتی فکری و تمرکز بالا بود. سلامتی فکری دربرگیرنده تجارب کنترل موفق احساسات، میل به زندگی، امیدوار بودن و مثبت فکر کردن بود. میل به زندگی، امیدوار بودن و مثبت فکر کردن برای نسل اولی‌ها مهم‌تر از بقیه نسل‌ها بود که نشان می‌دهد افراد در سنین سالمندی دنبال تجاربی هستند که آن‌ها را به ادامه زندگی تشویق نماید. کنترل موفق احساسات و تمرکز بالا نیز برای نسل چهارمی‌ها اهمیت بیشتری داشت. به عبارتی ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کمک به نوجوانان و جوانان در این عرصه‌ها در نظر گرفته شود و زمینه‌های روانی موفقیت آنان را تضمین نماید. می‌توان استنباط نمود کنترل موفق احساسات یکی از نشانه‌های استقلال و ثبات شخصیت است که در اثر ورزش تقویت می‌گردد و طبیعتاً این امر برای افراد در سنین جوانی اهمیت بیشتری دارد. در این زمینه سندفورد^۱ و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند شرکت در ورزش می‌تواند شخصیت اجتماعی مثبت را شکل دهد و از آنجایی که مشارکت ورزشی می‌تواند شخصیت مثبت را به‌وجود آورد، دارای اهمیت فراوان است و می‌تواند نیاز جوانان به درک ارزش‌های شخصی، تعادل احساسی، حل مسئله شخصی و خانوادگی و حل مسئله اجتماعی را برآورده کند. همه این متغیرهای مثبت در نهایت تضمین‌کننده روان برتر خواهد بود که در این پژوهش شناسایی شد. درون‌مایه تمایز شامل طبقات فرعی تمایز فکری، تمایز سبک زندگی، انگشت‌نما بودن و تمایز مالی (مرفه بودن، توانمندی مالی) بود که به جزء تجربه انگشت‌نما بودن سایر تجارب اولویت خاصی بین نسل‌های چهارگانه نداشت. این امر نشانگر آن است که ورزش و ورزشی بودن در کشور ما از قدیم‌الایام نمایانگر تمایز خاصی برای انجام‌دهندگان آن بوده است و افرادی که ورزش می‌کردند به نوعی خود و سبک زندگی خود را متفاوت‌تر از سایرین نشان می‌دادند. این تمایز جنبه‌های مختلفی داشت و از تمایز مالی تا فکری را شامل می‌شد. این تمایز همچنان نیز برای افرادی که ورزش می‌کنند وجود دارد اما شاید بتوان گفت امروزه دیگر کسب تمایز از طریق ورزش به‌سادگی ممکن نباشد و برای کسب تمایز باید به جنبه‌های خاصی از ورزش مثلاً رشته‌های جدیدتر روی آورد. اما تجربه انگشت‌نما بودن که بیشتر به‌ظاهر امر برمی‌گردد و برای نسل‌های اول و دوم اهمیت آن بیشتر از نسل‌های سوم و چهارم بود مؤید این مطلب است که ورزش کردن در زمان‌های گذشته پدیده‌ای بیشتر غیرعادی بوده است و افرادی که ورزش می‌کردند بیشتر جلب‌توجه می‌نمودند که حتی این نوع نگاه متفاوت به

1. Sandford

آنان الزاماً نگاه مثبتی نبوده است و اگر فردی برخلاف میل خانواده خود اقدام به ورزش می‌کرد حتی ممکن بود به‌عنوان فردی نافرمان تلقی گردد. این نگاه نوعی دید منفی بوده است و قابلیت انتقال به درون‌مایه تجارب منفی را دارد. اما امروزه دیگر ورزش کردن امری غیرعادی تلقی نمی‌گردد و همه افراد در هر سنی و با هر وضعیت اجتماعی اقتصادی ورزش می‌کنند. اما همان‌گونه که اشاره شد ورزش هنوز هم ایجادکننده تمایز است. در این زمینه اشاره به نظریات بوردیو (۱۹۸۴) می‌تواند برای درک موضوع تمایز جالب باشد، بوردیو (۱۹۸۴) معتقد است تمایزات اجتماعی را می‌توان در مجموعه متنوعی از اعمال اجتماعی مشاهده کرد از جمله اعمالی که به‌طور سنتی مربوط به فراغت می‌شوند مثل تعطیلات، ورزش، مطالعه، موسیقی، سینما و هر آنچه به اوقات فراغت مربوط می‌شود. بنابراین همان‌گونه که بوردیو معتقد است ورزش یکی از مظاهر ایجادکننده تمایز برای شهروندان است که همه نسل‌ها تمایز ایجاد شده به‌وسیله ورزش را تجربه می‌کنند. اما همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد شاید دیگر امروزه با صرف ورزش کردن نتوان تمایز خاصی را تجربه کرد و شاید باید در عرصه ورزش نیز سراغ پدیده‌های جدیدتری (مثلاً رشته‌های ورزشی جدید و متفاوت) رفت. قدرت تمایزدهی متفاوت رشته‌ها یا فعالیت‌های مختلف ورزشی را بوردیو نیز در مطالعه خود نشان داده بود. از نظر بوردیو (۱۹۸۴) در جامعه‌ای مانند فرانسه در میدان قدرت، با عملکردها و سبک‌های زندگی‌ای سروکار داریم که سرگرمی‌های موردعلاقه آن‌ها، اسکی روی آب، تنیس، اسب‌سواری، شطرنج، گلف و نواختن یا گوش سپردن به پیانو است؛ درحالی‌که در طیف مقابل با فوتبال، ماهی‌گیری و نواختن یا شنیدن دیگر انواع موسیقی سروکار داریم.

درون‌مایه جایگاه اجتماعی برتر شامل طبقات فرعی صادق بودن، جوانمردی و روابط اجتماعی پایدار (دوستی‌های صادقانه و مورداحترام بودن) بود و مؤید تجارب مثبت حاصل از شرکت در فعالیت‌های ورزشی است. در تجارب صادق بودن، جوانمردی و مورد اعتماد بودن تفاوت محسوسی در تجارب نسل‌های مختلف مشاهده نشد و می‌توان گفت که در همه زمان‌ها ورزش پتانسیل زیادی برای ایجاد این تجارب مثبت دارد. اما در تجربه دوستی‌های صادقانه نسل چهارمی‌ها در اولویت بودند. می‌توان گفت برقراری و حفظ دوستی‌های موفق بر پایه صداقت در شرایط امروزی جامعه ما اهمیت زیادی دارد و ورزش به‌عنوان یک پدیده مثبت توانایی ایجاد چنین فضایی را برای مشارکت‌کنندگان دارد اما تجربه مورد احترام بودن در نسل اولی‌ها اهمیت بیشتری داشت و نشان می‌دهد با گذشت سن و وارد شدن به دوران سالمندی افراد احساس نیاز بیشتری به مورداحترام واقع شدن دارند. در واقع در دوران سالمندی افراد جایگاه شغلی خود را از دست می‌دهند و ممکن است منزلت شغلی خود را نیز از دست داده باشند و حتی ممکن است از طرف اعضای خانواده به خانه‌های سالمندان سپرده شده باشند. از

دیگر ویژگی‌های دوران سالمندی این است که افراد حتی ممکن است دوستان صمیمی خود را نیز از دست بدهند در چنین شرایطی تجربه مورد احترام واقع شدن برای آنان اهمیت خیلی زیادی پیدا می‌کند. احساس تنهایی تجربه غالبی است که در دوران سالمندی سراغ افراد می‌آید و بر سایر جنبه‌های زندگی آنان نیز اثر می‌گذارد. در این زمینه اشاره به نتایج یک پژوهش پدیدارشناسانه جالب است. هروی کریموی و همکاران (۱۳۸۶) در تبیین دیدگاه سالمندان نسبت به تنهایی نشان دادند افراد سالمند درد، رنج، فقدان و محرومیت را در این دوران تجربه می‌کنند. لذا می‌توان استنباط کرد مورداحترام واقع شدن مقوله‌ای مهم برای نسل اولی‌ها است و ورزش باید بتواند این حس تجربه مثبت را در آنان ایجاد کند و به نوعی تنهایی آنان را تعدیل نماید.

آخرین درون‌مایه ظهور یافته تجارب منفی بود که شامل دو طبقه فرعی مخفی‌کاری و کار بی‌ثمر یا زائد بود. این درون‌مایه نشان‌دهنده تجارب منفی است که عمدتاً بازخوردی بوده و در تعامل با دیگران به وجود می‌آید و حتی ممکن است ادامه فعالیت ورزشی فرد را تحت تأثیر خود قرار داده و آن را از ورزش بازدارد. هر دو تجربه منفی اهمیت بیشتری در نسل‌های اول و دوم نسبت به نسل‌های سوم و چهارم داشتند و همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد (در توضیح تجربه انگشت‌نما بودن) ورزش در زمان‌های گذشته بیشتر امری غیرعادی تلقی می‌شد، اما در حال حاضر یک موضوع پذیرفته‌شده برای همگان است. در گذشته به ویژه اگر در خانواده‌ای با طبقه اجتماعی مالی پایین‌تر یا شغل سخت پدر فرزندی به ورزش روی می‌آورد بیشتر از جانب سایرین مورد مواخذه قرار می‌گرفت و ورزش کردن او کار بی‌ثمری تلقی می‌شد. لذا در چنین حالتی برای فرار از بازخوردهای منفی دیگران احتمالاً فرد ورزش خود را به‌صورت پنهانی ادامه می‌داد. اما در حال حاضر حتی خانواده‌ها با وضعیت مالی پایین تمایل زیادی به ورزش کردن فرزندان خود دارند و هزینه‌کرد در ورزش فرزندان را حتی نوعی سرمایه‌گذاری در آینده وی می‌پندارند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت این پژوهش از جمله معدود پژوهش‌هایی بود که ورزش را از منظر نسلی و بین نسل‌های مختلف ایرانی مورد مطالعه قرار داد. همچنین با توجه به روش به‌کار گرفته‌شده در آن نمی‌توان به راحتی نتایج را به سایر حالت‌ها تعمیم داد. این امر لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر را نشان می‌دهد. ورزش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر زندگی امروزی پدیده‌ای قدرتمند از نظر اجتماعی است و روزبه‌روز بر پیچیدگی ابعاد و جنبه‌های آن افزوده می‌شود. لذا تغییرات ارزشی و فرهنگی که همواره بین نسل‌های مختلف وجود دارد و محل توجه جامعه شناسان و عالمان علوم اجتماعی قرار گرفته است باید در زمینه ورزش نیز موردتوجه پژوهشگران این علم از جمله جامعه شناسان ورزشی قرار گیرد. نتایج به‌طور کلی مؤید این بود که نسل‌های چهارگانه ایرانی در زمینه ارزش‌های و تجارب ورزشی تفاوت‌هایی را نسبت به هم دارند. البته در برخی از زمینه‌ها

تفاوت‌هایی وجود نداشت در مقابل برخی از زمینه‌ها شاهد تفاوت زیادی بود. این تفاوت‌ها باید توسط متصدیان، برنامه‌ریزان و مدیران امر ورزش و مدیریت ورزشی مورد توجه قرار گیرد تا زمینه مشارکت حداکثری همه نسل‌های ایرانی در ورزش فراهم گردد. همچنین لازم است به برخی از تجارب منفی پدیده ورزش که غالباً در نسل‌های اول و دوم پررنگ‌تر بود، توجه گردد تا این نسل‌ها نیز بتوانند از تجارب مثبت ورزش بیشتر بهره ببرند. همچنانیکه ریوردیتو و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند تجارب مثبت ورزشی می‌تواند به عنوان نشانگر مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین با مدنظر قرار دادن مداوم تجارب افراد از ورزش می‌توان در صورت نیاز نسبت به بازبینی روش‌های اجرایی اقدام نمود.

منابع

1. Aflakifard, H., Mirshah Jafari, S. E., Sadatmand, Z., & Keshti Aray, N. (2013). Abstraction of Intergenerational Education in Curriculum Era: A Qualitative Research. *New Approach in Educational Management*, 4(15), 217-248. (Persian) .
2. Ahmadi, Y., & Namaki, A. (2013). Democratic Political Culture among Iranian Generations (A Secondary Analysis of the World Values Survey (WVS) for Iran, Its Ethnicities and Provinces). *Journal of Applied Sociology*, 24(3), 131-154. (Persian) .
3. Azizi, B., Jalali Farahani, M., & Khabiri, M. (2011). Survey of the attitudes of students living in university of Tehran dormitories towards sport for all. *Journal of Sport Management*, 5(3), 75-91. (Persian) .
4. Blazo, J. A., Czech, D. R., Carson, S., & Dees, W. (2014). A qualitative investigation of the sibling sport achievement experience. *The Sport Psychologist*, 28(1), 36-47 .
5. Bollas, C. (2013). *Being a Character: Psychoanalysis and Self Experience*. London: Routledge.
6. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Translated by Hasan Chavoshian. Tehran: Sales.
7. Chitsaz ghomi, M. J. (2007). Recognition of generation concepts and generation gap. *Research of Youth, Culture and Society*, 1(1), 85-112. (Persian) .
8. Clemes, M. D., Brush, G. J., & Collins, M. J. (2011). Analyzing the professional sport experience: A hierarchical approach. *Sport Management Review*, 14(4), 370-388 .
9. Colaizzi, P. F. (1978). Psychological research as the phenomenologist views it. In R. S. Valle & M. King (Eds.), *Existential-Phenomenological Alternatives for Psychology*. New York: Oxford University

10. Danesh, P., Zakeri Nasrabadi, Z., & Abdellahi, A. S. (2014). Sociological Analysis of the Generation Gap in Iran. *Sociological Cultural Studies*, 5(3), 1-30. (Persian) .
11. Ebben, W., & Brudzynski, L. (2008). MOTIVATIONS AND BARRIERS TO EXERCISE AMONG COLLEGE STUDENTS. *Journal of Exercise Physiology Online*, 11 (5), 1-11.
12. Eyvazi, G. (2015). Sociological Study of the Generation Gap in Iran after the Islamic Revolution with Emphasis on Cultural Elements of the Iranian Identity. *Journal of Islam and Social Studies*, 3(11), 90-120. (Persian) .
13. Fry, M. D., & Lori, G.-O. (2010). Exploring the contribution of the caring climate to the youth sport experience. *Journal of applied sport psychology*, 22(3), 294-304 .
14. Heravi Karimloo, M., Anoosheh, M., Foroughan, M., Sheykhi, M. T., Hajizade, E., Seyed Bagher Maddah, M. S., Ahmadi, F. (2008). Loneliness from the Perspectives of Elderly People: A Phenomenological Study. *Iranian Journal of Ageing*, 2(4), 410-420. (Persian) .
15. Jafarzadeh Pour, f. (2017). Media, a tool for Generations Classification in Iran. *Sociological Cultural Studies*, 8(2), 1-17. (Persian)
16. Jajarmi, k. (1999). *Young generation: New generation structural features*. Tehran: Asian Studies Foundation. (Persian).
17. Kafashi, M. (2015). A Survey on Effective Social and Cultural Factors in Generation Gap in Tehran. *Quarterly journal OF Women & Society*, 6(21), 67-86. (Persian) .
18. Khanifar, H., & Moslemi, N. (2017). *Principles and foundations of qualitative research methods* .Tehran: Negah Danesh. (Persian).
19. Kosari, M. (2008). Generations of X, Y and Z and Cultural Policy in Iran. *Strategy for Culture* (3), 65-84. (Persian) .
20. Mohamad Pour, A. (2013). *Qualitative research method of anti-method 1* (Vol. 1). Tehran: Jameshenasan. (Persian).
21. Moidfar, S. (2004). Generation gap or cultural breakthrough (studying the generation gap in Iran). *Journal of Social Science Letter* (24), 55-80. (Persian)
22. Moin, M. (2008). *Moin Encyclopedic Dictionary*. Tehran: Farhang-e-Faza Publishing House, Arad Book. (Persian).
23. Patton, M. Q. (2014). *Qualitative Research & Evaluation Methods: Integrating Theory and Practice*: SAGE Publications.
24. Rabbani, R. (2010). *Youth sociology*. Tehran: Avaye Noor Publication. (Persian).
25. Reverdito, R. S., Carvalho, H. M., Galatti, L. R., Scaglia, A. J., Gonçalves, C. E., & Paes, R. R. (2017). Effects of youth participation in extra-curricular sport programs on perceived self-efficacy: A multilevel analysis. *Perceptual and motor skills*, 124(3), 569-583 .

26. Sandford, R. A., Duncombe, R., & Armour, K. M. (2008). The role of physical activity/sport in tackling youth disaffection and anti-social behavior. *Educational review*, 60(4), 419-435 .
27. Saroukhani, b. (1997). *Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: Keyhan Publication. (Persian).
28. Shalchi, V., & Ziyachi, M. (2014). Generational Differences in Lifestyle: A Case Study in 1st Zone of Tehran. *Socio-cultural Development Studies*, 3(1), 69-91. (Persian) .
29. Sohrabzadeh, M. (2010). Comparing Generative and Inter-generative Subjectivity in Post-Revolutionary Academic Generations in Iran. *Journal of Iranian Cultural Research*, 2(4), 263-294. (Persian) .
30. Tajik, M. R. (2002). Iranian society and the gap between generations. *Rahbord* (26), 264-280. (Persian)
31. Thompson, C. J. (1996). Caring consumers: Gendered consumption meanings and the juggling lifestyle. *Journal of Consumer Research*, 22(4), 388-407 .
32. Toulabi, Z., & Kamarbeigi, K. Value Differences between Parents and Children (A Review and Explanation of Value Differences in Ilam). *Journal of Family Research*, 9(2), 205- 219. (Persian) .
33. Warner, S., & Dixon, M. A. (2015). Competition, gender and the sport experience: An exploration among college athletes. *Sport, education and society*, 20(4), 527-545 .

ارجاع دهی

محمدی ترکمانی احسان، نریمان حمید، خنیفر حسین. (۱۳۹۸). شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۸۶-۱۵۹. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.6347.1530

Mohamadi Turkmani E, Nariman H, Khanifar H. (2019). Identification and Comparison of Values and Sport Experiences between Iranian Generations. *Research on Educational Sport*, 7(17): 159-86. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.6347.1530

تأثیر آموزش هوش هیجانی بر مهارت‌های دقت پرتاب، هماهنگی دو دستی، تعادل و بازیافت تمرکز در دانش‌آموزان ورزشکار

امیر شمس^۱، لیلا ریاحی فارسانی^۲، ماندانا سنگاری^۳

۱. استادیار پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد. دبیر تربیت‌بدنی شهرستان فارس

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، مازنداران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش هوش هیجانی بر عملکرد مهارت‌های هماهنگی دو دستی، تعادل و بازیافت تمرکز نوجوانان ورزشکار دختر و پسر بود. روش پژوهش حاضر نیمه تجربی و جامعه آماری آن را تمامی دانش‌آموزان ورزشکار ۱۶-۱۴ سال شهرستان شهرکرد استان چهارمحال و بختیاری تشکیل دادند. بدین منظور ۹۲ دانش‌آموز (۴۶ دختر و ۴۶ پسر) داوطلب به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و به دو گروه آموزش و کنترل تقسیم شدند. برای سنجش هوش هیجانی از پرسش‌نامه هوش هیجانی برادبری و گریوز و برای سنجش مهارت بازیافت تمرکز از خرده مقیاس بازیافت تمرکز پرسش‌نامه سنجش مهارت‌های روان‌شناختی اوتاوا-۳ استفاده شد. همچنین، مجموعه ای از آزمون‌های حرکتی (آزمون تعادل لک لک، تعادل پویا، آزمون پرتاب جانسون جهت ارزیابی دقت و آزمون هماهنگی دو دستی) استفاده شد. برنامه آموزش مهارت‌های هوش هیجانی برای ورزشکاران نوجوان طی ۱۰ جلسه انجام شد. جهت تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری نظیر همسانی واریانس‌ها، آزمون کولموگروف اسمیرنوف و آزمون تی مستقل در سطح معناداری $P > 0.05$ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین پس‌آزمون دو گروه در چهار مؤلفه هوش هیجانی (خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت رابطه)، و مهارت بازیافت تمرکز و عملکرد حرکتی (دقت، تعادل ایستا، تعادل پویا، هماهنگی دو دستی) وجود دارد ($P > 0.05$). بنابراین به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های هوش هیجانی یکی از بخش‌های مهم آمادگی حرکتی و روانی به شمار می‌رود که این موضوع لازمه دستیابی به اجرای بهینه ورزشی است.

واژگان کلیدی: آموزش هوش هیجانی، هماهنگی دو دستی، تعادل، مهارت بازیافت تمرکز

1. Email: amirshams85@gmail.com

2. leilariahi@yahoo.com

3. mandana.sangari@gmail.com

مقدمه

دوران نوجوانی شامل فرایندهای رشدی انتقال از کودکی به بزرگسالی است. نوجوانی از مراحل مهم تحول شخصیت به شمار می‌رود که از دیرباز محور توجه روان‌شناسان بوده است. این دوره شامل فرایندها و تحولات مهم جسمانی، شناختی، عاطفی، روانی و اجتماعی است (وادینگتون و سامبو، ۲۰۱۵). رشد اجتماعی مهمترین جنبه رشد وجود هر شخص است. از آنجایی که دوره نوجوانی، دوره حساسی است سازگاری اجتماعی در نوجوانان به عنوان مهم‌ترین نشانه سلامت روان آنان، از مباحثی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و مربیان بوده است. سازگاری اجتماعی نوجوان در این دوره دستخوش تحولات عاطفی، جسمانی و ذهنی شدیدی است که هنوز به طور کامل رشد نیافته است. ملاک اندازه‌گیری رشد اجتماعی، سازگاری فرد با دیگران است (بورگانس و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای آموخته شده انطباقی است که فرد را قادر می‌سازد تا با افراد دیگر روابط متقابل و تعاملات مثبت داشته و از رفتارهایی که پیامد منفی دارند، بپرهیزد (مایر و همکاران، ۲۰۰۸^۲، بورگانس و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از الگوهایی که با سازگاری و مهارت‌های اجتماعی در ارتباط است، هوش هیجانی^۳ است (مایر و همکاران، ۲۰۰۸). هوش هیجانی واژه‌ای است که در عرصه روان‌شناسی ورزشی عنوان شده و دانشمندان درصدد یافتن اطلاعات در این زمینه هستند. اثرات هوش هیجانی بر موفقیت انسان در زندگی شگفت‌انگیز است (کالاپریا و آنوراها، ۲۰۱۵^۴). محققان هوش هیجانی را شناخت، درک، کنترل افکار و احساسات و ارتباط دادن مناسب آن‌ها با دیگر موارد تعریف نموده‌اند به گونه‌ای که با هیجان‌ات دیگران همراهی نموده و افراد را قادر می‌سازد بر اساس یک سطح هیجانی مناسب با دیگران وارد تعامل شوند (مایر و همکاران، ۲۰۰۸). گلدمن^۵ (۱۹۹۸) معتقد است هوش شناختی در بهترین شرایط تنها ۲۰ درصد از موفقیت‌ها را سبب می‌شود و ۸۰ درصد از موفقیت‌ها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موقعیت‌ها در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند. در واقع هوش هیجانی عدم موفقیت افراد با ضریب هوش بالا و همچنین موفقیت غیرمنتظره افراد دارای هوش متوسط را تعیین می‌کند. یعنی افراد با داشتن هوش عمومی متوسط و هوش هیجانی بالا خیلی موفق‌تر از کسانی هستند که هوش

-
1. Waddington & Sambo
 2. Borghans et al.
 3. Mayer et al.
 4. Emotional intelligent
 5. Kalapriya & Anuradha
 6. Goldman

عمومی بالا و هوش هیجانی پایین دارند. هوش هیجانی عمدتاً به عنوان توانایی فرد در بازنگری احساسات و هیجان‌های خود و دیگران، تمیز قائل شدن میان هیجان‌ها و استفاده از اطلاعات هیجان‌ها در حل مسئله و نظم بخشی رفتار تعریف می‌شود (بار-آن، ۲۰۰۴). حبیب زاده و طالبیان نیا (۲۰۱۵) هوش هیجانی را به عنوان مجموعه‌ای از قابلیت‌های غیرشناختی دانسته که مهارت افراد در مواجهه با فشارها و الزامات محیطی را افزایش می‌دهد. بر این اساس، نقش هوش هیجانی در دوران نوجوانی مورد توجه قرار گرفته است. هوش هیجانی بالا می‌تواند به دانش‌آموز در فرآیند یادگیری کمک کند. دانش‌آموزان با هوش هیجانی پایین ممکن است شکست سخت‌تری را تجربه کنند که این امر باعث تضعیف انگیزه‌های علمی در آن‌ها می‌شود. براکت و مایر^۲ (۲۰۰۳) مارتینز و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای روی ۱۵ مجرم نوجوانان پسر ۱۷-۱۵ ساله عنوان نمودند که این مجرمان دارای مشکل، شناخت احساسات خود و دیگران که دو عنصر مهم هوش هیجانی است بوده‌اند. هوش هیجانی صفتی است که به طور منفی با افسردگی، اضطراب، خشم و رفتار مخرب (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۰)؛ و به طور مثبت با روش‌های تطبیقی تعاملی، روابط با همسالان و صلاحیت عاطفی اجتماعی در ارتباط است (فردریکسون و همکاران، ۲۰۱۳). مطالعات متعدد ساختار ارتباطی هوش هیجانی را در بسیاری از حوزه‌های مهم زندگی، از جمله سلامت (کاستا و همکاران، ۲۰۱۴)، والدین (گagliandolo و همکاران، ۲۰۱۴)، آرامش روانی (آندری و پتریدس، ۲۰۱۳)، عملکرد آکادمیک (سانجس-رویز و همکاران، ۲۰۱۳)، مدیریت و تصمیم‌گیری حرفه‌ای (دی فابیو و ساکلوفسکی، ۲۰۱۴) نشان داده‌اند. محققان نشان داده‌اند سطح هوش هیجانی را می‌توان از طریق آموزش و تمرین بهبود بخشید (روزنستین و استارک، ۲۰۱۵^۶). هوش هیجانی را می‌توان در هر سنی از طریق کسب مهارت‌های ضروری و به کارگیری آن در عملکردهای درونی و موقعیت‌های اجتماعی افزایش داد. یک فرد بالغ می‌تواند هوش هیجانی را رشد دهد اما کودکان و نوجوانان می‌توانند این دسته مهارت‌ها را از سنین اولیه فرا گیرند چرا که این مهارت‌ها به آن‌ها کمک نموده تا با پستی و بلندی‌های زندگی خود مقابله کنند. والدین، معلمان و مربیان می‌توانند بسیاری از مهارت‌ها را با تلاش‌های سنجیده و فعالیت‌های هدفمند به

-
1. Bar-On
 2. Brackett and Mayer
 3. Frederickson et al.
 4. Gugliandolo et al.
 5. Di Fabio & Saklofske
 6. Rosenstein & Stark

کودکان و نوجوانان آموزش دهند. دی فابیو و کنی (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی هوش هیجانی می‌تواند بر ارتقاء ویژگی‌های روانی و حرکتی تأثیرگذار باشد. این برنامه‌های آموزشی قدرت رهبری را افزایش داده و باعث کاهش پرخاشگری و خشم می‌شود (کاستیلو و همکاران، ۲۰۱۳). در این مطالعات بر توجه به برنامه‌های مداخله‌ای عاطفی و اجتماعی، تأیید شده است که باعث بهبود رفتار خود کنترلی (چوکو-لاراری و چرینوس، ۲۰۰۹)، رفتار قاطعانه (ملرو و پالومرا، ۲۰۱۱)، حل مسائل شخصی و اجتماعی (مار و همکاران، ۲۰۰۴)، توانایی تحلیل احساسات (گاراایگوردوبلی، ۲۰۰۸)^۲، و کاهش پرخاشگری می‌شوند. آموزش مهارت‌های هوش هیجانی به سازگاری با محیط و تعاملات اجتماعی کمک می‌نماید و باعث افزایش عزت‌نفس افراد می‌شود. هنگامی که نوجوانان از نظر هوش هیجانی هوشیار گردند قادر خواهند بود تا هیجانات منفی خود را به طور سازنده‌ای کنترل کنند در نتیجه واکنش‌های مثبتی را از دیگران می‌بینند و بدین سان ظرفیت یادگیری خود را افزایش می‌دهند (ساکز، ۲۰۰۶)^۳. مطالعات نشان داده است که آموزش هوش هیجانی با بسیاری از ویژگی‌های روانی از جمله مهارت بازیافت تمرکز در ارتباط است. در مدل چند عاملی هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۷) هوش هیجانی عبارت است از توانایی‌ها و مهارت‌های غیرشناختی که توانایی فرد را برای دستیابی به موفقیت در مقابله با الزامات و فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مدل شامل عواملی است که مستقیماً با مهارت بازیافت تمرکز فرد در ارتباط است. افزایش مهارت بازیافت تمرکز از طریق برنامه‌های آموزشی هوش هیجانی می‌تواند بر تبحر در مهارت‌های حرکتی و ورزش تأثیر گذار باشد. مطالعات متعدد نشان داده است ورزشکاران، دارای سطح بالاتری از هوش هیجانی و مهارت بازیافت تمرکز نسبت به غیر ورزشکاران هستند. نتایج مطالعات جردن و همکاران^۴ (۱۹۹۹) و آجای^۵ (۲۰۰۷) نشان داده است افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، عملکرد بهتری را در اجرای مهارت‌های حرکتی از خود نشان می‌دهند. بشارت (۲۰۰۵) نشان داد هوش هیجانی، رابطه مثبتی با رضایت از زندگی، عملکرد بهتر در تکالیف و مشکلات شناختی کمتر و تفکر روشن در طی تمرینات مهارتی دارد. پرلینی و هالورسون^۶ (۲۰۰۶) هوش هیجانی بازیکنان هاکی لیگ برتر و افراد معمولی را مقایسه کردند. آنها نتیجه گرفتند بازیکنان هاکی، هوش هیجانی بالاتری در مقایسه با افراد عادی دارند و همچنین هوش هیجانی به‌طور مثبت با عملکرد ورزشکاران در حین

-
1. DFabio & Kenny
 2. Garaigordobil
 3. Sacks
 4. Jordan
 5. Ajay
 6. Perlini & Halverson

بازی مرتبط بود. ساکلوفسکه و همکاران^۱ (۲۰۰۷) در یک پژوهش زمینه‌ای تحت عنوان "رابطه بین هوش هیجانی، شخصیت، و تمرینات ورزشی" نتیجه‌گیری کردند که هوش هیجانی روابط بین شخصیت و رفتار در تمرین ورزشی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد تفاوت معناداری بین هوش هیجانی در ورزشکاران و غیر ورزشکاران وجود دارد و سطح هوش بین فردی که جزئی از هوش هیجانی است، در ورزشکاران رشته‌های ورزشی تیمی نسبت به ورزشکاران رشته‌های ورزشی انفرادی بالاتر است. واینبرگ و گولد^۲ (۲۰۰۷) عوامل روانی را اولین دلیل نوسانات روز به روز عملکرد ورزشی می‌دانند و بازیافت تمرکز را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر موفقیت و شکست بیان می‌کند. گوکیاردی^۳ (۲۰۰۸) نیز چنین بیان می‌کند امروزه بحث تأثیر مهارت‌های بازیافت تمرکز در اجرای مهارت‌های ورزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است و عوامل روانی که در عملکرد ورزشی سهیم می‌باشند از جمله اعتماد به نفس، انگیزش، توجه، تجسم و روان تنی و تأثیر هر یک بر عملکرد مورد توجه محققان است و آموزش هوش هیجانی یکی از روش‌های آموزشی مهارت‌های روانی است. کرومبی ولومبارد^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان تعیین رابطه بین هوش هیجانی و اجرای ورزشی شش تیم کریکت در مسابقات کریکت ملی در آفریقای جنوبی در طی دو فصل متوالی نشان دادند هوش هیجانی می‌تواند عامل پیش‌بینی قوی برای موفقیت افراد در مهارت‌های پیچیده باشد. همچنین، هوش هیجانی تیمی، پیش‌بینی‌کننده مهمی برای عملکرد ورزشی است. در طول دهه گذشته، افزایش شواهد تجربی با توجه به تاثیرپذیری ورزش از هوش هیجانی به عنوان یک خصیصه جمع‌آوری شده است. هوش هیجانی با عوامل مؤثر بر اجرا در ورزشکاران مانند حداکثر انقباضات ارادی مرتبط است، و تصور می‌شود که تأثیر محافظتی بر روی واکنش‌های فیزیولوژیکی به استرس دارد (لاپرده و همکاران، ۲۰۱۴). با مرور پژوهش‌ها می‌توان نتیجه گرفت هوش هیجانی به عنوان یک سازه روانی است که می‌تواند بر ویژگی‌های روانی و مهارت‌های ورزشی تأثیرگذار باشد اما بیشتر پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده است در کمتر پژوهشی تأثیر آموزشی هوش هیجانی بر سازه‌های روانی و حرکتی بررسی شده است. با توجه به مطالب ذکر شده دوران نوجوانی، با شور و هیجان، احساس‌های متناقض، تحریکات فیزیولوژی و عاطفی پر تنش همراه است و از آنجایی که بر اساس ادبیات عنوان شده هوش هیجانی بر بسیاری از این هیجانات، عواطف و مهارت‌ها مؤثر است ما در این

-
1. Saklofske
 2. Weinberg and Gould
 3. Gucciardi
 4. Crombie & Lombard

پژوهش بر آن شدیم تا نقش آموزش هوش هیجانی را بر مهارت بازیافت تمرکز به عنوان یک مهارت شناختی و نیز نقش آموزش هوش هیجانی بر تعادل، دقت پرتاب و نیز مهارت هماهنگی دو دستی را به عنوان مهارت‌های حرکتی در دختران و پسران ورزشکاران مورد بررسی قرار دهیم. با امید به اینکه نتایج این پژوهش راه‌گشای مربیان و معلمان باشد که در نظام آموزش و پرورش در جهت ارتقاء توانایی‌های شناختی و حرکتی نوجوانان تلاش می‌نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، نیمه تجربی و از نوع پژوهش کاربردی است.

شرکت‌کنندگان

در این پژوهش از بین تمام ورزشکاران دانش‌آموز شهرستان شهرکرد استان چهارمحال و بختیاری ۹۲ دانش‌آموز ورزشکار ۱۴ تا ۱۶ سال (۴۶ دختر و ۴۶ پسر) که به طور مداوم در کانون‌ها و باشگاه‌های ورزشی در رشته‌های مختلف ورزشی شرکت می‌کردند، انتخاب شده و دانش‌آموزان به صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی (۲۳ دختر و ۲۳ پسر) و کنترل (۲۳ دختر و ۲۳ پسر) تقسیم شدند. معیارهای ارزشیابی نمونه عبارت از حضور منظم در دوره، مشارکت فعال در طول دوره، انجام کارهای عملی در طول دوره بوده است.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه هوش هیجانی برادبری و گریوز (۲۰۰۶)

آزمون هوش هیجانی برادبری و گریوز (۲۰۰۶) از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول آن شامل مهارت خودآگاهی و خود مدیریتی است که قابلیت فردی و بخش دوم آن شامل مهارت آگاهی - اجتماعی و مدیریت رابطه (قابلیت اجتماعی) است. این آزمون شامل ۲۸ سؤال ۵ گزینه‌ای است که پاسخ‌های آن به ترتیب شامل هرگز، به ندرت، گاهی، معمولاً، همیشه، تقریباً همیشه و همیشه است. محاسبه اعتبار و پایایی این آزمون در کشور ایران توسط حمزه گنجی انجام شد. پایایی آن از طریق بازآزمایی در یک گروه ۳۶ نفری برای چهار مهارت تشکیل‌دهنده هوش هیجانی و کل هوش هیجانی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۶، ۰/۷۰، ۰/۷۳ و ۰/۸۹ بوده است. در گروه دیگری (۸۴ نفر) آزمون فقط یک بار اجرا شد و ضریب پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ، برای گروه‌های پسران و دختران و کل گروه ۰/۸۸ به دست آمده است. همه ضرایب به دست آمده چه از طریق دو بار اجرا و چه از طریق آلفای کرونباخ، در سطح ($P < 0.01$) معنادار بوده است. قسمت اول سؤالات (۱ تا ۶) مربوط به مهارت خود-آگاهی، قسمت دوم سؤالات (۷ تا ۱۵) مربوط به مهارت خود-مدیریتی، قسمت سوم سؤالات (۱۶ تا ۲۰) مربوط به مهارت آگاهی اجتماعی، قسمت چهارم سؤالات (۲۱ تا ۲۸) مربوط به مهارت مدیریت رابطه

می باشد. برای تعیین روایی این آزمون به همراه آزمون هوش هیجانی بار-ان در یک گروه ۳۱ نفری اجرا شده و ضریب همبستگی ۰/۶۸ به دست آمده که باز در سطح ۰/۹۹ معنادار است. بنابر این، اعتبار و روایی آزمون مورد تأیید است.

مهارت بازیافت تمرکز

برای سنجش مهارت بازیافت تمرکز از خرده مقیاس بازیافت تمرکز پرسش‌نامه سنجش مهارت‌های روان‌شناختی اوتاوا-۳ استفاده شد. این آزمون دوازده مهارت روانی ارزیابی نموده که به سه دسته به ترتیب ذیل تقسیم می‌شوند. ۱- مهارت‌های روانی پایه: شامل (تعیین هدف، اعتماد به نفس و تعهد) می‌باشد. ۲- مهارت‌های روانی تنی: شامل (واکنش به استرس، کنترل ترس، آرمیدگی و نیرو بخشی) می‌باشد. ۳- مهارت‌های شناختی: شامل (تصویرسازی ذهنی، تمرین ذهنی، بازیافت تمرکز و طرح ریزی مسابقه) است. تمرکز ۸۰٪ کمترین و اعتماد به نفس و نمره کلی مهارت بازیافت تمرکز با همبستگی ۹۶٪ بالاترین میزان همبستگی را نشان داده است. زیدآبادی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی که روی ۴۸۰ ورزشکار از ۱۰ رشته ورزشی انجام دادند، روایی و پایایی بالایی را برای پرسش‌نامه گزارش نمودند. این پرسش‌نامه شامل ۴۸ سؤال است که به صورت مقیاس لیکرت هفت سطحی است. امتیازات به صورت کاملاً مخالف (۱)، مخالف (۲)، تا حدی مخالف (۳)، موافق نیستم /مخالف نیستم (۴)، تا حدی موافق (۵)، موافق (۶)، کاملاً موافق (۷) در نظر گرفته شده است. آزمودنی‌ها بر اساس وضعیت فعلی یا گذشته خود در رقابت‌ها و تمرینات به یکی از این هفت گزینه پاسخ می‌دهند. سؤالات مربوط به واکنش به استرس، کنترل ترس، تمرکز و بازیافت تمرکز به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (واعظ موسوی، ۲۰۰۰).

شیوه‌های اندازه‌گیری عملکرد حرکتی

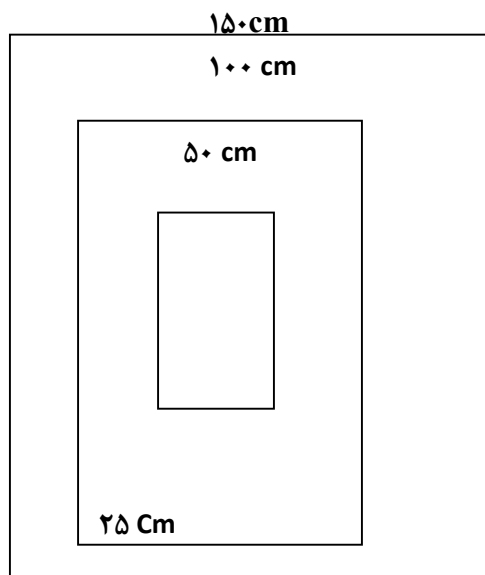
برای اندازه‌گیری میزان مهارت‌های حرکتی دانش‌آموزان از یک مجموعه مرکب از چهار آزمون استفاده گردید.

آزمون دقت در پرتاب (جانسون):

دانش‌آموزان آموزش می‌بینند که در مقابل هدف مانند شکل ۱ قرار گرفته و با استفاده از شوت هوک و یا پرتاب بیسبال توپ هندبال را ده مرتبه به طرف هدف پرتاب نمایند. در این آزمون فاصله فرد

-
1. Basic Skills
 2. Psycho-somatic Skills
 3. Cognitive Skills
 4. Sheehan

پرتاب‌کننده تا دیوار ۱۲ متر است. نحوه امتیازدهی برای ده فعالیت (پرتاب) به شرح ذیل است: زدن توپ به منطقه یک (۱ امتیاز)/ زدن توپ به منطقه دو (۱ امتیاز)/ زدن توپ به منطقه سه (۱ امتیاز) (شکل ۱).

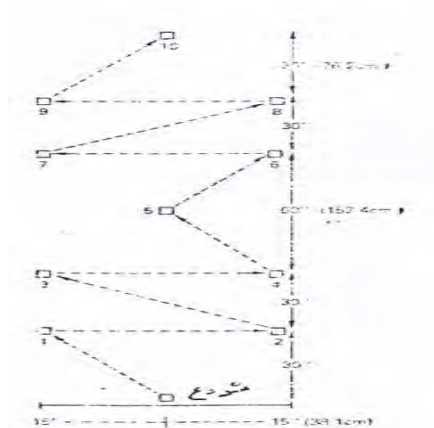


شکل ۱- نمایش محل پرتاب توپ در آزمون دقت در پرتاب جانسون

آزمون تعادل پویا

برای ارزیابی تعادل پویا از آزمون تعادل پویای ایفرد استفاده شد (شکل ۲). آزمودنی در نقطه شروع روی پای راست خود می‌ایستد سپس با پای چپ به طرف اولین نوار علامت‌گذاری شده پرش می‌کند و سعی می‌کنند وضعیت ساکن (ایستا) برای پنج ثانیه حفظ نماید. بعد از این حرکت آزمودنی با پای راست به دومین نوار علامت‌گذاری شده پرش می‌نماید آزمون با پاهای متناوب پرش را ادامه می‌دهد و وضعیت ساکن را برای پنج ثانیه حفظ می‌نماید تا مسیر آزمون تمام شود. برجستگی کف پای تست‌شونده باید به طور کامل هر نوار علامت‌گذاری شده را بپوشاند. به طوری که آن علائم قابل رویت نباشد. یک پرش با موفقیت عبارتست از پوشاندن هر نوار با قسمت برجسته پا، لمس نشدن سطح محل آزمون با پاشنه پا یا هر قسمت دیگر بدن (به عبارت دیگر جهشی با موفقیت است که نقاط علامت‌گذاری شده به وسیله برجستگی کف پا کاملاً پوشیده شده و هیچ نقطه دیگری از بدن و پا پاشنه پا با زمین کف سالن تماس پیدا نکند) و یک حالت ایستا برای پنج ثانیه روی هر نوار حفظ شود. امتیاز برای فرود آمدن و پوشاندن هر نوار علامت‌گذاری شده به طور موفقیت‌آمیز پنج امتیاز

محسوب می‌گردد و برای پنج ثانیه که آزمودنی بتواند در یک حالت تعادل ایستا پس از پرش بر روی نوار علامت‌گذاری شده قرار گیرد پنج امتیاز در نظر گرفته می‌شود. یک آزمودنی می‌تواند نهایتاً حداکثر در هر نوار علامت‌گذاری شده ۱۰ امتیاز کسب کند که در مجموع ۱۰۰ امتیاز برای تمام مسیر به دست می‌آورد (شکل ۲).



شکل ۲- نمایش مسیر حرکت در آزمون تعادل پویا

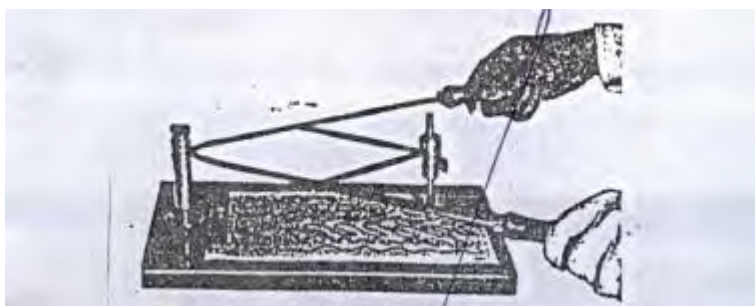
آزمون تعادل ایستا

از آزمون تعادل لک لک برای اندازه‌گیری تعادل ایستا استفاده شده است. بهترین زمان در سه فعالیت، رکورد آزمودنی محسوب می‌شود.

آزمون هماهنگی^۱

هدف این آزمون ارزیابی میزان هماهنگی بین چشم و دست‌ها است. وسایل کمکی آزمون شامل درشت‌نما، طرح کشیده شده، تخته کف (پایه)، زمان سنج است. روش آزمون به این صورت است که آزمودنی سر میزی که تخته پایه روی آن قرار داده شده می‌نشیند. وضعیت نور باید طوری تنظیم شود که آزمودنی بتواند طرح به طور دقیق ببیند. از صحیح نصب شدن مداد در قطعه نگهدارنده آن در زاویه مناسبی نسبت به تخته ثابت که امکان حرکت روان مداد بر روی طرح را میسر سازد مطمئن شوند. طول مداد باید به همان اندازه طول میله باشد. طرح کشیده شده در وضعیتی که به وسیله خطوط روی تخته پایه مشخص شده بر روی آن قرار داده می‌شود و به وسیله گیره‌های کاغذ محکم

به لبه‌های بالایی و پایینی آن نگهداشته می‌شود، مراقب باشید گیره‌های کاغذ طرح را خراب نکنند. بعد از این که میله وارد سوراخ تخته پایه شد ارتفاع مداد طوری تنظیم می‌شود که به آرامی بر روی طرح خطی بکشد. هر وقت که او نتواند دقیقاً بین دو خط بکشد باید مداد را به نقطه‌ای که مداد شروع به انحراف کرده برگرداند و بدون وقفه به خط کشیدن ادامه دهد. امتیاز آزمون شامل محدوده زمانی (3min) است. جهت اندازه‌گیری در طول مسیر رسم شده در هر 1cm یک علامت و در هر 5cm شکلی کشیده شده است. طول خطی را که آزمودنی ظرف 3min می‌کشد اندازه‌گیری کرده و مقدار آن را ثبت کنید (شکل ۳).



شکل ۳- آزمون هماهنگی دودست

دوره آموزش هوش هیجانی

می‌توان با استفاده از آموزش هوش هیجانی چهار مؤلفه مورد نظر در هوش هیجانی (خود-آگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه) را در بین ورزشکاران افزایش داد. برنامه‌های آموزشی که هدف آنها بهبود هوش هیجانی است می‌تواند در چندین حوزه مختلف در ورزشکاران آموزش داده شوند که شامل خودآگاهی، همدلی، پشتکار، انطباق پذیری، کارآمدی و روابط اجتماعی هستند. در این پژوهش، آموزش هوش هیجانی براساس مدل توانایی مایر و سالووی (۱۹۹۷) بود که طی ده جلسه (بیست ساعت) برگزار شد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷، پاشا و گل شکوفه، ۲۰۱۷). توضیح اینکه در هر جلسه یکی از مباحث زیر به صورت نظری، اظهارنظر آزاد، ایفای نقش و ... ارائه شد. به طور خلاصه آموزش این موارد بود: (۱) تعریف و تبیین خودآگاهی هیجانی و درک هیجانی: مشاهده و شناخت احساسات خود، یافتن واژگانی برای بیان احساسات، آگاه شدن از ارتباط میان افکار، احساسات و واکنش‌ها. (۲) فواید خودآگاهی و درک هیجانی در خود و دیگران: بررسی اعمال خود و آگاهی از پیامدهای آن‌ها، تشخیص آنکه بر تصمیمی خاص، اندیشه یا احساسات حاکم‌اند، (۳) افزایش خودآگاهی هیجانی در خود: استفاده از "گفتگو با خود" برای پیدا کردن پیام‌های منفی مانند انتقادهای

درونی مخرب، درک آنچه که در پس هر احساسی نهفته است. (۴) افزایش خودآگاهی در دیگران: درک احساسات و علائق دیگران و مدنظر قرار دادن دورنمای ذهنی آنان، احترام به تفاوت‌های موجود در احساسات افراد به پدیده‌های مختلف. (۵) درک هیجان‌ها و تشخیص هیجانی در دیگران: صحبت درباره احساسات به صورتی مؤثر، شنونده و پرسش‌گری خوب شدن، تمایز میان حرف و عمل دیگران و واکنش‌ها و قضاوت‌های خود در برابر آن‌ها. (۶) آموزش مهارت‌های همدلی: ارزش دهی به روراست بودن و ایجاد حس اعتماد در یک ارتباط، آگاهی بر اینکه چه هنگام می‌توان بدون احساس خطر، درباره احساسات خصوصی خود صحبت نمود. (۷) آموزش مهارت‌های فعال: شناسایی الگوهای موجود در زندگی و واکنش‌های هیجانی خود، تشخیص همین الگوها در دیگران. (۸) آموزش مهارت‌ها جهت کنترل هیجان: استفاده از الگوی پیروز-پیروز در بحث در جهت حل تعارضات. و (۹) چگونگی ایجاد خودانگیزی و استفاده هیجانی در دیگران: ابراز علائق و احساسات خود بدون خشم یا انفعال - آموزش مهارت‌هایی جهت خودانگیزی: افزایش رفتارهای جمع‌گرایانه و یاری‌طلبی دوستان از فرد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷، پاشا و گل شکوفه، ۲۰۱۷).

روش‌های پردازش داده‌ها: به کمک آمار توصیفی به محاسبه میانگین، انحراف استاندارد و نیز رسم نمودارهای مختلف در گروه‌ها پرداخته شد. سپس در قسمت استنباطی با استفاده از روش‌های آماری نظیر همسانی واریانس‌ها، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون تی مستقل به بررسی و محاسبه داده‌ها پرداخته شد. سطح معناداری نیز برای تمام روش‌های آماری $P=0/05$ در نظر گرفته شد و برای انجام محاسبات آماری از نرم افزارهای Excel و spss vr.19 استفاده شد.

نتایج

جدول ۱ اطلاعات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مربوط به خرده مولفه‌های هوش هیجانی (خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه)، نمره کل هوش هیجانی و مهارت بازیافت تمرکز را در مراحل آزمون نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و آزمون تی مستقل مربوط به مولفه‌های مورد ارزیابی در گروه کنترل و آزمایش

سطح معناداری	درجه آزادی	تی	انحراف معیار \pm		متغیر	شاخص آماری گروه‌ها
			میانگین پس آزمون	میانگین پیش آزمون		
۰/۰۰۰۱	۹۰	۱۸/۶۵	۱۴/۱±۱/۲	۱۳/۱±۲/۴	خودآگاهی	گروه کنترل
			۲۳/۵±۳/۲	۱۲/۶±۲/۱		گروه آزمایش
۰/۰۰۰۱	۹۰	۷/۸۱	۲۰/۸±۳/۵	۲۰/۳±۲/۹	آگاهی اجتماعی	گروه کنترل
			۲۷/۱±۴/۲	۲۱/۱±۳/۴		گروه آزمایش
۰/۰۰۰۱	۹۰	۷/۶۶	۸۲/۲±۷/۱	۸۱/۱±۶/۴	هوش هیجانی	گروه کنترل
			۱۰۲/۳±۱۶/۳	۷۹/۹±۷/۲		گروه آزمایش
۰/۰۰۰۱	۹۰	۷/۲۴	۲۵/۲±۳/۶	۲۴/۱±۳/۵	خودمدیریتی	گروه کنترل
			۳۲/۴±۵/۷	۲۳/۳±۴/۱		گروه آزمایش
۰/۰۰۰۱	۹۰	۴/۴۳	۲۲/۱±۴/۶	۲۱/۸±۴/۹	مدیریت رابطه	گروه کنترل
			۲۶/۴±۴/۷	۲۲/۴±۳/۸		گروه آزمایش
۰/۰۰۱	۹۰	۹/۱۲	۲۰۶/۴±۱۵/۶	۲۰۲/۹±۱۲/۱	مهارت بازیافت تمرکز	گروه کنترل
			۲۳۹/۷±۱۹/۲	۱۹۸/۱±۱۰/۳		گروه آزمایش

برای مقایسه مهارت بازیافت تمرکز و مولفه‌های هوش هیجانی در دو گروه کنترل و آزمایش از آزمون تی مستقل استفاده شد. یافته‌های ارائه شده در جدول ۱ نشان داد بین میانگین مولفه‌های مورد ارزیابی در گروه‌های کنترل و آزمایش تفاوت معناداری وجود دارد. با بررسی آماره‌های توصیفی مشخص شد در تمامی مولفه‌های مورد ارزیابی گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون دارای میانگین بالاتری نسبت به گروه کنترل است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت آموزش هوش هیجانی تأثیر معناداری بر متغیرهای خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت رابطه، نمره کل هوش هیجانی و مهارت بازیافت تمرکز دارد. جدول ۲ اطلاعات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مربوط به مهارت‌های عملکرد حرکتی را در مراحل آزمون و آماره‌های استنباطی (آزمون تی مستقل) را نشان می‌دهد. نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان داد میانگین عملکرد مهارت‌های حرکتی در پس‌آزمون بیشتر از پیش آزمون است.

جدول ۲- میانگین، انحراف معیار و آزمون تی مستقل مربوط به مهارت‌های عملکرد حرکتی در گروه کنترل و آزمایش

شاخص آماری گروه‌ها	متغیر	انحراف معیار \pm		درجه آزادی	سطح معناداری
		میانگین پیش آزمون	میانگین پس آزمون		
گروه کنترل	تعادل ایستا	۱۶/۴±۲/۲۱	۱۸/۶±۴/۳	۹۰	۰/۰۰۰۱
گروه آزمایش		۱۷/۹±۳/۴۶	۲۷/۱±۵/۹		
گروه کنترل	تعادل پویا	۳۲/۹±۵/۱۲	۳۳/۲±۵/۶	۹۰	۰/۰۰۰۱
گروه آزمایش		۳۴/۲±۶/۲۵	۵۹/۳±۷/۴		
گروه کنترل	هماهنگی	۲/۳±۰/۲۳	۲/۹±۰/۵۴	۹۰	۰/۰۰۰۱
گروه آزمایش		۲/۹±۰/۵۹	۵/۲±۲/۱		
گروه کنترل	دقت	۸/۱±۲/۲۱	۱۰/۱±۲/۷	۹۰	۰/۰۰۰۱
گروه آزمایش		۷/۸±۳/۶۵	۱۳/۶±۲/۴		

برای مقایسه مهارت‌های مربوط به عملکرد حرکتی در دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پس آزمون از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان داد بین میانگین مولفه‌های مورد ارزیابی در گروه‌های کنترل و آزمایش تفاوت معناداری وجود دارد. با بررسی آماره‌های توصیفی مشخص شد در تمامی مولفه‌های مورد ارزیابی گروه آزمایش در مرحله پس آزمون دارای میانگین بالاتری نسبت به گروه کنترل است.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی یافته‌های این پژوهش نشان داد آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر رشد مولفه‌های هوش هیجانی (خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه) مؤثر است. نتایج موید دیدگاه بار-آن (۲۰۰۰) است که معتقد است هوش هیجانی و مهارت‌های هیجانی، در طول زمان رشد و تغییر می‌یابند و می‌توان این مهارت‌ها را با آموزش بهبود بخشید. همچنین چرنیس (۲۰۰۰) و روزناستین و استارک (۲۰۱۵) مطرح می‌کنند نقاط ضعف افراد در مهارت‌های هیجانی جبران پذیر است. هر کدام از حیثه‌های ذکر شده تا حد زیادی به مجموعه‌ای از عادت‌ها و واکنش‌ها اشاره داشته که با آموزش و تمرین درست می‌توان آن‌ها را بهبود بخشید. نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر

نشان می‌دهد بین میانگین مهارت‌های هوش هیجانی در گروه‌های کنترل و آزمایش تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین با بررسی آماره‌های استنباطی و تفاوت معناداری که بین میانگین‌های مولفه‌های هوش هیجانی در گروه کنترل و آزمایش وجود داشت، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان عنوان کرد آموزش هوش هیجانی بر افزایش مولفه‌های هوش هیجانی تأثیر داشته است. آموزش‌پذیر بودن مهارت‌های هوش هیجانی و افزایش مولفه‌های هوش هیجانی در مطالعات مورد تایید قرار گرفته است (ساکلوفسکی و همکاران، ۲۰۰۷، سانجس-رویز و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج این پژوهش نشان داد آموزش هوش هیجانی بر مهارت بازیافت تمرکز نوجوانان ورزشکار تأثیر داشته است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و تفاوت معناداری که بین میانگین مهارت بازیافت تمرکز در گروه‌های کنترل و آزمایش وجود دارد ($P > 0.05$) و همچنین با بررسی آماره‌های استنباطی با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که آموزش هوش هیجانی تأثیر معناداری بر مهارت بازیافت تمرکز داشته است و باعث بهبود آن در عملکرد گروه آزمایش شده است.

مهارت بازیافت تمرکز مجموعه‌ای از حالت‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و توانایی‌ها است که علاوه بر افزودن بهزیستی روانی به عملکرد بهتر ورزشکار کمک می‌کند (واعظ موسوی، ۲۰۰۰). مهارت‌های هوش هیجانی به افراد کمک می‌کند در مقابل تحریکات خارجی آرام و مثبت عمل کنند. افرادی که دارای هوش هیجانی بالا هستند آماده تغییر و یادگیری‌های جدید در هر موقعیت و در طول تمرینات ورزشی می‌باشند و از مشکل به‌عنوان فرصتی برای یادگیری استفاده می‌کنند. لذا فشار روانی ناشی از احساس شکست در آنها کاهش می‌یابد. همچنین نتایج این پژوهش موید دیدگاه چرنیس (۲۰۰۰) است که بیان می‌کند افراد با هوش هیجانی بالاتر در محیط کار و ورزش قادر به انجام کار تیمی هستند، لذا فشارهای روانی بر عملکرد روانی و حرکتی آن‌ها تأثیری نخواهد داشت. پرلینی وهالورسون (۲۰۰۶)، کرومبی و لومبارد (۲۰۰۹) و خاتیون^۱ (۲۰۱۵) این ویژگی روانی را برای اجرای بهینه در قهرمانان، تنظیم برانگیختگی، اعتماد به نفس، توجه و تمرکز بهتر، تصویر سازی، کارآمد و مؤثر عنوان می‌کنند. از نظر آن‌ها مهارت بازیافت تمرکز توسط ورزشکاران نخبه برای رسیدن به اوج عملکرد استفاده می‌شود. بهبود عملکرد روانی در اثر توسعه هیجان‌های مثبت هوش هیجانی در مطالعات اسکوت و همکاران (۲۰۰۷)، داگلاس (۲۰۰۷)، ریاحی فارسانی و همکاران (۲۰۱۳) نشان داده شده است که با نتایج برگرفته از این پژوهش همخوانی دارد. همچنین رابطه بالا بین مولفه‌های هوش هیجانی و متغیرهای بهداشت روانی و سلامت عمومی در زندگی شغلی، حرفه‌ای و عملکرد در مطالعات سانچز-رویز، و همکاران (۲۰۱۳) و دی فابیو و سافلوکس (۲۰۱۴) نشان داده شده است و با نتایج به‌دست آمده در این پژوهش هماهنگی دارد.

خاتیون (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط هوش هیجانی، خودکارآمدی و اجرا در ورزشکاران نخبه تنیس پرداختند و به نتایج مشابهی دست یافتند و عنوان کردند که باورهای ورزشکاران در اثر بخشی آن‌ها برای تنظیم یادگیری‌شان و کمک به آن‌ها برای تسلط بر مهارت‌های ورزشی مؤثر است. بدیهی است که رفتار ورزشی در بهبود سطح خودکارآمدی و عملکرد مؤثر است. بنابراین، آموزش و توصیه‌های لازم باید توسط مربیان، کارشناسان و متخصصان ارائه شده تا به ارتقاء سطح عملکرد ورزشکاران منجر شود. نتایج این پژوهش با نتایج ساسانی مقدم و بحرالعلوم (۲۰۱۱)، تناقض دارد. وی در پژوهش خود تحت عنوان ارتباط بین هوش هیجانی و مهارت‌های روانی دانشجویان دختر کشور، به این نتیجه رسید که هیچ ارتباطی بین خودآگاهی که یکی از مولفه‌های اصلی هوش هیجانی است و مهارت بازیافت تمرکز وجود ندارد. شاید این به دلیل تفاوت در نمونه‌های مورد پژوهش باشد. نتایج این پژوهش نشان داد آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر عملکرد حرکتی (تعادل ایستا، تعادل پویا، هماهنگی دو دست و دقت دانش‌آموزان) تأثیر دارد. تعادل ایستا، تعادل پویا، هماهنگی دو دست و دقت دانش‌آموزان، مهم‌ترین بخش‌های آمادگی جسمانی و حرکتی هستند که لازمه دستیابی به اجرای ورزشی بهینه است. با توجه به نتایج و تفاوت معنادار بین میانگین‌ها در تعادل ایستا، تعادل پویا، هماهنگی دو دست و دقت دانش‌آموزان، در گروه‌های کنترل و آزمایش و با بررسی آماره‌های توصیفی می‌توان نتیجه گرفت که گروه آزمایش تعادل ایستا، تعادل پویا، هماهنگی دو دست و دقت، بهتری نسبت به گروه کنترل دارد. نتایج با دیدگاه برادبری و گریوز (۲۰۰۶) همسو است. از منظر دیدگاه برادبری و گریوز (۲۰۰۶) توانایی تنظیم هیجان‌ها فرد را قادر می‌سازد که سطوح برانگیختگی خود را کنترل کند و بدین وسیله عملکرد خود را به حداکثر توان خود به انجام برساند. توانایی تنظیم هیجان‌ها می‌تواند برانگیختگی را در سطح مطلوب نگه دارد و باعث ارتقاء عملکرد فرد شود. بهبود عملکرد نیز به نوبه خود مستلزم آمادگی حرکتی و جسمانی بهتر است. نتایج این پژوهش همسو با نتایج مطالعات کرومبی ولومبارد (۲۰۰۹) و مالکوم (۲۰۱۰) است. بر این اساس، پاشا و گل‌شکوفه (۲۰۱۷) مطالعه‌ای را با هدف بررسی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری، و سازگاری اجتماعی- عاطفی دانش‌آموزان ۱۱ تا ۱۴ سال انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد ۱۶ جلسه آموزش هوش هیجانی تجربه افزایش سازگاری و کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان شده است. مورتی و پاتی^۲ (۲۰۱۵) نیز به بررسی آموزش هوش هیجانی بر عملکرد ورزشی ورزشکاران پرداختند. نتایج

1. Malkum
2. Murthy & patil

این مطالعه نیز بیانگر تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد ورزشی بود. در مطالعه دیگری روباتلی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر هوش هیجانی بر زمان دوی ماراتون پرداختند. نتایج این مطالعه نیز بیانگر تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد ورزشی ورزشکاران دوی ماراتون بود. در مرور سیستماتیکی که لابورد و همکاران^۲ (۲۰۱۷) روی تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد ورزشی انجام دادند دریافتند اکثر مطالعات انجام شده آموزش هوش هیجانی را بر عملکرد ورزشی مؤثر دانسته و آن را به عنوان یکی از متغیرهای مهم در زمینه افزایش عملکرد ورزشی ورزشکاران در تمامی سنین برشمرده اند. به طور کلی چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی کمک می‌کند نوجوانان ورزشکار خودآگاهی بالاتری را به دست آورند که این توانایی به ورزشکار کمک می‌کند تا ارزیابی درستی از هیجان‌های خود داشته باشد و به آن واقف باشد، در نتیجه در انتخاب هدف و برنامه‌ریزی برای آن موفق‌تر گام برداشته و اعتماد به نفس بیشتری را کسب نماید. همچنین به نوجوان ورزشکار کمک می‌کند که سطح خود مدیریتی خود را افزایش داده و در مدیریت و کنترل احساسات و هماهنگی با دیگران، حفظ تعادل، خودانگیختگی، خوش بینی، و کنترل سطح برانگیختگی خود بهتر عمل نمایند. توانایی تنظیم هیجان‌ها به فرد اجازه می‌دهد که سطوح برانگیختگی خود را کنترل کند و بدین وسیله عملکرد خود را به حداکثر توان خود به انجام برساند. با توجه به نتایج، به نظر می‌رسد که آموزش هوش هیجانی در نوجوانان ورزشکار به‌تواند مولفه‌های هوش هیجانی را در آن‌ها بالا ببرد و ضمن تأمین بهداشت روانی ورزشکاران به سازگاری آنان با موقعیت‌های ورزشی کمک نماید و نیل به اوج عملکرد را در آنان ارتقاء بخشد.

منابع

1. Ajayi, M. A. (2007). Effect of a Six-week emotional intelligence program on the sport performance of Amateur athletes in Oyo state of Nigeria. Department of human kinetics and Health Education university of Ibadan, Ibadan, Nigeria. (www.sirc.ca). PP: 75-106.
2. Andrei, F., Petrides, K. V. (2013). Trait emotional intelligence and somatic complaints with reference to positive and negative mood. *Psihologija*, 46: 5–15.
3. Bar-On, R. (2004). *The Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-i): Rationale, Description and Summary of Psychometric Properties*. In G Geher (eds.) *Measuring Emotional Intelligence: Common Ground and Controversy*. Hauppauge, N.Y Nova Science Publishers, pp: 111-42.
4. Besharat, MA. (2005). Evaluating psychometric properties of Farsi version of the Positive and Negative Perfectionism Scale. *Psychological Reports*, 97: 1-7.

1. Rubaltelli et al.
2. Laborde et al.

5. Borghans, L., Ter Weel, B. Weinberg, B. A. (2014). People skills and the labor-market outComes of underrepresented groups. *Industrial & Labor Relations Review*, 67 (2): 287–334.
6. Brackett, M. A., Mayer, J.D (2003) Convergant, Discriminant, and Incremental Validity of Competing Measures of Emotional Intelligence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29 (10): 1-2.
7. Bradbery, T., Gariouz, J. (2011). Emotional intelligence: Tests and Skills. Translated by Gangi M. Tehran. Savalan Publication.
8. Castillo, R., Salguero, J.M., Fernández-Berrocal, P., Balluerka, N. (2013). Effects of an emotional intelligence intervention on aggression and empathy among adolescents. *J. Adolesc.* 36, 883–892.
9. Cherniss, C. (2000). Emotional Intelligence what is and why it Matters. Annual Meeting of society for Industrial and organizational Psychology New. Orland. LA.
10. Choque-Larrauri, R., Chirinos-Cáceres, J.L. (2009). Eficaciadel programa dehabilidadesparalavidaenadolescentesescolaresdeHuancavelica, Perú[Determining thee fficacyo fahigh-schoollife-skills'programmein Huancavelica,Peru]. *Rev.SaludPública* 11, 169–181.
11. Costa, S., Petrides, K. V., Tillman, T. (2014). Trait emotional intelligence and inflammatory diseases. *Psychology, Health and Medicine*, 19: 180–189.
12. Crombi D., Lombard C., Noakes T. (2009). Emotional intelligence scores peredit team sports science & coaching performance in a national cricket competition. 2 (16): 209-224.
13. DFabio, A., Kenny, M. (2011). Promoting emotional intelligence and career decision makingamong Italian high school students. *Journal of CareerAssess.* 19: 21–34.
14. Di Fabio, A., Saklofske, D. H. (2014). Comparing ability and self-report trait emotional intelligence, fluid intelligence, and personality traits in career decision. *Personality and Individual Differences*, 64: 174–178.
15. Frederickson, N., Petrides, K. V., Simmonds, E. (2012). Trait emotional intelligence as a predictor of socioemotional outcomes in early adolescence. *Personality and Individual Differences*, 52: 317–322.
16. Goldman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantan.
17. Gucciardi, D.F., Gordon, S., & Dimmock, J.A. (2008). Towards an understanding of mental toughness in Australian football. *Journal of Applied Sport Psychology*, 20: 261–281.
18. Gugliandolo, M. C., Costa, S., Cuzzocrea, F., Larcan, R. (2014). Trait emotional intelligence as mediator between psychological control and behavior problems. *Journal of Child and Family Studies*, 1: 1–11.
19. HabibZadeh, L., Talebian Nia. The Relationship between Emotional Intelligence and Occupational Stress among Managers, Trainers and lifeguards of Eastern Azerbaijan province Swimming Pools. *International Journal of basic Sciences and Applied Research*. 2015, 4(1): 51-55.

20. Kalapriya, C., Anuradha K. (2015). Emotional intelligence and academic achievement among adolescents. *International Journal of Advanced Research in Management and Social Sciences*. 4 (1): 2278-6236.
21. Khatiyon M, Tojari F, Zarei A. (2015). The Relationship between Emotional Intelligence, Self-Efficacy and Performance in Elite Male Table Tennis Players. *Advances in Environmental Biology*: 9(3): 481-485.
22. Laborde S, Dosseville F, Allen MS. Emotional intelligence in sport and exercise: A systematic review. *Scand J Med Sci Sports*. 2016, 26(8):862-74.
23. Laborde, S., Lautenbach, F., Allen, M. S., Herbert, C., & Achtzehn, S. (2014). The role of trait emotional intelligence in emotion regulation and performance under pressure. *Personality & Individual Differences*, 57: 43-47.
24. Martins, A., Ramalho, N., & Morin, E. (2010). A comprehensive meta-analysis of the relationship between emotional intelligence and health. *Journal of Personality and Individual Differences*, 49: 554-564.
25. Maurer, M., Brackett, M., Plain, F. (2004). *Emotional Literacy in the Middle School: A Six Step Program to Promote Social, Emotional, and Academic Learning*. PortChester, NY: National Professional Resources.
26. Mayer J., Roberts R D, Barsade S G. Human abilities: emotional intelligence (2008). *Annu Rev Psychol.*, 59(1): 507-36.
27. Mayer J, Salovey P. (1997). What is emotional Intelligence? New York: Basic Books.
28. Pasha R, Golshekoh F. (2017). Effect of Emotional Intelligence Training on Aggression and Social Adjustment on Students with Behavioral and Emotional Disorders. *MEJDS*. 7: 1-6. In Persian
29. Perlini, A.H., T.R. Halverson. (2006). Emotional intelligence in the National Hockey League. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 38(2): 109.
30. Riahi Farsani, L., Farokhi, A., Farahani, A. Shamsipour Dehkordi, P. (2013). The Effect of Emotional Intelligence Training on Mental Skills of Athlete Teenagers, *Journal of Development and motor Learning*, 2-13, 5(4): 25-40.
31. Rosenstein AH, Stark D. (2015). Emotional Intelligence: A Critical Tool to Understand and Improve Behaviors That Impact Patient Care. *Journal of Psychology and Clinical Psychiatry*. 2 (1): 23-53.
32. Rubaltellia E, Agnolib S, Leo I. (2018). Emotional intelligence impact on half marathon finish times. *Personality and Individual Differences*, (128): 107-112.
33. Sacks, S.Z. (2006). Teaching social skills to young children with visual impairments, In: S.Z. Sacks & K.E. Wolffe (Eds), *Teaching Social Skills to Students with Visual Impairments: From Theory to Practice*. New York: American Foundation for the Blind.
34. Saklofske, D. H, Austin, E.J, Galloway, I, David son, K. (2007). Individual difference correlates of health related behaviors: preliminary evidence for Links between emotional intelligence and coping. *Personality and individual Differences*. 42 – 49.
35. Sanchez-Ruiz, M. J., Mavroveli, S., & Poullis, J. (2013). Trait emotional intelligence and its links to university performance: An examination. *Personality and Individual Differences*, 54: 658-662.

36. Sasani Moghadam, Sh., Bahrololum, H. (2011). Comparison of emotional intelligence among athlete and non athlete students in Shahrood Industrial University. *Research in Sport Science*, 23: 47-60. *In Persian*
37. Schutte, Nicola S., Malouff, John M., Thorsteinsson, B Einar. Navjot Bhullar, Rooke, E Sally. (2007). A meta-analytic investigation of the relationship between emotional intelligence and health. *Personality and Individual Differences*, 42: 921-933.
38. Vaez Mousavi, M. (2000). Determination of Validity and reliability of 3 mental preparation questionnaires. Sport Science Research Institute. *In Persian*
39. Waddington, C., Sambo, C. (2015). Financing health care for adolescents: a necessary part of universal health coverage. *Bulletin of the World Health Organization*; 93: 57-59.
40. Weinberg, R. S., Gould, D. (2007). Introduction to psychological skills training.
41. Zapf, D. (2002). Emotion work and psychological well-being, a review of the literature and conceptual consideration, *Human Resource Management Review*, 12: 237- 268.
42. Zeidabadi R, Rezaee F., Motesharee E. (2015). Psychometric Properties and Normalization of Persian Version of Ottawa Mental Skills Assessment Tools (OMSAT-3). *Sport Psychology Studies*, 7: 63-82. *In Persian*

ارجاع دهی

شمس امیر، ریاحی فارسانی لیلا، سنگاری ماندانا. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش هوش هیجانی بر مهارت‌های دقت پرتاب، هماهنگی دو دستی، تعادل و بازیافت تمرکز در دانش‌آموزان ورزشکار. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۲۰۶-۱۸۷.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.5892.1463

Shams A, Riahi Farsani L, Sangari M. (2019). Accuracy, Bimanual Coordination, Balance and Refocusing among Athlete's Students. *Research on Educational Sport*. 7(17): 187-206. (Persian).
Doi: 10.22089/RES.2019.5892.1463

تحلیل خوشه‌ای اثرات فعالیت بدنی بر اضطراب مرگ و معنای زندگی سالمندان شهر تهران

سید ولی الله موسوی^۱، المیرا حومنی^۲، سجاد رضائی^۳، امیر قربان پور لقمجانی^۴

۱. دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه گیلان

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه گیلان

۳. استادیار گروه روان شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

۴. استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه گیلان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

چکیده

پیشنهاد شده است که فعالیت بدنی اثرات حفاظتی در برابر رشد بیماری‌های روانی، به‌ویژه در سالمندان دارد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل خوشه‌ای اثرات فعالیت بدنی بر اضطراب مرگ و معنای زندگی در جامعه سالمندان استان تهران انجام شد. طرح پژوهش از نوع تحلیلی و مقایسه‌های گروهی بود که به صورت مقطعی انجام گرفت. در این پژوهش ۴۰۰ نفر از سالمندان ۶۰ ساله و بالاتر مراجعه‌کننده به کانون‌های بازنشستگان و خانه‌های کارگر شهر تهران به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و پرسش‌نامه فعالیت بدنی بک (۱۹۸۲)، مقیاس اضطراب مرگ تمپلر (۱۹۷۰)، پرسش‌نامه معنای زندگی استیگر (۲۰۰۶) را تکمیل نمودند. سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 20 و شاخص‌های آمار توصیفی، تحلیل کوواریانس تک و چندمتغیری پردازش شدند. علاوه بر آن با تحلیل خوشه‌ای دو مرحله‌ای، تعداد خوشه‌های بهینه شناسایی و ویژگی هر کدام از خوشه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج تحلیل خوشه‌ای آشکار ساخت، رابطه مستقیمی بین جستجو و وجود معنا در زندگی با اضطراب مرگ وجود دارد. خوشه دارای بیشترین فعالیت بدنی، کمترین سطح میانگین اضطراب مرگ را داراست. همچنین اگر سطح فعالیت بدنی از حد متوسط بیشتر باشد، میانگین اضطراب مرگ به پایین‌ترین سطح کاهش خواهد یافت. این مطالعه نقش مطلوب فعالیت بدنی در دوران سالمندی را برجسته ساخت. به‌ویژه مشخص شد سطوح بالای فعالیت بدنی از سالمندان در برابر اضطراب مرگ محافظت می‌نماید. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران ورزش همگانی به‌ویژه برای اقشار کهنسال جالب توجه باشد.

واژگان کلیدی: اضطراب مرگ، سالمندان، فعالیت بدنی، معنای زندگی

1. Email: mousavi180@yahoo.com

2. Email: eli2260@yahoo.com

3. Email: rezaei_psy@hotmail.com

4. Email: qorbanpoorlafmejani@guilan.ac.ir

مقدمه

دوره‌های عمر سپری می‌شوند و سرانجام دوره سالمندی و بازنشستگی انسان فرا می‌رسد. گرچه سالمندی یک دوره اجتناب‌ناپذیر برای هر انسانی است اما بیشتر مردم آن را با خوشحالی نمی‌پذیرند (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱، ۲۰۵). براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۴، در ۴۰ سال آینده جمعیت بالای ۶۵ سال جهان دو برابر خواهد شد (باستانی و همکاران، ۲۰۱۶). در ایران نیز، جمعیت بالای ۶۰ سال، تا سال ۲۰۲۰ حدود ۱۰ میلیون نفر و تا سال ۲۰۵۰ به بیش از ۲۶ میلیون نفر خواهد رسید (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲). علاوه بر سیر نزولی فرآیندهای زیست‌شناختی و افزایش کمی و کیفی استرس‌های دوران سالمندی، مواجهه با مرگ، اجتناب‌ناپذیر و اضطراب همراه با آن، در ایجاد اختلالات روانی این دوره، نقش مهمی دارد (قربانعلی پور و اسماعیلی، ۱۳۹۱). بخشی از ترس از مردن تقریباً همگانی است اما این مسأله برای سالمندان بیشتر صدق می‌کند چرا که هر روز شاهد اضمحلال حافظه و جسم خود هستند (اورباچ، ۲۰۰۳؛ ترجمه خدابخشی، ۱۳۸۷:۱۴۴).

سالمندان به علت نقص فعالیت و حرکت، از دست دادن دوستان و نزدیکان، کاهش استقلال مادی و جسمانی و ابتلا به بیماری‌های مزمن، در معرض اضطراب بیشتری قرار دارند و اضطرابی که بیشتر در آنان شایع است اضطراب مرگ است (صمدی فرد، نریمانی، ۱۳۹۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهند این نوع اضطراب در دوره سالمندی پدیده‌ای شایع است (قربان علی پور، اسماعیلی، ۱۳۹۱). علت بسیاری از اختلال‌های روانی، احساس پوچی و بی‌هدفی است. از این رو، یکی از عوامل و روش‌های عاطفی و معنوی مرتبط با کاهش اضطراب مرگ، جستجوی معنای زندگی است (نادری و روشنی، ۱۳۹۰). فرانکل (۱۹۸۴) معتقد بود که جوهر انسان بودن، در جستجو برای معنی و هدف نهفته است (کوری، ۲۰۰۹: ۱۳۲). از نظر فرانکل فقدان معنا، منبع اصلی اضطراب وجودی (از جمله اضطراب مرگ) در عصر حاضر است (نظری، ضرغامی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). پس از اجتناب از اضطراب مرگ، جستجوی معنا در زندگی، دومین عاملی است که افراد از آن به عنوان سپری در برابر اضطراب مرگ استفاده می‌کنند (وانگ و تامر، ۲۰۱۱).

معنایابی برای سالمندان اهمیت بیشتری می‌یابد زیرا فرایند پیرشدن، پرسش‌هایی پیرامون فناپذیری و میرایی در انسان به وجود می‌آورد (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۵). افرادی که در زندگی معنایی را یافته‌اند ترس از مرگ در آنها کاهش یافته است (ابوالمعالی و گودرزی، ۱۳۹۳) و این نکته

-
1. Frankl
 2. Corey
 3. Wong & Tomer

در تحقیقات مختلفی از جمله لاثا^۱ و همکاران (۲۰۱۳) و حاجی عزیزی و همکاران (۲۰۱۷) نشان داده شده است. به عنوان مثال لاثا و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان دادند جستجوی معنا در زندگی و مذهبی بودن با اضطراب مرگ رابطه معکوس دارد. همچنین تحقیق پارک و پارک و پترسون^۲ (۲۰۱۰) نشان داده است که معنای زندگی بیشتر با سلامتی و رضایت زندگی بیشتر، شادکامی بیشتر و افسردگی کمتر رابطه دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که به طور کلی، وضعیت روانشناختی افراد (گونن^۳ و همکاران، ۲۰۱۲) و به طور اختصاصی، افسردگی (انور^۴؛ ۲۰۱۴؛ ایوراچ^۵؛ ۲۰۱۴) و اضطراب (ایوراچ، ۲۰۱۴؛ گونن و همکاران، ۲۰۱۲)، سلامت جسمانی (عصار^۶ و همکاران، ۲۰۱۶؛ سلیمی و همکاران، ۲۰۱۷؛ علوی و همکاران، ۱۳۹۶) و کنترل بر آن (سوکام تانگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۰)، کیفیت زندگی (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۲؛ تقی‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۷)، امید به زندگی (کروس^۸؛ ۲۰۱۶؛ شیخی و همکاران، ۱۳۹۲؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵) از جمله همبسته‌های اضطراب مرگ هستند.

با توجه به اهمیت اضطراب مرگ به خصوص برای سالمندان و نقش معناداری زندگی در کاهش آن، سوالی که مطرح می‌شود این است که برای کاهش اضطراب مرگ و افزایش معناداری زندگی چه باید کرد؟ در پاسخ باید گفت با این‌که درمان‌های دارویی و روان‌شناختی برای اختلالات خلقی و اضطرابی بسیار رواج دارند اما بسیاری از مردم به این درمان‌ها پاسخ نداده‌اند. امروزه، مداخلات ورزشی به عنوان نوعی از درمان‌های کارآمد، جایگزین، بدیع، مقرون به صرفه و کم هزینه برای افرادی که از اختلالات خلقی (افسردگی) و اضطرابی رنج می‌برند، مطرح می‌شود (زوهان^۹ و همکاران، ۲۰۱۴).

تحقیقات نشان داده‌اند افرادی که به طور منظم ورزش می‌کنند نشانگان افسردگی و اضطراب را کمتر تجربه می‌کنند و در نتیجه ورزش اثرات حمایتی در برابر رشد بیماری‌های روانی دارد (اندرسون و شیواکومار^{۱۰}؛ ۲۰۱۳). شواهد نشان می‌دهند فعالیت‌های بدنی و ورزشی نه تنها اضطراب را کم می‌کنند بلکه کیفیت زندگی را نیز ارتقاء می‌دهند. زیرا هر زمان که شخص ورزش می‌کند

1. Latha
2. Park, Park & Peterson
3. Gonen
4. Anvar
5. Iverach
6. Assari
7. So-Kum Tang
8. Krause
9. Szuhany
10. Anderson & Shivakumar

ترشح اندورفین و سایر انتقال دهنده‌های عصبی که موجب احساس مطلوبی در بدن می‌شود، افزایش می‌یابد (فردریکس، ۲۰۱۸). در رابطه با معنای زندگی هم می‌توان گفت که برخی از نظریه پردازان روان‌شناسی از جمله فرانکل و آدلر معتقدند از طریق انجام انواع کارها و فعالیت‌هایی که منجر به نوعی هدف در زندگی می‌شوند، می‌توان به معنای زندگی رسید که در این میان ورزش نوعی از فعالیت باشد که برای فرد هدف ایجاد می‌کند. زیرا اینطور تصور می‌شود که فعالیت بدنی و تلاش کردن (که ورزش هم می‌تواند جزئی از آن باشد) در زندگی به فرد شادی و لذت اعطا می‌کند و حس ناامیدی و پوچی را از بین می‌برد. تلاش کردن حس شایستگی ایجاد می‌کند و زندگی را معنادار می‌کند (خانلرزاده و همکاران، ۲۰۱۶). به علاوه تحقیقات نشان داده‌اند آنانی که در هفته ۶۰ دقیقه ورزش می‌کنند و آنانی که دوبار در هفته فعالیت بدنی ورزشی دارند بالاترین نمره کیفیت زندگی و پائین‌ترین نمره افسردگی را دارند (تراجکوف و همکاران، ۲۰۱۸).

جامعه ایران رو به پیری و سالمندی می‌رود. سالمندی، پیامدهای روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود را دارد و لذا پیشگیری یا درمان مسائل و مشکلات روان شناختی افراد سالمند از جمله اضطراب مرگ و فقدان معنا از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به هزینه‌های بالای درمان مشکلات روان‌شناختی سالمندان و گسترده و دردسترس نبودن آن برای همه مناطق، می‌بایست به فکر راهکارهای کم هزینه‌تر و دردسترس‌تر بود که در این بین فعالیت ورزشی می‌تواند از جمله این راهکارهای درمانی کم‌هزینه محسوب گردد. با توجه به مطالب مطرح شده در تحقیق حاضر و از آنجایی که در زمینه نقش ورزش و فعالیت بدنی در اضطراب مرگ و معنای زندگی هیچ تحقیقی در داخل و خارج از کشور انجام نگرفته است، پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤال بپردازد که آیا سطوح مختلف فعالیت بدنی بر اضطراب مرگ و معنای زندگی سالمندان تأثیر دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه سالمندان مرد و زن ۶۰ ساله و بالاتر مراجعه‌کننده به کانون‌های بازنشستگان و خانه‌های کارگر شهر تهران در ماه‌های شهریور تا آبان ۱۳۹۶ تشکیل می‌دادند. طبق آخرین سرشماری مستند تعداد سالمندان تهران یک میلیون و ۳۸۵ هزار و ۵۴۵ نفر بوده است (فرمانداری استان تهران، ۱۸ تیر ۱۳۹۶). در این مطالعه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان^۳ (۱۹۷۰) حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (با استفاده از لیست اسامی سالمندان عضو کانون بازنشستگان و خانه‌های کارگر استان تهران) انتخاب

-
1. Fredricks
 2. Trajkov
 3. Krejcie & Morgan

شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: الف) ساکن استان تهران باشند؛ ب) تمایل به همکاری داشته باشند، ج) آگاهانه در پژوهش حاضر شرکت کنند؛ د) رضایت آگاهانه به صورت شفاهی از نمونه‌ها اخذ شود؛ ی) ۶۰ ساله و بالاتر باشند. معیارهای خروج عبارت بودند از: الف) وجود اختلالات شناختی (نظیر دمانس آلزایمر و دمانس عروقی) مبتنی بر پرونده پزشکی موجود؛ ب) وجود ابتلا به بیماری‌های حاد جسمی-روانی مبتنی بر پرونده پزشکی موجود؛ ج) عدم همکاری؛ د) مشکلات گفتاری شدید؛ ه) وجود مشکلات شنوایی شدید و به همراه نداشتن سمعک؛ و ی) وجود مشکلات بینایی و به همراه نداشتن عینک بود.

پرسش‌نامه فعالیت بدنی بک^۱ و همکاران (۱۹۸۲) برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه فعالیت بدنی استفاده شد. پرسش‌نامه مذکور ۲۵ سؤال دارد که شامل سه خرده مقیاس تحت عنوان فعالیت بدنی کاری (۷ سؤال)، فعالیت بدنی و ورزشی (۱۴ سؤال) و فعالیت بدنی اوقات فراغت (۴ سؤال) است. بک و همکاران (۱۹۸۲) پایایی این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند. در ایران ثنایی و همکاران (۱۳۹۲) به منظور تعیین اعتبار ابزار از فن تحلیل عاملی استفاده کردند که در آن مقدار آزمون KMO^۳ حاصل از مولفه‌های اصلی برای ابعاد سه گانه فعالیت‌های بدنی برابر با ۰/۸۸۲ و در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به دست آمد. نتایج این تحلیل نشان داد واریانس تبیین شده فعالیت‌های بدنی کاری، بدنی ورزشی و اوقات فراغت به ترتیب برابر با ۲۶/۲۳، ۲۵/۱۹، ۱۹/۳۹ بودند که در مجموع ۷۱/۸۱ درصد از کل واریانس فعالیت‌های بدنی را تبیین می‌نمایند. آن‌ها همچنین در پژوهش خود پایایی این پرسش‌نامه را ۰/۷۸ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر سالمندانی که نمره از سه تا ۵ کسب کنند سالمندان غیر فعال، از ۵ تا ۶ سالمندان با فعالیت متوسط و از ۷ تا بالاتر سالمندان فعال در نظر گرفته شدند. میزان پایایی همسانی درونی در پژوهش حاضر برای تمام گویه‌های این ابزار ۰/۷۲ به دست آمد.

مقیاس اضطراب مرگ (DAS) توسط تمپلر^۴ (۱۹۷۰) ساخت و اعتباریابی شده است. در ایران توسط رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) به فارسی ترجمه شد. این مقیاس یک پرسش‌نامه خود اجرایی متشکل از ۱۵ سؤال صحیح - غلط است، که نگرش آزمودنی نسبت به مرگ را مورد پرسش قرار می‌دهد. پاسخ بله نشانه وجود عامل اضطراب‌زا در فرد است. بنابراین نمرات این مقیاس می‌تواند بین ۰ تا ۱۵ متغیر است، که نمره بالا نشانگر اضطراب مرگ در افراد است (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰). در ۹ آیتم از ۱۵ سؤال به پاسخ صحیح امتیاز یک و در ۶ مورد به انتخاب گزینه نادرست امتیاز یک تعلق می‌گیرد.

1. Baecke Physical Activity Questionnaire
2. Validity
3. Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) Test
4. Templar

نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر توسط رجبی و بحرانی (۱۳۸۰) ضریب اعتبار تنصیف مقیاس اضطراب مرگ را ۰/۶۲ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر به دلیل وجود پاسخ‌های دوحالتی بلی-خیر میزان پایایی این ابزار با فرمول کودریچارسون ۲۰ که نسبت به ضرایب دشواری یکایک سؤالات حساس نیست، محاسبه شد که مقدار آن برابر با ۰/۶۳ محاسبه شد. پرسشنامه معنا در زندگی^۱ (MLQ) توسط استیگر، فرازیر، اوی‌شی و کالر^۲ (۲۰۰۶) طراحی شد. آن‌ها برای ساخت این ابزار ابتدا ۴۴ گویه پیشنهاد نمودند سپس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی از طریق ۱۷ گویه به دو عامل وجود معنا در زندگی و جستجوی معنا در زندگی دست یافتند. سرانجام در یک تحلیل عاملی تاییدی با حذف ۷ گویه به ساختار برازنده دو عاملی با ۱۰ گویه دست یافتند. در تحلیل اخیر برای هر زیرمقیاس ۵ گویه اختصاص داده شد. بین دو عامل وجود و جستجوی معنا در زندگی همبستگی منفی اندکی وجود داشت ($r = -0/19$). تمامی گویه‌های این پرسشنامه به استثنای گویه ۹ که معکوس است، در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً درست [۷] تا کاملاً نادرست [۱] نمره‌گذاری می‌شود. این محققان پایایی همسانی درونی مطلوبی را برای زیرمقیاس‌های وجود (۰/۸۶) و جستجو (۰/۸۷) گزارش نمودند. در جامعه ایرانی مصرآبادی، استوار و جعفریان (۱۳۹۲) از طریق تحلیل عاملی تاییدی بارگیری دو زیرمقیاس مذکور را با شاخص‌های برازش قابل قبول، نشان دادند. آن‌ها همچنین از طریق پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) افراد سالم را از افراد مشکوک به ناراحتی روانی جدا نمودند و از طریق اعتبار تشخیصی دریافتند پرسشنامه معنا در زندگی توان مناسبی برای تمییز افراد سالم برخوردار است. در پژوهش حاضر میزان پایایی همسانی درونی برای تمام گویه‌های این ابزار ۰/۷۵ به دست آمد.

در این مطالعه برای تحلیل داده‌ها روش‌های آماری توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار به کار رفت. همچنین به منظور تعیین اثرات سطوح مختلف فعالیت بدنی (غیرفعال، متوسط و فعال) بر اضطراب مرگ با کنترل متغیر سن از تحلیل کواریانس یک متغیره (ANCOVA) و برای تعیین اثرات همین سطوح بر زیرمقیاس‌های معنای زندگی (یعنی وجود معنا و جستجوی معنا) با کنترل متغیر سن از تحلیل کواریانس چند متغیره (MANCOVA) استفاده شده است. سرانجام به منظور شناسایی متغیرهای مهم اثرگذار در گروه‌بندی شدن سالمندان از تحلیل خوشه‌ای دو مرحله‌ای^۳ استفاده شد. از این طریق تعداد خوشه‌های بهینه شناسایی و ویژگی هر کدام از خوشه‌ها بر اساس متغیرهای تاثیرگذار جداگانه تحلیل شده و توسط نسخه ۲۰ نرم افزار SPSS پردازش شد.

-
1. Meaning in Life Questionnaire
 2. Steger, Frazier, Oishi & Kaler
 3. Two Step Clustering

نتایج

از میان نمونه‌ها ۵۳/۵ درصد معادل (۲۱۴ نفر) مرد و ۴۶/۵ درصد معادل (۱۸۶ نفر) زن بودند. بررسی مدت زمان بازنشستگی نمونه‌ها نشان داد ۲۰/۳ درصد معادل (۸۱ نفر) کمتر از ۵ سال و ۷۹/۸ درصد معادل (۳۱۹ نفر) بیشتر از ۵ سال است که بازنشسته شده‌اند. از میان نمونه‌ها ۶/۳ درصد معادل (۲۵ نفر) مجرد، ۷۲/۳ درصد معادل (۲۸۹ نفر) متاهل، ۱۳ درصد معادل (۵۲ نفر) همسر فوت شده و ۱۳ درصد معادل (۵۲ نفر) مطلقه بودند. جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (N=۴۰۰)

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
سن	۶۱	۶۹	۶۵/۹	۱/۶
اضطراب مرگ	۴	۱۲	۸/۲۲	۱/۵۲
وجود معنا	۱۴	۲۳	۱۹/۲۹	۱/۳۸
جستجوی معنا	۱۵	۲۴	۱۹/۶۶	۱/۴
شاخص کار	۱/۷۵	۳	۲/۳۶	۰/۱۹
شاخص ورزش	۱/۲۵	۲/۵	۱/۶۲	۰/۱۷
شاخص فراغت	۱/۵	۳	۲/۲۹	۰/۲۵
شاخص کل	۵/۲۵	۷/۶۳	۶/۲۷	۰/۳۶

یافته‌های توصیفی در جدول ۱- نشان می‌دهد میانگین سن نمونه‌ها ۶۵/۹ سال است که در بازه سنی ۶۱ تا ۶۹ سال قرار دارند. متغیر وابسته، اضطراب مرگ است که میانگین اضطراب مرگ در کل نمونه ۸/۲۲ است که در بازه ۴ تا ۱۲ قرار دارد. میانگین متغیرهای وجود معنا و جستجوی معنا ۱۹/۲۹ و ۱۹/۶۶ است که در بازه ۱۴ تا ۲۴ قرار دارند. میانگین شاخص کار، شاخص ورزش و شاخص اوقات فراغت به ترتیب ۲/۳۶، ۱/۶۲ و ۲/۲۹ است که این شاخص‌ها نشان می‌دهد افراد مسن به جنبه کار توجه بیشتری دارند، سپس به جنبه اوقات فراغت و در آخر به جنبه ورزش در فعالیت بدنی توجه دارند.

برای تعیین اثرات سطوح مختلف فعالیت بدنی (غیرفعال، متوسط و فعال) بر اضطراب مرگ با کنترل متغیر سن از تحلیل کواریانس یک متغیره (ANCOVA) استفاده شد (جدول ۲). متغیر سن به عنوان متغیر کنترل (همپراش) در نظر گرفته می‌شود. قبل از ارائه نتایج ANCOVA، لازم است همگنی یا واریانس خطا بررسی شود. بدین منظور نتایج آزمون Leven نشان داد فرض برابری واریانس‌های خطا رعایت شده است (F=۰/۳۶۱، P=۰/۱۱۷).

جدول ۲- نتایج ANCOVA نمرات اضطراب مرگ با توجه به طبقات مختلف فعالیت بدنی پس از کنترل

سن سالمندان

گروه‌ها	نمرات اضطراب مرگ		مجموع مجذورات	تعداد	F*	سطح معنی‌داری
	میانگین	انحراف معیار				
غیرفعال	۸/۰۱	۱/۳۴	۷۰	۷۰	۱/۶۵	۰/۱۹۳
متوسط	۸/۲۸	۱/۵۷	۳۱۴	۳۱۴		
فعال	۷/۷۵	۱/۳۴	۱۶	۱۶		
مجموع	۸/۲۲	۱/۵۲	۴۰۰	۴۰۰		

*df= 2

نتایج ANCOVA نشان داد بین سه گروه سالمندان دارای سطوح مختلف فعالیت بدنی (غیرفعال، متوسط و فعال) از نظر نمرات اضطراب مرگ تفاوت معناداری وجود ندارد ($F=۱/۶۵$ ، $P>۰/۱۹۳$). در ادامه به منظور تعیین اثرات سطوح مختلف فعالیت بدنی (غیرفعال، متوسط و فعال) بر زیرمقیاس‌های معنای زندگی (یعنی وجود معنا و جستجوی معنا) با کنترل متغیر سن از تحلیل کواریانس چند متغیره (MANCOVA) استفاده شده است (جدول-۳). قبل از ارائه نتایج MANCOVA، لازم است همگنی یا واریانس خطای گروه‌ها بررسی شود. بدین منظور نتایج آزمون Leven نشان داد فرض برابری واریانس‌های خطا برای هر دو متغیر وابسته وجود معنا ($F=۰/۲۷۵$ ، $P=۰/۷۵۷$) و جستجوی معنا ($F=۰/۶۳۹$ ، $P=۰/۳۹۷$) رعایت شده است. علاوه بر آن در MANCOVA جهت آزمون برابری ماتریس‌های واریانس-کواریانس از آزمون ام-باکس استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد سطح معناداری آماره F بزرگتر از ۰/۰۵ است؛ بدین مفهوم فرض کرویت ماتریس‌های متغیرهای وابسته بین گروه‌ها رعایت شده است ($F=۱/۶۶$ ، $P=۰/۱۲۵$)، $(\chi^2=۱۰/۳۰)$.

جدول ۳- نتایج دو MANCOVA مجزا بر نمرات وجود و جستجوی معنا با توجه به طبقات مختلف فعالیت

بدنی پس از کنترل سن سالمندان

متغیرها	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تعداد	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F*	سطح معنی‌داری
متوسط	۱۹/۲۹	۱/۳۹	۳۱۴	۳۱۴				
فعال	۱۹/۱۹	۰/۹۸	۱۶	۱۶				
مجموع	۱۹/۲۹	۱/۳۸	۴۰۰	۴۰۰				
جستجوی معنا	غیرفعال	۱۹/۶۱	۱/۳۷	۷۰	۷۰	۲/۲۶	۰/۵۸	۰/۵۶۱
	متوسط	۱۹/۶۸	۱/۴۳	۳۱۴	۳۱۴			
	فعال	۱۹/۳۱	۰/۸۷	۱۶	۱۶			
	مجموع	۱۹/۶۶	۱/۴۰	۴۰۰	۴۰۰			

*df= 2

در جدول ۳- نتایج تفاوت‌های بین گروهی آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود پس کنترل متغیر سن نمرات متغیرهای وابسته (وجود معنا و جستجوی معنا) در سطوح مختلف متغیر مستقل (غیرفعال، متوسط و فعال) تفاوت معناداری بایکدیگر ندارند ($P > 0.05$). با توجه به تأیید نشدن نتایج تحلیل‌های واریانس تک و چندمتغیری در ادامه به کمک روش خوشه بندی دو مرحله‌ای، متغیرهای تاثیرگذار بر دسته بندی سالمندان مشخص و تعداد خوشه‌ها و ویژگی‌های هر خوشه تفسیر می‌شود.

خوشه بندی دو مرحله‌ای

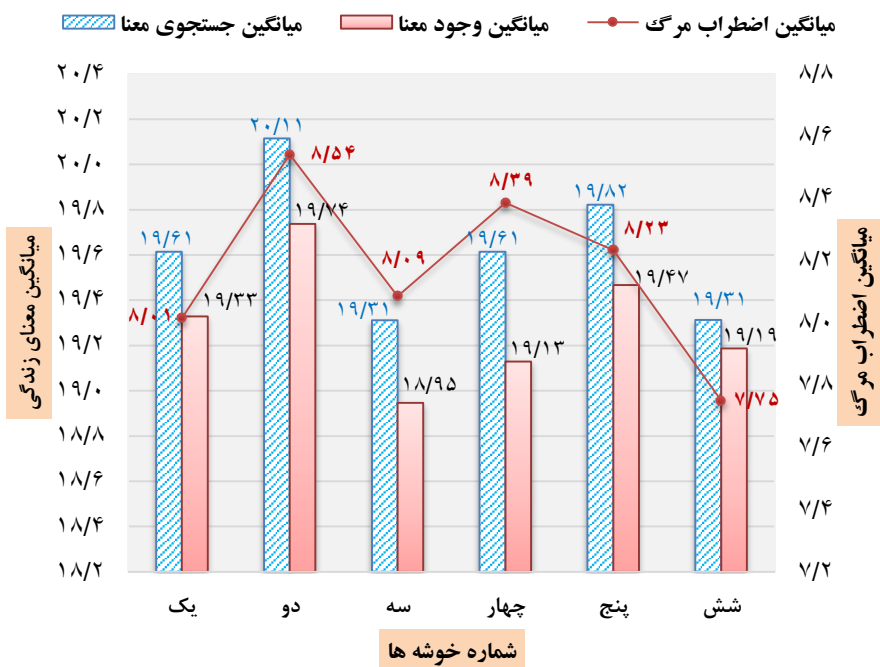
این رویه، ابزاری اکتشافی است که برای آشکار نمودن گروه‌ها (خوشه‌ها) ذاتی و طبیعی موجود در مجموعه داده که به طور معمول دیده نمی‌شوند، طراحی شده است. خوشه‌بندی دو مرحله ای برای پیدا کردن گروه‌های واقعی موجود در مشاهدات یا متغیرها بسیار مفید است. همزمان با متغیرهای پیوسته و گسسته به خوبی کار می‌کند. این روش از دو مرحله خوشه‌بندی داده‌ها استفاده می‌کند که بر خلاف سایر روش‌ها نیازی به دانستن تعداد خوشه نیست و بر اساس شاخص‌های BIC^1 و AIC^2 مقدار بهینه خوشه‌ها محاسبه می‌گردد (اوریت، لاندو و لیس، ۲۰۰۱). هر مدلی از خوشه‌بندی داده‌ها که دارای AIC و BIC کمتری باشد مدل مناسب‌تری برای برازش مدل بر روی داده‌ها است. روش محاسبه این دومعیار با فرمول‌های زیر است که در آن L به معنای لگاریتم احتمال، K برابر با تعداد متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در مدل و N معادل تعداد مشاهدات در مجموعه داده‌هاست (آکائیک، ۱۹۹۲؛ شوآرز، ۱۹۷۸).

$$AIC = -2 \log L + 2(K+1)$$

$$BIC = -2 \log L - (N-K-1) \log(N)$$

البته در تحلیل خوشه‌ای دو مرحله‌ای نرم‌افزار SPSS نیازی به تعیین تعداد خوشه‌ها به عنوان ورودی الگوریتم نداشته و تعداد بهینه خوشه‌ها به صورت خودکار تعیین می‌شوند. نتایج تحلیل خوشه‌ای نشان داد سالمندان ($n=400$) برحسب متغیرهای مورد بررسی به شش خوشه تقسیم بندی می‌شوند. در این بخش به کمک نمودارهای مقایسه‌ای ویژگی‌های سالمندان را در خوشه‌های مختلف مقایسه می‌شود. شکل-۱ به مقایسه معنای زندگی و اضطراب مرگ در خوشه‌های شش‌گانه سالمندان می‌پردازد.

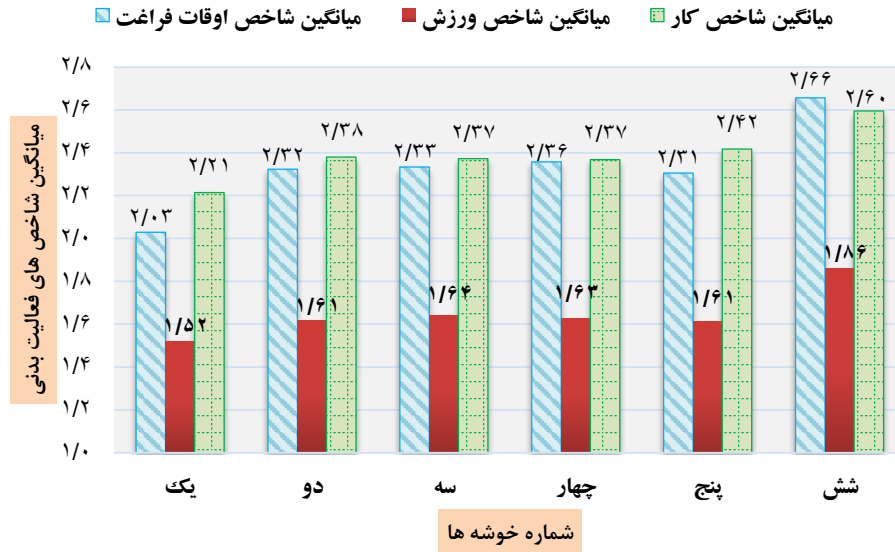
-
1. Bayesian Information Criterion
 2. Akaike's Information Criterion
 3. Everitt, Landau & Leese
 4. Schwarz



میانگین جستجوی معنا	۱۹/۶۱	۲۰/۱۱	۱۹/۳۱	۱۹/۶۱	۱۹/۸۲	۱۹/۳۱
میانگین اضطراب مرگ	۱۹/۳۳	۱۹/۴۷	۱۸/۹۵	۱۹/۱۳	۱۹/۴۷	۱۹/۱۹
میانگین اضطراب مرگ	۸/۰۱	۸/۵۴	۸/۰۹	۸/۳۹	۸/۲۳	۷/۷۵

شکل ۱- مقایسه معنای زندگی و اضطراب مرگ در خوشه‌ها

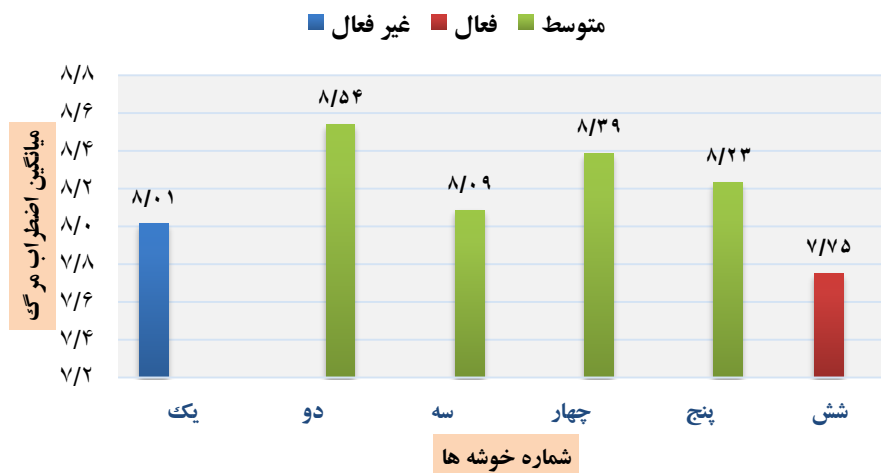
یافته‌های شکل-۱ نشان می‌دهد در خوشه دوم میانگین جستجوی معنا، وجود معنا در زندگی و اضطراب مرگ بیشتر بوده است. اگر به روند تغییرات اضطراب مرگ در خوشه‌های مختلف توجه شود می‌توان پی برد هر قدر جستجوی معنا و وجود معنا در زندگی بیشتر یا کمتر شود به همین نسبت میزان اضطراب مرگ بیشتر و کمتر خواهد شد. شکل-۲ به مقایسه شاخص‌های فعالیت بدنی (یعنی کار، ورزش و فراغت) در خوشه‌های شش‌گانه سالمندان می‌پردازد.



میانگین شاخص اوقات فراغت	۱۹/۶۱	۲۰/۱۱	۱۹/۳۱	۱۹/۶۱	۱۹/۸۲	۱۹/۳۱
میانگین شاخص ورزش	۱۹/۳۳	۱۹/۴۷	۱۸/۹۵	۱۹/۱۳	۱۹/۴۷	۱۹/۱۹
میانگین شاخص کار	۸/۰۱	۸/۵۴	۸/۰۹	۸/۳۹	۸/۲۳	۷/۷۵

شکل ۲- مقایسه شاخص‌های فعالیت بدنی در خوشه‌ها

یافته‌های شکل-۲ نشان می‌دهد در همه خوشه‌ها به میانگین شاخص ورزش توجه کمتری شده است و بیشتر فعالیت‌ها در قالب شاخص کار و شاخص اوقات فراغت بوده است. در خوشه ششم میزان توجه به شاخص‌های فعالیت بدنی از بقیه خوشه‌ها بیشتر است و نکته جالب اینست که باتوجه به شکل-۱ همین خوشه (ششم) دارای میانگین اضطراب مرگ کمتری بوده است. باتوجه به نتیجه اخیر نمودار افزوده دیگری به منظور کاوش بیشتر نتایج اضطراب مرگ برحسب سطوح مختلف فعالیت بدنی ترسیم شد. از این رو شکل-۳ به مقایسه سطوح مختلف فعالیت بدنی و اضطراب مرگ در خوشه‌های شش گانه سالمندان می‌پردازد.



میانگین اضطراب مرگ	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش
غیر فعال	۱۹/۶۱	۲۰/۱۱	۱۹/۳۱	۱۹/۶۱	۱۹/۸۲	۱۹/۳۱
فعال	۱۹/۳۳	۱۹/۴۷	۱۸/۹۵	۱۹/۱۳	۱۹/۴۷	۱۹/۱۹
متوسط	۸/۰۱	۸/۵۴	۸/۰۹	۸/۳۹	۸/۲۳	۷/۷۵

شکل ۳- مقایسه سطح فعالیت بدنی و اضطراب مرگ در خوشه‌ها

یافته‌های شکل-۳ نشان می‌دهد در خوشه اول که سطح فعالیت‌بندی سالمندان غیرفعال است، میانگین اضطراب مرگ برابر با ۸/۰۱ است. در خوشه‌های دوم تا پنجم سطح فعالیت بدنی در حد متوسط گزارش شده است اما میانگین اضطراب مرگ خوشه‌های دوم تا پنجم اندکی بیشتر از خوشه اول است (۸/۰۹ تا ۸/۵۴). در خوشه ششم که سطح فعالیت بدنی، فعال گزارش شده است میانگین میزان اضطراب مرگ در حد کمینه است (۷/۷۵) بنابراین می‌توان گفت چنانچه میزان سطح فعالیت بدنی از حد متوسط بیشتر باشد، میانگین اضطراب مرگ سالمندان به پایین‌ترین سطح نزول خواهد یافت. شکل-۱ نشان داد که وجود معنا و جستجوی معنا در زندگی برای خوشه ششم در حد متوسطی نسبت به سایر خوشه‌ها است. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد چنانچه سطح فعالیت بدنی متوسط یا غیر فعال باشد میزان اضطراب مرگ می‌تواند به نسبت وجود معنای زندگی تغییر کند یعنی هر چقدر جستجوی معنا، وجود معنا در زندگی بیشتر یا کمتر می‌شود به همین نسبت میزان اضطراب مرگ بیشتر و کمتر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تحلیل خوشه‌ای اثرات فعالیت بدنی بر اضطراب مرگ و معنای زندگی سالمندان شهر تهران انجام گرفت. یافته‌ها در خوشه‌بندی انجام شده نشان داد چنانچه میزان فعالیت بدنی از حد متوسط بیشتر باشد باعث می‌شود که سالمندان میزان اضطراب مرگ کمتری داشته باشند. نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش زوهان و همکاران (۲۰۱۴)، لاوتون^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، می‌رای سو^۲ و همکاران (۲۰۰۲)، اندرسون و شیواکومار (۲۰۱۳) و فردریکس (۲۰۱۸) همسو است. بدین‌مفهوم که داشتن فعالیت بدنی و ورزش با کاهش اختلالات روانی از جمله اضطراب و افسردگی در سالمندان همراه است. در تبیین این یافته می‌توان گفت اضطراب مرگ، همبسته‌های مختلفی دارد که در صورت افزایش یا کاهش آنها اضطراب مرگ نیز دستخوش تغییر می‌شود.

فعالیت ورزشی و بدنی، می‌تواند متغیرهای همبسته با اضطراب مرگ را دستکاری کند و با کاهش یا افزایش آنها در اضطراب مرگ تغییر ایجاد کند. تحقیقات نشان داده‌اند به طور کلی، وضعیت روانشناختی افراد با اضطراب مرگ ارتباط دارد (گونن و همکاران، ۲۰۱۲؛ وو و تانگ،^۳ ۲۰۰۵) و به طور اختصاصی، افسردگی (الموستادی،^۴ ۲۰۱۲؛ انور، ۲۰۱۴؛ ایوراچ، ۲۰۱۴؛ گونن و همکاران، ۲۰۱۲) و اضطراب (ایوراچ، ۲۰۱۴؛ گونن و همکاران، ۲۰۱۲)، سلامت جسمانی (عصار و همکاران، ۲۰۱۶؛ سلیمی و همکاران، ۲۰۱۷؛ گونن و همکاران، ۲۰۱۲؛ علوی و همکاران، ۱۳۹۶) و کنترل بر آن (سوکام تانگ و همکاران، ۲۰۱۰)، کیفیت زندگی (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۲؛ تقی آبادی و همکاران، ۲۰۱۷)، امید به زندگی (کروس، ۲۰۱۶؛ شیخی و همکاران، ۱۳۹۲؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ گونن و همکاران، ۲۰۱۲؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵) و پیوند جویی (ثورسون و پاول،^۵ ۱۹۹۳) از جمله همبسته‌های اضطراب مرگ هستند.

از طرف دیگر، تحقیقات تراچکوف و همکاران (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که تجلی فعالیت بدنی در افزایش کیفیت زندگی و کاهش افسردگی سالمندان دیده می‌شود. در این زمینه لاوتون و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند افرادی که بیرون از منزل ورزش می‌کنند نمرات پائین‌تری در اضطراب بدنی کسب کردند. می‌رای سو و همکاران (۲۰۰۲) نیز نشان دادند فعالیت منظم ورزشی، نمره اضطراب و

-
1. Lawton
 2. Mi Rye Suh
 3. Wu & Tang
 4. Almostadi
 5. Thorson & Powell

نشانگان افسردگی بیماران را کم نمود. تحقیق دیگری نشان داد افرادی که به طور منظم ورزش می‌کنند نشانگان افسردگی و اضطراب را کمتر تجربه می‌کنند (اندرسون و شیواکومار، ۲۰۱۳). فردریکس (۲۰۱۸) نیز نشان داد ورزش، با آزاد کردن اندورفین و سایر انتقال دهنده‌های عصبی باعث کاهش اضطراب و ایجاد احساس مطلوبی در افراد و نیز ارتقای کیفیت زندگی می‌شود. همچنین فعالیت‌های جسمانی می‌تواند وضعیت روانی (تراجکوف و همکاران، ۲۰۱۸؛ توکارسکی، ۲۰۰۴؛ لاوتون و همکاران، ۲۰۱۷؛ گیلهام و مولنگا، ۲۰۱۳) افراد را ارتقاء دهد. در نتیجه می‌توان گفت که فعالیت جسمانی تاثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش فاکتورهای منفی سلامت روانی نظیر افسردگی و اضطراب و ارتقای مؤلفه‌های سلامت روانی دارد و پرداختن به ورزش می‌تواند در مقایسه با شرایط بی‌حرکی، با کاهش همبسته‌های منفی اضطراب مرگ، از اضطراب مرگ سالمندان بکاهد. همچنین افرادی که بیشترین کنترل را بر سلامت جسمانی خود داشتند اضطراب مرگ کمتری را گزارش کردند (سوکام تانگ و همکاران، ۲۰۱۰) که این کنترل می‌تواند از طریق ورزش حاصل شود. فعالیت‌های بدنی می‌تواند از طریق افزایش تحرک در افراد، سلامت جسمانی (علوی و همکاران، ۱۳۹۶؛ تابلر، ۲۰۱۳؛ سان و همکاران، ۲۰۱۳؛ توکارسکی، ۲۰۰۴؛ گیلهام و مولنگا، ۲۰۱۳) را ارتقاء دهد و مشکلات پزشکی سالمندان را کم کند. فعالیت‌های ورزشی، حالات سلامتی جسمانی و کیفیت زندگی مربوط به سلامتی را از طریق تشدید کارکرد فیزیکی و جسمانی تحکیم می‌کند (سرتل^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). به گزارش سازمان جهانی بهداشت^۶ (۲۰۱۸) سالمندانی که ورزش می‌کنند، تمامی علل مرگ از جمله بیماری عروق کرونر، فشار خون بالا، سکته، دیابت نوع ۲، سرطان سینه و سرطان کولون را کمتر تجربه می‌کنند و سلامتی و کارکرد شناختی بهتری دارند. همچنین مک فی^۷ و همکاران (۲۰۱۶) نیز نشان دادند که فعالیت منظم ورزشی برای سلامتی سالمندان و برای بهبود ضعف، چاقی، نقایص شناختی و ضعف‌های عضلانی خوب است. لیاماس-ولاسکو^۸ و همکاران (۲۰۱۶) نیز عنوان کردند ورزش منظم از ابتلا به بیماری‌هایی که عوارض بلندمدت و کشنده دارد پیشگیری می‌کند. وین^۹ و همکاران (۲۰۱۱) بیان کردند بی‌حرکتی، خطر ابتلا به مشکلات قلبی کشنده را به دلیل تشدید نشانگان افسردگی زیاد می‌کند. در نتیجه ورزش با

-
1. Tokarski
 2. Gilham & Mulenga
 3. Taylor
 4. Sun
 5. Sertel
 6. WHO- World Health Organization
 7. McPhee
 8. Liamas-Velasco
 9. Win

ایجاد تحرک و کاهش نگرانی نسبت به سلامت جسمانی که پیش‌بینی کننده اضطراب مرگ است به تقلیل اضطراب مرگ کمک می‌کند.

مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که فعالیت‌های بدنی و ورزشی، کیفیت زندگی (سرتل و همکاران، ۲۰۱۷؛ پوسیاتو و همکاران، ۲۰۱۷؛ سان و همکاران، ۲۰۱۳؛ ریسکی، ۲۰۰۱؛ توکارسکی، ۲۰۰۴) و ابعاد جسمانی و روحی کیفیت زندگی از جمله سلامتی، روابط اجتماعی و بهزیستی عاطفی و روانشناختی (ثنایی و همکاران، ۱۳۹۲؛ تراجکوف و همکاران، ۲۰۱۸) و نیز میزان امید به زندگی (توکارسکی، ۲۰۰۴؛ گیلهم و مولنگا، ۲۰۱۳) افراد را افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان داده‌اند حمایت اجتماعی پیش‌بینی کننده کیفیت زندگی در سالمندان است (شفایی و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی، حمایت اجتماعی و ارتباط با دیگران از جمله خانواده و دوستان رابطه معناداری با امیدواری دارد به نحوی که اگر حمایت اجتماعی در فرد بالا رود میزان امیدواری در فرد افزایش می‌یابد (امینی و رضوی، ۱۳۹۴). همانطور که تحقیق ثورسون و پاول (۱۹۹۳) نشان داد افرادی که نمره پیوندجویی شان پائین است و تمایل دارند در تنهایی و انزوا زندگی کنند نمره اضطراب مرگ آن‌ها بالاتر است. تحقیقات نشان داده انجام ورزش عزت نفس و اعتماد به نفس و تعاملات اجتماعی با دیگران را بهبود می‌بخشد (فردریکس، ۲۰۱۸) و بخشی از حمایت اجتماعی توسط دوستان ایجاد می‌شود که خود می‌تواند منجر به افزایش امیدواری و کاهش اضطراب مرگ شود.

بخش دوم پژوهش حاضر ناظر به آن است که آیا فعالیت بدنی بر میزان معنای زندگی و جستجوی زندگی سالمندان تاثیر گذار است. یافته‌ها در خوشه‌بندی انجام شده نشان می‌دهد چنانچه سطح فعالیت بدنی متوسط یا غیرفعال باشد میزان اضطراب مرگ می‌تواند به نسبت وجود معنای زندگی تغییر کند یعنی در پرتو "سبک زندگی کم تحرک" هر چقدر جستجوی معنا و وجود معنا بیشتر یا کمتر می‌شود به همین نسبت میزان اضطراب مرگ بیشتر و کمتر می‌شود. یافته‌های تحقیق حاضر با تحقیقات سلطانی و همکاران (۱۳۹۵)، آقابابایی و همکاران، (۱۳۹۵)، حاجی عزیزی و همکاران (۲۰۱۷)، لاثا و همکاران (۲۰۱۳)، تقی آبادی و همکاران (۲۰۱۷)، ابوالمعالی و گودرزی (۱۳۹۳)، خضری و همکاران (۱۳۹۴)، معتمدی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است.

بخشی از اضطراب مرگ ناشی از باورهایی است که فرد پیرامون آنچه بعد از مرگ اتفاق می‌افتد دارد (گونن و همکاران، ۲۰۱۲). معناداری زندگی به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌کند تا به چهارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود (از جمله خود پدیده مرگ) بپردازد و اضطراب خود از جمله اضطراب مرگ را کم کند (بیرامی، ۱۳۹۴). معنایی که افراد برای مرگ می‌سازند می‌تواند تلویحات کاربردی مهمی برای سلامتی افراد داشته باشد (وانگ و تامر، ۲۰۱۱). تحقیقات نشان داده‌اند که هدف‌مندی و معناداری زندگی (تانگ و همکاران، ۲۰۱۱) با

اضطراب مرگ رابطه‌ای منفی دارد. معناداری می‌تواند با ایجاد احساس تعلق و امیدواری به قدرت والا بر باور فرد به توانایی برای مواجهه با شرایط استرس‌زای زندگی و بیماری‌های مزمن کمک کند. معناداری زندگی شامل درک معنای زندگی، تجربه مثبت در زندگی، احساس خوشبختی و رضایت از زندگی می‌باشد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵) و در نتیجه از اضطراب مرگ کم می‌کند. در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان به چند نکته دیگر اشاره کرد. اول اینکه معناخواهی به سالمندان در یافتن هدف یا اهدافی برای زندگی خود کمک می‌کند. داشتن هدف از طریق احیای خدمت به دیگران و یا خانواده دوباره زندگی را با معنا می‌کند. در این حالت فرد برای رسیدن به هدف فعال می‌شود. از دلایل دیگر معناخواهی در کاهش اضطراب مرگ، می‌توان به این نکته اشاره کرد که آگاهی از مرگ، حس مسئولیت‌پذیری افراد را نسبت به زندگی افزایش می‌دهد نتیجه این که افراد با آگاهی از موضوع مرگ خود، تمام تلاششان را در قبال استفاده از تمام لحظات زندگی خود را، به کار می‌گیرند و فعال‌تر ظاهر خواهند شد.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه از استان تهران بودند و نتایج مربوط به مراجعه‌کنندگان کانون‌های بازنشستگان و خانه‌های کارگر این استان بوده است بنابراین این یافته‌ها ممکن است به سایر استان‌ها و اقشار قابل‌تعمیم نباشد. علاوه بر آن ممکن است عوامل جمعیتی نظیر سابقه ورزشی افراد سالمند، در قید حیات بودن همسر بر متغیرهای روانی مطالعه حاضر موثر باشد که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی مورد کنترل قرار گیرند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران ورزش همگانی جالب توجه باشد. بر اساس مرور یافته‌ها و مشاهدات می‌توان گفت برنامه‌ریزی ورزشی و تحرک بدنی برای اقشار کهنسال ایران مورد غفلت واقع شده یا دست‌کم، توجه ناچیزی به آن شده است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند محرکی برای مسئولان ذیربط، جهت انجام برنامه‌ریزی ورزش همگانی برای سالمندان و بازنشستگان باشد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی علاوه بر فعالیت بدنی به بررسی نقش عواملی نظیر حمایت اجتماعی و خانوادگی که نقش آن‌ها در سلامت جسمی و روانی سالمندان تأیید شده است پرداخته شود.

منابع

1. Abolmaali, Kh., Ghodarzi, M. (2016). Explaining the Meaning of Life According to God Images and Death Anxiety Inunder Graduate Students of IslamicAzad University Roudehen Branch. *Biannual Journal Educational Science from Islamic Point of View*, 2(3), 5-24. (persian)
2. Aghababaei, N., Sohrabi, F., Eskandari, H., Borjali, A., Farrokhi, N. Constructing a Causal Model of Subjective Well-Being by Religious Orientation Through Hope, Death Anxiety, and Meaning in Life as Mediators. *Quarterly Journal of Islamic Psychology*, 2 (1). 32-60. (persian)

3. Akaike, H. (1992). Information theory and an extension of the maximum likelihood principle. In *Breakthroughs in statistics* (pp. 610-624). Springer, New York, NY.
4. Alavi, S., Ahmadi, M-A., Zar, A. (2016). Evaluate the Effectiveness of Sport on Job Burnout, General Health and Life Expectancy in Jahrom University of Medical Sciences Staff. *Community Health*, 3(4), 156-65. (persian)
5. Alipour, F., Sajadi, H., Foruzan, A., Biglarian, A., & Jalilian, A. (2008). Elderly quality of life in Tehran's district two. *Sālmānd*, 3(3), 75-83. (persian)
6. Almostadi, D (2012). *The Relationship between Death Depression and Death Anxiety among Cancer Patients in Saudi Arabia*. Master of Science thesis, University of South Florida, College of Nursing.
7. Amini, A., Razavi, V. (2015). The Relationship of Social Support with Hope and Death Anxiety among Elderly of Tehran Omid Cultural center. *Quarterly Journal of Information Research*, 9, 17-21. (persian) Available from: <http://noandish.behzisti.ir/ImageGallery/FCKUploadedImages/file/OStanTehran/noandish/maghalat-bahar94/12.pdf>.
8. Anderson, E., & Shivakumar, G (2013). *Effects of Exercise and Physical Activity on Anxiety*. *Frontiers in Psychiatry*, 4,27: 1-4. DOI:10.3389/fpsy.2013.00027.
9. Anvar, M (2014). *Assessing Death Anxiety and its Correlates Among Severe Medically Ill in- Patients*. Shiraz E-Medical Journal.13(3), <https://www.researchgate.net/publication/233990103>.
10. Assari, s., & Moghani Lankarani1, M (2016). Race and Gender Differences in Correlates of Death Anxiety among Elderly in the United States. *Iran J Psychiatry Behav Sci*, 10(2):1-7.
11. Baecke, J. A., Burema, J., & Frijters, J. E. (1982). A short questionnaire for the measurement of habitual physical activity in epidemiological studies. *The American journal of clinical nutrition*, 36(5), 936-942.
12. Bahrami, N., Moradi, M., Soleimani, M. A., Kalantari, Z., & Hosseini, F. (2013). Death anxiety and its relationship with quality of life in women with cancer. *Iran Journal of Nursing*, 26(82), 51-61. (persian)
13. Bairami, M. Mohammad Panah Ardakan, A., Faroughi, P., Ghanei, M. (2015). Prediction of Death Anxiety Based on Spiritual Intelligence of Students in Ardakan University and Seminary. *Culture in The Islamic University*, 5(1), 21-36. (persian)
14. Bastani, F., Farnood, F., Haqhani, H (2016). Evaluation of Death Anxiety in Elderly Patients with Cancer Undergoing Chemotherapy. *Journal of Client-Centered Nursing Care*, 2(3): 153-160.
15. Corey, G. (2009). *Theory and practice of counseling and psychotherapy* (8th ed.). Belmont, CA: The Thomson Corporation.
16. Everitt, B. S., Landau, S., and Leese, M. (2001). *Cluster analysis*. Arnold, London, forth edition.
17. Fredricks, R (2018). *How Exercise Can Reduce Anxiety*. 13 July 2018. https://www.jhccc.org/poc/view_doc.php?type=doc&id=53216.
18. Ghorbanalipur, M., Esmaeili, A. (2012). Determining the Efficacy of Logo Therapy in Death Anxiety among the Older Adults. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 9(3), 53-68. (persian)

19. Ghorbani, E., Sadatmand, S., Sepehrian Azar, F., Asadnia, S., & Feyzipour, H. (2013). Surveying the relationship between hope, death, anxiety with mental health on students of Urmia university. *Urmia Medical Journal*, 24(8), 607-616. (persian)
20. Gilham, G., & Mulenga, C (2013). *The relationship between hope optimism physical activity and involuntary absenteeism*. Proceedings of the 28th Annual Conference of the Southern African Institute of Management Scientists. ISBN: 978-0-620-71797-7.
21. Gonen, G., Kaymak, S.U., Cankurtaran, E.S., Karslioglu, E.H., Ozalp, E., & Soygur, H (2012). The Factors Contributing to Death Anxiety in Cancer Patients. *Journal of Psychosocial Oncology*, 30(3): 347-358.
22. Governorate of Tehran Province, (July 18, 2017). The elderly population of Tehran province [News]. (persian) Retrieved July 21, 2018 from: <http://tehran.ostan-th.ir/News/3352/>
23. Hajiazizi AH, Bahmani B, Mahdi N, Manzari Tavakoli V, Barshan A. (2017). Effectiveness of Group Logotherapy on Death Anxiety and Life Expectancy of the Elderly Living in Boarding Houses in Kerman. *Iranian Journal of Ageing*. 12(2):220-231.
24. Iverach, L., Menzies, R., Menzies, R. E (2014). Death anxiety and its role in psychopathology: Reviewing the status of a transdiagnostic construct. *Clinical Psychology Review*, 34(7): 580-593.
25. Khanlarzade, F., Rezaei, B., Ghasemi, M., Aheste, H (2016). Death Anxiety and Meaning of Life in the Three Groups of Nurses: Obstetrics and Gynecology and CCU Nurses and Housewives. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 7(2):18-22.
26. Khezri, L., Bahreyni, M., Ravanipour, M., & Mirzaee, K. (2015). The Relationship between spiritual wellbeing and depression or death anxiety in cancer patients in Bushehr. *Nursing of the Vulnerables*, 2(2), 15-28. (persian)
27. Krause N, Pargament KI, & Ironson G (2016). In the Shadow of Death: Religious Hope as a Moderator of the Effects of Age on Death Anxiety. *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*. Apr 10. pii: gbw039. DOI: 10.1093/geronb/gbw039.
28. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30(3), 607-610.
29. Latha KS., Sahana M., Mariella D., Subbannayya K., & Asha K (2013). Factors Related to Life satisfaction, Meaning of life, Religiosity and Death Anxiety in Health Care Staff and Students: A Cross Sectional Study from India. *Online J Health Allied Scs*. 12(2):1-7.
30. Lawton, E., Brymer, E., Clough, P., & Denovan, A (2017). *The Relationship between the Physical Activity Environment, Nature Relatedness, Anxiety, and the Psychological Well-being Benefits of Regular Exercisers*. *Frontiers in Psychology*, 8:1-11, doi: 10.3389/fpsyg.2017.01058.
31. Llamas-Velasco, S., Villarejo-Galende, A., Contador, I., Pablos, D.L., Hernández-Gallego, J., & Bermejo-Pareja, F (2016). Physical activity and long-term mortality risk in older adults: A prospective population based study (NEDICES). *Prev Med Rep*. 4: 546–550. DOI: 10.1016/j.pmedr.2016.10.002

32. McPhee, J. S., French, D.P., Jackson, D., Nazroo, J., Pendleton, N., & Degens, H (2016). Physical activity in older age: perspectives for healthy ageing and frailty. *Biogerontology*, 17: 567–580, DOI: 10.1007/s10522-016-9641-0.
33. Mesrabadi, J., Jafariyan, S., & Ostovar, N. (2013). Discriminative and construct validity of meaning in life questionnaire for Iranian students. *International Journal of Behavioral Sciences*, 7(1), 83-90. (persian)
34. Mi Rye Suh, R.N., Hyuk Jung, H., Kim, S.B., Park, J.S., & Yang, W.S (2002). Effects of regular exercise on anxiety, depression, and quality of life in maintenance hemodialysis patients. *Renal Failure*, 24(3): 337-345.
35. Moetamedi, A., Pajouhinia, S., & Fatemi Ardestani, M. H. (2015). The impact of spiritual wellbeing and resiliency in predicting death anxiety among elderly people in Tehran. *Shefaye Khatam*, 3(2), 19-26. (persian)
36. Naderi, F., & Roushani, K. H. (2011). The relations between spiritual intelligence, social intelligence and death anxiety in Ahwaz WomanSeniles. *Journal of Wouman and Culture*, 6(2), 55-67. (persian)
37. Nazari, A., & Zarghami, S. (2009). *Existential psychotherapy, individual and group therapy*. First Printing, Tehran: Pazineh Publications. (persian)
38. Orbach, A. (2003). *Counselling older adults*. Translation by Anahita Khodabakhshi (2008), Second Edition, Tehran, Forest Publishing. (persian)
39. Park, N., Park, M., & Peterson, C. (2010). When is the search for meaning related to life satisfaction? *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 2(1), 1-13.
40. Puciato, D., Borysiuk, Z., & Rozpara, M (2017). *Quality of life and physical activity in an older working-age population*. *Clin Interv*, 12: 1627–1634. DOI: 10.2147/CIA.S144045.
<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC5634394/>.
41. Rajabi, G. R., & Bohrani, M. (2002). Item factor analysis of the death anxiety scale. *Journal of Psychology*, 5 (4), 331-344. (persian)
42. Rejeski, W. J., Mihalko, S. L (2001). Physical Activity and Quality of Life in Older Adults. *The Journals of Gerontology: Series A*, 56(1_2): 23–35.
43. Salimi, H., Kermanshahi, F., Haji Alizadeh, K., & Mehralitabr Firozjaie, A (2017). The Relationship between Death Anxiety and Spirituality Constructs with General Health among Nursing and Midwifery Students. *Health, Spirituality and Medical Ethics*. 4(2):2-8.
44. Samadifard, H., & Narimani, M. (2017). Prediction of Death Anxiety of Elderly Based on Mindfulness and Irrational Beliefs. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 5(3), 15-21. (persian)
45. Sanaei, M., Zardoshtian, Sh., Norouzi, R. (2014). The Effect of Physical Activity on Quality of Life and Life Expectancy in the Elderly Fars Province. *Journal of Sport Management Studies*, 5(17):137-57. (Persian)
46. Schwarz, G. (1978). Estimating the dimension of a model. *The annals of statistics*, 6(2), 461-464.
47. Sertel, M., Arslan, S., Kurtoğlu, F., & Yıldırım, T.S (2017). *Physical activity, depression and quality of life in aging process*. *Biomedical Research*, 28 (9), <http://www.alliedacademies.org/articles/physical-activity-depression-and-quality-of-life-in-aging-process.html>.

48. Shafaii, M., Payami, M., Amini, K., & Pahlevan, S. (2017). The relationship between death anxiety and quality of life in hemodialysis patients. *Journal of Hayat*, 22(4), 325-338. (persian)
49. Shafi Abadi, Abdullah. (2012). *Career counseling and vocational guidance and career choice theory*. Tehran: Roshd publication. (persian)
50. Shiekhy, S., Maroei Millan, F., Basharpour, S., & Issazadegan, A. (2013). The relationship between death obsession and death anxiety, with hope among the nursing students of Urmia medical sciences university. *The Journal of Urmia Nursing and Midwifery Faculty*, 11(6), 410-418. (persian)
51. So-Kum Tang, C., Anise M.S. Wu., Elsie C., & Yan, w (2010). Psychosocial correlates of death anxiety among Chinese college students. *Death Studies*, 26(6): 491-499.
52. Soltani, F. Hosseini, F., Arab, M. (2016). Relationship of daily spiritual experiences with life expectancy and death anxiety in patients undergoing coronary artery bypass surgery. *Iranian Journal of Cardiovascular Nursing*, 5(2), 6-13.
53. Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of counseling psychology*, 53(1), 80-93.
54. Sun, F., Norman, I., & Alison, E.W (2013). Physical activity in older people: a systematicReview, *BMC Public Health*, 13:449-466. <http://www.biomedcentral.com/1471-2458/13/449>.
55. Szuhany, K.L., Smits, J. A.J., Asmundson, G. J. G., & Otto, M. W (2014). *Exercise for Mood and Anxiety Disorders: A Review of Efficacy, Mechanisms, and Barriers*. Oxford Handbooks Online, DOI: 10.1093/oxfordhb/9780199935291.013.20.
56. Taghiabadi, M., Kavosi, A., Mirhafez, S.R., Keshvari, M., & Mehrabi, T (2017). The association between death anxiety with spiritual experiences and life satisfaction in elderly people. *Electronic Physician*, 9(30): 3980-3985.
57. Tang PL., & Chiou C.P., & Lin H.S., & Wang, C., & Liand S,L. (2011). Correlates of death anxiety among Taiwanese cancer patients. *Cancer Nurs*. 34(4):286-92.
58. Taylor, D (2013). Physical activity is medicine for older adults. *Postgrad Med J*, 90(1):26-32.
59. Templer, D. I. (1970). The construction and validation of a death anxiety scale. *The Journal of general psychology*, 82(2), 165-177.
60. Thorson, j., & Powell, F.C (1993). Personality, death anxiety, and gender. *Bulletin of the Psychonomic Society*, 3(6): 589-590.
61. Tokarski, Walter (2004). Sport of the elderly, *kinesiology*, 36(1): 98-103.
62. Trajkov, M., Eminović, F., Radovanović, S., Dopsaj, M., Pavlović, D., & Kljajić, D (2018). Quality of life and depression in elderly persons engaged in physical activities. *Vojnosanit Pregl*, 75(2): 177-184.
63. Wen, Y- H (2010). Religiosity and Death Anxiety. *The Journal of Human Resource and Adult Learning* Vol. 6, Num. 2:31-37.
64. WHO (2018). *Physical Activity and Older Adults*. 13 July 2018, http://www.who.int/dietphysicalactivity/factsheet_olderadults/en/.

65. Win, S., Parakh, K., Eze-Nliam, C.M., Gottdiener, J.S., Kop, WJ., & Ziegelstein, RC (2011). Depressive symptoms, physical inactivity and risk of cardiovascular mortality in older adults: *The Cardiovascular Health Study*. *Heart*. 97(6): 500–505.
66. Wong, P. T. P., & Tomer, A (2011). Beyond Terror and Denial: The Positive Psychology of Death Acceptance, *Death Studies*, 35:2, 99-106.
67. Wu, A. M. S., & Tang, C. (2005). *Underlying factors of death anxiety construct and their correlates among Chinese community adults*. Paper submitted to Asia-Pacific Conference on Trauma Psychology, Hong Kong, China.

ارجاع دهی

موسوی سیدولی‌الله، حومنی المیرا، رضائی سجاد، قربان‌پور لقمجانی امیر. (۱۳۹۸). تحلیل خوشه‌ای اثرات فعالیت بدنی بر اضطراب مرگ و معنای زندگی سالمندان شهر تهران. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۲۸-۲۰۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.6187.1503

Mousavi V, Houmani E, Rezaei S, Qorbanpoor lafmejani A. (2019). Cluster Analysis of the Physical Activity Effects on Death Anxiety and Meaning in Life in the Elderly of Tehran. *Research on Educational Sport*. 7(17): 207-28. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.6187.1503

آسیب شناسی اجرای برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت دوره اول متوسطه بر اساس الگوی اکر

پروین ذوالقدری^۱، مرجان کیان^۲، مجید علی عسگری^۳، علیرضا الهی^۴

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی، مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی آسیب‌های موجود در اجرای برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت دوره اول متوسطه مطابق با الگوی علمی اکر بود. جهت انجام پژوهش از روش پژوهش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری شامل متخصصان (اساتید دانشگاه و مؤلفان برنامه درسی)، کارشناسان و معلمان تربیت بدنی دبیرستان‌های دولتی شهر تهران بود. انتخاب نمونه آماری شامل ۱۸ متخصص به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، ۸۸ معلم زن به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای بر اساس جدول مورگان و ۳۹ کارشناس حوزه تربیت بدنی به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. ابزار پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته بود که بر اساس الگوی برنامه ریزی درسی اکر تدوین شد. روایی صوری و محتوایی ابزار، از طریق دریافت نظر ۸ صاحب نظر تأیید شد و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، عدد ۰/۹۷ به دست آمد. داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون علامت دار ویل کاکسون تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس رتبه‌ای کروسکال-والیس و آزمون یومن ویتنی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد آسیب‌های اجرای برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت، شامل طیف متنوعی از مؤلفه‌های برنامه درسی است، از جمله، فضای آموزشی، زمان، محتوا، اهداف، نقش معلم، مواد و منابع. براین اساس، پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی تربیت بدنی، عناصر را با اهداف هماهنگ کنند، فضای آموزشی را بهبود بخشند و زمان تدریس را متناسب نمایند تا ضعف‌های شناسایی شده برطرف شود.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت، دوره اول متوسطه، الگوی اکر

1. Email: zolghadri3249@yahoo.com

2. Email: kian@khu.ac.ir

3. Email: aliasgari2002@gmail.com

4. Email: alirezaelahi@yahoo.com

مقدمه

هدف غایی تعلیم و تربیت، شکوفا کردن استعدادهای بالقوه انسان است تا به کمال مطلوب خویش برسد. تعلیم و تربیت فراگیران را برای زندگی پرمعنا و پرورش انسان‌های خردمند و دانا که عهده‌دار مسئولیت خود و جامعه هستند آماده می‌کند (لوئیس، ۲۰۰۹). انسان تربیت نشده ضمن این که در مقابل جهان ناآشنا آسیب‌پذیر بوده و رشد او با خطر مواجه است، زیست دیگر انسان‌ها را نیز به خطر می‌اندازد در حالی که تعلیم و تربیت بستر رشد انسان را فراهم می‌نماید و او را برای ورود به جهان آماده می‌سازد به نحوی که انسان تربیت شده قادر خواهد بود امکانات خود را با ورود به جهان توسعه بخشد و می‌تواند در بستر عمومی یعنی در فضایی آزاد جلوه‌هایی ماندنی^۱ و ناهمسانی خود را در ارتباط با دیگران تحقق بخشد (توپولوسکی و لون، ۲۰۰۸).

اهداف تعلیم و تربیت را می‌توان در دو بعد فردی و اجتماعی و چهار بخش عقلانی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی تقسیم کرد. در بخش عقلانی، هدف رسیدن به حقایق از راه تفکر و اندیشه و کاربرد آن در زندگی است. توسعه ذوق زیباشناختی و هنری در شاگردان از اهداف رشد عاطفی و درک ارزش‌های اخلاقی و رعایت اعتدال در استعدادهای شاگردان نیز از اهداف بخش اخلاقی است. در بعد جسمانی، هدف اصلی تعلیم و تربیت، تندرستی شاگردان است. این بخش به عنوان پایه و مقدمه‌ای برای اهداف دیگر تعلیم و تربیت است. به عقیده ریکور تعلیم و تربیت به عنوان مهم‌ترین ابزار هویت‌آفرین علاوه بر آموزش ذهن باید به پرورش جسمی و اجتماعی فرد بپردازد (ملان، ۲۰۱۷).

برنامه درسی تربیت‌بدنی همسو با سایر دروس برنامه درسی ملی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از نظام تعلیم و تربیت رسمی است که به شیوه‌های مختلف در دستیابی به اهداف آن نقش دارد و به عنوان عاملی اساسی و مؤثر در توسعه فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی ابزاری ضروری برای رشد و پرورش انسان‌هایی سالم و توانمند جهت دستیابی به ابعادی از حیات طیبه است (برنامه درسی ملی، ۱۳۸۹). تربیت‌بدنی با تأکیدی که بر پرورش جسمی، ذهنی، هیجانی و برآزندگی اجتماعی دارد، در صورت اجرای صحیح می‌تواند نقش قابل توجه خود را در تعلیم و تربیت و در حوزه‌های سه گانه یادگیری یعنی شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی ایفا نماید (وست بوچر، ترجمه احمد آزاد، ۱۳۹۰).

-
1. Lewis
 2. unique
 3. Topolski & Leuven
 4. Malan

برنامه درسی تربیت‌بدنی دوره اول متوسطه در ارتباط طولی با اهداف دوره تحصیلی ابتدائی طراحی شده است. این درس تلاش می‌کند دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های لازم را از طریق برنامه در دانش‌آموزان پیگیری کند. بنابراین، اهداف آموزشی این برنامه درسی شامل سه حیطه «دانشی»، «مهارتی» و نگرشی است. مهمترین اهداف بخش دانشی شامل: آشنایی با آمادگی جسمانی و رشته‌های ورزشی، شناخت نکات بهداشتی، تغذیه، ایمنی و آسیب‌های جسمانی و آشنایی با ورزش‌های بومی و محلی است. آمادگی جسمانی به عنوان یک عامل اساسی در جهت تقویت سلامت جسمی و عملکرد حرکتی دانش آموز در تمامی پایه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، تمامی تلاش‌ها در بخش مهارتی بر ارتقا سطح آمادگی جسمانی و حرکتی دانش‌آموزان معطوف است. توانمندی در مهارت‌های حرکتی، و توانایی در اجرای مناسب فنون و مهارت‌های پیشرفته، مهارت در انجام تمرینات آمادگی جسمانی از مهم‌ترین اهداف حیطه مهارتی است. در تربیت‌بدنی حیطه نگرشی جایگاهی ویژه دارد. می‌توان گفت آموزش و نهادینه کردن همه ارزش‌های الهی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، گذشت، ایثار، جوانمردی و منش‌های پهلوانی در این حیطه جای‌می‌گیرند. انتظار می‌رود برنامه درسی تربیت‌بدنی در کنار رشد و ارتقا آمادگی جسمانی و حرکتی، با فراهم آوردن فضایی شاد و نشاط‌انگیز و کسب تجربه لذت از شرکت در فعالیت‌های بدنی به بهبود نگرش مثبت نسبت به فعالیت‌های بدنی منجر شود و با کسب صلاحیت‌ها و مهارت‌هایی همچون تلاش، کارگروهي، احترام به خود، حس مسئولیت و انتخاب سالم را فراهم آورد (راهنمای برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت، ۱۳۹۵).

اهداف یاد شده، بر محور پنج عنصر تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق که در سند برنامه درسی ملی به عنوان مبنای تعیین اهداف در نظر گرفته شده‌اند، تدوین شده است. محتوای برنامه درسی نیز با توجه به اهداف و ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان شامل: آموزش مقدماتی مهارت‌های ورزشی (بسکتبال ویژه پایه هفتم، والیبال ویژه پایه هشتم و هندبال ویژه پایه نهم)، آمادگی جسمانی و حرکتی، بهداشت و تغذیه، بازی‌ها و ورزش‌های رایج در مدرسه و ورزش‌های سنتی و بازی در طبیعت است. در این برنامه، بنا بر اصل «توجه به تفاوت» در برنامه درسی ملی که بیان‌می‌دارد «برنامه‌های درسی و تربیتی باید به تفاوت‌های محیطی، جنسیتی و فردی متربیان توجه کرده و در این خصوص از انعطاف لازم برخوردار باشند»، محتوای آموزشی به سه صورت اختصاصی (تجویزی)، انتخابی (نیمه تجویزی) و اختیاری تدوین شده است. شیوه تدریس ترکیبی از روش‌های تدریس معلم‌محور و شاگرد‌محور است و تحت تأثیر عواملی چون هماهنگی با اهداف، محتوا، توانایی معلمان و فضا است. در ارزشیابی نیز، از سه شیوه ارزشیابی ورودی، مستمر و پایانی استفاده می‌شود (همان منبع).

مسئله اینجاست که اجرای برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت، همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. در بسیاری از مدارس شاهد تبعیض میان دروس پایه نظیر علوم و ریاضی با دروس مفرح نظیر تربیت‌بدنی هستیم. در بسیاری از مواقع اهمیت درس تربیت‌بدنی در درجه اول اولویت‌ها قرار نمی‌گیرد و یا این درس به درستی در مدارس اجرا و حمایت نمی‌شود. در این میان، این مسئله مطرح می‌شود که با توجه به اهمیت درس تربیت‌بدنی و سلامت در سلامت جسمی و نشاط نوجوانان، آیا این برنامه درسی به درستی و مطابق با استانداردهای آن اجرایی می‌شود؟ آیا دانش‌آموزان به اهداف تعیین شده در این درس دست‌می‌یابند؟ از آن‌جا که ایجاد برنامه‌های منظم تربیت‌بدنی و ورزش در سال‌های تحصیلی مختلف برای دانش‌آموزانی که مراحل اصلی رشد خود را از کودکی تا نوجوانی در مدرسه سپری می‌کنند یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است، دوره متوسطه مکانی مناسب برای شناسایی استعدادها و توانمندی‌های بالقوه دانش‌آموزان است. این مهم وظیفه مدارس متوسطه را در قبال دانش‌آموزان سنگین‌تر می‌کند برای دستیابی به هدف‌های ویژه‌ای که برای این درس طراحی شده است لازم است این درس به گونه‌ای صحیح و مبتنی بر اصول اجرا شود و انسجام درونی بین اجزاء و عناصر آن وجود داشته باشد. ضعف یا قوت در هر یک از اجزاء باعث کندی یا تسریع اجرای برنامه می‌شود. لذا باید هر یک از عناصر را بررسی کرد تا ضعف یا مطلوبیت آن‌ها بررسی شود و گام‌های بعدی برای رفع نواقص یا تقویت قوت‌ها برداشته شود تا برنامه به مطلوبیت برسد. به این منظور، پژوهش حاضر قصد دارد تا آسیب‌های موجود در اجرای برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت را در مدارس متوسطه بررسی نماید و چشم‌انداز روشن‌تری را در زمینه اجرای بهینه این درس نشان دهد. در این مقاله ابتدا درباره ابعاد نظری و پیشینه موضوع بحث می‌شود؛ سپس، ضمن معرفی چهارچوب و روش‌شناسی پژوهش، نتایج و یافته‌های مهم عرضه می‌شوند.

در زمینه موضوع پژوهش حاضر، مبانی نظری متنوعی وجود دارد. برای نمونه، دکر واکر، تعریفی از برنامه درسی ارائه می‌دهد که در آن به طور عملی، تنها به سه عنصر هدف‌ها، محتوا و سازماندهی محتوای یادگیری اشاره شده است (واکر، ۱۹۹۵). همچنین دیدگاه‌هایی که پیشگامان برنامه درسی از جمله رالف تایلر مطرح کرده‌اند، چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی را پیشنهاد می‌کنند (تایلر، ۱۹۴۹). هیلدا تابا آندیشمند دیگر حوزه برنامه درسی، عناصر چهارگانه تایلر را به هفت عنصر تشخیص نیازها، تدوین هدف‌ها، گزینش محتوا، سازماندهی محتوا، گزینش تجربیات یادگیری، سازماندهی تجربیات یادگیری و ارزشیابی گسترش داد (تابا، ۱۹۶۲). یکی از کامل‌ترین و در عین حال کاربردی‌ترین برداشت از عناصر برنامه درسی که می‌تواند به عنوان الگوی زیربنای

-
1. Decker Walker
 2. Tyler
 3. Taba

برنامه‌ریزی درسی مورد استفاده قرار گیرد، الگوی اکر^۱ است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۴: ۱۳۴). اکر بر اساس الگوی کلاین^۲، عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی را در قالب ۱۰ عنصر مورد توجه قرار داده است که به غیر از عنصر «منطق یا چرایی» برنامه درسی، سایر عناصر با الگوی کلاین مشترک هستند. او ضمن مشخص ساختن این عناصر، سؤالاتی مطرح می‌کند که روشن‌کننده وضعیت این عناصر در فرایند تدوین برنامه درسی است (جدول ۱).

جدول ۱- عناصر برنامه درسی از دیدگاه اکر (۲۰۰۳)

عناصر برنامه درسی	پرسش‌های جهت‌دهنده
منطق	چرا فراگیرندگان باید یاد بگیرند؟
مقاصد و اهداف	یادگیرندگان در جهت تحقق چه اهدافی به یادگیری می‌پردازند؟
محتوا	یادگیرندگان چه چیزی می‌آموزند؟
فعالیت‌های یادگیری	یادگیرندگان چگونه می‌آموزند؟
نقش معلم	معلم چگونه فرایند تدریس و یادگیری را تسهیل می‌کند؟
مواد و منابع	یادگیرندگان با کمک چه چیزی به یادگیری می‌پردازند؟
گروه‌بندی	با چه کسانی به یادگیری می‌پردازند؟
مکان	کجا به یادگیری می‌پردازند؟
زمان	کی و چه زمانی یاد می‌گیرند؟
سنجش و ارزشیابی	چقدر در یادگیری پیشرفت داشته‌اند؟

با توجه به نقش محوری منطق یا چرایی برنامه درسی، که نقش کلی یا مأموریت اصلی برنامه درسی را ایفا می‌کند و در حکم مؤلفه‌ای جهت‌دهنده در فرایند تصمیم‌سازی برنامه درسی عمل می‌کند، می‌توان وضعیت آرایش عناصر برنامه درسی را به صورت ویژه‌ای نشان داد که در آن، همه عناصر و مؤلفه‌ها حول محور منطق اصلی برنامه درسی به یکدیگر متصل و مربوط هستند. این آرایش یا چینش برنامه درسی را به عنوان «تار عنکبوت برنامه درسی» مورد اشاره قرار داده‌اند. با عنایت به این مهم در این پژوهش آسیب‌شناسی بر اساس الگوی تار عنکبوتی اکر ۱۰ عنصر در نظر گرفته شد.

از جمله تحقیقات انجام گرفته در زمینه برنامه درسی تربیت‌بدنی می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد: ضیال‌الدینی دشتخاکی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی دیدگاه معلمان تربیت‌بدنی دوره

1. Akker
2. Klien
3. Curriculum Rationale
4. Curriculum Spider we

راهنمایی و کارشناسان تربیت‌بدنی مدارس استان کرمان نسبت به برنامه‌داری تربیت‌بدنی» به این نتیجه رسید برنامه‌داری موجود از کمیت و کیفیت خوبی برخوردار نیست به طوری که هر دو گروه نمونه آماری متغیرهای مورد بررسی؛ اهداف، محتوا، زمان، تجهیزات و ارزشیابی را در سطح متوسط ارزیابی نمودند. صمدی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به آسیب‌شناسی برنامه‌داری تربیت‌بدنی مدارس متوسطه پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد دبیران مطلوبیت برنامه‌داری را در حد زیاد و دانش‌آموزان در حد کم تحقق ارزیابی نموده‌اند. خسروی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) وضعیت برنامه‌داری تربیت‌بدنی مدارس متوسطه استان مرکزی را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق سه مؤلفه برنامه‌داری، آموزش و ارزشیابی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد سه مؤلفه مورد بررسی از وضعیت متوسطی برخوردار هستند. اسمعیلی (۱۳۸۹) در پژوهشی به تطبیق برنامه‌داری تربیت‌بدنی ایران با پانزده کشور جهان اقدام کرد. نتایج پژوهش نشان داد به رغم وجود درس تربیت‌بدنی در برنامه هفتگی دوره ابتدایی و متوسطه در تمام کشورهای مورد مطالعه و در تمام پایه‌های تحصیلی این کشور طبق متغیرهای برنامه‌داری از دیدگاه کلان، به طور کامل عمل نکرده‌اند. شعبانی بهار (۱۳۸۷) عوامل تأثیرگذار بر کیفیت بخشی درس تربیت‌بدنی در مدارس متوسطه از دیدگاه معلمان ورزش را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که از دیدگاه معلمان تربیت‌بدنی عوامل اهداف آموزشی، برنامه آموزشی، محتوای آموزشی و شیوه تدریس و ارزشیابی در حد زیادی بر کیفیت بخشی درس تربیت‌بدنی اثرگذارند.

همچنین درباره موضوع پژوهش حاضر، برخی مطالعات در خارج ایران انجام شده است. برای مثال، فارکولوگ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی در زمینه تدوین سنجش فعالیت‌های تربیت‌بدنی در مدارس متوسطه، به این نتیجه رسیدند مشارکت معلمان در اجرای مؤثر مهارت‌های درس تربیت‌بدنی، به شدت بر الگوگیری دانش‌آموزان و یادگیری آن‌ها اثرگذار است. همچنین شولر و دمیتریو^۲ (۲۰۱۸) در بررسی آثار اجرای درس تربیت‌بدنی دبیرستان‌ها در سلامت اجتماعی دانش‌آموزان نشان دادند اجرای مناسب درس تربیت‌بدنی، بر بهبود صلاحیت‌های رفتاری اجتماعی دانش‌آموزان و همچنین صلاحیت‌های شناختی اجتماعی آن‌ها مؤثر است. به علاوه، هولین و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی سیاست‌های تربیت‌بدنی در مدارس کشور جمهوری چک، به این نتیجه دست یافتند که میزان به کارگیری مهارت‌های ورزشی و تحرک جسمی (نظیر پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری) در دانش‌آموزانی که درس تربیت‌بدنی را به خوبی گذراندند، و به ویژه در دانش‌آموزان مدارس که برنامه‌های ارتقاء سلامت را اجرا کردند، بسیار بالاتر از دانش‌آموزانی بود که

-
1. Fairclough
 2. Schüller, & Demetriou
 3. Hollein

این برنامه‌ها را نگذرانده بودند. موهدا^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به مشخص کردن اثربخشی آموزش برای معلمان تربیت‌بدنی پرداختند. نتایج نشان دادسه مؤلفه دانش، مهارت و نگرش از ویژگی‌های مهمی هستند که معلمان برای اثربخشی آموزش خود به آن نیاز دارند. هیلز^۲ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به عوامل حمایتی بهداشتی درس تربیت‌بدنی مدارس اشاره می‌کند. وی با بیان اینکه عوامل بهداشتی از فاکتورهای ضروری درس تربیت‌بدنی مدارس است، بر ضرورت عوامل بهداشتی در اماکن و تأسیسات ورزشی ویژه دانش‌آموزان تأکید کرد. بالان و شاو^۳ (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان «مطالعه بر بهبود محتوای خاص از آموزش جسمانی کلاس‌های آموزش از طریق بازی‌های حرکتی در مدرسه ابتدایی والریا بالان» انجام دادند. هدف پژوهش بهینه‌سازی روش‌های تدریس به منظور بهبود ویژه اهداف فعالیت‌های تربیت‌بدنی در مدرسه بوده است. نتایج نشان داد استفاده از بازی‌های حرکتی در طول کلاس‌های تربیت‌بدنی به بهبود روند آموزشی و دستیابی به اهداف خاص منجر می‌شود. آلا و اولورانسولا^۴ (۲۰۰۸) در بررسی مشکلات مربوط به برنامه درسی تدوین شده برای مدارس نیجریه، نتیجه گرفتند این برنامه به بازنگری برنامه درسی به لحاظ مدیریت، گستردگی و توسعه برنامه به ویژه در ساعات غیردرسی، تدوین یک سیاست کلی به منظور مشارکت سازمان‌های ذربیط به لحاظ اختصاص دادن اماکن و فضاهای ورزشی، نیاز دارد. جی والترز^۵ و همکاران (۲۰۰۸) نامتناسب بودن برنامه‌های آموزشی معلمان تربیت‌بدنی با نیازهای تحصیلی دانش‌آموزان و اختصاص دادن بیشتر وقت کلاس به مسابقات و رقابت‌ها توسط معلمان تربیت‌بدنی را از عمده مشکلات تربیت‌بدنی در مدارس نام برده اند.

در مجموع، مرور مبانی نظری فوق نشان می‌دهد رصد چگونگی اجرای درس تربیت‌بدنی در مدارس، مهم‌ترین روش ارزیابی کیفیت واقعی این درس در مدارس است و در این میان، پیگیری عناصر بنیادی برنامه درسی آن، می‌تواند چشم‌انداز روشن‌تری را برای پژوهشگران مشخص نماید. همچنین، با توجه به تحقیقات انجام شده می‌توان گفت اکثر پژوهش‌ها، تأثیر یک یا چند عنصر در برنامه درسی تربیت‌بدنی را بررسی کرده اند. به عبارت دیگر، در پژوهش‌های انجام شده عناصر برنامه درسی تربیت‌بدنی به صورت یک مجموعه واحد و یک کل مرتبط و با تأثیرگذاری متقابل در نظر گرفته نشده است. در پژوهش حاضر سعی شده است آسیب‌های برنامه درسی در همه عناصر شامل: منطق، اهداف، محتوا، نقش معلم، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع، گروه بندی، فضا و زمان و

-
1. Mohd
 2. Hills
 3. Balan & Shaao
 4. Alla & olorunsola
 5. J walters

ارزشیابی بررسی شود. با توجه به این که مسائل و عوامل بسیاری بر اجرای درس تربیت بدنی در مدارس کشور تأثیرگذار است، شناسایی عوامل آسیب‌زا بیش از لازم را برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران به منظور تدوین بهتر برنامه‌ی درسی تربیت بدنی، به عنوان یک حوزه مغفول فراهم می‌آورد. لذا این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش است که؛ آسیب‌های موجود در اجرای برنامه‌ی درسی تربیت بدنی دوره‌ی اول متوسطه با توجه به عناصر ده گانه برنامه‌ی درسی از دیدگاه متخصصان، کارشناسان و معلمان کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی- پیمایشی انجام شد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. جامعه آماری دربردارنده سه گروه شامل متخصصان (اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ی درسی تربیت بدنی سلامت، مؤلفان برنامه‌ی درسی تربیت بدنی و سلامت دوره‌ی اول متوسطه)، معلمان تربیت بدنی و کارشناسان حوزه تربیت بدنی و سلامت بود. در سطح جامعه متخصصان تعداد ۱۸ نفر به صورت هدفمند مشارکت داشتند. نمونه‌گیری در سطح جامعه معلمان به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد که از مجموع ۳۴۹ معلم زن برنامه‌ی درسی تربیت بدنی دوه اول متوسطه در کل مناطق نوزده‌گانه شهر تهران، پنج منطقه ۱۸، ۹، ۶، ۳، ۱ به عنوان واحد نمونه انتخاب شدند. سپس از مجموع ۱۱۰ معلم زن در درس تربیت بدنی دوره‌ی اول متوسطه در پنج منطقه، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۸۸ نفر به عنوان نمونه برگزیده شدند. در سطح جامعه کارشناسان نیز از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و تعداد ۳۹ نفر کارشناس تربیت بدنی در پژوهش حاضر شرکت نمودند. در مجموع ۱۴۵ نفر، نمونه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه محقق ساخته «ارزیابی اجرای برنامه‌ی درسی تربیت بدنی و سلامت» بود که بر مبنای الگوی اکر (شامل عناصر ده گانه برنامه درسی) تدوین شد. برای بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه، بعد از اصلاحات اولیه توسط اساتید راهنما و مشاور و تأیید آنان، پرسش‌نامه همراه با «فرم تعیین روایی» در اختیار ۸ نفر از متخصصین این رشته قرار گرفت تا براساس نظرهای آنها، تعدیل‌های ضروری انجام پذیرد پس از دریافت نظرات و انجام اصلاحات نگارشی لازم، روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصین مذکور مورد تأیید قرار گرفت و پرسش‌نامه اصلاح شده به یک پرسش‌نامه ۳۵ سوالی تبدیل شد. پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم شد. بخش اول شامل مشخصات فردی و بخش دوم شامل سوالات اصلی پژوهش بود که حاوی ۳۵ سؤال بسته پاسخ مطابق با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (به ترتیب: خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳،

1. Likert Scale

زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) طراحی شده است. پرسش‌نامه یاد شده، عناصر برنامه درسی تربیت‌بدنی را درون ده طبقه کلی منطق، اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، زمان، فضا، گروه بندی و ارزشیابی مورد آزمون قرار داد تا گروه‌های مورد مطالعه، نظرات خود را بر حسب درجه اهمیت و اولویت در خصوص آن‌ها اعمال کنند. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای ۳۰ نفر از پاسخگویان محاسبه شد و مقدار آن برابر با ۰/۹۷ به دست آمد. پایایی هر یک از ابعاد پرسش‌نامه نیز به صورت جداگانه محاسبه شد (جدول ۲).

جدول ۲- ضرایب پایایی برای هر یک از ابعاد پرسش‌نامه

مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	پایایی
منطق	۲	۰/۷۵
اهداف	۴	۰/۸۱
محتوا	۵	۰/۸۶
فعالیت‌های یادگیری	۳	۰/۶۹
نقش معلم	۵	۰/۸۷
مواد و منابع	۲	۰/۸۳
زمان	۱	۰/۷۶
فضا	۳	۰/۸۸
گروه‌بندی	۲	۰/۷۳
ارزشیابی	۸	۰/۹۲

به منظور تجزیه و تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های مورد مطالعه، از روش‌های آمار توصیفی و به منظور پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از روش‌های آمار استنباطی استفاده شده است. برای بررسی چگونگی توزیع داده‌های پژوهش از آزمون کلموگروف اسمیرونف (K-S) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد توزیع داده‌ها از لحاظ آماری نرمال نیست. بنابراین، از آزمون‌های ناپارامتریک (آزمون رتبه‌ای علامت‌دار ویل کاکسون تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس رتبه‌ای کروسکال - والیس و u مان ویتنی) با رعایت پیش‌فرض‌های آن، استفاده شده است. بدین ترتیب، ابتدا آزمون ویل کاکسون برای شناسایی آسیب‌های موجود در برنامه درسی تربیت‌بدنی از دیدگاه هر یک از گروه‌های مورد مطالعه به کار گرفته شد سپس برای بررسی تفاوت دیدگاه‌های گروه‌های مستقل سه گانه از تحلیل واریانس رتبه‌ای کروسکال والیس^۱ استفاده شد و در نهایت، به منظور تشخیص

۱. آزمون کروسکال والیس (Kruskal-Wallis) برای مقایسه میانگین رتبه‌های دو گروه یا بیشتر به کار برده می‌شود در صورتی که فرض یکسان بودن واریانس‌ها برقرار نباشد (سیگل، ۱۹۸۸ ترجمه کریمی، ۱۳۸۳). در این مطالعه با توجه

تفاوت‌های گروه‌های مورد مطالعه به صورت دو به دو، از آزمون χ^2 مان - ویتنی به عنوان آزمون تعقیبی استفاده شد.

نتایج

نتایج حاصل از جدول شماره سه نشان می‌دهد، بیشترین تعداد متخصصان از نظر جنسیت، متخصصان مرد (۹۴/۴)، از نظر رشته تحصیلی، رشته تربیت‌بدنی (۵۰ درصد)، از نظر سابقه کار، متخصصان با سابقه کار ۱۱-۲۰ سال (۵۵/۶) و از نظر مدرک تحصیلی، تمامی متخصصان دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده‌اند. در گروه کارشناسان تربیت‌بدنی بیشترین تعداد از نظر جنسیت، کارشناسان مرد (۷۴/۴)، از نظر رشته تحصیلی، تربیت‌بدنی (۴۸/۷)، از نظر سابقه کار، کارشناسان با سابقه کار ۱۱-۲۰ سال (۵۳/۸) و از حیث مدرک تحصیلی، دارای مدرک کارشناسی ارشد (۵۹/۳) بوده‌اند. در گروه معلمان، از نظر جنسیت، تمامی معلمان زن، از نظر رشته تحصیلی، معلمان با رشته تحصیلی تربیت‌بدنی (۶۴/۴)، از نظر سابقه کار، با سابقه‌کار ۱۰-۱ سال (۶۹/۸) و از نظر مدرک تحصیلی، دارای مدرک کارشناسی (۶۵/۸) بوده‌اند. همچنین، با توجه به نتایج جدول، بیشترین تعداد معلمان شرکت‌کننده از پنج منطقه آموزشی تهران، منطقه ۱۸ (۲۵/۷) بوده است. گروه متخصصان و کارشناسان منطقه خاصی نداشتند.

جدول ۳- توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی گروه‌های مورد مطالعه

نمونه متغیرها	متخصصان		کارشناسان تربیت‌بدنی		معلمان	
	گزینه	درصد	گزینه	درصد	گزینه	درصد
جنسیت	مرد	۹۴/۴	مرد	۷۴/۴	مرد	-
	زن	۵/۶	زن	۲۵/۶	زن	۱۰۰
رشته تحصیلی	برنامه‌ریزی درسی	۳۷/۹	برنامه‌ریزی درسی	۲۷/۱	برنامه‌ریزی درسی	۱۱/۳
	تربیت‌بدنی	۵۰	تربیت‌بدنی	۴۸/۷	تربیت‌بدنی	۶۴/۴
	روانشناسی	۱۲/۱	روانشناسی	۲۴/۲	روانشناسی	۲۴/۳
سابقه کار	۱۰-۱ سال	۴۴/۴	۱۰-۱ سال	۴۶/۲	۱۰-۱ سال	۶۹/۸
	۲۰-۱۱ سال	۵۵/۶	۲۰-۱۱ سال	۵۳/۸	۲۰-۱۱ سال	۶۴/۴
	۳۰-۲۱ سال	-	۳۰-۲۱ سال	-	۳۰-۲۱ سال	۲۴/۳

به اینکه حجم نمونه‌ها متفاوت است، تفاوت در واریانس آن‌ها موجب می‌شد، نتایجی دقیق از این آزمون‌ها حاصل نشود؛ هر چند آزمودنی‌ها به صورت مستقل و تصادفی انتخاب شده‌اند، چون واریانس گروه‌ها برابر نبوده، بنابراین آزمون کروسکال والیس، مناسب‌ترین جایگزین برای این آزمون به شمار می‌رفت.

ادامه جدول ۳- توزیع فراوانی متغیرهای جمعیتشناختی گروه‌های مورد مطالعه

نمونه متغیرها	متخصصان		کارشناسان تربیت بدنی		معلمان	
	گزینه	درصد	گزینه	درصد	گزینه	گزینه
مدرک تحصیلی	کارشناسی	-	کارشناسی	۳۸/۶	کارشناسی	۶۵/۸
	کارشناسی ارشد	-	کارشناسی ارشد	۵۹/۳	کارشناسی ارشد	۳۴/۲
منطقه آموزشی	دکترا	۱۰۰	دکترا	-	دکترا	-
					منطقه ۳	۱۴/۸
					منطقه ۶	۱۵/۹
					منطقه ۹	۲۳/۸
					منطقه ۱۳	۱۹/۸
				منطقه ۱۸	۲۵/۷	

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد سطح معناداری به دست آمده ($p < 0/05$)، برای همه متغیرهای پژوهش به جز نقش معلم یعنی؛ منطق، اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، فضای آموزشی زمان، مواد و منابع، گروه بندی و ارزشیابی، کوچکتر از $0/05$ است. بنابراین، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرها، رد می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرها

تربیت بدنی و سلامت	عناصر برنامه درسی		سطح معناداری
	آماره	درجه آزادی	
اهداف	۰/۱۲۹	۱۴۵	۰/۰۰۰
محتوا	۰/۱۵۱	۱۴۵	۰/۰۰۰
فعالیت‌های یادگیری	۰/۱۰۸	۱۴۵	۰/۰۰۰
نقش معلم	۰/۰۷۱	۱۴۵	۰/۰۷۴
مواد و منابع	۰/۱۶۲	۱۴۵	۰/۰۰۰
زمان	۰/۲۵۸	۱۴۵	۰/۰۰۰
فضا	۰/۱۳۱	۱۴۵	۰/۰۰۰
گروه بندی	۰/۱۳۵	۱۴۵	۰/۰۰۰
ارزشیابی	۰/۱۰۳	۱۴۵	۰/۰۰۱

به منظور بررسی وضعیت موجود عناصر برنامه درسی تربیت بدنی در گروه متخصصان، میانه توزیع نمرات افراد در ۱۰ خرده مقیاس با میانه نظری ۳ در طیف ۱ تا ۵ با استفاده از آزمون ناپارامتریک رتبه‌های علامت‌دار ویلکاکسون تک نمونه‌ای مقایسه شد. با توجه به نتایج جدول شماره ۵، تفاوت

میان‌ه مشاهده شده در عناصر منطق، اهداف و ارزشیابی از میان‌ه نظری ۳ معنادار نیست ($p > 0/05$) از سوی دیگر، در سایر مؤلفه‌های برنامه درسی از قبیل محتوا، نقش معلم، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع، گروه بندی، زمان و فضای آموزشی تفاوت میان‌ه مشاهده شده از میان‌ه نظری ۳ به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/05$). به عبارت دیگر؛ می‌توان گفت از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، در مؤلفه‌های یاد شده آسیب و کاستی‌هایی وجود دارد (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج آزمون رتبه علامت‌دار ویلکاکسون‌تک نمونه‌ای در عناصر برنامه درسی تربیت‌بدنی در گروه متخصصان

عناصر برنامه درسی			
تربیت‌بدنی و سلامت	میان‌ه	Z	سطح معناداری
منطق	۲/۸۰	-۱/۳۵	۰/۱۷۷
اهداف	۲/۸۷	-۰/۵۶	۰/۵۷۰
محتوا	۲/۴۰	-۲/۸۲	۰/۰۰۵
فعالیت‌های یادگیری	۲/۳۳	-۲/۷۸	۰/۰۰۵
نقش معلم	۲/۵۰	-۲/۴۳	۰/۰۱۵
مواد و منابع	۲/۰۰	-۳/۵۷	۰/۰۰۱
زمان	۲/۰۰	-۳/۵۲	۰/۰۰۱
فضا	۱/۸۳	-۳/۴۹	۰/۰۰۱
گروه‌بندی	۲/۵۰	-۳/۳۴	۰/۰۰۲
ارزشیابی	۲/۷۵	-۱/۶۳	۰/۱۰۲

براساس یافته‌های حاصل از جدول شماره ۶، در عناصری از برنامه درسی منطق، محتوا، نقش معلم، فعالیت‌های یادگیری گروه‌بندی و ارزشیابی تفاوت میان‌ه مشاهده شده از میان‌ه نظری ۳ معنادار نیست ($p > 0/05$) ولی در سایر متغیرهای برنامه درسی از قبیل اهداف، مواد و منابع، زمان و فضای آموزشی تفاوت میان‌ه مشاهده شده از میان‌ه نظری ۳ به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/05$). یعنی از دیدگاه کارشناسان تربیت‌بدنی، در عناصر اهداف، مواد و منابع، زمان و فضای آموزشی در برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت دوره اول متوسطه آسیب وجود دارد (جدول ۶).

جدول ۶- نتایج آزمون رتبه علامت‌دار ویلکاکسون تک نمونه‌ای در عناصر برنامه درسی تربیت‌بدنی در

گروه کارشناسان

عناصر برنامه درسی			
تربیت‌بدنی و سلامت	میان	Z	سطح معناداری
منطق	۳/۰۰	-۴/۸۱	۰/۳۵۴
اهداف	۳/۲۵	-۳/۵۳	۰/۰۰۱
محتوا	۳/۰۰	-۰/۹۳	۰/۳۵۲
فعالیت‌های یادگیری	۳/۰۰	-۰/۸۷	۰/۳۸۳
نقش معلم	۲/۸۰	-۱/۳۵	۰/۱۷۷
مواد و منابع	۲/۵۰	-۳/۰۳	۰/۰۰۲
زمان	۲/۰۰	-۳/۴۳	۰/۰۰۱
فضا	۲/۳۳	-۳/۲۵	۰/۰۰۱
گروه‌بندی	۳/۰۰	-۰/۸۷	۰/۳۸۴
ارزشیابی	۳/۲۵	-۱/۹۲	۰/۵۴

همان طوری که نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد تفاوت میان مشاهده شده در متغیرهای منطق و ارزشیابی، از میان نظری ۳ معنادار نیست ($p > 0/05$) ولی در سایر عناصر برنامه درسی تربیت‌بدنی از جمله، اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، زمان، فضای آموزشی و گروه بندی تفاوت میان مشاهده شده از میان نظری ۳ به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/05$). یعنی از دیدگاه معلمان تربیت‌بدنی به جز عناصر اهداف و ارزشیابی، در سایر عناصر یاد شده آسیب وجود دارد (جدول ۷).

جدول ۷- نتایج آزمون رتبه علامت‌دار ویلکاکسون تک نمونه‌ای عناصر برنامه‌دستی تربیت‌بدنی در گروه

معلمان

عناصر برنامه‌دستی	میانگین	Z	سطح معناداری
تربیت‌بدنی و سلامت	۳/۰۰	-۰/۸۷	۰/۳۸۳
منطق	۳/۲۵	-۲/۲۴	۰/۰۲۵
اهداف	۲/۸۰	-۲/۶۵	۰/۰۰۸
محتوا	۲/۶۶	-۳/۵۰	۰/۰۰۱
فعالیت‌های یادگیری	۲/۶۶	-۴/۱۲	۰/۰۰۱
نقش معلم	۲/۵۰	-۶/۶۲	۰/۰۰۱
مواد و منابع	۲/۰۰	-۶/۳۲	۰/۰۰۱
زمان	۲/۰۰	-۶/۹۳	۰/۰۰۱
فضا	۲/۵۰	-۳/۳۲	۰/۰۰۱
گروه‌بندی	۳/۰۰	-۰/۰۱	۰/۹۸۶
ارزشیابی			

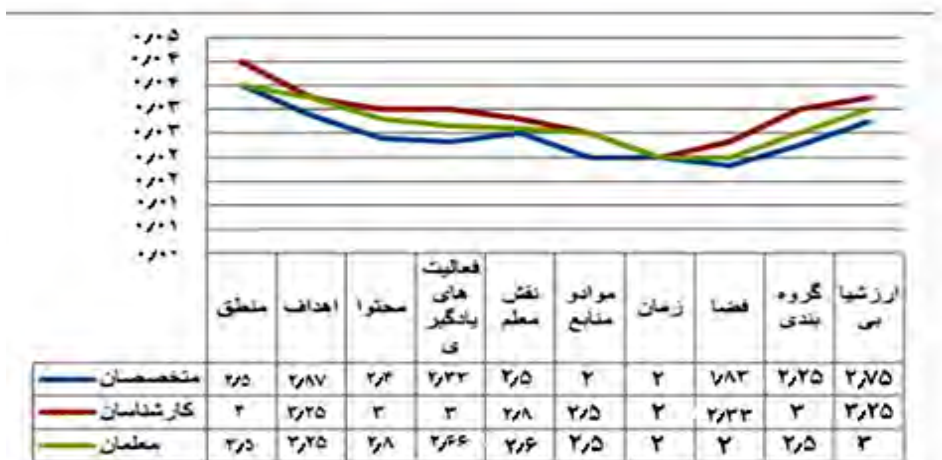
به منظور بررسی اختلاف نظرات سه گروه مورد مطالعه در خصوص عناصر برنامه‌دستی تربیت‌بدنی و سلامت از آزمون کروسکال والیس استفاده شد (جدول ۸).

الف) با توجه به نتایج جدول ۸، در سطح معناداری ۰/۰۵ اختلاف دیدگاه‌های سه گروه مورد مطالعه در خصوص عناصر محتوا، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع و گروه‌بندی معنادار است. بنابراین با توجه به مقادیر خی دو و سطح معناداری ۰/۰۵ فرض صفر مبنی بر این که میان دیدگاه‌های سه گروه مورد مطالعه از لحاظ بررسی وضعیت عناصری از قبیل محتوا، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع و گروه‌بندی تفاوت وجود ندارد رد می‌شود؛ یعنی میان نظریات سه گروه مورد مطالعه در خصوص عناصر یاد شده، اختلاف نظر معناداری وجود دارد.

ب) در طبقاتی از عناصر برنامه‌دستی تربیت‌بدنی و سلامت از قبیل منطق، اهداف، نقش معلم، فضا، زمان، ارزشیابی به دلیل اینکه سطح معناداری بالاتر از آلفای ۰/۰۵ است، تفاوت معنادار نیست؛ این امر بدان معناست که میان سه گروه مورد مطالعه، یعنی متخصصان، کارشناسان و معلمان در خصوص شیوه نگرستن به وضعیت و ویژگی‌های عناصر یاد شده، اختلاف نظر معناداری وجود ندارد.

جدول ۸- نتایج آزمون کروسکال-والیس مقایسه نظریات سه گروه مورد مطالعه درباره عناصر برنامه درسی

تربیت بدنی و سلامت	گروه‌های مورد مطالعه	عناصر برنامه درسی			مقدار معناداری
		فراوانی	میانگین	خی دو درجات آزادی	
منطق	متخصصان	۱۸	۳/۵	۰/۳۴۳	۲
	کارشناسان	۳۹	۴		
	معلمان	۸۸	۳/۵		
اهداف	متخصصان	۱۸	۲/۸۷	۴/۸۵	۲
	کارشناسان	۳۹	۳/۲۵		
	معلمان	۸۸	۳/۲۵		
محتوا	متخصصان	۱۸	۲/۴۰	۶/۶۸	۲
	کارشناسان	۳۹	۳/۰۰		
	معلمان	۸۸	۲/۸۰		
فعالیت‌های یادگیری	متخصصان	۱۸	۲/۳۳	۷/۰۲	۲
	کارشناسان	۳۹	۳/۰۰		
	معلمان	۸۸	۲/۶۶		
نقش معلم	متخصصان	۱۸	۲/۵۰	۴/۰۶	۲
	کارشناسان	۳۹	۲/۸۰		
	معلمان	۸۸	۲/۰		
مواد و منابع	متخصصان	۱۸	۲/۰۰	۹/۴۰	۲
	کارشناسان	۳۹	۲/۵۰		
	معلمان	۸۸	۲/۵۰		
زمان	متخصصان	۱۸	۲/۰۰	۵/۰۴	۲
	کارشناسان	۳۹	۲/۰۰		
	معلمان	۸۸	۲/۰۰		
فضا	متخصصان	۱۸	۱/۸۳	۵/۳۶	۲
	کارشناسان	۳۹	۲/۳۳		
	معلمان	۸۸	۲/۰۰		
گروه بندی	متخصصان	۱۸	۲/۲۵	۷/۰۳	۲
	کارشناسان	۳۹	۳/۰۰		
	معلمان	۸۸	۲/۵۰		
ارزشیابی	متخصصان	۱۸	۲/۷۵	۸/۰۷	۲
	کارشناسان	۳۹	۳/۲۵		
	معلمان	۸۸	۳/۰۰		



شکل ۱- نظرات متخصصان، کارشناسان و معلمان درباره عناصر برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت بر حسب میانه

همان طوری که ملاحظه می‌شود، در طبقاتی از عناصر برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت از قبیل، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع و گروه بندی میان دیدگاه سه گروه متخصصان، معلمان و کارشناسان اختلاف نظر وجود دارد. از سوی دیگر، در عناصری از برنامه درسی از جمله، منطق، اهداف، نقش معلم، فضا، زمان و ارزشیابی تفاوتی بین سه گروه وجود ندارد. این امر بدان معناست که میان سه گروه مورد مطالعه، یعنی متخصصان، کارشناسان و معلمان در خصوص شیوه نگرستن به وضعیت عناصر یاد شده، اختلاف نظر وجود ندارد.

از آنجا که فرضیه مخالف در آزمون کروسکال- والیس، فقط بیان می‌کند که نمونه مطالعه با یکدیگر تفاوت دارند و هرگز نمی‌گوید، تفاوت میان کدام گروه هاست، بنابراین برای آگاهی از این که «رتبه‌های دو گروه نمونه به گونه معنادار از یکدیگر تفاوت دارند یا خیر؟»، از آزمون U مان-ویتنی به عنوان آزمون تعقیبی استفاده شد (جدول ۹).

با توجه به نتایج داده‌های جدول ۹، مقادیر Z به دست آمده از آزمون U مان-ویتنی برای مؤلفه‌های محتوا، فعالیت‌های یادگیری و گروه‌بندی در برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت در سطح ۰/۰۵ برای گروه‌های متخصصان- معلمان و متخصصان- کارشناسان معنادار بوده، ولی مقدار Z به دست آمده برای گروه‌های معلمان- کارشناسان در سه مؤلفه یاد شده در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست. یعنی با توجه به میانگین رتبه‌ها فقط میان دیدگاه‌های متخصصان- معلمان و متخصصان- کارشناسان در زمینه بررسی آسیب‌ها و ویژگی‌های مؤلفه‌های محتوا، فعالیت‌های یادگیری و گروه بندی اختلاف

معناداری وجود دارد. همچنین، داده‌های جدول ۹ نشان می‌دهد مقادیر Z به‌دست آمده برای مؤلفه مواد و منابع در برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت در سطح ۰/۰۵ برای گروه متخصصان - کارشناسان و کارشناسان - معلمان، معنادار بوده ولی مقدار Z به‌دست برای گروه متخصصان - معلمان در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست. این امر بدان معناست که میان دیدگاه‌های متخصصان - کارشناسان و کارشناسان - معلمان، در خصوص بررسی آسیب‌های عنصر یادشده اختلاف نظر معناداری وجود دارد.

جدول ۹- نتایج آزمون U مان-وایتنی اختلاف میانگین رتبه‌های عناصر برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت

در میان گروه‌های مطالعه

عناصر برنامه درسی						
تربیت‌بدنی و سلامت	گروه	فراوانی	میانگین رتبه‌ها	مشخصه آزمون U	مقدار Z	sig
متخصصان	۱۸	۴۰/۳۱	۵۵۴	۰/۰۴۵	-۲/۰۰	
	معلمان	۸۸	۵۶/۲۰			
محتوا	متخصصان	۱۸	۲۰/۳۶	۱۹۵	-۲/۶۹	۰/۰۰۷
	کارشناسان	۳۹	۳۲/۹۹			
معلمان	۸۸	۶۱/۸۶	۱۵۲۸	۰/۳۲۲	-۰/۹۹	
	کارشناسان	۳۹				
فعالیت‌های یادگیری	متخصصان	۱۸	۳۹/۸۹	۵۴۷	-۲/۰۸	۰/۰۳۷
	معلمان	۸۸	۵۶/۲۸			
متخصصان	۱۸	۲۰/۸۳	۲۰۴	۰/۰۱۱	-۲/۵۵	
	کارشناسان	۳۹				
معلمان	۸۸	۶۱/۴۴	۱۴۹۰	۰/۲۲۳	-۱/۱۹	
	کارشناسان	۳۹				
متخصصان	۱۸	۴۴/۹۲	۶۳۷	۰/۱۸۴	-۱/۳۲	
	معلمان	۸۸				
مواد و منابع	متخصصان	۱۸	۱۹/۷۷	۱۸۳	-۲/۹۵	۰/۰۰۳
	کارشناسان	۳۹	۳۳/۳۱			
معلمان	۸۸	۵۹/۰۹	۱۲۸۴	۰/۰۲۱	-۲/۳۱	
	کارشناسان	۳۹				
گروه بندی	متخصصان	۱۸	۴۰/۴۲	۵۵۶	-۲/۰۱۸	۰/۰۴۴
	معلمان	۸۸	۵۶/۱۸			
متخصصان	۱۸	۲۰/۵۶	۱۹۹	۰/۰۰۸	-۲/۶۵	
	کارشناسان	۳۹				
معلمان	۸۸	۶۱/۴۵	۱۴۹۱	۰/۲۳۳	-۱/۱۹	
	کارشناسان	۳۹				

بحث و نتیجه‌گیری

مدل برنامه‌ریزی درسی که در این پژوهش معرفی شد مبتنی بر نگرش جامع نسبت به عناصر برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت بود. لذا می‌تواند در فهم جامع برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت، مؤثر واقع شود. همان‌طور که یافته‌ها نشان دادند کاستی‌ها و ضعف‌های اجرای برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت، شامل طیف متنوعی از مؤلفه‌های برنامه درسی است. از دیدگاه متخصصان، مؤلفه‌های نقش معلم، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع، گروه‌بندی، زمان و فضای آموزشی، در برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت دوره اول متوسطه با کاستی‌هایی مواجه است. در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که برنامه‌ریزی درسی در آموزش و پرورش ایران معمولاً توسط تعداد محدودی از متخصص مختلف و در شورای برنامه‌ریزی درسی خاص بررسی و به تصویب می‌رسد. در حالی که عملاً و در عرصه اجرا با افشار و عوامل گوناگون ارتباط پیدا می‌کند (مؤمنی مهمویی، ۱۳۸۹). برنامه‌ریزی درسی واقع‌گرایانه مستلزم مشارکت کلیه نیروهای اثرگذار و درگیر در مراحل گوناگون تصمیم‌گیری است که در میان آن‌ها، معلمان از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردارند. معلمان به سبب آشنایی با مسائل و نیازهای دانش‌آموزان و مدرسه و تجربیات ارزشمندی که در سایه تعامل با یادگیرندگان به دست می‌آورند. مهم‌ترین عنصر در موفقیت برنامه‌های درسی هستند و در صورتی که در زمینه جایگاه، نقش و زمینه‌سازی مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با برنامه درسی تأملی عمیق و جامع‌الاطراف صورت پذیرد، اثربخشی برنامه‌های درسی بهبود چشمگیر خواهد یافت (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳).

بنابراین، با توجه به نقش مهم معلم به نظر می‌رسد به کارگیری شیوه‌های آموزشی مؤثر توسط معلم به نحوی که دانش‌آموزان از وقت خود برای انجام فعالیت‌ها حداکثر استفاده را ببرند؛ توجه به معلم به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان برای دستیابی به رشد شخصی مطلوب و... می‌تواند به بهبود وضعیت آموزش درس تربیت‌بدنی در مدارس متوسطه کمک کند. این یافته بر حسب موضوع با یافته‌های همچون ایفای نقش مثبت و مداوم توسط معلم ورزش به عنوان الگوی سلامتی و تندرستی، توجه معلم ورزش به تمام دانش‌آموزان خسروی زاده و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت دارد. همچنین مطالعه فارکولوگ و همکاران (۲۰۱۸) نیز به اهمیت نقش بسزای معلمان تربیت‌بدنی در اجرای بهینه این درس اشاره داشته‌اند.

عنصر محتوا نیز تأثیر گسترده‌ای بر سایر عناصر دارد، به گونه‌ای که وجود محتوای متنوع و متناسب با علایق دانش‌آموزان علاوه بر ایجاد محیط پربار آموزشی سبب می‌شود تا دانش‌آموز آموخته‌های عمیق‌تری از درس تربیت‌بدنی و سلامت کسب کند، و معلم نیز برای به کارگیری روش‌های نوین تدریس، فعالیت‌های یادگیری پویا، گروه‌بندی‌های مقتضی، استفاده بهینه از زمان آموزش و

روش‌های ارزشیابی نوین، با انگیزه بیشتری تلاش کند و فرایند آموزش جذاب‌تر و غنی‌تر باشد. بنابراین، محتوای برنامه درسی تربیت‌بدنی نیز بایستی چنان انتخاب شود که متناسب با نیازها و علایق دانش‌آموزان بوده و در آن به بازی‌های سنتی و بومی محلی نیز توجه خاصی شود. شعبانی بهار و همکاران (۱۳۸۷) محتوای آموزشی را سومین عامل مؤثر بر کیفیت بخشی درس تربیت‌بدنی از دیدگاه معلمان تربیت‌بدنی مرد و زن معرفی کرده است.

ماهیت عملی درس تربیت‌بدنی نیازمند فعالیت گسترده تر دانش‌آموزان نسبت به سایر دروس است. بنابراین، فعالیت‌های یادگیری انتخاب شده نیز باید با نیازها، علائق، معلومات و تجارب فعلی دانش‌آموزان سازگار بوده و فرصت لازم را برای تمرین مهارت‌های درس تربیت‌بدنی در اختیار آن‌ها قرار دهد همچنین در انتخاب فعالیت‌های یادگیری به آمادگی شناختی، جسمی و عاطفی آن‌ها به اندازه کافی توجه شود.

درس تربیت‌بدنی از جمله دروسی است که وابستگی زیادی به امکانات و وسایل کمک آموزشی دارد. معلم با کمک وسایل و امکانات آموزشی می‌تواند در کمترین زمان، بیشترین محتوا را به صورت واقعی‌تر و ملموس برای دانش‌آموزان تشریح نماید. در انتخاب مواد و منابع آموزشی باید به ویژگی‌های فردی، سطح دانش و نیازهای یادگیرندگان، علایق دانش‌آموزان، جذاب بودن و معتبر بودن مواد و منابع یادگیری توجه نمود.

آن چه در گروه بندی دانش‌آموزان در کلاس درس تربیت‌بدنی حائز اهمیت است، توجه به مهارت و قد و وزن دانش‌آموزان است که معلم با شناخت هوشمندان خود از دانش‌آموزان بتواند آن‌ها را در گروه‌های همگن قرار دهد. با گروه‌بندی مناسب، دانش‌آموزان در طول انجام بازی و تمرینات گروهی می‌توانند علاوه بر ارتقای سطح توانایی و مهارت‌های خود به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی همچون کار گروهی، احترام به خود و دیگران، تمرین رهبری و... نائل آیند.

بخشی دیگر از یافته‌ها نشان دادند از دیدگاه کارشناسان و معلمان نیز به غیر از مؤلفه‌های یاد شده عنصر اهداف نیز دارای آسیب بود. هدف‌های تربیتی، در حقیقت در حکم قانون اساسی برنامه درسی هستند که همه فعالیت‌ها باید با استناد به آن‌ها و برای تحقق آن‌ها صورت گیرند. از این رو در تصمیم‌گیری برای هدف‌های برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت بایستی نیازهای عاطفی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرند و با توانائی‌ها و علایق دانش‌آموزان متناسب شوند. این یافته بر حسب موضوع با یافته‌های صمدی و همکاران (۱۳۹۱) که در آن دانش‌آموزان مطلوبیت اهداف را در حد کم ارزیابی نمودند مطابقت دارد. همچنین، اسمعیلی (۱۳۸۹) بیان می‌کند در هر ۱۵ کشور مورد مطالعه اهداف این درس در سه حیطه رفتاری شامل حیطه شناختی، عاطفی و روانی حرکتی

تدوین شده است که اهداف روانی حرکتی بیش تر از سایر اهداف مورد توجه کشورهای مورد مطالعه بوده است.

زمان آموزشی در اشکال مختلفش، یکی از عوامل مدرسه‌ای است که به طور مشخص با برنامه و روش‌های آموزشی مرتبط است. کافی نبودن یا کاهش زمان آموزشی دلایلی گوناگون دارد که بایستی آن عوامل شناسایی شده‌تر جهت رفع آنها اقدام شود. در این مورد توجه معلم به مدیریت زمان، مهم جلوه می‌کند. همچنین مؤلفه «فضای آموزشی» ویژه درس تربیت‌بدنی و سلامت در مدارس متوسطه نیز از دیدگاه معلمان پژوهش حاضر، با ضعف‌هایی همراه بود. مرور سایر مطالعات مرتبط نشان می‌دهند محیط فیزیکی مدرسه یا کلاس می‌تواند بر رفتار و یا نگرش یادگیرنده نسبت به مدرسه و یادگیری محتوا، اثر گذار باشد. تجهیز و شادابی فضای آموزشی ویژه درس تربیت‌بدنی و سلامت و همچنین به کارگیری فضاهای ورزشی مقتضی خارج از مدرسه با رعایت الزام‌های آن‌ها برای یادگیری مهارت‌های برنامه‌درسی تربیت‌بدنی، می‌تواند یکی از راهکارهای آموزش و یادگیری عمیق‌تر و با نشاط‌تر این درس برای دانش‌آموزان باشد. به طور کلی پیشینه‌های پژوهشی بیانگر آن هستند که وجود امکانات و منابع آموزشی سبب ارتقای کمی و کیفی درس تربیت‌بدنی خواهد شد و بالعکس فقدان امکانات آموزشی از اصلی‌ترین موانع اجرای مطلوب این درس خواهد بود. در پژوهش حاضر، تمامی معلمان به کمبود فضای ورزشی روباز و سرپوشیده در مدارس اذعان داشتند. نامناسب بودن حیاط مدرسه و فقدان فضای سرپوشیده برای انجام فعالیت‌های ورزشی در تمام فصول، مانع بزرگی بر سر راه اجرای مطلوب درس تربیت‌بدنی است. این امر تحقق اهداف از پیش تعیین شده درس تربیت‌بدنی و سلامت را با تأخیر و مشکل مواجه می‌کند. بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، به معلمان مدارس پیشنهاد می‌شود:

- به نیازهای عاطفی روحی و روانی دانش‌آموزان توجه نموده و فعالیت‌های بدنی و ورزشی را برای توسعه سلامت روانی دانش‌آموزان و افزایش شادکامی آنان در دستور کار خود قرار دهند.
- به مدیران مدارس متوسطه پیشنهاد می‌شود به منظور توجه به نیازهای سلامت جسمی و همچنین نیازهای عاطفی و روانی دانش‌آموزان، آموزش‌های سلامت و فعالیت‌های تربیت‌بدنی را در راستای سایر دروس دیگر مورد تأکید قرار دهند و در برنامه ریزی‌های مدرسه از آن غفلت نورزند.
- پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش به منظور بهبود و ارتقای کیفیت آموزشی درس تربیت‌بدنی و سلامت کلاس‌های آموزشی قبل و ضمن خدمت را برای معلمان تربیت‌بدنی فراهم نماید و توجه به توانمندی‌های علمی و حرفه‌ای معلمان را با اهتمام بیشتری در برنامه‌ریزی آموزشی خود قرار دهند.

- با توجه به نتایج به دست آمده، به طراحان برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت پیشنهاد می‌شود بین عناصر متنوع این برنامه درسی، همخوانی بیشتری ایجاد شود. برای نمونه، تصمیم‌هایی که در خصوص اهداف برنامه و شیوه‌های ارزشیابی گرفته می‌شوند، باید با تصمیم‌هایی که درباره مواد و منابع، فضای آموزشی و زمان اخذ می‌شوند، هماهنگ باشد. در صورتی که این همخوانی و یکنواختی در برنامه درسی دیده نشود، برنامه درسی خلأهایی دارد که به کاهش تأثیر آن بر فراگیران می‌انجامد.
- با در نظر گرفتن تغییر و تحولات اجتماعی، بویژه کاهش تحرک جسمانی و افزایش بروز فقر حرکتی و همچنین با در نظر گرفتن مخاطبان اصلی برنامه، به مؤلفان و دست اندرکاران آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود در برنامه درسی تربیت بدنی مدارس متوسطه یک ارزیابی و بازنگری صورت گیرد از طریق ایجاد اصلاحات و تدارک شرایط و امکانات، به بهبود کمیت و کیفیت فضای مدرسه توجه بیشتری داشته باشند تجهیز مدارس به سالن‌های سرپوشیده حتی الامکان در مدرسه یا اجاره آن‌ها در نزدیکی مدارس و همچنین افزایش زمان آموزش این درس می‌تواند به بهبود وضعیت آن کمک کند. در این مطالعه، پژوهشگر با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. از جمله می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهش به معلمان زن اشاره کرد که تعمیم‌پذیری نتایج به جمعیت‌های آماری مردان را با محدودیت مواجه می‌سازد. همچنین جامعه مطالعه دربرگیرنده جامعه دانش‌آموزان نبود. بنابراین، به علاقه‌مندان پژوهش در این حرفه، پیشنهاد می‌شود به منظور انجام مطالعات عمیق‌تر و گسترده‌تر در این زمینه در پژوهش‌های بعدی با تکمیل جامعه آماری جدید، دیدگاه‌های این گروه‌ها نیز به طور مشترک بررسی و تطبیق داده شود تا نتایج قابل اعتمادتری به دست آید.

منابع

1. Alla J.B., olorunsol H.K. (2008). Physical Education Curriculum and Its Implementation in Nigerian Schools, four International Council for Health, Physical Education, Recreation, Sport and Dance, Africa Regional Congress, pp: 172-179.
2. Balan, V; Shao, M. (2013). Study on Improving the Specific Content of Teaching Physical Education Classes Through Movement Games in Primary School, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 117, pp: 173-178.
3. Esmaeili, M. (2010). A Comparative Study of Elementary, Secondary, and High School Physical Education Curriculum in Iran and Selected Countries in the World and Providing an Appropriate Model for Developing a Guideline for Physical Education Curriculum, Institute for Research Planning and Educational Innovations. 629, pp: 69-86. (Persian).
4. Fathi Vahjargah, K. (2015). *Principles and Concepts of Curriculum Development*. Tehran: Ball Publishing. p: 134. (Persian).

5. Fathi Vahjargah, K. (2004). Feasibility Study of Teachers Contribution in Curriculum Processes in the Iranian Education System. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 3 (8), 59-78. (Persian).
6. Fairclough, Stuart J.; Glenn Weaver. R.; Johnson, Siobhan; Rawlinson, Jack. Validation of an Observation Tool to Assess Physical Activity-Promoting Physical Education Lessons in High Schools. *Journal of Science and Medicine in Sport*. 2018; (21)5: 495-500.
7. Hollein, Tomas; Vašíčková, Jana ; Bucksch, Jens ; Dagmar, Michal Kalman. School physical Activity Policies and Active Transport to School Among Pupils in the Czech Republic. *Journal of Transport & Health*. 2017; (6): 306-312.
8. Hematinejad, M., Ramezaninejad, R., & Rahimi, V. (2005). Measuring Physical Education and Sports During High School. *Olympics Quarterly*. 3, pp: 7-17. (Persian).
9. Hills, A. p., Dengel, D. R., Madua, k., Alia, S. (2015). Supporting Public Health Priorities: Recommendations for Physical Education and Physical Activity Promotion in Schools. *Sport Science Journal*, 57(4), pp: 368-374.
10. Walters, S.J., Boyle, S.E., & Jones, G. L. (2008). Physical Activity among Adolescent and Barriers to Delivering Physical Education. *BMC Public Health*, 8 (1) pp: 1-9.
11. Khosravi zadeh, E., Saneh, A., Haqdadi, A. (2011). The Status of Physical Education Curriculum in High Schools in Markazi Province. *Quarterly of Iranian Curriculum Studies*. 6th Year, 23, pp: 162-183. (Persian).
12. Lewis, H.R. (2009). *Excellence Without a Soul: Does Liberal Education Have a Future?* New York: PublicAffairs.
13. Malan, G.J. (2017). Ricoeur on time: From Husserl to Augustine, *HTS Teologiese Studies/Theological Studies*. 73(1).
14. Mo'meni Mehmuei, H., & Rouhani, Z. (2017). The Relationship Between Self-Efficacy and Job Satisfaction, or the Tendency of Teachers to Participate in Curriculum Development. *New Approach Quarterly in Educational Management*, 8th Year, 3, 239-256.
15. Mohd, Z., Azam, H., Nur Bahiyah, A., Julia, J. (2015). Determining Teaching Effectiveness for Physical Education Teacher. *Journal of Procedia- Social and Behavior Sciences*, 172, pp: 733-740.
16. National curriculum Document. (2011). Secretariat of the Curriculum Production Plan. Fourth Edition, p: 28 (Persian).
17. Physical Education and Health Curriculum Guide for the First Level Secondary School. (2016). Department of Physical Education Curriculum, Compilation Office of Textbooks of the Research and Educational Planning Organization of the Ministry of Education, pp: 8-20. (Persian).
18. Schüller, Iris & Demetriou. (2018). Physical Activity Interventions Promoting Social Competence at School: A Systematic Review. *Educational Research Review*. 2 (25): 39-55.
19. Ramezani Nejad, R. (2016). *Physical Education*. Samt Publishing, Tehran, First Edition. (Persian).

20. Samadi, P, Javadipour, M., and Lotfi, M. (2012). Pathology of Physical Education Curriculum Based on Klein's Theory in Tehran. *Educational New Thoughts*. 9(4), pp: 91-116. (Persian).
21. Siegel, S. (1988). *Nonparametric Statistics for the Behavior Sciences, Second Edition, Translated by Yousef, Karimi, (2004)*. Tehran, Allame Tabatabaee University, pp: 242.
22. Sha'bani Bahar Gh, Erfani N., & Eshraghi, A. (2008). Surveying and Needs Assessment of Students about Physical Education Lessons in High Schools of Malayer County in the Academic Year of 2004-2003. *Harakat*, 33, pp: 143-156.
23. Taba, H. (1962). *Curriculum Development: Theory and Practice*. New York: Harcourt, Brace & World.
24. Tyler, R. (1949). *Basic Principles of Curriculum and Instruction*. Chicago, IL: University of Chicago Press. p: 144.
25. Topolski, A. & Leuven, K. U. (2008). Creating Citizen in the Classroom: Hanna Arendt's Political Critique of Education. *Journal of the European Ethic Network*, 15(9), 259-282.
26. Vest Debourah, A., & Boucher Charles, A. (2011). *Fundamentals of Physical Education and Sports*, Translated by Ahmad Azad, National Olympic Committee of the Islamic Republic of Iran. Second Edition.
27. Waker, D. (1995). *Fundamentals of curriculum*. San Diego: Harcourt, Brace, Jovanovich.
28. Ziaaddini Dashtkhaki, R. (2012). A Study of Physical Education Curriculum in Secondary School from Teachers' and Physical Education Experts' Point of View in Kerman Province. MA Thesis of Sports Management, Shahid Bahonar University of Kerman, pp: 9-11. (Persian).

ارجاع دهی

ذوالقدری پروین، کیان مرجان، علی‌عسگری مجید، الهی علیرضا. (۱۳۹۸).
 آسیب‌شناسی اجرای برنامه درسی تربیت‌بدنی و سلامت دوره اول متوسطه
 براساس الگوی اکر. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۵۲-۲۲۹.
 شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.5941.1475

ZolghadriP, KianM, Aliasgari M, Elahi A R. (2019). Pathology of the Implementation of Physical Education and Health Curriculum in First Level Secondary School, based on Aker Model. *Research on Educational Sport*. 7(17): 229-52. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.5941.1475

طراحی برنامه راهبردی اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

مهدی احمدیان جلواری^۱، شهرام علم^۲، ولی نوذری^۳

۱. گروه مدیریت ورزشی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
۲. استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه: واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

۳. استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه: واحد ارسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ارسنجان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۴

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، طراحی برنامه راهبردی اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بود. این تحقیق از نوع زمینه‌یابی است که به روش توصیفی - تحلیلی و به شکل میدانی انجام گرفت. جامعه آماری را ۸۴ نفر از رؤسای پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان، کارشناسان شامل مدیر کل تربیت بدنی و معاونین و کارشناسان اداره کل و متخصصان و نخبگان رشته تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان تشکیل دادند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه و پرسش‌نامه باز و بسته بود که روایی و پایایی پرسش‌نامه توسط اساتید و صاحب‌نظران مدیریت ورزشی تأیید گردید. اطلاعات به‌دست آمده بر اساس نقطه نظرات شورای راهبردی ۱۲ قوت، ۱۱ ضعف، ۱۲ فرصت و ۱۱ تهدید نهایی گردید. به منظور بررسی توزیع نرمال داده‌ها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر شاخص‌های توصیفی از آزمون فریدمن و ماتریس ارزیابی درونی و بیرونی استفاده گردید. بر اساس نمره نهایی ۲/۵۶ ماتریس عوامل داخلی و نمره ۲/۵۷ ماتریس عوامل خارجی و محاسبات لازم موقعیت راهبردی اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان تهاجمی شناسایی شد. با بهره‌مندی از تحلیل سوات، ۳ استراتژی در برابر نقاط قوت داخلی و فرصت‌های بیرونی، ۳ استراتژی در برابر نقاط قوت داخلی و تهدیدات بیرونی، ۳ استراتژی در برابر نقاط ضعف داخلی و فرصت‌های بیرونی و ۲ استراتژی در برابر نقاط ضعف داخلی و تهدیدات بیرونی و در مجموع ۱۱ استراتژی شناسایی و بر اساس ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی در سه بخش استراتژی‌های قوت داخلی و فرصت‌های بیرونی اولویت‌بندی شدند.

واژگان کلیدی: برنامه راهبردی، دانشگاه فرهنگیان، اداره کل تربیت بدنی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

1. Email: mehdiAhmadiyan.jelodari@gmail.com

2. Email: Shahramalam@yahoo.com

3. Email: V_nowzari@yahoo.com

مقدمه

امروزه با توجه به دستیابی به اهداف و چشم‌اندازی که سازمان‌ها و کشورها برای خود ترسیم می‌کنند و همچنین تغییرات و تحولاتی که در محیط پدید آمده است تحلیل استراتژی سازمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (نظری، احسانی و ساکت، ۱۳۹۳).

ورزش دانشجویی به عنوان بخشی از فرآیند ورزش تعلیم و تربیت در پی آن است که با فراهم آوردن زمینه‌های لازم و ایجاد محیط و فرصت مناسب، کلیه دانشجویان را در موقعیت‌های تفریحی و رقابتی سالم قرار دهد و با پاسخگویی به نیازهای اساسی آنان، برنامه‌هایی برای تقویت جسم همگام با پرورش روح تأمین کند (حسینی، حمیدی و تجاری، ۱۳۹۳) و همچنین بخش مهمی از اهداف بلندمدت توسعه ملی در بخش ورزش و جوانان است (منافی، رضانی‌نژاد، گوهررستمی و دستوم، ۱۳۹۶). دانشگاه فرهنگیان بخش بزرگی از تربیت دانشجو-معلم را بر عهده داشته و از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین ارائه خدمات ورزشی مختلف به چنین افرادی نیازمند وجود مأموریتی مشخص برای ورزش دانشجویی و نیز آماده‌سازی چشم‌اندازی شفاف در افق زمانی مشخص است. یکی از مهم‌ترین اقدامات برای انجام رسالت و مأموریت اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان و اثربخشی فعالیت‌های آن استفاده از برنامه‌ریزی استراتژیک است.

با توجه به اینکه سازمان‌ها با تغییر و تحولات مختلف محیطی بیرونی مانند عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و تکنولوژیکی، رقبا، ذینفعان، نهادهای دولتی، واسطه‌های مالی، اتحادیه‌ها، عرضه‌کنندگان، همچنین عوامل درونی مانند عوامل مدیریتی، مالی، بازاریابی، خدمات، تحقیق و توسعه و سیستم اطلاعات رایانه‌ای و متغیرهای سازمانی، فنی و فردی مواجه‌اند (تیلور، دوئرتی و مک‌گراو، ۲۰۱۵). به این ترتیب سازمان‌ها با حرکت در مسیر تکامل و پیشرفت خود، به تدریج بر ضرورت برنامه‌ریزی در امور زیربنایی و زیرساختی واقف شده‌اند و آن را به منزله ابزاری در خدمت مدیریت بهینه و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود مورد توجه قرار داده‌اند (هراکلوس، ۲۰۱۴). در این راستا، سیستم‌های سازمانی برای موفقیت باید از نوعی برنامه‌ریزی بهره‌گیرند که آینده‌نگر و محیط‌گرا باشد، به طوری که ضمن شناسایی عوامل محیطی، در افق زمانی بلندمدت تأثیر آن‌ها بر سازمان و نحوه تعامل سازمان با آن‌ها را مشخص کند (رشیدلمیر، دهقان قهفرخی و رشیدلمیر، ۱۳۹۲). این نوع برنامه‌ریزی، در واقع همان برنامه‌ریزی راهبردی است که با بررسی محیط داخلی و خارجی سازمان، قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی را شناسایی کرده و با در نظر داشتن چشم‌انداز و مأموریت سازمان، اهدافی بلندمدت برای سازمان تنظیم می‌کند و برای دستیابی به این اهداف، از بین

-
1. Taylor, Doherty & McGraw
 2. Heracleous

گزینه‌های راهبردی، اقدام به انتخاب راهبردهایی می‌کند که مشخص می‌کنند منابع محدود سازمان (مالی، انسانی، امکانات و تسهیلات) باید به کدام یک از فعالیت‌های اولویت‌دار اختصاص یابند تا بدون اتلاف منابع و زمان، بهترین نتایج حاصل شوند و بیشترین بهره‌وری به‌دست آید (دربانی، تقی بیگلو، قاسمی و سررشته‌داری، ۱۳۹۲).

برنامه‌ریزی راهبردی منجر به اتخاذ تصمیمات راهبردی می‌گردد و تصمیمات راهبردی نیز با قلمرو و حیطه فعالیت‌های سازمان مربوط است به عبارت دیگر تصمیمات راهبردی هماهنگی لازم را در بخش فعالیت‌ها و امکانات، توانایی‌های سازمانی، منابع متنوع سازمان توصیه و توجیه می‌کند. برنامه‌ریزی راهبردی و بلندمدت در سازمان‌های ورزشی ملی و منطقه‌ای، پل موفقیت به اهداف است و با نداشتن برنامه و استراتژی سازمان ورزشی نباید متوقع هیچ موفقیتی چه در سطح ملی و چه در سطح محلی و منطقه‌ای باشد. سازمان‌های ورزشی برحسب شرایط محیط‌های درونی و بیرونی خود و با استفاده از فرآیند مدیریت راهبردی به میزان‌های مختلف از استراتژی‌های نوآورانه، توسعه‌ای، اکتشافی و تقویتی مطابق با جذابیت برنامه‌ها وضعیت رقابتی، برای روبرویی با این تحولات و دستیابی به اهداف خود استفاده کرده‌اند (خسروی‌زاده و حمیدی، ۱۳۹۱).

تغییرات محیطی باعث شده‌اند که در طول تاریخ انسان از وجود برخی از انواع برنامه‌ریزی‌ها برای دستیابی به اهداف خود استفاده کند و زمینه ایجاد تفکر و اقدام راهبردی را فراهم نماید، از این رو تفکر و اقدام راهبردی دارای اهمیت فزاینده‌ای شده است و توسط بخش‌های مختلف مورد پذیرش و استفاده قرار گرفته است زیرا از طریق آن سازمان‌ها توانسته‌اند به طور موفقیت‌آمیزی خود را با آینده تطبیق دهند (کریمادیس، ۱۹۹۷). این نوع مدیریت نیازمند آن است که نیروها و تغییرات محیطی تحلیل شوند و تصمیماتی برای اختصاص منابع اتخاذ گردد (خسروی‌زاده و حمیدی، ۱۳۹۱).

لزوم برنامه‌ریزی را می‌توان در دلایلی چون تعیین مسیر، کاهش تأثیر تغییرات، به حداقل رساندن ضایعات و اضافات و ایجاد استانداردهایی برای تسهیل کنترل جست‌وجو کرد (حسینی، حمیدی و تجاری، ۱۳۹۳). متخصصان علم مدیریت ابزارهای خاصی را به سازمان‌ها پیشنهاد نموده‌اند تا با بکارگیری و استفاده از آن‌ها بتوانند راهبرد سازمانی خود را تدوین، اجرا و ارزیابی کنند (نظری، احسانی و ساکت، ۱۳۹۳). یکی از این ابزارها مدیریت راهبردی و طراحی برنامه راهبردی در سازمان است (آلتمن، آپشو و هندرسون، ۲۰۱۷). مدیریت راهبردی به سازمان این امکان را می‌دهد که به شیوه‌ای خلاق و نوآور عمل کند و برای شکل دادن به آینده خود به صورت انفعالی عمل نکند. این شیوه مدیریت باعث می‌شود سازمان دارای ابتکار عمل باشد و فعالیت‌هایش به گونه‌ای درآید که اعمال

-
1. Kerimadis
 2. Altman, Upshaw & Henderson

نفوذ نماید، نه این که تنها در برابر کنش‌ها، واکنش نشان دهد و بدین گونه سرنوشت خود را رقم زده و آینده را تحت کنترل درآورد. ارتباطات کلید اصلی موفقیت راهبردی است. مدیران و کارکنان از طریق درگیر شدن در این فرایند خود را متعهد به حمایت از سازمان می‌کنند. و این امر موجب تفاهم و تعهد هرچه بیشتر مدیران و کارکنان شده و منافع زیادی را برای سازمان حاصل می‌کند. محدودیت منابع و شرایط محیطی و دیدگاه‌ها نسبت به آن‌ها و ارزش‌هایی که برای سازمان متصور هستیم به عنوان حقایقی تلقی می‌شوند که فرایند برنامه‌ریزی بر اساس آن‌ها صورت گیرد (رحیمی گرجان، ۱۳۹۶). با پیشرفت برنامه و فنون مدیریت راهبردی، میزان نفوذ بر عوامل محیطی نیز افزایش یابد (رضائیان، ۱۳۹۳). امروزه سازمان‌ها از برنامه‌ریزی راهبردی استفاده می‌کنند. برنامه‌ریزی راهبردی سبب کنترل بیشتر سازمان‌ها، بهبود عملکرد مالی و استفاده موثر از منابع، ایجاد چارچوبی معتبر برای تصمیم‌گیری، کسب بازخورد و ارزیابی میزان پیشرفت سازمان، وحدت و یکپارچگی سازمان با ایجاد دیدگاه مشترک و توسعه کارگروهی می‌شود (بوید، ۲۰۰۹).

با توجه به پیشرفت سریع علوم و تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و جایگاه نظام آموزش و پرورش ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، دانشگاه فرهنگیان رسالت مهمی داشته و از نقش و جایگاه ویژه‌ای در نیل نظام آموزش و پرورش به اهداف چشم‌انداز و تربیت معلمینی سالم و پر نشاط دارد. بدین جهت رشد و بالندگی ورزشی دانشجویی هر کشور به وجود ادارات تربیت‌بدنی اثربخش در هر دانشگاه وابسته است. رویدادها و فعالیت‌های ورزشی بین دانشگاهی از کیفیت فعالیت‌های ورزشی در درون دانشگاه‌ها نشأت می‌گیرد (حمیدی، ۱۳۸۸). ورزش دانشگاهی به عنوان بخشی از فرآیند تعلیم و تربیت در پی آن است که با فراهم آوردن زمینه‌های لازم و ایجاد محیط و فرصت مناسب، کلیه دانشجویان را در موقعیت‌های تفریحی و رقابتی سالم قرار دهد و با پاسخگویی به نیازهای اساسی آنان، برنامه‌هایی برای تقویت جسم همگام با پرورش روح تأمین کند. وظیفه مؤسسات آموزش عالی کشور، تامین نیروی انسانی متخصص، آموزش و ارتقاء علمی و نظری دانشجویان است (حمیدی، ۱۳۸۸). تربیت‌بدنی و ورزش با تأکیدی که بر پرورش جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی دارد شاخصه‌ای برای توسعه دانشگاه‌ها محسوب می‌شود و در صوت کاربرد صحیح و اصولی نقش شایان توجهی در فرآیند تعلیم و تربیت در آموزش عالی ایفا خواهد کرد (توکل، ۱۳۷۷).

در زمینه تدوین برنامه راهبردی تربیت‌بدنی دانشگاه‌های کشور محققینی همچون شفیعی و حامی (۱۳۹۵) دانشگاه فنی و حرفه‌ای ایران، خلیل پور (۱۳۹۴) دانشگاه علمی کاربردی، حمیدی و همکاران (۱۳۹۳) فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی، حسینی و همکاران (۱۳۹۳) دانشگاه آزاد اسلامی، رضانی نوده (۱۳۹۲) دانشگاه شاهرود، گودرزی (۱۳۹۲) دانشگاه پیام نور و در خارج از کشور بردلی-

داپس^۱ (۲۰۱۷) دانشگاه دنور، برونتون و مکینتاش^۲ (۲۰۱۷) ورزش دانشگاه‌های انگلستان به تحقیق پرداخته‌اند.

با توجه به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴، ایران کشور توسعه یافته‌ای توصیف شده است و ارتقاء اثربخشی و کارایی جزو اهداف آن محسوب می‌شود لذا به نظر می‌رسد با توجه به مطالب بیان شده، اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان که به عنوان تنها نهاد متصدی ورزش در این دانشگاه محسوب می‌شود تاکنون نتوانسته جایگاه مطلوبی در زمینه ورزش دانشجویی و غنی‌سازی اوقات فراغت کسب نماید. در نتیجه برای تحقق اهداف و اثربخشی مسئولیت‌ها بدون شناسایی عوامل درونی و بیرونی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) و برنامه‌ریزی راهبردی غیر اصولی و ناکارآمد خواهد بود.

با توجه اهداف عملیاتی تدوین شده در چشم‌انداز ۱۴۰۴ دانشگاه فرهنگیان که باید به ارتقاء کیفیت خدمات رفاهی، ورزشی، بهداشتی و مشاوره‌ای به دانشجو معلمان متناسب با اقتضات دانشگاه‌های شبانه روزی با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در کنار استانداردسازی زیرساخت‌های ایمنی، ورزش دانشجویی، سلامت و بهداشت (روانی و فیزیکی) و خدمات مشاوره‌ای به دانشجو معلمان (اهداف کلان ۲ و ۳) در جهت بهبود وضعیت موجود دانشگاه پرداخته شود، بر همین اساس اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان برای تضمین حرکت روبه رشد خود در عرصه ورزش دانشجویی کشور نیازمند طراحی و تدوین یک برنامه راهبردی است تا هر چه بیشتر به انسجام و یکپارچگی و همسویی فعالیت‌های ورزش دانشجویی بیافزاید تا بتواند با چالش‌های آینده در حیطه کاری خود مقابله نماید. با توجه به موارد ذکر شده بالا این سؤال برای محقق به وجود آمد که برنامه راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی و با توجه به موضوع در حیطه مطالعات راهبردی است. نحوه جمع‌آوری داده‌ها به شکل میدانی و به روش توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات مورد نیاز آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. این پژوهش در دو بخش کیفی و کمی انجام گرفته است. در بخش کیفی ضمن تشکیل شورای راهبری (مدیران تربیت‌بدنی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان)، و تبادل اطلاعات با اعضاء گروه تخصصی (کارشناسان تربیت‌بدنی اداره کل) و همچنین با مطالعه مقالات علمی متعدد مرتبط با موضوع پژوهش، ابتدا با استفاده از

-
1. Bradley-Doppes
 2. Brunton & Mackintosh

تکنیک دلفی (پرسش‌نامه باز) که بین شورای راهبردی و گروه تخصصی توزیع شده بود و در زمینه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید داده‌ها گردآوری شد. در ادامه پس از دریافت نظرات کارشناسی اعضای شورا پرسش‌نامه پژوهش با رویکرد شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید طراحی شد. در بخش کمی (استخراج گویه‌های پرسش‌نامه) نیز روش مطالعه به شیوه پیمایشی^۱ است که در نهایت اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده مورد تجزیه و تحلیل‌های آماری قرار گرفت که بر اساس مدل برنامه‌ریزی راهبردی «دیوید» (به صورت: الف) بررسی عملکرد اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان؛ ب) انجام مطالعات تطبیقی و جمع‌آوری اطلاعات از اعضای نمونه؛ ج) برگزاری جلسات شورای راهبری اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان؛ د) تدوین فهرست اولیه قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات؛ ه) برگزاری مجدد جلسات شورای راهبری اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان؛ و) تدوین فهرست نهایی ماموریت، قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات؛ ز) تحلیل ماتریس عوامل درونی و بیرونی؛ ط) تعیین موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان و تدوین استراتژی‌ها، می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق رؤسای پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان (۳۰ نفر)، کارشناسان شامل (مدیر کل تربیت‌بدنی و معاونین و کارشناسان اداره کل ۲۹ نفر)، متخصصان و نخبگان رشته تربیت‌بدنی که در دانشگاه فرهنگیان به عنوان مدرس مشغول به فعالیتند (۲۵ نفر) تشکیل خواهند داد، (جمعا ۸۴ نفر). بر این اساس کلیه افراد جامعه به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و از نوع مفهومی با تعدادی از صاحب‌نظران و اعضا شورای راهبری برای مشخص کردن مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید استفاده شد. فرم‌های شناسایی (محقق‌ساخته) برای استعلام نظر آزمودنی‌ها در خصوص تعیین مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها، تهدیدها^۲ و تهیه لیست اولیه آن‌ها. روایی فرم‌های شناسایی محقق ساخته توسط اساتید و صاحب‌نظران مدیریت ورزشی تایید گردید. پرسش‌نامه بسته پاسخ عوامل درونی و بیرونی: این پرسش‌نامه با توجه به نکته نظرات آزمودنی‌ها در پرسش‌نامه اولیه و همچنین مطالب مندرج در تحقیقات مرتبط گذشته و الگوبرداری از برنامه‌های راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه‌های کشورهای منتخب و همچنین مصاحبه با اعضای اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان تهیه گردید. این پرسش‌نامه دارای مقیاس لیکرت است. پرسش‌نامه برای هر یک از اعضای نمونه آماری ارسال شد (۸۴ فرم‌های شناسایی توزیع شد و ۶۲ فرم‌های شناسایی پاسخ داده شد) تا آن‌ها نظرات خود را در مورد سؤالات این پرسش‌نامه به منظور تعیین تاثیر هر یک از عوامل مربوط به قوت، ضعف، فرصت و تهدید ارائه دهند. حاصل نظرات

-
1. Survey Research
 2. SWOT

آزموندنی‌ها به غربال اولیه فهرست نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها، تهدیدها منتج شد. سپس فهرست غربال شده برای نهایی شدن در اختیار اعضای شورای راهبری اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان قرار گرفت و در نهایت توسط شورای راهبری قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها نهایی مشخص گردید. ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ $0/78$ به دست آمد. از آمار توصیفی برای دسته‌بندی و خلاصه کردن داده‌ها، تدوین جداول فراوانی و درصد با نرم افزار اکسل استفاده شد. از آزمون مقایسه میانگین برای بررسی وضعیت هر یک از آیتم‌های پرسشنامه برای تعیین نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید و همچنین برای اولویت و رتبه‌بندی کردن مهم‌ترین نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدیدها از آزمون فریدمن استفاده شد. برای تدوین و استخراج استراتژی‌ها از ماتریس با استفاده از چهار فرصت قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها^۴ و مقایسه دو به دو (زوجی) استراتژی‌های چهارگانه نقاط قوت داخلی و تهدیدات بیرونی^۵، نقاط قوت داخلی و تهدیدات بیرونی^۶، نقاط ضعف داخلی و فرصت‌های بیرونی^۷، نقاط ضعف داخلی و تهدیدات بیرونی^۸ تدوین و به برآورد امتیازات هر یک از استراتژی‌ها پرداخته شد.

یافته‌ها

کمیته راهبردی پروژه با بهره‌گیری از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دانشگاه فرهنگیان کشور، مبانی نظری، تحلیل وضع موجود، مطالعات تجربیات ورزش دانشگاه‌های نمونه و مشارکت و همفکری دست‌اندرکاران ورزش پردیس‌های دانشگاهی در استان‌های مختلف، چشم‌انداز، ارزش‌های محوری، مأموریت و اهداف بلندمدت اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان را به شرح زیر تدوین کرد:

-
1. Strengths
 2. Weaknesses
 3. Opportunities
 4. Threats
 5. SO
 6. ST
 7. WO
 8. WT

چشم‌انداز	دانشگاه فرهنگیان با حرکت به سوی دانشگاهی فعال، سالم و بانشاط به‌وسیله مشارکت حداقل پنجاه درصد جامعه دانشجو- معلمان در ورزش‌های همگانی و تفریحی.
مأموریت	ایجاد بستر مناسب برای حفظ و ارتقاء سطح سلامتی و نشاط دانشجو - معلمان به وسیله ترویج و نهادینه کردن ورزش همگانی و تفریحی، توسعه و تعمیم ورزش، ترغیب و تشویق دانشجو - معلمان به ورزش، فراهم کردن امکانات و تسهیلات ورزشی با تأکید بر فرصت‌های برابر، پرورش و حمایت از دانشجو - معلمان ورزشکار، میزبانی و شرکت در مسابقات ورزشی مختلف و کسب افتخارات ملی و بین‌المللی در چارچوب ارزشهای اخلاقی و فرهنگی شایسته دانشگاه فرهنگیان بر اساس سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴.
ارزش‌های محوری	ترویج زندگی سالم از طریق ورزش، رعایت ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، حفظ کرامت انسانی دانشجو - معلمان، وجود مدیریت تحول‌گرا و آینده‌نگر، آموزش برای همه، وجود نگرش سیستمی، اعتقاد به کار گروهی.

اهداف کیفی

۱) تخصیص بودجه و سرانه ورزشی برای دانشجویان در جهت بهره‌مندی از امکانات ورزشی رایگان و پرورش استعدادها و ورزشی و مشارکت نیروی انسانی در ساعات فوق برنامه؛ ۲) استفاده از پتانسیل‌های موجود در اداره کل تربیت‌بدنی در تصمیم‌سازی‌ها در جهت گسترش فعالیت‌ها و مسابقات ورزشی در دانشگاه فرهنگیان و شرکت افراد فعال در امر ورزش قهرمانی برای حضور مستمر در میادین مسابقات دانشجویی و المپیادهای ورزشی بین دانشگاهی؛ ۳) بهره‌گیری از امکانات و فضاهای ورزشی در جهت توسعه رشته تربیت‌بدنی؛ ۴) ایجاد سازکارهای لازم در جهت جذب و جایگزینی معلمان تربیت‌بدنی با توجه به کمبود نیروی انسانی با توجه به تعدد مراکز آموزشی؛ ۵) ارتقاء کیفیت خدمات رفاهی، ورزشی، بهداشتی و مشاوره‌ای به دانشجو معلمان جهت شرکت در فعالیت‌های ورزشی؛ ۶) تبیین برنامه‌های مدون در جهت بهبود کیفیت تجهیزات فضاهای آموزشی، رفاهی و ورزشی؛ ۷) توسعه منابع و زیرساخت‌های تربیت‌بدنی در ایجاد فضای ورزشی مطلوب در خوابگاه و پردیس‌ها؛ ۸) طراحی مدیریت عملکرد ورزش دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان؛ ۹) توسعه برنامه‌های آموزشی و ورزشی در پردیس‌های دانشگاهی؛ ۱۰) تدوین برنامه راهبردی ورزش دانشجویی بر اساس چشم‌انداز ۱۴۰۴ دانشگاه فرهنگیان؛ ۱۱) احداث فضاهای ورزشی جدید با اولویت معملین دختر.

تعیین موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان

با نپایی شدن نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدیدهای اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان در جلسات شورای راهبری برای تعیین موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان و متعاقباً استخراج صحیح استراتژی‌های آن اقدام شد. در این مرحله از ماتریس ارزیابی عوامل درونی

به منظور بررسی قوت وضعف دانشگاه فرهنگیان و از ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی به منظور تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای دانشگاه فرهنگیان استفاده شد. در جلسات شورای راهبردی دانشگاه فرهنگیان با بحث و تبادل نظر، ضریب اهمیت و رتبه هر کدام از این مؤلفه‌ها مشخص شد. مجموع نمرات این ماتریس برابر ۲/۵۶ است که بیانگر آن است که اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان دارای قوت‌های قابل توجهی دارد.

جدول ۱- ماتریس عوامل درونی (محیط داخلی) اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان

نمره	شدت عامل	ضریب اهمیت	میانگین	عبارات عوامل درونی
۰/۳۰۰	۴	۰/۰۷۵	۴/۰۲	وجود مراکز آموزشی متعدد در رشته تربیت بدنی
۰/۱۷۱	۳	۰/۰۵۷	۴/۱۰	مکان ادامه تحصیل برای افراد شاغل و دانشجویان رشته تربیت بدنی به تفکیک جنیست
۰/۱۷۷	۳	۰/۰۵۹	۴/۰۸	وجود اداره کل تربیت بدنی در ساختار دانشگاه فرهنگیان
۰/۲۸۴	۴	۰/۰۷۱	۴/۵۰	برگزاری منظم مسابقات و المپیادهای درون دانشگاهی و بین دانشگاهی
۰/۱۴۷	۳	۰/۰۴۹	۴/۲۸	داشتن بودجه مشخص و مرتبط با سرانه ورزشی دانشجویان در اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان
۰/۱۳۲	۳	۰/۰۴۴	۴/۰۱	وجود دانشجو معلمان تربیت بدنی داوطلب در زمینه ورزش‌های همگانی و تفریحی در دانشگاه فرهنگیان
۰/۲۲۸	۴	۰/۰۵۷	۴/۱۱	وجود فرصت‌های مناسب فوق برنامه‌های تربیت بدنی در پردیس‌های دانشگاه
۰/۱۶۲	۳	۰/۰۵۴	۴/۱۹	توسعه ظرفیت مشارکت در فرآیند بهسازی و توسعه حرفه‌ای منابع انسانی وابسته به معلمی تربیت بدنی در سطح کشور
۰/۲۶۸	۴	۰/۰۶۷	۴/۱۳	برگزاری کارگاه‌های آموزشی ورزشی و دوره‌های آموزش مربیگری و داوری برای دانشجو معلمان
۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	۳/۶۰	نمودار سازمانی و ساختار نامناسب تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان
۰/۱۳۶	۲	۰/۰۶۷	۴/۲۰	محدودیت منابع و زیرساخت‌های تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان با توجه به جایگاه و نقش آن در اعتلای نظام تعلیم و تربیت کشور
۰/۰۵۴	۱	۰/۰۵۴	۴/۰۴	توزیع نامناسب جغرافیایی اماکن و تأسیسات ورزشی در پردیس‌های دانشگاه

ادامه جدول ۱- ماتریس عوامل درونی (محیط داخلی) اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان

نمره	شدت عامل	ضریب اهمیت	میانگین	عبارات عوامل درونی
۰/۰۴۲	۱	۰/۰۴۲	۳/۵۸	نداشتن ارتباط مؤثر با فدراسیون ورزش دانش‌آموزی ج.ا. ایران
۰/۰۵۲	۱	۰/۰۵۲	۳/۶۰	نمودار سازمانی و ساختار نامناسب تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان
۰/۱۳۶	۲	۰/۰۶۷	۴/۲۰	محدودیت منابع و زیرساخت‌های تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان با توجه به جایگاه و نقش آن در اعتلای نظام تعلیم و تربیت کشور
۰/۰۵۴	۱	۰/۰۵۴	۴/۰۴	توزیع نامناسب جغرافیایی اماکن و تأسیسات ورزشی در پردیس‌های دانشگاه
۰/۰۸۶	۲	۰/۰۴۳	۳/۷۲	نبود یک برنامه مدون و مشخص جهت اطلاع رسانی و شناسایی دانشجو معلمان ورزشکار جهت مسابقات دانشگاه فرهنگیان
۰/۱۰۸	۲	۰/۰۵۴	۴/۱۰	کمبود امکانات ورزشی و فقر امکانات در مراکز آموزشی در پردیس‌های دانشگاه
۰/۱۲۴	۲	۰/۰۶۲	۳/۹۲	استفاده از منابع انسانی غیر هیأت علمی دانشگاه در جهت آموزش دانشجو معلمان تربیت بدنی
۰/۰۴۴	۱	۰/۰۴۴	۳/۳۰	عدم ارتباط و همکاری کافی و مناسب بین بخش‌های مختلف دانشگاه، از جمله مدیریت اداری، امور مالی، امور دانشجویی و امور فرهنگی با مدیریت تربیت بدنی
۰/۰۴۹	۱	۰/۰۴۹	۳/۶۳	فقدان انجمن‌های فعال ورزش دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان
۲/۵۶۴	-			جمع ضرایب:

با توجه به محاسبات درج شده در جدول ملاحظه می‌شود مجموع نمرات این ماتریس برابر ۲/۵۷ است که نشان‌دهنده آن است که فرصت‌های سازمان بر تهدیدهای آن چیره شده است.

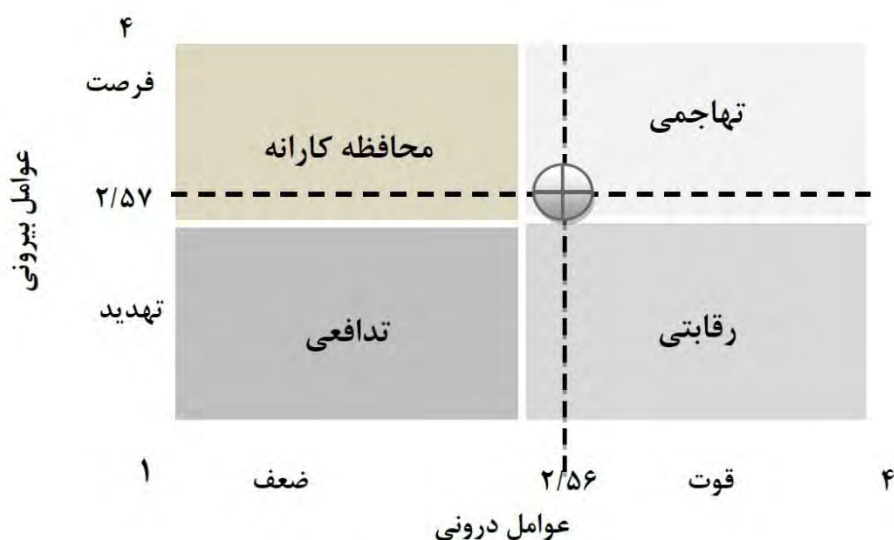
جدول ۲- ماتریس عوامل بیرونی (محیط خارجی) اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان

نمره	شدت عامل	ضریب اهمیت	میانگین	عبارات عوامل بیرونی
۰/۱۹۵	۳	۰/۰۶۵	۴/۱۸	دسترسی به امکانات متنوع ورزش دانشجویی متناسب با زیست شبانه‌روزی در دانشگاه
۰/۲۴۸	۴	۰/۰۶۲	۴/۱۶	به‌سازی فضاهای ورزش دانشجویی مبتنی بر ویژگی‌های پردیس دانشجویی با تأکید بر ایجاد فضای ورزشی مطلوب در فضای خوابگاه
۰/۱۷۴	۳	۰/۰۵۸	۴/۰۲	ایجاد مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری رشته تربیت بدنی برای برای معلمان شاغل و دانشجو معلمان
۰/۲۹۶	۴	۰/۰۷۴	۳/۷۸	ایجاد فرصت برای استفاده از ظرفیت جذب استعدادها برتر و قهرمانان ورزشی در دانشگاه فرهنگیان
۰/۱۵۰	۳	۰/۰۵۰	۴/۰۴	تأکید بر گسترش فعالیت‌های ورزشی با حضور اختیاری و آگاهانه دانشجو معلمان در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان
۰/۲۸۰	۴	۰/۰۷۰	۳/۹۶	استفاده از خردجمعی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در تمامی سطوح مدیریتی تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان
۰/۳۲۰	۴	۰/۰۸۰	۳/۸۲	نگرش مثبت وزارت آموزش و پرورش و رؤسای پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان به ورزش دانشجو معلمان
۰/۱۷۱	۳	۰/۰۵۷	۲/۲۶	رایگان، کم هزینه بودن و امکان دسترسی بیشتر به اماکن ورزشی برای دانشجو معلمان در فضای خوابگاه
۰/۰۷۶	۱	۰/۰۷۶	۴/۱۳	عدم جذب کافی دانشجو معلمان تربیت بدنی با توجه به پایان سنوات کار معلمان تربیت بدنی شاغل
۰/۱۲۲	۲	۰/۰۶۱	۳/۶۵	فعال بودن تعداد محدودی از دانشجو معلمان و پردیس‌های آموزشی در تربیت بدنی
۰/۱۴۶	۲	۰/۰۷۳	۳/۸۶	عدم تناسب بین میزان جذب دانشجو معلمان با پرسنل و امکانات زیربنایی در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان
۰/۱۳۰	۲	۰/۰۶۵	۳/۸۲	کمبود حمایت و توجه مدیران ارشد دانشگاه فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی
۰/۰۴۵	۱	۰/۰۴۵	۳/۹۰	وجود ابهامات در مورد وضعیت آینده دانشگاه فرهنگیان بر اساس قوانین حاکم بر نظام آموزش عالی کشور
۰/۰۵۱	۱	۰/۰۵۱	۴/۰۴	عدم تعیین اولویت‌های تجهیزاتی و عمرانی مورد نیاز ورزش دانشجو معلمان در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان
۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۴/۱۹	عدم ارتقاء کیفیت خدمات رفاهی، ورزشی، بهداشتی و مشاوره-ای به دانشجو معلمان متناسب با اقتضات دانشگاه فرهنگیان
۰/۱۲۰	۲	۰/۰۶۰	۳/۳۸	کمبود انگیزه‌های لازم و بی‌حوصلگی و دل‌زدگی دانشجو معلمان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی
۲/۵۷	-	۱		جمع ضرایب:

۵۰

۵۰

برای تعیین موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان، از ماتریس همزمان درونی و بیرونی استفاده شد. برای ترسیم این ماتریس، نمرات حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل درونی و بیرونی در ابعاد افقی و عمودی به شرح شکل ۱ قرار گرفت. جایگاه یا موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان در خانه‌های این ماتریس مشخص شد. معمولاً استراتژی‌ها با توجه به منطقه قرار گرفتن موقعیت راهبردی سازمان در یکی از چهارخانه انتخاب می‌شوند. علاوه بر آن، نتیجه حاکی از آن است که استقرار اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان از لحاظ موقعیت در منطقه تهاجمی قرار دارد.



شکل (۱) موقعیت استراتژیک اداره تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان

هنگامی که موقعیت استراتژی سازمان تهاجمی باشد، سازمان با استفاده از قوت‌های موجود از فرصت‌ها برای رشد و توسعه فعالیت و خدمات، دارایی، سود و یا ترکیبی از آن استفاده می‌نماید. این چنین سازمان‌هایی را سازمان‌های پیشرو می‌خوانند.

یافته‌های پژوهش حاکی از معناداری ۹ نقطه قوت، ۹ ضعف، ۸ فرصت و ۸ تهدید بود. بنابراین در تدوین راهبردهای پیشنهادی از این گویه‌ها استفاده شد. جدول ۳، بیانگر گویه‌های مربوط به نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدیدها و نیز ماتریس تحلیل عوامل بر آن است. ماتریس مذکور نشان می‌دهد چگونه می‌توان بین فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل خارجی) با قوت‌ها و ضعف‌ها (عوامل داخلی) توازن ایجاد کرد و به این ترتیب چهار مجموعه از گزینه‌های راهبردی ممکن به صورت زیر ایجاد کرد.

جدول ۳- ماتریس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان و راهبردهای متناظر با آن (ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی)

ضعف‌ها	قوت‌ها	
W1: نمودار سازمانی و ساختار نامناسب تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان	S1: وجود مراکز آموزشی متعدد در رشته تربیت بدنی	عوامل درونی
W : محدودیت منابع و زیرساخت‌های تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان با توجه به جایگاه و نقش آن در اعتلای نظام تعلیم و تربیت کشور	S2: مکان ادامه تحصیل برای افراد شاغل و دانشجویان رشته تربیت بدنی به تفکیک جنسیت	
W3: توزیع نامناسب جغرافیایی اماکن و تأسیسات ورزشی در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان	S3: وجود اداره کل تربیت بدنی در ساختار دانشگاه فرهنگیان	
W4: نداشتن ارتباط مؤثر با فدراسیون ورزش دانش آموزی ج.ا. ایران	S4: برگزاری منظم مسابقات، جشنواره‌ها و المپیادهای درون دانشگاهی و بین دانشگاهی	
W5: نبود یک برنامه مدون و مشخص جهت اطلاع رسانی و شناسایی دانشجویان	S5: داشتن بودجه مشخص و مرتبط با سرانه ورزشی دانشجویان در اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان	
W6: کمبود امکانات ورزشی و فقر امکانات در مراکز آموزشی در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان	S6: وجود دانشجویان معلمان تربیت بدنی داوطلب در زمینه ورزش‌های همگانی و تفریحی در دانشگاه فرهنگیان	
W7: استفاده از منابع انسانی غیر هیأت علمی دانشگاه در جهت آموزش دانشجویان	S7: وجود فرصت‌های مناسب فوق برنامه‌های تربیت بدنی در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان	
W8: عدم ارتباط و همکاری کافی و مناسب بین بخش‌های مختلف دانشگاه فرهنگیان، از جمله مدیریت اداری، امور مالی، امور دانشجویی و امور فرهنگی با مدیریت تربیت بدنی	S8: توسعه ظرفیت مشارکت در فرآیند بهسازی و توسعه حرفه ای منابع انسانی وابسته به معلمی تربیت بدنی در سطح کشور	
W9: فقدان انجمن‌های فعال ورزش دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان	S9: برگزاری کارگاه‌های آموزشی ورزشی و دوره‌های آموزش مربیگری و داوری برای دانشجویان معلمان	
		عوامل بیرونی

ادامه جدول ۳- ماتریس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان و راهبردهای متناظر با آن (ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی)

فرصت‌ها	استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO
<p>O1: دسترسی به امکانات متنوع ورزش دانشجویی متناسب با زیست شبانه روزی در دانشگاه</p> <p>O2: بهسازی فضاهای ورزش دانشجویی مبتنی بر ویژگی‌های پردیس دانشجویی با تأکید بر ایجاد فضای ورزشی مطلوب در فضای خوابگاه</p> <p>O3: ایجاد مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری رشته تربیت بدنی برای برای معلمان شاغل و دانشجو معلمان</p> <p>O4: ایجاد فرصت برای استفاده از ظرفیت جذب استعداد‌های برتر و قهرمانان ورزشی در دانشگاه فرهنگیان</p> <p>O5: تأکید بر گسترش فعالیت‌های ورزشی با حضور اختیاری و آگاهانه دانشجو معلمان در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان</p> <p>O6: استفاده از خردجمعی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در تمامی سطوح مدیریتی تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان</p> <p>O7: نگرش مثبت وزارت آموزش و پرورش و رؤسای پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان به ورزش دانشجو معلمان</p> <p>O8: رایگان، کم‌هزینه بودن و امکان دسترسی بیشتر به اماکن ورزشی برای دانشجو معلمان در فضای خوابگاه</p>	<p>۱- بهره‌گیری از امکانات و فضاهای ورزشی در جهت توسعه رشته تربیت بدنی و مقاطع بالاتر تحصیلی (S1, S2, O1, O3)</p> <p>۲- استفاده از پتانسیل‌های موجود در اداره کل تربیت بدنی در تصمیم‌سازی‌ها در جهت گسترش فعالیت‌ها و مسابقات ورزشی در دانشگاه فرهنگیان (S3, S4, O5, O6)</p> <p>۳- تخصیص بودجه و سرانه ورزشی برای دانشجویان در جهت بهره‌مندی از امکانات ورزشی رایگان و پرورش استعداد‌های ورزشی و مشارکت نیروی انسانی در ساعات فوق برنامه (S5, S7, S8, O4, O8)</p>	<p>۱- ایجاد منابع و زیرساخت‌های تربیت بدنی و فضای ورزشی مطلوب در خوابگاه و پردیس‌ها (W2, W6, O2, O3, O7, O8)</p> <p>۲- بهبود مدیریت عملکرد ورزش دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان (W4, W5, O4, O6, W8)</p> <p>۳- تدوین و توسعه برنامه‌های آموزشی و ورزشی در پردیس‌های دانشگاهی (W5, W8, W9, O6, O7)</p>

ادامه جدول ۳- ماتریس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان و راهبردهای متناظر با آن (ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی)

تهدیدها	استراتژی‌های ST	استراتژی‌های Wt
T1: عدم جذب کافی دانشجو معلمان تربیت‌بدنی با توجه به پایان سنوات کار معلمان تربیت‌بدنی شاغل	۱- ایجاد سازکارهای لازم در جهت جذب و جایگزینی معلمان تربیت‌بدنی با توجه به کمبود نیروی انسانی با توجه به تعدد مراکز آموزشی (S1, S3, T1, T2, T3)	۱- توسعه برنامه محوری در ورزش دانشجویی (W1, W5, W8, T4, T5)
T2: فعال بودن تعداد محدودی از دانشجو معلمان و پردیس‌های آموزشی در تربیت‌بدنی	۲- ارتقای کیفیت خدمات رفاهی، ورزشی، بهداشتی و مشاوره‌ای به دانشجو معلمان جهت شرکت در فعالیت‌های ورزشی (S5, S6, S8, T4, T7, T8)	۲- احداث فضاهای ورزشی جدید با اولویت معلمان دختر (W2, W3, W6, T3, T5)
T3: عدم تناسب بین میزان جذب دانشجو معلمان با پرسنل و امکانات زیربنایی در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان	۳- تبیین برنامه‌های مدون در جهت بهبود کیفیت تجهیزات فضاهای آموزشی و رفاهی (S2, S8, T2, T6, T7)	۳- برگزاری المپیادها، مسابقات و جشنواره‌های فرهنگی- ورزشی در جهت ارتقای نشاط و سلامت روانی دانشجویان و ارتقای نهضت داوطلبی در دانشجو معلمان (W4, W8, W9, T2, T4, T8)
T4: کمبود حمایت و توجه مدیران ارشد دانشگاه فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی		
T5: وجود ابهامات در مورد وضعیت آینده دانشگاه فرهنگیان بر اساس قوانین حاکم بر نظام آموزش عالی کشور		
T6: عدم تعیین اولویت‌های تجهیزاتی و عمرانی مورد نیاز ورزش دانشجو معلمان در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان		
T7: عدم ارتقای کیفیت خدمات رفاهی، ورزشی، بهداشتی و مشاوره‌ای به دانشجو معلمان متناسب با اقتضانات دانشگاه فرهنگیان		
T8: کمبود انگیزه‌های لازم و بی‌حوصلگی و دل‌زدگی دانشجو معلمان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی		

راهبردهای تدوین شده به منظور توسعه برنامه‌های ورزشی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان

اختصاص سرانه ورزشی و تغذیه‌ای مناسب برای دانشجو - معلمان ورزشکار فعال و عضو تیم‌های ورزشی؛ تقدیر شایسته از قهرمانان ورزشی و تخصیص جوایز نقدی و معنوی به صورت مدون در اعیاد و جشن‌های ملی؛ اختصاص بودجه به منظور بکارگیری مربیان زبده و متخصص در برگزاری کلاس‌های

فوق برنامه و شناسایی افراد مستعد جهت هدایت به مسابقات قهرمانی دانشجویان؛ حمایت از برنامه‌های فرهنگی تبلیغی با رویکرد توسعه سلامت از طریق ورزش؛ تدوین و اجرای آئین‌نامه‌های برگزاری مسابقات قهرمانی، لیگ، و انتخابی پردیس‌های استانی در مقاطع مختلف تحصیلی؛ تدوین و اجرای آئین‌نامه‌های مسابقات المپیاد دانشجو-معلمان در سطح کشور؛ برنامه‌ریزی و تهیه تقویم مسابقات با هدف افزایش نقش و جایگاه ورزش در میان دانشجو معلمان؛ افزایش آگاهی و دانش کلیه انجمن‌های ورزش دانشجویی از برنامه مدون استعدادیابی و فرآیندهای مصوب اجرایی مربوطه در سطح دانشگاه فرهنگیان کشور از طرق مختلف؛ تاکید بر برگزاری مسابقات ورزشی برای بانوان دانشجو به مناسبت‌های مختلف با رویکرد توسعه ورزش همگانی؛ نیاز سنجی و تدوین دستورالعمل، اولویت-بندی و اجرای مستمر مسابقات ورزشی درون دانشگاهی و کلاس‌های ورزشی فوق برنامه؛ تشویق دانشجویان برای شرکت در برنامه‌های تفریحی و ورزشی با ایجاد انگیزه و استفاده از نیروی داوطلب؛ طراحی برنامه‌های عملیاتی با هدف افزایش جذب دانشجو معلمان تربیت بدنی؛ پیگیری مستمر سازمان آموزش و پرورش در جهت پیش‌بینی نیازهای نیروی انسانی متخصص برای سال‌های آینده متناسب با تعداد بازنشستگان در سطح کشور؛ شناسایی و پیاده سازی زیرساخت‌ها لازم در جهت بهبود امکانات رفاهی، ورزشی، بهداشتی و مشاوره‌ای به دانشجو معلمان جهت شرکت در فعالیت‌های ورزشی با توجه به نیازهای هر پردیس و به تفکیک جنسیت؛ استفاده از نظرات ذی‌نفعان و افراد متخصص در جهت برنامه‌ریزی جامع برای بهبود وضعیت موجود و ارتقای کیفیت تجهیزات فضاهای آموزشی و رفاهی در پردیس‌های آموزشی و خوابگاه‌ها؛ تشکیل کمیته‌های متخصص در جهت شناسایی نیازهای دانشجو معلمان و توسعه فضای ورزشی مطلوب در خوابگاه و پردیس‌ها؛ تدوین و تعیین سنجه‌های مناسب برای هرمنظر که در برگیرنده سنجه‌های تابع و هادی باشد تا برای اندازه‌گیری فعالیت‌های گذشته، حال و آینده و در ادامه، تدوین اهداف کمی؛ توسعه تعاملات با دیگر سازمان و نهادها و مراکز دانشگاهی و پشتیبانی‌های لازم از صاحبان کرسی در فدارسیون ورزش دانشجویی جهت بهره‌گیری از فرصت‌های ملی و بین‌المللی؛ نیاز سنجی و اجرای دوره‌های آموزشی ویژه مدرسین تربیت‌بدنی پردیس‌های سراسر کشور با رویکرد روزآمدسازی دانش مدیریت علمی و تخصصی. بر اساس نتایج به‌دست آمده و تطابق آن با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و ورزشی و نیز نیازهای موجود بر اساس نظرخواهی از ذی‌نفعان و دانشجویان، همچنین توجه به محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری به تدوین راهبردی ورزش دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان و با توجه به نقش معلمان زن در توسعه و تربیت جامعه، وجود محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها، ضرورت احداث فضاهای ورزشی جدید با اولویت معلمان دختر بسیار حیاتی است.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نقاط قوت اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان نشان داد قوت برگزاری منظم مسابقات، جشنواره‌ها و المپیادهای درون دانشگاهی و بین‌دانشگاهی دارای بالاترین اولویت و قوت وجود دانشجو معلم تربیت‌بدنی داوطلب در زمینه ورزش‌های همگانی و تفریحی در دانشگاه فرهنگیان دارای پایین‌ترین اولویت است. نتایج حاصل همسو با نتایج برون‌تون و مکینتاش^۱ (۲۰۱۷)، نجفی، صفانیا، برومند و هادیان (۲۰۱۷)، لوید^۲ (۲۰۱۵)، شفیع و حامی (۱۳۹۵)، حسینی، حمیدی و تجاری (۱۳۹۳)، گودرزی (۱۳۹۲)، علم (۱۳۹۲) همسو است. در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت تلاش برای بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌هایی موجود در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان کشور از طریق تعامل با معاونت تربیت‌بدنی دانشگاه با معاونت دانشجویی در راستای بهبود جایگاه مسابقات ورزشی و المپیادهای درون‌دانشگاهی و بین‌دانشگاهی می‌تواند موثر باشد، توجه به گستره عملی در حوزه فعالیت‌های ورزشی به شکلی هدفمند و متمرکز با بهره‌گیری از ظرفیت و زیرساخت‌های ورزشی، ضمن حفظ منافع و جایگاه اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان در جهت استقرار و توسعه ورزش همگانی و قهرمانی و ایجاد زمینه‌های مشارکت لازم عوامل و نهادهای سهیم و مؤثر در امر تربیت معلم با رویکرد شایستگی محوری متناسب با ظرفیت‌های در دسترس ملی و بین‌المللی این دانشگاه است تا بستر حمایت از منافع ورزش دانشجویی را نیز فراهم خواهد ساخت. از سویی نتایج پژوهش نشان داد توسعه ظرفیت مشارکت در فرآیند بهسازی و توسعه حرفه‌ای منابع انسانی وابسته به معلمی تربیت‌بدنی در سطح کشور از مهم‌ترین قوت‌ها است و از جمله دلایلی است که موجب گشته این متغیر در اولویت نخست صاحب‌نظران قرار گیرد. به نظر می‌رسد استعدادیابی و آموزش دانش‌آموزان در مدارس و هدایت آن‌ها به سوی رشته‌های ورزشی تخصصی توسط معلمان تربیت‌بدنی و اجرای طرح المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای و طرح‌های ملی - ورزشی مختص هر پایه تحصیلی در سطح کشور است که زیرساخت و بستر این طرح‌ها در آموزش‌های تخصصی و آکادمیک در دانشکده‌های تربیت‌بدنی دانشگاه‌های فرهنگیان است و نمی‌تواند حاصل کار آموزشی و پایه‌ای بدون برنامه‌ریزی در سطح کشور باشد.

بررسی نقاط ضعف اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان نشان داد ضعف کمبود امکانات ورزشی و فقر امکانات در مراکز آموزشی در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان دارای بالاترین اولویت و ضعف عدم

1. Brunton & Mackintosh

2. Lloyd

ارتباط و همکاری کافی و مناسب بین بخش‌های مختلف دانشگاه فرهنگیان از جمله مدیریت اداری، امور مالی، امور دانشجویی و امور فرهنگی با مدیریت تربیت‌بدنی دارای پایین‌ترین اولویت است. نتایج حاصل با نجفی، صفانیا، برومند و هادیان (۲۰۱۷)، گابریل و آلینا (۲۰۱۴)، شفیعی و حامی (۱۳۹۵)، حمیدی، خبیری و سجادی (۱۳۹۳)، گودرزی (۱۳۹۲)، عَلم (۱۳۹۲) همسو است. در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت وجود امکانات ورزشی و فراهم بودن منابع و زیرساخت‌های تربیت‌بدنی با توجه به جایگاه و نقش آن در اعتلای نظام تعلیم و تربیت کشور یکی از عوامل موفقیت و توسعه ورزش دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان است. از دلایل احتمالی اهمیت این متغیر در بین صاحب‌نظران می‌توان گفت که برای پیشبرد اهداف دانشگاه فرهنگیان در بخش تربیت‌بدنی، استفاده بهینه از زیرساخت‌های موجود با توجه به وجود محدودیت منابع و زیرساخت‌های تربیت‌بدنی و تلاش در جهت توزیع مناسب جغرافیایی اماکن و تأسیسات ورزشی در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان و همچنین ارتباط و همکاری کافی و مناسب بین بخش‌های مختلف دانشگاه فرهنگیان، از جمله مدیریت اداری، امور مالی، امور دانشجویی و امور فرهنگی با مدیریت تربیت‌بدنی بسیار مهم و تاثیرگذار است. زیرا دانشجو-معلمان ورزشکار در رشته‌های مختلف تحصیلی در کنار دانشجو-معلمان رشته تربیت‌بدنی در تمامی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان کشور در کنار هم می‌توانند بخش بزرگی از جامعه دانش‌آموزی کشور را تحت پوشش آموزشی پس از فارغ‌التحصیلی خود قرار دهند و این مستلزم کسب تجربیات عملی در زمان تحصیل است. بخش عمده آن در کلاس‌های تربیت‌بدنی شکل می‌گیرد و اهمیت انجمن‌های فعال ورزش دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان، را دو چندان کرده است تا با یک برنامه مدون و مشخص جهت اطلاع‌رسانی و شناسایی دانشجو معلمان ورزشکار جهت مسابقات دانشگاه فرهنگیان، انگیزه زیادی در بین آنان ایجاد کند. از طرفی با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت تنظیم برنامه مدون سالیانه، نظارت و کنترل اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان و تقویت برنامه‌های توسعه ورزش دانشجویی در سطح پایه از عوامل تاثیرگذار در ورزش دانشجویی است. بنابراین، مدیران می‌توانند با همسو کردن تمامی نظرها، اهداف و منابع موجود در کنار ارتباط و همکاری کافی و مناسب بین بخش‌های مختلف دانشگاه فرهنگیان، از جمله مدیریت اداری، امور مالی، امور دانشجویی و امور فرهنگی با مدیریت تربیت‌بدنی از طریق تدوین برنامه مدون کوتاه‌مدت و بلندمدت، در جهت مطلوب حرکت کنند.

بررسی فرصت‌های اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان نشان داد فرصت رایگان، کم هزینه بودن و امکان دسترسی بیشتر به اماکن ورزشی برای دانشجو معلمان در فضای خوابگاه دارای بالاترین اولویت و مولفه نگرش مثبت وزارت آموزش و پرورش و رؤسای پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان به

ورزش دانشجو معلمان دارای پایین‌ترین اولویت است. نتایج حاصل همسو با نتایج حسینی، حمیدی و تجاری (۱۳۹۳)، گودرزی (۱۳۹۲)، علم (۱۳۹۲) است. در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت دسترسی به امکانات متنوع ورزش دانشجویی متناسب با زیست شبانه‌روزی در دانشگاه می‌تواند از فرصت‌های مهم پیشرفت و موفقیت در ورزش دانشجو-معلمان باشد. در واقع یکی از عوامل موفقیت برنامه‌های مدون به بهسازی فضاهای ورزش دانشجویی مبتنی بر ویژگی‌های پردیس دانشجویی با تأکید بر ایجاد فضای ورزشی مطلوب در فضای خوابگاه است که با استفاده از خردجمعی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در تمامی سطوح مدیریتی تربیت‌بدنی در دانشگاه فرهنگیان است. این مقوله با ایجاد فرصت برای استفاده از ظرفیت جذب استعدادها برتر و قهرمانان ورزشی در دانشگاه فرهنگیان و ایجاد مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری در رشته تربیت‌بدنی برای معلمان شاغل و دانشجو - معلمان، انگیزه برای انتخاب رشته تربیت‌بدنی را افزایش داده و وزارت آموزش و پرورش و رؤسای پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان را وا می‌دارد تا نگرش مثبتی به ورزش دانشجو - معلمان داشته باشند.

بررسی تهدیدهای اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان نشان داد تهدید عدم جذب کافی دانشجو معلمان تربیت‌بدنی با توجه به پایان سنوات کار معلمان تربیت‌بدنی شاغل، دارای بالاترین اولویت و مولفه کمبود انگیزه‌های لازم و بی‌حوصلگی و دل‌زدگی دانشجو معلمان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی دارای پایین‌ترین اولویت است. نتایج حاصل همسو با شفیع‌ی و حامی (۱۳۹۵)، حسینی، حمیدی و تجاری (۱۳۹۳)، گودرزی (۱۳۹۲) است. در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت که با توجه به کمبود نیروی متخصص در حوزه تربیت‌بدنی در سطح آموزش و پرورش کشور در سال‌های اخیر، باید به تدوین قوانین استخدامی در مجلس مبادرت ورزید و یا برگزاری آزمون در جهت جذب فارغ التحصیلان رشته تربیت‌بدنی اقدام نمود. زیرا بیش از ۴۰ درصد معلمان تا سال ۱۴۰۰ به سن بازنشستگی می‌رسند. لذا باید تدابیری اندیشیده شود تا با نیروی انسانی جوان و البته با تجربه در کنار هم به آموزش دانش‌آموزان در فضای مدارس پرداخته شود. از سوی دیگر ارتقاء کیفیت خدمات ورزشی، به دانشجو معلمان در جهت رفع کمبود انگیزه‌های لازم و بی‌حوصلگی و دل‌زدگی دانشجو معلمان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی با استفاده از نظرخواهی و تعیین اولویت‌های تجهیزاتی و عمرانی مورد نیاز ورزش دانشجو معلمان در پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان می‌تواند به ایجاد نشاط و انگیزه و جذب دانشجو معلمان به فعالیت‌های ورزشی بیانجامد که مستلزم حمایت و توجه مدیران ارشد دانشگاه فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی است. از طرفی با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت عدم ارتقاء کیفیت خدمات رفاهی، ورزشی، بهداشتی و مشاوره‌ای به دانشجو معلمان متناسب با اقتضات دانشگاه فرهنگیان از مهم‌ترین تهدیدات اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان است.

برای تعیین موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان با استفاده از ماتریس کمی برنامه‌ریزی راهبردی نشان داد موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان به صورت تهاجمی است که با تحقیق شفیعی و حامی (۱۳۹۵)، گودرزی (۱۳۹۲)، جوادی‌پور و سمیع‌نیا (۱۳۹۲)، رشیدلمیر، دهقان قهفرخی و رشیدلمیر (۱۳۹۲)، تطابق دارد. در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان باید با استفاده از فرصت‌های موجود ضعف‌های خویش را مرتفع کند. توجه به ارتقاء بهره‌وری و نگه داشتن فعالیت‌ها در حد معقول و ترمیم ضعف‌ها از جمله تمهیدات لازم اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان در این موقعیت راهبردی است. مسئولان اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان باید با توجه به نمرات نهایی ماتریس‌های عوامل درونی و بیرونی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان، برنامه‌های خود را به گونه‌ای متمرکز سازند که هر چه بیشتر بر ضعف‌های خود غلبه کنند و برای مواجهه با تهدیدها آمادگی لازم را کسب نمایند. چرا که موقعیت راهبردی موجود با این که در منطقه تهاجمی قرار دارد ولی در نزدیکی مرکز پنجره راهبردی و مناطق دیگر است که نشان از متزلزل بودن وضعیت موجود اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان دارد. می‌توان با هدف قرار دادن عوامل پر اهمیت، راه را برای توسعه ورزش دانشجویی کشور هموارتر کرد. صاحب‌نظران می‌توانند با شناسایی این راهکارها مدیران تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان را در راستای توسعه و پیشرفت این مهم کمک کنند تا در نهایت بتوان به جهت‌دهی برنامه‌ها و اهداف اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان کمک کرد. از این رو پیشنهاد می‌شود اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان با استفاده از تحلیل انجام گرفته، به تدوین برنامه‌های راهبردی خود در توسعه ورزش دانشجویی- معلمان اقدام کند. به طوری که با تدوین راهبردهای مناسب از قوت‌ها و فرصت‌های موجود تبیین شده از دیدگاه صاحب‌نظران به نحو مطلوب استفاده کرده و ضعف‌های مورد تأکید صاحب‌نظران را به حداقل ممکن برساند.

با توجه به این که موقعیت راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان، تهاجمی شناسایی شد اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان بایستی با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارج بر اساس پیشنهادها کاربردی و اجرایی زیر منطبق با اولین استراتژی مبنی بر تخصیص بودجه و سرانه ورزشی برای دانشجویان در جهت بهره‌مندی از امکانات ورزشی رایگان و پرورش استعدادها ورزشی و مشارکت نیروی انسانی در ساعات فوق برنامه برنامه‌های عملیاتی را به کارگیرد. برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌گردد تا طرح اجرای برنامه راهبردی براساس مدل کارت امتیازی متوازن (BSC) انجام شود. مقایسه تطبیقی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان با چند دانشگاه صاحب‌عنوان و پیشرفته در سطح جهان اجرا شود. پیشنهاد می‌گردد هر یک از معاونت‌های تربیت‌بدنی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان کشور به منظور ایجاد انسجام و هم‌افزایی و وحدت رویه در اصول

برنامه‌ریزی مدیریتی به تبیین استراتژی‌های مربوطه اقدام نمایند تا فرصت بهره‌گیری از آن در تدوین برنامه عملیاتی منطبق با مدیریت راهبردی فراهم گردد. طرح نگرش معاونین تربیت‌بدنی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان کشور در بهره‌گیری از مدیریت راهبردی پیشنهاد می‌گردد. همچنین طرح برنامه راهبردی اداره کل تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان تا مرحله تدوین برنامه عملیاتی اجرا گردد.

منابع

1. Aalm. S. (2013). Compilation of Strategic Sports Program of Islamic Azad University, General Sports Association, Department of Physical Education and Sports Islamic Azad University. Esfahan unit. (Persian)
2. Altman. L, Upshaw. VM, Henderson. MF. (2017). Strategic Planning for Elected Officials: Setting Priorities. School of Government publication.
3. Boyd. P. (2009). Forging future success: a strategic planning guide for Fiji's national sport federations. Fiji association of sports and Olympic committee. www. Fijiolympiccommittee.com.
4. Brunton. JA, Mackintosh. CI. (2017). Interpreting university sport policy in England: seeking a purpose in turbulent times?, *International Journal of Sport Policy and Politics*. 9(3): 377-395.
5. Darbani. H, Taghi Beygloo. N, Ghasemi. H, Sarreshtehdari. M. (2013). Designing strategies for public sport in Zanjan province. *Economy and Marketing in sport*. 2(6): 89-106. doi: 10.22054/qrs.2013.488. (Persian)
6. Gabriel. G, Alina. I. (2014). Research on the management of sport organizations. *procedia-social and behavioral sciences*. 140: 667-670.
7. Goodarzi. M. (2013). SWOT Analysis for Shows the Situation of Physical Education General Department of Payame Noor University. *Applied Research in Sport Management*. 2(5): 61-74. (Persian)
8. Hamidi. M. (2009). A Comparative Study of the Structure of the Student's Sports Studentship with the Selected Countries and the Presenting Pattern of Research Project, Physical Education Research Institute and Sport Sciences. (Persian)
9. Hamidi. M, Khabiri. M, Sajjadi. N. (2014). Identify the SWOT and determine the strategic position of the National Athletic Federation. *Physiology and Management Research in Sport*. 6(2): 48-35. (Persian)
10. Heracleous. L. (2014). Strategy and Organization: Realizing Strategic Management. Cambridge University Press. Cambridge, United Kingdom.
11. Hoseini. G, Hamidi. M, Tojjari. F. (2013). The Design of Student Sport Strategy of Islamic Azad University. *Journal of Sport Management*. 4(15): 15-33. doi: 10.22059/jsm.2013.29829. (Persian)
12. Javadipour. M. Samie nia. M. (2013). Explanation of strategic position and presentation of development strategy in Sport for all in Iran. *Management of sport & movment sciences*. 3(5): 15-28. (Persian)
13. Khalilpur. A. (2015). Compilation and Design of the Strategic Program for Physical Education of Applied Academic University. Master's thesis for Physical Education and Sport Sciences - Sport Management. University of Tehran. (Persian)

14. Khosravi Zadeh. E, Hamidi. M. (2012). Strategic management in sports organizations. Second edition, Tehran: Publications of the Institute of Physical Education and Sport Sciences. (Persian)
15. Kriemadis. A. (1997). Strategic planning in higher education athletic departments. *International Journal of Educational Management*, 11(6), 238-247.
16. Lloyd. D. (2015). Sport & Recreation Strategic Plan 2015-2018. UniSA Sport University of South Australia.
17. Manafi. F, Ramezaninezhad. R, GoharRostami. H, Dastoom. S. (2017). Analyzing the development trend of Iranian collegiate athletics from the first to fifth macro development programs. *Sport Management and Development*. 6(1): 67-86. doi: 10.22124/jsmd.2017.2344. (Persian)
18. Najafi. M, Safania AM, Boroumand MR, Hadian. H. (2017). Codifying a Strategic Plan for Academies of the Iranian Volleyball Federation using a SWOT-AHP Method. *Ann. Appl. Sport Sci*.
19. Nazari. R, Ehsani. M, Saket. MR. (2014). Management and strategic planning of sports organizations. Isfahan, Hadith Publishing Hadis Rahe Eshgh. (Persian)
20. Rahimi Gurjan. S. (2018). Principles of Planning, Planning and Strategic Management in Sport using the SWOT Model. Second International Management and Accounting Conference. Tehran. (Persian)
21. Ramezani Node. M. (2013). Strategic Planning of Academic Exercise Development (Case Study: Physical Education Management of Shahrood University). Master's thesis for Physical Education and Sport Sciences, Shahrood University of Technology. (Persian)
22. Rashid Lamir. A, Dehghan Ghahfarrokhi A, Rashid Lamir. A. (2014). The Development of the Strategic Plan of Sport and Youth Organization of Khorasan Razavi in Sport and Physical Education Section. *Journal of Sport Management*. 5(4): 179-198. (Persian)
23. Rezaian. A. (2014). System Analysis and Design, 16th Edition, Tehran, Samt publication. (Persian)
24. Shafiei. S, Hami. M. (2016). Development of Strategic Plan for Sport of Iran's Technical and Vocational School, The First National Conference on the Development of Sport Sciences in the Field of Health, Prevention and Leadership, Qazvin, Imam Khomeini International University. (Persian)
25. Tavakol. M. (1998). Higher Education Status in Iran Facts & Challenges. *Quarterly Journal of Planning and Higher Education*, Ministry of Culture and Higher Education, No. 18. (Persian)
26. Taylor. T, Doherty. A, McGraw. P. (2015). Managing People in Sport Organizations: A Strategic Human Resource Management Perspective. Routledge. 2^{ed}. London, United Kingdom.

ارجاع دهی

احمدیان جلوداری مهدی، علم شهرام، نوزری ولی. (۱۳۹۸). طراحی برنامه راهبردی اداره کل تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان بر اساس سند چشم انداز ۱۴۰۴. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۲۵۳-۷۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.6402.1539

Ahmadian Jelodari M, Aalam Sh, Nozari V. (2019). Designing Strategic Plan of Administration of Physical Education of the Farhangian University Based on the 1404 Landscape Document. Research on Educational Sport. 7(17): 253-76. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.6402.1539

شناسایی و تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی در ورزش ایران

محمدحسین قربانی^۱، مرجان امیرمقدم^۲، حسین زارعیان^۳

۱. استادیار مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۳. استادیار مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

چکیده

اشاعه ارزش‌های اخلاقی در دنیای امروز، امری ضروری است. ورزش در ابعاد قهرمانی، همگانی، پرورشی و حرفه‌ای به رویکرد جدیدی نیاز دارد تا براساس آن زمینه توسعه اخلاقی و رفتارهای ورزشی فراهم آید. از این‌رو تحقیق حاضر به طراحی الگوی ارزش‌های اخلاقی متناسب با ورزش ایران پرداخته است. با عنایت به ماهیت کیفی و اکتشافی موضوع، از روش تحقیق کیفی از نوع گراند تئوری و به شیوه گلیزر (۱۹۹۲) استفاده شد. نمونه پژوهش را ۲۵ نفر از نخبگان که در زمینه ارزش‌های اخلاقی در ورزش دارای تخصص بودند تشکیل داد و نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. جهت تدوین الگوی پژوهش، نخست از طریق مطالعات اولیه کتابخانه‌ای، فهرست مقدماتی عوامل شناسایی گردید. سپس از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته داده‌های کیفی لازم گردآوری شد. نتایج کدگذاری باز حاکی از آن بود که ۵۸ ارزش می‌تواند در طراحی الگوی ارزش‌های اخلاقی موثر باشد. در مرحله کدگذاری محوری، ارزش‌ها در ۷ مفهوم طبقه‌بندی شد. در نهایت این مفاهیم، در سه مقوله رفتاری فردی، میان فردی (تعاملی و بین فردی) و ساختاری (سازمانی و ملی) ترکیب و الگوی نهایی ترسیم گردید. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به عنوان مبنایی جهت توسعه ارزش‌های اخلاقی در بین ورزشکاران، مربیان، داوران و کادر مدیریتی و اجرایی ورزش مورد استفاده نهادهای سیاست‌گذار امور فرهنگی و همچنین سازمان‌های اجرایی ورزش کشور قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ارزش‌های اخلاقی، فرهنگ، ورزش، گراند تئوری

1. Email: ghorbani.moho@gmail.com

2. Email: mahtab.mrjnmr@gmail.com

3. Email: zareian.h@gmail.com

مقدمه

در دنیای متحول و پرتلاطم امروزی، در راستای رشد و اعتلای اخلاقی جامعه، می‌بایست به دنبال ابزارها و مکانیزم‌های نوین و اثرگذار بود. در این راستا، چندی است که عرصه ورزش به عنوان یکی از مهم‌ترین اهرم‌ها و سازوکارهای توسعه اخلاق مورد توجه قرار گرفته است. تربیت‌بدنی و ورزش هم از بعد قهرمانی و هم از بعد همگانی، قادر است در کنار شکل دادن به استعدادهای جسمانی، حرکتی، روانی و اجتماعی افراد جامعه، زمینه‌های لازم جهت غنای اخلاقی و فرهنگی را فراهم آورد (زارعیان، ۱۳۹۴). در این زمینه باید گفت، بین ورزش و جامعه پیوندی قوی برقرار است و ورزش عاملی تعیین کننده در رشد فردی و جمعی جوامع است و ورزش هر جامعه‌ای همچون آینه‌ای منعکس کننده خوبی‌ها و بدی‌های آن جامعه می‌باشد. با این تفاوت که ورزش آینه‌ای است که در ضمن تاثیرگذاری می‌تواند از ارزش‌های جامعه نیز تاثیر بپذیرد. به همین دلیل به هر میزان که جامعه‌ای از اصول جهان‌شمول یا فساد برخوردار باشد بازتاب آن را در رفتارهای ورزشی، اخلاقی یا غیراخلاقی ورزشکاران، مربیان، ورزش قهرمانی، محیط‌های سازمانی ورزش و به طور کلی جامعه ورزشی می‌توان مشاهده کرد. به رغم آنکه ورزش این قابلیت را دارد تا در اکثر مقوله‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی ایفاء نقش کند و در جهان کنونی کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که از چنین ویژگی و قابلیتی برخوردار باشد، این پدیده جهانی امروزه با چالشی جدی روبروست. چالشی که ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را هدف قرار داده و به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. عقلانیت ابزاری، استفاده ابزاری از ورزش، نیازآفرینی، شیفتگی و الگوی مصرف، نمونه‌هایی از بهره‌برداری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در میادین ورزشی است (بوکسیل، ۲۰۰۳).

اخلاق، مفهومی جدانشدنی از زندگی انسان فارغ از هر نژاد، فرهنگ، سیاست و طبقه اجتماعی است و مسائل اخلاقی نقش مهمی در رفتار انسان ایفا می‌نماید. ریشه‌ی واژه‌ی «اخلاق» نشأت گرفته از واژه‌ی یونانی اتیکس^۱ به معنای «رسوم و سنت» است. اصول اخلاقی راجع به چگونه بودن افراد و اینکه در حرفه و سازمان متبوع خود چگونه رفتار کنند، مطرح می‌شود. بطور کلی واژه‌ی اخلاق با استانداردهای مربوط به درست و غلط بودن رفتار سر و کار دارد (صالح نیا و همکاران، ۱۳۸۸). به نظر جوزفسون^۲ (۲۰۰۶) اخلاق توانایی تشخیص درست از غلط و دربردارنده تلاش برای انجام عمل خوب و درست می‌باشد. قراملکی (۱۳۸۸) معتقد است اخلاقیات به عنوان مجموعه‌ای از اصول است که اغلب به منشوری برای راهنمایی و هدایت تعریف می‌شود. این مجموعه اصول، چارچوبی برای اقدام

1. Boxill
2. Ethics
3. Josephson, M

ارائه می‌کند. از سویی دیگر، اخلاق، مسئولیت‌پذیری در قبال حقوق افراد است نقش اخلاق در عملکردها و رفتارها، در برخوردها و ارتباطات، در گزینش‌ها و ارزیابی‌ها مهم و تعیین کننده است (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

یکی از مباحث اساسی و مهم در اخلاق کاربردی، آشنایی با ارزش‌های اخلاقی از قبیل مفاهیم درستکاری و صداقت در انجام وظایف و مسئولیت‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است (بیوچامپ، ۲۰۰۵). بطور کلی اهمیت مفهوم ارزش‌های اخلاقی را از توجه به این نکته می‌توان دریافت که نظریه‌های اخلاقی در واقع درصدد ارائه معیارها و ملاک‌هایی برای ارزش‌گذاری رفتارهای انسانند و مکاتب گوناگون اخلاقی از این رهگذر شکل یافته‌اند. ارزش‌های اخلاقی به این نکته تاکید می‌کند که چگونه باید زندگی کرد تا در قبال دیگران درست عمل کنیم و در عین خوبی خویش، خیر دیگران را هم در نظر بگیریم. با توجه به کاربرد واژه «خیر»، ارزش‌های اخلاقی از بطن مفاهیم مهم عدالت و درست‌ی، و به بیان دیگر از متن رفتار عادلانه و احترام آمیزی که برای دیگران قائلیم ایجاد می‌شود (احسانی و شجاع، ۱۳۹۲). ارزش‌ها و شاخص‌های اخلاقی همان پایه‌ها و زمینه سازهایی هستند که بر اساس آن اخلاق در ورزش حاکم می‌شود (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۵).

ورزش و محیط‌های ورزشی در دنیای امروز به بستری برای بروز رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی تبدیل شده است و به طور مکرر مصادیق متنوعی از رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی در ورزش رخ می‌دهد و این نوع رفتارها انعکاس و اثر گسترده‌ای در جامعه در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی دارد. به طور کلی کارکردهای اخلاقی و فرهنگی ورزش را می‌توان در سه سطح فردی، ملی و بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در سطح فردی، ورزش و حضور در عرصه‌های مرتبط با ورزش منجر به شکل‌گیری، توسعه و انتقال ارزش‌هایی چون انضباط، تندرستی، رفتار جوانمردانه، رقابت، تلاش و کوشش، پشتکار و نیل به هدف می‌گردد چرا که عرصه‌های ورزشی مملو از مصادیق و رخدادهایی است که این ارزش‌ها را مرتباً نمایش و تقویت می‌کند. از سویی دیگر ورزش، افراد جامعه را از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی دور نگه می‌دارد. در سطح ملی، ورزش عاملی است برای ایجاد هویت، انسجام و همبستگی ملی. مصادیق این کارکرد ورزش را می‌توان در احساس هویت، رضایت و غرور جامعه بعد از پیروزی تیم‌های ملی دانست. در سطح بین‌المللی، ورزش و رویدادهای بین‌المللی که در داخل و یا خارج از کشور برگزار می‌گردد، فرصتی است برای انتقال و گسترش میراث فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی و انسانی جامعه به ملت‌های دیگر و آشنایی و شناسایی ارزش‌های سازنده فرهنگی سایر کشورها و نهادینه‌سازی این ارزش‌ها در داخل کشور (قربانی، ۱۳۹۵).

برای سال‌های زیادی این تصور که ورزش باعث رشد فیزیکی، احساسی و اجتماعی می‌گردد، فراگیر بود اما اکنون برخی اعتقاد دارند ورزش می‌تواند باعث افزایش رفتارهای ضد اخلاقی و ضد اجتماعی نیز باشد و نوع ارزش‌ها و رفتارهایی (اخلاقی یا غیر اخلاقی) که در ورزش توسعه می‌یابد بستگی به روش‌هایی دارد که ورزش‌ها و برنامه‌های ورزشی پیاده و به ورزشکاران آموزش داده می‌شوند. همانطور که شرکت صرف در ورزش، پیشرفت و سلامت جسمانی را تضمین نمی‌کند مگر برنامه‌ها مورد آزمون قرار گرفته و اثربخشی آنها تایید شوند، رشد اخلاقی در ورزش نیز باید بر مبنای برنامه‌های اثر بخشی پایه‌ریزی گردد تا نتایج لازم را در بر داشته باشد (کاپلان و پرنه، ۲۰۱۷). در این راستا، مربیان، دانشجویان و برنامه‌ریزان مدیریت ورزشی باید کاربرد اصول و نظریه‌های اخلاقی را در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های تمرینات ورزشی، برگزاری مسابقات، تربیت ورزشکاران و به طور کلی در محیط‌های ورزشی بدانند. این اصول باید واضح و روشن بوده و با واقعیت‌های موجود ورزش کشور مطابقت داشته باشد (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰). در تایید این نکته، جوزفسون (۲۰۰۶) نیز بیان می‌دارد، نیروهای متخصص در سازمان‌های ورزشی مثل کارشناسان ورزشی، مربیان، داوران، باید ارزش‌های اخلاقی حاکم بر شغل خود را بدانند و پایبند باشند و در ارائه خدمات تخصصی عیناً اصول و ارزش‌های اخلاقی را رعایت نمایند.

ضرورت اخلاقی بودن ورزش، نتیجه مستقیم قوانین و مقررات ورزشی نیست. هنگامی که از واژه‌هایی مانند بازی جوانمردانه، بازی منصفانه و یا گذشت و ایثار و رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی در بازی‌ها و مسابقات ورزشی سخن به میان می‌آید، در حقیقت توجه ما به روح قوانین است و نه خود قوانین. در نتیجه برای توسعه ارزش‌های اخلاقی در ورزش می‌بایست در ابتدا به مطالعه و شناسایی ارزش‌ها و اصول اخلاقی پرداخت و سپس موانع و مشکلات پیش روی استقرار آنها را مرتفع نمود (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰).

با وجود اهمیت ارزش‌های اخلاقی اما با در نظر گرفتن ماهیت اخلاق، در نتیجه تا کنون لیست روشن، منجسم و جهان‌شمولی برای ارزش‌های اخلاقی ورزش در نظر گرفته نشده است. در این راستا، رزاقی و همکاران (۱۳۹۵) با بهره‌گیری از دیدگاه کهلبرگ، شاخص‌های اخلاقی ورزش را شامل رفتار منصفانه، رفتار جوانمردانه و رفتار پهلوانی دانسته‌اند. همچنین، رضانی نژاد و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش بهداشت، سلامتی، نیرومندی و پهلوانی از مهم‌ترین صفات و ارزش‌هایی است که در شاهنامه به آن اشاره شده است. این محققان تاکید داشته‌اند که تربیت بدنی و ورزش در فرهنگ ایران از گسترش و غنای زیادی برخوردار بوده است و می‌توان برخی صفات، نمادها و رفتارهای مثبت این فرهنگ را در تربیت ورزشی به کار برد. یونسکو در سال ۱۹۷۸ و طی منشور

بین‌المللی تربیت‌بدنی و ورزش، دامنه گسترده‌ای از ارزش‌های اخلاقی ورزش را بیان کرده است. در این بیانیه آمده است تربیت‌بدنی و ورزش باید به دنبال توسعه ارتباطات بین افراد با تمایلات، آرزوها، ملیت و عقاید مختلف باشد. درک احترام متقابل، احترام به راستی و درستی و شان و منزلت افراد باشد (مورای، ۲۰۱۰). همچنین، مجمع بین‌المللی مبارزه با دوپینگ (۲۰۰۳)، بیان کرده است که ورزش می‌بایست در حفظ ارتقاء سلامت، در وجدانیات، آموزش فرهنگ و فعالیت‌بدنی و در ارتقاء درک بین‌المللی و صلح نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. موسسه ضد دوپینگ آمریکا^۱ (۲۰۱۱) طی که بر روی ۴۴۴۳ نفر از افراد بین ۱۸ تا ۶۴ سال در این کشور انجام داده است و مهم‌ترین ارزش‌هایی که از طریق ورزش تقویت می‌شوند را به ترتیب شامل صداقت، بازی جوانمردانه، احترام به دیگران، به کار بستن بیشترین تلاش، کار تیمی، سرگرمی، سخت‌کوشی، نظم و انضباط فردی، عزت نفس، دوستی بین افراد با زمینه‌های اعتقادی و نژادی مختلف، مهربانی، تشویق برای انجام کارهای جدید، وحدت، رقابت و در آخر پیروزی معرفی کرده است. برانو^۲ (۲۰۱۵)، نیز مهم‌ترین ارزش‌هایی که از طریق ورزش قابل ترویج و اشاعه می‌باشد را شامل هماهنگی، احترام و صمیمیت، خلایقیت، کمک و یاری، وحدت، مشارکت، روح شهروندی و دموکراسی، عدالت و صداقت می‌داند.

علاوه بر موارد فوق، تحقیقات متعددی در زمینه اصول ارزش‌های اخلاقی در کشورهای مختلف جهان انجام شده است. به طور نمونه مرکز اخلاق در ورزش کانادا، ارزش‌های اخلاقی مورد نظر جهت ترویج و نهادینه‌سازی در ورزش این کشور را شامل عدالت، تعالی، سرگرمی و شادی، بازی جوانمردانه، احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری و راستی و درستی می‌داند (شاخص‌های سلامت کانادا، ۲۰۱۲). سازمان قهرمانی اروپا (۲۰۱۶)، ارزش‌های ورزش را در دو بعد فردی و سازمانی شامل ارزش‌های ورزش قهرمانی، رقابت، تعالی، بازی جوانمردانه و منش ورزشی، نظم و انضباط، توسعه فردی، تناسب اندام، برابری، مشارکت و فعالیت، ارزش‌های سازمانی ورزش، انسجام، اتحاد مسئولیت محیطی و اجتماعی و نوآوری دانسته است. همچنین روسا^۳ (۲۰۱۵) ارزش‌های اخلاقی ورزش را جهت نهادینه‌سازی و آموزش توسط مربیان ورزشی در کشور پرتقال را در سه سطح شهروندی (مشارکت، احترام به استانداردها و احترام به محیط)، بین فردی (همدلی، همکاری، همبستگی و احترام به دیگران) و فردی (پیروزی، اعتماد به نفس، استقلال، مسئولیت‌پذیری و عزت نفس) تعریف نموده است. در ایران نیز حلبیان (۱۳۹۱) به شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای اخلاقی در ورزش حرفه‌ای پرداخته است. وی

-
1. Murray, T. H
 2. U.S. Anti-Doping Agency
 3. Bruno Avelar Rosa
 4. Canadian Index of Wellbeing
 5. Rosa, Bruno Avelar

در این پژوهش معیارهای اخلاقی را به معیارهای تربیتی، روانشناختی، قانونی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی اخلاق در ورزش حرفه‌ای ایران تقسیم‌بندی نموده است. وی مولفه‌هایی مانند توهین نکردن به حریف در میدان مسابقه، قانون‌مداری بجای رابطه‌مداری، آموزش ارزش‌های اخلاقی از اولین روزهای شروع به ورزش، عدم پرداخت رشوه و زدوبندهای مالی و پرهیز از خودخواهی و غرور بیش از حد را از معیارهای اخلاقی در ورزش حرفه‌ای بیان کرده‌اند. مشکلات و چالش‌های اخلاقی را می‌توان در ورزش کشورهای مختلف کم و بیش مشاهده نمود. به طور مثال مطالعات انجام شده به وسیله هالمن و پتری^۱ (۲۰۱۳) نشان داده است کشور هلند با مشکلات و چالش‌های اخلاقی در سطوح بالای ورزش قهرمانی روبرو است. این مشکلات شامل دوپینگ، خشونت و فساد مالی. در این راستا، وزارت آموزش و فرهنگ تلاش‌های زیادی را در راستای رهایی از این معضل انجام داده است. سایمن^۲ (۲۰۱۶) نیز در تحقیق خود مسائل اخلاقی در رسانه‌های ورزشی ترکیه را بررسی نمود. نتایج تحقیق نشان داد که رسانه‌های ورزشی به کدهای اخلاقی وفادار نبوده‌اند و به طور مکرر کدهای اخلاقی را نقض کرده‌اند. بنابراین این مطلب تأیید کننده عامل تأثیرگذار بودن رسانه‌های ورزشی در رشد اخلاق می‌باشد. کلایبر و رابرتس^۳ (۲۰۱۶) در تحقیق خود با عنوان اثرات تجربه ورزشی در توسعه شخصیت اجتماعی به این نتیجه رسیدند که تأکید بیش از حد بر پیروزی، مشکلات اخلاقی برای ورزشکاران ایجاد می‌کند و جامعه‌پذیری را کاهش می‌دهد. فتر^۴ (۲۰۱۱) نیز برای توسعه ورزش قهرمانی از طریق توسعه فرهنگی شاخص‌هایی مانند تعداد میزبانی رقابت‌های ورزشی و حمایت از ستارگان و نخبگان ورزش ارائه و به طور آشکار بر عوامل اثر گذار بر توسعه کمی ورزش قهرمانی تأکید کرده‌اند.

همانگونه که در مرور مطالعات انجام شده قابل استنباط است، اگر چه برخی مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی مشترکی در تحقیقات مختلف قایل مشاهده است اما به لحاظ تفاوت کشورها در اصول و ارزش‌های اعتقادی، دینی، سنتها و آداب، ارزش‌های اخلاقی نیز از آنها متاثر و منتج می‌شود و در نتیجه موجب تفاوت ارزش‌های اخلاقی در جوامع مختلف می‌گردد. کشور ایران نیز با توجه به برخورداری از ریشه‌های دینی و ملی غنی، می‌تواند توسعه دهنده ارزش‌های اخلاقی متفاوتی باشد و مطالعه و شناسایی و شکل‌دهی مفهومی این ارزش‌ها به عنوان اولین قدم در راستای توسعه ارزش‌های اخلاقی در ورزش کشور است. از این‌رو در مقاله حاضر ارزش‌های اخلاقی در ورزش ایران مورد شناسایی، الگوسازی و تبیین قرار گرفته است.

-
1. Hallmann, K., Petry
 2. Simon
 3. Kleiber & Roberts
 4. Fetter

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت پیچیده اصول و ارزش‌های اخلاقی و در راستای شناسایی و الگوسازی این ارزش‌ها در ورزش کشور، این پژوهش از رویکرد کیفی و از روش گراند تئوری بهره گرفته است. گراند تئوری شامل سبک‌های متعددی است که در این پژوهش از ره‌یافت شکل دادن به فرضیه‌ها بر اساس ایده‌های (۱۹۹۲)، در تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. هدف این ره‌یافت شکل دادن به فرضیه‌ها بر اساس ایده‌های مفهومی است تا از طریق مقایسه مستمر داده‌ها، آنچه در حال روی دادن است، مفهوم‌سازی شود (گلنزر، ۱۹۹۲). پژوهش کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های اجتماعی، از داده‌های حاصله از مصاحبه‌ها، مستندات، مشاهده‌ها و غیره استفاده می‌کند. در مرحله اول پژوهش، تیم تحقیق از طریق مطالعه پیشینه تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مشخص نمودن هفت حوزه مطالعاتی مرتبط با ارزش‌های اخلاقی شامل (منابع دینی، سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی کلان و ورزش کشور، منابع مرتبط با المپیک و سایر نهادهای بین‌المللی ورزشی، منابع مرتبط با پهلوانان و چهره‌های برتر اخلاق و فرهنگ ورزش کشور، منابع مرتبط با ورزش قهرمانی، منابع مرتبط با محیط‌های سازمانی ورزش کشور و در نهایت منابع اخلاقی مورد تاکید در ورزش کشورهای منتخب)، فهرست مقدماتی شاخص‌های پیش‌بین شناسایی شد. این فهرست به عنوان سؤالات مصاحبه و ابزار اولیه جمع‌آوری داده‌ها مدنظر قرار گرفت. سپس راهنمای مصاحبه تدوین و محقق قبل از انجام مصاحبه با هریک از نخبگان آگاه، راهنمای مصاحبه برای آن‌ها ارسال نمود. در مرحله بعد مصاحبه‌های کیفی نیمه-ساختارمند و عمیق با (n=۲۵ نفر) نخبگان آگاه از موضوع پژوهش به عمل آمد. معیار انتخاب نخبگان، برخورداری از دانش تخصصی در زمینه اخلاق در ورزش و یا تجربه کار عملی و اجرایی بوده است. پنج مرحله اساسی ولی نه لزوماً پی‌درپی که در مسیر پردازش یافته‌ها استفاده شد شامل: ۱. انتخاب شرکت‌کنندگان، ۲. جمع‌آوری داده‌ها، ۳. منظم‌سازی یافته‌ها، ۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها، و ۵. ارائه راهبردهای اجرایی بود (بازرگان، ۱۳۸۷).

سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری با ۲۵ نفر از افراد جامعه، مصاحبه‌های کیفی انجام شد. نمونه‌گیری نظری نوعی طرح نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفدار است که در پژوهش‌های کیفی از آن استفاده می‌شود. انجام مصاحبه‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. به این معنی که دیگر یافته‌های مصاحبه و داده‌ها به گونه‌ای نبوده است که طبقات جدید و متفاوتی را ایجاد کند و یا به ویژگی‌های طبقات موجود بیفزاید. در این حالت داده‌های اضافی کمک به تکمیل و مشخص کردن مقوله دیگری

-
1. Grounded Theory
 2. Emergent
 3. Glaser

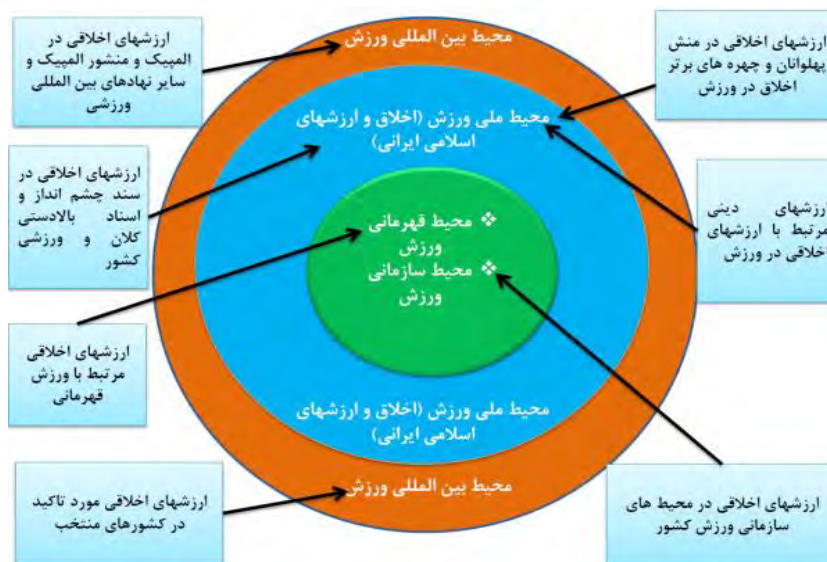
نمی‌کند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند. مصاحبه شونده‌گان، از چهار حیطه دینی- مذهبی (چهار نفر)، علمی (نه نفر)، اجرایی (هفت نفر) و ورزشی (پنج نفر) که آشنا با حوزه پژوهش بودند، انتخاب شدند. این افراد شامل متخصصین اخلاق در ورزش، مدیران و متخصصان اجرایی در ورزش کشور، قهرمانان و مربیان ملی و بین‌المللی و صاحب نظران و اعضاء هیأت علمی بودند. پس از انجام مصاحبه، تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش زمینه‌محور صورت گرفت. به این صورت که پس از اجرا و ویرایش مصاحبه‌ها نظرات مختلف، در گروه‌های مفهومی یکسان، کدگذاری و طبقه‌بندی و سپس به صورت کیفی تحلیل شدند. کدگذاری در این تحقیق به صورت باز و محوری انجام شد. لازم به ذکر است جهت تعیین روایی و پایایی در روش کیفی از مقبولیت، قابلیت انتقال و قابلیت تأییدپذیری استفاده گردید. مقبولیت درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان است که روش‌هایی را برای افزایش مقبولیت پیشنهاد شده که شامل: منابع متعدد، تحلیلگران متعدد و روش‌های متعدد می‌باشد. در این راستا، با استفاده از منابع گوناگون مانند افراد آگاه و منابع مکتوب به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شد. همچنین، در روند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها از مشاوران نتایج پژوهش مرتبط بهره گرفته شد. قابلیت انتقال، نشانگر تعمیم‌پذیری آنها به سایر گروه‌ها و محیط‌های مشابه است که با استخراج و ارایه حداکثری داده‌ها (تا جایی که ممکن باشد)، تاحدودی این بخش از روایی پژوهش نیز تأمین می‌گردد. در پژوهش حاضر نیز با مرور متعدد مصاحبه‌ها و استخراج حداکثری و غیرتکراری مطالب سعی بر اجرای این توصیه گردید. همچنین، تلاش شد با توجه به تخصص و جایگاه سازمانی هریک از مصاحبه‌شونده‌گان و لحاظ کردن این موضوع در انتخاب آن‌ها، احتمال انتقال مفاهیم به سایر محیط‌ها افزایش داده شود. علاوه بر این، جهت بررسی پایایی مصاحبه‌ها از روش پایایی توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، استفاده شد و میزان پایایی بین دو کدگذار برابر با ۸۳٪ بدست آمد. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید بوده و می‌توان گفت میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است.

نتایج

همانگونه که در بخش روش‌شناسی ذکر گردید، در این پژوهش، ابتدا ورزش و ارزش‌های اخلاقی در ورزش را در سه سطح محیطی شامل، محیط بین‌المللی، محیط ملی و محیط تخصصی (محیط قهرمانی و سازمانی ورزش) دسته‌بندی شده و ارزش‌های اخلاقی را در این سه محیط در مجموع در هفت طبقه قرار گرفته است و در مرحله بعد به بررسی، شناسایی و تبیین این ارزش‌ها پرداخته شده است.

1. Credibility

قهرمانی و سازمانی ورزش) دسته‌بندی شده و ارزش‌های اخلاقی را در این سه محیط در مجموع در هفت طبقه قرار گرفته است و در مرحله بعد به بررسی، شناسایی و تبیین این ارزش‌ها پرداخته شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی محیط شکل دهنده و منابع ارزش‌های اخلاقی در ورزش

یافته‌های پژوهش با استفاده از تحلیل همزمان و همچنین فرآیند کدگذاری، هنگام و پس از انجام مصاحبه‌ها به دست آمد. در ادامه نتایج کدگذاری‌ها به تفکیک ارائه می‌شود. نتایج جدول (۱) پس از انجام مصاحبه و تحلیل منابع مرتبط، جهت شناسایی کدها و ارزش‌های اخلاقی مربوطه بدست آمده است. همانگونه مشاهده می‌شود، تعداد شش ارزش مورد شناسایی قرار گرفته است. همچنین سعی گردید منابع و موارد استنادی در تایید ارزش‌های شناسایی شده مستخرج از مصاحبه‌ها در انتهای هر بخش آورده شود. نتایج این جدول به عناصر توسعه ارزش‌های اخلاقی در ورزش بر مبنای علوم دینی اشاره دارد. نتایج نشان می‌دهد ارزش‌های اخلاقی در سطح فردی بر ویژگی‌های رقابتی برتری جویی و مبارزه فیزیکی و جسمانی اشاره دارد؛ به طوری که این جنبه از اخلاق فردی در نوع رفتار پهلوانانه و رفتار جوانمردانه به رشد و توسعه ارزش‌های اخلاقی کمک می‌نماید. همچنین در سطح حرفه‌ای؛ بواسطه در برداشتن قواعد نزاکتی و تاسیسی بر عناصر نزاکتی (مانند اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی‌کند و عدم تجاوز به حقوق دیگران و

تشریک مساعی با دیگران) و تاسیسی (مانندکشف نقائص و کمبودها در سازمان و تلاش برای حل آن‌ها) تاکید دارد.

جدول ۱- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر اصول دینی

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی ارزش‌های اخلاق	عناصر نهاده‌ینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۱	پیروزی بر نفس سرکش خود، جهاد با نفس آماره، تهذیب نفس	تهذیب نفس	فردی	سطح فردی- رفتاری	رقابتی و برتری جویی(رفتار پهلوانانه)
استنادشده	(صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۴۶)، (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۱)، (صحیفه امام، ج ۱۸: ۱۵۱)، (صحیفه امام، ج ۷: ۲۶۱ و ۳۷۴)، (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۳؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۴۷؛ ابی فراس، ۱۴۰۴: ۱۲۲)				
۲	تواضع و فروتنی پرهیز از غرور	تواضع و فروتنی	فردی	سطح فردی- رفتاری	رقابتی و برتری جویی(رفتار پهلوانانه)
استنادشده	(محرم زاده و همکاران، ۱۳۹۲)، (خانابایی شوب، ۱۳۹۵: ۱۵)، (صبوری، ۱۳۸۲)، (ایران، ۷۶/۶/۱۶)				
۳	تقوا، ایمان، یاد خدا، پرهیزگاری	ایمان	فردی	سطح فردی- رفتاری	رقابتی و برتری جویی(رفتار پهلوانانه)
استنادشده	(خانابایی شوب، ۱۳۹۵: ۱۵)، (صبوری، ۱۳۸۲)، (ایران، ۷۶/۶/۱۶)، (صحیفه امام، ج ۱۸: ۱۵۱)، (محرم زاده و همکاران، ۱۳۹۲)،				
۴	حمایت از مظلوم، گذشت و بخشش، خدمت بهینه به خلق، سبقت در کار خیر	گذشت و بخشش	فردی و حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)- نزاکتی(اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمیکند)
استنادشده	(نهج البلاغه: ۴۵۹)، (صبوری، ۱۳۸۲)				
۵	رقابت شرافتمندانه، رقابت جوانمردانه	جوانمردی	فردی و حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)- نزاکتی(عدم تجاوز به حقوق دیگران)-تاسیسی(کشف نقائص و کمبودها در سازمان و تلاش برای حل آنها)
استنادشده	(مجموعه ورام: ۲۳)، (صحیفه نور، ج ۶، ص ۴۹)				
۶	روح تعاون، جمع‌گرایی	تیم‌گرایی	حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	اختیاری و گزینشی(رفتار منصفانه)-نزاکتی(تشریک مساعی با دیگران)
استنادشده	(صحیفه امام، ج ۷: ۲۶۱ و ۳۷۴)، (مصاحبه‌ها، ص ۱۶۱)				

جدول (۲)، ارزش‌های اخلاقی شناسایی شده در خصوص تاریخ و آیین پهلوانی ورزش ایران که بخشی طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بخشی از طریق مصاحبه بدست آمده است را نشان می‌دهد. در این مولفه، تعداد ۱۰ ارزش شناسایی گردید. توسعه ارزش‌های اخلاقی تاریخی و آیین پهلوانی مستخرج از مصاحبه‌ها در سطح فردی؛ بر جنبه‌های اختیاری و گزینشی، مبارزه فیزیکی و جسمانی، رقابتی و برتری‌جویی اشاره دارد. از این رو طبق این شاخص توسعه اخلاق فردی از نوع رفتار منصفانه، جوانمردانه، پهلوانانه می‌باشد. از سویی دیگر، ارزش‌های شناسایی شده در سطح حرفه‌ای؛ بر دو ویژگی قواعد نزاکتی (مانند اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی‌کند و کمک به دیگران در انجام کارها) و قواعد تاسیسی (مانند ارائه تصویر مطلوب از سازمان ورزشی) تاکید دارد.

جدول ۲- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر تاریخ و آیین پهلوانی ورزش ایران

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمع شده	نوع اخلاق	سطح تدوین الگوی ارزش‌های اخلاق	عناصر نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۱	گذشت و بخشش خیرخواهی و نیکوکاری، سخاوت و بخشندگی، ایثار مال و جان، نیک خواهی، مثبت گرایی، یاری محرومان و سطح فردی-رفتاری ضعیفان، دستگیری از فرودستان و نیازمندان	سخاوت و بخشندگی	فردی	سطح میانی- تلفیقی	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)- نزاکتی (اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی‌کند)
استناد شده	(طالبیان نیا و همکاران، ۱۳۸۷)، (نیکلاس، ۱۹۹۸)، (پاک نژاد، ۱۳۶۰: ۶۳)				
۲	شکر و یاد خدا، یاد خدای توکل به خدا شکیبایی حق شناسی	توکل به خدا	فردی	سطح فردی- رفتاری	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)
استناد شده	(نیکلاس، ۱۹۹۸)، (طالبیان نیا و همکاران، ۱۳۸۷)، (شاکری، ۱۳۸۲)				
۳	تکریم و احترام به پیشکسوتان احترام به بزرگان و پیشکسوتان	احترام به پیشکسوتان	فردی- حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه)-تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان ورزشی)
استناد شده	(تهرانچی، ۱۳۸۵: ۳۹)، (توماس و همکاران، ۲۰۰۵)، (طالبیان نیا و همکاران، ۱۳۸۷)				

ادامهٔ جدول ۲- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر تاریخ و آیین پهلوانی ورزش ایران

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمیع شده	نوع اخلاق	سطح تدوین الگوی ارزش‌های اخلاق	عناصر نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۴	شجاعت، شجاعت و اقتدار	شجاعت	فردی	سطح فردی- رفتاری	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)
	استنادشده (طالبیان نیا و همکاران، ۱۳۸۷)، (پاک نژاد، ۱۳۶۰: ۶۳)				
۵	جوانمردی	جوانمردی	فردی	سطح فردی- رفتاری	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)
	استنادشده (میکنر، ۱۹۷۶)، (تهرانچی، ۱۳۶۴: ۱۴۱-۱۳۸)، (کاشف، ۱۳۸۰: ۴)، (پیرسون، ۲۰۰۳: ۸۵)				
۶	راستگویی، راستی و درستی، صداقت، صداقت و راستگویی	صداقت	فردی	سطح فردی- رفتاری	اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه)
	استنادشده (شعبانی بهار، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۵)، (طالبیان نیا و همکاران، ۱۳۸۷)، (کاشف، ۱۳۸۰: ۴)				
۷	پارسایی، ایمان	ایمان	فردی	سطح فردی- رفتاری	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)
	استنادشده (کریمی، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۶)، (کیهان ورزشی - شماره ۵۷، ۱۳۳۵/۱۰/۲۲)				
۸	نیک نیتی، دوری از حسد، اخلاص اخلاص در عمل	اخلاص و نیک نیتی	فردی	سطح فردی- رفتاری	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)
	استنادشده (آقاپور، ۱۳۹۰)، (طالبیان نیا و همکاران، ۱۳۸۷)، (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰)، (ریاضی و همکاران، ۱۳۸۷)				
۹	پرهیز از غرور، فروتنی	فروتنی	فردی	سطح میانی- تلفیقی	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)-نزاکتی (کمک به دیگران در انجام کارها)
	استنادشده (تهرانچی، ۱۳۶۴: ۱۴۱-۱۳۸)، (شاگری، ۱۳۸۲)، (نیکلاس، ۱۹۹۸)				
۱۰	ملی گرایی، عشق به میهن، شرافت و عزت ملی، غیرت	ملی گرایی	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان ورزشی)
	استنادشده (طالبیان نیا و همکاران، ۱۳۸۷)، (راد و همکاران، ۲۰۰۷)				

جدول (۳)، ارزش‌های اخلاقی شناسایی شده در خصوص المپیک و منشور المپیک و سایر نهادهای بین‌المللی ورزشی که بخشی طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بخشی از طریق مصاحبه بدست آمده است را نشان می‌دهد. در این مولفه، تعداد شش ارزش شناسایی گردید. توسعه ارزش‌های اخلاقی المپیک و منشور المپیک و سایر نهادهای بین‌المللی ورزشی مستخرج از مصاحبه‌ها در سطح فردی؛ بر جنبه مبارزه فیزیکی و جسمانی و جنبه رقابتی و برتری جویی اشاره دارد. از این‌رو طبق این شاخص توسعه اخلاق فردی از نوع رفتار جوانمردانه و پهلوانانه می‌باشد. از طرفی ارزش‌های شناسایی شده در سطح حرفه‌ای؛ بر دو ویژگی قواعد نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران و تشریک مساعی با دیگران) و قواعد تاسیسی (مانند کشف نقائص و کمبودها در سازمان و تلاش برای حل آن‌ها) تاکید دارد.

جدول ۳- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر المپیک و منشور المپیک و سایر نهادهای بین‌المللی ورزشی

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمیع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی ارزش‌های اخلاق	عناصر نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۱	تعالی	تعالی و رشد	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	تاسیسی (توجه به مداوت تغییرات سالم و مثبت در سازمان)
استناد شده	(گرین، ۲۰۰۸)، (سین، ۱۹۹۹)، (کمیته بین المللی المپیک، ۲۰۰۸)، (کوپر و دیاس، ۲۰۱۲ و لی ۲۰۰۷)، (جکسون و پالمرو، ۱۳۸۳)، (پری، ۲۰۰۶)، (امیر حسینی، ۱۳۸۳)، (کوپر و دیاس، ۲۰۱۲ و لی ۲۰۰۷)، (رونی، ۲۰۱۲)				
۲	احترام، احترام به دیگران	نوع دوستی	فردی-حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)-نزاکتی (کمک به دیگران در انجام کارها)
استناد شده	(گرین، ۲۰۰۸)، (سین، ۱۹۹۹)، (کمیته بین المللی المپیک، ۲۰۰۸)، (کوپر و دیاس، ۲۰۱۲ و لی ۲۰۰۷)				
۳	شکیبایی و تحمل	صبر و شکیبایی	اخلاق فردی	سطح فردی- رفتاری	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)
استناد شده	(سین، ۱۹۹۹)				

ادامه جدول ۳- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر المپیک و منشور المپیک و سایر نهادهای بین‌المللی

ورزشی

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجميع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی ارزش-های اخلاق	عناصر نهادهای سازی ارزش‌های اخلاقی
۴	برابری، عدم تبعیض، همبستگی، دوستی	دوستی و همبستگی	فردی-حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)-نزاکتی (تشریک مساعی با دیگران)
	استنادشده			(گرین، ۲۰۰۸)، (سین، ۱۹۹۹)	
۵	آزاد منشی و جوانمردی	آزاد منشی و جوانمردی	فردی-حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)-نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران)- تاسیسی (کشف نقائص و کمبودها در سازمان و تلاش برای حل آنها)
	استنادشده			(سین، ۱۹۹۹)، (امیر حسینی، ۱۳۸۳)	
۶	مسولیت پذیری، عدالت، صلح	مسولیت پذیری و عدالت و صلح	فردی-حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)- نزاکتی (اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی‌کند)
	استنادشده			(شینک و هانرامان، ۱۳۹۳)، (امیر حسینی، ۱۳۸۳)، (کواکلی، ۲۰۰۹: ۴۵۴)، (نیک شعار، ۱۳۸۷، ۵۲-۵۱)، (آگی، ۲۰۰۴)، (نوابخش و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۳۸)، (التیامی نیا و عزیزآبادی، ۱۳۹۴)، (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۲)، (لورمور و بودر، ۱۳۹۱: ۱). (گرین، ۲۰۰۸)، (کوپر و دیاس، ۲۰۱۲)، (سین، ۱۹۹۹)، (کوپر و دیاس، ۲۰۱۲ و لی، ۲۰۰۷)، (شریف، ۱۳۸۳: ۷)، (سجادی، ۱۳۸۸)	

جدول (۴)، ارزش‌های اخلاقی شناسایی شده در خصوص اسناد بالادستی کلان و ورزش ایران که بخشی طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بخشی از طریق مصاحبه بدست آمده است را نشان می‌دهد. در این مولفه، تعداد ۴ ارزش شناسایی گردید. لازم به ذکر است. با استناد به نتایج این جدول، توسعه

ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر اسناد بالادستی کلان ورزش ایران مستخرج از مصاحبه‌ها در سطح حرفه‌ای؛ و بر ویژگی‌های نزاکتی (مانند عدم تجاوز به حقوق دیگران، کمک به دیگران در انجام کارها) و تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان) تاکید دارد.

جدول ۴- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر اسناد بالادستی کلان ورزش ایران

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش جمع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی ارزش‌های اخلاق	عناصر نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۱	مردم - دوستی	مردم دوستی	حرفه ای	سطح ساختاری- نهادی- رسانه ای	نزاکتی (کمک به دیگران در انجام کارها)-تاسیسی (کشف نقائص در سازمان و تلاش برای حل آنها)
استنادشده					(وب سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵)
۲	ایثارگری	ایثارگری	حرفه ای	ساختاری-نهادی- رسانه ای	نزاکتی (کمک به دیگران در انجام کارها)
استنادشده					(وب سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵)
۳	عدالت- خواهی	عدالت محوری	حرفه ای	سطح ساختاری- نهادی- رسانه ای	تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان)-نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران)
استنادشده					(قالیباف، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۴۵؛ سازمان تربیت بدنی کشور، ۱۳۸۴)، (وب سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵)
۴	جوانمردی	جوانمردی	حرفه ای	ساختاری-نهادی- رسانه ای	نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران)-تاسیسی (کشف نقائص و کمبودها در سازمان و تلاش برای حل آنها)
استنادشده					(قالیباف، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۴۵؛ سازمان تربیت بدنی کشور، ۱۳۸۴)

جدول (۵)، ارزش‌های اخلاقی شناسایی شده در محیط‌های سازمانی ورزش ایران را که بخشی از آن طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بخشی از طریق مصاحبه بدست آمده است را نشان می‌دهد. در این مولفه، تعداد ۱۰ ارزش شناسایی گردید. با استناد به نتایج این جدول، توسعه ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر محیط‌های سازمانی ورزش ایران مستخرج از مصاحبه‌ها در سطح فردی بر ویژگی‌های اختیاری و گزینشی، مبارزه فیزیکی و جسمانی، رقابتی و برتری جویی اشاره دارد. بنابراین این شاخص‌ها در ابعاد رفتار منصفانه، جوانمردانه و پهلوانانه به رشد و توسعه ارزش‌های اخلاقی کمک می‌نماید. از طرفی ارزش‌های شناسایی شده در سطح حرفه‌ای؛ بر دو ویژگی قواعد نزاکتی (اطاعت از قوانین و

مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی‌کند) و قواعد تاسیسی (توجه به تغییرات سالم و مثبت در سازمان ورزشی) تاکید دارد.

جدول ۵- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر محیط‌های سازمانی ورزش ایران

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمیع شده	نوع ارزش اخلاقی	الگوی ارزش‌های اخلاق	عناصر نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۱	تهذیب نفس	تهذیب نفس	فردی	فردی- رفتاری	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)
استنادشده		(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۶۰ و ۲۰)			
۲	جوانمردی	جوانمردی	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران)-تاسیسی (کشف نقائص و کمبودها در سازمان و تلاش برای حل آنها)
استنادشده		(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۸۳-۷۲)			
۳	عدالت و عدم تبعیض، عدالت و انصاف	عدالت و انصاف	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان)-نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران)
استنادشده		(وود و ریمر، ۲۰۰۳)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۱۸۴-۱۷۱)، (کانتز و ویریچ، ۱۹۹۳: ۶۰)			
۴	کار تیمی	کار تیمی	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	تاسیسی (توجه به تغییرات سالم و مثبت در سازمان ورزشی)-نزاکتی (تشریک مساعی)
استنادشده		(برگمن، ۲۰۰۰)، (جوزفسون، ۲۰۰۶)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۶۰)			
۵	ادب و احترام، احترام به دیگران، ارتباط سالم	ادب و احترام	حرفه ای	میانی- تلفیقی	اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه)- تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان ورزشی)
استنادشده		(قربانی و صفری، ۱۳۹۵)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰)، (الوانی و رحمتی، ۱۳۸۶)			

ادامهٔ جدول ۵- کدها و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر محیط‌های سازمانی ورزش ایران

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجميع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح الگوی ارزش‌های اخلاق	عناصر نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۶	مسئولیت پذیری	مسئولیت پذیری	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	نزاکتی (اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی کند)
استناد شده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۰)				
۷	صداقت و پاکی	صداقت و پاکی	فردی-حرفه ای	میانی- تلفیقی	اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه)-نزاکتی (جلوگیری از ایجاد مشکلات با دیگران)
استناد شده	(مککوال، ۲۰۰۵)، (کانتز و وبریچ، ۱۹۹۳: ۶۰)				
۸	تلاش و کوشش	تلاش و کوشش	فردی-حرفه ای	میانی- تلفیقی	مبارزه فیزیکی (رفتار جوانمردانه)- تاسیسی (توجه به تغییرات سالم و مثبت در سازمان ورزشی)
استناد شده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۳)				
۹	قانون گرایی، نظم و انضباط	قانون گرایی	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	نزاکتی (اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی کند)
استناد شده	(برکنریج، ۱۹۹۴)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۱ و ۶۰ و ۷۳-۸۳)، (چنچاراش و اسپیکتور، ۲۰۰۱)				
۱۰	برتری جویی، رقابت طلبی	برتری جویی	حرفه ای	میانی- تلفیقی	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)- تاسیسی (توجه به تغییرات سالم و مثبت در سازمان ورزشی)
استناد شده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۱۸۴-۱۷۱)				

جدول (۶)، ارزش‌های اخلاقی شناسایی شده که مورد تاکید در ورزش کشورهای مختلف بوده و بخشی از آن طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بخشی از طریق مصاحبه بدست آمده است را نشان می‌دهد. در

این مولفه، تعداد ۱۲ ارزش شناسایی گردید. توسعه ارزش‌های اخلاقی مورد تاکید در ورزش کشورهای مختلف مستخرج از مصاحبه‌ها در سطح فردی به ویژگی‌های اختیاری و گزینشی، مبارزه فیزیکی و جسمانی، رقابتی و برتری جویی اشاره دارد. به طوری که این شاخص‌ها در ابعاد رفتار منصفانه، جوانمردانه و پهلوانانه به رشد و توسعه ارزش‌های اخلاقی کمک می‌نماید. همچنین ارزش‌های شناسایی شده در سطح حرفه‌ای؛ بر دو ویژگی قواعد نزاکتی (مانند جلوگیری از ایجاد مشکلات با دیگران) و قواعد تاسیسی (توجه به تغییرات سالم و مثبت در سازمان ورزشی) تاکید دارد.

جدول ۶- کدها و ارزش‌های اخلاقی مورد تاکید در ورزش کشورهای مختلف

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی توسعه اخلاقی	عناصر توسعه و نهادینه سازی ارزش- های اخلاقی
۱	تعالی، توسعه فردی	تعالی	فردی	فردی- رفتاری	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)
استنادشده	(بلانچارد، ۱۳۸۷: ۵۴)، (شاخص‌های سلامت کانادا، ۲۰۱۲)، (سازمان قهرمانی اروپا، ۲۰۱۶)				
۲	اعتماد به نفس، استقلال، عزت نفس	اعتماد و عزت نفس	فردی	فردی- رفتاری	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه)
استنادشده	(روسا، ۲۰۱۵)				
۳	مسئولیت پذیری	مسئولیت پذیری	فردی	ساختاری- نهادی- رسانه ای	نزاکتی (اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی کند)
استنادشده	(روسا، ۲۰۱۵)، (شاخص‌های سلامت کانادا، ۲۰۱۲)				
۴	احترام به استانداردها	قانون مداری	حرفه ای	ساختاری- نهادی- رسانه ای	نزاکتی (اطاعت از قوانین و مقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی کند)
استنادشده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۲)، (تندنویس، ۱۳۹۱)				

ادامهٔ جدول ۶- کدها و ارزش‌های اخلاقی مورد تاکید در ورزش کشورهای مختلف

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمیع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی توسعه اخلاقی	عناصر توسعه و نهادینه سازی ارزش-های اخلاقی
	استناد شده	(شاخص های سلامت کانادا، ۲۰۱۲)، (تندنویس، ۱۳۹۱)، (طاهریان، ۱۳۸۹)، (سازمان قهرمانی اروپا، ۲۰۱۶)، (روسا، ۲۰۱۵)			
۶	استناد شده	احترام به محیط	فردی - حرفه ای	ساختاری - نهادی - رسانه ای	نزاکتی (جلوگیری از ایجاد مشکلات با دیگران)
					(خسروی زاده و همکاران، ۱۳۸۸)، (سازمان قهرمانی اروپا، ۲۰۱۶)، (روسا، ۲۰۱۵)
۷	استناد شده	برابری، عدالت	فردی - حرفه ای	ساختاری - نهادی - رسانه ای	تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان) - نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران)
					(شاخص های سلامت کانادا، ۲۰۱۲)
۸	استناد شده	مشارکت و فعالیت، مشارکت جویی	فردی - حرفه ای	میانی - تلفیقی	اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه) - نزاکتی (تشریک مساعی با دیگران)
					(سازمان قهرمانی اروپا، ۲۰۱۶)، (روسا، ۲۰۱۵)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۶)
۹	استناد شده	نظم و انضباط	نظم و انضباط	حرفه ای	ساختاری - نهادی - رسانه ای
					اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه) - نزاکتی (اطاعت از قوانین ومقررات حتی وقتی کسی نظارت نمی کند)
					(سازمان قهرمانی اروپا، ۲۰۱۶)
۱۰	استناد شده	بازی جوانمردانه و منش ورزشی، بازی جوانمردانه	فردی - حرفه ای	میانی - تلفیقی	مبارزه فیزیکی و جسمانی (رفتار جوانمردانه) - نزاکتی (عدم تجاوز به حقوق دیگران) - تاسیسی (کشف نقائص و کمبودها در سازمان و تلاش برای حل آنها)
					(طاهریان، ۱۳۸۹)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۷)

ادامه جدول ۶- کدها و ارزش‌های اخلاقی مورد تاکید در ورزش کشورهای مختلف

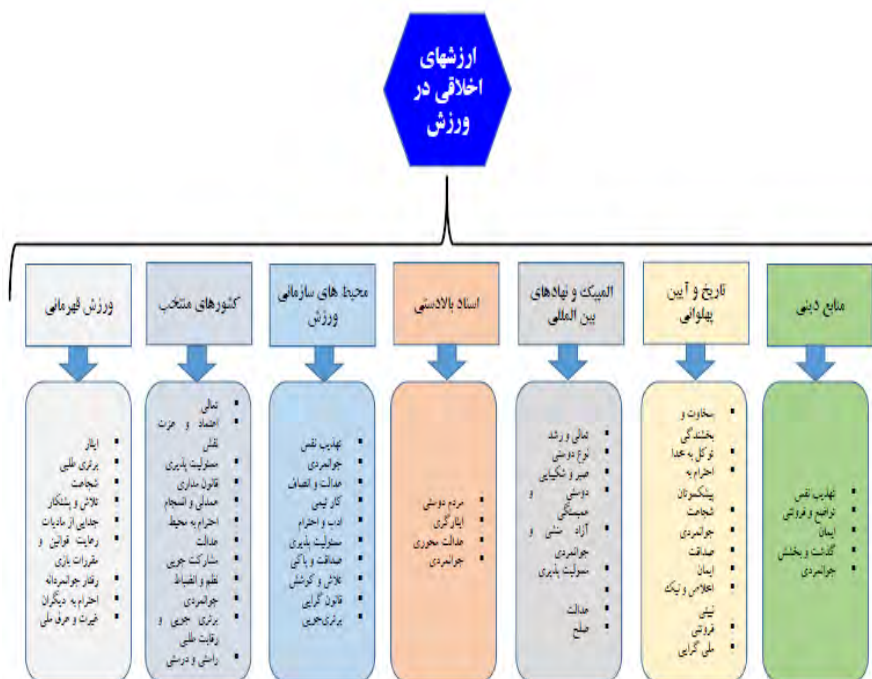
ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمیع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی توسعه اخلاقی	عناصر توسعه و نهادینه سازی ارزش- های اخلاقی
۱۱	رقابت، پیروزی،	برتری جویی و رقابت طلبی	فردی- حرفه ای	میانی- تلفیقی	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)- تاسیسی (توجه به تغییرات سالم و مثبت در سازمان ورزشی)
	استناد شده	(سازمان قهرمانی اروپا، ۲۰۱۶)			
۱۲	راستی و درستی	راستی و درستی	فردی- حرفه ای	میانی- تلفیقی	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)- تاسیسی (توجه به تغییرات سالم و مثبت در سازمان ورزشی)
	استناد شده	(شاخص های سلامت کانادا، ۲۰۱۲)			

جدول (۷)، ارزش‌های اخلاقی شناسایی شده در خصوص ورزش قهرمانی بوده که بخشی از آن طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بخشی از طریق مصاحبه بدست آمده است را نشان می‌دهد. در این مولفه، تعداد نه ارزش شناسایی گردید. یافته‌های مندرج در این جدول حاکی از آن است که توسعه ارزش‌های اخلاقی در ورزش قهرمانی مستخرج از مصاحبه‌ها در سطح فردی بر ویژگی‌های اختیاری و گزینشی، مبارزه فیزیکی و جسمانی، رقابتی و برتری جویی تاکید دارد. به طوری که این شاخص‌ها در ابعاد رفتار منصفانه، جوانمردانه و پهلوانانه به رشد و توسعه ارزش‌های اخلاقی کمک می‌نماید. همچنین ارزش‌های شناسایی شده در سطح حرفه‌ای؛ تنها بر ویژگی قواعد تاسیسی (مانند ارائه تصویر مطلوب از سازمان ورزشی) تاکید دارد.

جدول ۷- کدها و ارزش‌های اخلاقی در ورزش قهرمانی

ردیف	کد شناسایی شده	ارزش تجمع شده	نوع ارزش اخلاقی	سطح تدوین الگوی توسعه اخلاقی	عناصر توسعه و نهادینه سازی ارزش‌های اخلاقی
۱	از خود گذشتگی ایثار	ایثار	فردی	فردی-رفتاری	مبارزه فیزیکی (رفتار جوانمردانه)
استناد شده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۷)				
۲	برتری طلبی	برتری طلبی	فردی	فردی-رفتاری	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)
استناد شده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۷)، (هولیهان، ۱۹۹۴)				
۳	شجاعت	شجاعت	فردی	فردی-رفتاری	مبارزه فیزیکی (رفتار جوانمردانه)
استناد شده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۷)				
۴	تلاش و پشتکار	تلاش و پشتکار	فردی	فردی-رفتاری	مبارزه فیزیکی (رفتار جوانمردانه)
استناد شده	(هاگز و کواکلی، ۱۹۹۱)، (هولیهان، ۱۹۹۴)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۷)				
۵	جدایی از مادیات	جدایی از مادیات	فردی	فردی-رفتاری	رقابتی و برتری جویی (رفتار پهلوانانه)
استناد شده	(نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۷)				
۶	رعایت قوانین و مقررات بازی	رعایت قوانین و مقررات بازی	فردی	فردی-رفتاری	اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه)
استناد شده	(هولیهان، ۱۹۹۴)				
۷	رفتاری معقول و مناسب با روحیه ورزشکاری	رفتار جوانمردانه	فردی	فردی-رفتاری	مبارزه فیزیکی (رفتار جوانمردانه)
استناد شده	(هولیهان، ۱۹۹۴)				
۸	احترام به دیگران	احترام به دیگران	فردی- حرفه ای	سطح میانی- تلفیقی	اختیاری و گزینشی (رفتار منصفانه)- تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان ورزشی)
استناد شده	(هولیهان، ۱۹۹۴)				
۹	غیرت و ملی گرایی	غیرت و عرق ملی	حرفه ای	ساختاری- نهادی-رسانه ای	تاسیسی (ارائه تصویر مطلوب از سازمان ورزشی)
استناد شده	(هاگز و کواکلی، ۱۹۹۱)، (هولیهان، ۱۹۹۴)، (نادریان جهرمی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۷)				

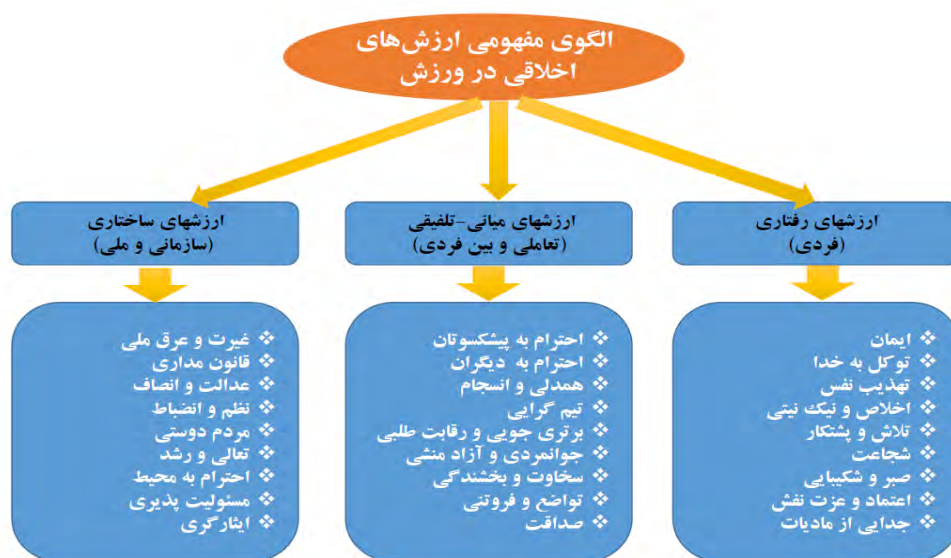
پس شناسایی ارزش‌ها (نشان‌ها) در مرحله کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، با بررسی ۵۸ ارزش به دست آمده و ترکیب بیشتر آن‌ها و یافتن روابط مقدماتی بین مفاهیم، همانطور که در شکل (۲) مشاهده می‌شود، هفت مفهوم نهایی و بنیادی در خصوص ارزش‌های اخلاقی ورزش ایران دسته‌بندی و ترسیم گردید.



شکل ۲- کدگذاری محوری ارزش‌های اخلاقی ورزش ایران

در مرحله نهایی و پس از کدگذاری محوری، با استناد به نتایج تحقیقات بوکسلی (۲۰۰۳) و خبیری و آقاپور (۱۳۸۷)، در مرحله کدگذاری انتخابی مدل ارزش‌های اخلاقی ورزش ایران تدوین گردید (شکل ۳). در این راستا، هفت مفهوم منابع دینی، سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی، المپیک و سایر نهادهای بین‌المللی ورزشی، تاریخ و آیین پهلوانی، ورزش قهرمانی، محیط‌های سازمانی ورزش و در نهایت ارزش‌های اخلاقی مورد تاکید در ورزش کشورهای منتخب در سه مقوله رفتاری (فردی)، میان‌فردی (تعاملی و بین‌فردی) و ساختاری (سازمانی و ملی) ترکیب و الگوی نهایی ترسیم گردید. در مقوله فردی تعداد نه ارزش شامل ایمان، توکل به خدا، تهذیب نفس، اخلاص و نیک‌نیتی، تلاش و پشتکار، شجاعت، صبر و شکیبایی، اعتماد و عزت نفس، جدایی از مادیات مورد شناسایی و دسته‌

بندی قرار گرفت. در مقوله بین فردی تعداد نه ارزش شامل احترام به پیشکسوتان، احترام به دیگران، همدلی و انسجام، تیم‌گرایی، برتری‌جویی و رقابت‌طلبی، جوانمردی و آزادمنشی، سخاوت و بخشندگی، تواضع و فروتنی، و صداقت‌شناسایی شد و در مقوله ساختاری ارزش‌های نه‌گانه غیرت و عرق‌ملی، قانون‌مداری، عدالت و انصاف، نظم و انضباط، مردم‌دوستی، تعالی و رشد، احترام به محیط، مسئولیت‌پذیری، و ایثارگری شناسایی گردید.



شکل ۳- الگوی مفهومی ارزش‌های اخلاقی در ورزش ایران

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی ارزش‌های اخلاقی در ورزش ایران بوده است که با استفاده از تحقیق کیفی و به روش گراند تئوری و از شیوه اثر گلیر (۱۹۹۲) انجام گرفت. در این پژوهش در راستای شناسایی ارزش‌های اخلاقی تلاش گردید تا محیط‌های مختلف ورزش کشور را تصویرسازی و سپس ارزش‌ها را در چارچوب‌ها و طبقات تصویرسازی شده مورد بررسی و شناسایی قرار دهد. این چارچوب در قالب شکل (۱) قابل مشاهده است. در این پژوهش پس مشخص نمودن هفت حوزه مطالعاتی مرتبط با ارزش‌های اخلاقی شامل علوم دینی، سند چشم‌انداز و اسناد بالادستی کلان و ورزش کشور، المپیک و منشور المپیک و سایر نهادهای بین‌المللی ورزشی، تاریخ پهلوانان و چهره‌های برتر اخلاق و فرهنگ ورزش کشور، ورزش قهرمانی، محیط‌های سازمانی ورزش کشور و در نهایت ارزش‌های اخلاقی مورد تاکید در ورزش کشورهای منتخب، ۵۸ ارزش شناسایی شده از طریق

کدگذاری باز و محوری را در این هفت مفهوم دسته‌بندی نمود. در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، با استناد به مطالعات بروکسیل (۲۰۰۳) و خبیری و آقاپور (۱۳۸۷) این هفت مفهوم نیز در سه مقوله فردی، بین فردی و سازمانی ترکیب و الگوی نهایی شدند. خبیری و آقاپور (۱۳۸۷) و همچنین رزاقی و همکاران (۱۳۹۵) در نظریه خود به شاخص‌های اخلاقی در ورزش قهرمانی از ابعاد رشد رفتار منصفانه، رفتار جوانمردانه و رفتار پهلوانی توجه دارد. اصل اساسی دستورالعمل‌های ارزش‌های اخلاقی این است که ملاحظات اخلاقی (رعایت مقررات) در رابطه با بازی و رفتار منصفانه فاکتورهای جدا نشدنی همه فعالیت‌های ورزشی تفریحی و رقابتی است که در همه سطوح و توانایی‌ها بایستی وجود داشته باشد. دو سطح از مسولیت در ارتباط با رفتار منصفانه شامل سطح فردی و سطح سازمانی یا ساختاری شناخته شده است.

در سطح فردی، هر فرد مسولیت رفتار اخلاقی در ورزش را به عهده دارد. در این راستا، هر فرد باید نقش خود را در محدوده مشخص ایفا کند. نه ارزش شامل ایمان، توکل به خدا، تهذیب نفس، اخلاص و نیک‌نیتی، تلاش و پشتکار، شجاعت، صبر و شکیبایی، اعتماد و عزت نفس، جدایی از مادیات در این سطح قرار می‌گیرند. در واقع در تمامی ابعاد ورزش و در تمامی فرایندها و فعالیت‌ها، فرد و همچنین نگاه سیاست‌گذاران و هدایت‌گران می‌بایست بر تقویت و توسعه این ارزش‌ها در ورزشکاران، مربیان، داوران و سایر افراد درگیر در حوزه ورزش باشد. در واقع، ارزش‌های اخلاقی در سطح فردی بر توسعه فکری و سرمایه‌های ارزشی افراد تاکید دارد و باید بر این نکته تاکید نمود که ورزش از یک سو بر شکل‌گیری این ارزش‌ها در افراد اثر مثبت دارد و از سویی دیگر می‌بایست محیط و عناصر بیرون از ورزش نیز در راستای رشد این ارزش‌ها گام بردارد.

یافته‌های این پژوهش منجر به شناسایی تعداد نه ارزش در سطح بین فردی شد که شامل شامل احترام به پیشکسوتان، احترام به دیگران، همدلی و انسجام، تیم‌گرایی، برتری جویی و رقابت‌طلبی، جوانمردی و آزادمنشی، سخاوت و بخشندگی، تواضع و فروتنی، و صداقت شناسایی است. این ارزش‌ها در ارتباط با فرد یا افراد دیگر معنی پیدا می‌کند و فرد در تعامل و رفتار با دیگران این ارزش‌ها را از در قالب مصادیق رفتاری بروز می‌دهد. در نتیجه در راستای توسعه تعاملات و ارتباطات در حوزه ورزش، این ارزش‌ها نقش بسیار مهمی خواهند داشت و طرز رفتار با دیگران، بیانگر ارزش‌های اخلاقی بسیاری خواهد بود که در نهایت می‌توان در قالب نه ارزش ذکر شده، خلاصه نمود. در تبیین این ارزش‌ها می‌توان گفت، یک ورزشکار سالم و پایبند به اصول اخلاقی بر این باور است که برنده شدن با استفاده از روش‌های غیرمعارف یک پیروزی واقعی و با افتخار و جوانمردانه نیست. مربیان باید به ورزشکاران آموزش دهند ورزش قهرمانی یک فرآیند پیچیده و دشوار است که برای پیروزی با افتخار، نیازمند تلاش و کوشش و فراهم نمودن امکانات و مسیرهای مورد نیاز است. همچنین باید پذیرفت

که ارزش‌های اخلاقی تا حدودی مستقل از قوانین ورزش است و دربرگیرنده روحیه برابری است و بر این فرض استوار است که اعمال غیر اخلاقی و ارزشی از آن جهت در ورزش ممنوعند که ناجوانمردانه محسوب می‌گردد. نتایج در نظر گرفتن بازی جوانمردانه به مثابه احترام به بازی را در دو سطح در نظر می‌گیرد. بازی جوانمردانه به معنای احترام به بازی در سطح فرد ورزشکار به عنوان خطوط راهنمایی برای لحظه‌ای که او مردد می‌ماند که چه کاری باید انجام دهد و بازی جوانمردانه به عنوان احترام به ورزش؛ که دلالت‌های ضمنی برای اعمال و تصمیم‌ها در سطح سیاست‌گذاری در بر دارد. در سطح ساختاری، سازمان‌های ورزشی به طور ویژه مسولیت دارند تا با تنظیم قوانین عادلانه و سیاست شفاف، پایه ورزش عادلانه را ایجاد کنند. در صورت مدیریت موفق ارزش‌ها در سطح ساختاری، انتظار می‌رود تا نه ارزش غیرت و عرق ملی، قانون مداری، عدالت و انصاف، نظم و انضباط، مردم دوستی، تعالی و رشد، احترام به محیط، مسئولیت‌پذیری، و ایثارگری مورد تقویت و رشد قرار گیرد. برخی از این ارزش‌ها ناظر بر رفتار و نگرش ورزشکاران در یک نگاه ملی دارد و در این راستا، ارزش‌های غیرت و عرق ملی، مردم دوستی، ایثارگری خود را نشان می‌دهد و در بعدی دیگر، ناظر بر نگاه ساختاری و چارچوبی است که می‌توان به ارزش‌های نظم و انضباط، احترام به محیط و قانون‌مداری اشاره نمود.

در این تحقیق تقسیم‌بندی مبتنی بر تحلیل ارزش‌های اخلاق فردی و حرفه‌ای؛ از طرفی بر شاخص‌های اخلاقی در ورزش در ابعاد رشد رفتار منصفانه، رفتار جوانمردانه و رفتار پهلوانی توجه دارد و از سویی دیگر با برجسته‌سازی سطوح فردی-رفتاری، میانی-تلفیقی (تعاملی و بین فردی) و ساختاری-نهادی-رسانه‌ای (سازمانی و ملی)؛ ویژگی‌های مدل ایده‌آل ورزش "بوکس‌ل" را تقویت می‌کند. در این راستا، بوکس‌ل (۲۰۰۳) معتقد است بررسی شکل ایده‌آل ورزش می‌تواند به اهمیت مثبت و منفی اخلاقی آن کمک کند و برای آن چهار ویژگی را ذکر می‌کند: اختیاری و گزینشی باشد؛ قاعده‌مند باشد؛ مبارزه فیزیکی و جسمانی داشته باشد؛ رقابتی و برتری جویانه باشد. در مدل ارائه شده در این پژوهش نیز ارزش‌های مورد شناسایی، بر تقویت ویژگی‌های چهارگانه ارائه شده توسط بوکس‌ل تاکید می‌نماید و رشد و نهادینه‌سازی این ارزش‌ها در ورزش، می‌تواند به شکل‌گیری ورزش ایده‌آل کمک شایانی نماید.

یافته‌های این پژوهش مطابق با یافته‌های پژوهش انجام شده توسط موسسه ضد دوپینگ آمریکا (۲۰۰۳)، برانو (۲۰۱۵)، سازمان قهرمانی اروپا (۲۰۱۶)، حلبیان (۱۳۹۱) از نگاه ارزش‌های اخلاقی مورد شناسایی دارای همخوانی است. از طرف دیگر یافته‌های این پژوهش با نتایج و مدل سطح بندی ارزش‌های اخلاقی روسا (۲۰۱۵) که ارزش‌ها را در قالب سه سطح شهروندی (مشارکت، احترام به

استانداردها و احترام به محیط)، بین فردی (همدلی، همکاری، همبستگی و احترام به دیگران) و فردی (پیروزی، اعتماد به نفس، استقلال، مسئولیت پذیری و عزت نفس) تعریف نموده است، همخوانی دارد. در نهایت باید تاکید نمود، در این پژوهش با یک نگاه کیفی و اکتشافی به بررسی و شناسایی ارزش‌های اخلاقی در ورزش کشور پرداخته شد و با توجه به چارچوب‌های نظری موجود، به الگوسازی آنها پرداخته شد و در نهایت الگوی ارزش‌های اخلاقی در ورزش کشور در قالب یک مدل سه سطحی و دارای ۲۷ ارزش محوری و ۵۸ ارزش فرعی مورد تدوین قرار گرفت.

با توجه به نقش ورزش و محیط‌های ورزشی در توسعه اخلاق در جامعه و اهمیت و جایگاه منش و رفتار ورزشکاران و تمامی افراد برجسته در ورزش کشور، در نتیجه برخورداری از یک تصور و مجموعه-ای توسعه یافته از ارزش‌های اخلاقی و ترویج و پرورش آن نقش مهمی خواهد داشت. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به عنوان مبنایی جهت توسعه و ترویج ارزش‌های اخلاقی در بین ورزشکاران، مربیان، داوران و کادر مدیریتی و اجرایی ورزش و ورزش مورد استفاده نهادهای سیاست‌گذار و همچنین سازمان-های اجرایی ورزش کشور قرار گیرد.

الگوی ارزش‌های اخلاقی تدوین شده در این پژوهش می‌تواند به عنوان بستر و زمینه‌ای برای آغاز مطالعه در حوزه ارزش‌های اخلاقی در ورزش باشد و پژوهش‌های آتی می‌تواند بر محور این پژوهش شکل گرفته و یافته‌های موجود را تقویت نماید. در نتیجه تحقیقات آتی می‌تواند بر چگونگی نهادینه-سازی، اجرا و توسعه این ارزش‌ها تمرکز یابد.

تشکر و قدردانی

این طرح مستخرج از طرح پژوهشی مصوب پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی است و نویسندگان بر خود واجب می‌دانند از حمایت‌های این پژوهشگاه و از همه افرادی که در فرآیند پژوهش همکاری داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

منابع

1. Bazargan, A., (2015). Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods: Common Approaches to Behavioral Sciences, Third Edition, Visiting Publishing.
2. Beauchamp, T. L (2005). The nature of applied ethics, in a companion to applied ethics. Blackwell publishing.
3. Boxill, J. (2003). The Ethics of Competition, Jon Boxill "Sport Ethics", Publisher: Black well, First Edition.
4. Bruno, A. R. (2015). Ethics in Sport - Guidelines for Teacher, Luso-Illyrian Institute for Human Development (iLIDH).

5. Butcher, R., Schneider, A. J., (2001). Fair play as respect for the game. In: Morgan WJ, Meier KV, Schneider AJ, editors. Ethics in sport. Champaign (IL): Human Kinetics; 21-48.
6. Canadian Index of Wellbeing. (2012). Reflecting Canadian values. <https://uwaterloo.ca/canadianindex-wellbeing/about-canadian-index-wellbeing/reflecting-canadian-values>. Accessed 11 June 2013.
7. Ehsani, M and Shajie, R (2013). Ethics in Exercise with Practical Approach, Tehran. Publications of the Institute of Physical Education and Sport Sciences.
8. Fetter, S.E. (2011). Socioeconomic Determinants of Win Maximization at the FIFA World Cup, Bachelor of Arts thesis. The faculty of the Department of Economics and Business. The Colorado College.
9. Gharamaleki, Ah. F, (2009), Organizational Ethics, Tehran, Saramad Publishing, First Edition.
10. Ghorbani, M. H. (2014). The role of sport in Cultural development of the Society, E-Journal of Physical Education Research Institute of Sport Sciences, No. 1.
11. Glaser, B. G. (1992). Basics of grounded theory analysis. Mill Valley, CA: Sociology Press.
12. Halbian, S. (2012). Identifying and Prioritizing Ethical Criteria in Professional Sports in Iran. Master Degree, University of Tehran.
13. Hallmann, K., Petry, K. (2013). Comparative Sport Development, Springer New York Heidelberg Dordrecht London.
14. Hassandra M, Bekiari A, Sakellariou K (2007). Physical education teacher's verbal aggression and student's fair play behaviors. Phys. Educ. 64(2):94-101.
15. Josephson, M (2006). A training program for coaches on ethics, sportsmanship and character building in sport. Available at: count.org4.htm.
16. Kleiber, D.A. Roberts, G.C. (2016). "The effects of sport experience in the development of social character: A preliminary investigation". Journal of Sport and Exercise Psychology, 3: pp: 114-122 .
17. Murray, T. H (2010). Preserving Sporting Values and Ethics: The relationship between anti-doping and sport values and ethics United national educational, scientific and cultural organization.
18. Naderian Jahromi, M (2011). Ethics in sport. Nisima Publishing, ordered by the Institute of Physical Education and Sport Sciences, first edition.
19. Ramezani Nejad, R., Daneshmandi, H., Nekooi, A R. BahramiPour, B (2006). Comparison of the main attributes of the sportsmanship in Shahnameh. Volume 14, Number 36, Pages 83-90.
20. Rosa, B. Avelar. (2015). Ethics in Sport - Guidelines for Coaches, unoBate-Desig Institute for Human Development (iLIDH).
21. Salehnia, M and Tavakoli, Z (2009). Organizational Ethics with Emphasis on Ethical Charter, Journal of Ethics in Science and Technology, Vol. 4, No. 3. Pa: 66 – 78.
22. Simon, R. (2003). The Ethics of Strategic Fouling, Jan Boxill, Sport Ethics, Publisher: Black well First Edition
23. U.S. Anti-Doping Agency. (2011). What Sport Means in America: A Study of Sport's Role in Society. Discovery education.
24. World Anti-Doping Agency. (2003) World Anti-Doping Code. Montreal: World Anti-Doping Agency.

25. Zareiyan, H. and Barancheshmeh M. A (2015). Establishment of the Ethics Code for Physical Education Officers of the Armed Forces of Iran, Research Project, Physical Education Organization of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran.
26. Razzaghi, M.E and Mehrabi, GH (2016). Ethics in Sport (Concepts, Challenges, Solutions), Neda Karavarin Publications, Tehran.
27. Caplan A, L.and Parent, B (2017). The Ethics of Sport: Essential Readings, New York: Oxford University Press.

ارجاع دهی

قربانی محمدحسین، امیرمقدم مرجان، زارعیان. (۱۳۹۸). شناسایی و تدوین الگوی ارزش‌های اخلاقی در ورزش ایران. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷ (۱۷): ۳۰۴-۲۷۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5239.1398

Ghorbani M. H, Amiri-Moghaddam M, Zareian H. (2019 Identification and Formulation of a Model of Ethical Values in Iranian Sport. Research on Educational Sport. 7 (17): 277-304. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5239.1398

الویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیوم در مدارس با استفاده از روش دلفی فازی و تاپسیس

مازیار مقدادی^۱، محمدرضا اسماعیلی^۲، فرزاد غفوری^۳

۱. دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۱

چکیده

هدف از این پژوهش اولویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیوم با توجه به معیارهای فرهنگی و آموزشی کشور است. پژوهش حاضر به لحاظ روش از نوع توصیفی - تحلیلی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی بود. در ابتدا جهت مشخص نمودن معیارهای مورد مطالعه از روش دلفی فازی و سپس برای وزن‌دهی به نظر دبیران تربیت‌بدنی به رویکردها و روش‌های آموزشی از روش تاپسیس استفاده شد. نمونه آماری تحقیق متشکل از دو گروه بود. گروه اول ۱۵ نفر از متخصصین حوزه تربیت‌بدنی که در زمینه المپیوم سابقه پژوهش داشتند و گروه دوم ۳۰۰ نفر از دبیران تربیت‌بدنی فعال در آموزش و پرورش بودند. پنج معیار منابع دانش، عوامل فرهنگی، منابع مالی، اثربخشی و امکانات سخت افزاری به‌عنوان معیارهای تأثیرگذار توسط متخصصین انتخاب شدند. با در نظر گرفتن این پنج معیار، رویکرد زندگی محور با ضریب نزدیکی ۰/۸۰۴ از بالاترین اولویت و رویکرد مبتنی بر تجربه با ضریب نزدیکی ۰/۷۳۳ از پایین‌ترین اولویت به‌عنوان رویکردهای آموزش المپیوم در مدارس برخوردار بودند. در میان روش‌های آموزش، ترکیب ارزش‌ها با چالش‌های اجتماعی روز دانش‌آموزان و آموزش مسائل اجتماعی با استفاده از تجربیات قهرمانان ورزشی در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفتند. با توجه به نو بودن آموزش المپیک در حوزه آموزشی، منابع دانش جزء مهم‌ترین معیارها در انتخاب رویکردها و روش‌ها هستند. همچنین انتخاب رویکرد زندگی محور بیانگر نیاز سیستم‌های آموزشی به جدا شدن از رویکردهای سنتی آموزش و همراه شدن با سیستم‌های آموزشی روز دنیا است. علاوه بر این موارد، تلفیق زندگی اجتماعی با آموزه‌های المپیوم و تربیت‌بدنی دامنه تأثیرگذاری روش‌های آموزشی را بسیار گسترده می‌سازد.

واژگان کلیدی: آموزش المپیوم، المپیک، رویکرد آموزشی، روش دلفی فازی، روش تاپسیس.

1. Email: maziarmeghdadi@yahoo.com

2. Email: esmaili_shazandi@yahoo.com

3. Email: farzadghafouri@yahoo.com

مقدمه

وقتی سخن از ورزش است بازی‌های المپیک به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد ورزشی جهان بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. المپیک تنها یک رقابت ورزشی نیست، بلکه دانشی است که نیاز به مطالعه و یادگیری دارد (مونگرپرانیت، ۲۰۱۱). از دید پیردوکوبرتن^۲ بنیان‌گذار کمیته بین‌المللی المپیک و دوره جدید المپیا، بازی‌های المپیک تنها یک رویداد ورزشی نیست؛ بلکه نقطه عطفی در حرکت وسیع‌تر اجتماعی و فرهنگی است؛ حرکتی که از طریق بازی و ورزش، موجبات رشد و تکامل انسان را فراهم می‌آورد و جهان را به مکانی برای سالم زیستن تبدیل می‌کند (سجادی، ۲۰۰۶). بازی‌های المپیک بزرگ‌ترین سمبل تمدن انسانی است. فعالیت‌های اعجاب‌آور که جنبه‌های اخلاقی، روانشناختی، بدنی و روحی انسان‌ها را دربر می‌گیرد. جشن بازی‌های المپیک در شهرها و کشورهای مختلف بهترین فرصت است برای آشنایی با فرهنگ، سنت‌ها و تاریخ کشورها و همچنین نحوه پیشرفت ورزش در کشورها نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد (وانگ و ماسوموتو، ۲۰۰۹). کانون آموزش در المپیک نوین را می‌توان در مفهوم آموزش المپیوم دانست که دارای سابقه تاریخی کوتاهی است. در واقع آموزش المپیوم محصول بازی‌های نوین المپیک از سال ۱۸۹۴ است؛ ولی ایده‌ها و آرمان‌های این مفهوم آموزشی از اصول تربیت‌بدنی سرچشمه می‌گیرد (چاتزیفستاتیو، ۲۰۱۲).

پایه و اساس درک المپیوم تأکید آن بر تعهد آموزشی است و ایده المپیک بدون درک مأموریت آموزشی آن غیر قابل درک است. این تعهد آموزشی در اصول منشور المپیک نیز مورد توجه قرار گرفته است و بر مبنای آموزش ارزش‌هاست. برخی از ارزش‌های مثبت ذکر شده در این اصول عبارتند از تعادل در جنبه‌های ذهنی، بدنی و روحی شخصیت انسان، درک لذت فعالیت، تأکید بر رفتار صلح‌آمیز و احترام به دیگران (کولپان، ۲۰۱۸). اصول منشور المپیک، استراتژی‌های ممکن برای تدریس و یادگیری را پیشنهاد می‌کند؛ استراتژی‌هایی مانند ترکیب ورزش با فرهنگ و آموزش که باعث تشویق افراد به مشارکت ورزشی در موقعیت‌های آموزشی می‌شود (چن و هنری، ۲۰۱۹)؛ صفری جعفرلو، ۲۰۱۸). از دهه هفتاد میلادی، شکل‌های مختلفی در آموزش المپیوم به‌وجود آمده است. تعاریف، برنامه‌ها و مفاهیم متعددی نیز در زمینه برنامه‌های آموزش المپیوم ارائه شده‌اند

-
1. Mongpraneet, S.
 2. Pierre de Coubertin
 3. Sajjadi, N.
 4. Wang, Y., Masumoto, N.
 5. Chatziefstathiou, D.
 6. Culpan, I.
 7. Chen, S., Henry, I.
 8. Safari Jafarloo, H.R.

(بیندر، ۲۰۰۵). در منشور المپیک کمیته بین‌المللی المپیک^۲ (۲۰۱۱)، المپیزم فلسفه‌ای از زندگی است که صفات جسمانی، ارادی و فکری را درهم آمیخته و تعالی می‌بخشد. المپیزم با درآمیختن ورزش از یک‌سو و فرهنگ و آموزش از سوی دیگر، روشی را در زندگی شکل می‌دهد که بر پایه لذت بردن از تلاش، ارزش‌های آموزشی الگوهای خوب و احترام به اصول اخلاقی جهانی استوار است.

های^۳ در سال ۲۰۰۲ بیان می‌دارد که المپیزم = ورزش + فرهنگ + آموزش (غفوری و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین ساگارزازو^۵ (۲۰۱۱) پنج ارزش آموزشی المپیزم را این‌گونه تعریف می‌کند: ۱- جستجوی تعالی: تلاش برای رسیدن به کمال انسانی از طریق عملکرد بالا. تمرکز بر تعالی می‌تواند به جوانان کمک کند تا مثبت، سالم و تلاشگر باشند. ۲- بازی جوانمردانه: فعالیت ورزشی داوطلبانه با اصول اخلاقی مانند بازی جوانمردانه و فرصت برابر در ارتباط است. بازی جوانمردانه مفهومی ورزشی است که امروزه در جهان در طرق مختلف بکار گرفته می‌شود. یادگیری اصول بازی جوانمردانه در فضای ورزشی می‌تواند به ظهور این رفتارها در اجتماع و به‌طور کلی در زندگی افراد کمک کند. ۳- احترام به دیگران: مفهوم صلح در بین ملت‌ها، احترام و تحمل در روابط بین‌فردی را منعکس می‌کند. زمانی که جوانان در یک جامعه چند فرهنگی یاد می‌گیرند که تنوع را بپذیرند و به آن احترام بگذارند و به شکلی صلح‌آمیز رفتار کنند، به پیشبرد صلح کمک می‌کنند. ۴- لذت تلاش: جوانان برای تقویت مهارت‌های بدنی به تمرین می‌پردازند، علاوه بر این از لحاظ رفتاری و فکری نیز پیشرفت‌هایی دارند و در جریان فعالیت بدنی، بازی و ورزش یکدیگر را به چالش می‌کشند. ۵- تعادل بین نیت و ذهن: نمایانگر مفهوم پیشرفت هماهنگ انسان است. یادگیری تنها از طریق ذهن اتفاق نمی‌افتد بلکه بدن نیز در آن مؤثر است. ایده آموزش بدنی و فکری یکی از عوامل انگیزاننده کوپرتن برای احیای بازی‌های المپیک بود.

المپیزم مفهومی عمومی است که تنها بر روی پیشرفت قدرت بدنی تأکید ندارد، بلکه به دنبال افرادی سالم‌تر با نگرشی شادتر و دیدی صلح‌آمیزتر به دنیا است. المپیزم تلاش افراد را می‌شناسد و از آن تقدیر می‌کند و هیچ‌گونه تبعیضی بین ملت‌ها، نژادها، سیستم‌های سیاسی و ... را قبول نمی‌کند. ارزش‌های آموزشی المپیزم از طریق تمرینات یاد گرفته می‌شوند که در نهایت رفتار افراد و ادراک آن‌ها نسبت به جامعه را تغییر می‌دهد. این تغییر در رفتار، آگاهی درونی ایجاد می‌کند و

-
1. Binder, D.L.
 2. International Olympic Committee (IOC)
 3. Hi
 4. Ghafouri, F., Mirzayi, B., Honari, H., Honarvar, A.
 5. Sagarzazu, I.

منجر به سبک زندگی سالم‌تر برای فرد و همچنین آموزش آن به دیگران می‌شود (گوپتا؛ ۲۰۱۱). در واقع هدف المپیزم از ترکیب ورزش، فرهنگ و آموزش، خلق یک سبک زندگی است که بر پایه احترام به ارزش‌های انسانی، اصول اخلاقی پایه، لذت بردن از تلاش، شرکت در فعالیت‌های ورزشی و نقش تربیتی الگوهای انسانی استوار شده است (کرال و همکاران؛ ۲۰۱۰). بر پایه ایده‌های کوبرتن مبنی بر نقش ورزش در آموزش، این ایده‌ها به صورت چهار هدف عمومی در منشور المپیک بیان شدند که عبارتند از: ۱- بهبود و گسترش کیفیت‌های اخلاقی و بدنی که پایه و اساس ورزش هستند. ۲- تربیت جوانان از طریق ورزش با استفاده از درک بهتر یکدیگر، دوستی و در نتیجه کمک به ساختن جهانی بهتر و صلح در تمام جهان. ۳- گسترش اصول المپیک در جهان، در نتیجه به وجود آوردن اراده جهانی. ۴- جمع کردن ورزشکاران از سراسر دنیا برای فستیوالی ورزشی که هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود؛ یعنی بازی‌های المپیک (نیجینیک و تاوارس؛ ۲۰۱۲).

با توجه به گستردگی امروزی جوامع آموزشی در دنیا، المپیزم مزایایی منحصر به فردی به همراه دارد که عبارتند از: "ایده‌ای شناخته شده در سراسر دنیا"، "منش ورزشکاری"، "فراملیتی، جهانی بودن (قبول تمام فرهنگ‌ها)"، "پیشبرد مهارت‌های جسمانی و اخلاقی در کنار یکدیگر"، "مبارزه با هر نوع تبعیض (دینی، فرهنگی، نژادی و ملیتی)"، "همزیستی با محیط زیست و طبیعت"، "برابری فرصت‌ها"، "شرکت در رقابت"، "درک بین‌الملل و پذیرفته شدن توسط کشورها"، و "شبکه‌ای جهانی از داوطلبان که در انتظار پیوستن هستند" (برونیکوفسکی؛ ۲۰۰۷). آموزش المپیک یک فرآیند آموزشی است که هدف آن شکل دادن و یا اصلاح رفتار افراد جوان مطابق با ارزش‌های اساسی المپیزم با توجه به عنصرهای فرهنگی معاصر و ملیت‌های مختلف است. رشد مثبت در رفتارها و اخلاقیات افراد جامعه از ویژگی‌های مشترک کلیه سیستم آموزشی در کشورهای مختلف است که در آموزش المپیزم کاملاً عینیت می‌یابد (پری؛ ۲۰۰۶). همان‌طور که پیشتر بیان شد، اهداف آموزش المپیزم بسیار گسترده هستند و کلیه جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و غیره را در بر می‌گیرند. اما اهدافی کلی نیز وجود دارد که بیشتر مطالعات (هسندرا و همکاران؛ ۲۰۰۱؛ پری، ۲۰۰۳؛ گراماتیکوپولوس و هسندرا؛ ۲۰۰۵؛ بیندر، ۲۰۱۲) بر روی آن هم عقیده می‌باشند و این اهداف عبارت‌اند از: ۱- یادگیری تاریخچه جنبش المپیک و بازی‌های المپیک، ۲-

-
1. Gupta, B.
 2. Corral, C.D., Perez-Turpin, J.A., Vidal, A.M.
 3. Knijnik, J., Tavares, O.
 4. Bronikowski, M.
 5. Parry, J.
 6. Hassandra, M., Goudas, M., Hatzigeorgiadis, A., Theodorak, Y.
 7. Grammatikopoulos, V., Hassandra, M.

آموزش و حصول اطمینان از یادگیری اصول، فلسفه و ارزش‌های ورزشی، ۳- درک اهمیت بازی‌ها و جشنواره‌های ورزشی برای هر کشور، ۴- درک نقش اساسی نهضت داوطلبی در موفقیت بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی، ۵- توسعه مهارت‌های مربوط به کنترل رفتار از طریق فعالیت‌های ورزشی، و ۶- یادگیری در مورد اهمیت ورزش در بهداشت، درمان و سلامتی.

سازمان جهانی بهداشت^۱ در برنامه‌ای تحت عنوان زندگی فعال، با همکاری شرکای خود، سعی بر تأکید بر اهمیت ورزش و بازی برای حفظ تعادل و سلامت اجتماعی افراد داشت. این برنامه به آموزش المپیزم اجازه داد تا بیشتر بین جهانیان شناخته شود (جنوفری و ویل، ۲۰۱۵). اما سؤالی که در این زمینه وجود دارد این است که آیا امروزه، ارزش‌های اخلاقی منشور المپیک منطقی هستند؟ موارد اخلاقی مانند بازی جوانمردانه، خشونت، تقلب، داروهای نیروزا، تجارت‌گرایی و ... توجه بسیاری از رسانه‌ها را به خود معطوف کرده‌اند. همچنین مقالات و گزارشات بسیاری در بازی‌های المپیک و کنفرانس‌های علمی تربیت‌بدنی در این زمینه ارائه شده‌اند و به نظر می‌رسد در سراسر دنیا مقبولیت دارند. با این وجود، متأسفانه آموزش این مسائل به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از کشورها، محبوب‌ترین و غالب‌ترین روش برای آموزش المپیزم " رویکرد مبتنی بر دانش"^۳ است (نول، ۲۰۰۸). در این رویکرد تمرکز اصلی بر ارائه اطلاعات در مورد المپیک بر اساس رویکردهای نظری و تاریخی است. بسیاری از کتاب‌ها، جزوات و بروشورها، که به‌طور عمده توسط آکادمی ملی المپیک منتشر می‌شوند و نام، تاریخ و حقایق المپیک را مناسب با سن دانش‌آموزان از نظر ملی و بین‌المللی در بازی‌های المپیک باستان و مدرن انتقال می‌دهد، از دسته این رویکرد است (بیندر، ۲۰۱۲). این رویکرد گسترده‌ترین نوع آموزش در جهان است (بیندر، ۲۰۰۷). دومین روش برای آموزش المپیزم " رویکرد مبتنی بر تجربه"^۴ است. این روش به ترویج ارزش‌های المپیک از طریق شرکت فعال گروهی از کودکان و افراد جوان در مناسبت‌های فرهنگی- ورزشی و مرتبط می‌پردازد. به‌عنوان مثال همکاری‌های ورزشی ملی و بین‌المللی مدارس، سرمایه-گذاری، جشنواره روزهای ورزشی، اردوگاه‌های جوانان و همکاری دانش‌آموزان کشورهای دیگر با یکدیگر، در مورد یادگیری فرهنگ‌های مختلف ملی از این نمونه هستند. المپیادهای ورزشی دانش-آموزان مثال خوبی از این رویکرد است (بیندر، ۲۰۱۲؛ نول، ۲۰۱۲). رویکرد سوم را می‌توان به‌عنوان یک " رویکرد مبتنی بر حرکت مهارت"^۵ یا " رویکرد مبتنی بر مهارت‌های حرکتی" شناخت. این

-
1. WHO
 2. Geoffery, Z.K., Will, B.J.
 3. knowledge based approach
 4. Naul, R.
 5. Experience-Centered Approach
 6. Motor-Skill-Based Approach

روش تدریس نزدیک با این ایده المپیک است که منشور کمیته بین‌المللی المپیک به‌عنوان "شادی در تلاش" و همچنین چشم‌انداز کوبرتن از کمال شخصی افراد است. وارد کردن آموزش المپیزم در برنامه درسی تربیت‌بدنی و فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی مدارس می‌تواند مثال روشن این رویکرد باشد (نول، ۲۰۰۸). رویکرد چهارم اصول المپیک را نه تنها با ورزش، بلکه تجربه زندگی اجتماعی کودکان مرتبط می‌کند. این رویکرد به‌عنوان یک "رویکرد زندگی محور"، شناخته شده است که ترکیبی از اصول المپیک با تجربه اجتماعی کودکان و جوانان در زندگی روزمره خود است (نول، ۲۰۰۸). این مفهوم بر درک آرمان‌های المپیک به‌عنوان یک چالش در تکالیف فردی در چهارچوب کلی ارزش‌های اجتماعی برای کودکان و الگوهای رفتاری اخلاقی جوانان اشاره دارد. رویکرد چهارم آموزش المپیزم در سال‌های گذشته در کشور کانادا، نیوزیلند، استرالیا و ایالات متحده آمریکا بسیار مرسوم شده است (نول، ۲۰۰۷).

با توجه به اهمیت آموزش المپیزم و در نظر گرفتن نقش سازمان‌های مختلف اعم از کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و ... در زمینه گسترش مفاهیم و چشم‌اندازهای المپیک در بین افراد جامعه، به نظر می‌رسد سیستم آموزشی کشورها توانمندی بسیار بالاتری نسبت به سایر سازمان‌ها در جهت آموزش اصول اخلاقی، انسانی، ورزشی و ... المپیزم دارد. زهره‌وندیان و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی آموزش المپیک در کتب درسی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های رویکرد مبتنی بر دانش پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در مجموع ۴۳۲۸ صفحه کتب درسی که در مقطع ابتدایی تدریس می‌شود، تنها ۲۱ بار به مفهوم و واژه المپیک اشاره شده است. که این میزان از توجه به آموزش المپیک برای تأثیرگذاری بر رفتار و اخلاق دانش‌آموزان ناکافی به نظر می‌رسد. ساکیز و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان تأثیر سه سال برنامه آموزش المپیک بر رفتار اجتماعی نوجوانان بیان داشتند که یک دوره سه ساله آموزش المپیک بر روی نوجوانان منجر به بهبود در رفتارهای اجتماعی و فرا اجتماعی آن‌ها شد. پتری^۴ (۲۰۱۷) نیز بیان داشت عامل کلیدی در بالا بردن کیفیت و اثربخشی درس تربیت‌بدنی در مدارس، اضافه کردن مفهوم المپیزم به ساعات ورزش دانش‌آموزان است.

در کل تحقیقات انجام شده در زمینه آموزش المپیزم و به‌خصوص آموزش آن در سطح مدارس بسیار اندک است و برای اجرای آموزش المپیزم در مدارس، معلمان ورزشی باید از دانش کافی جهت پیاده سازی آن برخوردار باشند که این خلاء در سیستم آموزشی کشور بسیار پررنگ است.

-
1. Life-World-Centered Approach
 2. Zohrevandian, K., Sajjadi, S.N., Khosravizadeh, E., Ebrahimi, F.
 3. Sukys, S., Majauskiene, D., Dumciene, A.
 4. Petrie. K.

درست است که معلمان محصول فرهنگ، فضای سیاسی و آموزشی جامعه خودشان هستند، اما این نکته به این معنا نیست که مقالات و تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف برای دیگر محققین و معلمان فاقد ارزش است، بلکه این محققین باید به این سؤالات پاسخ دهند که ۱- آیا این ارزش‌ها برای من و مردم کشورم، همان معنایی را دارد که برای محقق داشته است؟ ۲- کدامیک از مفاهیم المپیزم بیشتر با اولویت‌های آموزشی و سیستم ارزشی کشور من همخوانی دارد؟ ۳- آیا اصول آموزشی ذکر شده در مقالات و تحقیقات آموزش المپیزم قابل درک است و با فضای آموزشی و فرهنگی کشور من همخوانی دارد؟ ۴- کدامیک از استراتژی‌های یاددهی و آموزشی می‌تواند باعث پیشبرد آموزش المپیزم در مدارس کشور من شود؟ و سپس به بررسی ارزش‌ها بپردازند (بیندر، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر محققان بر آنند که با مشخص نمودن معیارهای مؤثر بر آموزش المپیک در مدارس اقدام به اولویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیک در مدارس نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق به لحاظ روش از نوع توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. مراحل تحقیق مشتمل بر مرور ادبیات و تدوین چهارچوب نظری، لیست محتوای آموزشی مربوطه، و جمع-آوری داده‌ها و اطلاعات است. در ابتدا جهت مشخص نمودن و غربالگری معیارهای مورد مطالعه با استفاده از نظر متخصصین از روش دلفی فازی (ملک اخلاق و همکاران؛ ۲۰۱۴؛ موسوی و همکاران؛ ۲۰۱۵؛ ۲؛ گریشام؛ ۲۰۰۹) استفاده شد. بدین صورت که ابتدا با مرور جامع مبانی نظری در زمینه برنامه‌ریزی درسی، معیارهای تأثیرگذار شناسایی می‌شوند و پس از آن به بررسی نظر متخصصان پرداخته و عبارات کلامی به اعداد فازی تبدیل می‌شوند. سپس با بررسی میانگین فازی معیارهای تأثیرگذار، شناسایی شده و در صورت رسیدن به اجماع بررسی‌ها پایان می‌یابند. بعد از آن نیز از روش تاپسیس برای اولویت‌بندی دبیران تربیت‌بندی به رویکردها و روش‌های آموزشی مختلف استفاده شد. با توجه به این‌که پرسش‌نامه دلفی فازی تنها بین متخصصین علوم ورزشی با سابقه پژوهشی در حوزه المپیک توزیع شد، حجم نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری زنجیری و غیراحتمالی گلوله برفی انجام گرفت (بینده؛ ۲۰۱۹)؛ در این روش نمونه‌گیری هر فرد متخصص یک یا چند نفر از متخصصین این حوزه را به فرآیند پژوهش معرفی می‌کند که در اکثر تحقیقات دلفی فازی تعداد متخصصین بین ۱۰ تا ۲۰ نفر را کافی می‌دانند و بیان می‌دارند که بیش از این

1. Malek-Akhlagh, E., Dorostkar-Ahmadi, N., Mehdizadeh, M., Akhavan-Tavakoli, N.
2. Mousavi, P., Yousefi, R., HasanPour, A.
3. Grisham, T.
4. Bindah, E.V.

تعداد منجر به تکرار نظرات می‌شود (حسینی و همکاران؛ ۱۳۹۷). در نتیجه در بخش اول، ۱۹ نفر از اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه المپیوم که حداقل یک عنوان تحقیقاتی در حوزه المپیک داشتند، جهت تعیین معیارهای اولویت‌بندی رویکردهای آموزشی المپیوم انتخاب شدند و تعداد ۴ نفر از این متخصصین پس از پایان بررسی دلفی فازی، پاسخی به تأیید نتایج ندادند. لذا ۱۵ متخصص روی نتایج پایانی اجماع یافتند و با توجه به هدف غربالگری دلفی فازی و این امر که در صورت انتخاب صحیح و آگاهانه متخصصین، تکرار ارسال پرسشنامه‌ها تأثیر قابل توجهی در سطح توافق نظر صورت گرفته در مورد گزینه‌های مطرح شده ایجاد نمی‌کند، تنها یک راند برای نتیجه‌گیری انجام گرفت (میلر؛ ۲۰۰۱). جامعه آماری بخش دوم این تحقیق شامل دبیران تربیت‌بدنی رسمی و غیر رسمی آموزش و پرورش شهر تهران است که بنابر استعلام از اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، تعداد معلمان رسمی ۶۵۰ نفر و به همین تعداد معلم غیر رسمی برآورد شد که با تحقیق هنری^۳ (۲۰۱۸) نیز منطبق است. سپس با توجه به جدول آماری مورگان، تعداد نمونه ۲۹۷ به‌دست آمد که به‌منظور اطمینان از برگشت پرسشنامه‌ها ۳۱۰ پرسشنامه توزیع شد و ۳۰۰ عدد آن به‌طور کامل پاسخ و عودت داده شد. در نتیجه ۳۰۰ نفر از دبیران تربیت‌بدنی به الویت‌بندی شاخص‌ها بر مبنای معیارهای تعیین شده پرداختند. برای انتخاب این نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای- تصادفی و با در نظر گرفتن مناطق جغرافیایی شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز شهر استفاده شد.

ابزار اندازه‌گیری بخش اول تحقیق شامل پرسشنامه دلفی فازی جهت غربالگری معیارها بود که شامل ۹ معیار تأثیرگذار با طیف هفت ارزشی لیکرت و یک سؤال آزاد (چنانچه مورد دیگری مد نظرشان است، بیان کنند) است. در این روش اطلاعات در قالب زبان نوشتاری از خبرگان دریافت و به‌صورت فازی تحلیل شد. هدف این روش دسترسی به مطمئن‌ترین توافق گروهی خبرگان درباره آموزش المپیوم است. در تحقیق حاضر پژوهشگران با مطالعه مبانی نظری در حیطه برنامه‌ریزی درسی به این ۹ معیار شامل "منابع مالی"، "امکانات سخت‌افزاری"، "منابع انسانی"، توانایی‌های حرفه‌ای"، "رویکرد تلفیقی با آموزش"، "اثربخشی"، "منابع دانش"، "جذابیت برای دانش‌آموز" و "عوامل فرهنگی" دست یافتند. پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه از خبرگان، ضریب تغییرات (CV) و نسبت روائی محتوا (CVR) برای هر عامل محاسبه شد. مقدار فازی هر عامل با کدنویسی

1. Hosseini, S.M.H., Dehghanedehnavi, M.A, Ghorbanzadeh, V, Amiri, M, Rajaeebaghisiaee, M.
2. Miller, G.
3. Honari, H.
4. Coefficient of Variation
5. Content Validity Ratio

در نرم‌افزار متلب به دست آمد. ضریب تغییرات، میزان پراکندگی به ازای یک واحد میانگین را بیان می‌کند و در صورت کمتر بودن میزان ضریب تغییرات از عدد $0/5$ نیازی به سنجش مجدد از خبرگان درباره آن شاخص نبود. مقدار نسبت روائی محتوا نیز که بیش از عدد $0/29$ باشد، در این شرایط میانگین یا نظر اکثریت به عنوان جواب نهایی سؤالات در نظر گرفته می‌شود (کیم و همکاران،^۲ ۲۰۱۳؛ ویلسون و همکاران،^۳ ۲۰۱۲). بعد از تعیین طیف فازی مناسب برای فازی کردن اصطلاحات کلامی، باید نظرات با توجه به جدول ۱ فازی‌سازی شوند (حبیبی و همکاران،^۴ ۲۰۱۵؛ سعدآبادی و همکاران،^۵ ۲۰۱۳؛ وو و همکاران،^۶ ۲۰۱۳).

جدول ۱- معادل فازی اصطلاحات کلامی

اصطلاحات کلامی	خیلی زیاد	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	نسبتاً کم	کم	خیلی کم
مقادیر کلامی	(۹،۱۰،۱۰)	(۷،۹،۱۰)	(۵،۷،۹)	(۳،۵،۷)	(۱،۳،۵)	(۰،۱،۳)	(۰،۰،۰)

بنابر این نظر هر خبره به شکل یک عدد فازی مثلثی ($I \in m, u$) نشان داده می‌شود که در این عدد فازی مثلثی u نشان‌دهنده کران بالا و بیشینه مقدار عدد فازی است. I نشان‌دهنده کران پایین و کمینه مقدار عدد فازی و m محتمل‌ترین مقدار یک عدد فازی است (آکیوز و کلیک،^۷ ۲۰۱۵). ابزار اندازه‌گیری در بخش دوم این تحقیق شامل دو ماتریس تصمیم‌گیری برای اولویت‌بندی ۴ رویکرد و ۱۶ روش آموزش المپیزم در مدارس با استفاده از روش تاپسیس^۸ است. روش تاپسیس یا "اولویت‌بندی بر اساس شباهت به راه‌حل ایده‌آل"، یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره مانند روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)^۹ است. از جمله مزیت‌های این روش آن است که روش‌های مختلف آموزش المپیزم می‌توانند دارای واحدهای سنجش متفاوتی بوده و طبیعت منفی و مثبت داشته باشند؛ به عبارت دیگر می‌توان از شاخص‌های منفی و مثبت به شکل ترکیبی در این روش استفاده نمود. بر اساس این روش، بهترین گزینه یا راه‌حل، نزدیک‌ترین راه‌حل به راه‌حل یا گزینه

1. MATLAB
2. Kim, M., Jang, Y.C., Lee, S.
3. Wilson, F.R., Pan, W., Schumsky, D.A.
4. Habibi, A., Jahantigh, F.F., Sarafrazi, A.
5. Saadabadi, A.A., Taleghani, G.R., Golchin, A.
6. Wu, G.D., Liao, S.K., Chiu, C.H., Chang, K.L.
7. Akyuz, E., Celik, E.
8. TOPSIS
9. Analytic Hierarchy Process

ایده‌آل و دورترین از راه‌حل غیر ایده‌آل است. راه‌حل ایده‌آل، راه‌حلی است که بیشترین سود و کمترین هزینه را داشته، درحالی‌که راه‌حل غیر ایده‌آل، راه‌حلی است که بالاترین هزینه و کمترین سود را داشته باشد. یعنی راه‌حل ایده‌آل از مجموع مقادیر حداکثر هر یک از معیارها به دست می‌آید، در حالی که راه‌حل غیر ایده‌آل از مجموع پایین‌ترین مقادیر هر یک از معیارها حاصل می‌گردد. مراحل تاپسیس به صورت زیر است (مؤمنی، ۲۰۱۳):

گام اول) ایجاد یک ماتریس تصمیم‌گیری برای رتبه بندی؛ شامل m گزینه و n معیار.
گام دوم) نرمال نمودن ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس وزن معیارها (به وسیله تکنیک آنترپی شانون)

گام سوم) تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی.

گام چهارم) به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی.

گام پنجم) تعیین ضریب نزدیکی برای هر یک از گزینه‌ها.

گام ششم) رتبه بندی گزینه‌ها بر اساس ضریب نزدیکی.

یافته‌ها

تعیین معیارها با استفاده از روش دلفی فازی

در ابتدا با بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق، ۹ معیار تأثیرگذار بر انتخاب روش آموزشی با در نظر گرفتن سه بخش مؤثر در این زمینه (سازمان آموزش و پرورش و مدارس، معلمان، دانش‌آموزان) استخراج شدند. ابتدا به منظور مشخص نمودن معیارهای مؤثر بر انتخاب روش‌های آموزش المپیوم، با استفاده از روش دلفی فازی نظر خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. به منظور بررسی پیشبرد یا توقف فرآیند نظرسنجی از خبرگان در یک سطح قابل قبول، ضریب تغییرات و نسبت روائی محتوا به دست آمد. همان‌گونه که در جدول ۲ مشخص است، در مرحله اول نظرسنجی، تمام معیارها از روائی قابل قبول برخوردار بود و ضرایب تغییرات کمتر از ۰/۵ است. بنابراین پس از بررسی پاسخ‌ها، نظر اجماع به عنوان پاسخ نهایی برای میزان اثرگذاری هر عامل روی روش‌های آموزش المپیوم در مدارس در نظر گرفته شد و همچنین از سؤال آزاد پرسش‌نامه نیز عاملی به عوامل موجود اضافه نشد.

جدول ۲- مقادیر ضریب تغییرات و نسبت روایی محتوا عوامل تأثیرگذار بر روش‌های آموزش المپیزم در مدارس

عامل	CV	CVR
۱ منابع مالی (F ₁)	۰/۰۷۹	۰/۳
۲ امکانات سخت افزاری (F ₂)	۰/۱۲۰	۰/۵
۳ منابع انسانی (F ₃)	۰/۱۰۶	۰/۵
۴ توانایی‌های حرفه‌ای (F ₄)	۰/۱۲۵	۰/۳
۵ رویکرد تلفیقی به آموزش (F ₅)	۰/۱۸۰	۰/۳
۶ اثر بخشی (F ₆)	۰/۱۴۸	۰/۵
۷ منابع دانش (F ₇)	۰/۰۹۶	۰/۶
۸ جذابیت برای دانش‌آموز (F ₈)	۰/۱۴۹	۰/۳
۹ عوامل فرهنگی (F ₉)	۰/۱۹۱	۰/۳

سپس طبق جدول ۱ مقادیر فازی متناسب با هر معیار جایگزین شد. پس از آن برای غربالگری و مشخص نمودن عامل‌های مهم‌تر از کم اهمیت‌تر، درجه بزرگی هریک نسبت به مابقی عامل‌ها محاسبه شد و سپس کمینه هر سطر محاسبه و مقادیر بیشینه و مثبت به‌عنوان عوامل مهم در غربالگری بررسی شدند. پس از غربالگری نتایج پرسش‌نامه دلفی، پنج عامل "منابع مالی"، "امکانات سخت افزاری"، "اثر بخشی"، "منابع دانشی" و "عوامل فرهنگی" استخراج شدند و توسط خبرگان نیز مورد تأیید دوباره قرار گرفتند. دو معیار اثر بخشی و عوامل فرهنگی اولویت رویکردها و روش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند و معیارهای منابع مالی، امکانات سخت‌افزاری و منابع دانش، امکان اجرایی شدن رویکردها و روش‌ها را بررسی می‌کنند.

محاسبه وزن نسبی معیارها با استفاده از روش آنتروپی شانون

وزن تخصیص پیدا کرده به هر عامل، حاصل ضربی است از میزان درجه اهمیتی که معلمان تربیت‌بندی در معیارهای مختلف به یک شاخص اختصاص داده‌اند ولی برای بیان اهمیت نسبی معیارها باید وزن نسبی آن‌ها را تعیین کرد. در تحقیق حاضر روش آنتروپی شانون جهت وزن‌دهی به معیارها مورد استفاده قرار گرفت. اساس این روش بر این استوار است که هرچه میزان پراکندگی یک معیار بیشتر باشد، آن معیار اهمیت بیشتری دارد. نتایج وزن‌دهی به معیارها با کمک روش آنتروپی شانون در شکل ۱ قابل مشاهده است. در میان این پنج معیار، "منابع دانشی" دارای بالاترین وزن؛ و در مقابل، "منابع مالی" دارای کمترین وزن و اهمیت هستند.



شکل ۱- مقادیر آنتروپی شانون برای معیارها

اولویت‌بندی روش‌ها و رویکردها با استفاده از تاپسیس

با بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق و همچنین اجماع خبرگان، چهار رویکرد در آموزش المپیوم و مجموعاً ۱۶ روش به‌عنوان زیر مجموعه آن‌ها به‌دست آمد که در جدول ۳ و ۴ ضریب نزدیکی هر رویکرد و روش‌های زیر مجموعه آن مشاهده می‌شود.

جدول ۳- نتایج روش تاپسیس در تعیین ضریب نزدیکی تخصیص‌یافته به رویکردها و روش‌های آموزش المپیوم (رویکرد مبتنی بر دانش و رویکرد مبتنی بر تجربه)

هدف	رویکرد	ضریب نزدیکی	روش	ضریب نزدیکی
اولویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیوم در مدارس	رویکرد مبتنی بر دانش	۰/۷۶۳	کتاب درسی برای مدارس	۰/۸۰۱
			برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان	۰/۷۸۵
			انتشار نشریات در حوزه المپیک برای دانش‌آموزان	۰/۸۱۱
			بسته‌های آموزشی نرم افزاری المپیک	۰/۶۸۱
			بازی‌های آموزشی کامپیوتری با موضوع المپیک	۰/۶۷۰
	رویکرد مبتنی بر تجربه	۰/۷۳۳	تورهای یک‌روزه با موضوع المپیک	۰/۷۶۱
			برگزاری جشن‌هایی برای قهرمانان توسط دانش‌آموزان	۰/۷۱۳
			مسابقات هنری در رابطه با المپیک	۰/۷۲۸
			برگزاری روز و هفته المپیک توسط دانش‌آموزان	۰/۷۸۴
			تئاتر و سرود با موضوع المپیک	۰/۵۹۳

جدول ۳- نتایج روش تاپسیس در تعیین ضریب نزدیکی تخصیص‌یافته به رویکردها و روش‌های آموزش المپیزم (رویکرد مهارت‌های حرکتی و رویکرد زندگی محور)

هدف	رویکرد	ضریب نزدیکی	روش	ضریب نزدیکی
اولویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیزم در مدارس	رویکرد مهارت‌های حرکتی	۰/۷۵۱	برگزاری جشنواره المپیک سالانه برای مدارس کشور	۰/۷۴۳
			برگزاری مسابقاتی با الگویی شبیه به المپیک در مدارس	۰/۷۷۴
رویکرد زندگی محور		۰/۸۰۴	ترکیب ارزش‌های المپیک با چالش‌های اجتماعی روز دانش‌آموزان	۰/۸۶۱
			آموزش مسائل اجتماعی با استفاده از تجربیات قهرمانان ورزشی	۰/۸۲۲
			گفتگو با قهرمانان در حوزه ارزش‌های المپیک و رابطه آن با زندگی امروزی	۰/۷۴۳
			ارتباط آنلاین با ورزشکاران و بهره‌گیری از تجربیات آنها	۰/۶۲۱

با در نظر گرفتن پنج معیار منابع دانش، اثربخشی، امکانات سخت افزاری، عوامل فرهنگی و منابع مالی، در میان چهار رویکرد اصلی که در آموزش المپیک درون مدارس وجود دارند، اهمیت و همچنین امکان اجرایی شدن هر رویکرد و روش آموزشی اولویت‌بندی شد. رویکرد "زندگی محور" که به ترکیب ارزش‌های المپیک با زندگی اجتماعی و روزمره دانش‌آموزان تأکید دارد با ضریب نزدیکی ۰/۸۰۴ دارای بالاترین اولویت است و پس از آن رویکرد مبتنی بر دانش و رویکرد مبتنی بر مهارت‌های حرکتی قرار گرفتند، همچنین رویکرد "مبتنی بر تجربه" که به ترویج ارزش‌های المپیک از طریق شرکت فعال گروهی از کودکان و افراد جوان در مناسبت‌های فرهنگی- ورزشی و مرتبط تأکید دارد با ضریب نزدیکی ۰/۷۳۳ از پایین‌ترین اولویت برخوردار است. در میان روش‌های آموزش، "ترکیب ارزش‌ها با چالش‌های اجتماعی روز دانش‌آموزان" با ضریب نزدیکی ۰/۸۶۱ دارای بالاترین اولویت است. همچنین آموزش مسائل اجتماعی با استفاده از تجربیات قهرمانان ورزشی با ضریب نزدیکی ۰/۸۲۲ در رتبه دوم قرار گرفت که هر دو روش از زیر مجموعه‌های رویکرد زندگی محور هستند و نشان‌دهنده اهمیت این رویکرد می‌باشند. پس از این دو روش، انتشار نشریات در حوزه المپیک و تألیف کتب درسی برای مدارس در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند که این دو روش نیز از زیرمجموعه‌های رویکرد مبتنی بر دانش که مرسوم‌ترین رویکرد در آموزش کودکان هست، می‌باشند. همچنین تئاتر و سرود با موضوع المپیک در آخرین اولویت از دید معلمان قرار گرفتند و با

توجه به اولویت آخر رویکرد مبتنی بر تجربه در بین سایر رویکردهای آموزشی منطقی به نظر می‌رسد. همچنین در بین روش‌های زیر مجموعه رویکرد مبتنی بر تجربه، برگزاری روز و هفته المپیک با ضریب نزدیکی ۰/۷۸۴ و تورهای یک‌روزه با موضوع المپیک با ضریب نزدیکی ۰/۷۶۱ بالاترین اولویت را دارند و در رویکرد مبتنی بر مهارت حرکتی، روش برگزاری مسابقات با الگویی شبیه به المپیک با ضریب نزدیکی ۰/۷۷۴ اولویت بالاتری نسبت به روش دیگر دارد. پایین‌ترین اولویت در رویکرد مبتنی بر دانش نیز مربوط به بازی‌های آموزشی کامپیوتری با موضوع المپیک است که نیازمند تلفیق تکنولوژی با ورزش است. همچنین ارتباط آنلاین با ورزشکاران و بهره‌گیری از تجربیات آن‌ها نیز در رویکرد زندگی محور دارای پایین‌ترین اولویت شناخته شد که باز هم نقش پررنگ تکنولوژی در آن دیده می‌شود. در نهایت برگزاری جشنواره‌های سالیانه المپیک برای مدارس در رویکرد مهارت‌های حرکتی پایین‌ترین اولویت را از آن خود کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق سعی شد تا با نگرشی متفاوت، به مقوله آموزش المپیزم در ایران پرداخته شود و با استفاده از چند معیار به بررسی شیوه‌ها و رویکردهای آموزش المپیزم و اولویت‌بندی آن‌ها پرداخته شد. مطالعه حاضر، با استفاده از تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی مانند غفوری و همکاران (۲۰۰۸)، نول (۲۰۰۸، ۲۰۱۲)، بیندر (۲۰۰۵، ۲۰۰۷، ۲۰۱۲) به برآورد روش‌ها و رویکردهای آموزش المپیزم در دنیای امروزی پرداخت و همچنین معیارهای بررسی این شاخص‌ها را نیز مشخص نمود و با تحلیل پرسش‌نامه دلفی فازی، معیارهای مؤثر در آموزش المپیزم که شامل ۹ عامل بودند را از نظر ضریب تغییرات و نسبت روانی محتوا مورد بررسی قرار داد. در نهایت با فازی-سازی این معیارها، پنج عامل "امکانات سخت افزاری"، "اثربخشی روش آموزش"، "منابع مالی"، "منابع دانش" و "عوامل فرهنگی" به‌عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر روش‌ها و رویکردهای آموزش المپیزم در مدارس ایران استخراج شدند. این معیارها تنها اهمیت یک رویکرد یا روش را مورد بررسی قرار نمی‌دهد بلکه با در نظر گرفتن منابع سازمانی امکان اجرایی شدن هرکدام از آن‌ها را نیز در اولویت‌بندی دخیل می‌کند. در حوزه آموزش المپیک، تحقیقات داخلی که عیناً به بررسی روش‌ها و رویکردهای آموزش المپیک پرداخته باشد، وجود نداشت. در حوزه تحقیقات خارجی، تحقیقات متفاوتی به بررسی روش‌ها و رویکردهای مختلفی که در کشورهای گوناگون اجرا می‌شود، پرداخته‌اند. اما با توجه به این‌که المپیزم به‌دنبال افرادی سالم‌تر با نگرشی شادتر و نگاهی صلح-آمیزتر به دنیا است و همچنین با توجه به این‌که المپیزم تلاش افراد را می‌شناسد و از آن تقدیر می‌کند و هیچ‌گونه تبعیضی بین ملت‌ها، نژادها، سیستم‌های سیاسی و ... را قبول نمی‌کند، این امر

رفتار افراد و ادراک آن‌ها نسبت به جامعه را تغییر می‌دهد. جوامع امروزی به‌شدت نیازمند چنین فلسفه‌ای در اқشار مختلف و به‌خصوص دانش‌آموزان است و با در نظر گرفتن تأثیر انکارناپذیر این اصول بر روی دانش‌آموزان و شخصیت آینده آنان، انجام تحقیق حاضر و تحقیقاتی از این دست بسیار حائز اهمیت است.

نتایج تحلیل معیارها نشان داد "منابع دانش" با وزن ۰/۳۴۱ دارای بیشترین اهمیت است. این معیار بیانگر ماهیت دانش مورد نیاز و چگونگی کسب و آموزش آن به دبیران و دانش‌آموزان است که با پژوهش صبوری خسروشاهی^۱ (۲۰۱۰) همخوانی دارد. اگر در محتوا و سرفصل‌های درس تربیت‌بدنی برخی از مبانی و ارزش‌های اصلی المپیزم گنجانده شوند و معلمان در تدریس این سرفصل‌ها، در بخش شناختی توجیه شوند، فرصت خوبی برای ترویج آموزش المپیزم به‌وجود می‌آید. پژوهش‌های پری (۲۰۰۶) و بیندر (۲۰۰۷) نتایجی همسو با این یافته پژوهش داشتند. زیرا به عقیده آن‌ها، ایجاد واحد درسی در رشته تربیت‌بدنی و چاپ کتب درسی می‌تواند اطلاعات دانش‌آموزان را در زمینه جنبش المپیک افزایش دهند. همچنین، ادغام مفاهیم جنبش المپیک در دروس دیگر (مانند تاریخ، هنر، ریاضیات و ادبیات) نیز باعث ورود این مفاهیم به زندگی روزمره و فراگیر شدن آن‌ها با توجه به فرهنگ ایران می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به نو بودن آموزش المپیک (چه در جهان و چه در ایران) منابع دانش در این زمینه جزء اولین مسائل دارای اهمیت است، اما با توجه به فعالیت‌های همه‌جانبه کمیته بین‌المللی المپیک و مرکز مطالعات المپیک و همچنین با توجه به این‌که با برگزاری هر دوره بازی‌های المپیک مواردی به این حوزه دانش اضافه می‌کند، به‌نظر می‌رسد مشکل خاصی در زمینه منابع دانش در آموزش المپیک حس نشود. ولی برای به‌کارگیری درست این منبع نیاز به تشکیل کارگروه‌هایی در بخش تربیت‌بدنی آموزش و پرورش جهت استخراج این منابع و همچنین به‌روز رسانی آن‌ها و تطبیق آن‌ها با فرهنگ کشور محسوس است. لذا پیشنهاد می‌شود با شناسایی رخدادهای و اصول و ارزش‌هایی که در المپیزم است و با فرهنگ ما همخوانی دارد، اقدام به انتشار کتب، نشریات و یا فیلم‌های آموزشی برای دانش‌آموزان گردد. راهکارهای اجرایی از قبیل برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان، برگزاری همایش‌هایی برای آشنایی بیشتر معلمان با فلسفه المپیزم، استفاده از مفاهیم مرتبط با المپیزم در کتب دروس دیگر و همچنین افزایش توجه به این موضوع در درس تربیت‌بدنی می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شوند. با توجه هم‌سویی نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات پیشین و نتیجه تحقیق صفری جعفرلو (۲۰۱۸) و دی‌اوریا^۲ (۲۰۰۴) مبنی بر این‌که استفاده از روش‌ها و فنون تدریس آموزشی متنوع توسط معلمان

1. Sabouri-KhosroShahi, H.

2. D'Oria, A.

تربیت‌بدنی در میزان مشارکت و رضایت‌مندی دانش‌آموزان از برنامه‌های تربیت‌بدنی در مدارس تأثیرگذار است، آشنا ساختن معلمان تربیت‌بدنی با روش‌های نوین تدریس امری لازم و ضروری است. این مطلب در تحقیق آرموران و یلینگ (۲۰۰۴) که نتیجه گرفتند اکثر معلمان تربیت‌بدنی اعتقاد داشتند که پیشرفت حرفه‌ای معلمان نیازمند گذراندن دوره‌های مداوم یادگیری حرفه‌ای (ضمن خدمت) است، مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های ضمن خدمت مرتبط با روش تدریس المپیوم می‌تواند به رسالت خود در زمینه همگام‌سازی معلمان با علوم و اطلاعات جدید عمل نموده و دیدگاه دبیران تربیت‌بدنی را در ارتباط با آموزش المپیوم تغییر دهد. به بیان دیگر، شرکت دبیران تربیت‌بدنی در کارگاه‌های روش تدریس المپیوم باعث آشنایی بیشتر آن‌ها با روش‌های نوین و رویکردهای مناسب آموزش المپیوم شده و در ایجاد تغییر بر شیوه‌های آموزشی آن‌ها در این زمینه تأثیری مثبت خواهد داشت. همچنین معیار "منابع مالی" با وزن ۰/۱۱۱ دارای کمترین وزن در میان معیارهای مورد بررسی بود که با تحقیق رسته مقدم و نادری^۲ (۲۰۱۵) ناهمخوان است. البته با توجه به کمبود منابع مالی در آموزش و پرورش کشورمان و کاستی‌هایی که از این نظر وجود دارد، در اینجا دارا بودن کمترین وزن به معنای عدم اهمیت این منبع نیست؛ بلکه می‌تواند ناشی از کمبود و عدم تخصیص مناسب منابع مالی باشد. در بررسی معیارها به ترتیب "منابع دانش"، "اثربخشی روش آموزشی"، "امکانات سخت افزاری"، "عوامل فرهنگی" و "منابع مالی" دارای بیشترین اهمیت شناسایی شدند. این عوامل با توجه به نیازهای آموزشی و همچنین محدودیت‌ها و امکانات موجود در آموزش و پرورش کشور انتخاب شدند و از بین این معیارها اثربخشی روش آموزشی و عوامل فرهنگی، بیانگر نیازهای آموزشی حاضر؛ و منابع دانش، امکانات سخت افزاری و منابع مالی، نماینده امکانات و محدودیت‌های آموزش و پرورش بودند. البته با در نظر گرفتن وزن تمام معیارها، نمی‌توان تنها یک عامل را دارای اهمیت دانست. بلکه تمامی این عوامل در انتخاب روش و رویکرد آموزش المپیوم دارای اهمیت هستند. البته معیارهای مورد بررسی می‌توانند با توجه به جامعه هدف متفاوت باشند و با توجه به گستردگی مخاطبانِ مبحث آموزش المپیوم این امر حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال در بررسی جوامع مختلف مخاطب آموزش المپیوم (دانش‌آموزان، معلمان، مربیان ورزشی، ورزشکاران، اساتید دانشگاهی و ...)، معیارهای حائز اهمیت نیز می‌توانند متفاوت باشند (بیندر، ۲۰۱۲). در مطالعه حاضر با در نظر گرفتن دانش‌آموزان به عنوان مخاطبان آموزش و با در نظر گرفتن مدارس به عنوان محیط آموزشی، معیارهای فوق جهت بررسی انتخاب شدند.

-
1. Armourand, K.M., Yelling, M.
 2. Raste-Moghdam, A., Naderi, A.

در بین چهار رویکرد اصلی که برای آموزش المپیزم در دنیا مرسوم هستند، رویکرد "زندگی محور" با ضریب نزدیکی ۰/۸۰۴ بالاترین اولویت را دارد که امروزه این رویکرد در بسیاری از کشورهای پیشرفته از لحاظ سیستم آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد (نول، ۲۰۰۷). این رویکرد از جمله روزآمدترین رویکردهای آموزشی در حوزه المپیزم است و به نظر می‌رسد که انتخاب رویکرد "زندگی محور" به‌عنوان اولین اولویت، بیانگر نیاز سیستم آموزشی به جدا شدن از رویکردهای سنتی آموزشی در زمینه تربیت‌بدنی و همراه شدن با سیستم‌های آموزشی روز دنیا است. همچنین این رویکرد با درگیر نمودن زندگی اجتماعی دانش‌آموزان با ورزش و تربیت‌بدنی دامنه گسترده‌تری از تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان را در بر می‌گیرد. پس از آن رویکرد "مبتنی بر دانش" با ضریب نزدیکی ۰/۷۶۳ در رتبه دوم قرار دارد که این رویکرد گسترده‌ترین و محبوب‌ترین نوع آموزش در دنیا است (بیندر، ۲۰۰۷؛ نول، ۲۰۰۸). این روش از سنتی‌ترین روش‌های آموزش در حوزه المپیک است و قرار گرفتن آن در دومین اولویت می‌تواند ناشی از ساختار سنتی آموزش و پرورش کشورمان باشد. پس از این دو، رویکردهای "مبتنی بر مهارت‌های حرکتی" و "مبتنی بر تجربه" قرار دارند که به نظر می‌رسد قرارگیری رویکرد "مبتنی بر تجربه" که تلفیق هنر و ورزش از طریق شرکت فعال گروهی از کودکان و افراد جوان در مناسبت‌های فرهنگی - ورزشی و مرتبط با آن‌ها است. در اولویت آخر می‌تواند ناشی از کمبود منابع سخت افزاری و همچنین عدم باور به فلسفه‌های آموزشی عمل‌گرایانه در بین دبیران و سیستم آموزشی کشور باشد.

در بین روش‌های آموزش المپیزم، دو روش "ترکیب ارزش‌های المپیک با چالش‌های اجتماعی روز" و "آموزش مسائل اجتماعی با استفاده از تجربیات قهرمانان" از رویکرد "زندگی محور" به‌ترتیب در رتبه اول و دوم اولویت‌بندی قرار گرفتند. در واقع با هدف المپیک در خلق یک سبک زندگی که بر پایه احترام به ارزش‌های انسانی، اصول اخلاقی پایه، لذت بردن از تلاش، شرکت در فعالیت‌های ورزشی و نقش تربیتی الگوهای انسانی استوار است، همخوانی دارد (کرال و همکاران، ۲۰۱۰). مفاهیمی مانند بازی جوانمردانه و پرهیز از خشونت، دوپینگ، بهبود روحیه تیمی، لذت تلاش، اعتماد به نفس و ... از جمله مسائل مهمی هستند که جوامع امروزی و به‌خصوص نوجوانان با آن روبه‌رو هستند. فلسفه المپیزم با در بر گرفتن این موارد می‌تواند هم به صورت آموزه‌هایی در کتب درسی و هم به صورت ارائه تجربیات قهرمانان ورزشی در این زمینه، تأثیر به‌سزایی بر ذهن و رفتار دانش‌آموزان داشته باشند. به عنوان نمونه‌ای حمایتی از این رویکرد، می‌توان پروژه معروف "در زندگی یک قهرمان باش" (و نه ... تنها در ورزش) که برای آموزش المپیزم تدریس می‌شود را نام برد (بیندر، ۲۰۱۲). جهت ترکیب کردن مسائل اجتماعی با ورزش می‌توان از جذابیت ذاتی ورزش

برای دانش‌آموزان استفاده نمود و آن‌ها را با آموزه‌های اجتماعی بیشتر همراه کرد که با توجه به شرایط کنونی کشور و نیاز به آموزش مسائل اجتماعی، رویکردی مناسب و کارآمدی است. امروزه دانش‌آموزان با مسائل اجتماعی زیادی اعم از پرخاشگری، ناامیدی، افسردگی، مشکلات اعتماد به نفس و ... که بسیاری از ارزش‌ها و اصول المپیک می‌توانند در این زمینه‌ها کمک کننده باشند، دست و پنجه نرم می‌کنند. لذا آموزش و پرورش و مدارس می‌توانند با ترکیب دروس مرتبط با مهارت‌های اجتماعی و درس تربیت‌بدنی و المپیزم، سهم حوزه شناختی تربیت‌بدنی در سیستم آموزشی را ارتقا دهند و سبب بهبود شاخص‌های اجتماعی کودکان، این آینده‌سازان کشور، باشند. در این زمینه نیاز به آموزش معلمان تربیت‌بدنی در حوزه مسائل اجتماعی و کارکرد ورزش و المپیزم در این حوزه، لازم است که این امر از جمله وظایف سازمان آموزش و پرورش است. پس از این موارد، انتشار نشریات در حوزه المپیک و تألیف کتب درسی برای مدارس که هر دو از زیرمجموعه‌های رویکرد "مبتنی بر دانش" بودند در رتبه سوم و چهارم قرار گرفتند که بیانگر اقبال بیشتر معلمان به روش‌ها و شیوه‌های سنتی آموزش است. "برگزاری سرود و نمایش با موضوع المپیک" و "ارتباط آنلاین با ورزشکاران" در انتهای اولویت‌ها قرار داشتند. هرچند یکی از مهمترین مباحث در سیستم‌های آموزشی امروزی، تلفیق دروس مختلف با یکدیگر است و برگزاری سرود و نمایش با موضوع المپیک نمونه‌ای از تلفیق هنر و ورزش است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به ضعف دانشی و ضعف نیروی متخصص در این زمینه، روش‌های آموزشی از این دست در اولویت‌های انتهایی قرار دارند. سازمان‌های مؤثر در آموزش المپیزم که عبارتند از آموزش و پرورش، وزارت علوم، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی و ... هر کدام به نوبه خود می‌توانند به گسترش اصول و فلسفه المپیزم کمک شایانی کنند. از این بین آموزش و پرورش و مدارس به علت جامعه هدف پرتعداد و همچنین سال‌های متمادی ارتباط با کودکان، می‌توانند نقش بسیار پررنگ‌تری نسبت به باقی سازمان‌ها داشته باشند که البته این امر مستلزم فراهم آوری امکانات و همچنین آموزش مناسب دبیران است.

یک نکته مهم به دست آمده در تحقیق حاضر نیز این مورد است که در اولویت‌بندی روش‌های مختلف آموزشی، قرارگیری اکثریت روش‌های مبتنی بر تکنولوژی (اعم از استفاده از اینترنت، نرم افزار و یا بازی‌های کامپیوتری) در انتهای اولویت‌بندی روش‌های مختلف آموزشی بود و می‌تواند ناشی از عدم آگاهی معلمان و سیستم آموزشی از نحوه استفاده درست از این تکنولوژی‌ها و همچنین مقاومت آن‌ها در برابر ارتقا سیستم سنتی آموزشی به سیستم به‌روز و تکنولوژیک آموزشی باشد. البته این نقص در بین دبیران تربیت‌بدنی با توجه به دقت کمتر سیستم به آموزش تکنولوژی (از قبیل کار با کامپیوتر، اینترنت، استفاده از روش‌های برخط و ...) به دبیران تربیت‌بدنی و

همچنین بکارگیری روش‌های به‌روز آموزشی بیشتر به چشم می‌آید. این امر با تحقیق علیزاده و همکاران^۱ (۲۰۱۶) که بیان می‌دارند نبود دانش استفاده از فن‌آوری اطلاعات و رسانه‌های آموزشی در بین معلمان تربیت‌بدنی، عاملی تأثیرگذار در انتخاب روش تدریس است، همسو است. می‌توان بیان داشت اگرچه رسانه نقش مهمی در آموزش دارد، اما با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، به‌نظر می‌رسد در انتقال مفاهیم و ارزش‌های موضوع حاضر نسبت به سایر روش‌ها از اهمیت کمتری برخوردار است. شاید ذات مفاهیم و ارزش‌ها به گونه‌ای است که تأثیر آن‌ها از روش‌هایی که کودکان آن را تجربه می‌کنند یا نمونه آن را در زندگی حس و لمس می‌کنند کمتر باشد. همچنین، مباحث تخصصی المپیزم در قالب دوره‌ها، کارگاه‌ها، نشست‌ها و همایش‌ها می‌تواند یکی از مهم‌ترین راهکارهای اجرای راهبرد آموزشی باشد که البته عوامل سازمانی مانند داشتن نیروی متخصص و ارتباط با کمیته ملی المپیک برای تأمین چنین نیروهای متخصصی می‌توانند تأثیر زیادی بر اجرای این راهبرد داشته باشند. ردینچکو^۲ (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود با تأکید بر نشست‌ها و همایش‌ها، آن‌ها را راهکار مفیدی برای تبلور یافته‌های جدید در این حیطه می‌داند.

تبلیغ ارزش‌های المپیزم و محتوای مطلوب آموزش المپیزم از رسانه‌های ملی (تلویزیون و رادیو) نیز از مواردی است که می‌تواند تأثیر به‌سزایی در ترویج آموزش المپیزم داشته باشد. در سال‌های اخیر، شبکه‌های ورزشی و شبکه‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان، در تلویزیون و رادیو راه‌اندازی شده‌اند که می‌توانند با همکاری آموزش‌وپرورش و کمیته ملی المپیک برنامه‌هایی را در زمینه آموزش المپیزم تهیه و پخش کنند. همچنین، با توجه به علاقه دانش‌آموزان به دنیای مجازی می‌توان در شبکه‌های اجتماعی با ایجاد محتوای مرتبط به آموزش المپیک، ترویج ارزش‌های المپیک را در بین دانش‌آموزان گسترش داد. وانگ و ماسوموتو (۲۰۰۹) نیز در یافته‌های خود به روش‌های الکترونیکی و شبکه‌های مجازی به عنوان یک روش سریع و کم هزینه برای توسعه آموزش المپیک اشاره دارند. ورزش مدارس در دو بخش ورزش همگانی و قهرمانی مدارس می‌تواند کمک شایانی به اجرای برنامه آموزش المپیزم و توسعه ارزش‌های ورزشی در بین دانش‌آموزان کند. در بخش ورزش قهرمانی، نحوه برگزاری این مسابقات، زمان‌بندی و نحوه شرکت تیم‌ها از جمله مواردی هستند که می‌توان با آمیختن اصول و ارزش‌های المپیک در آن‌ها، فرهنگ و فلسفه المپیک را در بین دانش‌آموزان ورزشکار گسترش داد. همچنین، صحبت و مباحثه با ورزشکاران قهرمان از مواردی است که به عنوان یک روش آموزشی ورزشی می‌تواند به کار گرفته شود. این روش، علاوه بر شناخت قهرمانان توسط دانش‌آموزان، باعث آموزش آن‌ها نیز می‌شود. کارایی این روش به این دلیل است که قهرمانان

1. Alizadeh, V., Ahmadi, M., Ahadi, B.
2. Rodichenko, V.S.

ورزشی برای بسیاری از افراد جامعه به خصوص کودکان و نوجوانان الگو هستند و تأثیرپذیری آموزش المپیک از طریق این افراد را بیشتر از هر فرد دیگری می‌دانند. در قسمت ورزش همگانی دانش-آموزان نیز می‌توان با برگزاری مسابقات نمادین و جشنواره‌های ورزشی مانند المپیادهای ورزشی درون مدرسه‌ای، به ترویج آموزش المپیزم پرداخت. بیندر (۲۰۱۲) نیز به برگزاری مسابقات ورزشی نمادین و آموزش ورزش به‌عنوان یکی از بهترین روش‌ها در اشاعه آموزش المپیک در بین دانش-آموزان اشاره کرده است.

با توجه به تغییرات فراوانی که امروزه سیستم آموزشی هر کشوری با آن‌ها روبرو است و با توجه به نیاز مبرمی که به همسانی با تغییرات و به‌روزرسانی این نظام وجود دارد، رویکردها و روش‌های آموزشی سنتی، دیگر کارآمدی سابق را ندارند و بایستی با معادل‌های امروزی جایگزین گردند. تربیت‌بدنی نیز از این قانون مبرا نیست و نیاز به تغییر در آن حتی بیشتر از سایر حوزه‌های آموزشی به چشم می‌خورد. المپیزم یکی از مهمترین و به‌روزترین مباحثی است که امروزه در سیستم‌های آموزشی کشورها در حوزه تربیت‌بدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فلسفه المپیک با در بر گرفتن تمام حیطه‌های شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی تبدیل به یک مبحث آموزشی همه‌جانبه برای کودکان شده است و از آنجا که موضوعی روزآمد و جذاب است، ارتباط برقرار کردن دانش‌آموزان با آن نیز به سهولت امکان‌پذیر می‌شود. آنچه مسلم است تاکنون برنامه‌ریزی مدونی برای استفاده از رویکردها و روش‌های متنوع آموزشی المپیزم در مدارس ایران صورت نگرفته است و همچنان رویکردهای سنتی در زمینه آموزش در تربیت‌بدنی حکم‌فرما است. مطالعه حاضر می‌تواند سیاست-گزاران آموزشی در حوزه تربیت‌بدنی را برای اولویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیزم در ایران یاری نماید.

منابع

1. Akyuz, E., Celik, E. (2015). A fuzzy DEMATEL method to evaluate critical operational hazards during gas freeing process in crude oil tankers. *Journal of Loss Prevention in the Process Industries*. 38: 243-253.
2. Alizadeh, V., Ahmadi, M., Ahadi, B. (2016). Influencing Factors on tendency of primary school physical education teachers to use instructional media in the teaching process. *Applied Research of Sport Management*. 5(2): 45-52. (Persian)
3. Armourand, K.M., Yelling, M. (2004). Professional e-development and professional e-learning: Bridging the gap for experienced physical education teachers. *European Physical Education Review*. 10(1): 71-93.
4. Bindah, E.V. (2019). *Adoption of snowball sampling technique in an exploratory study of disabled entrepreneurship*. SAGE Publications Ltd. P: 77-83.
5. Binder, D.L. (2001). "Olympism" revisited as context for global education: Implications for physical education. *Quest* 53. 1: 14-34.

6. Binder, D.L. (2007). *Teaching values: An Olympic education toolkit*. Lausanne: International Olympic Committee. P. 121-128.
7. Binder, D.L. (2005). Teaching Olympism in Schools: Olympic Education as a focus on Values Education. Centre d'Estudis Olímpics. 5-16. Web site: <http://olympicstudies.uab.es/lectures/>
8. Binder, D.L. (2012): Olympic values education: evolution of pedagogy. *Educational Review*. 64(3): 275-302.
9. Bronikowski, M. (2007). A Critical Review of Cognitive, Visual, Arts and Kinetic Methods of Teaching in Olympic Pedagogy. 9th International Session for Directors of National Olympic Academies. P. 227-332.
10. Chatziefstathiou, D. (2012). Olympic education and beyond: Olympism and value legacies from the Olympic and Paralympic Games, *Educational Review*. 64(3): 385-400.
11. Chen, S., Henry, I. (2019). Schools' engagement with the Get Set London 2012 Olympic education programme: Empirical insights from schools in a non-hosting region. *European Physical Education Review*. 25(1): 254-272.
12. Corral, C.D., Perez-Turpin, J.A., Vidal, A.M. (2010). Principles of the Olympic movement. *Journal of Human Sport and Exercise*. 5: 3-14.
13. Culpan, I. (2018). Olympism, physical education and critical pedagogy. *European Physical Education Review*: 1356336-18782560.
14. D'Oria, A. (2004). How I improved my teaching practice in grade 9 boys' physical education to increase students' participation and enjoyment (Doctoral dissertation, Nipissing University, Faculty of Education).
15. Geoffery, Z.K., Will, B.J. (2015). Rhetoric and realities of London 2012 Olympic education and participation 'legacies': voices from the core and periphery. *Sport, Education and Society*. 10: 1080-1091.
16. Ghafouri, F., Mirzayi, B., Honari, H., Honarvar, A. (2008). The impact of Olympic education on student attitudes across universities. *Olympics Journal*. 16(41): 71-77. (Persian).
17. Grammatikopoulos, V., Hassandra, M. (2005). Evaluating the olympic education program: a qualitative. *Studies in Educational Evaluation*. 31: 347-357.
18. Grisham, T. (2009). The Delphi technique: a method for testing complex and multifaceted topics. *International Journal of Managing Projects in Business*. 2(1): 112-130.
19. Gupta, B. (2011). Olympism and Indian Society: Complementary or Supplementary. 9th International Session for Educators and Officials of Higher Institutes of Physical Education. P. 420-423.
20. Habibi, A., Jahantigh, F.F., Sarafrazi, A. (2015). Fuzzy delphi technique for forecasting and screening items. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*. 5(2): 130-143.
21. Hassandra, M., Goudas, M., Hatzigeorgiadis, A., Theodorak, Y. (2001). A fair play intervention program in school Olympic education. *European Journal of Psychology of Education*. 5: 99-111.

22. Honari, H. (2018). Designing a model for the physical education teachers' professional characteristics and competencies. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*. 3(19): 55-68.
23. Hosseini, S.M.H., Dehghanedehnavi, M.A., Ghorbanzadeh, V., Amiri, M, Rajaeibaghisiaee, M. (2018). Explaining factor model affecting iranian bank credits using fuzzy delphi approach. *Finnancial Management Perspective Journal*. 21: 115-131.
24. International Olympic Committee (IOC). (2011). Olympic Charter. Lausanne: IOC. P. 50-52.
25. Kim, M., Jang, Y.C., Lee, S. (2013). Application of Delphi-AHP methods to select the priorities of WEEE for recycling in a waste management decision-making tool. *Journal of Environmental Management*. 128: 941-948.
26. Knijnik, J., Tavares, O. (2012). Educating Copacabana: A critical analysis of the "Second Half", an Olympic Education program of Rio 2016. *Educational Review*. 64: 353-368.
27. Malek-Akhlagh, E., Dorostkar-Ahmadi, N., Mehdizadeh, M., Akhavan-Tavakoli, N. (2014). Determination of the basic criteria for selecting a coach by using the Fuzzy Delphi method and selecting the best coach using the developed Topsis technique (Case Study: Damash Sports Club in Guilan). *Management and Development of Sports Journal*. 3(2): 105-128. (Persian).
28. Miller, G. (2001). The development of indicators for sustainable tourism: results of a Delphi survey of tourism researchers. *Tourism Management*. 22(4): 351-362.
29. Momeni, M. (2013). *New research topics in operations*. Ganj Shayegan Publishing House, Tehran. P. 120-126. (Persian).
30. Mongpraneet, S. (2011). Power of Sport. 9th international Session for Educators and Officials of Higher Institutes of Physical Education. P. 331-336.
31. Mousavi, P., Yousefi, R., HasanPour, A. (2015). Identification of information security risks using the Fuzzy Delphi method in the banking industry. *Information Technology Management Journal*. 7(1): 163-184. (Persian).
32. Naul, R. (2012). Olympic education. Translation: Hamidi, M., Jafari, M. Tehran: Publications of Physical Education Research Institute of Ministry of Science, Research and Technology. P. 43-45. (Persian).
33. Naul, R. (2007). *Olympic education*. Oxford: Meyer & Meyer. P. 117-119. Naul, R. (2008). Olympic pedagogy as a theory of development of ethical and humanistic values in education. *Sporto Mokslas*. 3: 9-15.
34. Parry, J. (2003). Olympic education in practice. Proceedings of the 3rd National Congress of Olympism and Sports Culture, University of Ulusal, Bursa, Turkey. 164-74.
35. Parry, J. (2006). Sport and Olympism: Universals and Multiculturalism. *Journal of the Philosophy of Sport*. 33: 188-204.
36. Petrie, K. (2017). Olympic/ism Education: Does it have a place in Physical Education?. *International Academic Journal on Olympic Studies*. 1: 153-168.
37. Raste-Moghadam, A., Naderi, A. (2015). Patterns of funding and extraction of teachings for Iran's higher education system. *Iranian Higher Education Journal*. 7(2): 113-152. (Persian).

38. Rodichenko, V.S. (2005). *Olympic education in Russia*. Fizkultura I Sport Publishers. Moscow.
39. Saadabadi, A.A., Taleghani, G.R., Golchin, A. (2013). Identifying and investigating teamwork barriers in Iranian knowledge-based organizations and Tehran University of Science and Technology Parks through fuzzy approach. *Management, Economics & Accounting, Public Organization Management*. 1(3): 65-82.
40. Sabouri-KhosroShahi, H. (2010). Education in the era of globalization; Challenges and strategies to deal with it. *Globalization Strategic Studies Journal*. 1(1): 153-196. (Persian).
41. Safari Jafarloo, H.R. (2018). Developing the promotion strategies and proper content of olympic education among students of Iranian schools. *Research on Educational Sport Journal*. 6(14): 327-44. (Persian).
42. Sagarzazu, I. (2011). Olympic Education: A bridge between sport, cultural diversity and development. 9th International Session for Educators and Officials of Higher Institutes of Physical Education. P. 111-115.
43. Sajjadi, N. (2006). *Meet the Olympic Movement*. Tehran: National Olympic Committee Publications. P. 23-30. (Persian).
44. Sukys, S., Majauskiene, D., Dumciene, A. (2017). The effects of a three-year integrated Olympic education programme on adolescents' prosocial behaviours. *European Journal of Sport Science*. 17(3): 335-342.
45. Wang, Y., Masumoto, N. (2009). Olympic Education at Model Schools for the 2008 Beijing Olympic Games. *International Journal of Sport and Health Science*. 7: 31-41.
46. Wilson, F.R., Pan, W., Schumsky, D.A. (2012). Recalculation of the critical values for Lawshe's content validity ratio. *Measurement & Evaluation in Counseling & Development*. 45(3): 197-210.
47. Wu, G.D., Liao, S.K., Chiu, C.H., Chang, K.L. (2013). New product development projects selection for Taiwanese century-old businesses. *Life Science Journal*. 10(3): 1152-1161.
48. Zohrevandian, K., Sajjadi, S.N., Khosravizadeh, E., Ebrahimi, F. (2018). A study of the amount of attention to sport and olympic education in textbooks of primary schools. *Sport Management Journal of Tehran University*. 10(1): 65-84. (Persian).

ارجاع‌دهی

مقدادی مازیار، اسماعیلی محمدرضا، غفوری فرزاد. (۱۳۹۸). الویت‌بندی رویکردها و روش‌های آموزش المپیزم در مدارس با استفاده از روش دلفی فازی و تاپسیس. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۲۸-۳۰۵. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.7318.1660

Meghdadi M, Esmacili M R, Ghafouri F. (2019). Prioritize the Approaches and Methods of Teaching Olympism in Schools Using the Fuzzy Delphi and TOPSIS Method. Research on Educational Sport, 7(17): 305-28. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.7318.1660

راهنمای اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

خواهشمند است قبل از پرکردن برگ درخواست اشتراک به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی بنویسید.

۲. بهای اشتراک سالانه:

- مطالعات مدیریت ورزشی: ۴۵۰۰۰۰ ریال
- فیزیولوژی ورزشی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات طب ورزشی: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- رفتار حرکتی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات روانشناسی ورزشی ۳۰۰۰۰۰ ریال
- پژوهش در ورزش تربیتی ۱۵۰۰۰۰ ریال

۳. وجه اشتراک را از طریق فرم ساتنا در کلیه بانکها به شماره شبا IR760100004001022603001582 نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه تربیت بدنی و ورزش، و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس دفتر نشریه ارسال کنید.

۴. شناسه واریزی حقیقی اشتراک نشریه "۳۲۴۰۲۲۶۷۴۱۴۰۱۰۷۰۰۵۱۰۰۳۰۰۳۴۰۰۰۵" می باشد. خواهشمند است روی فیش های واریزی این شماره را اضافه نمایید.

نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - دفتر نشریه.

کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱ تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۴۷۷۹۶

پست الکترونیکی: journal@ssrc.ac.ir

فرم اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

نام: نام خانوادگی: تحصیلات:

تاریخ شروع اشتراک: از شماره:

شغل:

نشانی پستی:

کدپستی: صندوق پستی: نشانی

الکترونیکی: تلفن: به پیوست

رسید بانکی شماره: مورخ:

به مبلغ ریال بابت اشتراک یکساله ضمیمه است.

امضاء

تاریخ

Effect of Need-Supportive Environment on Sport Performance of Primary School Students

H. Mohammadi Sanavi¹, H. Mohammadzadeh², B. Behzadnia³

1. Ph.D. candidate of Motor Behavior, Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Science, Urmia University, Urmia, Iran (Corresponding Author).
2. Professor of Motor Behavior, Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Science, Urmia University, Urmia, Iran.
3. Assistant Professor of Motor Behavior, Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Science, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Received: 2018/06/24

Accepted: 2018/10/29

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of need-supportive teaching style on students' sport performance, and compared to usual teaching style. Two hundred and eight male and female students at the fifth and sixth grades ($M_{age} = 11/58$) selected by available sampling method in badminton and volleyball and they were delivered need-supportive (experimental group 1) and usual (experimental group 2) teaching styles. In the experimental group 1, teachers taught motor skills according to either the constraints-led approach or need-supportive style. In the experimental group 2, teachers taught based on teachers' usual teaching style. Motor skills were measured in pre-test and post-test stages based on previous research. Game performance was measured through the game-play performance index (GPAI) in the transfer test. The results showed that motor skills were promoted in either need-supportive or typical teaching styles in both sports. However, compared to the typical teaching style, only serve skill in volleyball was higher in the need-supportive teaching style. Overall, game-performance was higher in need-supportive teaching style. Findings supported either the study hypothesized and the self-determination theory preposition in the elementary physical education context. This study also shows that need-supportive teaching style is an appropriate approach in promoting game-play performance.

Keywords: Need-supportive Environment, Self-Determination Theory, Constraints-Led Approach, Game Performance

1. Email: h.sanavi@yahoo.com

2. Email: ha.moha64@gmail.com

3. Email: behzadniaa@gmail.com

Prioritize the Approaches and Methods of Teaching Olympism in Schools Using the Fuzzy Delphi and TOPSIS Method

M. Meghdadi¹, M. R. Esmaili², F. Ghafouri³

1. PhD Candidate in Sports Management, Faculty of physical education and Sport science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
2. Associate Professor in Sport Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Associate Professor in Sport Management, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

Received: 2019/04/21

Accepted: 2019/07/24

Abstract

Objective of present study is prioritizing Olympism education approaches regarding cultural and educational criteria of our country. Regarding method, this study is descriptive-analytical and regarding purpose, is practical study. First of all; for determining the criteria of study, fuzzy Delphi method and then the TOPSIS method were used to weighting teachers' opinion. The study sampling was included two groups: 15 physical education experts that have research experience on Olympic, and 300 physical education teachers. Five criteria included knowledge resources, cultural factor, financial resource, efficiency and hardware equipment selected by experts as important criteria. And regarding these criteria's, life based approach with closeness coefficient of 0.804 had the highest priority between approaches and experience based approach with closeness coefficient of 0.733 had the lowest priority than other approaches. Between educational methods, combination of values with social challenge of students and educating social issues by using athletes' experiences had the highest priority. Regarding that Olympic education is a new issue in the world, knowledge resources was the most important criteria to choose educational approaches and method. Life based approach was first priority that show the great need to change traditional education system and become more relevant with modern education systems. Also combination of social life with Olympism education and physical education make the educational method more efficient.

Keywords: Olympism Education, Olympic, Educational Approach, Fuzzy Delphi Method, TOPSIS.

-
1. Email: maziarmeghdadi@yahoo.com
 2. Email: esmaili_shazandi@yahoo.com
 3. Email: farzadghafouri@yahoo.com

Identification and Formulation of a Model of Ethical Values in Iranian Sport

M. H. Ghorbani¹, M. Amiri-Moghaddam², H. Zareian³

1. Assistant Professor, Sport Science Research Institute (Corresponding Author)
2. Sociology of Sport PhD Student, Science and Research Branch, Islamic Azad University
3. Assistant Professor, Sport Science Research Institute

Received: 2018/09/02

Accepted: 2019/01/19

Abstract

The dissemination of ethical values in today's world is essential. Sport in terms of championship, sport for all, educational and professionalism requires a new approach, requires a new approach, in order to provide ethical development and sporting behaviors. Therefore, the present research has been designed to develop a model of ethical values appropriate to sport in Iran. Considering the qualitative and exploratory nature of the subject, the qualitative research method of grounded theory based on Glaser (1992) method was used. The research sample was comprised of 25 elite experts in the field of ethical values in sport, and sampling continued to achieve theoretical saturation. To formulate the research model, a primary list of factors was identified through a review of the literature. Then qualitative data were collected through semi-structured interviews. The open coding results indicated that 58 values could be effective in designing the model of ethical values. In the pivotal coding step, values are classified in seven concepts. Finally, these concepts were combined in the three categories of behavior individual, interpersonal (interactive and interpersonal), and structural (organizational and national) components and so the final model was developed. The findings of this research can be used by policy makers of cultural affairs as well as the executive agencies of sports as a basis for the development of ethical values in sport.

Key words: Ethical Values, Culture, Sport, Grounded Theory

1. Email: ghorbani.moho@gmail.com
2. Email: mahtab.mrjnmr@gmail.com
3. Email: zareian.h@gmail.com

Designing Strategic Plan of Administration of Physical Education of the Farhangian University Based on the 1404 Landscape Document

M. Ahmadian Jelodari¹, Sh. Aalam², V. Nozari³

1. Ph.D. student of sport management, Islamic Azad University, Shoushtar Branch, Shoushtar, Iran
2. Assistant Professor, Faculty Member of Islamic Azad University, Imam Khomeini University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Faculty Member of Islamic Azad University, Arsanjan Branch, Arsanjan, Iran

Received: 2018/01/20

Accepted: 2018/07/23

Abstract

The purpose of this research was designing strategic plan of administration of physical education of the Farhangian university based on the 1404 landscape document. This research is a descriptive-analytical field survey. The statistical community was comprised of 84 heads of campuses at the University of Farhangian Studies, experts consisting of the administration of physical education and the assistants and experts of the general directorate, as well as specialists and elites in the field of physical education at the university of Farhangian affairs. The data collection tools were interviewed and open and closed questionnaire. The validity and reliability of the questionnaire were verified by professors and sports management experts. The information obtained was based on the views of the Strategic council of 12 strengths, 11 weaknesses, 12 opportunities and 11 final threats. In order to evaluate the normal distribution of data, the Kolmogorov-Smirnov test and for analyzing the data, in addition to descriptive indexes, we used the Friedman-Matters test for internal and external evaluation. Based on the final score, 2.56 internal factor matrices and a score of 2.57 external factors matrices and necessary measures, the offensive was identified as the strategic location of the department of physical education at Farhangian university. Using SWOT analysis, three SO strategies, three ST strategies, three WO strategies, two WT strategies, and a total of 11 strategies were identified and ranked according to the Qspm matrix in three sections of SO strategies and other strategies.

Keywords: Strategic Plan, Farhangian University, Physical Education Administration, 1404 Landscape Document

-
1. Email: mehdiAhmadiyan.jelodari@gmail.com
 2. Email: Shahramalam@yahoo.com
 3. Email: V_nowzari@yahoo.com

Pathology of the Implementation of Physical Education and Health Curriculum in First level Secondary School, based on Aker Model

P. Zolghadri¹, M. Kian², M. Aliasgari³, A. R. Elahi⁴

1. PhD student of Curriculum Development, Department of Curriculum Studies, Kharazmi University, Faculty Member of Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Curriculum Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Curriculum Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Sport Management, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Received: 2018/06/27

Accepted: 2018/01/27

Abstract

The purpose of the study was to identify the challenges in implementing the physical education and health curriculum in first level secondary school, based on Aker Model. The research method was a descriptive-survey one. The statistical population included the experts (university professors and curriculum authors), and the teachers of the public high schools in Tehran. The sample was comprised of 18 specialists selected based on a purposive sampling, 88 female teachers selected based on a multi-stage cluster sampling through Morgan's table and 39 scholars selected based on a convenience sampling. The instrument was a researcher-made questionnaire that was developed according to the Aker mode. The ostensible and content validity was confirmed by 8 scholars and the reliability was calculated as 0.97, based on Cronbach's alpha coefficient. Data analysis was done in descriptive and inferiority sections, including single-sample Wilcoxon signed test, Kruskal-Wallis rank analysis and U-Mann Whitney test. The findings showed that the challenges include a diverse range of curriculum components, as learning space, time, content, goals, teacher role, and materials and resources. Based on the findings, it is suggested that the policymakers and the decision-makers of the physical education curriculum coordinate the curriculum components with the goals, improve the educational environment and adapt teaching time to resolve the identified weaknesses.

Keywords: Pathology, Physical Education and Health Curriculum, First Level of Secondary School, Aker Model.

1. Email: zolghadri3249@yahoo.com

2. Email: kian@khu.ac.ir

3. Email: aliasgari2002@gmail.com

4. Email: alirezaelahi@yahoo.com

Cluster Analysis of the Physical Activity Effects on Death Anxiety and Meaning in Life in the Elderly of Tehran

**V. Mousavi¹, E. Houmani², S. Rezaei³,
A. Qorbanpoor lafmejani⁴**

1. Associate professor of psychology, university of Guilan, Rasht, Iran.
2. MA in Psychology, university of Guilan, Rasht, Iran.
3. Assistant professor of psychology, university of Guilan, Rasht, Iran (Corresponding Author)
4. Assistant professor of counseling, university of Guilan, Rasht, Iran.

Received: 2018/08/04

Accepted: 2018/11/06

Abstract

It is suggested that physical activity has a protective effect against the development of mental illnesses, especially in the elderly. The purpose of this study was to analyze the effects of physical activity on the death anxiety and meaning in life in the elderly community of Tehran province. The research design was an analytical type and group comparisons which performed in cross-sectional method. In this research, 400 elderly people aged 60 years and older who were recruited to retirement centers and labor houses in Tehran were selected by simple random sampling method and completed Baecke physical activity questionnaire, Templar Death Anxiety Scale, Steiger's Meaning of Life Questionnaire. Afterwards data were processed using SPSS-20 software and descriptive statistics and Uni/Multivariate analyses of covariance. In addition, by two-stage cluster analysis, the number of optimum clusters was identified and the characteristics of each cluster were evaluated. The results of cluster analysis revealed that there is a direct relationship between search and existence of meaning in life with death anxiety. The cluster with the highest physical activity has the lowest average level of death anxiety. Also, if the level of physical activity is above average, the average death anxiety will decrease to the lowest level. This study highlighted the desired role of physical activity in old age; it was found that high levels of physical activity protect the elderly against death anxiety. The findings of this research can be of interest to public sports policymakers, especially for older people.

Keywords: Death Anxiety, Elderly, Physical Activity, Meaning in Life

-
1. Email: mousavi180@yahoo.com
 2. Email: eli2260@yahoo.com
 3. Email: Rezaei_psy@hotmail.com
 4. Email: qorbanpoorlafmejani@guilan.ac.ir

Effect of Emotional Intelligence Training on Throwing Accuracy, Bimanual Coordination, Balance and Refocusing among Athlete's Students

A. Shams¹, L. Riahi Farsani², M. Sangari³

1. Assistance Professor at Sport Science Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author)
2. Physical education Teacher in Farsan.
3. Assistance Professor at Islamic Azad University, Chalous Branch, Mazandaran, Iran

Received: 2018/05/26

Accepted: 2019/01/19

Abstract

The purpose of this research was to investigate the effect of emotional intelligence training on throwing accuracy, bimanual coordination, balance and refocusing among athlete's teenagers. The research method was quasi-experimental and its statistical population was all students of 14-16 years old in ShahreKord city of Chaharmahal and Bakhtiari province. For this reason, 92 Volunteer students (46 boys and 46 girls) were selected with simple random sampling method and divided into two experimental and control groups. Measuring tools research involved the Bradberry and Greaves emotional intelligence questionnaire, refocusing sub scale of Ottawa Mental States Assessment Tool (OMSAT-3) and series of motor tests (static and dynamic balance, accuracy, and bimanual coordination). The emotional intelligence training program for teenager athletes was performed during 10 sessions. Data were analyzed with using the consistency of variances, Kolmogorov-Smirnov test and independent t-test at the $P < 0.05$ significance level. Results showed that there was a significant difference between the averages of post-test in two groups of 4 components of emotional intelligence (self-awareness, self-management, social awareness, and relationship management), refocusing skill and motor performance (accuracy, static and dynamic balance, bimanual coordination). Thus, it seems that the training of emotional intelligence skills is one important part of mental and motor preparation and necessary to achieve optimum athletic performance.

Keywords: Emotional Intelligence Training, Binaminal Coordination, Balance, Refocusing Skill

1. Email: amirshams85@gmail.com

2. Email: leilariahi@yahoo.com

3. Email: mandana.sangari@gmail.com

Identification and Comparison of Values and Sport Experiences between Iranian Generations

E. Mohamadi Turkmani¹, H. Nariman², H. Khanifar³

1. Phd of Sport Management, College of Farabi-Tehran University (Corresponding Author)
2. M.s Student of strategic management of Sport Organization, PNU south Tehran
3. Professor of Management, College of Farabi-Tehran University

Received: 2018/09/03

Accepted: 2019/02/03

Abstract

The purpose of this study was to identification and comparison of values and sport experiences between Iranian generations. This study was mixed method and compilation of phenomenological methods, thematic analysis in qualitative and quantitative methods. The thematic analysis of 35 sources identified sports values framework, which was approved by a semi-structured interview with ten experts. Phenomenological interviews were conducted with 40 citizens from four different generations to analyze the differences in sport experiences, which were sampled in this section purposefully and accessible and completed with theoretical saturation. Also, statistical population for analyzing the value differences was all citizens of Tehran, which 384 of them were selected from four generations by stratified random sampling and completed a researcher-made questionnaire based on the results of the thematic analysis. The results showed that there are six groups of Profit-making, Social, Aesthetic, Gender, Health and Global values in the field of sport. There is a significant difference between the generations in profit-making, aesthetic, gender and health values, but there was no significant difference in social and universal values between the four generations. Also, Iranian citizens have experience five categories from sport experience including superior physics, superior spirit, distinction, superior social status, and negative experiences that these experiences were in two broad categories of individual and social experiences. Generally, the positive experiences of sport in the third and fourth generations and negative experiences of it in the first and second generations were more significant, so it is necessary that these differences between the generations are considered by planners and sports managers to provide the maximum participation of all generations in sport.

Keywords: Sport Experience, Iranian Generations, Sport Values, Distinction

-
1. Email: Ehsan.mohamadi@ut.ac.ir
 2. Email: h.nariman90@gmail.com
 3. Email: khanifar@ut.ac.ir

Evaluating the Ethical Attitudes of Athlete Students: The Role of Religiosity, Gender and Type of Sport

A. Benesbordi¹, A. Nazari Torshizi², N. Moayed³

1. Assistant Professor of Sport Management Department, Sport Science Faculty, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. PhD Student, Sport (Corresponding Author)

2. Management Department, Sport Science Faculty, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

3. MSc's of Sport Management Department, Sport Science Faculty, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Received: 2018/10/28

Accepted: 2019/05/08

Abstract

Athletes' moralism in sports fields is one of the important issues in every society. The aim of this research was analyzing the ethical attitudes of athlete students: The role of religiosity, gender and type of sport. The research method was descriptive and correlation kind that was conducted as survey. The statistical population of research was Male and Female Athletes of the 14th National Student Sport Olympiad that held in Shiraz in 2018. Statistical population size was 4100 members. According to the sample size determination formula in analytical research, the sample size was estimated at 194 people and after collecting data, 196 full questionnaires were returned and the same number was selected as the statistical sample of the study. Sampling method was available. The research tool was the Lawrence Questionnaire (2013) which after translation and localization, formal and content validity of its was approved by ten sports management professors. Cronbach's alpha coefficient of ethical attitude questionnaire was 0.73 and Religiosity questionnaire was 0.74 which indicates the reliability of the questionnaire. Descriptive statistics was used for describing demographic features and in section of inferential statistics; Kolmogorov-Smirnov test, independent sample t-test and structural equation modeling were used. The results showed that athletes' ethical attitudes were not significantly different based on gender and type of sport, but in the component of honesty, there was a significant difference based on gender and type of sport. In the justice component there was also a significant difference based on type of sport. Also, the results showed that religiosity has a significant effect on all components of ethical attitude of athlete students. Based on the results of the research model, it can be concluded that religiosity is an effective and educative factor for creating ethical attitudes in athletes.

Keywords: Ethical attitude, Gender, Religiosity, Sport, Student

1. Email: a.benesbordi@hsu.ac.ir

2. Email: ahmad.nazari.torshizi@gmail.com

3. Email: n.moayed71@gmail.com

Identification of Sports Clubs Functions to Institutionalize Ethics in Athletes

P. Savari Nikou¹, A. A. Asefi²

1. MA Student of Isfahan University, Faculty of Physical Education and Sports Science, Isfahan, Iran

1. Assistant professor of Isfahan University, Faculty of Physical Education and Sports Science, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

Received: 2018/10/24

Accepted: 2019/06/10

Abstract

One aspect of sports is ethics, necessary to be paid attention. Clubs as a sports institution can proceed to institutionalize ethics in athletes. Therefore, the purpose of this study was to identify functions of sports clubs to institutionalize ethics in athletes. The research method was qualitative from the type of exploratory one and from the perspective of aim, it was applicable and in terms of method was field research. The statistical population included insightful and informed experts in the field of ethics and ethics in sports. Samples were chosen through purposive and available sampling and snowball method. In this study, 11 samples were interviewed to reach theoretical saturation point. Instrument to collect data was depth interview, whose validity was examined based on accuracy in topic selection, designing, conduct and typing interviews, accurate transcription of interviews, incorporation of questions in interview in a logical order and accuracy in reports preparation. Its reliability was evaluated through retest method, and the reliability coefficient of the interviews was calculated 0/77. To analyze the data, codification was done through MAXQDA10 software. The results indicates totally 26 functions (12 regulative, 8 normative, 6 cognitive functions) of clubs to institutionalize ethics in athletes; So, by cognition, planning and creating some mechanisms for operating regulative, normative and cognitive functions in the sport clubs, the process of institutionalization of ethics in athletes could be facilitated and the ethics of sports clubs could be seen.

Keywords: Regulative Functions, Normative Functions, Cognitive Functions, Institutionalization of Ethics, Sports Club

1. Email: aa.asefi@spr.ui.ac.ir

2. Email: savarip1395@yahoo.com

Effects of Teacher Centered and Mastery Motivational Climate Approach On the physical activity level of girls under 8 years old in Shahrekord

M. Ghahraman¹, F. Ghadiri², A. Bahram³

1. Master's degree of motor behavior of the University of Cultural Sciences
2. Assistant Professor of Motor Behavior, university of Kharazmi (Correspond Author)
3. Professor of Motor Behavior, university of Kharazmi

Received: 2018/08/06

Accepted: 2019/06/10

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of teacher-centered and mastery motivational climate on the physical activity of children aged 8 years. The strategy of this research was semi-experimental and applied regarding to purpose, which was done using a pre-test-post-test design with control group. 60 students from elementary schools in Shahrekord city were selected using available sampling and randomly divided into three groups: mastery motivational climate, teacher-centered and control. In the pretest, the children's physical activity was recorded using pedometer measure. The intervention program was conducted during 12 sessions. Then, post-test was carried out. One-way ANOVA and Mixed ANOVA were used to compare intra-group and in-group effects. The results showed no significant difference between the groups in the pretest test ($p > 0.05$). The results of Mixed ANOVA showed that the main effect of the measurement factor (0.0001), the main effect of the group (0.0001) and the interaction of the measurement factor in the group (0.011) were significant. The results of Bonferroni post hoc test showed that there was a positive mastery motivational climate group with teacher-oriented ($P = 0.032$) and control ($P = 0.0001$) as well as between teacher-oriented with control ($P = 0.027$) There is a difference. Overall, suggested although the use of a teacher-centered and Mastery motivational climate approach has a positive effect on the physical activity of children, the use of the mastery motivational climate approach is more effective. Therefore, it is recommended for coaches and teachers to use.

Keywords: Mastery Climate, Teacher-Centered, Physical Activity, Motivation Climate

-
1. Email: masomeh.gh1243@gmail.com
 2. Email: ghadiri671@gmail.com
 3. Email: bahram@khu.ac.ir

Cultural Policy of Students' Sports in Iran, Presentation of Model

A. Gheshmi Meimand¹, M. Pourkiani², M M. Rahmati³

1. Ph.D. Student of Cultural Policy Research, Institute for Cultural and Social Studies
2. Assistant Professor of Faculty of Education and Sport Sciences, Shahid Beheshti University (Corresponding Author)
3. Associate Professor Department of Social Sciences, University of Guilan

Received: 2018/08/05

Accepted: 2018/05/02

Abstract

Considering the significance of sport as an important part of education and as one of the primary requirements of human development for achieving perfectionism, physical fitness, physical and mental vitality and ethical virtues, this article assumes modeling the culture of students' sport as one of the basic axes of cultural policy in sport. Moreover, due to the lack of a model for cultural policy in student sport, this article aims to criticize the existing models and theories in the field of cultural policy and propose an appropriate model of cultural policy for students' sport in the framework of Thematic Analysis method and utilization of experts including 10 Physical Education managers of higher education, researchers, as well as 30 undergraduates, senior and Ph.D. scholars. The presentation of the domestic model of cultural policy of students' sport focused on two main themes of structural change (around the two themes of the interface between managerial and structural changes) and the change in public culture toward sport (around three themes interfacing the culture of social responsibility reinforcement, creating a culture of interest in sport and the educational role of sport) models the culture of students' sport which is one of the most imperative results of this research.

key words: Cultural Policy, Students' Sports, Thematic Analysis

-
1. Email: gheshmi.1987@gmail.com
 2. Email: m.pourkiani46@gmail.com
 3. Email: mahdi.rahmati@gmail.com

Effect of Personality Characteristics on the Job-Search Self-Efficacy of Graduates of Sports Science

S. Gholami Torkesaluye¹, B. yousefy², Sh. Zardoshtian³

1. Phd Student Sport Management Razi University of Kermanshah.
2. Associate Professor of Sport Management, Razi University (Corresponding Author)
3. Assistant Professor of Sport Management, Razi University

Received: 2018/08/12

Accepted: 2018/10/27

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effects of personality characteristics on the job-search self-efficacy of graduates of sports science. The study is descriptive-correlation and applied in terms of the method and aims, respectively. The study was done in the form of field source and the statistical population of the study included graduates of sports sciences out of whom 360 individuals were chosen through random sampling as statistical sample. Measurement tool included five standard questionnaires, self-esteem Chang et al (2018), tolerance of ambiguity Hazn et al (2012), control source Kesavayuth et al (2018) and self-presentation Hart et al (2017) and a job-search self-efficacy of Salehi (2005). For translation validity, progressive-regressive translation validity method was used. Pictorial and thematic validity was also confirmed by 16 sports management professors. In addition, the progressive and regressive reliability and validity of the questionnaire was deemed appropriate. Results analysis was done through structural equations or by means of PLS and SPSS. The results showed that the value of determination coefficient for the internal structure of job search self-efficacy is 0.830, which shows the appropriate processing of structural model. In addition, five factors of self-esteem (0.472), tolerance of ambiguity (0.123), Locus of Control (0.125), and self-representation (0.347) on the job-search self-efficacy graduates of the field of sport sciences have an impact. In general, the achievement of this study for sports officials is the necessity of developing policies tailored to personality characteristics for the further employment of graduates in the field of sports science. On the other hand, graduates of the field of sport sciences can provide the context for their further employment by considering their personal abilities and characteristics.

Keywords: Self-Efficacy, Self-Esteem, Tolerance of Ambiguity, Self-Presentation, Graduates of Sports Science.

-
1. Email: s.gholami_2020@yahoo.com
 2. Email: bahramyoosefy@yahoo.com
 3. Email: zardoshtian2014@gmail.com

Entrepreneurial Educational Needs Assessment in the Curriculum of Sport Sciences (Case Study: Universities of Markazi Province)

Z. Mondalizadeh¹, E. Khosravizadeh²

1. Assistant Professor of Sport Management, Arak University (Corresponding Author)
2. Associate Professor of Sport Management, Arak University

Received: 2018/08/04

Accepted: 2018/10/16

Abstract

The purpose of this study was entrepreneurship educational needs assessment in the curriculum of sport sciences in Markazi Province universities. The process of needs assessment was based on Witkin and Altschuld's model (2010). The research method included two parts: quantitative and qualitative. The research population included sports science undergraduates (last year) and professors. The statistical sample of the quantitative section consisted of 148 people and that of qualitative section (Delphi panel) eight people included. Sampling method was random stratified in the quantitative section and acute cases in the qualitative section. The research tools were entrepreneurship educational status questionnaire, and curriculum goals and educational needs questionnaire (researcher-made). The face validity and content validity were confirmed by 10 experts, and the reliability coefficient was obtained based on the Cronbach's alpha coefficient (0.902, 0.90 and 0.840). Descriptive and inferential statistics were used to analyze the data. The findings showed that the entrepreneurial educational status in the sport sciences curriculum in Markazi Province was unsuitable from the viewpoint of students. The priority of entrepreneurial education needs was related to structural needs, internships, and teamwork skills. There was no significant relationship between the entrepreneurial education needs and current curriculum, and based on the Delphi approach and entrepreneurial needs, educational reformation was achieved at three levels of students, structures and professors. As a result, it seems necessary to review the curriculum and structures at the three levels of education in order to develop entrepreneurship.

Keywords: Needs assessment, Curriculum, Entrepreneurship, Markazi Province, Sport sciences

-
1. Email: z-mondalizade@araku.ac.ir
 2. Email: es70kh@yahoo.co.uk

The Modeling of Professional Competence of Iranian Physical Education Teachers

F. Sadat Mirhosseini¹, N. Aghaei², M. Saffari³

1. Ph.D. in Sport Management, Kharazmi University, Tehran, Iran
2. Associate Professor in Sport Management, Sport Sciences faculty in Kharazmi University and Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 2019/01/29

Accepted: 2019/03/04

Abstract

The competencies and skills of teachers play an essential role in their efficiency and in achieving the goals of the education system. The lack of a model of the necessary professional qualifications of physical education teachers in Iran has led the researcher to design a model for the professional competencies of physical education teachers in Iran. This research was carried out using a mixed research method. In the qualitative stage, 21 semi-structured interviews were conducted with 21 physical education experts in the schools, the data were analyzed by Grounded theory method, 53 items in eleven components (specialized training, personal characteristics, interest, attention to differences, knowledge and skills, creativity, modeling, communication, guidance and safety), and four dimensions (behavioral competence, Emotional, cognitive, and skillful) was the result of that. Based on the findings from the first part of the study, the professional competence questionnaire of teachers was designed and tested. The statistical population was a quantitative part of the research of teachers and physical education experts working in the Ministry of Education. The sample size of the study, ten samples for each item and a total of 430 samples were determined. Statistical methods, exploratory factor analysis and structural equations were used for analysis Data. The results confirmed the exploratory factor analysis of four dimensions and expanded the results by adding the educational dimension. Also, fitness fitting indicators were fitted by structural equations, which showed that the proposed model has good fitness.

Keywords: Professional Competence, Physical Education Teachers, Physical Education in Schools, Mixed Research Method, Structural Equations.

1. Email: mirhoseini2006@gmail.com
2. Email: aghaei.hamid@gmail.com
3. Email: saffari.marjan@gmail.com

Table of Contents

- **The Modeling of Professional Competence of Iranian Physical Education Teachers** .7
F. Sadat Mirhosseini, N. Aghaei, M. Saffari
- **Entrepreneurial Educational Needs Assessment in the Curriculum of Sport Sciences (Case Study: Universities of Markazi Province)**8
Z. Mondalizadeh, E. Khosravizadeh
- **Effect of Personality Characteristics on the Job-Search Self-Efficacy of Graduates of Sports Science**9
S. Gholami Torkesaluye, B. yousefy, Sh. Zardoshtian
- **Cultural Policy of Students' Sports in Iran, Presentation of Model**10
A. Gheshmi Meimand, M. Pourkiani, M.M. Rahmati
- **Effects of Teacher Centered and Mastery Motivational Climate Approach On the physical activity level of girls under 8 years old in Shahrekord**11
M. Ghahraman, F. Ghadiri, A. Bahram
- **Identification of Sports Clubs Functions to Institutionalize Ethics in Athletes**12
P. Savari Nikou, A. A. Asefi
- **Evaluating the Ethical Attitudes of Athlete Students: The Role of Religiosity, Gender and Type of Sport**.....13
A. Benesbordi, A. Nazari Torshizi, N. Moayed
- **Identification and Comparison of Values and Sport Experiences between Iranian Generations)**.....14
E. Mohamadi Turkmani, H. Nariman, H. Khanifar
- **Effect of Emotional Intelligence Training on Throwing Accuracy, Bimanual Coordination, Balance and Refocusing among Athlete's Students**15
A. Shams, L. Riahi Farsani, M. Sangari
- **Cluster Analysis of the Physical Activity Effects on Death Anxiety and Meaning in Life in the Elderly of Tehran**16
V. Mousavi, E. Houmani, S. Rezaei, A. Qorbanpoor lafmejani
- **Pathology of the Implementation of Physical Education and Health Curriculum in First level Secondary School, based on Aker Model**17
P. Zolghadri, M. Kian, M. Aliasgari, A. R. Elahi
- **Designing Strategic Plan of Administration of Physical Education of the Farhangian University Based on the 1404 Landscape Document**18
M. Ahmadian Jelodari, Sh. Aalam, V. Nozari
- **Identification and Formulation of a Model of Ethical Values in Iranian Sport**19
M. H. Ghorbani, M. Amiri-Moghaddam, H. Zareian
- **Prioritize the Approaches and Methods of Teaching Olympism in Schools Using the Fuzzy Delphi and TOPSIS Method**20
M. Meghdadi, M. R. Esmaeili, F. Ghafouri
- **Effect of Need-Supportive Environment on Sport Performance of Primary School Students**.....21
H. Mohammadi Sanavi, H. Mohammadzadeh, B. Behzadnia

Scientific Advisors

- Dr.A.A. Aghaei** (Ph.D. Sport Management)
- Dr. R. Andam** (Associate Professor, Shahrood University of Technology)
- Dr. A. Bahrami** (Associate Professor, University of Arak)
- Dr. F. Emami** (Assistant Professor, Islamic azad university, Ayatollah amoli branch)
- Dr. M. R. Esmaeili** (Ph.D. Sport Management)
- Dr. R. Faraji** (Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University)
- Dr. H. Ghasemi** (Associate Professor, Payame Noor University of Tehran)
- Dr. M.H. Ghorbani** (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)
- Dr. M. Halaji** (Assistant Professor, Farhangian University)
- Dr. M. Kashtidar** (Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad)
- DR. V. Kashani** (Assistant Professor, University of Semnan)
- Dr. E. Khosravi Zadeh** (Associate Professor, University of Arak)
- DR. ZH. Memari** (Assistant Professor, Alzahra University)
- DR.M. Namvar** (Ph.D. Sport Management)
- Dr. M. Poorkiani** (Assistant Professor, Shahid Beheshti University)
- Dr. R. Ramezani Nejad** (Professor, University of Guilan)
- Dr. H. Ramezanzade** (Assistant Professor, Damghan University)
- Dr. Z. Rezaei** (Ph.D. Sport Management)
- Dr. A. Saberi** (Assistant Professor, university of Tehran, College of Farabi)
- Dr. H. R. Safari Jafarloo** (Assistant Professor, jahrom University)
- Dr. Z. Taslimi** (Ph.D. Sport Management)
- Dr. M. Vahdani** (Ph.D. Sport Management)
- Dr. H. Zareian** (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

Research on Educational Sport

- **Chairman Manager:** Ali Sharif Nejad (Assistant Professor)
- **Editor in Chief:** Reza Andam (Associate Professor)
- **Associate Editor:** Mohammad Hossein Ghorbani (Assistant Professor)
- **Managing Director:** Samira Gholamian

- **Editorial Board:**
 - **Reza Andam** (Associate Professor of Sport Management at Shahrood University of Technology)
 - **Abolfazl Farahani** (Professor, Payam e Noor University; Sport Management)
 - **Mohammad Hossein Ghorbani** (Assistant Professor of Sport Management at Sport Sciences Research Institute)
 - **Mehrzad Hamidi** (Associate Professor of Sport Management in University of Tehran)
 - **Mohammad javadipour** (Associate Professor of Curriculum Planning at University of Tehran)
 - **Mohammad Mahdi Rahmati** (Associate Professor of sociology at University of Guilan)
 - **Mohammad Hossein Razavi** (Professor, University of Mazandaran; Sport Management)
 - **Mahdi Talebpour** (Associate Professor, Ferdowsi University of Mashahad)
 - **Hossein Zareian** (Assistant Professor of Sport Management at Sport Sciences Research Institute)
 - **Habib Honari** (Associate Professor, Alame Tabatabaee University; Sport Management)
- **ISSN: 2538-2721**
- **Publisher:** Sport Sciences Research Institute
- **Publication:** Kiamarsi
- **Volume 17; Fall & winter 2019**
- **Address:** 4st Floor 3, 5th Alley, Mir-Emad St., Shahid Motahari Ave., Tehran-I.R.Iran.
- **Postal Code:** 1587958711
- **Tel:** +98-21-88750884
- **Fax:** +98-21- 88747796
- **E-mail:** journal@ ssrc.ac.ir
- **Website:** Journals.ssrc.ac.ir

Research on Educational Sport

7th Year, No 17

Fall & Winter 2020

In the name of God